



# ۵۰ سال سلطنت برد لها

نوشتہ: منوچہر شوکت صدیقی



شماره ثبت کتابخانه ملی  $\frac{۱۶۸۶}{۲۵۲۵/۱/۲۲}$

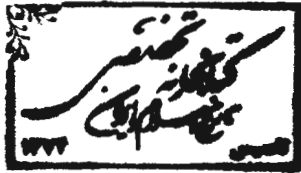
(D. 5. 28)

۲۲۴۰

۲۹۲۵ ۱۱/۶/۲۲

۲۹۲۵

۲۹۲۵



کتابخانه  
پنجاب  
۱۳۰۲

پنجاب سال سلطنت بر دلها



# نیم ستر سلطنت برودها



۴۹۸  
۴۷

مؤلف: منوچهر شوکت صدری

۸۵۰۰۰۰۰۰ - ۸۴۰۰۰۰۰۰

DSR  
۱۴۷۶  
۱۳۸۹  
۴۰

انتشارات مستند

تحت نظر: کریم رشتی زاده

پنجاه سال سلطنت بردلها

مؤلف: منوچهر شوکت صدری

چاپ اول

حروف چینی از: سکرتریال سرویس

گراور: مهرایران

چاپ: چاپخانه گهر - تهران

حق چاپ محفوظ است

امروز سرعت تحولات در جهان به درجه‌های شدید است که هر اجتماعی ممکن در کمال سهولت محو و مستهیل گردد. به نظر من، پیشرفت‌های شگفت‌آوری که در این چند سال اخیر در ایران متجلی است دلیل مسلمی است که ما هم از تحولات و ترقیات استقبال می‌کنیم و هم در حفظ معنویاتی که ویژه تمدن کهنسال ماست ثابت و استواریم. ما به باغ‌های ایران و شعر و ادبیات و زندگی خانوادگی و مهمان‌نوازی که از عادات دیرین ماست شیفته‌ایم. ما به این کشور منزه و سرزمینی که از کویر و کوه‌های پراز برف و صحاری حاصلخیز مستور است افتخار می‌کنیم و به این خطه دلکش و سرو و چنار و میوه‌های پرآب و رودخانه‌ها و چشمه‌ها و جویهای مفروش از کاشی و بهارنارنج و سوری و بلبل آن دل‌بستگی عاشقانه داریم و دستگاه‌های سیاسی و اجتماعی خویش را مایه مباهات می‌دانیم.....

"از کتاب ماموریت برای وطنم"





## یا دوست ناشر

طبیعت آب اینست که روان باشد ، نفوذ کند و پیش برود ، راه خود را با سرسختی باز می کند و اگر مانعی در سر راه آن باشد جمع می شود و انباشته میگردد و سرانجام با قدرتی عجیب مانع را در هم می شکند و با شدتی مهیب و خراب کننده بجلو میرود .

زندگی اجتماع نیز مانند آب دائما " در حال حرکت بجلو است ، اگر مانعی در راه باشد که نتواند با آن مقابله کند تامل می کند ، تحمل می نماید تا روزی میرسد که با نیروی متمرکز و فشرده مانع را نابود می کند ، زندگی چه فردی باشد و چه اجتماعی ، همه حرکت است .

ملل بیدار با زمان پیش میروند و سیر طبیعی خود را مصمم و آرام طی می کنند . اما در زندگی همه ملل دوره‌هایی بوده است که این مسیر طبیعی سدراشکسته و دوباره راه خود را بجلو باز کرده است . تحولات شدید و انقلاباتی که در میان ملل مختلف و در ادوار مختلف بوقوع پیوسته علتی جز این نداشته است .

از اغتشاشات و ناامنی ، عدم ثبات دولت‌ها و تجاوزات دسته‌هایی بردسته‌های دیگر که در سالهای بعد از مشروطه شاهد آن بودیم بگذریم ، روزهایی را بیاد داریم که مسردم بسیاری از شهرها و روستاها چون گوسفندان و چهارپایان مورد استعمار چند نفر وکیل تحمیلی و بانفوذ محلی بودند . از تشبیه به چهارپا برای انسانهایی که آزاد خلق شده و شرافت انسانی آنها را هیچکس کمتر نیست باید شرم داشت ، اما برای تشریح وضع آنروز آنها ،

تشبیهی از این نزدیکتر نمی توان یافت .

بدان روزگارانجام هرکاری آسان بود آنکس که پول داشت نفوذ و قدرت داشت ، می توانست خود هر کاری بکند ، نیروی مردم قدرت ملت و بالاتر از همه پهوند مرد با شاهنشاهی ایران از یاد آنان رفته بود . بدان زمان ((آب گیل آلودها و حکومت کردن)) یک شعاری برای این آدمها بود ، می کوشیدند تابلوا و آشوب میان مردم بیشتر باشد تا آنان بتوانند بهتر و راحت تر باممال خود برسند . شاید این درست ترین تصویری باشد که ما از آن زمان می توانیم در دست داشته باشیم و درکنار این تصویر می بینیم که آنان چه جنایاتی مرتکب شدند ...

چقدر بیگناهایی که بجرم خواستن "حق" خود آواره شدند و فریادشان به گوشی نرسید و چه خانواده ها که پراکنده شدند . این عده معدود که خود را عزیز اجتماع میدانستند غافل از آن بودند که جلوی مسیر اجتماع را نمی توان رفت و این نیرو که هر روز فشرده تر میشود روزی میرسد که همه را سرنگون کند .

در این سالهای پر آشوب ، تنها یک نظر و یک تن بود که به این سیلاب توجه داشت ، به مردم عشق می ورزید و می کوشید مصممانه کشتی سرنوشت این مردم را بسلامت به ساحل سعادت رهنمون باشد . شگرف و معجزه آسا رهنمون سیلاب شده جامعه را از طریق مسالمت و آسودگی بسوی دروازه های تمدن راهبر گردید و درکنار همه انقلابات خونین و خانمان برانداز جهانی انقلابی سپید و نمونه بوجود آورد ، انسانها را آزاد ساخت ، زنها را از بند بردگی رهانید ، به دهقانان ، آنها که تا دیروز چون چهارپایان بودند "شخصیت" عطا کرد و اکنون این مردم در آغاز راهی هستند که بسوی دروازه های تمدن امتداد دارد .

ایرانی ها ، چنان به پیش می روند که نیک میدانند در آینده صاحب کشوری نمونه اند ، اگر اکنون ایران یکی از بیست کشور مرفه جهان است ، تردیدی نیست که با این هدایت و این رهبری بزودی در ردیف بالاتری قرار خواهد گرفت . با این شناخت است که "مردم" آماده شده اند تا پنجاه سال سلطنت خاندان پهلوی را جشن بگیرند . زیرا آنها نیک میدانند که خاندان پهلوی در این پنجاه سال بر قلب آنها سلطنت کرده است . بهاس این بزرگداشت جشن های شاهنشاهی است که ، "ایران ست تیم" اقدام به انتشار کتاب های مستعد و تاریخی

در رشته‌های گوناگون می‌کند تا سهم خود را در دوران انقلاب ادا کرده باشد و اولین کتاب "پنجاه سال سلطنت بردلها" است که نوشته‌ئی خالی از نظر و روایت گونه‌یی از تاریخ ۵۰ ساله ایران است که "منوچهر شوکت صدری" با سالها تلاش و کوشش آنرا گردآورده است و امید می‌رود این خدمت مورد قبول صاحب‌نظران واقع شود.

**ناشر**



# یادداشتی بعنوان مقدمه

مادو هزارو پانصد سال شاهنشاهی داریم ، و تردید نیست که نیم قرن ، در مقابل این دو هزارو پانصد سال ، لحظه‌یی بشمار می آید ، اما این "لحظه" ۵۰ ساله ، حساس‌ترین مراحل حیات ما را در تاریخ معاصر دربرداشته است .

طی این لحظه ، سرنوشت ما چنان دگرگون شده ، مسیر زندگی ما چنان تغییر یافته که نمی‌توان حد و مرزی بر آن شناخت .

طی این لحظه ، ایران چنان از قعر گمنامی به اوج شناسائی رسیده که مایه حیرت جهانیان شده است . نمی‌توان به آسانی از این لحظه گذشت ، از پنجاه سال سلطنت خاندان پهلوی بر دل‌های ملت ایران ، راستی که به آسانی نمی‌توان از این لحظه گذشت بار دیگر مروری کوتاه بنمائیم ، از دو هزارو پانصد سال شاهنشاهی و یک لحظه زندگی ملت ایران .

اگر آنچه را که در ۵۰ سال اخیر در کشور ما روی داد . در نظر آوریم ، وقایعی را مشاهده می‌کنیم که همه زندگی ایران را شکل داده‌اند .

۵۰ سال پیش ، رضاشاه کبیر ، بینانگذار دودمان پهلوی ، بر اریکه سلطنت جلوس نمود و بر آن شد کشوری را که پس از جنگ جهانی اول ، چون بلور شکسته‌یی میمانست . با جمع آوری شکسته‌های این بلور ، و در کنار هم نهادن این تکه‌ها ، شکل دهد و ایران

را آن گونه که در زمان عظمتش بود . خورشید گونه بسازد - کشوری نو ، نیرومند ، با آرزوهای بارور ، و امیدهای بزرگ برای آینده .

رضاشاه بزرگ ، سربازی بود که از میان مردم برخاست . خانواده او در خطه مرد پرور مازندران ریشه های کهن داشت . و این خانواده فرزند ژرف نگر و وطن پرست خود را در میان مردم واقعی ، سازندگان راستین تاریخ ، پرورش داد ، بطوریکه او قدرت بی زوال آنان را از نزدیک می شناخت . این فرزند ، نیک میدانست که باتکیه به اراده مردم ، هیچ چیز غیر ممکن نخواهد بود ، و هم از این رو بود که وقتی ماموریت تاریخی خود را برای نجات ایران از تجزیه و تفرقه آغاز کرد ، ابتدا "هراسی در دل نداشت او ، درهر شرایط که می گذرانید ، در مازندران سرسبز ، در کرمان سربلند و در تهران آشفته و جدا از امید ، او پیوسته در اندیشه لحظه ای می گذرانید که ماموریت بزرگ و تاریخی خود را برای میهنش آغاز کند .

او ، سردار بزرگ تاریخ ما ، در هر کجا بسرمی برد از مشاهده نابسامانی ها ، آشفته گی ها ناپایداری وطن در مقابل حوادث گوناگون ضعف و ناتوانی دستگاه حکومت و نفوذ عوامل بیگانه ، دچار تاثیر می شد ، و هر روز بیش از پیش بر اراده و ایمان خود را سخ تر میگردید که تا لحظه آغاز ماموریت تاریخی اش نزدیک شود .

آن زمان ، جمعیت کشور کمتر از ۱۵ میلیون تن بود . تولید ناخالص به قیمت های امروز حتی به ۲۵۰ میلیون دلار نمی رسید . راه آسفالته در سراسر کشور ، حتی یک کیلومتر وجود نداشت . شماره تخت های بیمارستانها ، از ۳ تجاوز نمی کرد ، راه آهن ، وسرویس های هوایی و کشتیرانی برای مردم در زمره خیال و رویا بود .

نسبت بیسوادان ، از نودونه درصد مردم کشور متجاوز بود . مدرسه بی بصورت امروز وجود نداشت ، و مردم دانشگاه نمی شناختند . دولت مرکزی ، اجتماعی بود از ریزه خواران استبداد و دست نشاندهگان استعمار ، که جز به منافع و جیب خود توجهی نداشتند ، و کسی هم از آنها هراسی نداشت و فرمان نمی برد . اخذ مالیات از مردم بوسیله خان ها و لشگرکشی به اینسو و آنسو انجام می گرفت .

بیگانگان ملزم به رعایت قوانین و مقررات کشور نبودند . سیاست کشور در سفارت خانه های خارجی ، در کنار دود و دم منقل ، و با شرکت دشمنان خارجی ایران ترسیم می شد و شکل می گرفت ، در آن روزهای تیره هیچکس را امیدی نمانده بود . حتی کسانی

که به قابلیت کشور برای باز آفرینی خویش ایمان داشتند ، در آن شرایط سخت ، امید از دست می دادند .

استقلال کشور ، حتی رنگ سایه واقعیت ، را هم نداشت و مشروطیت ایران ، در حد شبهی از پیکری نحیف و رنجور جلوه داشت . ایران با آن همه شکوه گذشته ، درواپسین روزهای دودمان قاجار ، جسم خشک و مرده‌یی را میمانست که با تلنگر سرانگشتی فروریزد و خاک شود . و با چنین شرایط ، فاصله ایران با کشورهای پیشرفته آنچنان بود که پر کردن این فاصله ، حتی در وهم هم نمی گنجید . شگفت اینکه ، حتی گروه‌های قلیل اصلاح طلب و با حسن نیت ، دچار این اعتقاد خط شده بودند که جز با آرمان‌یابان قدرت امپریالیستی موفق نخواهند شد کاری از پیش ببرند . آنان ، با تمام نیکواندیشی‌شان ، برای مردم ایران ارزشی قائل نبودند ، و به اراده‌آنان اعتقادی نداشتند . بهمین جهت ، طرح‌های اصلاحی خود را بجای در میان گذاشتن با مردم ، به گردانندگان این یا آن " سفارت فخمه " عرضه می کردند ، که این گروه وضعی آن چنان مسخره یافته بودند که از گرگ بره کمک طلب می کردند .

در چنین شرایطی سخت و تیره ، مردی که ایران به آن نیازمند آن بود ، ساخته شد ، مردی که افکار و آرمان‌های مردم کشورش را ، از روستائی گرفته تا شهری به خوبی می شناخت و درک می کرد . . . او در طول سالهائی که گذرانده بود . در خود هزاران پرسش برای کشورش طرح کرده بود ، و در مقابل این پرسش‌ها ، پاسخ‌هایی یافته بود که میتوان گفت هنوز هم مایه اصلی زندگی سیاسی و اجتماعی وطن ماست .

پاسخ این سردار بزرگ تاریخ کشور ما این بود : ایران می تواند و باید سازماندهی و بکار گرفتن منظم نیروهای تولیدی را از غرب بیاموزد ، بی آنکه هویت ملی خود را از دست بدهد .

برای دست یافتن به این آرمان ، نخست لازم است وحدت ملی را تجدید کرد ، و بنیانگذار دودمان پهلوی ، پیش از هر چیز ، به واقعیت بخشیدن این مهم پرداخت ، و ثمره چند سال نبرد نظامی و سیاسی ، یکپارچگی کشور ، با یک حکومت مقتدر مرکزی شد . از آن پس ، پرچمی که رضاشاه کبیر مبتکر آن بود ، بر فراز مرزهای کشور همه جا به اهتزاز درآمد . بساط خان‌ها و خان زاده‌های ثمره سده‌های ضعف . برچیده شد و حکومت قانون مستقر گردید و ایران هویت سیاسی خود را باز یافت .

همه آنچه که انجام گرفت . خیلی آسان گفته می شود . واقعا آسان بیان می گردد ، اما هرگام در این راه پر نشیب و فراز ، سرشار ازرنجها ، خون دل خوردن ها و فداکاری هائی بود که گاه با عالیترین حد قهرمانی مقرون بود .

بناگهان ، همه چیز دگرگون شد تا جایی که قدرت های بیگانه دریافتند دیگرایران آن کشوری نیست که کانون دسیسه بازی ها و توطئه چینی هایشان بوده ، و روزهای ترکنازی هایشان بسرآمده است .

الغای کاپیتولاسیون ، دومین ضربه بر نفوذ بیگانگان بود .

از جمله نخستین اقدامات رضاشاه بزرگ حتی پیش از بنیانگذاری دودمان پهلوی ، ایجاد ارتش نوین ایران بود . سردار بزرگ تاریخ ایران نیک می دانست که ضعیفان در نظام سیاست نیز مانند نظام طبیعت پامال قدرتمندانند . چنانکه بهترین دلیل این نظر، خود تاریخ ایران است . ناتوانی ما ، همواره دعوتی برای تهاجم و تجاوز بیگانه بوده است . امروز ، همانطور که شاهنشاه آریامهر فرزند برومند رضاشاه کبیر تاکید فرموده اند همه می دانیم که حق نداریم ضعیف باشیم ، زیرا ناتوانی ما نه تنها استقلال ملی ما را درخطر می افکند ، بلکه ضربه ای به صلح در تمامی منطقه و در نتیجه در سراسر جهان خواهد بود . رضاشاه کبیر ، توانائی کشورش را در تقویت بنیه دفاعی کشور خلاصه نمی ساخت . ایجاد یک سیستم آموزشی نو ، پی ریزی دانشگاه تهران و دانشکده کشاورزی کرج ، اعزام صدها دانشجو به خارج ، تاسیس فرهنگستان ، تشویق ترجمه و تالیف و انتشار کتاب و مطبوعات در مقیاسی بی سابقه ، ایجاد فرستنده های رادیویی و قرار دادن وطن پرستی در قلب آموزش کشور نشان داد که بنیان گذار دودمان پهلوی ، مسلح شدن به دانش های امروزی و میهن پرستی واقعی را همان قدر مهم میدانست که تقویت بنیه دفاعی کشور را .

تدوین قوانین ، ایجاد وزراتخانه ها و سازمان های دولتی ، تعیین تقسیم بندی کشوری ایجاد شبکه دادگاهها ، توسعه حضور دیپلماتیک ایران در خارج و تربیت کادرهای اداری در مقیاس وسیع ، در آن زمان که امکاناتی وجود نداشت . بیشتر به معجزه شهابت داشت . همه این اقدامات که در راه تجدید وحدت ملی کشور صورت گرفت ، موجب شد که مردم ایران برآستی مشاهده کنند که برای نخستین بار در طی سده ها اعضای یک خانواده بزرگ و دارای منافع مشترک هستند .

در تمامی تاریخ ایران، تنها دومورد را مشاهده می‌کنیم که یک سردار به دعوت مردم براریکه شاهنشاهی جلوس می‌کنند. نادرشاه بزرگ و رضاشاه کبیر.

دودمان پهلوی بصورت تحمیلی و با جنگ داخلی بوجود نیامد. دودمان پهلوی به خواست مردم و بدعوت مجلس موسسات بوجود آمد. بهمین جهت دودمان پهلوی از آغاز منشعب از اراده ملت بوده است، و هم‌این امر نشانگر آنست که مردم ما نزدیک به ۲۵۰۰ سال سنت شاهنشاهی خود را به دودمانی که خود برشایستگی آن‌صحه می‌نهادند تفویض کردند.

و آن هنگام که رضاشاه کبیر برای نخستین بار در تخت جمشید و درپاسارگاد در برابر آثارمانده از ایران هخامنشی قرارگرفت واقع می‌توانست خوددودمان خودرا وارث مسئولیت خطیرادامه‌نظام شاهنشاهی ایران احساس کند. قلب او بخاطر ایران می‌تپید دررگ‌هایش خون‌اصیل و پاک‌ایرانی جریان داشت و اندیشه‌اش انباشته از سعادت ملتش و شکوه‌کشورش ایران بود، زیر آکه او برگزیده تاریخ و برگزیده مردم برای پاسداری نظام شاهنشاهی و استقلال ایران بود.

جای‌گرفتن در آن مقام رفیع، و پیوستن بزمراه جاودانه‌های تاریخ موجب نگردید که آن شاهنشاه بزرگ، سادگی و فروتنی خودرا از دست بدهد. او همواره نزدیک بمردم زیست و اجازه نداد اصول پاک سربازی‌اش از یادها دورشود. برآستی می‌توانست گفت که درمیان شاهان بزرگ ایران مقامی ویژه دارد، اما آنچنان فروتنی برگزید که هرگز این حقیقت را بیان نکرد. و این ماهستیم که همگی، در بزرگداشت دودمان پهلوی با مراجعه بوجدان خویش و یادآوری ایران نیم‌قرن پیش، و مقایسه آن با آنچه که ایران امروز است، آنچه که رضاشاه بزرگ درباره خود نگفت، بر زبان آوریم. بررسی آنچه که رضاشاه کبیر برای ایران انجام داد، نه دریک مقاله و صد مقاله، و نه یک کتاب و صد کتاب ممکنست، بلکه نگرشی ژرف و وسیع و فرصتی بسیار طولانی لازم است.

اما همه پیشرفت‌های مادی دوران سلطنت رضاشاه بزرگ قابل مقایسه با دستاوردهای سیاسی و معنوی آن دوران نیست. ایران دیگر بار سرنوشت خویشرا بدست گرفت، اعتماد بنفس یافت، بار دیگر ایران شد . . . .

دربررسی این نیم‌قرن به روز تلخی برمی‌خوریم، روز سوم شهریور ۱۳۲۰ - روزی که ایران بکام تلخ اشغال بیگانگان رفت. و آن روز که رضاشاه بزرگ، با مشتکی از خاک وطن



دوری همیشگی از میهن را که به آن عشق می‌ورزید ، برگزید .

آن روزهای تیره را نیز فراموش نمی‌کنیم ، زیرا که این هشداری همیشگی برای ماست و اکنون ، در این روزهای که با دستیابی بی‌پروزی‌هایی که مستلزم گذشت چند قرن و تلاش و کوششی مافوق تصور است نصیبمان شده ، وقتی بگذشته می‌نگریم ، بی‌تردید درمی‌یابیم بزرگترین ثروتی که رضاشاه‌بزرگ سردودمان پهلوی برای ملت خود بجای نهاد ، فرزند برومندی بود که در تلخ‌ترین و تیره‌ترین ایام تاریخ معاصر وطن ما سگان سرنوشت این کشور را بدست توانای خویش گرفت . آنروز که محمدرضاشاه پهلوی ، بصورت تنه‌اجلوه امید مردم برای مراسم تحلیف ، بمجلس تشریف‌فرما شدند ، مردم در بهارستان یکصدافریاد می‌زدند " زنده باد شاه ، زنده باد شاه ، " و این در واقع نمایانگر اراده ایران برای زنده ماندن و مستقل و سر بلند زیستن بود ، و شاهد این امر که ایران عصر پهلوی حتی در بدترین شرایط ، اعتماد بنفس و امید خویش را بآینده ازدست نمی‌دهد ، زیرا که سلطنت پهلوی پیوسته است .

در آن روز ، کسی نمی‌دانست که کشور ما ، چه سفر با شکوه و جلالی را تحت فرماندهی دومین شاهنشاه پهلوی در پیش رو دارد ، همچنانکه برای کمتر کسی قابل قبول نبود که اشغالگران از تمامی خاک ایران بیرون رانده خواهند شد و ایران با انقلابی به گسترده اقیانوسها برای همیشه خود را از قیدهای ناتوانی و فقر رها خواهد ساخت . . . . اما ملت ایران ، رهبر خود را برگزیده بود و بدنبال رهبر خویش ، براهی گام می‌نهاد ، که در پرتو رهبری خردمندانهاش ، تنها پیروزی و پیروزی نصیب می‌شد . از نخستین پیروزی‌ها که تحت فرماندهی دومین شاهنشاه پهلوی نصیب گردید ، نجات آذربایجان بود . بگفته اند پشمندان تاریخ و ژرف نگران بیطرف شاهنشاه آریامهر ، حتی اگر جز نجات آذربایجان هیچ خدمت بزرگ دیگری به ایران نمی‌کرد ، باز هم در میان شاهنشاهان بزرگ تاریخ کشور ما جایی ممتاز داشت . در جنگ دوم جهانی ، ایران تنها کشوری بود که اشغال شد ، بی‌آنکه پس از خروج بیگانه بخشی از خاک یا حتی تمامی استقلال خود را از دست بدهد . و این را مدیون فرماندهی هستیم که در دشوارترین شرایط و لحظات توانست فراتر از اندیشه‌ها بیاندیشد ، و فراتر از اراده عادی یک فرد عمل کند و اراده تمامی یک ملت را بمیدان عمل آورد .

پس این شگفت نیست که پیوسته ملت ایران شاهنشاه خود را با جان و دل حمایت کرده است . همانطور که در قیام ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، یکپارچه با فریادهای " جاوید شاه " ، بدنیا نشان داد پیوند این ملت با رهبر آن ناگسستنی استگ و این سپاس یک ملت در

مقابل مواهبی است که از پرتو سلطنت رهبران نصیب شده است .  
 این پیوند ادامه یافت ، و پاسخ شاهنشاهی که بعدها از مردم ایران لقب آریامهر گرفت به قیام ۲۸ مرداد ، انقلاب ششم بهمن بود ، و پاسخ ملت به انقلاب شاه و مردم ، اجرای بی چون اصول این انقلاب بود .  
 اکنون برهیچکس پوشیده نیست در سالهای انقلاب ، پیشرفتهای گسترده بی که در همه زمینهها بر رهبری شاهنشاه بزرگ خود نصیبمان شده است ، ما را از چه شرایط بچه شرایط رسانده است ، و با چه دستاوردها در کار ساختن ایران هستیم ، که شاهنشاه آریامهر نوید آنرا بملت داده اند ، تمدن بزرگ هم از اینروست که بزرگداشت پنجاهمین سال بنیانگذاری دودمان پهلوی ، ادای احترام به رضاشاه کبیر ، سیاس بشاهنشاه آریامهر و بیان این حقیقت است که ملت ایران ، تحت رهبری شاهنشاه بزرگ خود ، در نهایت یگانگی ، پیشرفتهایش را ادامه دهد .

جز این چه اندیشهیی ، آدمی را می تواند بر آن دارد تا بررسی و تجزیه و تحلیل تاریخ ۵۰ ساله ایران بپردازد . این بررسی می تواند بآیندگان نشان دهد علت سیاس ملت ایران به شاهنشاه آریامهر چیست و از چه روست که ایرانیان ، چنین یک دل و یک زبان شاه خود را حمد می گویند . و ایرانیان همه از دل و جان نشان می دهند که به سلطنت خاندان پهلوی چگونه عشق می ورزند و به شاهنشاهی ایران افتخار می کنند ، بهترین راه شناخت این ایمان بررسی تاریخ ۵۰ ساله است ، کاری که در این کتاب زحمتشرا کشیده ام می تواند نمایانگر این عشق بیش از حد مردم به شاهنشاهی ایران باشد .

باشد که این زحمت ناچیز نگارنده بعنوان یک خدمت مورد قبول دانش پژوهان و دانش پروران قرار گیرد . و این دفتر روزی ، بعنوان یک سند از تاریخ ۵۰ سال گذشته ایران مورد استفاده واقع شود ، این تنها پاداش و آرزوی مؤلف است .

« منوچهر شوکت صدری »

شاهنشاهی ایران چگونه متولد شد

بیش از ۲۵۰۰ سالی است که نام ایران در قلمرو پهناور جهان طنین انداز است. در زندگی مردم این کشور، فراز و نشیب فراوان بوده است، بارها ایران دچار دست اندازیها شده است. بارها مردم این کشور در زیر یوغ استعمار بوده اند، ولی با این حال، همیشه ندائی، یاری ای و دستی بوده است که سکان کشتی سرنوشت این مملکت را رهبری کند. پیش از بررسی تاریخ پنجاه سال گذشته، بمرور دو فصل از زندگی مردم ایران و شاهنشاهی کشور ایران میپردازیم.

بیش از ۲۵۰۰ سال است که نام ایران در قلمرو پهناور جهان طنین انداز است. این منطقه از جهان که مهد تمدن و فرهنگ بشری بوده و شالوده بسیاری از علوم و فنون و آداب و سنن امروزه را به بشریت ارزانی داشته است طی دورانی بس دراز حوادث و ماجراهای تلخ و شیرین را پشت سر گذاشته است و ملل و اقوام گوناگون را در دامان خود پرورانده است.

اما اکنون از هیچیک از آنها اثری نیست دولت ها و امپراتوری های مقتدری در این منطقه بوجود آمده است و به اوج شکوه و عظمت رسیده که اکنون حتی نامشان نیز از صفحه روزگار محو شده است. تنها ایران است که همچون صخره یی استوار و تزلزل ناپذیر در برابر سیل حوادث پای برجا مانده است و طی قرون متمادی علی رغم شکست ها و ناکامی های دردناک، ملیت و فرطنگ و ویژگی های قومی و نژادی خود را حفظ کرده است.

در طول حیات ملی برای هر ملتی لحظاتی پدیدار میگردد که می باید در گردونه زمان درنگی کند و راه رفته و دوران گذشته را دیده عبرت بین، نگاهی در افکند، در چنین روزهای بافر و شکوهی برای ملت ما نیز چنین لحظاتی فرارسیده است پس در راه پر جنب و جوش و

سربشار از حرکتی که درپیش گرفته ایم لحظاتی چند گامهای پرشتاب مان را رخصت دهیم تا فرصت تماشا و اندیشه درگذشته هایمان را از دست ننهاده باشیم دوهزارو پانصدسال پیش هنگامی که کوروش بزرگ درچنین روزهایی شاهنشاهی ایران را بنیاد نهاد جهان چهره خون آلود و رقت انگیزی داشت .

مردمان از کلد و آشور تا لیدی و بابل درزیر سم ستوران گزمگانی زندگی میکردند که خود را برگزیده خدایان موهوم و رعیت را نوکران جاودانه خویش میپنداشتند از عدل و داد نشانی نبود ، درهمه جا برای بیگناهان هیمه های آتش برمی افراختند و مناره ها از کله بیگناهان و اسیران برپا میداشتند . قتل و غارت و تاراج و چپاول و آتشزدن شهرها و کشورها ، شیوه رایج آن روزگار بود ، و مملکت داری و سلطنت ، دراین الگوهای بیدادگرانه خلاصه شده بود . درچنین هنگامه ای بود که کوروش بزرگ برتخت شاهنشاهی ایران تکیه زد و تیره های گوناگون قوم آریائی را تحت یک نظام و یک پرچم یگانه ، وحدت بخشید و نخستین امپراتوری با عظمت همه تاریخ را بنیان نهاد . کوروش درآئین کشورداری و نیز کشورگشائی ، فردیت و حقوق فردی انسان ها را برسمیت شناخت و آنرا محترم شمرد . کوروش در اعلامیه مشهور خویش که نخستین اعلامیه حقوق بشر درتاریخ است - آزادی ملی و سنتی را چون هدیه ای گرانبها ، به ساکنان قلمرو شاهنشاهی بزرگ خویش بخشید .

کوروش بی شک یک زردشت پاک نهاد بود و زردشت همان را اندرز میداد که کوروش کرد . زردشت ویرانگران و کشندگان مردم و برده کردن آزادگان را دوست نمیداشت . او با تخریب شهرها ، کشتن مردان و اسیرکشدن آنان مخالف بود . درعصری که شاهانی مانند "سناخریب" ، "سارگن" ، "آشوربانیپال" و "بنوکدنز" ، انتخارشان این بود که آن کشور را با خاک یکسان کردم و این کشور را ویران خواهم کرد ، درعصری که کشتارملل مغلوب افتخار شاهان آشور و بابل و عیلام و مصر و سرداران یونان بود ، درعصری که ملل هم نژاد و هم زبان یونان ، با هم چون درندگان رفتار میکردند ، کوروش ستاره درخشانی بود که چشم ها را خیره ساخت . او سرداری بزرگ ، انسانی مهربان و شریف بود ، و "گوبینو" حق داشت که میگفت :

" او یک مسیح بود . . . . . مردی که مقدر بود برتر از دیگران باشد "

پیروزی بردشمنان ، درهم شکستن سپاه ها ، تصرف شهرها و قلاع برای هیچکس افتخاری

نیست، همچنانکه بابل و سارد و همدان در برابر کوروش تسلیم شدند، در برابر اسکندر سرفروداوردند. آن با نیروی نظامی و سربازان نیرومند پیروز شد لیکن دژهای نیرومندی در برابر کوروش سقوط کردند. او مردی خودساخته بود. او از پارس کوچک با نیروی نظامی اندک، و با مستی چوپان پارسی و سربازان تعلیم ندیده بدون اسلحه کافی بپاخواست و مقتدرترین دول عصر خود را از پای درآورد و امپراطوری عظیمی از ساحل سند تا مدیترانه و از ساحل سیحون تا مصر بنا نهاد. او فرزند شایسته و شایسته‌ترین فرزند ملتی بود که پیامبر باستانی‌اش در آن عصر ظلمات و تاریکی، فلسفه و آئین خود را برسه اصل " پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک " بنیان می‌نهاد. سه اصلی که هنوز هم ایده‌آل بشریت است. پس از کوروش، نوادگان شایسته او بر عظمت و شکوه این مملکت افزودند. در برابر متجاوزین، همیشه پایداری و استقامت و فداکاری نشان دادند و در تیره‌ترین روزهای حیات خویش، هرگز دشمن متجاوز را ثنا و درود نفرستادند. سامانیان و اشکانیان و صفوی‌ها پیروزی و مردانی چون شاه عباس کبیر و نادر شاه میراثی را که از کوروش بارت برده بودند، بادل و جان کوشیدند تا گردونه زمان چندان چرخید که دوران پهلوی آغاز گردید، دورانی که ایران یکبار دیگر بعد از مدتی خاموشی و ظلمات و سکوت، عظمت باستانی خویش را تجدید کرد، پیروی از آئین اجداد خویش و برهنمایی و رهنمونی شاهنشاه آریامهر، یکبار دیگر ندادهنده معیارها و ارزش‌های بشری گردید و بنیان نوینی برای دموکراسی ملی و همزیستی بین‌المللی طرح کرد و این همه برای آنکه نام (پرشیا) ی قدیم که مظهر تمدن باستانی ماست بانام (ایران) جدید که مظهر یک ملت و مملکت کوشا و در تلاش و پیشرفت است - درهم آمیزد و از این یگانگی کشوری پدید آید که تمدن باستانی خود را، تکیه‌گاه کوشش و تلاش خویش در راه پیشرفتهای نو کرده است. به گذشته‌های دور بازمی‌گردیم. بدانجا که تاریخ از زندگی کوروش افسانه ساخته است.

(آسیتاک) پادشاه (ماد) نخستین شعله‌بی که پادشاهی را در ایران زمین بنیاد نهادند، تمام شب را در بیم و وحشت بسرآورد و چون سپیده‌دمید، در قصر باشکوه خود بر تخت نشست و با معبران و مغان خویش چنین گفت:

( در خواب دیده‌ام که از شکم دخترم (ماندان) همسر (کمبوجیه) شاه دست‌نشانده پارس تاکی پرشاخ و پر سر برآورده است و بر تمامی آسیایه افکن شده است. ) معبران و

مغان شاه انجمنی آراستند و بمشورت برخاستند و در پایان به "آسیناک" چنین گفتند :  
 - "ای شاه بزرگ" " ماندان" پسری بدنیا خواهد آورد که چون بزرگ شود بر تمامی  
 قاره آسیا چیره خواهد گشت ، و دودمان ماد را اسیر و برده و بنده خویش خواهد ساخت .  
 ای پادشاه ، بدان که این پسر کمبوجیه از خاندان هخامنشی است که دست نشانده و  
 باجگذار تو است .

"آسیناک" ماندان دخترش را از پارس فراخواند . "ماندان" ( ۵۸۳ سال قبل از  
 میلاد مسیح ) پسری بدنیا آورد و "آسیناک" نوه خود را به هارپاک یکی از نزدیکان خود  
 سپرد و باو گفت :

" این نوزاد را با خود بکوهستان ببر و بکش ."

هارپاک به کوهستان رفت ، اما از بیم آنکه ماندان پس از مرگ آسیناک بر تخت پادشاهی  
 نشیند و انتقام خون فرزندش را از او بازستاند نوزاد را جامه های گرانبها و جواهر نشان  
 دربرکرد و او را به چوپان خود میتزادات سپرد و به او گفت این کودک را در جنگلرهاکن  
 ناطعمه جانوران درنده شود .

میتزادات کودک را در آغوش گرفت و پس از گذشتن از هفت دیوار اشهر هگمتانه که  
 دیوار نخستین اش از هفت طلای ناب بود به دیدار همسر خود که در آستانه وضع حمل بود  
 شتافت . همان شب سپاکو همسر میتزادات چوپان پسری مرده به دنیا آورد سپاکو چون ماجرا  
 را شنید دست به دامان همسر آویخت و گفت :

" این کودک بیگناه را مکش او را بمن ببخش خداوند فرزند ما را از ما گرفت و فرزند  
 دیگری بما عطا فرمود ."

میتزادات به کودک نگاه کرد و جامه های جواهر نشان کودک او را برآشفته و با خشم  
 فریاد برآورد :

- محال است هارپاک اگر بداند من از فرمانش سرپیچی کرده ام مرا خواهد کشت .

سپاکو نوزاد را که بسی زیبا بود در آغوش فشرد و گفت :

- پسر مرده مرا برگیر و جامه های جواهر نشان این کودک را بر او بیوشان و او را در

جنگل رها کن چه کسی خواهد دانست که او کیست و اصل و تبارش چیست ؟

میتزادات به اندیشه فرورفت و نیز چنین کرد و بدینسان کورش پسر ماندان و نوه

آسیناک زنده ماند و در خانواده چوپان گمنامی بزرگ شد .

کوروش پسر تیزهوشی بود و برای هر پرسشی پاسخی آماده داشت. کورش در پانزده سالگی روبین افکن و تیر و کمان باز ماهر شد و در اسب سواری نیز سرآمد یاران و همگانش شد.

روزی که در هگمتانه باتنی چند از دوستانش بیازی سرگرم بود بچه‌ها او را به پادشاهی خود برگزیدند. در این میان یکی از آنان از اطاعت فرمان کورش سر باز زد و کورش فرمان داد که او را به تازیانه ببندند. پسرک ماجرا را با پدر خویش که از مردان با نفوذ دربار آسیتاگ بود در میان نهاد و او نیز آنچه را که از پسر خود شنیده بود برای آسیتاگ پادشاه مادها بازگفت.

آسیتاگ کورش جوان را فراخواند و جوان بی باک بی آنکه از آن همه شکوه و جلال به هراس افتد گفت:

— من فرمان دادم که او را تازیانه ببندند زیرا که دوستان و یارانم مرا به پادشاهی خود برگزیدند و سزای کسی که از فرمان پادشاه خود سرپیچی کند تازیانه است. سخنان کورش گستاخی و بی باکی کورش، آسیتاگ را سخت در اندیشه فرو برد و آشکارا می دید که این جوان بیباک چقدر به دخترش ماندان شباهت دارد. آسیتاگ اطمینان یافت که پسر ماندان و نوه اش را یافته است.

آسیتاگ کورش را آزاد ساخت اما میترادات چوپان را احضار کرد و از او پرسید — این پسر کیست؟ چوپان حقیقت را بازگفت و آسیتاگ هارپاگ را احضار کرد و او نیز به گناه خویش اعتراف کرد.

آسیتاگ معبران و مغان دربار را فراخواند و آنان گفتند.

— زنده ماندن کورش این حقیقت را آشکار می سازد که خدایان از او پشتیبانی می کنند و انگهی چون او یکبار از سوی یاران و دوستانش به پادشاهی برگزیده شده است بار دیگر به این مقام دست نخواهد یافت و خطر گذشته است.

آسیتاگ کورش را به پارس روانه ساخت و او را به پدر و مادرش کمبوجیه و ماندان و اسپرد.

در پارس خاندان پاسارگاد یکی از نیرومندترین طوایف هخامنشی سه نسل حکومت را پشت سر داشتند. آنان نیز چون مادها از آریایی ها بودند و همچنان دست نشانده پادشاهان ماد . . . . .

کوروش در مکتب پدر خویش راه و رسم دلیری و مردانگی را آموخت. در این میان هارپاک همچنان در حیرت بود که آسیتاک پادشاه بیدادگر ماد چگونه و از چه روی و با چه اندیشه‌ای گناهش را بخشیده است.

آسیتاک در یک روز در یک میهمانی به حیرت هارپاک پایان داد. در آن به روز سفره طعام هارپاک را در کنار خود نشاند و پس از خوردن طعام به او گفت خوراک مطبوعی بود هارپاک غذایی که خوردی از گوشت تن پسر دلبدت تهیه شده بود.

آسیتاک بیدادگر فرمان داده بود که پسر هارپاک را برابیند و وی را زنده زنده در آب داغ بیا فکنند و از گوشت تنش غذای لذیذی آماده کنند.

هارپاک در ظاهر این انتقام وحشتناک را مجازاتی درخور خود دانست اما در باطن کینه پادشاه ماد را بردل گرفت و بر آن شد که دودمان وی را براندازد و نیک می دانست که در این راه پارسی‌های ستم دیده با او همراهی کرده و نیز می دانست که مادها در این راه یار و پشتیبان او خواهند بود.

هارپاک نامه‌ای برای کوروش نوشت که در آن گفته بود.

"کوروش ای پسر کمبوجیه و ماندان خدایان چشم حمایت به تو دارند و اگر چنین نبود تو اکنون زنده نبودی پس برخیز و از پادشاه ستمکار و بیدادگر ماد که بهنگام تولد تو عزم کشتن تو را داشت انتقام گیر و بدان که پارسی‌ها و مادها نیز یار و یاور تو خواهند بود اگر آسیتاک مرا به سرکوبی تو برگمارد بدان نخستین کسی که تو را به پادشاهی برخواهد گزید همانا من خواهم بود و اگر سرکردگان دیگری از مادها را به سرکوبی تو بگمارد آنان نیز بفرمان من خواهند بود. کوروش اکباتان پایتخت مادها برای قیام و شورش تو علیه آسیتاک آماده است."

کوروش درفش آزادیبخش پارسیان را به همراه سی هزار سوار جنگاور بردوش گرفت و از دشت‌ها و کوه‌ها گذشت و به "هگمتانه" (اکباتان یا همدان) یورش آورد. جنگ سه سال ادامه یافت - در جنگ نخست، مادها پیروز شدند و کمبوجیه پدر کوروش که پادشاه دست‌نشانده "انزان" بود، کشته شد و پارسیان گریختند، اما سرانجام، در جنگ سوم، بیاری "هارپاک" که امیر لشکر بود، پارسیان پیروز شدند. آسیتاک اسیر کوروش شد، اما کوروش او را نکشت، نزد خود نگاه داشت و "آمینیس" دختر او را (که خاله خودش بود) به همسری خود برگزید. بدینسان: کوروش در سی و سه سالگی (۵۵۰ سال قبل از میلاد مسیح) به پادشاهی ایران



زمین رسید و نخستین امپراتوری جهان را بنیاد نهاد.

روز پیش از تاجگذاری کورش لباس‌های فاخر مادی را بین نزدیکان خود توزیع کرد تا روز تاجگذاری با آن لباس‌ها در مراسم شرکت کنند. پیش از برآمدن آفتاب، روز تاجگذاری همه مقدمات امر فراهم شده بود. سربازان در دوسوی راه کاخ بابل، که موبک کورش بزرگو همراهان وی برای برگزاری جشن تاجگذاری، به آنجا میرفت، صف بسته بودند. پشت سر سربازان جمعیت در دو صف ایستاده بود و در برابر صفهای جمعیت ماموران انتظامی پاس میدادند - جلو درهای کاخ سلطنتی چهار هزار نیزه‌دار پارس دیده میشدند پشت سر آنها دوهزار سرباز دیگر بین درها پاس میدادند. تمامی افراد سواره نظام در حالیکه از اسب‌ها پیاده شده بودند و دستها را زیر لباس پاس خود بحالت احترام روی سینه قرار داده بودند، جلب توجه می‌کردند. پارسی‌ها طرف راست مسیر موبک کورش شاه و سایر متحدان طرف چپ استقرار یافته بودند. گردونه‌ها نیز بترتیب در دوسوی جای داشتند.

هنگامی که خدمتگزاران، درهای عظیم کاخ سلطنتی کهن را گشودند، مردم گاوهایی را دیدند که چهار بچه بهم پیوسته‌اند و برای قربانی برده میشدند. پس از آن اسبان آراسته به زین و یراق مرصع در حرکت بودند. پس از اسبها گردونه‌یی که بمهر اختصاص داشت و اسب‌های سفید آنرا میکشیدند و با گل و گیاه آرایش یافته بود پدیدار گشت - در پس این گردونه جمعی با مشعل در حرکت بودند. سرانجام کوروش نیز آشکار گشت، شاهان، پادشاه "انسان"، پادشاه پارس، پادشاه هخامنشی و گشاینده بابل، کوروش بزرگ، کوروش در گردونه‌هایی باشکوه نشسته بود و تاجی کنگره‌دار که گوهرهایی بر آن نصب بود بر سر داشت. شاهنشاه هخامنشی جامه‌یی ارغوانی و حاشیه سفید بردوش و شلواری ارغوانی در برداشت و دست‌هایش از آستین بدر بود. شکوه و عظمت کوروش تا بدانجا بود که اهالی بابل در برابرش زانو بزمین زدند. پس از آنکه گردونه کوروش از کاخ محل اقامت شاهنشاه خارج شد، چهار هزار سرباز نیزه‌دار به حرکت درآمدند و در هر سوی گردونه دوهزار تن جای گرفتند. در حدود سیصدگماشته مسلح بخنجر، عصای سلطنتی را حمل می‌کردند. پس از آن دویست اسب با افسارهای طلا و زین‌پوش‌های مرصع پیش برده میشدند و بدنبال اسبها، دوهزار سرباز برگزیده مسلح به خنجرهای کوتاه در حرکت بودند. صف سربازان صد نفری بود و فرماندهی آنرا "گریزانتاس" برعهده داشت.

در پایان این صف طویل نوبت بسواران ماد، ارمن‌ها، کاپادوکی‌ها و ساسرهار رسید.

در پی آنها گردونه‌های بسیار در حرکت بودند و فرماندهی هنگ گردونه را "آرتاباس" سردار بزرگ پارس برعهده داشت. موکب کوروش از هر جا میگذشت مردم آنرا مشایعت میکردند. بین راه از هرسو عریضه تقدیمش می‌شد. موکب شاهانه بمزارع حوالی کاخی که قرابود تشریفات تاجگذاری در آن مکان برپا شود، رسید، گاوها را قربانی کردند. سپس بفرمان کوروش مسابقه اسب‌دوانی و گردونه رانی برگزار شد و به برندگان مسابقات جوایزی اهداء شد.

کوروش پس از ورود بمعبد تاجگذاری، لباس رسمی مزین بانواع گوهرهای گرانبها برتن کرد و کمربندی زرین بر میان بست و شمشیری که غلافش بگوهرهای گوناگون مرصع بود بکمر آویخت. تختی از زر ناب بالای کاخ و در مقابل در معبد قرار داشت. کوروش روی تخت جلوس کرد. سرداران و فرمانداران سپاه با لباس‌های فاخر و شمشیرهای بلند در دو سوی تخت بترتیب مقام جای گرفتند. پیشاپیش همه، سربازان پارس، پشت سر آنها، سربازان ماد، سپس سربازان ایلامی، سربازان آسیای صغیر و ممالک قرار داشتند و موسیقی بانوای مخصوص مترنم بود.

بیرون در حدود سی هزار سپاهی بحال احترام ایستاده بودند. موبد موبدان تاج شاهی مزین بگوهرهای گرانبها را برداشت و پس از تعظیمی غرا بر سر کوروش نهاد. جامه باشکوه مادی که برنگ ارغوانی بود پاهای کوروش را میپوشاند و ریشش که بدقت مجعد شده بود، بلندتر از ریش دیگران بنظر میرسید. در یک دست شاخه‌ای گل و در دست دیگر عصای سلطنتی داشت. خدمتکاری که پشت سر وی ایستاده بود، بادزنی رنگارنگ را بالای سرش باهتزاز در می‌آورد. کوروش در آن هنگام خطابه خود را چنین آغاز کرد.

" من کوروش هستم، پادشاه سه چهارم زمین، پادشاه "انشان" و پسر کمبوجیه. خانواده من نظر کرده "بعل" و "نبو" و حکومت من مورد علاقه قلبی آنهاست. من با صلح و دوستی بشهر قدیمی بابل وارد شده‌ام و در کاخ پادشاه آنان بنای حکومت خواهم نهاد. " مردوک" خداوند بزرگ در جستجوی حکمران درستکار و درستگرداری بود که بر دنیا حکومت کند، او دست مرا گرفت و بشهر بابل روان ساخت، زیرا من هم بعبادت او توجه داشتم، "مردوک" بامن همراهی کرد تا بابل را بدون خونریزی تسخیر کنم و شهر خود را از بلا برهانم و حکمران آنجا "نبویند" را نیز بدست من تسلیم کرد. . . . "

پس از پایان تاجگذاری، کوروش پسرش کمبوجیه را بولیعهدی خویش برگزید و به

تمامی امرا و سرکردگان خلعت و پاداش داد. اهالی بابل افتخار یافتند که در بارعام شرکت کنند .

آنگاه کوروش در مجلس روحانیان و سران معتبر قوم ، از خوراکی های اهدائی مانند انجیر و پیسته کوهی و ماست تناول کرد و این رسم باستانی آریایی او را متوجه ساخت که میان شاه و روستائیان رجحانی نیست . پس از آن مراسم ، سوگند برگزار شد و کوروش در گفتار و کردار نیکی را پیشه زد و در حق دوستان ، دوستی بکار برد که ضعیف و قوی را یکسان داوری کند و همدش حراست ملتش باشد نه خودش .

مادها نخستین ملتی بودند که " شلوار " را اختراع کردند و پارسی ها نیز دوختن شلوار را از آنان آموختند ، و نیز مادها یک الفبای ۳۶ حرفی را برای پارسی ها بیادگار گذاشتند ، و نوشتن با قلم را بر روی پوست بآنان آموختند ، و نیز استفاده از ستونهای بزرگ را در بناها از مادها آموختند و آئین کشاورزی را نیز از جانب مادها بارت بردند . پارسی ها ، با اصول خانواده پدرشاهی که از جانب مادها تکوین شده بود ، وفادار ماندند و اندک اندک این دو قوم آریایی چنان در یکدیگر آمیختند که نام ماد و پارسی یکی شد .

کوروش بر آن بود که بمناسبت این پیروزی ، جشن شکوهمندی ترتیب بدهد ، از اینرو کاخ پارساگاد را سربر آورد . این کاخ کانون نگهداری خزانه و گنجینه کوروش بود ، و هنگامی که کوروش درگذشت ، جسد او را در تابوتی از طلای ناب قرار دادند و در کاخ پارساگاد خاک سپردند .

عواملی که انقلاب ایران را بوجود آورد

آنچه تاریخ نشان میدهد گویای این حقیقت است که اساس سلطنت ناصرالدینشاه را میرزاتقی خان امیرنظام استوار نمود و طی سه سال حکومت کلیه ی شورشهای داخلی را فرو نشانده ، شروع بیک سلسله اصلاحات نمود و میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری پس از وی نتوانست نقشه های آن مرد بزرگ را عملی کند ، بلکه بتدریج امراء و حکامی که میرزاتقی خان قدرت آنان را محدود نموده و از اجحاف آنها جلوگیری میکرد براقبتدار خویش افزود . تقریبا " مطلق العنان گشتند .

یکی از آمال امیرنظام آن بود که روحانیون از آنچه مربوط بسیاست کشوریا قضایای عرفی است اجتناب نمایند . چه میدانست دخالت این طایفه در سیاست چه در زمان شاه سلطان حسین و چه در عهده فتحعلیشاه تا چه اندازه حسارت به ایران وارد آورده است و از طرف دیگر شفاعت آنها از هرکس و حمایت از بستگان خود موجب اختلال امور کشوراست و دست امناء دولت و حکام را خواهد بست ، بنابراین در سلب نفوذ آنان بکوشید و حتی بست نشستن را موقوف داشت تا فارغ امیال بدون مخالفت احدی بتواند اصلاحات لازمه را بنماید . پس از او میرزا آقاخان نفع خود را در تقرب بروحانیان و بسط نفوذ

آنان دانست تا بکمک این طایفه و مساعدت امراء که در زمان صدرات او آزاد بودند بتوانند زمامداری خود را ادامه دهد .

استبداد ناصرالدین شاه و خودکامی حکام و شاهزادگان و بالاخره قدرت روحانیون که در ظرف حکومت آن دوره دخالت نام داشت اساس سلطنت ناصرالدین شاه را قرارداد . اما با همه این احوال ناصرالدین شاه مجبورگشت خود را به تمدن اروپا و اصلاحات ضروری ولو برحسب ظاهر آشنا سازد چه از یک طرف بسیاری از ایرانیان بیدار شده و طالب اصلاحات بودند و از جهتی رقابت روس و انگلیس در ایران کار را بر او سخت نموده بود . این است که پس از معاهده ایران و انگلیس و تخلیه هرات میرزا آقاخان را از صدرات عزل نمود و امر به تشکیل شش وزارت خانه داد :

" داخله - خارجه - مالیه - جنگ - عدلیه - وظایف . " و برای اینکه امور در ید متصدیان دوایر و ادارات مختلف انجام یابد مدتی احدی را بصدارت معین نکرد تا اینکه میرزا محمدخان قاجار طرف توجه گشت و ملقب به سپهسالار گردید و مقام صدرات یافت ( ۱۲۸۱ هـ ) در این احوال یعنی در سال ۱۲۷۹ فرمانی صادرگشت معروف به کتابچه یادستورالعمل دیوان عدلیه اعظم و در آن تکلیف وزارت خانه ها نسبت به عدلیه و همچنین تکلیف عدلیه نسبت بحکام و طرز اجرای کاپیتولاسیون معین گشت ، یکی از رجال معروف دوره ناصری میرزا حسن خان مشیرالدوله است . این مرد در ابتدا سفیرکبیر دولت ایران در اسلامبول بود و گذشته از کفایت و لیاقت فطری خود از رموز تمدن اروپا و اسرار ترقی غرب اطلاع وافی داشت ناصرالدین شاه وزارت عدلیه و وظایف را به او محول نمود و چون کفایت او را در بسط عدالت و اصلاح امور مشاهده کرد مقام صدرات را به او واگذار ساخت میرزا حسین خان درصدد و اجرای یک سلسله اصلاحات لازم برآمد و تشکیل دارالشورای دولتی داد .

دست حکام و عمال را از ظلم و اجحاف کوتاه نمود و شیوه و تعارف را ممنوع ساخت . به قحطی زدگان سال ۱۲۸۸ نهایت مساعدت را کرد و در اندیشه آن بود که بوسیله یک سلسله اصلاحات اقتصادی ایران را از تحت نفوذ بیگانگان نجات دهد و برای اینکه شاه را بخوبی با تمدن اروپا آشنا و از اوضاع ملل غرب واقف سازد . وسایل مسافرت او را به فرنگ فراهم آورد ( ۱۲۹۰ ) . متأسفانه مغرضین و بعضی از روحانیون به تحریک روسها

که اصلاحات را مخالف سیاست خود می دانستند شاه را وادار کردند تا او را عزل نماید . این پیش آمد میرزا حسن خان را دل سرد نموده به قسمی که چون شاه او را ملقب به سپهسالار اعظم کرد و وزارت ف خارجه را به او وا گذاشت کاری از پیش نبرد ولی باردیگر شاه را تشویق به سفر اروپا نمود ( ۱۲۹۵ ) . در سال ۱۲۹۷ میرزا حسین خان والی آذربایجان گشت و غائله شیخ عبیداله را رفع نمود .

پس از سپهسالار میرزا یوسف آشتیانی ملقب به مستوفی الممالک صدر اعظم گشت ولی در همان اوان آقا ابراهیم امین السلطان و پس از او پسرش میرزا علی اصغر خان امین الملک بی نهایت مقرب گشتند و چون مستوفی المملک در سال ۱۳۰۳ بدرود حیات گفت میرزا علی اصغر خان که پس از فوت پدر به امین السلطان ملقب گشته بود شخص اول گردید و بانا صرا الدین شاه به فرنگ مسافرت نموده و در سال ۱۳۱۰ مقام صدرات یافت :

در ۱۷ ذی قعدة ۱۳۱۳ ناصرالدین شاه بضر چنانچه میرزا رضا کرمانی که انواع ظلم و ستم دیده بود در زاویه حضرت عبدالعظیم پس از چهل و نه سال سلطنت به قتل رسید . این پادشاه می توانست در مدت سلطنت طولانی خود خدمات مهمی به این مملکت نماید ولی متاسفانه با اینکه یقین داشت ایران محتاج اصلاحات ضروری است بواسطه استبداد جبلی و خودخواهی فوق العاده ، اصلاحاتی هم که دیگران پیش بینی کرده بودند بی نتیجه یا ناتمام گذاشت و حتی المقدور کوشش نمود تا شاید از بیداری علت جلوگیری نماید در حالیکه هنگام رحلت او مقدمات انقلاب از هر حیث فراهم شده بود .

– این نکته مسلم است که طی تاریخ دوهزار و پانصدساله این کشور ، ایرانیان هیچگاه از استقلال خود صرف نظر نکرده و شخصیت ملی خویش را از دست نداده اند . هرگاه بواسطه پیش آمدهای ناگوار اساس استقلال این کشور متزلزل می گشت و مرز و بوم ، عرصه تاخت و تاز ملت بیگانه ای واقع می گردید ساکنین این دیار بانواع مختلف پرچم استقلال را برافراشته و گاه خصم را باتیغ آبدار از میدان بدر می کردند ، چنانکه خراسانیان بانی امیه نمودند و زمانی باندبیر و حسن سیاست دشمن را مستهلک در خود می نمودند و زمام امور را در دست می گرفتند . چنانکه بادودمان چنگیز همین معامله را کردند . مهمترین علت انقلاب ایران در زمان قاجاریه همین حس استقلال طلبی و آتش ملیت است که در سینه ایرانیان شعله ور بوده و هیچگاه خاموش نشده است .

بیش از هر چیز مردم متوجه شدند که در زمان قاجاریه قطعات مهمی از کشور آنها بدست بیگانگان افتاده و اجانب در امور داخلی مملکت دخالت کرده از یک جهت سد اصلاحات گردیده و از طرفی بوسیله بدست آوردن امتیازات گوناگون بزرگترین لطمه را بحقوق ایرانیان وارد آوردند .

بدیهی است که ایرانیان از این اوضاع بی خبر نبودند ولی اعلام جهاد که در زمان فتحعلیشاه داده شد بضرر ملت تمام گشت و در زمان ناصرالدین شاه هم که امر به جهاد بر علیه انگلیسی‌ها دادند فایده نبخشید . در خلال این احوال چندتن از وزراء دانشمندان و کاردان - کسانی چون میرزا بزرگ قائم مقام و میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی ، میرزا تقی خان امیرنظام ، میرزا محمدخان سپهسالار نقشه اصلاحات سودمندی طرح کردند و گرچه این اقدامات بی نتیجه و یا ناتمام ماند ولی در تنویر افکار عمومی بی اثر نبود و مخصوصاً " می توان گفت اقدامات میرزا تقی خان امیرنظام در بسط معارف ، تاسیس دارالفنون ، ایجاد روزنامه ، تشویق محصلین ، فراگرفتن علوم جدید ، باب جدیدی بروی بسیاری از ایرانیان باز کرد و با مطالعه کتب اروپایی سر ترقی اروپائیان را دریافتند .

از طرف دیگر خواه و ناخواه رفت و آمد با ملل غرب بیشتر شد ، مشاهده آثار علوم و صنایع آنها و آزادی و مساوات افراد آن دیار بر هوشمندان ایرانی ثابت کرد که استقلال و ملیت ما نیز بخطر افتاد .

می توان اشاره کرد آنچه باعث شد تا انقلاب در ایران بوجود بیاید عواملی از این قرار بوده است :

- تعدی بیگانگان و تجاوز به اراضی ایران و مداخله آنها در امور داخلی کشور .
- فروختن و یا واگذار کردن حقوق ایرانیان بموجب امتیازات گوناگون .
- استبداد شخص شاه و ظلم و تعدی حکام و شاهزادگان .
- ارتباط با ملل غرب و مشاهده اوضاع و ممالک آنها .
- بیداری ملت در نتیجه علل مختلفه ، مطالعه جراید و مجلات خارجه ، فراگرفتن علوم جدید و اطلاع بتاریخ نهضت اروپا ، تاثیراتی که اصلاحات میرزا تقی خان امیرکبیر در مملکت نمود ، تبلیغات بعضی از علماء و دانشمندان مانند سید جمال الدین اسدآبادی هرروف به افغانی ، حاج شیخ هادی نجم آبادی ، پرنس میرزا ملکم خان و غیره و بالاخره با

پیشرفت مطبوعات .

— ه جمعیت های مذهبی را باید از علل مهم انقلاب محسوب کرد و موجب تقویت فکر اتحاد اسلام گردیده این نکته قابل ملاحظه است که در قرن نوزدهم میلادی بزرگترین ضربت از طرف ملل مسیحی بسر ممالک اسلامی وارد آمده آنچه راجع به ایران و برباد رفتن قطعات مهم این مملکت است بتاریخ گذشته در دوران قاجاریه مربوط میشود اما در دیگر کشورهای اسلامی وقایع برتر از ایران بوده است . ترکیه در ۱۸۲۹ میلادی یونان را از دست داد و پس از جنگ کریمه ( ۱۸۵۶ میلادی ) استقلال رومانی را بشناخت و بعد از معاهده هرگونه ( ۱۸۷۸ میلادی ) سرب ( صربستان ) و بولگاری ( بلغارستان ) مستقل گردید و اوضاع سیاسی ترکیه تحت نظر دول مقتدر اروپایی قرار گرفت . همچنین الجزیره بین سنوات ۱۸۴۰ تا ۱۹۰۰ جزء متصرفات فرانسه شد و در ۱۸۸۱ مصر پس از شورش اعرابی پاشا تحت حمایت انگلستان در آمد و کمپانی تجارتی هند مشمل گردید و ملکه انگلیس و یکتوریا ، امپراطریس هندگشت . بطور کلی در تمام ممالک و متصرفات اسلامی دست اروپائیان دراز شده بود . پس نه عجب اگر فکر اتحاد مسلمین تقویت یافت و جمعی را عقیده بر آن شد که کلیه مسلمین باید نفاق سنی و شیعه را کنار گذاشته و در حفظ اسلام بکوشند بدلیل عرق وطن پرستی بود . بزرگترین مبلغ این نظریه سید جمال الدین اسد آبادی است که او در ترکیه هندوستان و مصر نیز تخم انقلاب را کاشت و در بیداری مسلمانان جدیدیت خاص داشت . گرچه سید در ایجاد اتحاد اسلام آنطور که او مایل بود موفق نگردید و نیز نقشه اش قابل اجرا نبود ولی جای شک نیست که در بیداری ملل شرق و آگاه ساختن آنان از خطری که آنها را احاطه نموده بود کارهای بزرگی کرده است .

شاید می توان ادعا کرد که پیشرفت امور پست و تلگراف نیز در جریان انقلاب ایران نقش اساسی داشته است زیرا مردم با این وسیله از اوضاع هرچه زودتر با خبر می شدند و خود را آماده مبارزه می ساختند .

در زمان ناصرالدین شاه واقعه ای رخ داد که برای اولین بار ملت اراده خود را بر پادشاه قاجار تحمیل نموده او را از اجرای منظور خود بازداشت . توضیح مثال آنکه در سال ۱۳۰۷ در مراجعت ناصرالدین شاه از سفر سوم خود از فرنگستان امتیاز انحصار خرید و فروش و ساختن دخانیات ایران را در داخله و خارجه بیک شرکت انگلیسی داد و سال بعد موافقت این انحصار به امضاء رسیده مدت این امتیاز پنجاه سال بود و شرکت متقبل شد



که سالیانه پانزده هزار لیره انگلیسی به اضافه یک ربع مناقع خالص به ایران به پردازد . امید میرفت که عایدات سالیانه این قرارداد پانصد هزار لیره باشد در صورتیکه سرمایه کمپانی بیش از ششصد و پنجاه هزار لیره نبود . علماء روخانی و ملت که از دخالت اجانب در امور ایران به تنگ آمده بودند تصور می کردند اینگونه امتیازات اقتصادی اغراض سیاسی را در بردارد به مخالفت برخاسته و استعمال دخانیات را حرام نمودند . طولی نکشید دکانهای توتون و تنباکو بسته شد ، معاملات موقوف گردید و شورش سختی برخاست . سرانجام کار بدانجا رسید که ناصرالدین شاه آن امتیاز را لغو کرد ( ۱۳۰۹ هجری ) ولی بابت خسارت کمپانی معادل پانصد هزار لیره وجه را از بانک شاهنشاهی از قرار صدی شش در سال قرض نموده به آن موسسه پرداخت و این اولین قرضی است که دولت ایران از خارجه نموده و این اقدام ملت و تحمیل اراده خود بر پادشاه وقت اولین ضربتی است که بر استبداد وارد آمد و چند سال بعد که ناصرالدین شاه بضرط طیانچه یکی از دلباختگان سیدجمال الدین از پا درآمد بذرا انقلاب سر از خاک بدر در آورد .

پس از قتل ناصرالدین شاه ، میرزا علی اصغر خان امین السلطان جنازه او را بقسمی از حضرت عبدالعظیم به شهر آورد که مردم تصور نمودند هنوز شاه زنده است و بنا بر این شورش که متلزم این ترور بود روی نداد و در همان روز مراتب به مظفرالدین شاه تلگراف شد و پس از چهل روز شاه جدید وارد تهران گردید ( ۱۳۱۳ ) .

مظفرالدین شاه مردی بود رئوف ، مهربان ، مایل به آسایش اتباع و موافق با آمال ملت اما در عین حال او مردی ضعیف انفس و بی حال بود و از این جهت خیلی زود گروهی از سودجویان بر او مسلط شدند و تا آنجا که توانستند وی را از همراهی با ملت و اجرای اصلاحات بازداشتند . با همه این احوال مظفرالدین شاه دست خود را به خون ملت آلوده نساخت و جتی با اعطای فرمان مشروطیت نام نیکی در تاریخ از خود بجا گذاشت .

مظفرالدین شاه در آغاز کار امین السلطان را از مقام صدرات مهزول کرده و میرزا علی خان امین الدوله را که مردی مطلع و نویسنده ای فاضل بود بجای او منصوب نمود . امین الدوله در ترویج معارف ، ایجاد کارخانجات سعی زیاد داشت و می خواست اصلاحات زیادی بنماید ولی در آن اوقات ایران ضعیف شده بود و روسها آن ضعف استفاده کرده مایل نبودند امور مملکت انجام گیرد . بنا بر این جمعی از مغرضین را به مخالفت با امین الدوله واداشتند تا آنکه شاه او را از کار انداخت و مجدداً " امین السلطان را که به عقیده سیاستمداران بصیر

آن عهده آلت دست صدراعظم و ملقب به اتابک اعظم نمود . جای شک نیست که امین السلطان مردی بود باهوش و فراست و بصیر به اوضاع و وقت ، ولی چون قدرت و مقام خود را از جای دیگر میدانست تا آنجا که توانست در خرابی ایران و پیشرفت مقاصد بیگانگان کوشش نمود . برای جلب رضایت اطرافیان و درباری ها از راه عوام فریبی دست کرم از خزانه دولت بگشاد و همچنین وسایل مسافرت شاه را به فرنگ از راه استقراض فراهم آورد و با این قروض از هر حیث مملکت را محتاج تر نمود . باری مجموع قروضی که دو مرتبه در سنوات ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ از دولت روسیه نمود بالغ بر سی و دو میلیون و پانصد هزار منات ( معادل با سه میلیون و چهار صد و سی و نه هزار لیره ) انگلیسی ( گردید و عایدات گمرک ایران با استثنای گمرکات فارس و بنادر خلیج فارس تضمین داده شد و مقرر گردید در صورتیکه عایدات گمرکی مرتباً " پرداخته نشود ، دولت روسیه آن ادارات را تحت تفتیش و یاد در صورت لزوم در زیر اداره خود در آورد همچنین دولت ایران در ۱۳۱۸ مبلغ ۳۱۴ هزار و ۲۸۱ لیره و کسری توسط بانک شاهنشاهی از حکومت هند قرض نمود و عایدات شیلات دریای خزر و عایدات پشمانه و تلگرافی نه و عایدات گمرک خلیج فارس را به انضمام و محمره تضمین داده شد . خلاصه رور بروز احتیاج مملکت می گردید و کار سخت تر میشد . ملت ایران که میرزا علی اصغر خان را آلت دست اجنبی می دانست از اعمال او اظهار تنفر نمود و در آخر مظفرالدین شاه در سنه ۱۳۲۱ او را از صدارت عزل کرده آن مقام را به شاهزاده مستبد خود خواه و حریص عبدالمجید میرزا عین الدوله واگذار کرد و لقب اتابک به او بخشید .

آنروز که مردم عدالتخانه می خواستند .

باید اشاره کرد که هیئت ناصرالدین شاه روپوشی بود بر اوضاع خراب آن عهد و چون او از میان برداشته شد قضایا بر عموم آشکار گردید و معلوم شد مملکت در چه حالی است دخالت اجانب ، اشکالات مالی ، طمع درباریان ، خیانت خائنین ، ظلم و تعدی شاهزادگان و حکام ، امتیازات مهمی که به بیگانگان داده میشد ملت را از هر حیث ناراضی ساخته بود . میرزا علی اصغر خان مملکت را خرابتر و محتاج تر کرد و قروض او از دولت روسیه با شرایط سنگینی که عهده دار گشت بیشتر بر تنفر عمومی افزود . انتشار بعضی از نشریات خاصه جریده قانون پرنس میرزا ملکم خان و حبل المتین مؤید الاسلام خدمات مهمی در بیداری

ایرانیان کرده اعمال دولت را به سختی انتقاد می نمودند . انتشار سیاحت نامه ابراهیم بک (تالیف حاج زین العابدین مراغه بی ) که با بهترین اسلوبی اوضاع غم انگیز ایران را در آن عهد تشریح کرده است هم چنین کتاب احمد تالیف طالب اف - تبریزی تاءثیر قابل توجهی در میان توده نموده در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه ، پرنس ملکم تاسیس انجمن فراماسونری ( که در ایران معروف به فراموش خانه است )

نمود و چندتن از علماء روحانی واعیان و اشراف عضو آن گردیدند . ( حالا تاچه اندازه این انجمن در بیداری اعضاء خود و حاضر ساختن آنان به طرفداری از قانون جای بحث است ) پس از چندی انجمن مذکر تعطیل گردید و در ابندای سلطنت مظفرالدین شاه مجدداً یک نفر فرانسوی آنرا دایر کرد . هم چنین در زمان این پادشاه انجمن مخفی دیگری بنام (اصلاح طلبان) تحت توجهات حجت الاسلام سید محمد طباطبائی بوجود آمد که خدمات قابل توجهی بملت نمود و از طرف دیگر بعضی از وعاظ بالای منابر خسارات وارده بر ملت را شرح داده و در بیداری مردم می کوشیدند و از همه مشهور تر سید جمال الدین واعظ اصفهانی است .

عین الدوله بر جای میرزا علی اصغر خان نشست و نخواست با همان سبک دیرین استبداد و بدون توجه به احساسات ملی زمامداری کند ، بلکه در صدد برآمد که علماء روحانی و تجار را از خود بترساند و چون علاء الدوله حاکم محمود خواه تهران حاج سید هاشم نامه راکه یکی از سادات محترم و تجار معتبر بود بعنوان اینکه باعث گرانی قند شده به چوب بست ، عین الدوله از روی تکبر و جهالت کردار عمل حاکم تهران را تایید کرد .

مردم تهران که اساساً " از اوضاع مملکت دل تنگ بودند و ضمناً " رفتار مسیوتوس بلژیکی رئیس گمرکات ایران و کردار ناهنجار شاهزادگان در اطراف مملکت و تبعید حاج محمد رضا از کرمان آنها را از هر حیث رنجیده خاطر ساخته بود وقت را عنیمت شمرده برای جلوگیری از استبداد دربار و شاهزادگان پس از توهینی که علاء الدوله به حاج سید هاشم وارد آورد تعطیل نموده دکانهای خود را بستند ( چهاردهم شوال ۱۳۱۳ ) . روز بعد در مسجد شاه ازدحام کثیری شد تا بر اعمال دولت اعتراض شود و در آن میانه حاج سید ابوالقاسم امام جمعه تهران به طرفداری دولت آشوبی برپا کرد و هنگام شب علماء مقرر داشتند که به زاویه حضرت عبدالعظیم مهاجرت کنند . در کتاب تاریخ ( بیداری ایرانیان ) چنان آمده که پس از مذاکرات بسیار آقای طباطبائی فرمود " حال که کار به اینجا رسیده کار را

یکسره و تمام کنیم. آن خیالی را که سه ماه دیگر عازم انجامش بودیم جلومی اندازیم، که این عبارت بخوبی میرساند که علماء برای مطالبه حقوق ملت دارای نقشه معینی بودند که واقعه سید هاشم اجراء آن نقشه را سه ماه جلو انداخت. از شانزدهم شوال ۱۳۲۳ مهاجرت شروع شد و این هجرت راهجرت صفری در تاریخ لقب داده اند و رهبران این هجرت سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی بوده اند که در همان روز با خانواده خود عازم زاویه مقدسه گشتند. همچنین جمعی از علماء دیگر و گروه گروه از سایر طبقات به آنها پیوستند و متجاوز از دوهزار نفر جمعیت در آن حدود گرد آمده و از وعظ حاج شیخ محمد و حاج شیخ مهدی استفاده کرده بر علیه عملیات دولت اعتراض کردند، تهدید عین الدوله و اقدامات او برای مراجعت مهاجرین سودی نبخشید و چون هر روز کار متحصنین بالا می گرفت مظفرالدین شاه دستخطی صادر کرده درخواست ملت را پذیرفت. مهمترین مستدعیات مردم عبارت بود از عزل مسیونوس رئیس گمرکات و عزل علاءالدوله بموجب قانون بود تا از تعدیات آنها جلوگیری شود. یا اینکه در آن هنگام صحبتی از مشروطه در میان نبود و علماء با کمال حزم و احتیاط رفتار می کردند قدم بزرگی بجانب مقصود برداشته شد و ملت دانست می تواند اراده خویش را پیش ببرد. در شانزدهم ذیقعد، یکماه بعد از مهاجرت متحصنین مراجعت نمودند و شب بعد بنام پیروزی ملت جشن باشکوهی در تهران گرفته شد. با اینکه علاءالدوله معزول گشت، عین الدوله دست از استبداد خویش بر نمی داشت و اجرای دستخط شاه را به تعویق انداخته تصور می کرد می تواند جنبش ملی را از بین ببرد، ولی ملت بیش از پیش پافشاری کرده بوسیله خطابه ها و شب نامه ها منظور خود را اظهار داشته جدا " تقاضای اجرای دستخط و عزل عین الدوله را می نمودند. در آن احوال اهالی فارس از استبداد شعاع السلطنه پسر مظفرالدین شاه و ساکنین خراسان از ظلم آصف الدوله (غلامرضا خان شاهسون) بجان آمده بودند و تظلمات آنها در تهران بجائی نرسید. هیجان فارس و بلوای شهدا اهالی پایتخت را سخت متاثر کرد. آقایان طباطبائی و بهبهانی در تهییج احساسات مردم و آگاه ساختن دربار از بیداری ملت بی اندازه کوشش نمودند، عین الدوله از جریان امور و نارضایتی ملت شاه را که در آن هنگام مریض بود بی خبر می گذاشت و از طرف دیگر رفت و آمد شبانه را قدغن کرده و چند تن از آزادیخواهان را به کلات تبعید نمود و خلاصه کار را از هر حیث بر ملت سخت گرفت و اگر حلم و راءفت مظفرالدین شاه و حزم و نجابت پیشوایان آزادی نبود قطعاً " عین الدوله کار را به خونریزی منجر می ساخت. با این حال مشروطه طلبان دست از عدالتخواهی برنداشته و بوعده و وعید عین الدوله واقعی

نگذاشتند . درخواست آنها تاء سیس عدالتخانه و جلوگیری از ظلم بود . چنانکه از موعظه آفای طباطبائی در ۱۴ جمادی الاول ۱۳۲۴ مرام و مقصود مشروطه طلبان بخوبی معلوم میشود و چند سطر آن در اینجا آورده میشود ..

" . . . قصد ما عدل و رفع ظلم است که رعیت از دست نرود ، مردم به خارجه پناه نبرند ، مملکت خراب نشود ، از بس که حکام ظلم و ستم می کنند می ترسم رفته رفته رعیتی باقی نماند ، یک سال است اهل فارس متظلم اند ، چندین تلگراف کرده اند جواب ندادند ، حال یکماه است دکا کین را بسته اند . . . . همین که اهالی فارس دیدند که اینگونه جواب آنها را از تهران دادند به قونسلخانه انگلیس پناهنده شدند ، آنچه نباید بشود شد ، حالا فارس هم از دست مارت نه تنها فارس خواهد رفت بلکه تمام بنا در سرحدات ایران رفته است .

این یک مشت مردم بیچاره به که عرض و داد کنند ، شماها نمی دانید که در ولایت ها این حکام چه ظلم ها می میکنند . رعیت بیچاره خودش و اهل و عیالش باید نان ذرت و جو بخورند نه رعیتی باقی مانده و نه در خزانه پادشاه چیزی موجود است . مگر نشنیده اید که پار سال زراعت بعمل نیامد و می بایست هریک مسلمان قوچانی برای گندم مالیات بدهد چون نداشتند و کسی هم بداد آنها نرسید حاکم آنجا سیصد نفر دختر مسلمان را در عوض گندم ، مالیات گرفته ، هر دختری به ازاء دوازده من گندم به ترکمنان فروخته . گویند بعضی از دخترها را در حالت خواب از مادرهایشان جدا می کردند زیرا که بیچاره ها راضی بتفرقه نبودند ا حالا انصاف دهید ظلم از این بیشتر تصور میشود ، همه جا خراب است . . . رعیتی مانده و نه مالی مانده ، و چیزی نگذرد که تماما " خودشان را از دست این ظلم ها به روس و انگلیس خواهند بست . . . . . مای گوئیم اینهمه ظلم و ستم به رعیت چرامی کنند ؟ . . . رعیت فراری شده ، خزانه تهی گردیده چیزی ندارد . حتی سنجش هم تمام شد ، اینهمه قرض ، باز هم سعی در قرض طولی نمی کشد که این کارها رعیت و مملکت را به خارجه خواهد داد . یعنی داده و می دهد . . مطالب و مقاصد ، ها این است . . . با جداد م قسم است تا زنده ام دست بردار نیستم وقتی که من نباشم سایرین هستند ، الخ . . . "

این یادداشت ها از تاریخ بیداری نقل شده است و نشان می دهد که این قبیل موعظه ها که از طرف علماء خیر اندیش اسلام ایراد می گردید چه تاء شیرین در میان ملت می بخشید ، روز ۱۷ جمادی الاول دولتیان شیخ محمد واعظ را دستگیر کردند و بالتلیجه شورشی برخاست و سید عبدالحمید نامی به تیریکی از سربازان کشته شد و برهیجان ملت افزوده گردید . علماء

و طلاب و بعضی از تجار در مسجد جمعه بست نشستند و عزل عین الدوله را خواستار شدند در باریان کار را بر بست نشینان سخت گرفتند ولی اینان با کمال تهور ایستادگی کردند و در آخر ۲۵ جمادی الاول آقایان بهیسانی و طباطبائی و جمعی از علماء عزم مهاجرت به قم نمودند و این راهجرت کبری نامند. اما در تهران طلاب و تجار و اصناف مختلفه در سفارتخانه انگلیس متحصن گشتند و در اندک مدتی تعداد آنها بالغ بر چندین هزار نفر گردید. گرچه پناه بران به بیرق بیگانه امری است، شایسته، ولی ملتیان بقدری از تعدیات دربار پناه آمده بود که در آن موقع پی به قبح این عمل نبرد، خاصه که در ایام قاجاریه توسل به بیگانه امری عادی شده بود. در هر حال این چند هزار نفر با کمال متانت و نجابت بدون اینکه امری مخالف بانظم و ترتیب رخ دهد تحصن را ادامه دادند و راستی جای تعجب است که قریب چهارده هزار نفر در محلی مجتمع گردند و از هر طبقه در میان آنها باشد معذالک امری که مستوجب ملامت باشد از آنان سر نزنند و این نیست مگر از اثر نجابت فطری و اصالت ذاتی ایرانیان.

آنان در آن حالت ملتهب نه فقط عزل عین الدوله را خواستار بودند بلکه برای خاتمه دادن بحکومت استبداد طالب مشروطیت و تاسیس دارالشورا هم بودند. سرانجام عین الدوله از کارکناره گرفت و میرزا نصراله خان از طرف مظفرالدین شاه مقام صدارت یافت و آقایان علماء از قم به تهران آمدند و در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ از طرف مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت صادر شد و بدون خونریزی حکومت استبداد مبدل به حکومت مشروطه شد.

رامش سنکوی در یادداشهای خود پیرامون مشروطیت ایران چنین می نویسد:

"... ایران مورد ادعای دور قیام مقتدر استعماری یعنی روسیه و انگلیس بود که آسیرا اشغال کرده بودند، یاد شاهان کوتاه بین قاجار، محمد شاه (۲۶-۱۲۱۳) ناصرالدین شاه (۷۵-۱۲۲۶) و مظفرالدین شاه (۸۶-۱۲۷۵) به تدریج بخشهای عظیمی از ایران و بعضی از اقتدارات حاکمیت ملی را، یاد جنگ باخته بودند و یا فروخته بودند، در آتیه ای قرن بیستم، مظفرالدین شاه راهی می رفت که ایران را به صورت یکی از ایالات تابعه تزار روسیه درمی آورد.

تسلیم مظفرالدین شاه به پذیرفتن حق (کاپیتولاسیون) باعث برانگیختن موج مخالفت شد و حق تقدمی که در سال ۱۲۸۰ برای واگذاری امتیاز به روسیه قائل شد، حبش مقاومت را متشکل ساخت و به تحرک واداشت. تجار و بازاریان تقاضای مشروطیت کردند. منظور آنان از این تقاضا محدود کردن قدرت مطلق پادشاه و تشکیل مجلس بود و این درخواست بی درنگ توسط عده کثیری از روحانیون طراز اول مورد پیشینیا سی قرار گرفت. در همان هنگام که هیجان عمومی علیه

سیاست " طرفداری از روسیه " پادشاه اوج می گرفت ، مقامات انگلیسی مقیم تهران از نظر مادی و معنوی مشروطه خواهان را تقویت می کردند .

در ابتدای کار ، نفوذ مشروطه خواهان منحصر به شهرنشینان بود . اما انقلاب سال ۱۹۰۵ میلادی ( ۱۲۸۴ ) روسیه در افکار آسینائی های تحصیل کرده مؤثر افتاده بود . در حقیقت از آنجا که وضع دو کشور همسایه یعنی ایران و روس از نظر فقدان آزادی های فردی و اجتماعی از هر نظر شبیه بود ، شورش علیه تزار مستبد روسیه ، در ایران هوا خواهان بسیاری پیدا کرد . در پنج ماه اول سال ۱۹۰۶ ( ۱۲۸۵ ) تظاهرات عظیمی به پشتیبانی از مشروطه خواهان در شهرهای بزرگ و روستاهای کشور تشکیل شد . در تیر ماه ۱۲۸۵ ، مشروطه خواهان اولتیماتومی برای شاه فرستادند و او در مقابل ، عده کثیری از سران سرشناس مشروطه خواه را به زندان انداخت . از این تاریخ نمایندگی سیاسی انگلیس در تهران بصورت بست و تحصن گاه مشروطه خواهان درآمد . سرانجام چون تزار گرفتار مشکلات خود بود نمی توانست به او کمک کند و چون انگلیس آشکارا از مشروطه خواهان حمایت میکرد و بالاتر از همه ، چون خشم عمومی کم کم بالا می گرفت مظفرالدین شاه ناگزیر با بعضی از تقاضای مشروطه خواهان موافقت کرد . اعضای مجلس برگزیده شدند و اولین جلسه خود را در ۱۴ مهر ماه ۱۲۸۵ تشکیل دادند و قانون اساسی تدوین کردند که مورد تصویب شاه قرار گرفت ، با اینهمه ، مظفرالدین شاه قصد داشت حکومت مشروطه را خنثی کند ، اما مرگش که به فاصله کوتاهی از این تاریخ رخ داد ، مانع از این کار شد . . . . "

همانگونه که اشاره کردیم در تاریخ چهاردهم جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ هجری قمری فرمان مشروطیت از طرف مظفرالدین شاه صادر گشت و مجلس شورایی ملی ایران روز یکشنبه ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ اولین جلسه خود را تشکیل داد و مرحوم صنیع الدوله بریاست مجلس و وثوق لدوله به عنوان نایب رئیس اول و حاج امین الضرب بعنوان نایب رئیس دوم انتخاب شدند . نمایندگان به تهیه و تنظیم قانون اساسی و نظامنامه داخلی مجلس شورایی ملی پرداختند . چون در اوایل دوره اول مجلس شورایی ملی قانون اساسی تنظیم نشده و وظایف و مسئولیت وزراء معین نبود هیچکدام از وزراء به مجلس نمی رفتند تا اینکه روز بیست و دوم رمضان ۱۳۲۴ قمری برای نخستین بار مرحوم حاج مخبر السلطنه بنمایندگی از طرف میرزا نصراله خان مشیرالدوله صدراعظم وقت به مجلس آمد و نامه ای از طرف صدراعظم به مجلس ارائه داد که مبنی بر بدهی دولت و تقاضای اجازه دریافت وام از دولت روس و انگلیس بود . مقارن همین اصول بعد از درگذشت مظفرالدین شاه محمد علی میرزا بجای پدر نشست و در موقع تاجگذاری هیچ یک از وکلای مجلس شورایی ملی

رادعوت نکرد و این امر موجب ناراحتی و گله شدید و کلا شد و با اختلافاتی که بین محمد علی شاه و اعوان و بیاران او و مجلس شورا یملی بود بیشتر وقت مجلس حرف گله و شکایت و گفتگو از کار و زراء می شد و روابط بین وزراء و مجلس شورا یملی صورت خوبی نداشت .

در همین زمان وقتی که گفتگو از وضع خراب مالی کشور در میان بود از طرف مجلس شورا یملی نامه ای به صدرا عظم ( میرزا نصراله خان مشیرالدوله ) نوشته شد که وزرای خود را به مجلس معرفی کند و مسئولیت هر یک را در برابر مجلس مشخص نماید و در نتیجه این نامه : روز پنجشنبه ۱۶ ذیحجه مرحوم حاج محتشم السلطنه از طرف صدرا عظم به مجلس آمد و بموجب نامه صدرا عظم وزیران را به شرح زیر معرفی کرد .

مشیر السلطنه وزیر عدلیه - ناصر الملک وزیر مالیه - علاء السلطنه وزیر امور خارجه - وزیر افخم وزیر داخله - علاء الملک وزیر علوم - مخبر الملک وزیر تجارت - دبیر الدوله وزیر لشکر مهندس الممالک وزیر معادن و طرف و شوارع .

کابینه زیر بار تصمیمات مجلس نمی رفت و وزیران کابینه خود را مسئول مجلس نمی دانستند معمولاً نراد در حساب دولت های مشروطه ایران نی آورده اند و اولین کابینه قانونی پس از استعفا ی مشیر الدوله مطابق آنچه که مجلس خواسته بود که وزیران مسئول و جوابگوی مجلس باشند کابینه وزیر افخم است که رسماً " بعنوان ریاست ، وزارتت و داشت ولی عملاً " این وظیفه را انجام می داد . گفتیم که محمد علی شاه هنگام تاجگذاری از وکلای مجلس دعوتی نکرد و این خود موجب کدورت نمایندگان مردم و شاه شد و اگر چه خود را موافق با آزادی مشروطه خواهان نشان می داد اما گه گاه حکام و رؤسای عشایر را بر ضد آزادی خواهان بر می انگیخت و زمانی درباریان را وادار می کرد که عنوان مشروطه را بجای مشروطه در پیش کشند .

کردار شاه و درباریان موجب شد که اهالی تبریز به سختی قیام کرده درخواست مشروطه نامه و عزل مسیونوس را نمودند . در تعقیب قیام آزادی خواهان در آذربایجان ، در تهران ، کاشان و اصفهان هم شورش بپا کردند و در آخر شاه چاره ای ندید جز اینکه تسلیم شود .

مسیونوس معزول گردید و دستخط شاه ، و شناختن حکومت مشروطه ایران صادر شد ، اما از این پیمان ها چه سود ؟ محمد علی شاه نه شخصی بود که به پیمان و عهد خود وفا کند و نه حس سازش با میلیون راداشت مستر شوستر امریکائی در کتاب احتناق ایران درباره محمد علی شاه چنین می نویسد :



"... محمد علی شاه قاجار شاید شخصی جبون و گمراه و بی آبرو و موذی ترین جانور قرن های عدیده بوده که تخت سلطنت ایران را ملوث ساخت. از ابتدای اقتدارش رعایای خود را بی عزتی و حقارت نظرمی نمود بسبب داشتن معلم روسی بد ذاتی برای پایمال کردن حقوق ملت بسهولت تمام نایب الحکومه و آلت اجرای مقاصد دولت روس و سفیرش در ایران شده بود" در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۲۸۵ سلطان علیخان وزیر بقایا (وزیر افخم) کابینه خود را بدین شرح به مجلس معرفی نمود:

نخست وزیر، وزیر افخم - وزیر داخله وزیر افخم - وزیر خارجه محمد علی خان مازندرانی (علاء السلطنه) - وزیر جنگ نایب السلطنه کامران میرزا - وزیر مالیه میرزا ابوالقاسم خان قراگوزلو (ناصر الملک) - وزیر فواید عامه نظام الدین کاشی (مهندس الممالک) و وزیر معارف، حاج مهدی قلی خان هدایت (مخبر السلطنه) - وزیر عدلیه عبدالحسین میرزا فرما نفر ما - وزیر تجارت مهدی خان نظام الدین کاشی (وزیر همایون)

اما محمد علی شاه می خواست بهوی و هوس خود رفتار نماید و از اینکه می دید در مقابل تجاوزات او درباریان نشن نمایندگان مجلس سد گردیده اند نهایت مکدر بود. خاصه آنکه می خواست در همان ایام چهار صد هزار لیره از روس و انگلیس قرض نماید و وکلا مخالفت مینمودند. از طرف دیگر مجلس بیکار نبود، ایجاد بانک ملی و محدود کردن دربار را در نظر گرفت.

اندیشه شاه به آنجا رسید که از تدبیر کهنه حریفی استمداد کند. از این رو میرزا علی اصغر خان اتابک را از اروپا بخواست تا زمام امور را در کف او نهاد و در تخریب مشروطیت همدستان گردند اتابک مردی باهوش و باتدبیر بود ولی مردم او را آلت روسها می دانستند و حتی مجاهدان گیلان خواستند از ورود او در انزلی جلوگیری کنند تا اینکه از مجلس دستوری رسید که ممانعت از او ننمایند (۱۳۲۵ هجری). اتابک با زبان چاپلوسی و نیرنگ بازی خود را طرفدار مشروطه خواهان قلمداد مینمود و جمعی را هم هواخواه خودش کرد و رشته امور را در دست گرفت. اتابک در ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۲۸۶ کابینه خود را بدین شرح به مجلس معرفی کرد:

نخست وزیر اتابک اعظم - وزیر داخله اتابک - وزیر خارجه علاء السلطنه - وزیر جنگ مستوفی الممالک - وزیر مالیه ناصر الملک - وزیر عدلیه علاء الملک - وزیر فواید عامه مهندس الممالک - وزیر تجارت وزیر همایون - وزیر معارف مخبر السلطنه

اتابک کوشید تا با فراهم کردن ناامنی مشروطیت و مشروطه خواهان را بدنام کند و هم چنین بین آزادیخواهان نفاق انداخت و چند تن از آنها را بسوی خود جلب کرد.

مجدداً " با اصول مشروطیت مخالفت کنند و حتی به حضرت عبدالعظیم رفته و غوغائی نمایند اتباع رحیم خان نیز در آذربایجان بنای بیداد وستمگری نهادند و این اوضاع و احوال در تبریز و تهران موجب شورش گردید و شاه برای تسکین مردم امر داد تا رحیم خان را زنجیر کنند . یاغی گریهای سالار الدوله (ابوالفتح میرزا) برادر شاه در کرمانشاه و همدان چند روزی درباریان را مشغول آن اوضاع کرد ولی تعدیات اقبال السلطنه در ماکو ، فتنه گردان درخوی و تجاوز عثمانیان اوضاع آذربایجان را تیره ساخته بود و دولت وقت یقین داشت که اتابک در فتنه‌ها دست دارد .

در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ هنگامی که اتابک از دارالشورای خارج می شد هدف تیری فرار گرفت و شهرت پیدا کرد جوان بیست و دو ساله تبریزی مشهور به "عباس آقا" که شاید عضوی یکی از انجمن های سری بوده او را هدف تیر قرار داد . کشته شدن اتابک و انتخار عباس آقا باعث شد تا گروهی بر حسب ظاهر به مشروطه خواهان به گردند و بست نشینان حضرت عبدالعظیم که بدستور اتابک با اساس مشروطیت مخالفت میکردند از آن محل مقدس بیرون آمدند . محمدعلی شاه پس از ترور اتابک میرزا احمدخان مشیرالسلطنه را مأمور تشکیل دولت کرد و در تاریخ شانزدهم شهریور ماه ۱۳۸۶ دولت خود را بدین شرح بمجلس شورای ملی معرفی کرد :

نخست وزیر : مشیرالسلطنه - وزیر خارجه : سعدالدوله - وزیر جنگ : مستوفی الممالک - وزیر مالیه : قوام الدوله - وزیر عدلیه : مشیرالدوله - وزیر فواعد عامه : مهندس الممالک - وزیر تجارت : مجدالملک - وزیر معارف : نیرالملک .

اما اگر مشیرالسلطنه بیش از دو ماه نتوانست روی کار بماند بدان دلیل بود که خیر انعقاد عهدنامه روس و انگلیس در تهران منتشر شده بود و گرچه دولت می کوشید این معاهده را از رسمیت بپندارد اما هرکاری که دولت میکرد موجب تجاوز بیشتر روسها می گردید و این اوضاع نابسامان سبب گردیده بود تا محمدعلی شاه ، امیربها در مجلل السلطان شاپل (معلم روسی) و سعدالدوله را در اطراف خود گرد آورد . تا بتواند موجب تضعیف مجلس و مجلسیان گردد اما اعتراضات مردم و روحانیون موجب شد تا شاه پیروان خود را متفرق ساخته و نظام السلطنه مافی را مأمور تشکیل دولت گرداند . نظام السلطنه مافی از تاریخ اول دیماه ۱۲۸۶ الی اردیبهشت ماه ۱۲۸۷ سه مرتبه دولت خود را بشرح زیر تشکیل و تغییر داد :

دولت اول : بتاريخ دیماه ۱۲۸۶

نخست وزیر : نظام السلطنه - وزیر مالیه نظام السلطنه - وزیر جنگ ظفر السلطنه - وزیر تجارت :

قائم مقام (وزیر همایون سابق) - وزیر عدلیه: مخبر السلطنه - وزیر فوائد عامه و معارف: صنیع الدوله.

دولت دوم: بتاريخ دهم اسفند ماه ۱۲۸۶

نخست وزیر: نظام السلطنه وزیر داخله: نظام السلطنه - وزیر خارجه: مشیر الدوله - وزیر جنگ: ظفر السلطنه - وزیر فوائد عامه و مالیه: صنیع الدوله - وزیر عدلیه: مؤید السلطنه - وزیر تجارت مؤتمن الملک - وزیر معارف: مخبر السلطنه هدایت.

دولت سوم: بتاريخ پانزدهم اردیبهشت ماه ۱۲۸۷

نخست وزیر نظام السلطنه - وزیر داخله: نظام السلطنه - وزیر خارجه: مشیر الدوله - وزیر جنگ: مستوفی الممالک - وزیر مالیه و فوائد عامه: صنیع الدوله - وزیر عدلیه مؤید السلطنه - وزیر تجارت مؤتمن الملک - وزیر معارف: مخبر السلطنه

از وقایع این دوره باید بتوپ بستن مجلس وسیله محمد علی شاه را ذکر کرد:

در ۱۴ جمادی الاول ۱۳۲۶ محمد علی شاه با سربازان سیلاخوری و افواج قزاق بیبانه گرمی هوای تهران به باغشاه رفت و نقشه خراب کردن مجلس را داشت چنانکه چند روز بعد توپها را بیرون دروازه جای دادند و قزاقان اهالی مشهد را خلع اسلحه می کردند. از بدو مشروطیت انجمن های بسیاری در تهران و بعضی از نقاط ناهمسایه گشته و جراید متعددی توزیع شده و آزادانه حقایق را بازگوئی میکردند.

چون اخبار اقدامات شاه در اطراف ایران منتشر گشت از اکثر شهرستانها تلگرافات همدردی به مجلسیان و اعتراض به شاه رسید و انجمن های تهران در مسجد سپهسالار گرد آمدند ولی به درخواست محمد علی شاه نمایندگان مجلس آنها را متفرق ساختند. اوضاع روز بروز وخیم تر میشد چنانکه از ادیخواهان رشت به غوغا برخاستند و انجمن ایالتی آذربایجان تلگرافی از تبریز به اکثر شهرهای ایران کرده محمد علی شاه را دشمن مشروطیت اعلام داشتند دور تهران نیز قریب ششصد نفر تنگداز از طرف آزاد ادیخواهان به نگهبانی مجلس برخاستند روز ۲۳ جمادی الاول محمد علی شاه نیت خود را عملی کرد و در حالیکه بعضی از نمایندگان در مجلس حضور داشتند جنگ در گرفت و همچنین به توپ بسته شد. آقایان بهبهانی و طباطبائی در پارک امین الدوله دستگیر شدند و به امر شاه تبعید گردیدند حاج نصراله ملک المتکلمین و میرزا جهانگرخان صوراسرافیل گرفتار شده به قتل رسیدند و همچنین سید جمال الدین واعظ که بطرف لرستان فرار کرده بود بین راه کشته شد.

پس از وی میرزا احمدخان مشیرالسلطنه به نخست وزیری برگزیده شد که او از تاریخ ۱۷ خرداد ۱۲۸۷ الی اردیبهشت ماه ۱۲۸۸ سه دولت بشرح زیر تشکیل داد :

دولت اول : بتاريخ ۱۷ خرداد ۱۲۸۷

نخست وزیر : مشیرالسلطنه - وزیر داخله مشیرالسلطنه - وزیر خارجه علاءالسلطنه - وزیر جنگ : مستوفی الممالک - وزیر مالیه : صنیع الدوله - وزیر عدلیه : محتشم السلطنه - وزیر پست و تلگراف : مخبرالدوله - وزیر فواید عامه و وزیر تجارت : مؤتمن الملک - وزیر معارف مشیرالدوله .

دولت دوم : بتاريخ دوم تیرماه ۱۲۸۷

نخست وزیر : مشیرالسلطنه - وزیر داخله : مشیرالسلطنه - وزیر خارجه : علاءالسلطنه - وزیر جنگ : امیربهدر جنگ - وزیر مالیه : قوام الدوله - وزیر عدلیه محتشم السلطنه و وزیر پست و تلگراف : مخبرالدوله - وزیر معارف : مشیرالدوله

دولت سوم بتاريخ ۱۵ دیماه ۱۲۸۷

نخست وزیر مشیرالسلطنه - وزیر داخله : مشیرالسلطنه - وزیر خارجه سعدالدوله - وزیر جنگ : امیربهدر جنگ - وزیر مالیه : قوام الدوله - وزیر عدلیه : نظام الملک - وزیر پست و تلگراف : مخبرالدوله - وزیر فواید عامه : مهندس الممالک - وزیر تجارت مفاخر الملک - وزیر معارف : مهندس الممالک

چند تن از آزادیخواهان به سفارت انگلیس پناهنده شدند و امیربهدر نیز وزیر جنگ شد و حکومت نظامی بریاست لیاخوف روسی برقرار گردید .

هنگامی که اجساد کشته شدگان و زخمی ها هنوز در ساختمان مجلس بود محمدعلی شاه طی نامه‌ای که به صدر اعظم ، مشیرالسلطنه - نوشت مشروطه خواهان را مسئول کودتای خودش دانست و مجلس را منحل کرد . اما مشروطه خواهان بیکار ننشستند و بسرعت و شدت تلافی کردند ، رؤسای روحانی نجف و علمای خراسان و مازندران اعلان جهاد دادند و تبریز مرکز مشروطه خواهانی شد که اینک کاملاً مسلح شده بودند . در این مرحله - تزار روسیه که به محمدعلی شاه قول پشتیبانی داده بود پادرمیان گذاشت و قوای روسیه وارد تبریز شدند و شهر را اشغال کردند ، اشغالی که توأم با قساوت و خشونت بود .

در آن لحظات شورش عمومی تارشت و اصفهان گسترده شده بود و نیروهای انقلابی پس از تجمع مجدد بسوی تهران راه افتادند و شهر قزوین نیز در ربیع الثانی ۱۳۲۷ بدست مجاهدان گیلان فتح شد و از سوی دیگر افواج بختیاری هم روبه تهران نهادند و در ۲۱ جمادی الثانی در بادامک پس از برخورد با قوای دولتی قوای بختیاری و دسته سپه دار اعظم (سپهسالار) به یکدیگر متصل شده و از میان اردوگاه دولتی گذشته با ممداد بیست و چهارم جمادی الثانی ۱۳۲۷ وارد تهران شدند و هنگام شب مجلس فوق العاده تاسیس گشته و محمدعلی شاه را رسماً "از سلطنت خلع کردند و پسر صغیر او را که احمد میرزا نام داشت به پادشاهی برگزیدند .

آنروز که وزیر مالیه به قتل رسید

با سلطنت احمد شاه ، علی رضا عضد الملک رئیس ایل فاجار - به نیابت سلطنت معین شد ، جرایدی که توقیف شده بودند بار دیگر نشر خود را از سر گرفتند و در ذی قعدة ۱۳۲۷ مجلس رسماً "مفتوح گشت و محمدولی خان سپه دار اعظم ماء مور تشکیل دولت گردید . او از تاریخ نهم مهر ماه ۱۲۸۸ تا مرداد ماه ۱۲۸۹ چهار دولت بشرح زیر تشکیل داد و برای اولین مرتبه برنامه‌ئی تقدیم مجلس شورایی ملی کرده که در تاریخ ۱۷ ذی قعدة ۱۳۲۷ قمری در دوره دوم مجلس شورایی ملی بتصویب رسید .

دولت اول : بتاريخ ۹ مهر ماه ۱۲۸۸

نخست وزیر : سپه دار اعظم - وزیر داخله سردار اسعد - وزیر خارجه : ناصر الملک - وزیر جنگ سپه دار اعظم - وزیر مالیه : مستوفی الممالک - وزیر عدلیه و ثوق الدوله - وزیر پست و تلگراف : سردار منصور - وزیر معارف : صنیع الدوله .

دولت دوم : بتاريخ دهم آذر ماه ۱۲۸۸

نخست وزیر : سپه دار اعظم - وزیر جنگ سپه دار اعظم - وزیر داخله : سردار اسعد - وزیر خارجه : علاء السلطنه - وزیر مالیه : و ثوق الدوله - وزیر عدلیه : مشیر الدوله - وزیر پست و تلگراف : سردار منصور - وزیر معارف : صنیع الدوله .

دولت سوم : بتاريخ ۸ اردیبهشت ماه ۱۲۸۹

نخست وزیر : سپه دار اعظم - وزیر داخله : سپه دار اعظم - وزیر خارجه : معاون الدوله (میرزا ابراهیم خان غفاری کاشی) - وزیر جنگ : سردار اسعد - وزیر مالیه : و ثوق الدوله

(میرزا حسین خان وثوق) - وزیر عدلیه: مشیرالدوله - وزیر فواید عامه: صنیع الدوله - وزیر تجارت: معتمد خاقان (شکراله خان صدر) - وزیر معارف: صنیع الدوله.

دولت چهارم: بتاريخ سی ام اردیبهشت ماه ۱۲۸۹

نخست وزیر: سپه دار اعظم - وزیر داخله: سپه دار اعظم - وزیر خارجه: معاون الدوله  
وزیر جنگ: سردار اسعد - وزیر مالیه: وثوق الدوله - وزیر عدلیه: سردار منصور - وزیر  
پست و تلگراف: معتمد خاقان - وزیر فواید عامه: صنیع الدوله - وزیر تجارت: مشیرالدوله  
متن برنامه کابینه محمدولی خان سپه دار اعظم که در جلسه ۱۷ ذیقعد ۱۳۲۷ در مجلس شورای  
ملی بتصویب رسید.

... ضرورت این قاعده مسلم است که طالب هر مقصودی همیشه مقصود خود را  
آنی الحصول آرزو میکند و حتی المقدور مایل است از عقباتیکه طی آنها موقوف علیه حصول  
مقصود است گذشته زودتر به نیل مرام موفق شود،

حیات حالیه و زراء نیز که طرفدار سلطنت مشروطه و هواخواه ترقی و اصلاحات هستند  
نمی توانند از این قاعده کلیه مستثنی باشند و البته قویا "آرزو مندند که با سرعت تمام اصول  
و قواعدی را که امروز ما به سعادت و عظمت ملل متمدنه و دسترنج قرن ها زحمت و فداکاری  
است قویا" به مقام اجرا در آورده مملکت را بدرجه قسوائ سعادت نائل سازند،

اما چنانکه معلوم است اسباب و لوازم حالیه و مشکلات و موانعی که نتایج سوء اداره  
سابق است با قصد و آرزوی آنها کاملا " موافقت نمی کند و ملاحظه قصدا سباب و عناصر عامله  
یا مدافعه یا توغل اشخاص در عادات و اخلاق سابقه حسن نیست اولیاء امور را مقهور قانون  
تکامل و ترقی تدریجی مینماید و از آنجا که اساس بهترین سیاسات عالم بر صدق و حقیقت  
است امروز هیئت وزراء را باید فقط آرزو و مسلک خود را مآخذ تعهد خدمات قرار نداده  
حتی المقدور از استعمال گراف و اغراق در اقوال و مواعید داشته سعی نمایند که پس  
از ایفای وعده های سهل تر به انجام مقاصد عالی تر موفق شوند و مقاصد و خیالات را به  
نسبت اوضاع سیاسی و اجتماعی مملکت که طبعاً " بعد از بحرانهای شدید در ترقی است  
ترقی و تکمیل نمایند.

با رعایت مقدمات فوق اولین نقطه نظر دولت جدید و نخستین اصلاح اساسی که بتواند  
مقدمه اصلاحات دیگر شود سعی در حفظ نظم و امنیت مملکت است. برای حصول این مقصود  
دولت از تهیه فوری قوائی که بتواند ضمانت امنیت را بنماید ناگزیر است و این قوا مرکب

خواهد بود اولاً " از یک حد . قشون منظم و مرتب که در نقاط مختلفه مملکت اردوی دائمی داشته باشند . ثانیاً " از قرا سورانهایی که برای حفظ طرق و شوارع لازم است ، ثالثاً " از پلیس و نظمیّه در شهرها مسلم است ترتیبات اساسی قوای فوق الذکر خصوصاً " قوای نظامی مذاقه و مطالعات کامله لازم دارد و اصلاحاتی که در امر قشون در نظر است موقوف بدقت مخصوص و تقدیم لوایح قانونی آن به مجلس شورای ملی خواهد بود و چون قبل از اجرای اصلاحات اساسی مزبور ایجاد یک ترتیب موقتی که بتوسط آن ضمانت امنیت فوراً " میسر شود لازم است عجلتاً " دولت مجبور خواهد بود بتوسط عده‌ئی از قوای سابق دولتی بالغ بر بیست و پنج الی سی هزار نفر حفظ انتظام و امنیت را نمود ، با فراغت خاطر بدون فوت وقت اصلاحات اساسی را پیشنهاد نماید و بدیهی است برای همین استفاده موقتی از قوای سابقه باید معاش هر عده که برای حفظ امنیت و انتظام استعمال می شوند بطور منظم و کافی ایصال نمود که در مقام انجام خدمت و متابعت نظم و ترتیب عذری برای آنها باقی نباشد و بودجه مخارج همین قوایی که موقتاً " برای حفظ امنیت استعمال می شوند نیز به مجلس شورای ملی پیشنهاد شد ، تصویب مجلس نسبت به آن جلب خواهد شد .

در خصوص قرار سوران و پلیس چون در غالب نقاط از سابق ترتیب معینی نداشته است حتی الامکان سعی میشود که از اول مطابق اصول صحیحه به قراری آن اقدام شود . محل دائمی مخارج فوق الذکر معلوم است از مالیاتهای دولتی خواهد بود و هر قدر کسر داشته باشد نیز باید محل آن در مملکت تدارک شود زیرا که اهالی مملکت که می خواهند به نعمت نظم و آسایش منتعم باشند باید از عهده مخارج آن نیز برآیند ولی چون عجلتاً " برای شروع به عملیات اعتبار نقدی فعلی تقریباً " معادل پنج کروور تومان لازم و تحصیل این اعتبار فعلاً " در داخله مملکت مشکل است تهیه آن از یک راه استقراض جدید بنظر صائب می آید و نظریه اهمیت فوری ناءمین مملکت باید بی درنگ داخل مذاکرات مساعدده معادل مبلغ فوق شد و بعد از آن به مذاکرات اصل استقراض شروع نمود .

این استقراض باید به ترتیبی باشد که در ضمن آن قروض جاریه مختلفه که دولت با فرع و منافع گراف مدیون است به قرض ثابت دولتی که بالطبع منافع آن سهل تر خواهد بود تبدیل شد . ضمناً " محل تادیه منافع و استهلاک ملعی که برای مخارج لازمه علاوه گرفته میشود نیز تاءمین شده باشد و معلوم است نتیجه مذاکرات راجع به استقراض به اطلاع مجلس شورای ملی رسیده ختم آن منوط به تصویب مجلس خواهد بود ، چنانکه صورت مخارج آن

وجوهات هم بجزء و تفصیل باطلاع و تصویب مجلس خواهد رسید .  
 برای اطمینان از رسیدن وجوه دولتی بمصارف مقرر و جلوگیری از مخارج بی قاعده  
 و سوء استعمال وجوه دولتی که در این اواخر عادت شده بود و هم چنین برای تکثیر عایدات  
 و تصحیح ترتیب جمع و خرج دولت فوراً " شروع به اصلاحات خواهد شد .  
 مهم ترین اصلاحی که دولت جدید در نظر دارد اصلاحات مالیه و درمیان آنها آنچه  
 دارای اهمیت فوری است ایجاد یک ترتیب و نظارت و تفتیش واقعی در ترتیب تادیه مخارج  
 و به مصرف رسانیدن وجوه دولتی است . حسن ترتیب و اجرای این نظارت را دولت جدید  
 یکی از بزرگترین و مهمترین اصلاحات دانسته ، اهمیت و لزوم آن را در ردیف حفظ انتظام و  
 امنیت مملکت فرض می کند و لویایح لازمه را در ترتیب این نظارت به مجلس شورای ملی تقدیم  
 و به تصویب مجلس خواهد رسانید . در ضمن اصلاحات مالیه به ایجاد دیوان محاسبات و ترتیب  
 جمع آوری عایدات دولت در مرکز و تشکیل اداره خزانه داری عمومی که این جمله موجب  
 تکمیل و تصحیح امر نظارت مالیه است نیز شروع شده و همچنین در ترتیب اخذ مالیات و تصحیح  
 تقسیم آن نیز تدریجاً " مطالعات لازمه شده به ترتیب الایم فالایم لویایح آن به مجلس  
 پیشنهاد و بعد از تصویب بموقع اجرا خواهد رسید . در خصوص بودجه های ادارات بدون تاءخیر  
 در ترتیب و تدوین آنها اقدام می شود که هر چه زودتر در جزو بودجه کل به مجلس شورای ملی  
 پیشنهاد شود ، ولی چون برای تدوین بودجه ها در وزارت خانه ها و مطالعه آنها در وزارت  
 مالیه و تصویب در مجلس شورای ملی وقت و فرصت کافی لازم است و در متدی که هنوز بودجه  
 های مزبور . تمام نشده تاءخیر حقوق مستخدمین ادارات موجب تعطیل امور خواهد بود .  
 لهذا موقتاً " بر حسب ضرورت مخارج استمراری دولت مطابق بودجه های خواهد بود  
 که از اول دولت حالیه معمول و متداول شده است و حتی الامکان سعی میشود بودجه کل معامله  
 هر سال در موقعی که در قانون اساسی تصریح شده است حاضر و به مجلس پیشنهاد شود .  
 علاوه بر اقدامات فوق که برای تحصیل امنیت و انتظام و اصلاح امور مالیه میشود  
 ریختن طرح ادارات دولت نیز مطابق اصول متقنین جدیده لازم خواهد بود زیرا که تا ادارات  
 دولتی که ایلات قوه اجرا ینه هستند بر اساس محکم گذارده نشود اتخاذ وسائل ترقی و آبادی  
 مملکت میسر نخواهد بود .

برای ترتیب اساس ادارات باید مصمم شد بر اینکه از استخدام بعضی مستشارها از  
 خارج ، ناگزیریم که با رعایت مقتضیات حال مملکت ترتیب ادارات بر روی اساسی گذاشته



شود که شعب آنها بیکدیگر مربوط و متناسب باشد زیرا که مسلم است اقتباس قواعد و قوانین مختلف از ممالک مختلفه در مقام عمل، اسباب اشکال خواهد شد، در ضمن تصحیح و ترتیب ادارات اهتمام مخصوص در نظم و ترتیب عدلیه و معارف نیز لازم خواهد بود.

در خصوص عدلیه اهم اقداماتی که باید بشود وضع و ترتیب قوانین است که فوراً شروع شده به مجلس پیشنهاد میشود ولی قبل از آنکه قوانین مزبوره از مجلس بگذرد برای پیشرفت امور عدلیه لازم است که اولاً قواعد و دستورالعمل‌های موقتی که از طرف وزارت عدلیه ابلاغ میشود موقتاً لازم الاجرا بوده مخالفت با آنها نشود.

و ثانیاً قبل از آنکه قوانین راجعه به انتخاب رؤساء و اعضای محاکم عدلیه وضع شود وزیر عدلیه در انتخاب اعضاء اختیارات تام داشته باشد که مادام که قوانین وضع نشده است بتواند مسئولیت لازم بر عهده بگیرد.

در باب معارف نیز لوایح و قوانینی که برای ترویج و ترقی معارف لازم است به مجلس پیشنهاد خواهد شد که بعد از مذاکره و تصویب در مجلس بموقع اجرا برسد، ولی شاره به این نکته لازم است که ایجاد یک ترتیب صحیح برای ترقی معارف، مخارج و مصارف کافی لازم دارد و عجلالتاً یا مضایقه فعلی مالیات غیر از اینکه برای ترویج معارف اهالی مملکت کمکو امداد نمایند تدبیر دیگر بنظر نمی رسد.

ترتیب مساعدتی که باید از طرف عموم نسبت به امر معارف بشود یا بودجه معارف و قوانین آن و همچنین ترتیب و مخارج یکعه متعلمین که برای تکمیل تحصیلات یا معاینه عملیات بخارجه اعزام خواهند شد از طرف وزارت معارف به مجلس پیشنهاد خواهد شد.

در ذیل کلیات مذکوره فوق، اشاره به این مطلب نیز لازم است که البته هیئت وزرا حالیه در اجرای مواد قانون اساسی سعی و اهتمام بلیغ خواهند نمود. لیکن این مساله معین است که پاره‌ای از مواد قانون اساسی کلیات و اصول است که تا قوانین فرعی و جزئیات و متشنیات آنها چنانکه در همان مواد نیز اشاره شده است وضع و تدوین نشود آن اصول و مواد قابل اجرا نخواهد بود. پس بهترین اقدامی که هیئت وزراء در خصوص این قبیل مواد بتوانند تعهد کنند آنست که قوانین فرعی که در حقیقت به منزله تفسیر قوانین اساسی است هر چه زودتر از ادارات به مجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند که بعد از تصویب مجلس بموقع اجرا برسد.

پرگرام کابینه آقای سپه دار اعظم با این بودجه هیچ اداره را ولو اینکه موقتی یا

سنواتی باشد نمی توان بموقع اجرا گذارد مگر اینکه به تصویب مجلس شورای ایملی برسد در جلسه ۲۳ ذیقعدہ ۱۳۲۷ قمری بتصویب مجلس شورای ایملی رسید .

امادولت سپه دار اعظم چیزی نتوانست دوام بیاورد و در اول مرداد ماه ۱۲۸۹ مستوفی الممالک ماءمورتشکیل دولت گردید واو ازاین تاریخ تا اسفند ماه ۱۲۸۹ دودولت بشرح زیرتشکیل داد وبرنامهئی تقدیم مجلس شورای ایملی کرد که در تاریخ ۱۷ شعبان ۱۳۲۸ قمری بتصویب مجلس شورای ایملی رسید .

دولت اول : بتاریخ اول مرداد ماه ۱۲۸۹

نخست وزیر : مستوفی الممالک - وزیر داخله فرمانفرما - وزیر خارجه حسینقلی خان نواب - وزیر جنگ : قوام السلطنه - وزیر مالیه : حکیم الملک - وزیر عدلیه : دبیر الملک - وزیر پست وتلگراف : اسداله میرزا شهاب الدوله

دولت دوم : بتاریخ ۶ آبان ۱۲۸۶

نخست وزیر : مستوفی الممالک - وزیر داخله : عین الدوله - وزیر خارجه : نواب (نواب در ۲۴ ذیحجه ۱۳۲۸ ازوزارت خارجه استعفاء داد و در ۱۲ دی ماه ۱۲۸۹ محتشم السلطنه ازوزارت عدلیه بوزارت خارجه منصوب شد) - وزیر جنگ : فرمانفرما - وزیر مالیه صنیع الدوله وزیر عدلیه محتشم السلطنه - وزیر پست وتلگراف : اسداله میرزا شهاب الدوله .

متن برنامه کابینه آقای مستوفی الممالک که در جلسه ۱۷ شعبان ۱۳۲۸ بتصوسی مجلس

شورای ایملی رسیده بدین شرح است :

۱- اقدام فوری در جلب مستخدمین خارجه

۲- اصلاحات لازمه در دوایر نظمیه وامنیه - حسن اداره امور در ایالات و ولایات،

مراقبت جدی در دفع مواد فسادی که صلح وآرامی را در مملکت متزلزل نماید .

۳- تهیه قوای نظامی که عبارت باشد از یک اردوی جدید منظم از اسلحه مرکب از

شش هزار و ششصد نفر در مرکز و اردوی ساخلوهای لازمه بطرز قدیم با اصلاحات ممکنه در ولایات که مجموع عدده آنها از ۲۵ الی ۳۰ نفر خواهد بود با اسلحه جدید که باید خریداری شود .

۴- اصلاحات امور مالیه وتعديل در عمل مالیات واقدام فوری در تاءسیس دیوان

محاسبات مطابق قوانین که از مجلس خواهد گذشت وتدارک وجهی برای مخارج ضروریه و کسر بودجه واجراء اصلاحاتی که در تکثیر عایدات وتقلیل مخارج صورت قطعی دارد .

۵- اصلاحات لازمه در امور عدلیه وتنقیح وتنظیم قوانین وقواعد لازمه در حسن جریان

امور در محاکم و قبل از آنکه قوانین راجعه به انتخاب رؤسا و اعضای محاکم عدلیه وضع شود وزیر عدلیه باید در انتخاب اعضاء اختیار تام داشته باشد که مادام که قوانین وضع نشده است بتواند مسئولیت لازم بر عهده بگیرد و اقدام فوری در تاسیس محکمه تمیز .

۶- اصلاحات لازم در امور مدارس و فرستادن یک عده متعلمین برای تکمیل تحصیلات یا معاینه عملیات بخارجه .

۷- تقدیم لایحه در تشکیل (کنسی "تا) برای تنقیح قوانین قبل از تقدیم به مجلس مقدس .

از وقایعی که در این دوران روی داد فوت عضدالملک نایب السلطنه بود که در رمضان ۱۳۲۸ درگذشت و پس از او میرزا ابوالقاسم ناصرالملک نایب السلطنه گردید و در ۱۳۲۹ وارد تهران شد .

در این هنگام نمایندگان مجلس تصمیم گرفته بودند برای اصلاح امور مالی جلب مستشار از امریکانمایند و بدنبال این تصمیم مسترشوستر و بعضی از مستشاران آمریکائی در جمادی الاول ۱۳۲۹ وارد تهران گردیدند و دست به اقدامات اصلاحی اساسی زدند مرتضی قلی وزیر مالیه ایران را به قتل رسانیدند و قونسلو خانه روس نه فقط مجرمین را حمایت کرد بلکه مانع محاکمه آنها بوسیله دولت ایران شد .

## دولت‌ها مستعجل بودند!

اوضاع آشفته، تا امنیت بودن اجتماع آن روز، حمایت بیدریغ روسها سبب شد تا محمد علی شاه را که در خارج از ایران بود بفرکر بازگشت بیندازد و شاه مخلوع با کمک باطنی روشها به ایران مارجعت کرد تا با مساعدت ترکمنان حکومت مشروطه را برهم زند و سالارالدوله برادر او از طرف غرب بنای یاغی‌گری گذاشت.

شعبان ۱۳۲۹ ماه پراشوب و فتنه بود. ارشالدوله (علی) از سرداران کاری شاه مخلوع به طرف تهران می‌آمد و سالارالدوله کرمانشاهان و همدان را در قبضه تصرف درآورد ارشالدوله باکمال فیروزی به قریه امامزاده جعفر نزدیک تهران رسیده بودند و پایتخت در خطر سقوط بود که در این هنگام امیرمجاهد و پیرم خان بمدافعه پرداختند و در آخر لشکر انبوه ترکمن شکست سخت خورد و ارشالدوله دستگیر و کشته شد (رمضان ۱۳۲۹).

پس از این امر دیگر محمدعلی میرزا را تاب مقاومت نماندولی برادرش سالارالدوله در همدان دست بردار نبود، تا اینکه در ماه شوال همان سال رفع غائله او شد و بین قصبه قم و نوبرون جنگ سختی رخ داده و از شش هزار نفر لشکر سالارالدوله پانصد نفر مقتول و مجروح شدند. دولت خواست اموال سالارالدوله و برادرش شعاع‌السلطنه ملک منصور میرزا را توقیف و ضبط نماید ولی روسها که بهیچوجه موافق نبودند دخالت کرده

و از شعاع السلطنه حمایت کردند و در نتیجه دولت هیچگاه نتوانست اموال او را مصادره کند.

از دیگر وقایع برجسته این دوران جنگ بین الملل اول است که نتایج این جنگ در فصل بعدی مورد بررسی قرار گرفته است و اجمالا" از آن میگذریم .

تا پیش از کودتای سوم اسفند که سرآغاز دگرگونی وسیع و بزرگ اجتماعی زندگی ایرانیان است هفده کابینه تشکیل شد و بسیاری از این کابینه‌ها بارها ترمیم شدند. ما اجمالا" مروری کوتاه بر این هفده کابینه و برنامه دولت‌ها می‌نمائیم که به ترتیب پس از مستوفی‌الممالک این کابینه‌ها تشکیل گردیده است.

۱- دولت محمد ولی خان سپهدار اعظم :

سپهدار اعظم از تاریخ ۲۰ اسفند ۱۲۸۹ الی مرداد ماه ۱۲۹۰ سه دولت به شرح زیر تشکیل داد و برنامه‌یی تقدیم مجلس شورای معلی کرد که متن آن ذیلا" به چاپ رسیده است :

دولت اول : بتاريخ بیستم اسفند ماه ۱۲۸۹

نخست وزیر : سپهدار اعظم - وزیر داخله مستشارالدوله - وزیر خارجه : محتشم السلطنه  
وزیر جنگ : سپهدار اعظم - وزیر مالیه : ممتازالدوله - وزیر عدلیه : مشیرالدوله -  
وزیر پست و تلگراف : معاون الدوله - وزیر معارف : علاء السلطنه .

دولت دوم : بتاريخ ۲ خرداد ماه ۱۲۹۰

نخست وزیر : سپهدار اعظم - وزیر جنگ : سپهدار اعظم - وزیر داخله : مستشارالدوله  
وزیر مالیه : معاون الدوله - وزیر عدلیه : مشیرالدوله - وزیر پست و تلگراف : ممتازالدوله  
وزیر فواید عامه : علاء السلطنه - وزیر تجارت و وزیر علوم و اوقاف : علاء السلطنه .

دولت سوم : بتاريخ ۲۷ تیرماه ۱۲۹۰

نخست وزیر : سپهدار اعظم - وزیر داخله . وثوق الدوله - وزیر خارجه : محتشم السلطنه  
وزیر جنگ : مصصام السلطنه - وزیر مالیه : معاون الدوله - وزیر معارف : حکیم الملک .  
برنامه کابینه آقای میرزا محمدولی خان سپهدار اعظم مصوب ۱۴ ربیع الدول ۱۳۲۹ قمری :

مقدمه :

ملاحظه اوضاع امروز ، مملکت بخوبی مدلل میدارد که تادر سبک اداره دولت تغییر

واضحی داده نشود و حسن جریان امور بطور کامل منظور نظر کارکنان دولت نباشد از حیث نظام امور مملکتی بهیچ نوع موفقیتی نایل نمی‌توان شد .

شرط اهم حصول این مقصود ، حفظ قدرت لازمه‌ایست که ملت برای تامین مصالح خود به هیئت دولت می‌سپارد. از آنجایی که این قدرت تاکنون بطور کافی اعمال نشده است فتوری به انتظام امور راه یافته که آن به آن در تزیید و آتیه مملکت را تهدید نماید .

در علل و اسباب این حال ناگوار که تعمق شود برای جلوگیری آن از اتخاذ وسایل چهارگانه ذیل ناگزیر خواهیم بود :

۱- رفع مواد فساد و تروریسم (یعنی دفع مواد مخالف مشروطیت و مخل آسایش بلاد و اهالی و مانع حسن جریان امور دولت) این بلای مملکت ویران کن امروز سلامت مملکت را به مخاطره انداخته و همان آزادی پرقیمت را که اینهمه صدمات بدست آمده به شدت متزلزل ساخته است. چون بالفعل قوانین لازمه وضع نشده و مسلم است باقوانینی که هرکس در خیال تصور می‌کند نمی‌توان دولت را اداره نمود و نظر باینکه سلامت مملکت اساس تمام قوانین است لهذا هیئت دولت بامسئولیت فوق‌العاده که در مقابل خدا و خلق برعهده دارد برای رفع مواد مزبوره باین نحوه اختیار نام می‌خواهد.

۲- اعمال مجازات در موارد جنحه و جنایات و تقصیرات .

۳- تامین انتظامات اداره و حفظ اصول اطاعت در میان طبقات مامورین و اجرای ادارات دولت خصوصا" در نظام بوسیله‌ی مجازات اداره‌یی.

۴- اجرای قانون مطبوعات. آزادی جراید از اصول اولیه مشروطیت است ، لیکن ، بعضی از جراید تاکنون به سوءاستعمال این نعمت غالباً " مصلحت مملکت و مقتضیات وقت را اخلال و حیثیت دولت را در داخل و خارج تزییع کرده اند و وزیرای عصر بعلت محظوراتیکه در موارد ارجاع به محاکم عدلیه تصادم میکردند در اجرای قانون مطبوعات متوقف بوده اند . علیهذا برای کابینه‌اختیاری لازم است که تا اصلاح محاکم عدلیه هرگاه جراید از حدود قانونی تجاوز کردند وزارت معارف قانون مطبوعات را به محاکمه اداره مجری دارد .

در صورتی که نمایندگان محترم بامقدمه فوق الذکر موافقت کامله داشته باشند پیرگرام ذیل بمجلس شورای ملی میشود و چون باخطراتی که وطن عزیز را تهدید میکند فقط محض فداکاری حاضر خدمت شد . و کار مملکت را مهتر از آن می‌دانیم که بدفع الوقت و مسامحه

بگذرد لهدا هر آن که تقویت مجلس نسبت به هیئت وزراء منظور نشود اشغال مسند وزارت را خیانت دانسته استعفای خود را تقدیم خواهیم کرد .  
**برنامه :**

- ۱- اتخاذ وسائل لازمه برای تکمیل امنیت .
  - ۲- تشکیل اردوهای سیار و ساخلو در نقاط لازمه مطابق لایحه و بودجه که بمجلس پیشنهاد شده است .
  - ۳- حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متحابه .
  - ۴- تعقیب استقراضی که کابینه سابق به مجلس پیشنهاد کرده و از تصویب کمیسیون قوانین مالیه گذشته است .
  - ۵- پیشنهاد بقیه بودجه کل .
  - ۶- شروع به اصلاحات مالیه با مستخدمین خارجه .
  - ۷- تجدید نظر در مالیت نمک محض رفع معایب و مشکلاتی که از این مالیت بر دولت و اهالی حاصل شده است .
  - ۸- تشکیل هیات مخصوصه برای تدارک لوایح قوانین موقتی در مواردیکه هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن قوانین از مجرای خود نیست . لوایح مزبور فقط بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منیع نیابت سلطنت عظمی خواهد رسید . (بقای این هیئت تا وقتی است که شورای دولت دایر بشود .)
  - ۹- اصلاح عدلیه با تدارک ترتیبات مقدماتی که لوایح آنرا وزیر عدلیه موافق ماده ۸ این پرگرام به کمیسیون عدلیه پیشنهاد خواهد کرد .
  - ۱۰- اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه موجوده حتی المقدور (اجرای پرگرام متحد در کلیه مدارس تا سه مدرسه دارالمعلمین در تهران مطابق پیشنهادی که خواهد شد .)
  - ۱۱- توجه به امر تجارت ، گذراندن قانون شرکتها به پیشنهاد لایحه قانون اتاقهای تجارتنی .
  - ۱۲- پیشنهاد اصلاح قانون بلدییه .
  - ۲- دولت صمصام السلطنه :
- از تاریخ سوم خرداد ماه ۱۳۹۰ الی دیماه ۱۲۹۱ صمصام السلطنه بشرح زیر تشکیل دادو  
 برنامه ای تقدیم مجلس شورای ملی کرد .

۲  
 ۱۳۹۰/۰۳/۰۳  
 ۱۳۹۰/۰۳/۰۳  
 ۱۳۹۰/۰۳/۰۳

دولت اول بتاريخ: سوم خرداد ۱۲۹۰

نخست وزیر: مصمص السلطنه - وزیر جنگ: مصمص السلطنه - وزیر داخله: قوام السلطنه  
- وزیر خارجه: وثوق الدوله - وزیر مالیه: حکیم الملک وزیر عدلیه: مشیر الدوله - وزیر  
پست و تلگراف: دبیر الملک - وزیر معارف: علاء السلطنه.

دولت دوم بتاريخ: هشتم مرداد ماه ۱۳۹۰

نخست وزیر مصمص السلطنه - وزیر داخله: قوام السلطنه - وزیر خارجه: وثوق الدوله  
وزیر جنگ: مصمص السلطنه - وزیر مالیه: حکیم الملک وزیر عدلیه: مشیر الدوله - وزیر  
پست و تلگراف: معاضد السلطنه - وزیر فواید عامه: علاء السلطنه - وزیر معارف: علاء السلطنه

دولت سوم بتاريخ: هفتم آذر ماه ۱۳۹۰

نخست وزیر: مصمص السلطنه - وزیر داخله مصمص السلطنه - وزیر خارجه: وثوق الدوله -  
وزیر جنگ: سردار محتشم - وزیر مالیه: میرزا محمد علی خان فروغی (ذکاء الملک) - وزیر  
عدلیه محتشم السلطنه - وزیر پست و تلگراف: معاضد السلطنه - وزیر معارف: مستشار الدوله

دولت چهارم بتاريخ: بیستم آذر ماه ۱۲۹۵

نخست وزیر مصمص السلطنه - وزیر داخله: قوام السلطنه - وزیر خارجه: وثوق الدوله -  
وزیر جنگ: سردار محتشم - وزیر مالیه: حکیم الملک - وزیر عدلیه: ذکاء الملک - وزیر پست  
و تلگراف: معاضد السلطنه.

دولت پنجم بتاريخ ۱۴ خرداد ماه ۱۲۹۱

نخست وزیر مصمص السلطنه - وزیر داخله محتشم السلطنه - وزیر خارجه: وثوق الدوله -  
وزیر جنگ: سردار محتشم - وزیر مالیه: معاون الدوله - وزیر عدلیه: ممتاز الدوله - وزیر  
پست و تلگراف: مستشار الدوله - وزیر معارف: علاء السلطنه.

برنامه کابینه مصمص السلطنه در تاریخ ۹ رمضان ۱۳۲۹ بدین شرح در مجلس تصویب

شد.

ماده اول - قانون انتخابات که از مجلس شورای ملی می گذرد، چون شرکت هیئت دولت  
در مباحث آن لازم است وزراء مطالعه کرده رای قطعی خود را در مواد آن اظهار خواهند نمود.

ماده دوم - چون در قوانین اساسی حاضر. اصلی راجع به کیفیت تجدیدنظر در آنها نوشته  
نشده و دولت تجدیدنظر در قوانین مزبور را لازم می داند لهذا در موقع انتخابات آتی از  
طرف دولت اعلان میشود، در صورتیکه ملت ایران با نظریات دولت در این موضوع موافق



باشد اشخاصی را که به نمایندگی انتخاب می نماید حق تجدیدنظر در قوانین اساسی داشته باشند. بنابراین دولت برای اینکه برای ملت را در این باب بفهمد پس از آنکه دولت از تمام منتخبین حاضر شوند مجلس را برای صلاحیت در تجدیدنظر کافی دانسته در باب لزوم یا عدم لزوم تجدیدنظر رجوع به رای نمایندگان جدید خواهد نمود هرگاه به اکثریت دولت آراء از دولت مزبور رای به تجدیدنظر داده شد رای ملت معلوم و شروع به مذاکرات مراجعه به آن خواهد شد.

**ماده سوم** - چون باید هیئت دولت بقدر کفایت مقتدر بوده و اختیاراتی که لازمه تعهد مسئولیت است دارا باشند و در انجام تکالیف خود فقط مصالح مملکت را در نظر گرفته و از القات اشخاص یا مجامع غیر مسئول بهیچ وجه متاثر نشود در مواقعی که این قبیل اشخاص یا مجامع عقاید خود را بدون اطلاع و رجوع به اولیای مسئول امور بموقع اجرامی گذارند و یا بواسطه بعضی اقدامات از قبیل انتشارات مجعول یا تشکیلات خفیه یا مشوب کردن اذهان در صدد تضعیف قوای دولت برمی آید فوراً از آنها جلوگیری نموده مرتکبین را مجازات خواهد داد.

**ماده چهارم** - چون باید دولت در مرکز قوای مملکت اهتمام فوری کرده از عدم مرکزیت و تشتت اقتدار جلوگیری نماید برای ایفاء این مقصود تجدیدنظر در قوانین انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی ها استفاده از مستشارهائی که از اروپا جلب شده اند لازم است و به مجلس پیشنهاد خواهد شد و چون در قانون انجمن های بلدی حق انفصال به دولت داده نشده است، قبل از آنکه نتیجه تجدیدنظر معلوم و قانونی شود دولت در انفصال آنها نیز ممتاز خواهد بود.

**ماده پنجم** - اشخاصی که بواسطه فقد قوانین فرعی که بایستی برای قوانین اساسی نوشته شود از ابهام و اجمال قوانین مزبور، استفاده کرده و مخل نظم و آسایش عمومی میشوند و باستناد بظواهر قوانین مجمل و مبهم بوسیله انتشارات و یا وسائل دیگر یا اقدامات دولت ضدیت می نمایند و حتی بعضی اوقات برای اجرای مقاصد خود به قوانین ممالک دیگر متوسل می شوند باید دولت در جلوگیری و دفع ضرر آنها مختار باشد و کلیتاً از مقاسدی که ممکن است بر سوء تاءویل مجملات قوانین مرتبت شود جلوگیری نماید.

**ماده ششم** - چون برای برقراری نظم و امنیت در تمام مملکت که منظور اساسی دولت است ایجاد قوای منظم و کافی و عجالاً تشکیل زاندار مری مرتب در تحت اداره و تعلیم

صاحب منصبان سوئدی لازم است برای ایفاء این مقصود دولت اقدامات لازمه را نموده  
لواحی را که برای سرعت جریان این مقصود و تکمیل آن لازم بداند به مجلس شورای  
ملی پیشنهاد خواهد کرد .

**ماده هفتم - بع**

**ماده هفتم -** بعضی ادارات و تاء سیاسات که بدون اقتضا ضرورت و از روی عدم تجربه  
ایجاد شده و بقای آن با احتیاجات فعلی مملکت متناسب نیست ، بلکه موقوف کردن یا تخفیف  
دادن آنها از نقطه نظر مالی و مقتضیات مملکت لازم است باید دولت در تخفیف یا حذف و  
الغاء آنها مختار باشد .

**ماده هشتم -** در باب اصلاحات اساسی وزارت عدلیه دولت مشغول مطالعات لازمه  
بوده و پیشنهادی به مجلس شورای ملی خواهد کرد قبل از آنکه ترتیب مزبور پیشنهاد شود  
و صورت قانونی پیدا کند هم اختیاری برای دولت لازم است که به اقتضاء وقت و موقع ،  
اقداماتی را که برای اجرای عدالت لازم میدانند بنماید .

**ماده نهم -** مادام که قانون مجازات از مقامات مقننه نگذشته است باید دولت در دادن  
مجازات به ترتیب که هیئت وزراء قانون موقتی را که مرتب خواهند نمود مختار باشند .

**ماده دهم -** بدیهی است که پلتیک داخلی هر مملکت تا یک اندازه بوضعیت پلتیک و  
روابط خارجه آن مملکت مربوطه است و مادام که در پلتیک خارجه یک مسلک مستقیم خواهد  
شد ، بنابراین دولت باید در روابط خارجی روشی اتخاذ نماید که همراهی و اعتماد دول  
متحابه خصوصا " دولتی را که اهمیت روابط آنها مسلم است نسبت به دولت حاضر . جلب  
نماید و مساعدت افکار عمومی با روشی که هیئت دولت اتخاذ کند لازم است .

**۳- دولت علاء السلطنه :**

از تاریخ ۲۸ دیماه ۱۲۹۱ تا ۲۶ مردادماه ۱۲۹۲ علاء السلطنه زمام امور را در دست داشت و  
کابینه او بدین شرح است :

**نخست وزیر :** علاء السلطنه - **وزیر داخله عین الدوله - وزیر جنگ :** مستوفی الممالک  
- **وزیر خارجه :** وثوق الدوله - **وزیر مالیه :** قوام السلطنه - **وزیر عدلیه :** ممتاز الدوله -  
**وزیر پست و تلگراف :** مستشار الدوله - **وزیر تجارت :** مؤتمن الملک - **وزیر علوم و اوقاف :**  
مشیر الدوله .

در این کابینه مشیر الدوله و مؤتمن الملک استعفاء دادند و ممتاز الدوله بجای مؤتمن  
الملک وزیر تجارت شد و ارف الدوله چند روزی بجای ممتاز الدوله به وزارت عدلیه منصوب

شد .

#### ۴- دولت مستوفی الممالک :

از تاریخ ۲۶ مرداد ماه ۱۳۹۲ الی اسفند ۱۲۹۳ مستوفی الممالک دولت به شرح زیر تشکیل داد :

##### دولت اول : بتاريخ ۲۶ مرداد ۱۲۹۲

نخست وزیر : مستوفی الممالک - وزیر داخله : عین الدوله - وزیر معارف : علاء السلطنه - وزیر مالیه : حاج محتشم السلطنه - وزیر خارجه : معاون الدوله - وزیر جنگ : صاحب اختیار ( غلامحسین خان غفاری ) - وزیر عدلیه : مخبر السلطنه - وزیر پست و تلگراف : شهاب الدوله - وزیر تجارت و فوآد عامه : مهندس الممالک .

##### دولت دوم : بتاريخ ۳۰ بهمن ۱۲۹۳

نخست وزیر : مستوفی الممالک - وزیر داخله : عین الدوله - وزیر خارجه : معاون الدوله - وزیر جنگ : صاحب اختیار - وزیر مالیه : محتشم السلطنه - وزیر عدلیه : مخبر السلطنه - وزیر پست و تلگراف : شهاب الدوله - وزیر فوآد عامه : مهندس الممالک - وزیر تجارت : مهندس الممالک - وزیر معارف : علاء السلطنه .

مستوفی الممالک برنامه خود را بدین شرح تقدیم مجلس کرد :

"بسم تعالی . بنا براینکه در حکومتهای شوروی هر هیئت دولتی مکلف است اقدامات و اصلاحاتی را که برای امور ادارات مملکت صلاح می داند با موافقت نظریات اکثریت مجلس مقننه تعقیب و اجرا نماید هیئت حاضره که اساس مشی پلتیک آن در مناسبات داخله و خارجه در نطق همایون شاهنشاهی با استحضار مجلس نمایندگان رسیده و به حسن تلقی پذیرفته شده است اینک جزئیات پرگرام آتیه خود را که با رعایت استعداد فعلی و مقتضیات وقت تهیه نموده پیشنهاد مقام مقننه می نماید این مسئله واضح است که نمایندگان محترم هر یک یا آزاد و شوق کامل و وسایل ترقی و تعالی و آسایش را برای مملکت و موکلین خود در نظر دارند و مایلند که بانهایت عجله و شتاب نائل بمقاصد مقدسه خود بشوند - ولی تصدیق خواهند فرمود که حصول تمام آن آمال را با تدارک اسباب و وسائل ممکنه باید منتظر بود - لهذا پس از امتنان و تشکر از اینکه با تائیدات الهی و توجهات خاصه همایونی دولت به تشکیل سومین مجلس مقننه بر طبق آمال خود موفق گردید و اینک خود را در مقابل استفاده از مساعدت

مجلس مقدس برای اصلاحاتی که در نظر دارد خوشبختانه می‌بیند به تقدیم چند فقره مواد ممکن الحصول ذیل عجالتا " قناعت رفته و امید است که در تسریع و تصویب آنها مجلس شورای ملی مساعدت عاجل حاصل فرماید .

- ۱- تقدیم لوایح قانونی راجع به مجلس سنا و شورای مملکتی .
- ۲- نسخ قانون ۲۳ جوزا و پیشنهاد قانون تشکیلات اساسی وزارت مالیه .
- ۳- تعدیل بودجه و گذرانیدن آن از مجلس شورا ملی .
- ۴- تهیه لوایح تکثیر عایدات که بعضی از آن حاضر و تقدیم میشود .
- ۵- تهیه و تقدیم لایحه استقراض داخلی بمبلغ ده کرور تومان برای جبران کسور و مخارج ضروری و اصلاحات و تاء مینات مملکتی که عایدات تدریجی و قابانجام آن نمی نماید .
- ۶- پیشنهاد لایحه قانونی حقوق تقاعدی .
- ۷- تقدیم لایحه قانون ممیزی .
- ۸- احضار یک عده قوای نظامی برای حفظ امنیت - عده مزبور در ضمن تعدیل بودجه با اطلاع نمایندگان محترم خواهد رسید ولی فعلا " موافق تصمیمی که هیئت وزراء کرده علاوه بر عده موجود مرکز ولایات یک عده که کمتر از پنج هزار نفر نباشد در مرکز حاضر خواهد نمود .
- ۹- تقدیم لایحه تشکیلات اساسی وزارت جنگ
- ۱۰- تجدید نظر و اصلاح در ترتیب گرفتن سرباز و تقدیم لایحه آن به مجلس .
- ۱۱- تشکیل نظمیہ بارعایت نظریات بودجه در مرکز ایالات و بعضی ولایات به ترتیب نظمیہ مرکز .
- ۱۲- حفظ اساس ژاندارمری و تکمیل نواقص آن .
- ۱۳- تجدید نظر در قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی و اصلاح آن بمناسبت مقتضیات مملکت برای تقدیم به مجلس شورا یملی .
- ۱۴- تقدیم لایحه تشکیلات اساسی مرکزی وزارت داخله به مجلس شورا یملی .
- ۱۵- تکمیل قوانین عدلیه به ترتیب الاهم فالاهم از حیث احتیاجات امروزی عدلیه نظریه مشاغل مهم فوریه به مجلس شورا یملی و فرط احتیاج عدلیه بقوانین مزبوره کابینه وزراء تقاضای کند که مجلس مقرر دارد همین که قوانین موضوعه از کمیسیون عدلیه گذشت بطور موقت در مقام اجرا گذاشته شود ، چنانکه سابقا " هم در مجلس نظیر این تصمیم بعمل آمده است - البتہ در موقع فراغت از مجلس شورا یملی خواهد گذشت .

- ۱۶- تقدیم لایحه برای تأسیس مدرسه حقوق که بتواند تهیه اعضاء کافی و لایق برای استخدام عدلیه و سایر ادارات بنماید .
- ۱۷- پیشنهاد لایحه قانونی تأسیس دارالمعلمین .
- ۱۸- تأسیس چند مدرسه برای تربیت نسوان که در بودجه پیش بینی شده .
- ۱۹- تهیه لوایح تشکیلات اساسی وزارت فوائد عامه و تجارت برای تقدیم به مجلس شورای ملی
- ۲۰- تقدیم قانون پستی که به امضای دولت رسیده و باید به تصویب مجلس برسد .
- ۲۱- تکمیل نواقص خطوط تلگرافی موجوده و ساختن چند رشته سیم های لازم که در بودجه منظور شده است .
- ۲۲- تهیه قانون تلگرافی برای تقدیم به مجلس شورای ملی . "
- ۵- دولت مشرال الدوله :

در ۲۲ اسفند ماه ۱۲۹۳ مشرال الدوله مامور تشکیل دولت شد و او اعضاء کابینه را بدین شرح معرفی کرد :

نخست وزیر : مشیرالدوله - وزیر جنگ : مشیرالدوله - وزیر خارجه : معاون الدوله  
وزیر داخله : مستشار الدوله - وزیر معارف : حکیم المملک - وزیر عدلیه : ذکاء الملک - وزیر  
مالیه : مشار السلطنه - وزیر پست و تلگراف و تجارت و فوائد عامه : نظر الملک .  
مشیرالدوله چنین برنامه ای را به تصویب مجلس رساند .

" چون به عقیده هیئت وزراء برگرامی را که از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی میشود باید شامل اصول اقداماتی باشد که هیئت دولت در نظر دارد ذکر جزئیات امور را در برگرام غیر لازم می داند علیهذا فقرات ذیل را که رؤس مسائل و منظورات هیئت وزراء است بعنوان پروگرام تقدیم مجلس مقدس نموده خاطر نمایندگان محترم را متوجه می سازد که در ترتیب این پروگرام از ذکر فروع و نیز از پیشنهاد نمودن اموری که به آمال و آرزو نزدیکتر از حقیقت و عمل است احتراز جسته و ضمناً ذکر چند فقره مطلب را هم که از اصطلاحات از قبیل تاسیس مجلس سنا و شورای مملکتی و نسخ قانون ۲۳ جوزا غیر لازم دانسته اند

بواسطه اینکه درجۀ پروگرام هیئت وزراء سابق به مجلس مقدس اظهار شده و نمایندگان محترم بتصویب سواد مزبوره نظر خود را معاوم داشته و هیئت وزراء حاضر هم همان نظر را تعقیب خواهند نمود، بلکه یک ماده از آن را که نسخ قانون ۲۳ جوزا باشد قبلاً بموقع عمل گذاشته‌اند. نظر به مقدمات فوق پروگرامی که هیئت حاضره مصمم به تعقیب آن می‌باشند از قراری است که ذیلاً بنظر نمایندگان محترم می‌رسد.

**سیاست خارجه:** در حفظ و وقایه روابط دوستانه با دول متجابه و مداومت در مسلک بیطرفی موافق نطق اعلیحضرت.

دوم - ازدیاد منابع عایدات موافق لویحی که پیشنهاد خواهد شد.

سوم - تعدیل بودجه.

چهارم - ممیزی مالیاتهای مستقیم تا اندازه‌یی که وسایل موجوده اجازه می‌دهد.  
پنجم - لایحه تشکیلات وزارت مالیه در کمیسیون قوانین مالیه مطرح مذاکره است و هیئت دولت تعاطی نظر با کمیسیون مذکور می‌نماید. لویح راجعه بسایر مواد پیشنهاد خواهد شد.

**عدلیه:** اول - تکمیل قوانین عدلیه و پیشنهاد لویح قانونی ذیل به مجلس شورایی عملی (۱) لایحه قانونی تشکیلات محاکم تجارت و اصول محاکمات تجارتي (۲) لایحه قانون جزا (۳) لایحه قانون افلاس تجارتي (۴) لایحه قانون بروات. چون مجلس شورای ملی بواسطه اشتغال فوق‌العاده نخواهد توانست قوانین مزبوره را در فرصت مطلوبه بگذراند هیئت وزراء درخواست می‌نماید که پس از گذشتن قوانین مزبوره از کمیسیون عدلیه مجلس دولت مجاز باشد که آنها را پس از آنکه به امضای هیئت وزراء و به صحه ملوکانه رسید موقتاً بموقع اجرا بگذارد تا زمانی که از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد.

دوم - اصلاحات لازمه در محاکم عدلیه مرکزی و تشکیل محاکم عدلیه در ولایات موافق بودجه که وزیر عدله به مجلس پیشنهاد کرده است.

سوم - مطالعه در ترتیب ثبت اسناد و اتخاذ وسایلی که باعث مزید استحکام معاملات بشود.

نظام؛ اصلاحات لازمه در نظام موافق لویح و بودجه که به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد.

معارف: اول - اصلاحات اساسی در مدارس ابتدایی موجوده: (۱) تاسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات (۲) اتخاذ وسایل لازمه برای تهیه کتب تدریس ابتداییه و متوسطه موافق نقشه‌یی که وزیر معارف به مجلس شورایملی پیشنهاد خواهد نمود.

دوم - تبدیل چند باب از مدارس ابتدایی موجوده به مدارس ابتدایی و متوسطه دولتی و تبدیل مکتب خانه‌ها به کلاسهای ابتدایی.

سوم - اقدامات لازمه برای اینکه در مدارس اصول تعلیم از روی پروگرام واحد باشد.

چهارم - تبدیل مدرسه سیاسی بمدرسه حقوق و سیاسی برای تهیه مستخدمین لایق برای عدلیه و سایر دوایر دولتی.

پنجم - دادن اعتبار لازم بتصدیق نامهای مدارس دولتی بموجب لایحه‌یی که پیشنهاد خواهد شد.

پست و تلگراف و تجارت و فوائد عامه:

اول - تقدیم لوایح قانونی ذیل به مجلس شورایملی راجع: (۱) به قانون پستی

(۲) به تشکیلات اداری و تجارت (۳) به شرکتها و اتاقهای تجارتي.

دوم - تاسیس اتاق تجارتي در مرکز.

#### ۶- دولت عین الدوله

در تاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۲۹۴ عین الدوله مامور تشکیل دولت شد و او

کابینه خود را به این شرح تشکیل داد:

نخست وزیر: عین الدوله - وزیر داخله فرمانفرما - وزیر خارجه: محتشم السلطنه -

وزیر جنگ: عین الدوله - وزیر مالیه: امیر نظام - وزیر عدلیه: سردار منصور - وزیر

پست و تلگراف و وزیرتجارت و فوائدعامه - مهذب السلطنه (که بعداً ملقب به امین الملک

شد و همان دکتر اسماعیل مرزبان است.) وزیر معارف: حکیم الملک.

#### ۷- دولت مستوفی الممالک:

در تاریخ ۲۶ مرداد ماه ۱۲۹۴ مستوفی الممالک کابینه‌ئی بدین شرح تشکیل داد:

نخست وزیر: مستوفی الممالک وزیر داخله: محتشم السلطنه - وزیر خارجه:

مستوفی الممالک - وزیر جنگ: سپهداراعظم - وزیر مالیه: وثوق الدوله - وزیر عدلیه:

علاء السلطنه وزیر پست و تلگراف : مستشارالدوله - وزیر تجارت و فوائد عامه : شهاب الدوله - وزیر معارف : حکیم الملک .

۸ - دولت فرمانفرما :

در سوم دیماه ۱۳۹۴ فرمانفرما مأمور تشکیل دولت وقت گردید و اعضای کابینه او بدین شرح بودند :

نخست وزیر : فرمانفرما - وزیر داخله : فرمانفرما - وزیر خارجه : مشاور الممالک انصاری - وزیر جنگ : سپه دار اعظم - وزیر مالیه : یمین الملک - وزیر عدلیه : علاء السلطنه وزیر پست و تلگراف : سردار منصور - وزیر فوائد عامه و تجارت : صارم الدوله ( اکبر میرزا مسعود ) - وزیر معارف : شهاب الدوله .

۹ - دولت سپهسالار :

در تاریخ چهاردهم اسفندماه ۱۲۹۴ سپهسالار اعظم مأمور تشکیل دولت گردید . باید یادآوری کرد که سپهسالار اعظم همان محمد ولی خان سپه دار اعظم است که ملقب گردید . اعضای کابینه سپهسالار اعظم بدین شرح است :

نخست وزیر : سپهسالار اعظم - وزیر داخله : سپه دار اعظم رشتی - وزیر خارجه : صارم الدوله - وزیر جنگ : سردار کبیر - وزیر مالیه : یمین الملک - وزیر عدلیه : علاء الملک وزیر پست و تلگراف و فوائد عامه : مشیر اعظم اتابکی - وزیر معارف : مرتضی خان ممتاز الملک

۱۰ - دولت وثوق الدوله :

وثوق الدوله در روز هفتم شهریورماه ۱۲۹۵ اعضای کابینه خود را بدین شرح معرفی کرد :

نخست وزیر : وثوق الدوله - وزیر داخله : سپهدار اعظم - وزیر خارجه : وثوق الدوله وزیر جنگ : حشمت الدوله - وزیر مالیه : مشاور الملک - وزیر عدلیه : نصرت الدوله



وزیر پست و تلگراف : امین الملک - وزیر فواید عامه : قوام الدوله - وزیر معارف : ممتاز الملک

#### ۱۱- دولت علاء السلطنه :

از تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۲۹۶ الی آبان ۱۲۹۶ علاء السلطنه دو دولت به شرح زیر تشکیل داد :

دولت اول بتاريخ ۱۵ خرداد ماه ۱۲۹۶ :  
 نخست وزیر : علاء السلطنه - وزیر داخله : مستشار الدوله - وزیر خارجه : علاء السلطنه  
 وزیر جنگ : مشیر الدوله - وزیر مالیه : محتشم السلطنه - وزیر عدلیه : ممتاز الدوله -  
 وزیر تجارت : موتمن الملک - وزیر معارف : حکیم الملک .

دولت دوم بتاريخ ۱۷ مرداد ماه ۱۲۹۶ :

نخست وزیر : علاء السلطنه - وزیر داخله : قوام السلطنه - وزیر خارجه : علاء السلطنه  
 وزیر عدلیه : قصر الملک - وزیر جنگ : مشیر الدوله - وزیر مالیه : ممتاز الدوله - وزیر پست  
 و تلگراف : مشیر الدوله - وزیر فواید عامه : موتمن الملک - وزیر معارف : حکیم الملک .

#### ۱۲- دولت عین الدوله :

در اولین روز آذر ماه ۱۲۹۶ عین الدوله مأمور تشکیل دولت گردید و اعضای کابینه او این افراد بودند :

نخست وزیر : عین الدوله - وزیر داخله : قوام السلطنه - وزیر خارجه : علاء السلطنه  
 وزیر جنگ : مشیر الدوله - وزیر مالیه : مشار الملک - وزیر عدلیه : مخبر السلطنه - وزیر پست  
 و تلگراف : امین الملک - وزیر تجارت و فواید عامه : موتمن الملک - وزیر معارف : وثوق الدوله

#### ۱۳- دولت مستوفی الممالک :

از تاریخ ۲۷ دی ماه ۱۲۹۶ الی اردیبهشت ماه ۱۲۹۷ مستوفی الممالک دو دولت به

این شرح تشکیل داد :

دولت اول بتاریخ ۲۷ دیماه ۱۲۹۶ :

نخست وزیر : مستوفی الممالک - وزیر داخله : مستوفی الممالک - وزیر خارجه . مشار  
الممالک - وزیر جنگ : مشیرالدوله - وزیر مالیه : مخبرالملک - وزیر عدلیه : مخبر السلطنه  
وزیر پست و تلگراف : سردار اسعد - وزیر تجارت و فوائد عامه : میرزا حسن خان علاء -  
وزیر معارف : موتمن الملک .

از

دولت دوم بتاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۲۹۶ :

نخست وزیر : مستوفی الممالک - وزیر داخله : مخبر السلطنه - وزیر خارجه :  
مشاور الممالک - وزیر جنگ : مشیرالدوله - وزیر مالیه : مشار السلطنه - وزیر عدلیه : نصر  
الملک - وزیر پست و تلگراف : سردار اسعد - وزیر تجارت و فوائد عامه : میرزا حسین خان  
علاء - وزیر معارف : ممتاز الملک .

۱۴- دولت صمصام السلطنه :

از تاریخ ۱۰ اردیبهشت الی مرداد ماه ۱۲۹۷ صمصام السلطنه دولت بدین شرح

تشکیل داد :

دولت اول : بتاریخ ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۲۹۷ :

نخست وزیر : صمصام السلطنه - وزیر داخله : صمصام السلطنه - وزیر خارجه :  
مشار الممالک - وزیر جنگ : امیرمفخم ( لطفعلی خان بختیاری ) - وزیر مالیه : مشار الملک  
وزیر عدلیه : نصر الملک - وزیر پست و تلگراف : مشار السلطنه - وزیر تجارت و فوائد عامه  
میرزا حسین خان علاء - وزیر معارف : حکیم الملک .

دولت دوم بتاریخ ۲۷ خرداد ۱۲۹۶ :

نخست وزیر : صمصام السلطنه - وزیر داخله : صمصام السلطنه - وزیر خارجه : مشار السلطنه - وزیر جنگ : سردار محتشم - وزیر مالیه : حکیم الملک - وزیر عدلیه : ممتازالدوله - وزیر پست و تلگراف : نصر الملک - وزیر تجارت و فوائد عامه : میرزا حسین خان علاء - وزیر معارف ممتاز الملک .

#### ۱۵ - دولت وثوق الدوله :

از تاریخ ۱۵ مرداد ماه ۱۲۹۷ الی دیماه ۱۲۹۹ وثوق الدوله سه دولت بدین شرح تشکیل داد :

دولت اول بتاریخ ۱۵ مرداد ماه ۱۲۹۷ :

نخست وزیر : وثوق الدوله - وزیر داخله : وثوق الدوله - وزیر خارجه : مشاور الممالک کفیل وزارت جنگ : سردار همایون - وزیر مالیه : مشار الملک - وزیر عدلیه : نصرت الدوله کفیل وزارت پست و تلگراف : محاسب الممالک - وزیر تجارت و فوائد عامه : دبیر الملک وزیر معارف : نصیر الدوله .

دولت دوم ۲۷ مرداد ماه ۱۲۹۷ :

نخست وزیر : وثوق الدوله - وزیر داخله : وثوق الدوله - وزیر خارجه : نصرت الدوله وزیر جنگ : سپه دار اعظم - وزیر مالیه : صرم الدوله - کفیل وزارت عدلیه : سید مصطفی خان منصور السلطنه - وزیر تجارت و فوائد عامه : دبیر الملک - وزیر معارف : نصیر الدوله وزیر مشاور : مشاور الملک .

دولت سوم ۱۶ شهریور ماه ۱۲۹۸ :

نخست وزیر : وثوق الدوله - وزیر داخله : وثوق الدوله - وزیر خارجه : حشمت الدوله وزیر مالیه : اعتلاء الملک - وزیر عدلیه : نصر الملک - وزیر پست و تلگراف : محاسب الممالک - وزیر تجارت و فوائد عامه : دکتر امیر اعلم - وزیر معارف : نصیر الدوله .

**دولت مشیرالدوله :**

در تاریخ ۱۳ دیماه ۱۲۹۹ مشیرالدوله کابینه‌ای به این شرح تشکیل داد :

نخست‌وزیر : مشیرالدولم - وزیر داخله : حشمت الدوله - وزیر خارجه : مشار السلطنه  
وزیر جنگ : وثول السلطنه - وزیر مالیه : مخیر السلطنه - وزیر عدلیه : مصدق السلطنه  
وزیر پست و تلگراف : نیرالملک - وزیر فوآئد عامه : اعتلاء السلطنه - وزیر معارف : حکیم‌الملک  
وزیران مشاور : موتمن‌الملک و مستوفی‌الممالک .

**۱۷ - دولت سپهدار اعظم :**

از تاریخ ۵ آبان ۱۲۹۹ الی اسفند ۱۲۹۹ سپهدار اعظم دو دولت به شرح زیر تشکیل

داد :

دولت اول بتاريخ ۵ آبان ۱۲۹۹ :

نخست‌وزیر : سپهدار اعظم - وزیر داخله : سپهدار اعظم - کفیل وزارت خارجه  
جهانگیرخان ناظم‌الملک - وزیر جنگ : امیرنظام - وزیر مالیه : امین‌الملک - وزیر عدلیه  
میرزا سلیمان خان میکده - وزیر پست و تلگراف : سردار معتمد - وزیر تجارت و فوآئد عامه  
سالار لشکر - وزیر معارف : وحید‌الملک - وزیر مشاور : نصر‌الملک .  
دولت دوم بتاريخ ۲۸ بهمن ماه ۱۲۹۹ :

نخست‌وزیر : سپهدار اعظم - وزیر خارجه : محتشم السلطنه - وزیر جنگ : امیرنظام  
کفیل وزارت مالیه : میرزا عیسی خان - وزیر عدلیه : سالار لشکر - وزیر پست و تلگراف :  
سردار معتمد - وزیر تجارت و فوآئد عامه : نصر‌الملک - وزیر معارف : امین‌الملک .

**جنگ بین‌الملل اول و اوضاع ایران**

جنگ بین‌المللی اول که در سال ۱۹۱۴ میلادی آغاز شد در ایران تأثیرات خاصی  
داشت . پیش از آغاز جنگ واقعه‌ئی که انگلیسی‌ها را متوجه ایران کرده بود کشف نفت بود .  
در سال ۱۹۰۱ (۱۲۷۹) مظفرالدین شاه به یک کاشوشگر استرالیائی ، ویلیام نوکس دارسی

امتیازی اعطا کرد که بر طبق آن می‌توانست در تمام ایران مگر استان هائی که هم مرز امپراتوری روس بود به کاوش و استخراج بپردازد. در عین حال امتیاز داری به او حق می‌داد که خط لوله‌ای تا خلیج فارس ایجاد کند. در سال ۱۹۰۶ م. شرکت نفت بورمه و سرمایه‌دار اسکاتلندی، لرد استراتکونا، شرکتی بنام سندیکای امتیازات تشکیل دادند تا مدت سه سال با داری همکاری کنند. سرانجام در سال ۱۹۰۸ م. در نزدیکی یکی از آتشکده‌های قدیمی که به مسجد سلیمان معروف بود و صد و پنجاه کیلومتر بامدخل خلیج فارس فاصله داشت نفت کشف شد. استخراج از اولین چاه نفت در مسجد سلیمان توجه انگلیس را جلب کرد و باکمک حکومت انگلیس در تاریخ ۱۹۰۹ م. شرکت نفت ایران و انگلیس در لندن تشکیل شد. شرکت جدید امتیاز داری را تحویل گرفت و در آبادان تصفیه خانه‌ای ایجاد کرد که در سال ۱۹۱۳ م. به راه افتاد و به این ترتیب، قبل از آنکه جنگ جهانی اول آغاز شود، نفت ایران بسوی اروپا سرازیر شد و عاملی جدید (که بعدها عامل تعیین کننده گردید) بر موقعیت پیچیده ایران افزوده شد.

با شروع جنگ و با اینکه دولت ایران در سال ۱۳۳۵ اعلان بیطرفی داد کشور ماعرصه تاخت و تاز لشکریان روس و انگلیس گردیده و خسارات بیشمار بر مملکت و ملت وارد آوردند اینگونه مقدمات دولت وقت را مصمم ساخت که اصفهان را پایتخت قرار دهد. گرچه هیئت وزرا بواسطه تامين صوری سفارتخانه‌های روس و انگلیس از آن اقدام منصرف گردید ولی جمعی از نمایندگان مجلس و مجاهدین و ژاندارم‌ها که در تعقیب آن تصمیم مهاجرت به قم نموده بودند حاضر به مراجعت نشده کمیته‌ئی بنام کمیته دفاع ملی تشکیل دادند. کار بدان جا رسید که دیگر در ایران دو نوع حکومت وجود داشت. یکی حکومت مرکزی و دیگری حکومت مهاجرین که برای خود رئیس الوزرا، وزیر مالیه و وزیر جنگ و غیره معین کرده و کرمانشاه را مرکز خود قرار داده بودند.

در خلال این سالها روس‌ها، انگلیس‌ها و عثمانی‌ها کشور ما را میدان جنگ قرار داده انواع خسارات جانی و مالی وارد آوردند. گرچه در جنوب ایران تنگستانی‌ها و دشتستانی‌ها با کمال رشادت با انگلیسی‌ها مبارزه می‌نمودند. در مغرب نیز ایلات شیبایی و کلهر و سایر عشایر مردانه با روسها می‌جنگیدند. چه دهات که ویرانه گشت و چه خانواده‌ها که از بین رفت.

باری پیشرفت انگلیسی‌ها در عراق عرب موجب بازگشت قوای عثمانی گردید و

بالنتیجه بعضی از مهاجرین به جانب اسلامبول و برلن مهاجرت کردند . پس از انقلاب روسیه و ازگون شدن تاج و تخت نیکلای دوم امپراطور روس در سال ۱۳۳۵ مهاجرین بتدریج به تهران آمدند و بریاد رقتن خانواده رومانوف روزه امیدى برای ایرانیان باز کرد و تصور اصلاحاتی نمودند . چنانکه مصمص السلطنه نخست وزیر وقت در سال ۱۳۳۶ اعلام الفاء کاپیتولاسیون رانمود ، ولی شیرازه امور چنان ازهم گسیخته بود که پیوندآن محال بنظر می نمود . فعالیت های جاسوس آلمانی واسلوس ، در برابر توماس ادواردلارنس انگلیسی نیز در این سالها شرایط را از آنچه که بود بدتر کرد . این کشمکش ها فقط باعث زیان یک گروه در ایران شد و آنهم دهقانان ایرانی و دند که خسارت این جنگ را در ایران می پرداختند .

شاهنشاه در اکتاب ماموریت برای وطنم ، در باره سالهای جنگ بین الملل اول و احساسات متضادی را که اعلیحضرت رضا شاه کبیر داشتند چنین شرح داده اند :

"امروزمی توانم او را در برابر دیدگان باطن خویش مجسم کنم که براسب سفید خودسوار و از اوضاع اسفناک کشور آثار شرمندگی در چهره مردانه وباصلابت وی نمایان است . براستی در آن ایام خاک ایران رانمی شد به نام کشور خطاب کرد . زیرا این خاک پرافتخار حکومت مرکزی که شایسته عنوان حکومت باشد نداشت ، قسمتی بزرگ از نواحی ایران زیر پنجه تسلط خوانین و روسای محلی بود که ظاهرا " نسبت به شاه برای حفظ آبروی او اظهار وفا داری می کردند ولی در عمل مختار مطلق بودند و در ناحیه خود هر چه می توانستند ، به مردم تعدی می کردند و بر فلاکت آنان می افزودند . در آن هنگام ارتش مجهز باوسایل و تشکیلات جدید وجود نداشت و نیروهای مسلحی هم که بود نسبت به ایران تعهد وفاداری و اطاعت نداشتند . نظم و امنیت از میان رفته ، محاکم دادگستری غیر موجود و قضات بوسیله حکام شرع و خان های عشایری اجرامی شد . در قسمت عظیم کشور قانون تسلط قوی بر ضعیف اصل مسلم بشمار می رفت و هر که دستش می رسید به تعدی واجحاف و آنکه توانائی نداشت به کشیدن بار زور و تعدی مشغول بود .

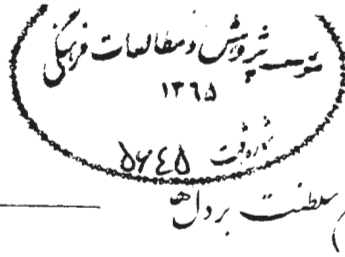
پس از اینکه جنگ پایان پذیرفت ایران هیاتی را به ورسای فرستاد تا به وضع این کشور رسیدگی شود . دولت ایران با ارائه یک سند تقاضای استرداد مناطق منترعه و پرداخت غرامت می کرد و مصر " می خواست تا عهد نامه ۱۹۰۷ روسیه - انگلیس لغو شود . اما با

اقداماتی که جرج لوید بعمل آورد این هیات هرگز نتوانست در مأموریت خود موفقیتی بدست آورد.

تا اینکه در سال ۱۳۳۷ هجری (۱۹۱۹ م) هیات دولت ایران بریاست وثوق الدوله (حسن وثوق) طرح قرارداد جدیدی با انگلیس ها ریخت و در نظر گرفت برای ادارات مختلفه مستشاران انگلیسی استخدام گردد و بخرج دولت ایران قوه متحد الشکل تحت فرماندهی صاحب منصبان انگلیسی تشکیل شود و بطور کلی طبق آن قرارداد کلیه دوایر دولتی اعم از کشوری و لشکری در دست مستشاران آن دولت اروپائی قرار می گرفت. متن این عهدنامه که مشهور به عهد نامه ۱۹۱۹ است و سرو صدای زیادی بپا کرد از این قرار می باشد:

"نظر به روابط دوستی و مودت که از سابق بین دولتین ایران و انگلستان بوده است و نظر به اعتقاد کامل به اینکه منافع مشترک و اساسی هر دو دولت در آینده تحکیم و تثبیت آن روابط را برای طرفین الزام می نماید و نظریه لزوم تهیه وسائل ترقی و سعادت ایران به حد اعلی بین دولت ایران از یک طرف و وزیر مختار اعلیحشرت پادشاه انگلستان به نمایندگی از دولت خود از طرف دیگر مواد زیر بر قرار می گردد:

- ۱ - دولت انگلستان با قطعیت هر چه تمامتر تعهداتی را که مکرر در سابق برای احترام استقلال مطلق و تمامیت ایرانی نموده است تکرار می نماید.
- ۲ - دولت انگلستان خدمات و عده مستشار متخصص را که برای ضرورت استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل گردد بخرج دولت ایران تهیه خواهد کرد. این مستشارها با کنترات اجیرو به آنها اختیارات متناسب داده خواهد شد. کیفیت این اختیارات منوط به توافق دولت ایران و مستشارها خواهد بود.
- ۳ - دولت انگلیس بخرج دولت ایران افسران و ذخائر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوای متحد الشکل نظامی که دولت ایران ایجاد آنرا برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد تهیه خواهد کرد. عده و مقدار ضرورت افسران و ذخائر و مهلت مزبور بتوسط کمیسیونی که از متخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد شد و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوه مزبور تشخیص خواهند داد معین خواهد گشت.



۴- برای احتیاجات نقدی لازم جهت اصلاحات مذکور در مواد ۲ و ۳ این قرارداد دولت انگلستان حاضر است یک قرض کافی برای دولت ایران تدارک و ترتیب انجام آنرا بدهد. تضمین این قرض به اتفاق نظر دولتین از عواید گمرکات و یا عایدات دیگری که در اختیار دولت ایران باشد تامین می شود و نامدتی که مذاکرات استقرایی مزبور خاتمه نیافته دولت انگلستان بمنظور مساعدت وجوه لازم را که برای اصلاحات مذکور لازمند خواهد پرداخت.

۵- دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران به ترقی وسایل حمل و نقل که موجب تامین و توسعه تجارت و جلوگیری از قحطی در مملکت می باشد حاضر است که با دولت ایران توافق نموده اقدامات مشترک راجع به تاسیس خطوط آهن یا اقسام دیگر وسایل نقلیه را تشویق نماید. در این باب باید قبلاً "به متخصصین مراجعه شده توافق بین دولتین در طرح هایی که مهمتر و سهل تر و مفید تر باشد حاصل گردد.

۶- دولتین موافقت می نمایند در باب تعیین متخصصین طرفین برای تشکیل کمیته ای که به تعرفه گمرکی مراجعه و نسبت به آن تجدید نظر بعمل آورند و آنرا با منافع مملکتین و توسعه وسایل ترقی انطباق دهند.

به مجرد اینکه وثوق الدوله امضای خود را پای عهد نامه گذاشت، پیش از تصویب عهد نامه در مجلس و یا امضای شاه بسیاری از مواد آن به مرحله اجرا درآمد. هیات کارشناسان مالی انگلیس به ریاست کارشناس آرمیتاژ سیدنی آرمیتاژ اسمیت وارد تهران شد تا تجدید سازمان سیستم دارائی ایران را برعهده بگیرد. رئیس هیات نظامی ژنرال دیکسون بود و ضمناً "یک هیات از مهندسين انگلیسی نیز مشغول نقشه برداری مسیر راه آهن شدند. این عهدنامه سایدول غربی را که برای خود منافی در ایران تصور می کردند و به خود "حق" می دادند در امور داخلی ایران دخالت کنند به هیچان آورد. حکومت ایالات متحده آمریکا به مخالفت عمومی مردم بیشتر از دول دیگر اهمیت داد. شرط ضمنی قرارداد که بر طبق آن ایران مجبور بود کارشناسان مورد نیاز خود را فقط از انگلیس بخواهد، باعث کنار گذاشتن کارشناسان آمریکائی از دارائی ایران شد. فرانسویان از آن رو آزرده شدند که بسیاری از اتباع این کشور به عنوان دبیر در مدارس ایران مشغول کار بودند. روسهای سفید ادعا می کردند که نمایندگان ادامه حکومت تزاری هستند و وقتی آنچه آنها منافع روسیه می دانستند بکلی از بین رفت، پریشان خاطر شدند و اصرار



داشتند که حکومت انگلیس از ایشان حمایت کند. اما با مبادله دو یادداشت بین ایران و انگلیس متوجه شدند که اشتباه دردناکی مرتکب شده‌اند. مبادله این دو یادداشت جزئی از عهد نامه بود و بر طبق آن عهدنامه ۱۹۰۷ م. انگلیس و روس ملغی اعلام شد. زیرا انگلیس تشخیص داده بود که امپراطوری روسیه برای همیشه از بین رفته است.

با اینکه مجلس تعطیل بود و دولت انتخابات را انجام نداده بود اما مردم از گوشه و کنار سریشورش برداشتند و می‌خواستند تا قرارداد ۱۹۱۹ لغو شود. تاجائی که شیخ محمد خیابانی در تبریز پرچم مخالفت برافراشت و میرزا کوچک خان رشتی که در جنگل‌های گیلان جمعی را در اطراف خود گرد آورده بود از دولت اطاعت نمی‌کرد و قصد تهران کرده بود. سخت‌گیری دولت بر او نشان دادن احساسات مردم سودی نبخشید و اوضاع روز بروز وخیم‌تر میشد. دزدان و راهزنان موقع را غنیمت شمرده و بجان و مال اهالی افتاده و سلب امنیت کرده بودند. شمال، جنوب مغرب و مشرق ایران در آتش بیداد می‌سوخت و ضعف دولت در ایجاد هرج و مرج نیز نقشی اساسی داشت و لشکر ایران را عده معدودی قزاق و زاندارم تشکیل می‌داد که نه تجهیزات لازمی داشتند و نه حقوق کافی دریافت می‌کردند. خزانه دولت تهی بود و عدلیه، معارف و سایر موسسات فقط اسمی داشتند و در این لحظات بود که زنگ پایان عمر حکومت قاجاریه در ایران نواخته می‌شد و این زنگ کمی بعد تبدیل به ناقوس گردید.

### بیان قروض شاهان قاجار

آنطور که در تاریخ مشهود است آنچه در ایران در زمان صفویه و افشاریه اندوخته گرد آمده بود در زمان قاجاریه بباد رفت. شرح این امتیازات و شرط آنها داستانی است خواندنی که فهرست مهمترین آنها از این قرار است:

امتیازاتی که به انگلیس‌ها داده شد:

امتیاز معادن نفت ایران جز ایالات شمال در سال ۱۳۱۹- امتیاز بانک شاهنشاهی ایران و طبع اسکناس در سال ۱۳۰۶- امتیاز خطوط تلگرافی بین بوشهر، تهران، خانقین

در سال ۱۲۸۰ - سس سن بهران و بلوچستان در سال ۱۳۱۹ - امتیاز خط آهن خرمشهر تا خرم آباد ناحق ساختن بنادر در بعضی از شهرهای ساحلی خلیج فارس در سال ۱۳۳۱ - امتیاز انحصار صدور تنباکو به خاک عثمانی در سال ۱۳۱۰ .  
 امتیاز استخراج آثار عتیقه نوش نیز در سال ۱۳۰۱ به فرانسویان واگذار شد .  
 امتیازاتی که به روسها داده شد :

امتیاز شلات سواحل دریای خزر به لنانازوف در سال ۱۲۹۵ - امتیاز بانک استقرای که ضمناً معاهد سیاسی انجام میداده - امتیاز ساختن راه حلقا به تبریز - امتیاز ساختن راه انزلی تا قزوین در سال ۱۳۱۰ - ساختن راه آهن تهران به قزوین و قزوین به همدان در سال ۱۳۱۵ - امتیاز راه آهن از حلقا به تبریز و مضافات آن در سال ۱۳۲۱ - امتیاز استخراج معادن فرجه داغ در سال ۱۳۱۶ - امتیاز جنگلهای مازندران - امتیاز خط تلگراف بین حلقا و تهران به کمیانی انگلیسی مقیم مسکو و تحت حمایت روس - امتیاز معادن نفت شمال در سال ۱۳۳۴ .

صفحه دیگر را می توان به قروضی اختصاص داد که قاجاریه از دول خارجی نمود و این قروض نه تنها دردی از دردهای ملت را دوا نکرد بلکه صرف هوی و هوس مشتی این و آن شد ، باعث تجاوز و تعدی بیگانگان گردید و آنچه آنان خواستند کردند و هر روز به بهانه اینکه منافع آنها در خطر است مانع از هرگونه اصلاحات گشته و کشور ما را عرصه تاخت و تاز خود قرار دادند . خلاصه این قروض از این قرار است :

قرض از روسیه در سال ۱۳۱۸ بیست و دومیلیون و پانصد هزار منات طلا با تنزیل پنج درصد بمدت ۷۵ سال و در مقابل آن عایدات گمرکات ایران به استثنای گمرکات فارس و بنادر خلیج فارس تضمین داده شده است .  
 در سال ۱۳۲۰ مبلغ ده میلیون منات طلا بمدت ۷۵ سال با شرایط قرض پیشین از دولت روسیه .

- در سال ۱۳۲۹ مبلغ یک میلیون و یکصد و یازده هزار و یکصد لیره انگلیسی در مدت پانزده سال با تنزیل هفت درصد و غیر از عایدات گمرکات سابق الذکر عایدات ضرابخانه هم تضمین داده شده است .

در سال ۱۳۳۱ مبلغ دو بیست هزار لیبره انگلیسی با تنزیل هفت درصد به مدت سه سال در مقابل عایدات گمرکات سابق الذکر .  
اما صورت قروض از انگلیس و هند بدین شرح است :

در سال ۱۳۱۸ از هند مبلغ ۳۱۴۲۸۱ لیرو کسری بمدت ۱۵ سال با تنزیل پنج درصد و در مقابل آن عایدات شیلات دریای خزر ، پست خانه ، تلگرافخانه ، گمرکات فارس و خلیج ، اهواز و محمره به تضمین داده شده است .

در سال ۱۳۲۹ از انگلیس مبلغ یک میلیون و دو بیست و پنجاه هزار لیبره انگلیسی به مدت پنجاه سال با تنزیل ۵ درصد در مقابل عایدات گمرکات جنوب .

در سال ۱۳۳۰ از هند و انگلیس مبلغ یکصد و چهل هزار لیبره انگلیسی بدون تعیین مدت با تنزیل هفت درصد در مقابل عایدات گمرکات .

در سال ۱۳۳۱ از دولت انگلیس مبلغ دو بیست هزار لیبره انگلیسی با تنزیل هفت درصد بمدت دو سال و نیم در مقابل عایدات گمرکات جنوب .

در سال ۱۳۳۱ از دولت انگلیس مبلغ یکصد هزار لیبره انگلیسی با تنزیل هفت درصد بدون تعیین مدت در مقابل عایدات گمرکات جنوب .

غیر از قروض فوق دولت ایران قروض دیگری به بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی و غیره داشته است که از شرح آن میگذریم . چنانکه ملاحظه شد عایدات گمرکات شمال و جنوب ضرابخانه ، پست خانه ، تلگراف خانه ، و شیلات در مقابل این قروض به دول بیگانه روس و انگلیس تضمین داده شد و نیز خلاصه مستشاران بلژیکی که آلت دست بیگانگان بودند اداره امور پست و گمرکات را در دست گرفتند .

در سال ۱۳۱۹ قراردادی راجع به تعرفه گمرکی بین روس و انگلیس و ایران بسته شد و دولت انگلیس بعنوان دودولت کامله الوداد از این قرارداد که بکلی به ضرر ایران بود استفاده کرد و بهر روی مملکت ما میدان رقابت روس و انگلیس گردید و امتیازات پی در پی و قروض متوالی دولت قاجار را بکلی ذلیل نمود و دخالت اجانب در امور داخلی ما بقدری است که شرح آن به این مختصر نمی آید و روسها و انگلیسیها در سال ۱۹۰۷ میلادی ایران را به سه منطقه تقسیم کردند . دو نفر گرچی علنا " صنیع الدوله ( مرتضی قلی ) وزیر مالیه را کشتند و دولت ایران نتوانست قاتلان را محاکمه و مجازات نماید . زن ملک منصور میرزا

شعاع السلطنه برادر محمد علی میرزا به امپراطور و امپراطریس روس تلگرافی کرده و خود را تحت حمایت آن دولت قرار داد و دولت روس هم قبول نمود و کار به جایی رسید که روسها تبریز و انزلی قتل عام کردند و تقه الاسلام و چند نفر دیگر را در تبریز روز عاشورا بدار زدند و تاقزوبین لشکرکشی نمودند و این نتیجه یک قرن و نیم حکومت پادشاهان قاجار است .

آنگاه که معجزه اتفاق افتاد



اگر در طول تاریخ کهنسال ایران بخواهیم سردار و بنیانگذاری را جستجو کنیم که با "رضاشاه کبیر" در مقام سنجش قرار گیرد، از هر نظر کوروش کبیر را به سردودمان سلسله پهلوی نزدیکتر از شاهنشاهان دیگر خواهیم یافت. گو اینکه در این بیست و پنج قرن، بزرگمردان شایسته‌ای که برایین مرزو بوم سلطنت میکردند، هر یک بسهم خود و با توجه بموقعیت زمان و شرایط روز و مسائل و نیازهای مملکت در راه پاسداری فرهنگ و تمدن و ملیت و تاریخ ایران مردانه تلاش کرده و بارهبری خردمندانه خود ملت ما را در شاهراه پیشرفت و تکامل به پیش برده‌اند، اما ظهور کوروش و رضاشاه، اقدامات این دو سردار و شباهت شگفت آوری که بایکدیگر دارند، آنان را از هر جهت متمایز و مشخص میسازد.

کوروش کبیر در شرایطی ظهور کرد که اقوام متعدد آریائی بر مناطق مختلف این سر زمین حکومت میکردند، که اگرچه در مجموع جامعه بزرگ آریائی را تشکیل میدادند، ولی نبودن وحدت، این جامعه را بشدت تضعیف میکرد و خطر یورش اقوام مهاجم، بقا و دوام آن جامعه نو بنیاد را مورد تهدید قرار میداد. باید سرداری مقتدر همه این حکومتها را به یکدیگر پیوند میزد و دولت نیرومند هخامنشی را بنیان مینهاد، که جامعه‌ای نو و بکلی متفاوت با اجتماعات پراکنده پیشین بود.

رضاشاه کبیر نیز هنگامی برای نجات ایران قیام کرده که هر ایالت یا ولایت بزرگی تیول یک والی یا حکمران بود. بدین معنی که جمعی از افراد قدرتمند، بدون شایستگی و تنهایی دادن پیشکشها و هدایای فراوان، عنوان والی و فرمانفرما گرفته و با گروهی قراول و یساول از تهران به خراسان، فارس، کرمان، یا ایالات دیگر عازم میشدند. بدیهی است که اینان نه از نیازهای محلی آگاهی داشتند و نه بفکر دولت مرکزی بودند. هدف نهائی تنها تامین منافع خصوصی خودشان بود.

استقرار امنیت از طریق سرکوبی گردنکشان و ایجاد سپاه برای پاسداری مرزها و امنیت مملکت، و توسعه کسب و کار و تجارت و صنعت و کشاورزی، در سایه ثبات و آرامش، کاری بود که کوروش و رضاشاه کبیر - با بیش از دوهزار سال فاصله تاریخی - عینا انجام دادند. ایجاد طرق ارتباطی و شاهراهها، ترویج دانش و فرهنگ، دادن تشکیلات برای همه شئون مملکت، از جمله کارهای مشترک و مشابه این دو سردار بزرگ است.

اگر بخواهیم همه این اقدامات مشابه را مثال بزنیم ، سخن بدرازا میکشد ، بهمین جهت بادو اشاره دیگر باین مقایسه پایان میدهیم و به اصل مطلب میپردازیم . نخست اینکه میدانیم موجودیت شاهنشاهی کوروش کبیر چگونه از طرف مهاجمین همسایه تهدید میشد و تنها کاردانی او بود که این خطر را از ایران دور کرد . قبل از ظهور رضاشاه کبیر نیز ایران عملا به دو منطقه نفوذ ممالک مقتدر تقسیم شده بود . میهن پرستانی که با اینگونه امپال بیگانگان مخالفت میکردند در شمال توسط قزاقان روسیه تزاری و در جنوب ایران بوسیله " پلیس جنوب " انگلیسها سرکوب میشدند . و تنها قدرت و کاردانی رضاشاه کبیر بود که باین وضع غم انگیز پایان داد .

واما مورد تشابه دیگر که شاید حساسترین و مهمترین نکته باشد ، اینست که اگر شهریاران ایران هریک چیزی بر آنچه پادشاهان سلف بوجود آورده بودند افزودند ، و هریک آنچه را که قبلا بود ، پیشرفت و تکامل بخشیدند ، این دوسردار کبیر ، هردوسازنده ، هردو خالق هردو بنیانگذار و آفریننده بودند . کوروش کبیر شاهنشاهی هخامنشی و تاریخ ایران باستان را بنیان نهاد ، و رضاشاه کبیر شاهنشاهی پهلوی و تاریخ ایران نوین را . . .

اگر مطالعه تاریخ و شرح زندگی کوروش کبیر برای هر فرد ایرانی افتخار آمیز و آموزنده است ، با توجه بشرایط و موقعیت زمانی ، مطالعه و ارزیابی اقدامات رضاشاه کبیر بمراتب آموزنده تر است ، زیرا چهارمین سردار کبیر تاریخ ایران مربوط بزمان خود ماست ، و اگر نسل جوان امروز موفق نشده است از نزدیک دوران سلطنت رضاشاه کبیر را درک کند ، هم اکنون مظاهر زنده آن دوران در دیدگاه او قرار دارد . بهر طرف که نگاه کنیم ، نمونه‌هایی از این مظاهر را می‌بینیم و درک میکنیم . از دبستان و دبیرستان و دانشگاه گرفته ، تاراه آهن و شاهراههای متعدد ، تشکیلات جدید مملکتی ، ارتش نوین و نیروهای پاسدارزمینی ، هوایی و دریایی ، حتی لباسی که امروز بتن داریم و هزاران پدیده دیگر که هریک نتیجه تلاشی پیگیر و کوششی فوق انسانی است .

با توجه باین واقعیت بود که گفتیم مطالعه تحولات دوران سلطنت رضاشاه کبیر برای نسل امروز بعنوان سرمشقی از میهن پرستی و پیشکار میتواند رهنمون و راهگشا باشد . شاهنشاه آریامهر در همین زمینه پیرامون بیوگرافی که از پدر تاجدار خود اعلیحضرت رضا شاه کبیر مرقوم داشته‌اند :



" امیدوارم این شرح موجب شود که ملت ایران و علاقمندان باین آب و خاک خصوصا طبقه جوان بمراد بزرگی که زندگی خود را بیدریغ وقف سعادت و پیشرفت و رفاه هموطنان خود کرده است ، اندیشه و شیوه پسندیده او را در علاقه و خدمت بوطن و مردم سرمشق قرار دهند و انجام وظیفه را از او بیاموزند و بدانند که وظیفه مردی و مردانگی آنها اقتضا دارد که ترس و بیم را مقهور شهامت و پشتکار داشته و حق و حقیقت را جانشین نادرستی و " باشند و کار شرافتمندانه را هدف و وسیله افتخار خود قرار دهند و این نکته را به نیکی " دریابند که کار و خدمت ، بزرگترین زینت روحانی آدمی و موجب سرافرازی او است . . . " بااطمینان کامل باید گفت که ملت ایران و خصوصا طبقه جوان - این فرمایش ملوکانه را با جان و دل پذیرفته و بکار بسته است . اردوی عظیم سپاهیان انقلاب که با رهبری و ارشاد پدر تاجدار خویش ، تحقق آرمانهای مقدس انقلاب را در سراسر کشور عهده دار شده اند جز پیروی از این سرمشق ، و الهام از چنین اندیشه‌های بزرگی ، چه انگیزه دیگری میتواند داشته باشند . . . ؟ جز یک پشتوانه گرانقدر و دوهزار و پانصد ساله چه عامل دیگری میتواند ملتی را باصفوفی فشرده در یک مسیر انقلابی سازنده ، با چنین سرعتی به پیش براند و جز ایمان کامل و اطمینان قاطع به رهبری آگاهانه و نبوغ آسای رئیس مملکت چه عواملی قادرند فقط در فاصله دهسال ملتی را از عصر فتودالیه و ارباب - رعیتی ، در آستانه درخشانترین ادوار تاریخ خویش " عصر تمدن بزرگ " قرار دهد؟ .

اما این زندگی پرشکوه که میتواند الهام بخش نسله‌ها و نسلها باشد ، چگونه آغاز شد چه زیر و بمها و فراز و نشیب هائی را پیمود ، ماجراها و مبارزاتی را پشت سر گذاشت تا نامی بعظمت " رضاشاه کبیر " جاودان شد و بابدیت پیوست ؟ هدف از بیان این مختصر طرحی از سیمای قهرمان این سردار کبیر و بنیان گذار تاریخ ایران نوین است .

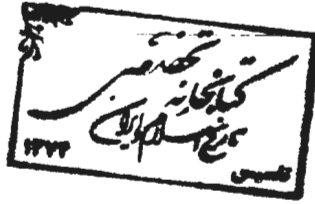
سردودمان سلسله پهلوی بسال ۱۲۹۵ هجری قمری در یکی از تاریخی ترین مناطق ایران متولد شد ، روستای الشت از توابع سوادکوه مازندران سرزمین " اسپهبدان " است که با اتکا به نام و قهرمانیهای این سرداران پارسی بخود میبالد . جایگاه پایداری پادشاهان مازندران است که پس از هجوم اعراب مردانه بایستادگی برداختند . سالیان دراز جنگیدند و سرانجام مناطق وسیعی را از وجود مهاجمان پاک کردند . این سرداران بودند مدتها با ترکها و مغولان نیز جنگیدند و از یورش آنان بخاک میهن جلوگیری کردند و اکنون سرنوشت چنین خواسته بود که مردی از تبار پهلوانان مازندران و اسپهبدان پهلوی از همین

خطه برخیزد، تادوران مجد و عظمت اجداد هخامنشی و ساسانی خود را احیاء کند. شگفتا که تقدیر میخواست تداوم شاهنشاهی ایران در دودمان این دو سلسله بزرگ (هخامنشی و ساسانی) و بانام " سلسله پهلوی " حفظ شود و ادامه یابد.

شاهنشاهان هخامنشی و اشکانی و ساسانی در هر یک از ساتراپها ( استانها ) از میان سرداران خود فرمانروایانی میگماشتند . سنت بر آن بود که همواره در مازندران یکی از اسپهبدان و گاه ولایتعهد از جانب شاهنشاه باین سمت برگزیده میشد و مرکز فرمانروایی مازندران " شروین شهر " بود که ما امروز بخشی از آنرا بنام " سواد کوه " میشناسیم . این منطقه یازدهمین ایالت از بیست و دو ایالتی است که داریوش کبیر در تقسیمات ساتراپها آورده است .

پدر سردار بزرگ تاریخ معاصر ایران ، سرهنگ عباسعلی خان پهلوان فرماندار سواد کوه و سپس فرمانده هنگ پادگان مازندران بودند و پدر بزرگش مرادعلی خان پهلوی که اونیز در کسوت سپاهیگری بود و اولین افسری است که در صف مقدم جبهه جنگ هرات در راه وطن بشهادت رسید . بدین ترتیب خوی سپاهیگری پدر در پدر وجود فرد فرد خاندان پهلوی جای گرفته بود و " رضاخان " نیز هنگامی که بیش از چهارده سال از زندگیش نمی گذشت به پیروی از خوی نیاکان و عشق به سپاهیگری وارد بریگاد قزاق شد ، مراحل نظامی را از سربازی آغاز کرد و در سال ۱۲۹۴ شمسی به درجه سرهنگی رسید ، اینک وقت آن رسیده بود که بانجام رسالت تاریخی خود برخیزد . رسالتی که بیست و پنج قرن تاریخ و شاهنشاهی مداوم بر عهده وی نهاده بود و ملتی بزرگ در یکی از خطرترین لحظات حیات خود در انتظار انجام این رسالت و نجات ملک و ملت از پرتگاه تجزیه ، سقوط و انهدام ، رستاقین نجات بخش او را چشم براه بود ، رسالتی که موضوع مورد بحث گفتار آینده ما است

گفتیم که در آخرین سالهای قرن سیزدهم هجری ، کشور ما در چه موقعیت حساس و خطرناکی بسر میبرد . بیشک هنگامی که نسل معاصر تاریخ آن عصر را مرور میکند بی اختیار از خود میپرسد : چرا ملتی با آن سابقه درخشان تاریخی اینچنین گرفتار خراب غفلت شد؟ چرا فرصتهای طلائی بین الطلی را از دست داد و درست در اوج حرکت کشورهای اروپائی ، یک سیر قهقرائی غم انگیز را طی کرد ؟ چرا بدینسان در سراشیب اضمحلال افتاد و برای پاسخ گفتن باین پرسش و جستن راه چاره ، تنها یک طریق بنظر میرسد . ضرورت یک جنبش ملی و قیام یک سردار توانا و نابغه ایرانی که در طول تاریخ همواره در

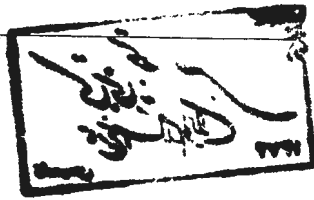


چنین لحظات حساسی برای نجات ملت و مملکت ظهور کرده است . بزرگمردی که فساد و رکود را زبیح وین براندازد و تحولی نجاتبخش را در تمام ارکان اجتماع پدید آورد . ملت ایران را بجای فرار از تمدن غرب ، با همه پیشرفتهای مغرب زمین آشنا سازد و با پاسداری سنن باستانی و بهره گرفتن از تحریبات ملل دیگر ، ایرانیان را بدوران تازه‌ای از حیات ملی رهبری کند و آنان را با مسئولیتی که دو هزار و پانصد سال تاریخ شاهنشاهی برعهده آنان نهاده است ، آشنا سازد .

و کفیم که این آرزو بشمر رسید . سرداری بزرگ ، نجاتبخش ، و آگاه را از تبار " اسپهبدان پهلوی " و ارزاد پاک آریائی که از کودکی بکسوت سپاهگیری درآمده بود ، پس از رسیدن بدرجات عالی نظامی ، برای این رسالت بزرگ آماده میشد . بی‌بینم شاهنشاه آرمهر در باره این " سرآغاز " چه نوشته اند :

" . . . در مرداد ۱۲۹۸ شمسی پدرم ندای وجدان خویش را پذیرفته و وسیله اخراج " افسران روس بریکاد فزاق را فراهم ساخت و خود فرماندهی آن را بعهده گرفت و دولت " ایران بلافاصله اقدام پدرم را تایید و تصویب نمود . پدرم عقیده خویش را پنهان " نداشت که باید با مال هرگونه نفوذ خارجی را در ایران بحد اقل رسانید . از آنروز ببعده " پدرم مراحل کسب اقتدار را بسرعت طی کرده و صاحب قدرت کامل شد . . . پدرم از شهر قزوین ، که یکی از شهرهای شمال غربی ایران است ، نیروی خویش را بطرف تهران حرکت داد و در ماه اسفند ۱۲۹۹ ضمن یک کودتای بدون خونریزی حکومت ضعیف و متزلزل " ایران را برانداخت . سید ضیاء الدین ریاست هیئت وزیران و پدرم سمت وزارت جنگ و فرماندهی کل قوا را بعهده گرفتند . . . "

دینسان معجزه‌ای که تاریخ و ملت ایران در انتظار وقوع آن دقیقه شماری میکرد اتفاق افتاد . معجزه‌ای که نظارش را در تاریخ ایران بارها دیده‌ایم : بک منجی بزرگ در خطرترین لحظات نومیدی . . . البته مشکلات طاقت شکن و بسیار است . نفوذ خارجی کردنکسان داخلی ، فقدان امنیت ، فساد دستگاه حاکمه در مملکتی که حتی در پاستخت آن پس از عروب آفتاب هر محله بدست یکی از فلداران میافتاد ، وظایف دشوار و توان فرسائی را در برابر سردار بیروز قرار میداد . اما اگر " رضاخان " نیز مردی چون دیگران عادی و معمولی میبود ، هرگز بچنین کاری دست نمیزد و اکنون که جنس آغاز شده ، باید



آن را بشمر برساند. برای او مشکل لاینحل وجود نداشت، باشهامت و جسارت جنگ آنها معرفت و همه جا هم پیروز باز می‌گشت.

اولین اعلامیه رهبر کودتا که با عنوان معروف "حکم می‌کنم" انتشار یافت چنان صراحت و قاطعیتی در خود داشت که چند قرن بود ایرانیها نظیرش را ندیده بودند. ایجاد امنیت نخستین هدف رهبر جدید بود و هنوز چند ماه از آغاز جنبش نمی‌گذشت که عناوین ژاندارم و قزاق ملعی شد و جای خود را نقشون و ارتش نوین ایران داد. امروز که تاریخ را مرور می‌کنیم برونی درمی‌یابیم که چرا سردار بزرگ ایجاد ارتش را در رأس همه برنامه‌ها و اقدامات دیگر فرار داد. چرا که بلافاصله گردنکشان و یاعیان از هر گوشه سر برداشتند و اگر رضاشاه کبیر در همان آغاز کار با یک آینده نگری دقیق چنین وضعی را پیش بینی نکرده بود، نمیتوان گفت که چه مشکلاتی برای ملت و مملکت بوجود می‌آمد.

از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۰۲ همه کوششهای فرمانده کل قوا مصروف فرونشاندن این گونه تحریکات شد. امیر مودت سوادکوهی و میرزا کوچک خان جنگلی در شمال، فتنه سیمتقو در استان آذربایجان و آشوب لاهوتی در همین منطقه، بلوای خزعل در خوزستان، ناامی و هرح و مرج فارس و شیرین سمیرم، اعلام استقلال و تحزبه طلبی ایلات کردستان و لرستان بلیه خطرناک شیخ عبدالله و آشوب بلوچستان، مسائلی بود که تا سال ۱۳۰۲ توجه سردار سپهر را بخود معطوف داشته بود. و در این سال بود که تقریباً همه گردنکشان منکوب شدند و امنیت بر سراسر مملکت مستقر شد. از این پس مسائل سیاسی مملکت در میان بود مانند عوغای جمهوری و اتحاد روابط سالم با کشورهای همسایه. سردار سپه که اینک عنوان نخست وزیر و فرماندهی کل قوا را داشت با ایجاد مدارس نظام، اعزام محصل اروپا، سازمان هواپیمائی کشوری، و پایان دادن با آخرین ماحرای خزعل پرداخت.

سال ۱۳۰۴ سال نوینی برای تاریخ ایران است. اکنون پس از امنیت کامل، سپاهی قهرمان ما سراریکه شاهنشاهی ایران تکیه زده و دوران تازه‌ای را در تاریخ شاهنشاهی دو هزار و پانصدساله ایران بنیان نهاده است.

تحولات عمیقی که در دوران سلطنت پهلوی اول در این سرزمین روی داد مطالبی نیست که در یک مقاله و یک کتاب بگنجد، برای آگاهی بر آنچه که طی بیست سال رهبری رضاشاه کبیر در این سرزمین روی داد، تنها داوری تاریخ میتواند قانع کننده باشد. این اقدامات فهرست وار نیز در یک مقاله نمی‌گنجد. اما ناچاریم از کارهای درخشانی چون

الغای امتیازات خارجی و لغو قرارداد ننگین کاپیتولاسیون ، استقلال گمرکی ، ساختن زیر بنای اقتصادی مملکت ، تاسیس بانک ملی و نشر اسکناس ، بازرگانی خارجی ، واحدهای صنعتی و کشاورزی ، قوانین صحیح مالیاتی ، راه آهن سراسری ، شبکه ارتباطات و راهها یعنی شرائین حیاتی و اقتصادی مملکت ، پست و تلگراف و تلفن به مفهوم امروزی آن ، توجه بفرهنگ و معارف ، تحصیلات عالی دانشگاهی و اعزام محصل بخارج ، تاسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی ، دبستانها و دبیرستانهای نوین ، هنرستان عالی موسیقی مدرسه نظام ، شهربانی ، کشاورزی ، و امثال آن نام ببریم که مشتی از خروار و نمونه‌های کوچکی از اقدامات انجام شده توسط رضاشاه کبیر است . اما آنچه که بیش از اجرای اینگونه برنامه‌ها بردوران سلطنت پهلوی اول ارج و اهمیت میدهد ، تحولات اجتماعی و انقلاب معنوی و فکری عظیمی است که جامعه ایران را بکلی دگرگون ساخت و از اجتماعی نومید و سرخورده ، جامعه‌ای کوشا پرتلاش ، زنده و امیدوار بوجود آورد .

آنچه که رضاشاه کبیر از مسئولان ضعیف پیشین میراث گرفت ، مملکتی خراب و مردمی مایوس و ستم‌دیده بود که حتی بدرستی یکدیگر را نمیشناختند . لباسها و عقاید چون البسه و ظاهرشان آشفته و رنگارنگ بود . حتی تقویم یکسان و واحد اوزان و مقیاس معین نداشت . مدرسه رفتن دختران گناهی کبیره بود ، آنها باید چشم و گوش بسته در نه سالگی با لباس سفید بخانه شوهر میرفتند و با کفن خارج میشدند . مردم حتی نام و نشان درستی نداشتند ، چون از شناسنامه خبری نبود .

درهم ریختن این اوضاع نابسامان که معتقدات کهنه ، عادات فرسوده ، و خرافات جاهلانه چون خون در شرائین آن جریان داشت کار ساده‌ای نبود . رضاشاه ، این نابغه نحات بخش مشرق زمیں بار دیگر نجات کرد که قهرمانان بزرگ و نواح انگشت شمار تاریخند که خود تاریخ را میسازند . او همزمان با تغییر زیربنای جامعه ایران ، رو بنای آن را نیز دستخوش دگرگونی ساخت . همانطور که راه آهن سرتاسری گسترش می یافت ، دانشجویان نیز با علوم دنیای جدید آشنا میشدند . همراه با بالا رفتن دودکش کارخانجات ، زنان سزار کفن سیاه قرون و اعصار نجات می یافتند . همزمان با مبارزه پیگیر و بی‌امان با خرافات ، سنن و آداب اصیل ایرانی زنده میشد ، تقویم شمسی زمان تازه‌ای را نشان میداد و همراه با متحدالشکل شدن لباسها ، افکار و اندیشه‌های مردم نیز ، در مسیری مشخص پیش میرفت .

در بررسی زندگی و ساززات مردان بزرگ تاریخ همواره باین نکته برمیخوریم که دشوارترین و شمریحشترین قسمت اقدامات آنان ، نه بناهای غول آساست و نه کارخانجات و ظواهرمادی زندگی مردم و اجتماع ، بلکه ایجاد تحول در افکار و اندیشههای مردم ، بمراتب مهمتر ، شمر بخش تر و دشوارتر از همه برنامههای دیگر است . اگر در آغاز مقال درمیان همه سرداران بزرگ تاریخ ایران ، رضاشاه کبیر را ، تنها با کوروش بزرگ مقایسه کردیم ، انگیزه آن را در همین نکته مهم می یابیم . کوروش و رضاشاه ، سازندگان تاریخ و سازندگان ملتی واحد و یکپارچه اند . هر دو با بیش از دو هزار سال فاصله زمانی درست در یک مسیر گام برداشتند . کوروش کبیر از اقوام کهن و متنوع ایرانی ، ملتی واحد ساخت ، باملیتی مشخص . رضاشاه کبیر از جامعههای متشتت و در آستانه تجزیه ، جامعههای یکپارچه و واحد بوجود آورد و برای اولین بار پس از دوران هخامنشیان و ساسانیان ، مردمی از نظر ظاهرو از لحاظ اندیشه یکسان بوجود آورد . کوروش کبیر تاریخ ایران باستان را بنیان نهاد ، که پس از بیست و پنج قرن هنوز استوار و پایدار ادامه یافته است و رضا شاه کبیر تاریخ ایران نوین را بوجود آورد که بتواند مقام شایسته خود را در خانواده ملل قرون بیستم اخراز کند .

با مقایسه اعمال این دو سردار درمی یابیم که درحقیقت ایران دارای دو کوروش است با یک فاصله تاریخی دوهزار و پانصد ساله .

### کودتای سوم حوت ، یک کودتای ملی بود

" هیچ کس به اندازه پدرم به وطن خود ایمان نداشت و این ایمان به درجه‌ی عشق شدید رسیده بود و به همین جهت صمیمانه معتقد بود که تمدن ایران از تمام جهات بر تمدن جهان برتری دارد " .

#### از کتاب مأموریت برای وطنم "

اعلی‌حضرت رضاشاه پهلوی در بیست و چهارم اسفند ماه ۱۲۵۶ شمسی (۱۲۹۵ قمری مطابق با ۱۸۷۸ میلادی) در آلاشت از توابع سوادکوه مازندران متولد گردیدند . پدر او ، پدر و پدر بزرگ رضاخان در ارتش قدیم با سمت افسری خدمت کرده بودند . پدر او ، عباسعلی خان ، در قشون محلی سرهنگ بود . پدر بزرگش باور مرادعلی خان ، در جنگ هرات شجاعت و رشادت مخصوصی نشان داد و در سال ۱۲۳۷ در جنگ با افغانها شهید شد . پس از رحلت عباسقلی خان ، سرتیپ نصرالله خان عم مصلح تاجدار ایران عهده دار خدمت معظم له گشتند و رضاخان بدنبال سنت خانوادگی ، خدمت در ارتش ، در چهارده سالگی به بریگاد قزاق پیوست .

بریگاد قزاق که از روی طرح روسها ساخته شده بود در سال ۱۲۵۸ ، بدان هنگام که خاقان شیرخواره بود بدستور ناصرالدین شاه ، پس از شکست برنامه مستشاران خارجی انگلیسی ها و فرانسویها ، که میخواست صاحب یک قشون مرتب و منظم باشد ، بوجود آمده بود و تحت فرماندهی افسران جوان روسی اداره می شد .

آنها بی که رضاخان جوان را دیده اند همه می گویند " از تمام وجنات وی آنچه بیشتر از همه جلب توجه میکرد چشمان یا نفوذ وی بود که تا باطن کسانی که با وی روبرو میشدند تاثیر میکرد و مردان نیرومند را می توانست به لرزه درآورد . " او خیلی زود مورد توجه قرار گرفت و هنوز بیست و دو سال بیشتر نداشت که از " فوج سوادکوه " رسماً وارد قزاقخانه گردید و در اندک مدتی توجه رؤسای لشکر را بخود جلب کرد و لیاقت و استعداد فطری خود را در همدان ، کرمانشاهان و سایر نقاط ایران ابراز داشت و خیلی زود ( در سال ۱۲۹۴ ) ریاست تهب قزاقخانه همدان را بدست آورد .

به عنوان یک سرباز ، رضاخان در جنگهای زیادی که برای سرکوبی اشرار و عشایر درمی گرفت شرکت داشت و شرکت در جنگها ، دیدار از گوشه و کنار ایران حس شده

وطن پرستی و ناسیونالیسم را در وجود او بیش از پیش زنده کرد و او خود را آماده ساخت تا بیش از هر چیز در راه وطنش خدمت کند و از همین روی برای رسیدن به این هدف به آموختن علوم پرداخت و در اوقات فراغت ، او یکی از معدود سربازانی بود که کتاب در دست داشت و مطالعه می کرد .

او این حس را در ۱۲۹۹ بخوبی از خود نشان داد ، بدان زمان که بریگاد برای جنگ با قوای بلشویک به شمال اعزام شده بود ، عده بی از افسران بریگاد ( روسها ) گریخته و به ارتش سرخ ملحق شدند و رضاخان تصمیم گرفت تا هفتاد تن افسران باقیمانده را از بریگاد اخراج کند و با این اقدام ، گروهی که گرد رضاخان جمع شده بودند او را به فرماندهی کل قوا برگزیدند و حکومت مرکزی این اقدام را تایید و تصویب کرد .

رضاخان از میان توده مردم برخاسته بود ، با دردهای مردم آشنا بود ، میدانست نیاز مردم آزاد چیست و فشار استبداد و بی لیاقتی مسئولین روز با این مردم چه کرده است . او بقومیت و ملیت مردم اعتقاد داشت ، او همه این شناخت را با تجربه بدست آورده بود و فقط بدنبال فرصت می گشت تا این تجربه را بکارگیرد . مضافاً " برای آنکه او روحیه سلحشوری داشت و مقاومتش زیاد بود . اشارت زیادی در تاریخ برای سلحشوری داریم که در هنگام رفع مشکلات رضا خان با قوت و قدرت از این خصیصه خود بهره گرفته ، آنرا درست بکار برده و پیروز شده است . بدان هنگام ، سال ۱۲۹۹ ، رضا خان نیازهای زمان را بررسی می کرد بیشتر اجتماع خود را می شناخت و عوامل قابل بهره برداری را می شنید و چنانکه سید ضیا الدین طباطبائی را بگزید ،

راش سنگوی نویسنده هندی در کتاب خود چنین می نویسد :

در ایران نیز مانند تمام کشورهای بی که با انقلاب مواجه میشوند ، وقایع و پیدامدهای غیر مترقبه مسیری را که قبلاً طراحان اصلی انقلاب تعیین کرده بودند ، تغییر داد . سید ضیاء الدین که آلت فعل مظمئن انگلیس بود و برای حفظ منافع آنان برگزید شده بود ، پس از پیروزی رضاخان در جنبشی که ایران را از زیر بار نفوذ انگلیس بیرون کشید و به آن استقلال تام داد ، هیچکاره شد . از درجه چشم وطن پرستان آسیائی ممکن است بگوییم که سید ضیاء الدین سعی داشت با استفاده از قدرت انگلیس در ترقی وطنش بکوشد ولی هر چه باشد باید اذعان نماییم که همرمز نظامی او یعنی رضاخان ، از موافقتی که بین سید ضیاء الدین و سفارت انگلیس موجود بود اطلاع نداشت . او سید ضیاء را از



طریق شهرتی که به عنوان فردی انقلابی و منطقی داشت می شناخت و هرگز نمیتوان به اتحاد او با سید ضیاءالدین ایراد گرفت . هنگامی که سید ضیاءالدین برای اخذ کمک نظامی از بریگاد قزاق به رضاخان نزدیک شد ، خود او آماده فعالیت بود .

بلافاصله پس از برکناری فرمانده روسی بریگاد قزاق ، رضاخان موقعیت را برای اخذ تصمیم نهایی و اقدام فوری مناسب تشخیص داد . او می دانست که هرگونه تاخیر او به تقویت توطئه و تمهید انگلیسها و بلشویکها منجر می شود و وضعی پیش می آورد که در آن صورت بدون خونریزی نخواهد توانست مقامات حکومت مرکزی تهران را از کار برکنار کند . وقایع اخیری که در ترکیه رخ داده بود و اقدامات مصطفی کمال که پرچم رستاخیز ملی ترکیه را برافراشته بود ، بشدت او را تحت تاثیر قرار داده بود . از طرف دیگر او شاهد اولین نشانه های تغییرات وسیع هندوستان بود که به صورت اعتراض و مبارز طلبیدن برتری انگلیس از سوی مهاتماگانندی عنوان می شد . رضاخان پس از گفتگویی با سید ضیاءالدین طباطبائی شش نفر از دوستان مورد اطمینانش را برگزید و قصد خود را با آنان در میان گذاشت . او میخواست حکومتی مقتدر و با انضباط به روی کار بیاورد و دولت مرکزی را وادار به اعمال سیاستی ملی نماید تا به هیچکدام از دو قطب سیاسی روس و انگلیس هیچگونه وابستگی نداشته باشد . چنین اقدامی باعث می شد تا حکومت مقتدر مرکزی بتواند با خطرات داخلی و خارجی مقابله نماید و شایسته انجام اصلاحات انقلابی باشد .

بریگاد قزاق که در قزوین ، واقع در شمال تهران مستقر بود ، روز ۲۷ بهمن ۱۲۹۹ تحت فرماندهی رضاخان پیشروی به سوی تهران را آغاز کرد و چهار روز بعد ، یعنی شب اول اسفند به نزدیکی پایتخت رسید . صبح فردای آن روز احمد شاه و حامیانش خریدار شدند که رضاخان به طرف تهران می آید و به فوج نظامی پایتخت دستور دادند از راههای غربی ورود به شهر ، از دروازه قزوین تا دروازه باغ شاه ، مراقبت نماید . ساعت بیست و سه همه چیز به پایان رسید و رضاخان و فراقهایش از دروازه گمرک وارد شهر شدند ، قوای مدافع شهر را محاصره کردند ، و شهر را اشغال نمودند . در ابتدا پلیس محل اندک مقاومتی بروز داد ولی طولی نکشید که تسلیم شد ، حکومت جدید فوراً به ریاست سید ضیاء تشکیل شد . رضاخان میرپنج به وزارت جنگ منصوب شد و لقب سردار سپه و شمشیر طلای جواهر نشان به او تقدیم گردید . اولین اقدام او که اینک فرمانده کل قوای مسلح ایران و وزیر جنگ بود ، صدور اطلاعیه ای به عنوان ارتش بود که در آن دلایلی را که

منجر به اقدام و شده بود، شرح داد. او در این اطلاعیه گفته بود که هدف اصلی اش نجات کشور از چنگال خیانتکاران و ایجاد حکومت مرکزی مقتداری است که حافظ استقلال و عظمت ایران باشد و در جهت سعادت ملت کار کند.

واقعه‌ای که در یکی از مراسم رسمی کاخ گلستان رخ داد نشانه‌ای از آن بود که رضاخان اجازه می‌داد حکومت انقلابی جدید در مقابل دول غربی چالپوسی کند. در آن روز قرار بود رژه‌ای در برابر احمدشاه انجام گیرد. تمام واحدهایی که می‌بایست از برابر شاه عبور کنند در محوطه کاخ آماده بودند که رضاخان وارد شد و از برابر افسران ارشد عبور کرد. هنگام عبور رضاخان، ژنرال وستداهل سوئدی که رئیس پلیس و مردی مغرور بود، ادای احترام کرد ولی انگشتانش را کاملاً به کلاه پوست بره‌ای اش نجس‌اند. رضاخان ایستاد و با عصبانیت گفت: "تو ژنرال هستی و هنوز بلد نیستی ادای احترام کنی" بعد دست او را گرفت و چنان به کلاه پوستی اش چسباند که کلاه از سرش بر زمین افتاد. از این حرکت رضاخان همه آنهایی که در مراسم حاضر بودند فهمیدند که سردار سپه مصمم است امتیاز مقام افسران را از بین ببرد.

در آن روزگار محمد رضای جوان پنج ماه داشت و تنها کانون دیگر زندگی رضاخان بود. محمد رضا در نقطه عطف خط مشی زندگی پدر، هنگامی که سید ضیاء بانقشه انقلاب به او نزدیک شد، متولد شده بود. در آن موقعیت بحرانی، رضاخان نه تنها سرگرم اتخاذ مهمترین تصمیم زندگی خود بود، بلکه می‌بایست مذاکره با همکارانش رانیز اداره ورهبری کند. رومستان آن سال بسار سرد بود و طی پنج ماهی که رضاخان آماده پیروزی می‌شد، تهران از برف پوشیده بود.

تنها لحظات استراحت و شادی او هنگامی بود که به خانه می‌آمد و فرزندش را میدید موافقی که کنار گهواره چوبی می‌نشست و لالایی می‌خواند، مرد دیگری بود، و وقتی با فرزندش بازی می‌کرد و می‌خندید، نندی و سختگیری اش که همه با آن آشنا بودند تبدیل به محبت و ملامت می‌شد. این رابطه در طول ایام استوارتر شد و رضاخان منشاء نفوذ برجسته‌ای در زندگی پسر بزرگش گردید.

در حقیقت سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی را میتوان مبدأ تاریخ جدید دانست. رضاخان پس از کودتا ملقب به سردار سپه شد و وزارت جنگ را برعهده گرفت. او در آن روز نیت

عالیه خویش را در ساسه سوم حوت چنین اظهار فرمودند " در همان هنگام که خون خود را در مقابل دشمن می ریختیم بحرمت همان خونهای پاک و مقدس قسم خوردیم که در اولین فرصت خون خود را نثار نماییم تاریخه جنایتکاران خودخواه تن پرور داخلی را بر انداخته و ملت ایران را از سلسله رقت مشتی دزد و جنایتکار آزاد نماییم . . . " اما علل کودتا ، که در حقیقت بدلیل ناسامانی اوضاع صورت گرفت در اعلامیه حوت ۱۳۰۰ ( یکسال بعد از کودتا که از طرف معطم له منتشر گردید و در آن اشاره به علل این واقعه مهم گردیده ) مشهود است . آن ابلاغه چنین است :

" این یک فکری نبود که فقط در سوم حوت سال گذشته در دماغ من تاشیر کرده باشد . . . من نمی توانستم تحمل نمایم که نفوس بیچاره ایرانی و هموطنان بدبخت من بمعرض بیع و فروش احانب در آمده و پست فطرتهای تهران هم اسناد این مایعه را امضاء نمایند . . . "

" من نمی توانستم مشاهده کنم که یک ایالت مهمی مثل گیلان در آتش بیداد جمعی بیگماگر مشغول سوختن است و زمامداران مرکز تمام این خانه خرابیها را اسباب تفریح خود در هیئت و سایر محالس قرار داده و بجای قلع و قمع و سرکوبی آنها در مشارکت به اعمال بیگماگران نیز بروجاهت ملی خود بیفزایند . برای من طاقت فرسا بود که این ملت بیچاره سالی ده کرور تومان مخارج قشون را از بیوه زندهای فقیر کرمان و بلوچستان در نیافت و تادیه نموده آن وقت یک نفر دزد ، ده سال در اطراف قم و کاشان تادروازه تهران مشغول شرارت و راهزنی باشد و سپس بعضی از مرکزبان راهم در تمام آن دزدیها شریک و انباز سینم .

" هیچ ذی حسی تصدیق آن را نمی کرد که لشکریان بیچاره از صاحب منصب و تائبین در تمام جنگ ها لگدکوب خارجی و داخلی گشته فوج فوج قربانی بدهند و در مرکز دولت بلع حقوق آنها را اولین وظیفه خود قرار داده برای مناصب و درجات باشرف نظامی ، چوب حراج در دست گرفته و هر روز یک عده سردار و صاحب منصبان خود را بیرون بیاندازند و آبروی دولت و ملت را نزد اجانب ریخته و خون هنر نظامی فداکاری را در عروق آنها منجمد نمایند . . . "

" آری تحمل این شداید و مظالم برای من و هر کسی که خود را پرورده این آب و خاک

میداندمر شکن و طاقت فرسا بود وبالاخره باحقوق بشریت من مخالف بود که بمینم و مشاهده کنم یک جمعی پست فطرت ، دون همت ونالایق رشته ارکان مملکت را گسسته و درصددآن هستند که به حیات استقلالی مملکت وملت خاتمه داده ودر تمام موارد مختصر نفع شخصی را برارکان یک مملکت سه هزار ساله ترجیح ومرجح سازند .

" مسبب حقیقی کودتا همین عواملی هستند که هزاریک آن در ضمن این ابلاغیه ملاحظه می کنید ودر تحت تاثیر همین عوامل بود که بلطف خداوندی پناه برده وباعقیده راسخ وعزم جازم درصدد برآمدم که به آن دوران سیاه خاتمه داده ، آبروی از دست رفته نظام را عودت و با شهامت همان ها حیات مملکت را تجدید نمایم .

" من به پیشرفت منظور مقدس خود مطمئنم و در تمام موارد از خدای ایران وروح ملیت خود استمداد می جویم زیرا غیر از این دونقطه اتکاء بهیچ نقطه یی متکی نبوده و نخواهم بود ."

پس از کودتا سید ضیاء الدین طباطبایی مامور تشکیل دولت گردید و او دو دولت بدین شرح تشکیل داد .

دولت اول بتاریخ سوم اسفندماه ۱۲۹۹

نخست وزیر : سیدضیاءالدین طباطبائی- وزیر داخله : سید ضیاءالدین طباطبائی  
وزیر خارجه : مدیرالملک .

وزیر جنگ : مسعودخان - وزیر مالیه : میرزا عیسی خان - کفیل وزارت عدلیه : منصور السلطنه - وزیر پست وتلگراف : مشیر معظم - وزیر تجارت و فوائد عامه : موقر- الدوله - وزیر معارف : نیرالملک - وزیر صحیه وامور خیریه : مؤءدب الدوله  
دولت دوم بتاریخ چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۰۰

نخست وزیر : سیدضیاءالدین طباطبائی- وزیر داخله : سیدضیاءالدین طباطبائی  
وزیر خارجه : معزالدوله - وزیر جنگ : رضاخان سردار سپه -- وزیر مالیه مدیرالملک  
وزیر پست وتلگراف : مشیرمعظم - وزیر معارف : نیرالملک - وزیر صحیح وامور خیریه : مؤءدب الدوله .

از زمان کودتا بعد حوادث زیادی اتفاق افتاد . سیدضیاءالدین ازکسانی است که درعمر کوتاه نخست وزیریش بسیاری از رجال رابزندان انداخت و اقدامات بسیار تندی

نمود. شاهنشاه در کتاب ماموریت برای وطنم چنین اشاره می‌فرماید " سیدضیاءالدین که اصلاح طلبان تندرو بود شروع به اجرای تصمیماتی نمود که طبقه ثروتمند و محافظه‌کار کشور را با خود طرف نمود. به عقیده من پدرم با سیدضیاءالدین نه از نظر سیاسی و اقتصادی بلکه از نظر تشخیص موقع و طرز عمل موافقت نداشت با پایان عمر حکومت چهار ماهه سید ضیاءالدین، قوام السلطنه مامور تشکیل دولت گردید و او از تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۰۰ الی بهمن ماه ۱۳۰۰ سه دولت بدین شرح تشکیل داد:

دولت اول: بتاريخ ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۰

نخست وزیر: قوام السلطنه - وزیر سداخله: قوام السلطنه - وزیر خارجه: محتشم السلطنه - وزیر جنگ: سردار سپه - کفیل وزارت مالیه: معتمد السلطنه - وزیر عدلیه: عمید السلطنه - وزیر پست و تلگراف: مشار السلطنه - وزیر تجارت و فواید عامه: ادیب السلطنه - وزیر معارف: ممتاز الدوله - وزیر صحیه و امور خیریه: حکیم الدوله.

دولت دوم: بتاريخ ۸ مهر ماه ۱۳۰۰

نخست وزیر: قوام السلطنه - وزیر داخله: قوام السلطنه - وزیر خارجه: مصدق السلطنه - وزیر جنگ: سردار سپه - وزیر عدلیه: مشار السلطنه - وزیر پست و تلگراف: شهاب الدوله - وزیر تجارت و فواید عامه: عمید السلطنه - وزیر معارف: امیراعلم. در کابینه دوم قوام السلطنه وزیر صحیه و امور خیریه حذف شد.

دولت سوم: بتاريخ ۱۶ مهر ماه ۱۳۰۰

نخست وزیر: قوام السلطنه - وزیر داخله: قوام السلطنه - وزیر خارجه: مشار السلطنه - وزیر جنگ: سردار سپه - وزیر مالیه: مصدق السلطنه - وزیر عدلیه: عمید السلطنه - وزیر پست و تلگراف: شهاب الدوله - وزیر تجارت و فواید عامه: نیر السلطان - وزیر معارف: امیراعلم.

برنامه مفصلی که قوام السلطنه به مجلس تقدیم کرد از این قرار است:

" نهایت خوشوقتی حاصل است که بعد از چند سال تعطیل موفقت حضور در چهارمین مجلس شورای ملی برای هیئت دولت میسر گردیده و بانهایت مسرت و دستور عملیات خود را در اصلاحات مملکتی به مجلس محترم پیشنهاد می‌نماید.

یک نظر به سرتاسر مملکت و مشاهده احوال عمومی بخوبی ثابت می نماید که دوره امرار وقت سپری شده و روز سعی و عمل رسیده است . مشکلات حاضره و پیش آمدهای متنوعه کنونی را که در میزان تجارت گذشته بسنجیم خوب حس خواهیم کرد که بیشتر از هر وقت موافقت مجلس شورای ملی و هیئت دولت لازم است تا با توحید مساعی و افکار به نتایج مطلوبه که دیرزمانی است ملت ایران از اصول مشروطیت انتظار داشته اند موفق گردیده هر چه زودتر به اصلاح و ترمیم خرابیها شروع شود .

آقایان نمایندگان محترم تصدیق می فرمایند که بهتر است در این موقع از آنچه به مرام و آندو شبیه است صرف نظر شده نقشه در اصلاحات اتخاذ شود که بحال مملکت مفید و قابل اجرا باشد از این نقطه نظر سه موضوع مهم را که مملکت به آن محتاج تر است مقدم میدارم .

#### ۱- در تکمیل وسایل نظم و امنیت

۲- ایجاد و اصلاح وسایل ارتباطیه و سعی در تهیه موجبات دایر شدن و استفاده از منابع ثروت داخلی مملکت بوسیله اعطاء امتیازات مفیده به شرکت های بین المللی و تشویق تاسیس شرکت های ایرانی .

#### ۳- اصلاحات اداری .

برای حفظ سرحدات و استقرار نظم و امنیت طرق و شوارع و اجرای قوانین و تزئید تقاذ امر حکومت مرکزی محتاج به قشون منظم و کافی هستیم که با اینکه وضعیات قشون نسبت بسابق از هر حیث و جهت بهتر و منظم تر است معذالک برای تکمیل انتظامات و رفع هرگونه نواقص دولت در نظر دارد یک عده صاحب منصب معلم از یکی از دول غیر هم جوار استخدام نماید . بدیهی است استخدام صاحب منصفان مزبور با تصویب مجلس شورای ملی انجام خواهد یافت و عده قشون و مصارف آن قریبا در ضمن شورای کل مصارف مملکت به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد .

متاسفانه باید اقرار نمود که مملکت ما از مهمترین وسایل حیاتی که برای معیشت عمومی و رفع فقر و پریشانی و استقرار نظم و پیشرفت بحارت و تزئید عایدات اولین درجه ضرورت و لزوم را داشته ، محروم مانده است . راههای عراه رو معدود و آنچه فعلا دایر است به اندک غفلت در قلسل مدتی خراب میشود و راه آهن که دردسای متمدن امروز در حکم شرائین مملکت که بدون آن جریان امور تجارتی و اقتصادی متوقف و حیات اجتماعی

در خطر است در ایران وجود ندارد ، بدیهی است بعد از استقرار نظم و امنیت بزرگترین احتیاج مملکت به ایجاد و اصلاح وسایل ارتباطیه است ، یعنی ایجاد راه آهن و راههای عرابه رو که در این موضوع دولت مشغول مطالعات است که هر چه رود تر لوایح مفیده را به مجلس شورای ملی عرضه نماید . در اینجا لازم می داسم خاطر نمایندگان محترم را به فقر و پریشانی عمومی متوجه نمایم که علاوه بر اینکه کمی کار و ریادی روزافزون عده بیکار از زمان متمادی به ایطرف از جمله دردهای صعب العلاج مملکت بوده بر اثر کجنگ بین المللی تجاوزی که اجنبی و توالی امراض مسریه و قحطی و مسدود شدن طرق و ابواب تجارت و بالجمله نقصان زراعت و فلاحات این درد مملکت را ناقصی درجه تصور و تحمل رسانده است .

علاج این وضعیت از دید محصولات مملکتی و توسعه و استخراج منابع ثروت است و امروز موقعی است که دولت اقدام جدی در این موضوع نموده برای توسعه فلاحات و ثروتهای ارضی مملکت نقشه های مفید طرح و به مجلس شورای ملی تقدیم نماید لیکن بدیهی است برای مقاصد فوق تهیه پول و سرمایه لازم است و تهیه آن کاملاً مقدور نخواهد شد مگر به وسیله اصلاحات مالیه و جلب سرمایه های خارجی زیرا بدون این دو ایجاد و اصلاح راهها و توسعه فلاحات و استخراج منابع ثروت و بستن سدها و مزروع نمودن اراضی لم یزرع که بتوسط متخصصین فنی در نظر است مقدور نخواهد بود . اینک باید دید مقصود از اصلاحات مالیه چیست و تهیه سرمایه های خارجی برای چه مقصود است ؟ آقایان نمایندگان محترم شاید مثل من بوخامب و صعوبات مالیه مسوق نباشد در سنوات اخیر دولت همه ساله مبالغی علاوه بر عایدات خود خرج نموده و کسر عایدات را بوسیله مساعدتهای خارجی جبران کرده است البته این ترتیب را بیش از این نمیتوان مداومت داد باید مخارج زائد حذف و تخفیفات کلی در مخارج مملکتی داده شود و منظور ما باید موفقیت بتعادل جمع و خرج در اسرع اوقات باشد باین معنی که از یکطرف در تنقیح مخارج سعی کنیم و تا حدی که جریان چرخهای اداره دولت اجازه دهد از مخارج زائد کسرنمائیم و از طرف دیگر در تکثیر عایدات اقدام نمائیم و در این باب امید است تقریباً لوایح مفیده به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود که بعون الله تحصیل این موفقیت ممکن گردد بدیهی است از دید عایدات راتنها به وسیله وضع مالیاتهای جدید انتظار ندارم بلکه یکی از مقاصد عمده دولت اصلاح ادارات مالیه در مرکز و ولایات است که در نتیجه حسن اداره آنچه از مالیات دهندگان دریافت

میشود و از حیث و میل مضمون بوده کلابخزانه دولت عاید گردد و برای تکمیل اصلاحات تجدید نظر در قانون تشکیلات مالیه لازم خواهد شد .

برای اصلاحات مالیه دولت لازم میدانند که بوزیرمالیه از طرف مجلس شورای ملی موقتا اختیاراتی مطابق پیشنهادهای که خود وزیر مالیه خواهد کرده شود ثابت نمایند در در مدتی که برای مطالعه و آزمایش پیشنهاد های اصلاحات وزارت مالیه لازم است از حدود عادی و ترتیب فعلی وزارت مالیه تجاوز نماید .

و نیز یکی از اهم و الزم احتیاجات فعلی نسوید و تصحیح عدم مساواتی است که نسبت بمالیات دهنندگان مجری و معمول است و یقین است چنانچه تحمیلات مالیاتی اعم از قدیم و جدید با احتراز از تحمل برفقرا و ضعفا بیشتر از روی عدالت مجری گردد و مالیات ارضی که منای مالیات ماست تعدیل شود و بر املاک جدیدالنسق که مالیات بسته نشده است مالیات وضع شود عایدات بمراتب زیادتر خواهد شد و همچنین طریق و شوارع اصلاح مالیات کامل در راهها استقرار باید و مسافرتین و تجارت راحت و سهولت مراوده و حمل امداعات گمرکی و یسی بر محسوبا اضافه خواهد گشت بعلاوه در وصول مالیات و سایر مطالبات دولت بر سعی وافر عمل خواهد آمد و از این راه نیز کمکی نسبت بمصارف دولت خواهد شد .

مخصوصا آقایان نمایندگان محترم را متذکر میسوم که اصلاحات فوق الذکر بدون استعانت و معلمین و منحصصین فی معسر است و بهمین نظر بوده است که در آرمه مختلفه دولتهای وقت با استخدام منحصصین اروپائی و امریکائی اقدام نموده اند بدیهی است در اینموقع نیز مجلس شورای ملی اهمیت موضوع را در نظر گرفته بیسپادهای آتیه دولت را بنظر یکه ساینده اهمیت موضوع است تلفی خواهد نمود .

و اما راجع به تنهه سرمایه های خارجی تصور میکنم آقایان نمایندگان محترم با دولت بمعفیده باشند که برای اصلاحات فوق الذکر عینی برای نکار انداختن منابع ثروت و سایر اصلاحات ناعده تا کثیر از توسل بمنابع ثروت خارجی همسیم و دولت در این باب مشغول مطالبغائی است که در موقع خود ابواب آرا بمجلس شورای ملی تقدم خواهد نمود .

بدیهی است همچنانکه برای مننک مالیه و مسون منظم لازم است توسعه و تکمیل معارف بر در اعظمی در حد لزوم است اگر چه از جندی باین طرف عنواند جدیده را دولت برای توسعه معارف بحسنی داده لیکن در این موضوع مهم بسیار به تحصیلات ناعه بحیوان



قناعت نمود بلکه باید سعی کرد معارف در تمام نقاط مملکت بهر اندازه ممکن شود عمومییت پیدا کرده تمام اهالی از سعادت علم و دانش برخوردار شوند برای این مقصود حکومت حاضره در نظر دارد مبلغ معتدایی بمصرف توسعه معارف تخصیص داده شود و علاوه بر ایجاد مدارس جدید همه ساله یک عده از شاگردان فارغ التحصیل مدارس برای تکمیل تحصیلات در کلیه شعب علمی و فنی بخارجه اعزام نماید علاوه چون در شهر طهران و سایر شهرهای ایران عوائد جدیدی باسم مالیاتهای بلدی اخذ میشود لازم است که بلدیه هر شهر نیز در مخارج معارف محلی شرکت نماید .

از مسائل مهمه دیگر که توجه آقایان را جلب میکنم اصلاح امور قضائی است که در این مدت تجربه و عمل ثابت نموده است که قوانینی که فعلا در جریان است کامل نیست امیدوارم آقایان نمایندگان تصدیق فرمایند که در قوانین قضائی تجدیدنظری شده طرح ساده تری اتخاذ شود که سرعت جریان محاکمات افزوده اعتماد عامه را نسبت بمراجع قضائی تکمیل نماید قریباً لوایح قانونی اصلاحات مزبوره راتهییه و به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد نمود و از جمله مسائل مهمه که تاکنون کاملاً مورد توجه نبوده است موضوع صحیه عمومی است .

بدیهی است مملکتی که با مساحت زیاد و جمعیت کم و وضعیت اقلیمی و بالاخره با احتیاج شدید باز دیاد نفوس غالباً در معرض امراض و بوسیله فقدان وسائل صحی زیاده از حد تناسب دچار اتلاف نفوس است فوق العاده محتاج حفظ الصحه عمومی است و البته هر حکومتی که مسئول سرپرستی افراد است نمیتواند از حفظ جان و سلامت نفوس صرف نظر نماید در این موضوع البته تحمیل جدیدی بر بودجه مملکت نمیتوان نمود لیکن نظریات بنده نتایج خیریه آن شامل حال عموم است باید اهالی مملکت در فراهم نمودن وسایل آن شرکت نمایند از این نقطه نظر لازم است اولاً در شهرها قسمت مهمی از عوارض بلدی برای مصرف حفظ الصحه عمومی تخصیص یابد و در نقاطی هم که بلدیه ندارد کسور اضافی که حتی الامکان بر مالیات دهندگان غیر محسوس باشد وضع و ماخوذ گردد تا مطابق اصول و دستورهای علمی موجبات اجراء این مقصود در تمام مملکت تدریجاً فراهم گردد .

همچنین آقایان نمایندگان محترم از نوافض قوانین بلدیه مسوق و لزوم اصلاح آنرا البته احساس فرموده اند دولت در نظر دارد با تجاری که از بدو تاسیس بلدیه حاصل نموده قوانینی که برای تاسیس بلدیه ها با حوائج شهرها مناسب میداند با سرعت اوقات

تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم نماید .

با اینکه در پروگرام باید روس مسائل مدرج و حتی الامکان از حرثیات اجتناب شود معذکاهمیت موضوع این جالب را دعوت میماید که در باب لزوم وضع قانون استخدام خاطر آقایان نمایندگان محترم را منوجه نماید زیرا بدون وضع قوانینی که موجب آن شرایط ورود بخدمت و ارتقاء رتبه یا تنزل مقام و انحصار معین و محدود باشد و در مامورین دولت ایجاد بیم و امید نماید اصلاح ادارات غیر مقدور و با بقاء وضع امروزه اسخدام که اساس آن مبنی بر توسل یا اتکاء بنفودها و حمایت های خصوصی است امیدوار بودن به اصلاحات اداری امری ممتنع بنظر می آید این است که در اولی ازمه امکان قانون استخدام را تهیه و پیشنهاد مجلس محترم شورای ملی خواهم نمود .

و نیز آقایان نمایندگان محترم را متوجه میماید که چون برای تهیه لوایح قانونی و اصلاحات اداری شرکت و معاونت هیئتی از اشخاص مجرب و صلاحیت دار لازم خواهد بود بنابراین لایحه ایجاد شورای دولتی را که لزوم آن کاملاً محسوس است مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود که هر چه زودتر از تصویب مجلس گذشته در تهیه لوایح قانونی به خود اجرائیه کمک و معاضدت نماید .

راجع سیاست خارجی دولت بدیهی است روابط ایران با دول متحابه همواره در کمال و داد و حسن مناسبات است و حکومت حاضره نیز نزدیک و تشدید مناسبات حسنه را با کلیه دول همحوار یکی از تکالیف مسلمه خود می شمارد .

سایر مفدمات فوق پروگرام حکومت حاضره بمواد ذیل تجزیه میشود .

۱- حفظ مناسبات حسنه با دول متحابا .

۲- تکمیل انتظامات قشون و قوای نامیسه و جلب صاحب منصلان معلم از دول غیر

همحوار .

۳- اصلاحات اقتصادی بوسیله دائر نمودن منابع ثروت مملکت و ایجاد و تکمیل

وسائل ارسالیه .

۴- حذف و تخفیف مخارج و سایر عایدات و تعادل جمع و خرج و وصول بقایا و مطالبات

دولت و اصلاح ادارات بنالید در مرکز و ولایات و جلب منحصرین از دول غیرهم جوار و

ذیل مطالبات بها .

۵- تسهیل و تسهیل سازه و حفظ انسجام عمومی .

### استعفا بدنبال پیروزی های برق آسا

رضا خان، سردار سپه، عاشق ارتش بود. او می دانست برای حفظ امنیت باید قوای مسلح را تجدیدسازمان داد و پیروزی برق آسای او برقوای میرزا کوچک خان و برانداختن حکومت جمهوری شوروی گیلان سبب شد تا محبوبیت سردار سپه نزد مردم بیشتر شود و از همین روی، سردار سپه، نخست وزیر وقت، قوام السلطنه را مجبور ساخت برای تجدید سازمان ارتش کارشناسانی را از کشورهای اروپایی استخدام کند که هیچگونه وابستگی با دولت های روس و انگلیس نداشته باشند. پس از آن، سردار سپه، با عنوان وزیر جنگ و فرمانده کل قوای مسلح ایران کلیه شورش های فارس-آذربایجان، خراسان و لرستان را سرکوب کرد و به دولت مرکزی وحدت بخشید. از همین روی وقتی مشیرالدوله در سوم بهمن ماه ۱۳۰۰ مأمور تشکیل دولت گردید، سردار سپه بازم بعنوان وزیر جنگ معرفی شد.

کابینه‌ئی که مشیرالدوله تشکیل داد بدین شرح بود:

نخست وزیر: مشیرالدوله - وزیر خارجه: حکیم الملک - وزیر جنگ: سردار سپه - وزیر مالیه: مدیرالملک - وزیر عدلیه: سردار معظم خراسانی (عبدالحسین تیمور تاش) وزیر پست و تلگراف: اعتلاء السلطنه (احمدخان پیرنیا) - وزیر تجارت و فوائد عامه: ادیب

السلطنه - وزیر معارف : نیرالملک .

اما این کابینه چندان دوام نیاورد و مشیرالدوله در تاریخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۰۱ جای خود را به قوام السلطنه داد و او نیز کابینه خود را بدین شرح به مجلس معرفی کرد :

نخست وزیر : قوام السلطنه - وزیر داخله : قوام السلطنه - وزیر خارجه : قوام السلطنه  
وزیر جنگ : سردار سپه - وزیر مالیه : فهیم الملک - وزیر عدلیه : مشاور السلطنه - وزیر پست  
و تلگراف : وحید الملک - وزیر تجارت و فوائد عامه : عمید السلطنه - وزیر معارف :  
محتشم السلطنه

قوام السلطنه برنامه دولت خود را به این شرح اعلام داشت .

در این موقع که بر حسب تمایل مجلس شورای ملی و اعتماد آقایان نمایندگان محترم از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مأمور تشکیل دولت شده ام زاید نمیدانم خاطر آقایان نمایندگان محترم را متذکر نمایم که موفقیت در رفع مشکلات و اجرای اصلاحات فقط در صورتی مقدور است که موافقت کامل بین مجلس و دولت موجود باشد. خوشبختانه پس از اعتمادی که باین موافقت و معاضدت صمیمانه حاصل نموده ام یار دیگر برای قبول مسئولیت حاضر شده و امیدوارم با بقاء این موافقت بتوانم به وظایف مسئولیت عمل نمایم .

آقایان نمایندگان محترم مستحضر هستند که پروگرامی را که در کابینه سابق خود به مجلس مقدس پیشنهاد کرده بودم مورد تصویب و تصدیق مجلس واقع شده و کابینه سابق نیز با موافقت مجلس همان پروگرام را تعقیب نمود . چون در کابینه سابق بحران های متوالی مانع از اجراء تمام مواد آن گردید و عملیاتی را که نسبت به بعضی از مواد آن گردید و عملیاتی را که نسبت به بعضی از مواد آن شروع شده بود ناقص و ناتمام ماند لهذا دولت حاضر در نظر دارد همان پروگرام را که در دو نوبت به تصویب مجلس رسیده است تعقیب و تکمیل نماید و بیش از پیش سعی خواهد بود که روابط حسنه را با کلیه دول متحابه محفوظ برقرار دارد و قبل از هر اقدام بوسیله قوای نیرومند نظام که برای استقرار نظم و امنیت کاملاً قادر است آسایش عمومی را در تمام مملکت بعون الله تامین

خواهد نمود و نیز در اسرع اوقات برای اصلاح ادارات مخصوصاً وزارت مالیه متخصصینی را که اقدام در استخدام آنها نموده بودم و دولت سابق نیز اقدامات سابقه را تعقیب کرده بود هرچه زودتر لایحه استخدام آنها به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد. بعلاوه چون اصلاح امور اقتصادی و حتی الامکان تعدیل مولزنه صادرات و واردات مملکتی و هم چنین تهیه وسایل کار برای اشخاص بیکار از اهم مقاصد است دولت حاضر در نظر دارد از بدو شروع بکار به تهیه موجبات آن اقدام نماید و نیز تسویه کار نفت شمال که یکی از وسایل بهبودی اوضاع اقتصادی است در اولین قدم با موفقیت مجلس شورای ملی شروع خواهد شد. ضمناً خاطر آقایان نمایندگان محترم را متذکر می‌سازم که چون عده از جراید متأسفانه از نبودن قانون هیئت منصفه سوء استفاده نموده و رویه را اتخاذ کرده‌اند که بالنتیجه موجب هرج و مرج و تزلزل امنیت است لذا برای جلوگیری از تکرار این وضعیات انتظار دارم هرچه زودتر قانون هیئت منصفه به تصویب مجلس شورای ملی رسیده وسایل محاکمه مطبوعات، مطابق قانون فراهم گردد. در خاتمه از خداوند مسئلت می‌کنم با معاونت مجلس شورای ملی و موافقت صمیمانه‌ی که از آقایان نمایندگان محترم گذشته است موفقیت حاصل نمایم.

اما در این هنگام، اختلاف میان وزرا چنان بالا گرفته بود که قوام السلطنه کمتر می‌توانست به برنامه‌های پیش‌بینی شده دولت خود جامعه عمل ببوشاند، با اینکه سردار سپه میل فراوان داشت تا تغییرات در ارتش چشم‌گیر باشد اما قوام السلطنه کمتر به این خواست تن می‌داد تا جایی که در ۱۵ مهر ماه ۱۳۰۱ شمسی، وزیر جنگ از مقام خود استعفا داد. لیکن خبر استعفای وزیر جنگ، سبب تظاهرات مردم شد و بسیاری از دولت خواستند تا وزیر جنگ استعفای خود را پس بگیرد و سرانجام استعفا استرداد شد و در ۲۴ همان ماه نمایندگان مجلس از خدمات وزیر جنگ قدردانی و اظهار تشکر کردند.

عدم موفقیت دولت قوام، سبب روی کار آمدن مستوفی‌الممالک گردید و او نیز در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۰۱ دولت خود را بدین شرح تشکیل داد:

نخست وزیر: مستوفی‌الممالک - وزیر داخله: مستوفی‌الممالک - وزیر جنگ: سردار سپه  
وزیر معارف: محتشم السلطنه - وزیر خارجه ذکاء‌الملک - وزیر مالیه: نصرالملک: وزیر عدلیه: ممتازالملک.

در تاریخ ۲۹ حوت (اسفند) آقای حاج مخبرالسلطنه بوزارت فوائد عامه و آقای بهاء الملک بوزارت مالیه معرفی و آقای نصرالملک بوزارت پست و تلگراف منتقل و آقای ادیب السلطنه به کفالت وزارت داخله معرفی شدند .  
برنامه‌یی که مستوفی الممالک به مجلس تقدیم کرد از این قرار است :

"حوائج مملکت و اقداماتی که از طرف هیئت دولت باید در وضع آن حوائج بعمل آید امروز تقریباً بر همه کس معلوم است و حاجت به شرح و بیان ندارد و کابینه‌های سابقه اصول آنها را بطور مختصر و مفید در پروگرام‌های خود درج نموده‌اند . هیئت حالیه نیز در واقع پروگرام‌ها را تعقیب خواهد کرد . لیکن برای اینکه معلوم شود هیئت چه اموری را بالاخص منظر نظر خود دارد و در آن امور از نمایندگان محترم ملت مخصوصاً استمداد می‌کند مواد ذیل بعنوان پروگرام عملی تقدیم مجلس شورای ملی می‌شود .

به عقیده این هیئت نیل به این مقاصد برای مملکت ضرورت تامه دارد و هرچند نمی‌توان گفت بسهولت ممکن است لیکن تصدیق خواهند فرمود که هیچ یک از آنها مرام و آمال دور و دراز نیست و این هیئت امیدوار است که با مساعدت مجلس شورای ملی این تعهدات را که در مقابل ملت می‌کند انجام دهد .

مسائل همه دیگر از قبیل اقدام به ممیزی و توجیه مالیات‌های متعدده مملکتی و بلدی و تسویه دعاوی که نسبت به دولت می‌شود و اعاشه و اعمار نقاط مخروبه مملکت و بسا چیزهای دیگر نیز منظور نظر هست که هیئت دولت فعلاً ذکر آنها را در پروگرام خود مقتضی ندیده لیکن البته از نظر محو نخواهد شد .

در خاتمه تذکر می‌دهد اینکه در ماده سوم پروگرام اصلاح ترتیب سربازگیری مذکور شده ، هرچند در موقع تقدیم لایحه مزبور علل و درجات پیشنهاد آن مشروحاً بیان خواهد شد عجالاً" برای استحضار خاطر نمایندگان محترم توضیح داده میشود که یک علت عمده آن این است که ترتیب بنیچه سربازی که هشتاد سال قبل داده شده با اوضاع حالیه مملکت موافقت ندارد و تکالیف یک قسمت از اهالی مملکت بقسمت دیگر تحمیل می‌شود .

## برنامه

- ۱- حفظ مناسبات حسنه با دول متحابه و انجام قراردادهای تجارتي و پستی و تلگرافی با دولت روسیه بطریقی که با مصالح مملکت توافق داشته باشد و عقد قرارداد پستی با دولت افغانستان .
  - ۲- تسریع در تهیه وسایل انتخابات دوره پنجم و مراقبت در صحت جریان آن .
  - ۳- پیشنهاد لایحه قانونی در اصلاح ترتیب سربازگیری و تهیه وسایل نظامی از قبیل اسلحه و آیروپلان و غیره .
  - ۴- سعی در انجام امر امتیاز نفت و تدارک وسایل استفاده ملت از منابع ثروتی مملکت و اهتمام در امر تاسیس راه آهن و تکمیل طرق شوسه مملکت و دایرکردن وسایل نقلیه اتومبیلی در طرق و شوارع موجوده و سعی در موزانه صادرات و واردات و استخدام متخصصین برای وزارت فوائد عامه .
  - ۵- تقویت عملیات متخصصین مالیه در اجرای صرفه جویی های ممکن درمخارج دولت و تدارک بودجه و اصلاح ادارات مالیه و تمرکز جمع و خرج و تهیه وسایل پرداخت حقوق پس افتاده مستخدمین و سایر حقوقی که بر ذمه دولت است و تسویه و تنظیم امور بانک ایران .
  - ۶- توسعه و نشر معارف و فرستادن شاگرد بخارجه برای تحصیل معلومات عالییه و فنییه و تنظیم و تکمیل تعلیمات عمومی و عالییه مملکتی و اهتمام در امر حفظ الصحه عمومی .
  - ۷- تکمیل قانون اصول محاکمات حقوقی برطبق تجارب حاصله و حوائج حالیه و مطالعه در امر محاکمات جز این و جدیت در گذراندن قانون تجارت و محاکمه وزراء و و ثبت اسناد و هیئت منصفه از مجلس شورای ملی .
- امامستوفی الممالک نیز طی زمانی کمتر از شش ماه جای خود را به مشیرالدوله داد و مشیرالدوله نیز در ۲۶ خرداد ماه ۱۳۰۲ کابینه بی بدین شرح تشکیل داد :
- نخست وزیر : مشیرالدوله - وزیر داخله : مشیرالدوله - وزیر خارجه : دکتر مصدق السلطنه - وزیر جنگ : سردار سپه - وزیر مالیه : ذکاء الملک - وزیر عدلیه : حکیم الملک - وزیر پست و تلگراف : فهیم الدوله - کفیل فوائد عامه و تجارت : عدال ملک دادگر - وزیر معارف : حکیم الدوله .

سقوط دولت ها و متزلزل بودن وضع حکومت سرانجام این تمایل را بوجود آورد که باید مردی لایق رشته کارها را بدست گیرد و این تمایل چنین نتیجه داد که سردار سپه (اعلیحضرت رضاشاه کبیر) مأمور تشکیل دولت گردید و او نیز از تاریخ ۶ آبان ۱۳۰۲ تا آذرماه ۱۳۰۴ چهار دولت بشرح زیر تشکیل داد:

دولت اول: بتاريخ ۶ آبان ۱۳۰۲

نخست وزیر: سردار سپه، وزیر داخله: سردار سپه، وزیر خارجه: ذکاء الملک، وزیر جنگ: سردار سپه، وزیر مالیه: مدیرالملک، وزیر عدلیه: معاضد السلطنه، وزیر پست و تلگراف: سرلشکر خدایارخان، وزیرفوائد عامه و تجارت: حاجی عزالمالک اردلان، وزیر معارف: سلیمان میرزا.

دولت دوم: بتاريخ ۲۵ فروردین ۱۳۰۳

نخست وزیر: سردار سپه، وزیر داخله: سردار سپه، وزیر جنگ: سردار سپه، وزیر خارجه: ذکاء الملک، وزیر مالیه: مدیرالملک، وزیر عدلیه: معاضد السلطنه، وزیر پست و تلگراف: محمودخان انصاری (امیراقتدار)، کفیل فوائد عامه و تجارت: نظام الدین خان حکمت (مشارالدوله)، وزیر معارف: مستشارالدوله.

دولت سوم: بتاريخ ۷ شهریور ۱۳۰۳

نخست وزیر: سردار سپه، وزیر داخله: امیراقتدار، وزیر خارجه: مشارالملک، وزیر جنگ: سردار سپه، وزیر مالیه: ذکاء الملک، وزیر عدلیه: ادیب السلطنه، وزیر پست و تلگراف: سردار اسعد، وزیر فوائد عامه و تجارت: تیمورتاش (سردار معظم).

دولت چهارم: بتاريخ ۱۷ مرداد ۱۳۰۴



نخست وزیر: سردار سپه، وزیر جنگ: سردار سپه، وزیر داخله: قوام الدوله، وزیر خارجه: مشارالملك، وزیر مالیه: ذکاء الملك، وزیر عدلیه: نصرت الدوله، وزیر پست و تلگراف: سردار اسعد، وزیر فوائد عامه و تجارت: تیمور تاش (سردار معظم)، وزیر معارف عماد السلطنه (سید مهدی خان فاطمی).

متن برنامه دولت سردار سپه:

- ۱- تشیید روابط حسنه با دول متحابه.
- ۲- تکمیل قوای دفاعیه مملکت و گذراندن قانون خدمت نظامی عمومی. اصلاح و تکمیل ادارات امنیه و نظمیه ولایات بر مبنای جدید و گذراندن قانون سجل احوال.
- ۳- تکمیل قوانین عدلیه و بسط تشکیلات آن در ولایات.
- ۴- تکمیل وسایل تعمیم و ترقی معارف و صحیه و گذراندن قانون استخدام معلمین.
- ۵- تعدیل بودجه و گذراندن قانون ممیزی و اصلاح طرز وصول مالیات بطریقی که رعایت حال مودیان مالیات بشود.
- ۶- گذراندن امتیاز نفت شمال موافق قانونی که از مجلس چهارم گذشته است و تقدیم لایحه راه آهن و راه شوسه با استفاده از منابع ثروت مملکت.
- ۷- توحید اوزان و مقادیر از روی مبنای علمی.
- ۸- تکمیل تاسیسات پست و تلگراف و بسط آنها بنقاطی که تاکنون موجود نبوده است و تاسیس پست هوایی و تلگراف بی سیم.

همانطور که اشاره کردیم تزلزل حکومت ها و عدم قدرت نخست وزیران سبب تمایل مردم و نمایندگان مجلس به نخست وزیری سردار سپه شد و در چهارم آبان (عقرب ۱۳۰۲) مقام ریاست وزراء به معظم له که تا آن زمان وزارت جنگ را عهده دار بودند مفوض گردید در همان ماه احمد شاه قاجار به فرنگستان عزیمت کرد، از اواسط بهمن ماه همان سال از کلیه ایالات و ولایات ایران عموم ملت تنفر خود را از سلطنت قاجاریه اظهار و درخواست تغییر رژیم نمودند. در همان اوان یعنی در ماه اسفند (حوت) رئیس الوزراء از کار کناره گرفتند ولی در نتیجه قیام ملت و استدعای نمایندگان مجلس در ۱۸ فروردین ۱۳۰۳ مجدداً

زامداری را قبول فرمودند. برنامه (برگرام) دولت که در ۲۴ فروردین ۱۳۰۳ اعلام گردید از این قرار است:

" تکمیل قوای دفاعیه و گذراندن قانون نظام وظیفه عمومی، اصلاح امنیه و شهربانی ولایات برمبانی جدید، تکمیل قوانین عدلیه، تکمیل وسایل و تعمیم و ترقی فرهنگ و بهداشت، توحید اوزان و مقادیر، تکمیل تاسیسات پست و تلگراف".

در نتیجه اقدامات مجدانه ریاست وزراء در پیشرفت امور و اصلاحات کشوری و لشکری ملت ایران یقین نمود که منجی واقعی او همان ذات والایار است و سلاطین قاجاریه نه تنها خدمتی باین مملکت ننمودند بلکه آنرا به پرتگاه نیستی کشاندند بنابراین نمایندگان ملت در ۲۵ بهمن (دلو) ۱۳۰۳ بموجب قانون مخصوص ریاست کل قوای تأمینیه و دفاعیه راه رئیس الوزراء تفویض کردند و اولین قدم برای خلع سلسله قاجاریه از طرف نمایندگان برداشته شد.

در آن موقع که شاهنشاه بسرکوبی اشرار، برجیدن بساط ملوک الطوائفی و تنظیم ارتش که از هر حیث کامل باشد میپرداختند و در آن هنگام که اجرای کلیه اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و غیره منظور نظر ایشان بود. احمد شاه در اروپا بود تا اینکه کاسه صبر ملت لبریز گشت و نمایندگان تصمیم گرفتند ایران را از سر سلطنت خانواده‌ای که یکصد و چهل سال کشور را بطرف بدبختی و بیچارگی سوق داده مستخلص سازند. بنابراین در روز تاریخی نهم آبان ۱۳۰۴ شمسی مجلس شورای ملی در میان شوق و شغف اهالی خلع سلسله قاجاریه را اعلام نمود.

پس از خلع سلسله قاجاریه حکومت موقتی بفرمانده کل قوا مفوض گردید و در ۱۲ آبان ۱۳۰۴ نظامنامه انتخاب اعضاء مجلس موسسان منتشر شد و بتدریج دول خارجی حکومت موقتی را برسمیت شناختند.

در ۱۵ آذر همان سال مجلس موسسان تشکیل گشت و در ۲۱ آذر در چهارمین جلسه مجلس موسسان سلطنت ایران به اعلیحضرت همایون رضاشاه پهلوی مفوض گردید و اصول چهارگانه ۴۰۳۸۰۳۷۰۳۶ متمم قانون اساسی تغییر یافت و سه اصل آن از این قرار است:

اصل ۳۶ - سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس موسسان به شخص اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلا بعد نسل برقرار خواهد بود .

اصل ۳۷ - ولایتعهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود - در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط بر آنکه آن ولیعهد از خانواده قاجار نباشد ولی در هر موقع که پسر برای پادشاه بوجود آید حقا " ولایتعهد با او خواهد بود .

اصل ۳۸ - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصا " امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شده باشد . اگر به این سن نرسیده باشد نایب - السلطنه از غیر خانواده قاجار از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد .

در ۲۴ آذرماه ۱۳۰۴ مراسم تحلیف بعمل آمد و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نطق موثری در مجلس شورای ملی ایراد فرمودند و بدنبال آن در تهران و شهرستانها جشنهای مفصلی گرفته شد . دول خارجی سلطنت اعلیحضرت پهلوی را برسمیت شناختند و سفرای آنان برای عرض تبریک بحضور ملوکانه مشرف گشتند .  
روز بیست و هشتم آذرماه ۱۳۰۴ اولین کابینه اعلیحضرت پهلوی تشکیل گردید . این دولت را محمد علی فروغی تشکیل داد و اعضای آنها بدین شرح بودند :

نخست وزیر فروغی - وزیر داخله (علاالملک دادگری) حسین دادگر - وزیر خارجه مشارالملک - وزیر جنگ : عبدالله خان امیرطهماسبی - وزیر مالیه : مرتضی قلی بیات (مهام السلطان) - وزیر بیست و نلگراف - سردار اسعد - وزیر فوائد عامه و تجارت : علی اکبر داور کفیل وزارت معارف : یوسف مشار اعظم .

اولین هدف دولت فروغی برگزاری انتخابات بود و در ششم دی ماه فرمان انتخابات دوره ششم صادر شد و در فروردین وارد بیست و یکم ۱۳۰۵ سرکردگان ایلات و طوایف مختلف و نمایندگان اعیان و تحار آذربایجان حامل عصای مرصع تقدیمی اهالی آذربایجان و همچنین نمایندگان کرمان ، فارس و سایر نقاط ایران بمناسبت تاجگذاری در تهران حضور

به هم رسانیدند و در چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری با کمال شکوه و جلال در تالار موزه سلطنتی بعمل آمد .

در زمان اعلیحضرت فقید مجموعاً " هفت دولت تشکیل شد که هر کدام ، به هنگام تشکیل پروگرام های خود راه مجلس تقدیم کردند که اولین رییس دولت محمدعلی فروغی بود و آخرین نفر نیز منصورالملک میباشد . تاریخ تشکیل دولت ها ، پروگرام آنان و اعضای کابینه آنها در این فصل بترتیب تاریخ تشکیل آمده است و برنامه دولت ها نشان میدهد که چه تغییرات در مملکت بوجود آمده و نیازها تا چقدر دگرگون شده است .

## دولت مستوفی الممالک

از تیرماه ۱۳۰۵ الی خردادماه ۱۳۰۶ مستوفی الممالک سه کابینه بشرح زیر تشکیل داد و برنامه‌های تقدیم مجلس شورا ایملی کرد که در پنجم مهرماه ۱۳۰۵ بتصویب دوره ششم مجلس شورا ایملی رسید .

## دولت اول : بتاريخ تیرماه ۱۳۰۵

نخست وزیر : مستوفی الممالک ، وزیر داخله : مستوفی الممالک ، وزیر خارجه : مشاور الممالک ، وزیر جنگ ذکاء الملک ، وزیر مالیه : وثوق الدوله ، وزیر پست و تلگراف : مشیراعظم ، وزیر تجارت و فوائد عامه : مخبر السلطنه ، وزیر معارف : نصیرالدوله .

## دولت دوم : بتاريخ ۲۴ شهریور ۱۳۰۵

نخست وزیر : مستوفی الممالک ، وزیر داخله ، احتشام السلطنه ، وزیر خارجه : مشاور الممالک ، وزیر جنگ : ذکاء الملک ، وزیر مالیه : محتشم السلطنه ، وزیر عدلیه و وثوق الدوله ، وزیر پست و تلگراف : مشیراعظم ، وزیر تجارت و فوائد عامه : مخبر السلطنه ، وزیر معارف : نصیرالدوله .

## دولت سوم : بتاريخ ۱۸ بهمن ۱۳۰۵

نخست وزیر : مستوفی الممالک ، وزیر داخله : عماد السلطنه ، وزیر خارجه : مشاور الممالک ، وزیر جنگ : ذکاء الملک ، وزیر مالیه : نصرت الدوله ، وزیر عدلیه : داور ، وزیر تجارت و فوائد عامه : مخبر السلطنه ، وزیر معارف : سید محمدتدین .

## متن برنامه دولت میرزا حسن خان مستوفی

قسمت ۱- حفظ حسن روابط با دول متحابه

قسمت ۲- اصلاح و توسعه امور تجارت و تسهیلات راجعه بترانزیت و رفع اشکالات

موجوده آن ،

قسمت ۳- اهتمام در ترویج و ترقی زراعت و مخصوصاً سعی در تکثیر محصولات قابل

صدور از قبیل پنبه و ابریشم و امثال آنها و بستن سدها برای آبیاری اراضی قابل زرع .

قسمت ۴- تهیه لایحه برای فروش تدریجی خالصجات بطور مزایده و تخصیص عایدات

فروش آن بتاسیس بانک فلاحتی .

قسمت ۵- تاسیس بانک دولتی بایک شعبه رهنی که پیشنهاد آن فوراً تقدیم خواهد

شد .

قسمت ۶- تهیه و تقدیم لوایح لازمه برای اصلاحات راجعه بامور مالیه که عملاً ضرورت آنها ثابت گردیده است .

قسمت ۷- تقدیم لوایح تدریجی برای اعطای امتیازاتی که برای استفاده از منابع ثروت مملکت لازم است و تقدیم و تشویق اتباع داخله از حیث سهولت شرایط .

قسمت ۸- تسریع در تاسیس کارخانه ذوب آهن و شروع بعملیات آن .

قسمت ۹- اصلاح و توسعه راههای شوسه .

قسمت ۱۰- اجرای تصمیم مجلس پنجم راجع بنقشه برداری خطوط مختلفه آهن و تعیین اهم و اصلح خطوط و پیشنهاد آن بمجلس .

قسمت ۱۱- استحکام تشکیلات وزارت داخله در تمام مملکت و تکمیل و اصلاح تاسیسات صحنی و بلدی .

قسمت ۱۲- تکمیل قوانین موجوده راجع بامور قضائی مخصوصاً وضع و تدوین قانون مدنی و اتخاذ وسایل لازمه برای جلوگیری از بطوء جریان محاکمات و سعی در تعمیم قانون ثبت اسناد و املاک بنحوی که در مدت معینی ثبت کلیه املاک در دفاتر دولتی صورت پذیرد و از وقوع دعاوی جلوگیری شود .

قسمت ۱۳- بسط و توسعه مدارس ابتدائی در تمام مملکت و تشکیل مدارس حرفه‌ء و مهندسی .

قسمت ۱۴- تقدیم لوایح لازمه برای توسعه خطوط تلگرافی و استقرار تاسیسات خطوط و مراکز جدید پستی و تبدیل وسایل موجوده حمل و نقل پست بوسایل سریع السیر .

قسمت ۱۵- تجدیدنظر در قانون استخدام و پیشنهاد لازم راجع باصلاح نواقص آن .

قسمت ۱۶- تاسیس شورای دولتی پس از تصویب قانون آن از طرف مجلس شورای ملی .

قسمت ۱۷- تزئید و توسعه قوای امنیه .

قسمت ۱۸- اتخاذ وسایل لازمه برای تفتیش سواحل .

دولت مخبر السلطنه: تاریخ تشکیل ۱۱ خرداد ۱۳۰۶

از تاریخ یازدهم خرداد ماه ۱۳۰۶ الی ۲۲ شهریور ماه ۱۳۱۲ که دولت مخبر السلطنه هدایت استعفادات تغییرات زیادی در کابینه بوجود آمد و چندین مرتبه هم دولت جدید

تشکیل شد. در طول مدت شش سال زمامداری حاج مخبر السلطنه اغلب وزارت خانه‌ها را معاونین اداره می‌کردند و یا اشخاص بطور کفالت عهده‌دار امور وزارتخانه‌ها بودند که ذیلاً ذکر میشود:

نخست وزیر: حاج مخبر السلطنه هدایت، وزیر داخله: ادیب السلطنه سمیعی، وزیر خارجه: مشاور الممالک انصاری، وزیر جنگ: جعفرقلی سردار اسعد، وزیر عدلیه: داور، وزیر معارف: سید محمد تدین.

تغییراتی که در این کابینه بعمل آمد و وزرائی که در تاریخهای مختلف بمجلس شورای ملی معرفی شدند.

در جلسه ۲۹ آبان ماه ۱۳۰۷ کابینه بشرح زیر بمجلس شورای ملی معرفی شد:  
نخست وزیر: مخبر السلطنه هدایت، وزیر مالیه: نصرت الدوله فیروز، وزیر عدلیه: علی اکبردور، وزیر معارف: یحیی قراگزلو (اعتماد الدوله)، وزیر فواید عامه، وحیدالملک شیبانی، وزیر پست و تلگراف: قاسم صوراسرافیل، وزیر جنگ: سردار اسعد، کفیل وزارت خانه پاکروان، وزیر داخله: ادیب السلطنه سمیعی.

در جلسه ۲۹ آذر ۱۳۰۷ مجلس شورای ملی:  
دکتر سعید مالک بسمت ریاست اداره کل صحیه معرفی شد.

در جلسه ۴ دیماه ۱۳۰۷ مجلس شورای ملی:  
محمودجم بسمت وزارت قواعد عامه معرفی شد.

در جلسه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۰۷ مجلس شورای ملی:  
سید ابوالقاسم عمید بسمت کفالت وزارت امور خارجه معرفی شد.

در جلسه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۷ مجلس شورای ملی:  
فرزین بکفالت وزارت خارجه معرفی شد.

در جلسه ۶ تیرماه ۱۳۰۸ مجلس شورای ملی:  
نخست وزیر (مخبر السلطنه) خود را بسمت وزارت مالیه معرفی کرد.

در جلسه ۱۶ شهریور ۱۳۰۸ مجلس شورای ملی:  
فرزین بوزارت مالیه و کریم بوذرجمهری بوزارت فواید عامه معرفی شدند.

در جلسه ۳۰ آبانماه ۱۳۰۸ مجلس شورای ملی:  
فرزین بوزارت خارجه و میزاحسن خان مشار بوزارت مالیه معرفی شدند.

در جلسه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی :

فروغی بسمت وزارت اقتصاد ملی معرفی شد .

در جلسه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی :

سید حسن تقی زاده بسمت وزارت طرق و شوارع معرفی شد .

در جلسه ۹ اردیبهشت ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی :

مخبر السلطنه (نخست وزیر) وزارت مالیه را خود بعهده گرفت و اعلام کرد

در جلسه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی :

محمد علی فروغی بسمت وزارت امور خارجه و کفالت وزارت اقتصاد ملی معرفی شد .

در جلسه ۲۶ مرداد ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی :

تقی زاده بسمت وزارت مالیه و کفالت وزارت طرق و شوارع معرفی شد .

#### متن برنامه دولت مخبر السلطنه هدایت

بر نمایندگان محترم پوشیده نیست که در تمام شعب اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مملکت اصلاحات اساسی شروع شده و در جریان است و اگر چه اصلاحات مذکور در دسترس اطلاع عامه بوده و با مشارکت اکثر آقایان نمایندگان حاضر که در مجلس ششم مقام نمایندگی را دارا بودند بعمل آمده است معذک تذکر بعرض مجلس شورای ملی میرسد که بیشتر توجه دولت شاهنشاهی معطوف بعمران و آبادی مملکت و تکثیر ثروت عمومی بوده و در این قسمت قدم های خیلی مؤثری برداشته شده است .

ساختن راه آهن از بندر شاهالی بندر شاهپور که چهارصد و چهل و سه کیلومتر آن از شمال بجنوب تا آخر آذرماه ۱۳۰۸ باید ساخته و دائر گردد مؤثرترین اقدامی است که از حیث آبادی مملکت نصیب دولت شاهنشاهی گردیده است .

بستن سد اهواز که در ضمن ساختن راه آهن بعمل خواهد آمد و ساختن راه مهم لرستان و عمران و آبادی آنجا - بسط و تکمیل راه سازی در تمام مملکت - تشویق صنایع داخلی - تاسیس بانک ملی و توجه مخصوص به بهبودی اوضاع تجارتي و فلاحتی مملکت رئوس اقداماتی است که بعمل آمده و باید تکمیل شود .

اصلاحاتی قضائی مملکت بطور رضایت بخش در جریان بوده و دوره تکمیل و تکامل خود را سیر مینماید .

از نقطه نظر معارفی اعزام محصلین بخارجه برای تکمیل تحصیلات تجدیدنظر در



پروگرام مدارس و اصلاح اوضاع عمومی آنها بالخصوص مدارس متوسطه - تالیف و طبع کتب برای مدارس ابتدائی و متوسطه - تکثیر عده مدارس ابتدائی در ولایات و امثال آن اقداماتی است که برای بسط معارف بعمل آمده و باید تکمیل شود .

از حیث اوضاع صحتی نیز بهبودی محسوسی مشاهده میشود و تاسیس مریضخانه های تازه و ایجاد قرنطینه های جدید در جنوب و غرب تکمیل موسسه پاستوراستخدام متخصصین و اطباء خارجی برای تاسیسات و اصلاحات صحتی - ایجاد پست های سیار صحتی و اقدامات متشابه آن شاهد این بهبودی اوضاع میباشد .

اوضاع مالی مملکت کاملاً رضایتبخش بوده و توجه مخصوص به تکثیر عایدات عمومی بعمل می آید و با وجود ملغی شدن پاره از اقلام عواید از قبیل مالیات اغنام و احشام و مالیات سرشماری و پاره ای عواید دیگر معذک یقین کامل حاصل است که مجموع عواید مملکتی جبران کسورات مزبوره را کرده و در عواید پیش بینی شده نقصانی حاصل نخواهد شد ولی در همان حال اوضاع مالی چه از حیث طرز وصول مالیاتها از قبیل مالیات اراضی که بر روی اساس صحیحی گذارده نشده و طوری نیست که تحمیلی بر طبقه زحمتکش و فقیر مملکت نشود که برای امتثال امر مبارک شاهانه در رفع تحمیلات مزبوره مطلب مورد مطالعه مخصوص دولت واقع گردیده است و چه از حیث اصلاحات دیگر که مستلزم تکثیر عایدات باشد باید مورد توجه مخصوص شود و همچنین مسئله قاچاق که تاثیر زیادی در عواید غیر مستقیم دارد از چندی باینطرف توجه دولت را بخود جلب نموده است و اگر حدیث کامل در این باب بعمل نیاید خسارات مهمی متوجه عواید گمرک و عواید انحصار و عوائد طرق و عوائد انحصار بر تریاک خواهد شد .

البته دولت با ایجاد پست های جدید امنیه و گمرک و ایجاد قوای بحریه و توسعه قوای امنیه و اتخاذ تمام وسائل ممکنه یقین دارد که موفق به جلوگیری از قاچاق و تنبیه قاچاقچیان خواهد شد ولی در این باب هم جلب مساعدت مخصوص مجلس شورای ملی هم ضرورت دارد زیرا که قوانین مجازات قاچاق خفیف بوده و از ملایمت آن سوء استفاده میشود و دولت امیدوار است که در اصلاح قوانین مزبور از طرف نمایندگان محترم مساعدت لازم بعمل خواهد آمد .

از نقطه نظر روابط خارجی نیز اوضاع کاملاً رضایتبخش بوده و موجود بودن روابط و ادایه صمیمانه با تمام دولی که با ایران دارای روابط سیاسی و اقتصادی میباشد مخصوصاً حسن رابطه با دول همجوار کوشش دولت شاهنشاهی را بحسن خاتمه منجر نموده موافقت

کامل حاصل گردد .

انتخاب ایران عضویت شورای جامعه ملل یکی از علائم حسن روابط ایران با ممالک عالم بوده و دولت شاهنشاهی امیدوار است وظائفی را که از این حیث عهده دار شده است بوجه احسن انجام دهد .

البته نمایندگان محترم در نظر دارند که پس از بیستم اردیبهشت گذشته و در تعقیب عهود ملغی شده دولت موفق بانعقاد عهود و قراردادهای موقتی و دائمی گردیده و فعلا نیز مشغول تکمیل اقدامات خود میباشد بطوریکه امید است در آینده نزدیکی دولت ایران با تمام دول دارای عهود و مقاولات قطعی که درخورشان و حیثیت طرفین و مبتنی بر اصول احترام و اعتماد متقابل باشد بگردد .

با آنچه که در فوق ذکر شد نمایندگان محترم ملاحظه خواهند فرمود که جریان امور عمومی مملکت بطور مطلوب رضایتبخش بوده و امیدواری کامل حاصل است که در تکمیل اصلاحات مملکتی موفقیت تام حاصل شود ولی مسلم است که مملکت هر چه بیشتر روبه ترقی و تعالی میرود لزوم ازدیاد وسائل مادی و معنوی مملکت بیشتر محسوس شده و ابراز جدیت بیشتری لازم می آید و یقین است که خود اهالی مملکت قدر دوره گرانبهای کنونی را که موانع کار کردن مفقود و موجبات بروز لیاقت و وظیفه شناسی موجود است شناخته و افراد ایرانی خود را عهده دار کمک و ترقی و آبادی مملکت و تکثیر ثروت و سعادت عمومی خواهند دانست . چه تصور اینکه سکنه یک مملکت در بهبودی حال خود هیچ نوع جهدی نکرده و فقط انتظار تهیه موجبات آنرا از دولت داشته باشند معقول بنظر نمی آید .

برای نیل یا اصلاحات منظوره تکثیر عایدات دولت شرط حتمی بوده و این مقصود را بوسیله اصلاح طرز وصول عواید کنونی مملکتی و وسائل دیگری با مساعدت مجلس شورای ملی باید تامین نمود . البته هر اصلاحی مستلزم خرجی است که مثلا اکنون که قانون نظام وظیفه در مملکت اجرا میشود و بالنتیجه قوای تأمینیه بواسطه اجرای قانون مزبور بر طبق احتیاجات مملکت بسط پیدا مینماید . برای نیل به این مقصود اضافه نمودن بر بودجه قوای تأمینیه لازم می افتد همچنین تکثیر سکنه مملکت که عنصر ابتدائی و حتمی عمران و آبادی هر مملکتی است باید اقدامات موثری بشود و مخصوصا وسائل مبارزه با پاره امراض از قبیل مالاریا و آبله و امراض تناسلی تهیه شود در اینجا است که ابراز حس بیداری ملی مورد پیدا کرده و خود اهالی مملکت بوسائل محتلفه بدولت کمک های مادی و معنوی نمایند .

توجه مخصوص به بهبودی اوضاع اقتصادی و مخصوصا اوضاع فلاحتی بوسیله بسنن سدها- تنظیم آنها- ترویج و پاره محصولات که مسنلزم عواید بیشتری برای اهالی مملکت باشد تکمیل ادوات فلاحتی و امثال آن منظور نظر دولت بوده است .

البته یکی از مسائلی که اتر فوق العاده در عمران و آبادی مملکت و کثیر ثروت عمومی دارد تسهیل شرائط دائر کردن منابع ثروت بی شمار مملکت و مخصوصا جلب سرمایه تجار تی و اقتصادی خارجی است مملکت ایران دارای منابع مختلفه ثروت بوده و برای دایر کردن آنها جدیت و همت خود اهالی از یکطرف و پیدا کردن سرمایه از طرف دیگر لازم است .

البته دولت شاهنشاهی معتقد ب دادن امتیازات مطابق اصول و شرائط امتیازات گذشته متوجه خواهند بود که شرط حتمی جلب مساعدت کامل نفوذهای سیاسی باشد نخواهد داد و امیدوار است که خود دارندگان امتیازات گذشته موجه خواهند بود که شرط حتمی جلب مساعدت کامل دولت شاهنشاهی منوط بتجدید نظر و اصلاح آنها است ولی برای جلب سرمایه های مفید خارجی و ایجاد موسسات مشترکه بین سرمایه ایرانی و خارجی از هر نوع وسائل تشویق و تسهیل خودداری نباید بعمل آید بدیهی است که در تمام مسائل معروضه و اصلاحات عدیده دیگری که در نظر است دولت مشغول مطالعه بوده و پس از تکمیل مطالعات لوایح مربوطه را برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم خواهند نمود .

مخصوصا در قسمت مطالعات مالی و اقتصادی استخدام متخصص مالی و اقتصادی که عنقریب وارد خواهد شد ممکن است کمک موثری باشد در باب هر یک از مطالب معروضه چنان که اشاره شد لوایح مربوطه تقدیم مجلس شورای ملی شده و در موقع خود تبادل نظر برای اتخاذ تصمیم قطعی بعمل خواهد آمد و دولت شاهنشاهی مطابق اصولی که در ضمن این پروگرام معروض داشته خود را عهده دار میدانده که تکمیل و اجرای تمام اصلاحات مملکتی را که در شعب مختلفه بعمل آمده یا باید بعمل آید تعقیب نماید و امیدوار است که با توحید مساعی با مجلس شورای ملی موفقیت کامل حاصل کند .

ولی نظر باینکه پس از افتتاح مجلس شورای ملی و ابتدای کار باید ابراز اعتماد قوه مقننه نسبت بدولت بعمل آمده باشد و وسیله نیل باین مقصود تقدیم پروگرام است لهدا دولت شاهنشاهی در ضمن تقدیم این پروگرام که حاکی از نظریات عمومی دولت در باب اصلاحات مملکتی است امیدوار است که مجلس شورای ملی با ابراز اعتماد خود نسبت بدولت

تعقیب و تکمیل اصلاحات مملکتی را تأیید نماید :

دولت محمد علی فروغی : تاریخ تشکیل ۲۶ شهریور ۱۳۱۲

نخست وزیر . محمد علی فروغی . وزیر داخله . محمود جم ، وزیر خارجه . سید باقر کاظمی  
وزیر جنگ جعفر قلی خان اسعد ، وزیر مالیه . داور ، وزیر عدلیه . محسن صدر ، وزیر پست و  
تلگراف . محمد علی میرزا دولتشاهی و نظام الدین حکمت ، وزیر معارف . علی اصغر خان  
حکمت ، وزیر طرق . علی منصور .

از تاریخ ششم آذر ۱۳۱۲ سرلشگر نخجوان بسمت کفالت وزارت جنگ بجای جعفر قلی  
سردار اسعد منصوب شد .

در این دولت بجای وزارت تجارت و فوائد عامه اداره کل تجارت - اداره کل صناعت  
و اداره کل فلاحت بوجود آمدند که روسای آن بدین ترتیب بودند :

رئیس اداره تجارت . میرزا علی اکبر خان بهمن ، رئیس اداره صناعت و فلاحت .  
مصطفی قلیخان بیات (صمصام الملک)

در جلسه ۲۷ خرداد ۱۳۱۴ مجلس شورای ملی که هیئت دولت بمجلس معرفی میشوند  
مظفر اعلم بسمت رئیس کل اداره تجارت معرفی می شود .

متن برنامه دولت محمد علی فروغی

ساحت محترم مجلس شورای ملی

نیات مقدسه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی در تکمیل موجبات ترقی و سعادت مملکت در حین  
خطابه ملوکانه در موقع افتتاح نهم بسمع نمایندگان محترم رسیده و رئوس مسائلی که باید  
نصب العین متصدیان امور باشد مشخص گردیده است .

هیئت وزراء که در این موقع به مجلس شورای ملی معرفی میشود سعی در متابعت از مقاصد  
عالیه ذات اقدس همایونی را وظیفه حتمی خود شمرده و مواد ذیل را که اصول و نکات برجسته  
پروگرام اقداماتی است که از طرف دولت در این دوره باید بعمل آید پیشنهاد مجلس شورای  
ملی می نماید :

سیاست خارجی دولت همواره مبنی بر تشدید مناسبات دوستانه با دول متحابه می باشد

ودراین باب بهترین وسیله را سیانت منافع دولت و ملت استوار بودن روابط ملل را بر اساس تساوی حقوق و احترام متقابل شرط لازم میدانند .

بهبودی اوضاع اقتصادی مملکت کماکان محل توجه کامل است . برای حصول این مقصود مساعی که در تاسیس انواع کارخانجات از قبیل قندریزی و ریسمان تابی و پارچه بافی و سیمان سازی بعمل آمده تعقیب خواهد شد و بعلاوه از تشویق ابناء وطن در تشکیل شرکتها و اهتمام در اینکه حوائج مملکتی را در داخله و بوسائل ملی فراهم آورند فروگذار نخواهد شد در ازدیاد صادرات مملکتی و توازن و تعادل آنها با واردات مراقبت تام بعمل خواهد آمد و در جلوگیری از معاملات قاچاق و نامشروع بیش از پیش کوشش خواهد شد برای ترقی فلاحت تقسیمی از اراضی خالصه بین زارعین بحریان انداختن معاملات بانک فلاحتی و فراهم ساختن وسائل توسعه محصولات و بهبودی آنها و تبدیل بعضی بعضی دیگر که مفیدتر باشند در نظر است .

در استفاده از منابع ثروت طبیعی مملکت به مسئله استخراج معادن محل توجه خاص خواهد شد .

برای تکمیل ساختمان طرق و تسریع انجام راه آهن و وسائل موثراتخاذ خواهد گردید . در ایجاد وسائل برای بهبودی اوضاع صحی مملکت و توسعه معارف و تکمیل موسسات مربوطه به آنها مساعی تام بعمل خواهد آمد .

بدیهی است در کلیه این مسائل از جهت وضع قوانین مساعدات و معاضدت های لازمه میذول و در تصویب این پروگرام پیشنهادی اعتماد خود را در باره دولت ابراز خواهند فرمود .

دولت محمود جم : تاریخ تشکیل ۱۱ آذر ۱۳۱۴

نخست وزیر : محمود جم ، وزیر مالیه : علی اکبر داور ، وزیر طرق : علی منصور ، وزیر امور خارجه : یاقر کاظمی ، وزیر عدلیه : محسن صدر ، وزیر پست و تلگراف : نظام الدین حکمت ، وزیر معارف : علی اصغر حکمت ، کفیل وزارت جنگ : سرلشگر نخب جوان ، رئیس کل فلاحت : مصطفی قلی بیات ، رئیس کل تجارت : مظفر اعلم ، رئیس کل صناعه و معادن : امین .  
تغییرات کابینه

در جلسه ۲۸ دیماه ۱۳۱۴ مجلس شورایی :

مجید آهی بسمت وزیر طرق معرفی شد .

در جلسه ۵ اسفند ۱۳۱۴ مجلس شورای ملی :

سرلشگر امان اله جهانبانی بسمت رئیس کل اداره صناعت معرفی شد .  
در جلسه ۲۵ فروردین ۱۳۱۵ مجلس شورای ملی :

عنایت اله سمیعی بسمت وزیر خارجه و سرلشگر امیر فضلی بسمت کفیل وزارت جنگ  
معرفی شدند .

در جلسه ۱۹ مهر ۱۳۱۵ مجلس شورای ملی :

دکتر احمد متین دفتری بسمت وزارت عدلیه معرفی شد .  
در جلسه ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ مجلس شورای ملی :

محمود بدر بسمت کفالت وزارت مالیه معرفی شد .  
در جلسه ۱۵ خرداد ۱۳۱۶ مجلس شورای ملی :

حسین علاء بسمت ریاست اداره کل تجارت و امور اقتصادی معرفی شد .  
در جلسه اول مهرماه ۱۳۱۶ مجلس شورای ملی (دوره یازدهم) کابینه آقای محمود جم  
بدین شرح معرفی گردید :

نخست وزیر : محمود جم ، وزیر راه : مجید آهی ، وزیر فرهنگ : علی اصغر حکمت ، وزیر  
امور خارجه : عنایت اله سمیعی ، وزیر دادگستری : دکتر متین دفتری ، وزیر دارائی محمود بدر  
کفیل وزارت جنگ : سرلشگر امیر فضلی ، کفیل وزارت کشور : ابوالقاسم فروهر ، کفیل وزارت  
امور خارجه : مصطفی منصور عدل ، رئیس اداره کل پیشه و هنر و معادن : فرخ ، کفیل اداره  
کل کشاورزی : احمد حسین عدل ، رئیس کل بازرگانی : حسین علاء  
در جلسه هشتم مهرماه ۱۳۱۶ مجلس شورای ملی : حسین علاء . بسمت وزیر بازرگانی  
و فرخ بسمت وزیر پیشه و هنر و معادن و ابوالقاسم فروهر بسمت وزیر کشور معرفی شدند . در  
جلسه ۱۵ اسفند ۱۳۱۶ مجلس شورای ملی مصطفی منصور عدل بکفالت وزارت امور خارجه

وحسین رخشانی به ریاست اداره کل کشاورزی معرفی شدند .

در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۷ ابوالقاسم فروهر بوزارت پیشه و هنر و در تاریخ ۸ خرداد ماه ۱۳۱۷ علی سهیلی بوزارت امور خارجه و در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۱۷ مظفر اعلم بوزارت امور خارجه و اسمعیل مرآت به کفالت وزارت فرهنگ و در تاریخ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۷ علی منصور بوزارت پیشه و هنر و ابوالقاسم فروهر بوزارت کشور و در تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۱۷ دکتر محمد سجادی به کفالت وزارت راه در تاریخ ۷ اسفند ماه ۱۳۱۷ علی اصغر حکمت بوزارت کشور و ابراهیم اعلم بوزارت پست و تلگراف و در تاریخ ۲۷ شهریور ماه ۱۳۱۸ دکتر محمد سجادی بوزارت راه و اسمعیل مرآت بوزارت فرهنگ بمجلس شورای ملی معرفی شدند .

توضیح: آقای جم در یکی از جلسات مجلس شورای ملی اظهار داشته اند که برنامه سابق است ولی منعکس نیست که برنامه کدام دولت .

دولت دکتر احمد متین دفتری: تاریخ تشکیل سوم آبان ۱۳۱۸

نخست وزیر: دکتر متین دفتری، وزیر پیشه و هنر: علی منصور، وزیر کشور: علی اصغر حکمت، وزیر امور خارجه: اعلم، وزیر فرهنگ: اسمعیل مرآت، وزیر راه: دکتر محمد سجادی، وزیر پست و تلگراف: ابراهیم علم، وزیر دارائی: سرتیپ رضاقلی امیر خسروی، کفیل وزارت بازرگانی: صادق وشیقی، کفیل وزارت دادگستری: محمد سروری، کفیل اداره کل کشاورزی: سرتیپ تاج بخش.

در جلسه ۱۸ آذر ۱۳۱۸ مجلس شورای ملی مصطفی قلی رام بسمت ریاست کل کشاورزی

معرفی شد .

در جلسه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۹ مجلس شورای ملی علی اصغر حکمت بسمت وزارت کشور

متن برنامه دولت دکتر احمد متین دفتری

برنامه دولت در پیروی از اوامر مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاهی هنگام گشایش مجلس تعقیب و انجام اصلاحاتی است که پایه آن در کشور گذاشته شده و امیدوارم با همکاری مجلس موفق با اجرای نیات مقدس ملوکانه بشوم .

دولت علی منصور: تاریخ تشکیل ۵ تیر ماه ۱۳۱۹

نخست وزیر: علی منصور، وزیر پیشه و هنر: علی منصور، وزیر امور خارجه، مظفر اعلم وزیر کشور: علی سهیلی، وزیر پست و تلگراف، ابراهیم علم، وزیر فرهنگ، اسمعیل مرآت،

وزیر راه : دکتر محمد سجادی ، وزیر دارائی : رضا قلی امیر خسروی کفیل وزارت جنگ : سرلشکر احمد نخجوان ، کفیل وزارت بازرگانی : صادق وثیقی ، کفیل وزارت دادگستری : محمد سروری ، رئیس اداره کل کشاورزی : مصطفی قلی رام .

در جلسه ۲۳ تیرماه ۱۳۱۹ مجلس شورایی مجیدآهی بسمت وزیر دادگستری معرفی

شد .

در جلسه ۴ خرداد ماه ۱۳۲۰ عباسقلی گلشائیان به کفالت وزارت دارائی معرفی شد .

#### برنامه دولت منصور

برنامه دولت جدید همان اصولی است که در زمینه اصلاحات و ترقیات کشور در رشته های مختلف برای هیئت دولت سابق مقرر بوده و بر وفق نیت عالیہ مقدس ملوکانه باید تعقیب و تکمیل شود .

راجع بسیاست خارجی دولت مخصوصا اظهار میدارم که سیاست همان رویه بیطرفی کامل و حفظ و تحکیم مناسبات حسنه متقابل با تمام دول مخصوصا با کشورهای همسایه است . امیدوارم با همکاری مجلس شورای ملی وانجام وظایف باجرائ نیت مقدس ملوکانه موفق شویم .



کوشش در راه ساختن ایران نوین

به بررسی وقایع دوران سلطنت رضاشاه کبیرمی پردازیم ، حوادث و وقایعی که روی داده است و تغییرات و دگرگونی‌هایی که بوجود آمده است و اقدامات ارزنده بی که صورت گرفته است .

فرخنده والاحضرت محمد رضا ولایت عهد عظمی در چهارم آبان ۱۲۹۸ هجری شمسی رخ داد و پس از یک سال و چند ماه کودتای معروف سوم اسفند ۱۲۹۹ روی داد و باب جدیدی در تاریخ ایران باز شد . طولی نکشید که اصول چهارگانه قانون اساسی به توسط مجلس مؤسسان تغییر یافت ( ۲۱ آذر ۱۳۰۴ ) و طبق اصل سی و هفتم آن قانون که مقرر داشت " ولایتعهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود " مسند ولایت عهد بوجود شاهنشاه زاده ایران و ایرانی الاصل مفتخر گردید . ولیعهد در مدت کمی مراحل تحصیل را در تهران طی فرموده و زبان فرانسه را بخوبی آموختند و در سال ۱۳۰۷ بتصویب شاهنشاه پیش آهنگی ایران بریاست عالیّه والاحضرت همایونی مفتخر گردید و در ۱۳ شهریور ۱۳۱۰ برای تکمیل تحصیلات و فراگرفتن چند زبان از تهران به سوئیس عازم و به مدرسه معروف " لوروزه " وارد شدند و چندی دور از میهن باکمال جدیت به تحصیل پرداخته و مدارج ملی را طی فرمودند . ولایت عهد عظمی در کلیه رشته‌های تحصیلی و عملیات ورزشی گوهر استعداد خود را بروز داده و بزرگترین سرمشق دانائی و

نوانائی کردیدند و همانطور که در رسته علوم مقام ارجمندی را حائز گردیده در عملیات ورزشی گوی سفت از ورزشکاران ربوده در سال سوم و چهارم اقامت در خارج ماخذ حامیهای سروری و مدالها نائل گشتند .

والاحضرت پس از چند سال اقامت در سویس در بهم اردیبهشت ۱۳۱۵ بحایب ایران عربت فرمودند . آقای دکتر نفیسی بهشکار معظم له و عده ای از افسران عالی مقام و نمایندگان بزرگ سیاسی ایران ملتزمین رکاب بودند . موکب والاخصر باظربین ، محارسان رومایی و حاک شوروی عبور فرمود و همه حا احرامات لازمه عمل آمد . صبح بنحشبه ۱۷ اردیبهشت موکب والاحضرت وارد بندر بهلوی گت و در کاج "مان پشته" حضور اغلب حضرت شرفیاب شده و طرف عصر در رکاب پدر ناچار خود کرج نزول اجلال فرمودند و از طرف ریاست وزراء و رئیس مجلس شوری تریکات لارمه و خیر مقدم بعرض رسید و عموم مستقبلین اظهار مرحمت و ملاطفت فرمودند .

در چهارم آبان ۱۳۱۵ بهاسبت عید ولادت والاحضرت عموم سده های پیش آهنگی مرکز در سدان حلالیه اجتماع نموده و در حضور وزیر فرهنگ و ریاست دربار سلطنتی و مدیران جراند مراسم برافراشتن بیرجم و خواندن سرود بعمل آمد . ریاست دبار الطاف والاخصرت را نسبت به پیش آهنگان بیان فرمودند و همچنین در سایر ولایت پیش آهنگان اجتماع نموده تلکرافات تبریک عرض کردند و حواب ملاطفت آمیز صادر شد .

والاحضرت پس از ورود به نهران همت خود را صرف مطالعه و مشاهده اوضاع و احوال مسهن عزیز نموده نمنا " در تشویق طالبان علم و ورزشکاران جهد بلیغ فرمودند در این فلیل مدت در رکاب پدر ناچار خویش در اطراف ایران مسافرتها فرموده و از نزدیک اوضاع اهالی و روحیات سکنه مرر و بوم باستانی را تحت نظر در آوردند چنانکه گاه در آذربایجان و زمانی در خطه پارس و خوزستان آثار عظمت ایران باستان را بدیده تحقیق نگریستند .

در این مسافرتهای پی در پی والاحضرت محصلین را تشویق نموده آنان را باند رزهای سودمند راهنمایی فرمودند منجمله در دهم دی ماه ۱۳۱۵ دانشکده حقوق تشریف فرما کردیدند و در پاسخ رئیس دانشکده که خیر مقدم عرض نمود چنین فرمودند :

" ما از شما و تمام دانشجویان دانشکده حقوق اظهار رضایت می نمایم ، نه فقط

رضایت بلکه ابراز مسرت و خرسندی هم با آن توأم است . البته میدانیم که علم حقوق یکی از بهترین دانشهاست ( خطاب بوزیر فرهنگ ) علم حقوق قدیمی است . البته این جوانان که تحصیل میکنند خود را برای خدمتگذاری بکشور و میهن خود آماده می نمایند . بدیهی است عدالت اولین شرط پایداری هر کشوری است بهمین علت بوده که اگر سلطانی را میخواستند تعریف کنند میگفتند عادل است گر چه این حرف ساده و پیشپا افتاده بنظر میرسد ولی ارزش حقیقی آن هیچوقت از بین نمیروند همان سلاطین که برای آگاهی از حال افراد و همچنین برای رسیدگی بنظلمات مردم زنجیر و جرس بکار می بردند هیچ منظوری نداشتند جز اینکه بدینوسیله عدالت را شایع سازند عدلیه امروزه هم همانست و همان زنجیر و جرس را دارد منتها با تشکیلات اداری و ترتیبات منظم و مرتبی که در نتیجه تمدن و ترقی کنونی بوجود آمده بالاخره عدلیه جایی است که بیطرفانه قضاوت میکند و عدالت را در کشور نشر و رفاهیت و سعادت افراد را تاءمین میکند .

همچنین در پاسخ معاون دانشکده که شرح تشکیلات را بعرض رسانید چنین فرمودند :

" البته آقایان استادان همانطوریکه آقای معاون بیان کردند حس وطن دوستی و جان فشانی را در نهاد دانشجویان تحریک مینمایند و البته باید خوب توضیح دهند که وطن دوستی بزرگترین فریضه هر ایرانی است و اطمینان دارم که همه آقایان و استادان این موضوع را پیوسته در نظر دارند و همیشه بدان دانشجویان تذکر میدهند تا روح وطن دوستی و ایمان کامل در حقوق کشوری که باید زنده باشد ایجاد و مستقر گردد و همان دانشجویان نیز بنوبه خود در آتیه به نونهالان وطن آنچه را که از شما فراگرفته اند بامانت بدیگران خواهند سپرد .

من از تمام آقایان راضی هستم نه فقط برای ایفای وظیفه آموزشی و دانش دوستی بلکه برای خدمتگذاری صمیمانه به میهن خود که در انجام آن مساعی و جهد وافی به کار می برند "

در موقع بازدید کلاس سوم حقوق بدانش جویان چنین اظهار مرحمت فرمودند :

" یقین دارم دانش جویان این کلاس جدید دارند که این چندماهه تحصیلی دیگر را با حسن انجام وظیفه باتمام رسانیده داخل جامعه شوند تا وظیفه خدمت به میهن خود

را که بزرگترین آمال آنهاست بموقع اجراء گذارند " .  
 در موقع بازگشت درب دانشکده بوزیر فرهنگ گفتند : رضایت مرا بکلیه استادان  
 و دانشجویان ابلاغ کنید .  
 والا حضرت برای تشویق ورزشکاران و خاطر نشان کردن اهمیت ورزش و تربیت بدنی  
 بآنان در بهمن ۱۳۱۵ با وجود سرمای سخت زمستان در مسابقه فوتبال در میدان جلالیه  
 شخصا شرکت فرمودند .  
 در اسفند ۱۳۱۵ والا حضرت بدانشسرای عالی رفتند و پس از استفسار از اوضاع آن  
 مؤسسه کتابخانه و آزمایشگاهها و کلاسها را بازدید فرموده استادان و دانشجویان را مورد  
 عنایات مخصوص قرار دادند که تدریس خود را ادامه دهند . در کلاس هفتم بحث از حافظه  
 و خاطرات بود در پایان آن والا حضرت بدانشجویان چنین خطاب فرمودند :

" چنانچه شنیدید حافظه مرکز خاطرات است ، در ذهن اشخاص خاطرات برجسته  
 کم و بیش وجود دارد ولی خاطره میهن دوستی از همه مهمتر است که باید برای همیشه  
 بحافظه سپرد و این نخستین وظیفه دانش جویان است که هیچوقت نباید آنرا فراموش  
 کنند " .

در کلاس هشتم چون از طرف استاد بعرض رسید که دانشجویان دانشسرای عالی  
 مطمئنا در استحکام مبانی علمی و اخلاقی خود کمال جدیت و کوشش را دارند ذات  
 همایونی بیانات ذیل را ایراد فرمودند :

" امید کشور هم از دانشجویان همین است . همانطور که شما استادان هر یک از سالهای  
 دراز در راه کسب دانش رنج برده و اندوختههایی گردآورده اید و امروز در دسترس استفاده  
 دانش جویان قرار داده اید ایشان هم بنوبه خود بدیگران میبندند و باید ساعتی عمر  
 و وسائلی که جهت تحصیلشان مهیا گردیده مفتنم شمارند و برای بدست آوردن گوهر گرانبهای  
 علم مجاهدتها نموده و ثمره تحصیلات خود را بمعرض استفاده فرزندان دیگر کشور  
 گذارند " .

در کلاس نهم که تدریس حساب استدلالی میشد چنین فرمودند :

" برای هیچیک از علوم انتهائی فرض نتوان کرد ؛ علم ریاضی نیز از علمی است که دایره آن روز بروز وسعت می یابد و هر روز علمای ریاضی اکتشافات تازه در این علم می نمایند . من انتظار دارم شما هم که در این رشته تحصیل میکنید بقدری سعی و کوشش نمائید که هریک از شما کشفهائی در ریاضیات بنمائید تا مورد توجه و استفاده واقع شود و از این سرچشمه علم و معرفت سایر اقطار گیتی بهره ور شوند "

در کلاس دهم که بحث از فلسفه بود بیانات ذیل را ایراد فرمودند :

" تاریخ از لحاظ اینکه نام بزرگان دنیا و کارهای برجسته آنها و همچنین علل ترقی یا انحطاط ملل را بمانشان میدهد و مایه عبرت ما میگردد علم شریفی است و میتوان او را جزء علوم ثابت دانست دانشجویان ما نیز باید کوشش نمایند خود را افراد لایق کشور بار آورند و وجود آنها منشاء خدمات بزرگ میهن گردد و نام خود را در ردیف نام بزرگان جهان در صفحات تاریخ به ثبت رسانند و بدانند که هر چه امروز میکنند تاریخ فردا را تشکیل میدهند "

○

اولین مساله که جلب توجه اعلیحضرت را نمود تشکیل سپاه مقتدر و منظم و فراهم ساختن وسایل امنیت در سرتاسر کشور بود . در آنوقت در سرتاسر ایران راهزنان از یکطرف و امراء و متنفذین از طرف دیگر آتش بیداد افروخته بر کوچک و بزرگ ، غنی و فقیرترحم نمی نمودند . گذشته از فتنه اشرا و استبداد امراء بیدادگر که بهیچوجه اعتنائی باواامر مرکز نداشتند عده ای هم که در تاریخ بعنوان " متجاسرین " معروف شده اند علم یا غیگری بر افراشته و سلب آسایش از اهالی بعضی از ایالات شمالی ایران رانموده و وسایل اغتشاش و اضطراب فراهم کرده بودند . خلاصه در هر گوشه نغمه ای بر پا و در هر جا عده ای دست بجان و مال مردم دراز کرده بودند . وزارت جنگ اسمی بود بی مسمی و افواج ایران عبارت بود از یک عده قزاق تحت ریاست افسران روسی و یک عده زاندارم بفرماندهی یک نفر بیگانه و جمعی سرباز بخت برگشته که برای قوت لایموت خود محتاج بودند و بسا از ولایت که از داشتن این گونه سرباز هم محروم بود .

در سال ۱۳۰۰ کمیونی از افسران ارشد برای ترتیب سربازگیری تشکیل یافت . قورخانه که مدت ها بحالت اسف آور افتاده بود حسب الامر فرمانده کل قوای که مقام وزارت جنگ را

داشتند بکار افتاد و کارخانه اسلحه سازی تاسیس و دائره ارکان ستاد ارتش تشکیل شد . برای محافظت طرق و شوارع حکمی راجع به تهیه امنیه صادر شد و ژاندارمری از وزارت داخله مجزا و تحت نظر مستقیم وزارت جنگ قرار گرفت . هم در آنسال برای وحدت قوای کل ارتش حکمی راجع بالغاء کلمات ژاندارم و قزاق و استعمال کلمه نظام ایران (ارتش) و نظامی صادر گردید و در بیشتر نقاط پستهای سرحدی تاسیس شد و درجات افسران و حقوق ثابت آنها معین گردید .

در سال ۱۳۰۱ استخدام سوارهای محلی موقوف و اداره امنیه و ژبانی تاسیس شد و تشکیلات آن در تمام ایران توسعه پیدا کرد و نشانهای جنگی مشخص گردید . سال بعد (۱۳۰۲) برای کسب معلومات از ارتش اروپا پنجاه نفر از افسران با فرمانده کل قوا با اروپا اعزام و مخصوصاً "بآنها دستور داده شد که علاوه بر معلومات فنی مطالعاتی در اخلاق و احساسات اهالی کشورهای بیگانه نمایند . همچنین دستور خرید اسلحه داده شد . از اقدامات برجسته آن سال تاسیس مدارس نظام از قبیل دبستان نظام (مدرسه ابتدائی) . دبیرستان نظام (مدرسه متوسطه) و دانشکده افسری است .

در اوایل ۱۳۰۱ لوازم ارتش ، قورخانه ، توپخانه ، هواپیما ، تانکها و اتومبیلها که از خارجه خریداری شده بود وارد گردید و متوالیا " بر تشکیلات ارتش و تجهیزات آن افزوده گشت . در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۰۴ قانون خدمت نظام و وظیفه مشتمل بر کلیات مسائل آن و معافیت و مهلت و تقلیل مدت خدمت نظامی و وظایف مجلس سربازگیری و غیره تصویب گردید و قدم بزرگی در راه خدمت بمیهن برداشته شد و در نتیجه در راه استقرار امنیت اقدامات قاطعی بعمل آمد که به بعضی از آنها اشاره میکنیم .

قبل از دولت مقتدر اعلیحضرت فقید اوضاع مالی ایران نهایت درهم و برهم بلکه در عین هرج و مرج بوده و حالت اقتصادی کشور تولید رقت می نمود . تقریباً یازده سال قبل از کودتا مستر شوستر مستشار معروف آمریکائی که برای اصلاح امور مالی به ایران جلب شده بجهاتی موفق نگردید او در کتاب غم انگیز وزیای خود اوضاع مالی ایران را مفصلاً شرح نیده و بيمورد نیست که در اینجا چند سطری از آن کتاب ذکر شود تا معلوم گردد قبل از پیدایش رضاشاه اوضاع مالی کشور بچه صورت بوده است :

" امروز طریقه وصول مالیات در ایران بهمان سبک ازمنه سابق میباشد اصل ما خذ

و بنیاد مالیات اراضی مزروعی عشر حاصل آن میباشد تمام مالیات نقدی نیست بلکه قسمت عمده آن جنسی است یعنی دولت در عوض عشر مالیات خود از رعایا و مالکین اجناس از قبیل گندم و گاه و پنبه و برنج و سایر محصولات زراعتی قبول میکند . از این طریقه مندرسه اشکال بزرگی در ضبط و محاسبات مالیات بلوکات و قصبات و دهات تولید گردیده و دولت بکلی از مءخذ کل صحیح مالیات هر محل که در عرض سال چه باید وصول شود بی اطلاع است . . . .

" در ایران دفتر محاسبات مالیاتی وجود نداشت که بشود اطلاع کامل ولو غیر صحیح هم باشد از مءخذ کل عایدات داخلی حاصل نموده و دولت بتواند بر آن اعتماد نماید . . . . "

" یکی از نواقص بزرگ طریقه وصول مالیات این بود که غالباً این کتابچه‌ها (کتابچه‌های مالیاتی) کهنه و قدیمی و از یک نسل قبل مرتب شده بود و نمیشد آنها را مءخذ و بنیاد صحیحی برای وصول مالیات قرار داد . در زمان ترتیب کتابچه‌های مزبور بسیاری از قری و دهات که معمور و دارای عده نفوس بسیاری بوده‌اند ولی بعد بکلی ویران و رعایای آن بقطات دیگر متفرق و پراکنده شده‌اند . و همچنین بعضی از دهات که سابقاً "هزار نفر یا بیشتر عده نفوس داشته ولی حالیه دویست یا سیصد نفر رعیت بیشترند اردهمان مالیات رعایای سابق را که سه چهار برابر جمعیت حالیه بوده میگرفتند و بالعکس آبادی که در زمان ترتیب کتابچه‌ها دارای سکنه قلیلی بوده و اکنون ترقی و وسعت فوق العاده یافته همان مالیات سابق را بخزانہ مرکزی میپرداختند بملاحظه اینکه در کتابچه ریاست مرکزی همان قدر ثبت و منظور شده بود و حال آنکه مءمورین جز از فرد فرد رعایا مالیات لازمه کامل را وصول مینمودند ولی با این حال کتابچه‌ها بهمان حال سابق مانده و تغییری نیافته است . . . . "

" یکی از موانع بزرگی که در وصول مالیات دچار شده بودیم نبودن هیچگونه قانونی که راجع به خدعه و تقلب و خیانت و مانند این جرایم است . ما مءورین مالیه یا سایر صاحبمنصبان دولتی که نقد و جنس یا سایر متعلقات دولت در تصرف آنان بود با کمال سهولت و آسانی و بدون تصور اینکه شاید وقتی از ایشان تحقیق یا مءاخذه شود مالیه و متعلقات دولتی را برای خود جابجا و تصرف مینمودند .

علاوه بر مالیات ها عایدات دیگر دولت ایران گمرکی بوده و مقدار قلیلی از اداره پست و تلگراف و مبلغ مختصری هم از اداره تذکره وزارت خارجه عاید خزانه دولت میگردد .

" تعرفه گمرکات . . . چون نرخ و مقادیر گمرکی آن بین دولت ایران و دول اروپا معین شده بود بدون رضایت ایشان تغییر پذیر نبود . . . . . و بقسمی ترتیب شده بود که بکلی برخلاف صرفه و صلاح و مضر بفواید ایران بود و از منحوس ترین و بیحاصلترین تعرفه های عالم بشمار میرفت ، نقص بزرگ آن تعرفه این است که بحدی از اندازه اعتدال خارج است که مخارج جلوگیری از قاچاق در بعضی از سرحدات خیلی بیشتر از گمرکی است که از آن امکنه بدولت واصل میشد . . . بلی این تعرفه مانند آوار بسر ملت بی تجربه و خوش باور ایران فرود آمد . .

" از سی سال قبل باین طرف بقدری خسارت و ضررتوسط اجانب بایران وارد آمده که امروز درهای معاهدات و اختیار تعیین شروط آن و استقراض یا حق اعطاء امتیازات و اتحاد بکلی برویشان مسدود و اختیاراتشان مسلوب گردیده است همه آن حقوق بامضاء سلاطین و وزراء متقلب خود خواه از ایشان ساقط شده است . . . تا حدی که ابواب تمام منابع و سرچشمه های منافع و عایدات دولتی را بر روی ایرانیان بستند و امروز دولت ایران قدرت به کسب منفعت از ملک خود هم ندارد .

" اگر ایران بخواهد یکی از ابواب ترقی را بر روی خود مفتوح سازد فوراً " فرامین سلاطین گذشته را بیرون آورده و دولت را از مداخله در حقوق حقه خود محروم و ممنوع ساخته و دعاوی میلیون ما خسارت که از حد احصاء خارج باشد مینمایند .

وقتی که شروع باصلاح امور مالیه نمودم علاوه بر چهارصد و چهل هزار تومانی که خودشان بعنوان مساعده استقراض پیشکی گرفته بودند ماء مورین ادارت بزرگ مرکزی و ولایتی هم چند ماه بود که حقوق نگرفته بودند و نمایندگان دیپلوماسی ایران هم که در ممالک خارجه بودند سالها بود که مواجب به آنها نرسیده بود و از ایشان متوالیا " مکتوبات جانگذار و اظهارات دلخراش میرسید که در اروپا گرفتار پریشانی و فقر گردیده و نمیتوانند خود را بایران برسانند و فقط جنبه و حیثیت دیپلوماسی ایشان آنها را از حبس و توقیف شدن محفوظ میداشت ! ! . . . "

بهترین نمونه مقایسه وضع اسف بار گذشته ، یکی از سالهای سلطنت اعلیحضرت فقید است که دگرگونی وضع مالیه ایران را نشان می دهد . که این دگرگونی خود شامل ابعاد بانک ملی هم هست که برای سالها آرزوی همه مردم بود .

" بودجه سال ۱۳۱۶ کشور که از حیث درآمد به ۲۹۱۱۰۰۰۰۰۰ ریال و هزینه



به ۱۲۴۸۰۳۷۳۷۷ ریال بالغ میگردد ، نسبت بودجه سال قبل ۲۵ میلیون ریال افزایش یافته است . وقتی مشاهده میشود که بودجه در آمد کشور در ظرف یک سال صدی بیست و پنج ترقی کرده است در نظر بدوی تصور میگردد که این اضافه در اوضاع مالیتهای تازه یا ازدیاد نرخ مالیتهای سابق حاصل گشته است در صورتیکه این اضافه نماینده تناسبی است که برای افزایش اقتصادی کشور در سال ۱۳۱۶ نسبت بسال قبل پیش بینی شده است .

" از اینجا است که پیش بینی عواید مالیات بر درآمد از ۱۰۰ میلیون در سال ۱۳۱۵ به ۱۳۰ میلیون در سال ۱۳۱۶ و مالیات ۳۰ در صد از ۴۵ میلیون به ۵۰ میلیون و مالیات بنزین و نفت از ۵۵ میلیون به ۷۰ میلیون - حقوق گمرکی از ۳۰۰ میلیون به ۳۹۲ میلیون انحصارات از ۲۳۹ میلیون به ۲۸۴ میلیون - خالصجات و معادن و شیلات داخلی از ۲۸ میلیون به ۷۴ میلیون ریال ازدیاد یافته است .

مخصوصاً " امر دیگری که صحت پیش بینی افزایش درآمدهای مالیاتی را در سال ۱۳۱۶ در اثر ترقی امور کشور تأیید مینماید آن است که دولت تقریباً " کلیه ازدیاد عواید را بمصرف کارهای ساختمانی و موسسات اقتصادی و امور عام المنفعه اختصاص داده است " اکنون جای آن دارد که به وضع راهها به پردازیم :

چون مسئله راه سازی روز بروز بیشتر طرف توجه واقع میگشت در ۱۸ اسفند ۱۳۰۸ لایحه ای از طرف دولت راجع بتفکیک وزارت فواید عامه سابق بوزارت اقتصاد ملی و وزارت اقتصاد ملی و وزارت طرق و شوارع تقدیم مجلس شورای ملی گردید و در ۱۷ همان ماه بتصویب رسید و بدین طریق امر مربوط براههای ایران محول بیک وزارتخانه مستقلی با یک بودجه معین و اعضاء کار آزموده شد . در اردیبهشت ۱۳۰۹ پل سفید رود بین رشت و لاهیجان از طرف ذات ملوکانه مفتوح شد و در ۱۳۱۴ مراسم افتتاح راه بین بندر لنگه و بوشهر بعمل آمد و در همان سال شروع بساختن راه رشت و خلخال شد و تسطیح بسیاری از جادههای فرعی خاتمه یافت .

خلاصه تا ابتدای ۱۳۱۴ خطوط شوسه ایران بالغ بر بیست هزار کیلومتر گردید این نکته قابل توجه است که اغلب از این خطوط از گردنههای مرتفع عبور می کند که ارتفاع بعضی از آنها از هزار یا دو هزار متر متجاوز است و مهمترین آنها گلدوک و کندوان است

که سه هزار متر ارتفاع دارد و از مرتفع ترین گردنه های ایران است .  
 ایجاد راه آهن - تاسیس وزراتخانه های جدید - رفع حجاب و آزادی نسبی زنان  
 دگرگونی در رخ پست و تلگراف از جمله کمترین کارهایی است که در زمان سلطنت اعلیحضرت  
 فقید انجام گرفته است به نمونه ایجاد دانشگاه تهران می پردازیم :

در تاریخ هشتم خردادماه ۱۳۱۳ قانون اجازه تاسیس دانشگاه در تهران بتصویب  
 رسید - طبق ماده ۶ دوم قانون مذکور دانشگاه دارای شعب ذیل بود که هر یک از آنها به  
 دانشکده موسوم بودند :

۱ - دانشکده معقول و منقول .

۲ - دانشکده علوم .

۳ - دانشکده ادبیات .

۴ - دانشکده طب و شعب و فروغ آن .

۵ - دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی .

۶ - دانشکده فنی .

باید دانست که در تاریخ تصویب قانون دانشگاه اغلب از دانشکده ها موجود بوده  
 و محصلین بفرارگرفتن علوم مختلفه اشتغال داشتند . وزارت فرهنگ برای ساختمان دانشگاه  
 اراضی وسیعی را در جلالیه در نظر گرفت و در آن سال (۱۳۱۳) اقدامات لازمه برای ساختمان  
 تالار تشریح بعمل آمد و در ۱۵ بهمن موبک اعلیحضرت بمحل دانشگاه تهران در اراضی  
 جلالیه نزول اجلال فرمودند و پس از ملاحظه و بازدید قسمت های مختلفه لوحه فلزی را  
 که روی آن عبارت نگاشته بود در جعبه ای از سنگ مرمر زیبا قرار دادند :

" هنگام شاهنشاهی پادشاه ایران رضاشاه پهلوی سردودمان پهلوی ساختمان دانشگاه  
 تهران بفرمان او آغاز و این نبشته که بایدگار در دل سنگ جای گرفته بزمین سپرده شد  
 بهمن ماه هزارو سیصد و سیزده خورشیدی " .  
 اعلیحضرت فقید در آن روز فرمودند :

ایجاد دانشگاه کاری است که ملت ایران بایستی خیلی قبل از این شروع کرده باشند حال که شروع شده است باید جدیت شود که زودتر انجام گیرد .  
چون شعب دانشگاه موجود بود و ساختن کلیه بنا در جلالیه مدتی بطول میانجامید در اسفند همان سال مراسم گشایش دانشگاه در دانشکده حقوق و سیاسی و تجارت بعمل آمده رسماً " شروع بکار کرد .

خاطراتی از اعلیحضرت فقید

بی شک پیشرفت‌های ایرانی و دگرگونی در کشور بدلیل توجه و کارهای زیاد اعلحضرت فقید بوده است، از طرز کار و کوشش‌های معظم‌اله خاطرات فراوانی نقل می‌کنند، بی‌مناسبت نیست چند نمونه از خاطرات دکترومتین دفتری را نقل کنیم که این خاطره‌ها خود تصویری از چهره اعلحضرت فقید در دسترس ما می‌گذارد که می‌تواند برای قضاوت از وطن‌دوستی‌های آن اعلحضرت مورد استفاده، قرار گیرد.

اعلحضرت فقید علاقه فراوانی بنه‌سبب کارخانه ذوب آهن در ایران داشتند. در همان ایامی که سرگرم کار عظیم راه آهن سرتاسری بودند، به هیئتی از مهندسیین دستور داد تا در باره چگونگی تأسیس ذوب آهن و محل کارخانه مطالعاتی به عمل آورند. این هیئت پس از چند ماه مطالعه گزارش داد:

"چون کارخانه ذوب آهن به آب احتیاج دارد، مناسب‌ترین محل امین آباد در نزدیکی شهر ری است. قنات امین آباد همیشه سی‌سنگ آب دارد. بدنبال این گزارش اعلیحضرت دستور دادند تا با کارخانه دماک کروپ در آلمان نیز قرار دادی برای ساختن یک کارخانه صد هزار تنی منعقد گردد. مقدمات کار از هر جهت فراهم شد و شاه برای زدن اولین کلنگ ساختمان کارخانه

بامین آباد آمدند .

\*\*\*

یکی از روزهای آفتابی درخشان پاییز بود . هیئت دولت و سایر مستقبلیین با لباسهای رسمی ، در جلوی باغ وسیعی که قرار بود ، بعداً " کارخانه در آنجا ساخته شود ، صف کشیده بودند .

وقتی اعلیحضرت فقید از اتومبیل پیاده شدند ، قیافه‌ای خندان و بشاش داشتند . از اینکه بیکی از آرزوهای بزرگ و دیرین خود جامه عمل می‌پوشاندند خوشحال بودند . بعد از ورود اعلیحضرت گزارش طرحی که برای ساختمان کارخانه تهیه شده بود . بعرض ایشان رسید ، وقتی گزارش تمام شد ، اعلیحضرت نگاهی به باغ انداختند و با تأسف گفتند :

حیف باغ بامین آبادی که میخواهید از بین ببرید!

و بعد درحالی که عصای خود را مرتباً بزمین میزدند میگفتند :

— این درختها قیمت دارند ، خیلی قیمت دارند . . . یک عمر باید زحمت کشید تا نظیرشان را از زمین در آورد . . .

اگر قرار بود در آنجا چیز دیگری بجز کارخانه ذوب آهن ساخته شود ، بطور حتم اعلیحضرت از زدن کلنگ خودداری می‌کردند ؛ اما ذوب آهن چنان توجه و فکر ایشان را متوجه خود کرده بود و ساختن آنرا برای مملکت لازم می‌دانستند که با همه ناراحتی ، مرگ درختان کهنسال را قبول کردند و نخستین کلنگ ساختمان را بزمین زدند . . .

\*\*\*

ساختمان ذوب آهن با سرعت حیرت‌آوری شروع شد . قطعات مختلف کارخانه مرتباً از آلمان میرسید و به محل کارخانه حمل می‌گردید . مهندسیین و کارگران شب و روز تلاش میکردند . . . اما ناگهان در میانه کار خبر دادند که قنات امین آباد ریزش کرده است . اعلیحضرت از شنیدن این خبر فوق‌العاده ناراحت شدند و دستور دادند :

— محل دیگری را برای ساختمان کارخانه در نظر بگیرید . این قنات قابل اطمینان نیست! شاید هر چند گاه یکبار همینطور ریزش کند .

کارشناسان آلمانی هم که برای نظارت در نصب کارخانه بتهران آمده بودند . نظر اعلیحضرت را تأیید کردند و پیشنهاد دادند :

— محل کارخانه باید از امین آباد به کرج منتقل شود .

و باین ترتیب فعالیت عظیم و پرجوش و خروش ذوب آهن از امین آباد به کرج انتقال یافت.

\* \* \*

با آغاز جنگ جهانی دوم، خواه و ناخواه، وقفه‌هایی در کارهای تجارتهای مملکت پیش آمد، کشتی‌های بازرگانی که تا آن زمان، محمولات مختلف را از بنادر اروپا بایران حمل میکردند، بزیر پرچم فراخوانده شدند، و تازه آنهایی هم که در کار حمل و نقل کالاهای تجارتهای باقی ماندند، همیشه در معرض حمله زیر دریایی‌ها قرار داشتند. در ماههای اول شروع جنگ، من نخست وزیر بودم. یکروز بعد از ظهر از دفتر مخصوص اطلاع دادند که برای شرفیابی بکاخ مرم بروم.

وقتی از میان خیابانهای مشجر و زیبای باغ می‌گذشتم، صدای غضب‌آلود اعلیحضرت بگوشم رسید که خطاب بکسی فریاد می‌کشیدند:

"... من اینها را نمی‌فهمم. چطور از حمل محمولات ذوب آهن خبر ندارید؟ پس شما چه وزیر مسئولی هستید؟ چرا با کارخانه تماس نمیگیرید، تا ترتیب دیگری برای حمل محمولات ما بدهند این که کار نشد..."

و بعد صدای اعلیحضرت اوج گرفت:

"یادتان باشد من باکسی شوخی ندارم. اعدام است... اعدام..."

حالاً من از آخرین خیابان باغ گذشته و جلو کاخ رسیده بودم. اعلیحضرت با حالتی عصبانی کنار حوض جلوی عمارت قدم میزدند. علی‌منصور وزیر پیشه و هنر و وثیقه کفیل وزارت بازرگانی نیز در چند قدمی ایستاده بودند.

بمحض اینکه مرا دیدند، گفتند:

— الان مدتی است که سفارشات ذوب آهن حمل نشده، هر وقت علتش را از اینها میپرسم جواب میدهند، چون جنگ است، کشتی‌ها نمیتوانند حرکت کنند. چه جواب مسخره‌ای!

بهر حال، از امروز خودت مامور اینکار هستی و باید هر چه زودتر با آلمانها تماس بگیری و ترتیب حرکت مرتب محمولات ذوب آهن را بدهی..."

وقتی به نخست وزیری برگشتم به وزارت خارجه دستور دادم تا در بندر آزاد تریست مبادرت بتأسیس قونسولگری نمایند، و بعد...

بوسیله این قونسولگری یک کشتی تجارتی ایتالیایی را بنام "آرابیا" اجاره کردم تا محمولات ایران را از بندر هامبورگ تحویل گرفته و بسوی خرمشهر حرکت کند .

شاه هرروز درجریان فعالیتهای من قرار داشت ، و هنگامیکه خبر داده شد کشتی بسوی آبهای ایران حرکت کرده ، بی اندازه خوشحال شدند ، اما متاسفانه این خوشحالی دیری نپائید ، زیرا بمحض اینکه " آرابیا " از آبهای مدیترانه وارد بحرا حمر گردید ، ایتالیابه پشتیبانی از آلمان ، قدم بصحنه نبرد گذاشت و بدولت انگلستان اعلام جنگ داد .

نیروی دریائی انگلیس که بر آبهای مدیترانه و بحر احمر سیادت داشت ، آرابیا را توقیف کرد و پس از آنکه محمولاتش را در بندر تخلیه نمود ، خود کشتی را بعنوان غنیمت جنگی تصاحب کرد . هنگامیکه این خبر را باعلیحضرت دادم ، خیلی متاثر شدند ، اما در حال نیز متوجه گردیدند که جنگ هرگز حساب و کتاب ندارد ، و چه بسا کارهایی که با عقل و منطق پیش بینی شده ، ولی جنگ عملا خط بطلان بر آن می کشد .

بهر حال فعالیت ما برای حمل قطعات کارخانه ذوب آهن بایران همچنان دنبال شد ، دولت بعد از من نیز خیلی تلاش کرد ، اما هرگز رضاشاه بآرزوی بزرگ خود یعنی افتتاح کارخانه ذوب آهن ایران نرسید . جنگ نهال خیلی از آرزوها را بی خشکاند یکی از آنها نیز آرزوی ایشان بود .

### خاطره‌ای از افتتاح رام آهن تهران - قزوین

در روز هفدهم من بعنوان نماینده شاه و رئیس هیئت دولت برای افتتاح ایستگاه راه آهن قزوین رفته بودم مرحوم حاج محتشم السلطنه اسفندیاری و اورنگ (در قسمت راست عکس صفحه مقابل دیده میشوند) و عده‌ای از رجال و نمایندگان مجلس نیز در این سفر شرکت داشتند .

قطار حامل ما در میان ابراز احساسات شدید مردم قزوین ، به ایستگاه رسید . وزیر راه گزارشی از چگونگی ساختمان راه داد ، و بعد من بطرف نوار سه رنگ رفتم . . . .

در این موقع عبدالحسین اورنگ پیش آمد تاجکامه‌ای را که باین مناسبت سروده بود قرائت کند . شعر او رنگ پر شور و حال بود و روحی به ما داد .

آن وقت‌ها اورنگ همیشه مجلس آراء بود . درهر میهمانی و محفلی که شرکت میکرد ،

چنان با شوخیها و لطیفه‌هایش، سر مردم را گرم می‌کرد که گذشت زمان فراموش میشد. در روز افتتاح راه آهن قزوین. جزایراز احساسات مردم چکامه پرشورا و رنگ و مجلس آرائی های او چیز دیگری بخاطر ندارم.

### خاطره‌ای از افتتاح رادیو

اعلیحضرت فقید تعصب شدیدی داشتند که ترقیات ایران هیچگاه از ممالک همجوار عقب نماند همیشه از آخرین پیشرفتهائی که در ممالک همسایه صورت می‌گرفت، باخبر بودند و سعی میکردند در مقایسه با آنها، ایران آبادتر و پیشرفته‌تر جلوه کند. یادم هست پیش از ساختمان بی سیم پهلوی من بارها پیشنهاد کردم:

— اگر اعلیحضرت اجازه بفرمایند مقدمات تأسیس یک فرستنده رادیو را در تهران فراهم کنم اما شاه سری تکان داده می‌گفتند:

تأسیس رادیو چیزی نیست اما تنظیم برنامه آن خیلی مشکل است ما هنوز "آدم" برای این کار نداریم خواننده و ساز زن جالبی نداریم، با یک ملوک ضرابی که نمی‌شود برنامه برای رادیو درست کرد...! نه، حالا رادیو لازم نیست... با اینکه اعلیحضرت با پیشنهاد من موافقت نکردند ولی وقتی قرار شد بی سیم پهلوی در جاده قدیم شمیران ساخته شود، من پنهانی به مهندسین سازنده دستور دادم تا در موقع ساختمان، پیش بینی لازم را نیز برای تاسیسات یک فرستنده رادیویی بنمایند مدتی از این ماجرا گذشت. یکروز اعلیحضرت مرا خواستند و با نگرانی گفتند:

— بمن گزارش رسیده که دولت افغانستان مشغول ساختمان یک فرستنده رادیویی است. با وجودیکه نمیشد گفت، گفتم، اعلیحضرت با پیشنهاد من برای تأسیس رادیو مخالفت میکردند، ولی من در موقع ساختمان بی سیم پنهانی به مهندسین سازنده دستور دادم تا برای تأسیس رادیو نیز پیش بینی کنند... شاه با اینکه هیچوقت دوست نداشت کاری برخلاف دستور او صورت بگیرد، از این



حرف من فوق العاده خوشحال شده دستی روی شانهم گذاشت و با مهربانی گفت :

— کار بسیار خوبی کردی . . . آفرین . یک لحظه سکوت کردند و سپس سؤال کردند :

اما بگو ببینم ، بالاخره رادیوایران چه وقت شروع بکار خواهد کرد . من دلم میخواهد صدای رادیوی ما زودتر از صدای رادیوی افغانها بلند شود . . .  
از آنروز بعد هر وقت بحضور شاه میرسیدم ، اولین حرفشان در باره رادیو بود :

— از رادیو چه خبر؟ کارها چطور پیشرفت کرده؟ بگو مهندسین عجله کنند . . . . .  
خیلی عجله کنند سرانجام اصرار و پافشاری شاه کار خود را کرد ، و رادیو درست یکسال زودتر از تاریخی که پایان ساختمانش پیش بینی شده بود ، یعنی چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ بدست والاحضرت ولیعهد افتتاح گردید و کار خود را شروع کرد .

### خاطره‌های از سرپاس مختاری

من از سرپاس رکن‌الدین خان مختاری خاطرات زیادی دارم ، اما شاید بازگوی آنها این مفهوم را داشته باشد که میخواهم بیک آدم بلا دفاع حمله کنم . درحالیکه هرگز در زندگی خود با کسی که از صندلی قدرت بزمین افتاده ، چنین رفتاری نداشته‌ام .  
رکن‌الدین خان در راس شهربانی زمان اعلیحضرت فقید سعی داشت که ماموری با قدرت و خدمتگذار جلوه کند ، و این اغلب برای او دردسرهایی بوجود می‌آورد که حتی خودش هم از خیال آن عاجز میماند .

او هر راپرت و گزارش کوچکی را بیک پرونده تبدیل میکرد و متهم را ببازداشت میکشید و جریان را نیز بلافاصله بعرض میرساند ، اما بعداً که معلوم می‌شد گزارش اولیه بی‌اساس است . نمیدانست با بازداشتی بیچاره چه کند .

اگر ماجرا را برای شاه می‌گفت ، مورد غضب قرار میگرفت و اگر پرونده را بدادگستری می‌فرستاد قضات هرگز قرار توقیف را تأیید نمیکردند و باز شاه باو خشمناک میشد .

رسیدم ، همیشه باو میگفتم :

— چرا هر گزارش بی اساسی را ملاک توقیف افراد قرار میدهید اینها هیچ صحیح نیست .  
مردم را عاصی و بدبین میکند . . . .  
ولی این حرفها تاثیر نمی کرد . خوب یادم هست ، یکروز خانواده مردی که در اندیشک  
بازداشت شده بود ، پیش من آمدند و گفتند :

چند ماه است که نان آور ما را توقیف کرده و در زندان نگاه داشته اند ، نه میگویند  
گناهش چیست و نه آنکه آزادش میکنند آن موقع من وزیر دادگستری بودم ، سرپاس مختاری  
را خواستم تا علت توقیف آن مرد را سؤال کنم مختاری جواب داد :

— یک پاسبان گزارش داده که این مرد در یکی از قهوه خانه های اندیشک چپ چپ  
به عکس اعلیحضرت نگاه کرده است ، منم بلافاصله دستور توقیفش را دادم !  
— جرمی از این مسخره تر نبود با عصبانیت گفتم :

— مگر چپ نگاه کردن گناه است ؟ اگر گناه است ، پس هر چه آدم لوچ در این شهر هست  
باید مجرم باشد ، چون همیشه چپ چپ نگاه میکنند . . . این طرز عمل صحیح نیست یک  
نوع دشمن تراشی برای اعلیحضرت و دولت است . . .  
مختاری در جواب من گفت :

— آقای دکتر من هیچ گناهی ندارم ، چون چند نفر مواظبم هستند اگر من گزارش  
ندهم ، آنها خواهند داد و آن وقت غضب شاه مرا خواهد گرفت .



عکسی از ابتدای سلطنت



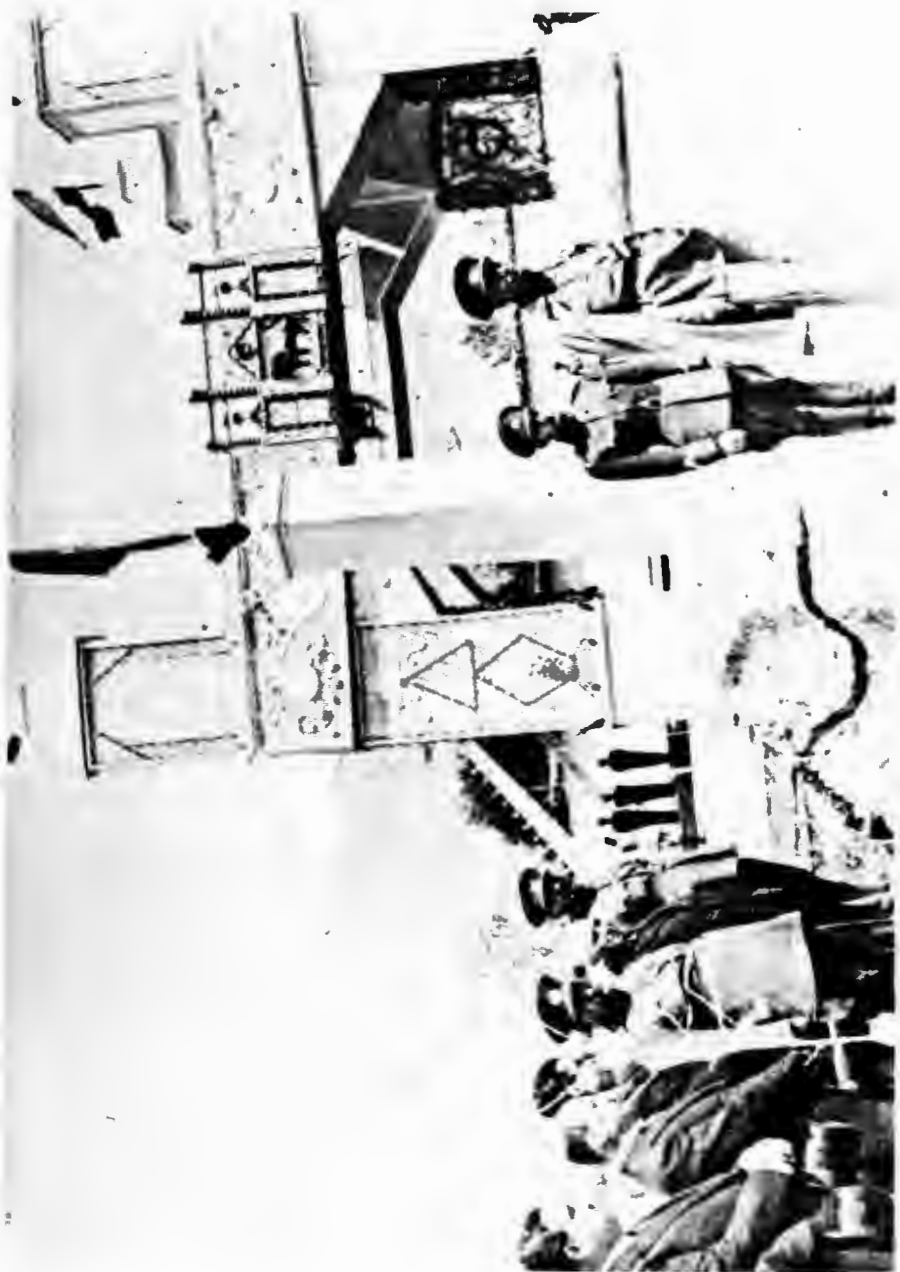
این تصویر از والا حضرت اشرف پهلوی در کنار پدرتاجدارشان در ژوهانسبورک گرفته شده است



یک عکس تاریخی از رضاخان رئیس آتریاد همدان به همراه دو فرزند بزرگ خود



تصویری از اعلیحضرت فقید سازنده ایران نوین



در یکی از بازدیدهای رسمی اعلیحضرت فقید و والاحضرت ولایتعهد در منطقه شمال ایران



منظره‌یی از آلاشت زادگاه بانی ایران نوین





عکسی از سردار بزرگ ایران درابتدای سلطنت ،  
والاحضرتین نیز درکنار پدرتاجدار خود ایستاده‌اند



مسئول ساختمان راه آهن سرتاسری گزارش کار خود را به اعلیحضرت فقید تقدیم می دارد



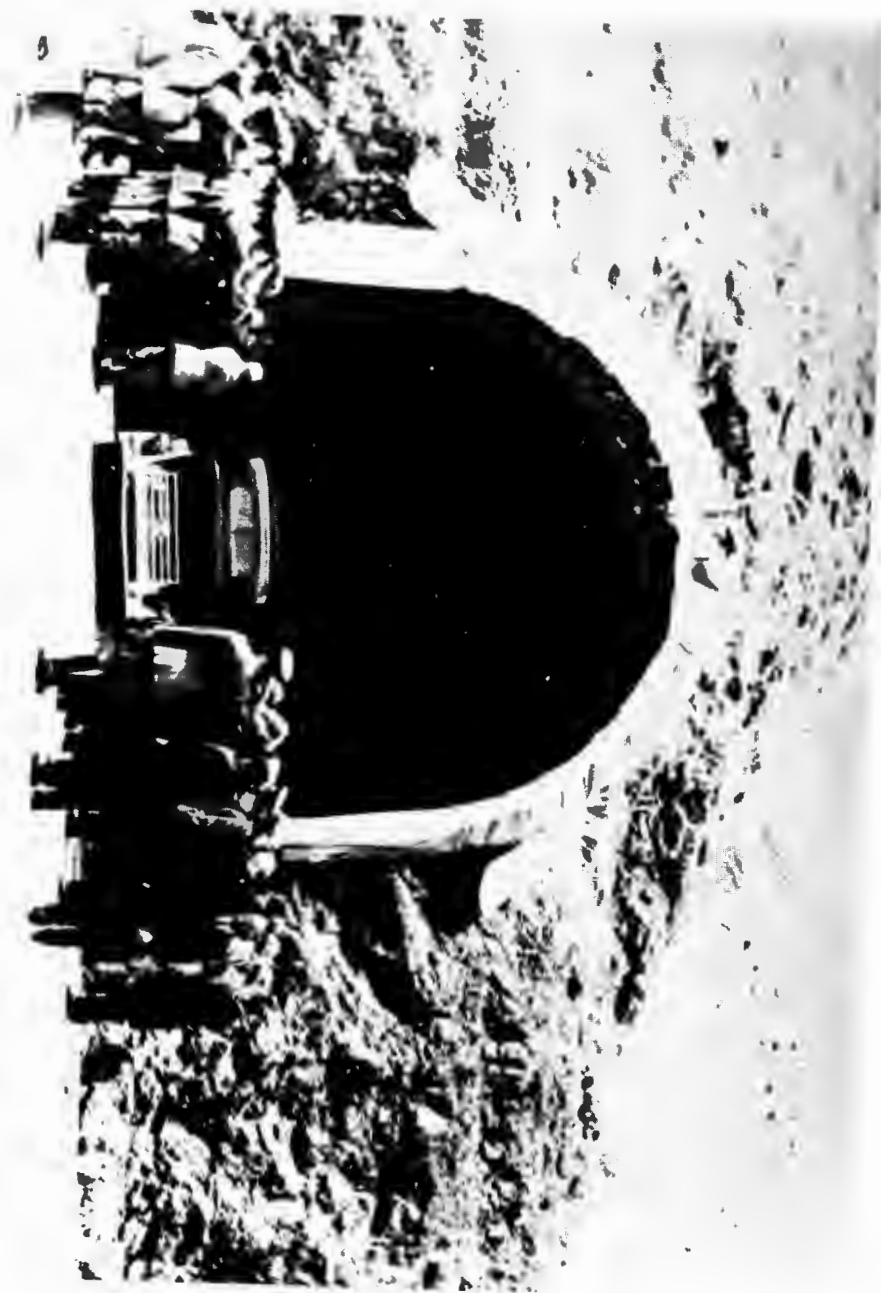
افتتاح یکی از پلهای راه آهن بوسیله اعلیحضرت سعید و والاحضرت ولایتعهد



بازدید از هنرستان صنعتی پسران



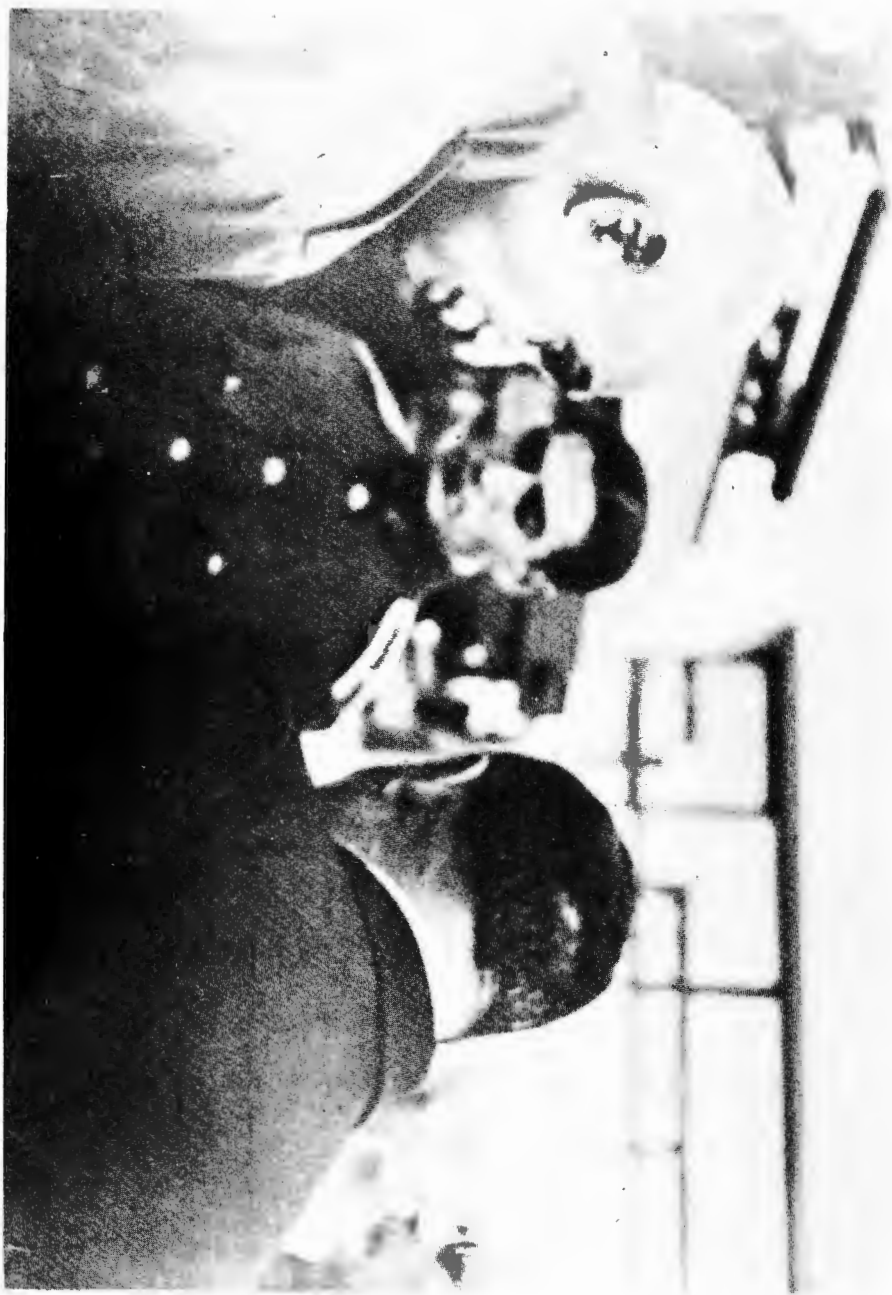
مرمت و حفظ آثار باستانی همیشه مورد توجه اعلیحضرت فقید بود



افتتاح تونل کندوان



بازدید ایستگاه قطار بندر شاه - سال ۱۳۰۶



وزیر راه وقت در حال عرض گزارش بحضور اعلیحضرت فقید .  
درعکس والاحضرت همایون ولایتعهد دیده میشوند .

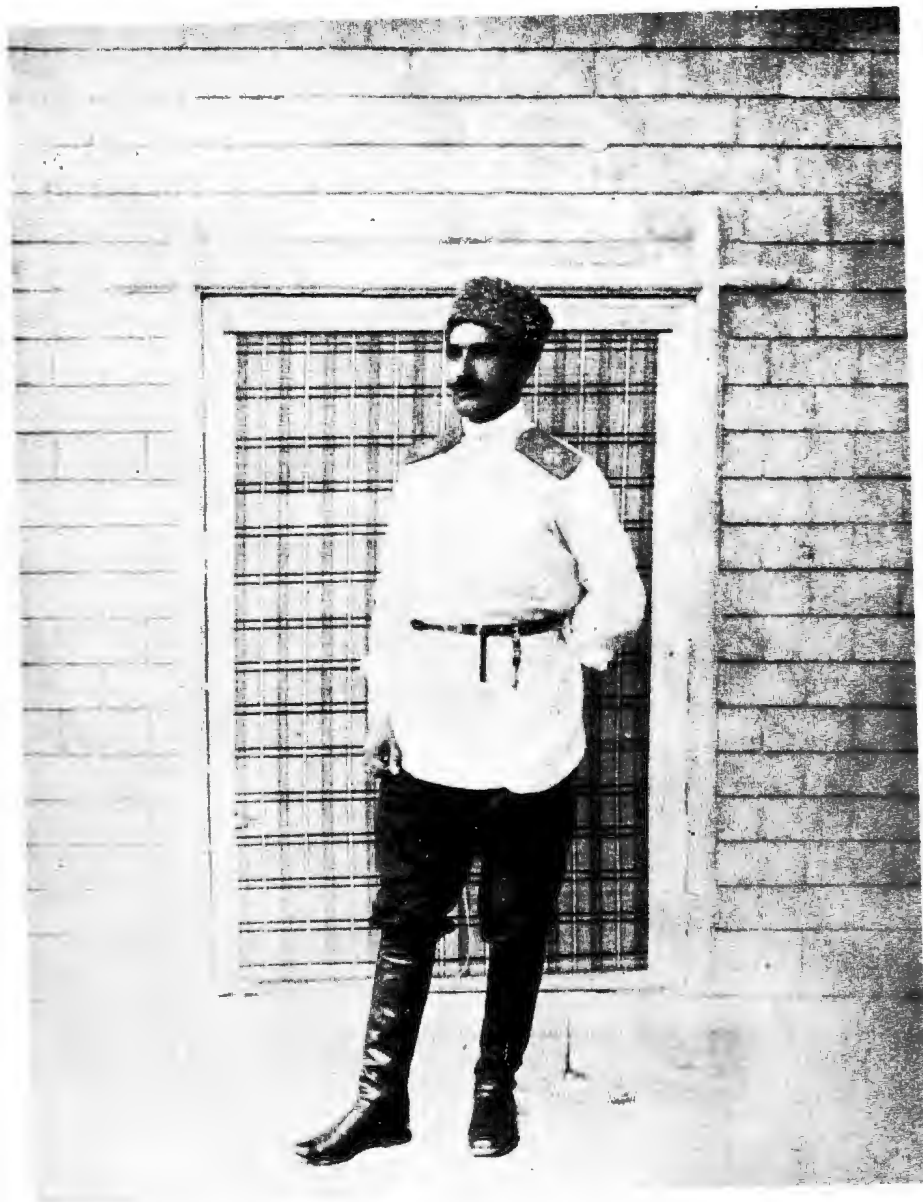




افتتاح يك ايستگاه راه آهن



بازدید از آثار تاریخی تخت جمشید



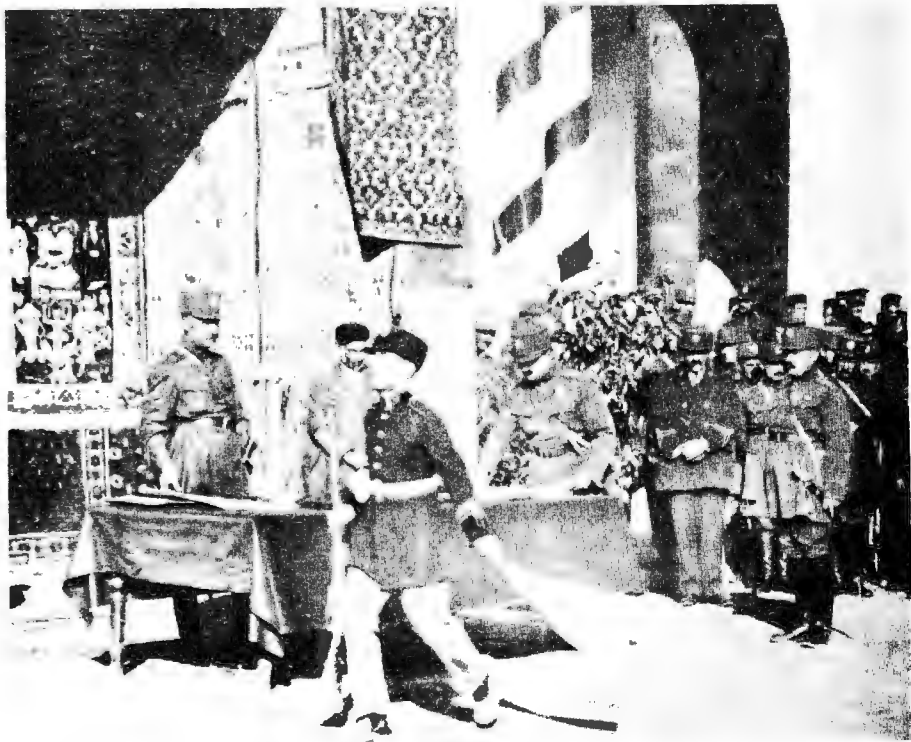
در سمت فرماندهی کل قوا سال ۱۳۰۰



بازدید از ناو ببر



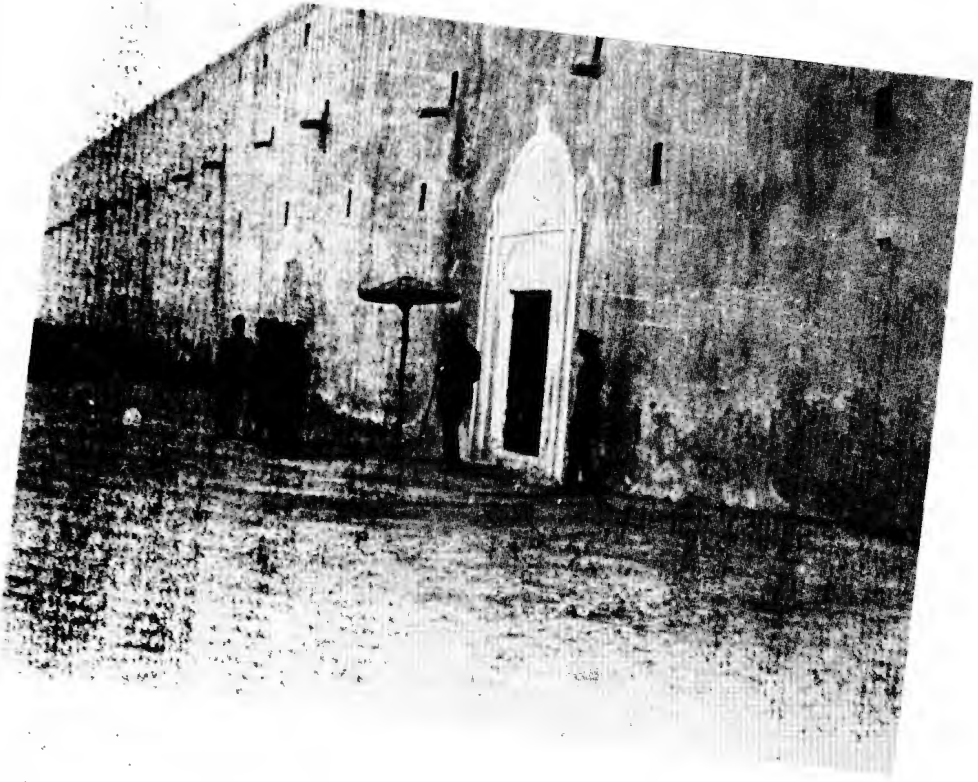
افتتاح نمایشگاه کالا سال ۱۳۱۶



جشن دانشکده افسری در سال ۱۳۰۸



نشوبق انسرآن نبرء لرسنان ءر سال ١٣٥٤



بازدید از قلعه فلک الافلاک





بازدید راه شمال سال ۱۳۱۶



آترياد همدان در سال ۱۲۹۲



مراسم اولین کلنگ بانک ملی ایران



در دانشگاه جنگ سال ۱۳۱۹



شهریور ۱۳۲۰ - اعطای گواهینامه به الاحضرت شاهپور علیرضا



افتتاح پست و تلگراف



افتتاح بیمارستان شاهرضا در مشهد سال ۱۳۱۳



۱۳۱۷

بازدید آرز در بندر شاه در سال ۱۳۱۷





اعطای دیپلم افتخار به شاهنشاه آریامهر سال ۱۳۱۸



بازدید آرامگاه فردوسی سال ۱۳۱۴



رضا خان سردار سپه وزير جنگ



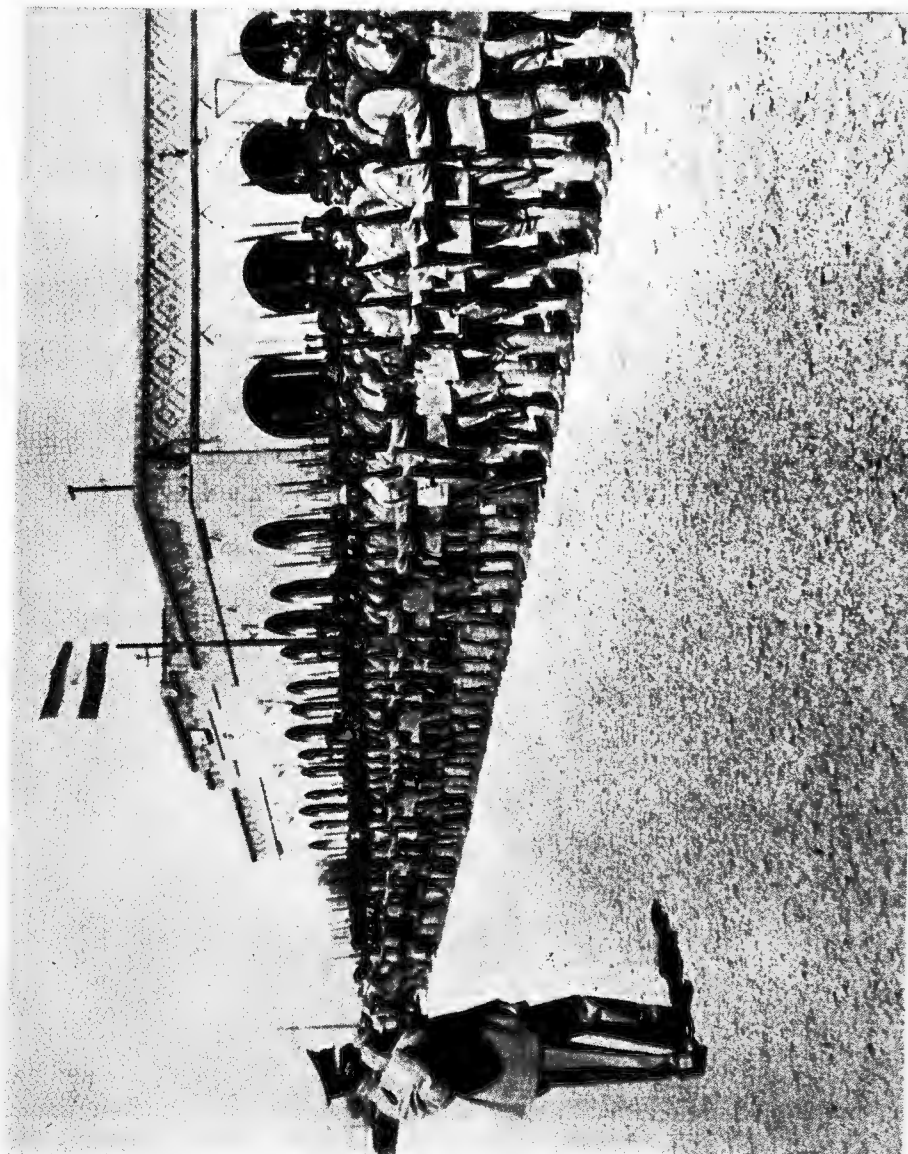
در مراسم سوم اسفند



عکس دیگری از بازدید ناو پلنگ



امراء لشکر در حضور وزیر جنگ - سال ۱۳۰۳



دریک مراسم سان از ارتش نوین ایران



ولیعهد هنگام بازگشت به ایران





مراسم جشن پایان تحصیلی در دانشکده افسری



هنگام مسافرت به یکی از شهرهای جنوبی



بازدید از یک قسمت ارتش



تصویری از مراسم تاجگذاری - سال ۱۳۰۴



بازدید از راه‌هن



بازدید از فلاک الافلاک

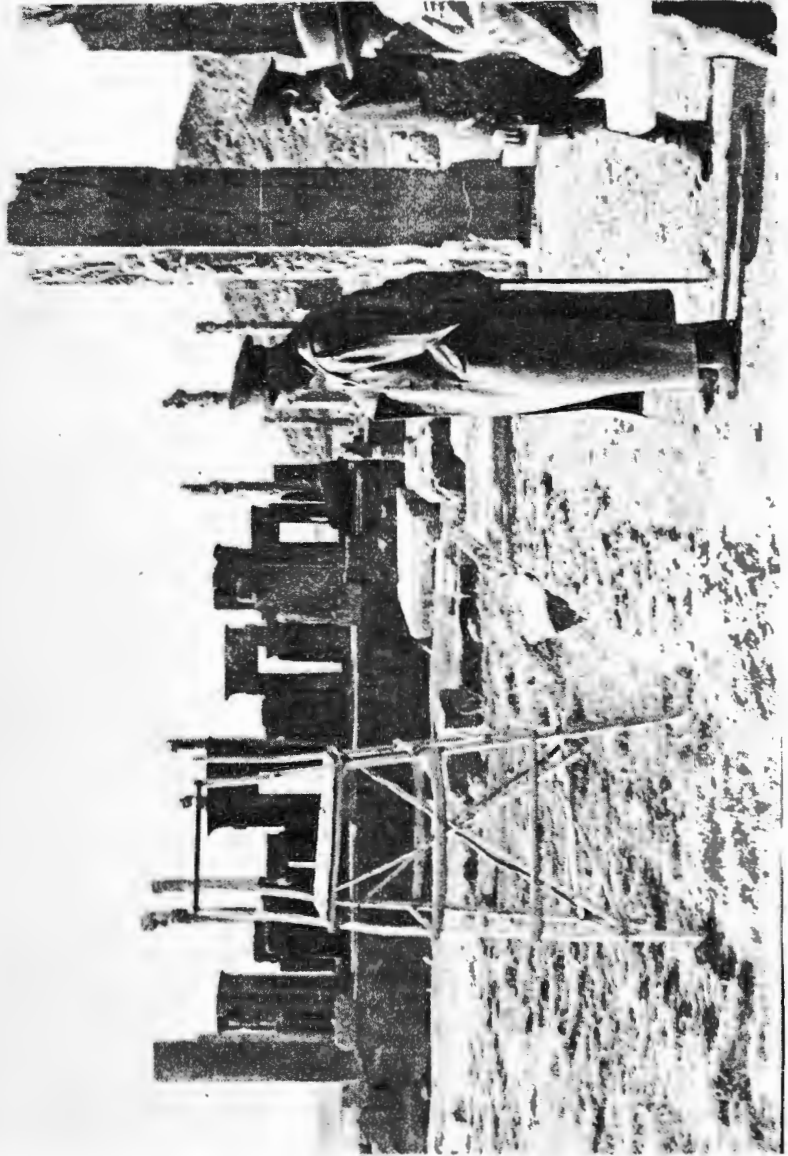


درمجلس شورایملی که پیرنیا نیز درکنار اعلیحضرت فقید دیده میشود - سال ۱۳۰۳



هنگام بازدید از نصب لوحه یادبود بانک ملی





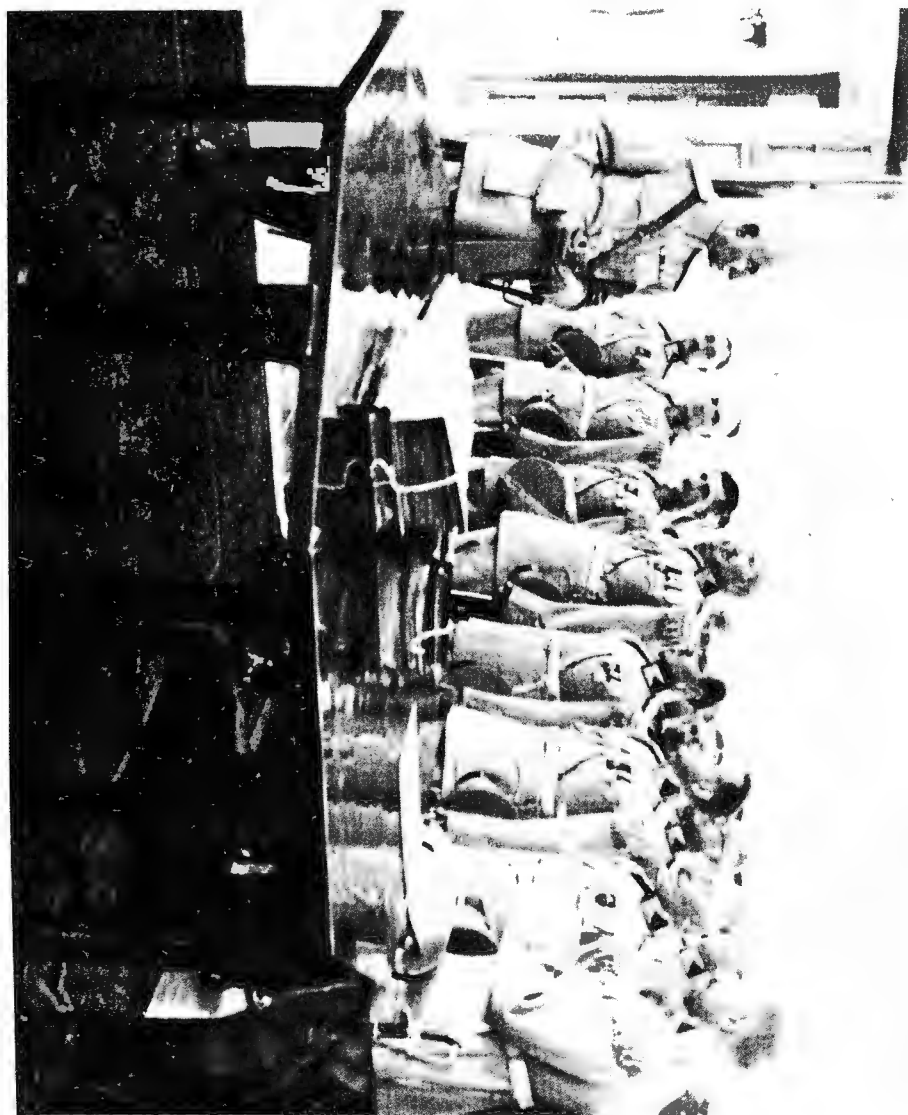
بازدید از تخت جمشید



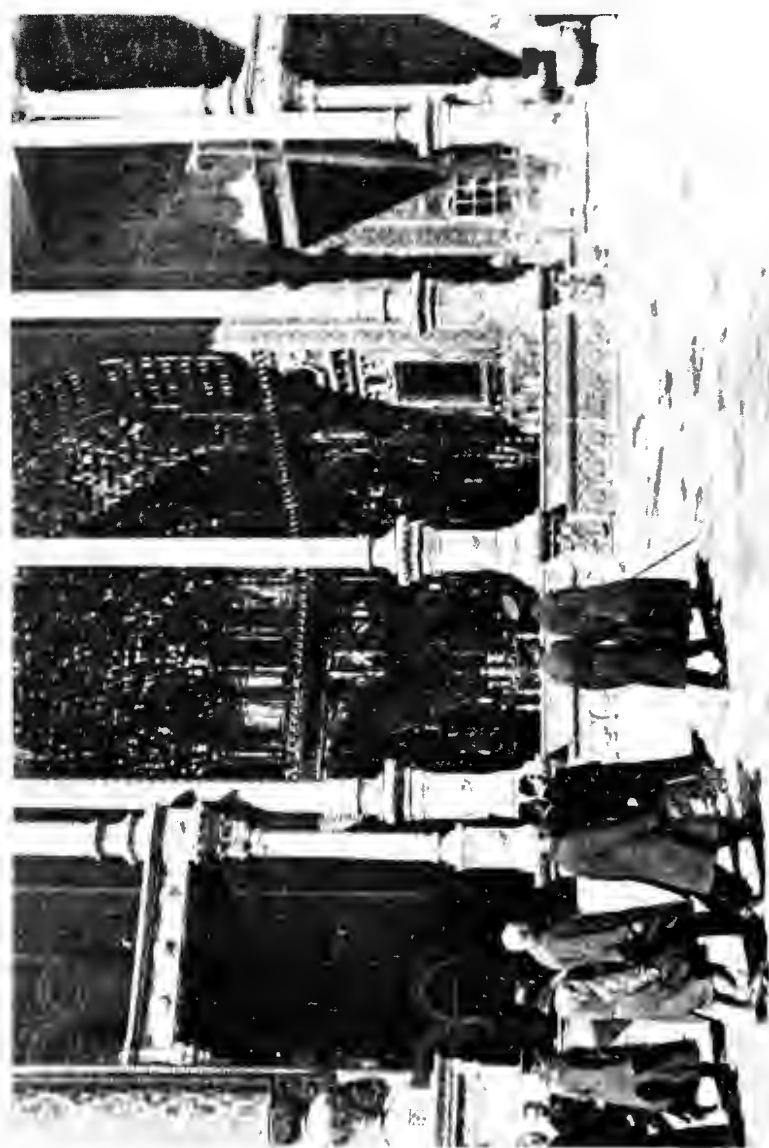
دریکی از بازدیدهای راه آهن ایستگاه بندر شاه



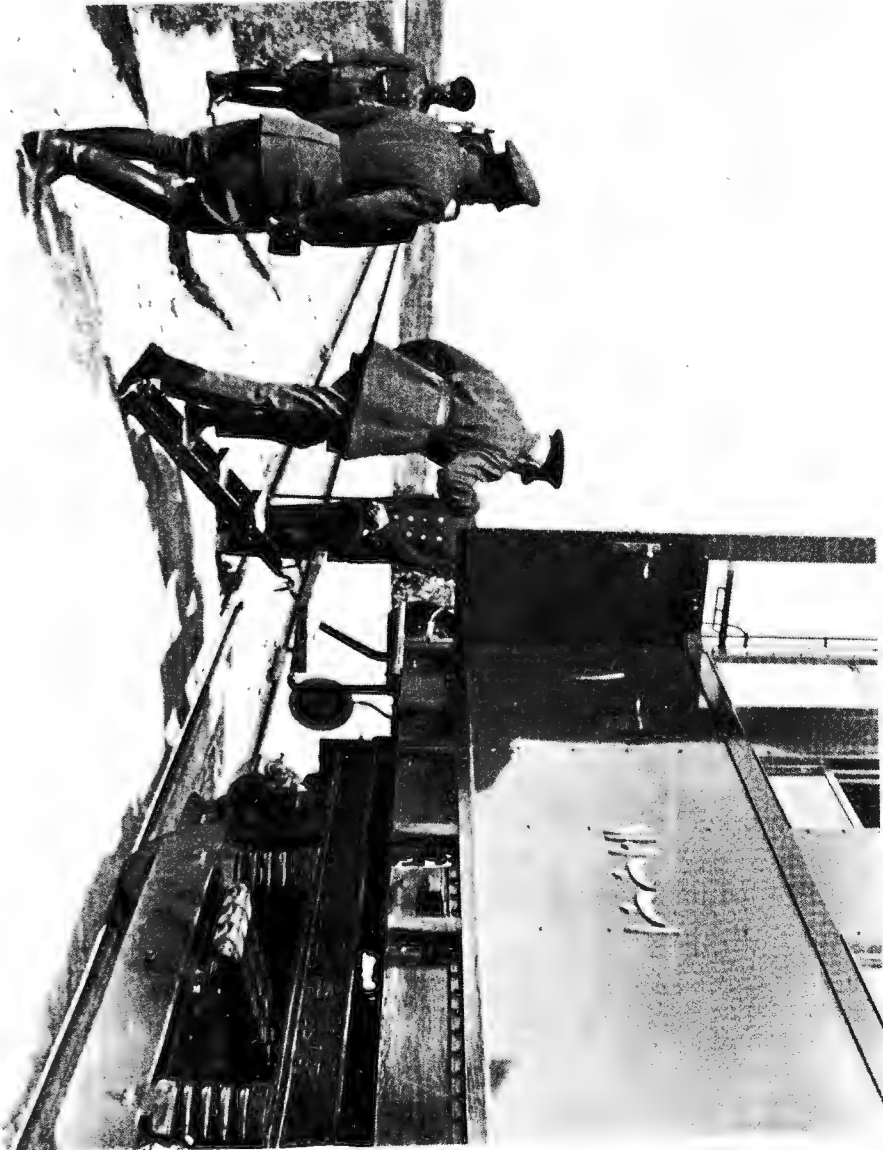
بازدید از یک مراسم ارتشی



امراء ارتش در حضور اعلیحضرت فقید



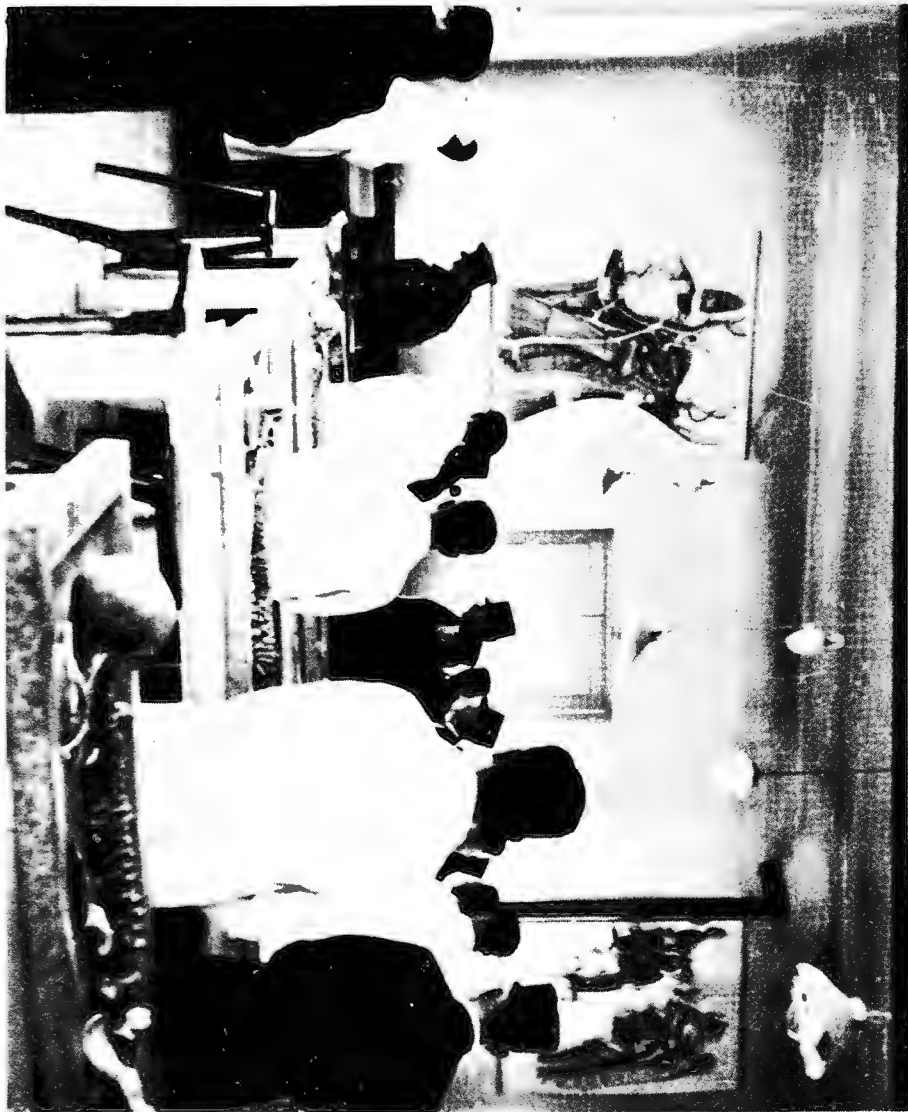
هنگام بازدید از کاخ گلستان



بازدید از راه آهن



بازدید از یک سد



بازدید از تالار تشریح





بازدید از یک مرکز نظامی



بازدید از یکی از شهرهای شمالی



دریکی از بازدیدهای تونلهای جاده شمال



بازدید از کارخانه‌های صنعتی همیشه مورد توجه اعلیحضرت فقید بود



اعلیٰ حضرت فقید و الاحضرت ولایتعهد و دیگر الاحضرت ہا در لباس نظامی



پس از تشکیل حجاب ، بازدید از هنرستان دختران



تابلوی نقاشی از مراسم افتتاح دانشگاه تهران



بازدید از هنرستان صنعتی پسران

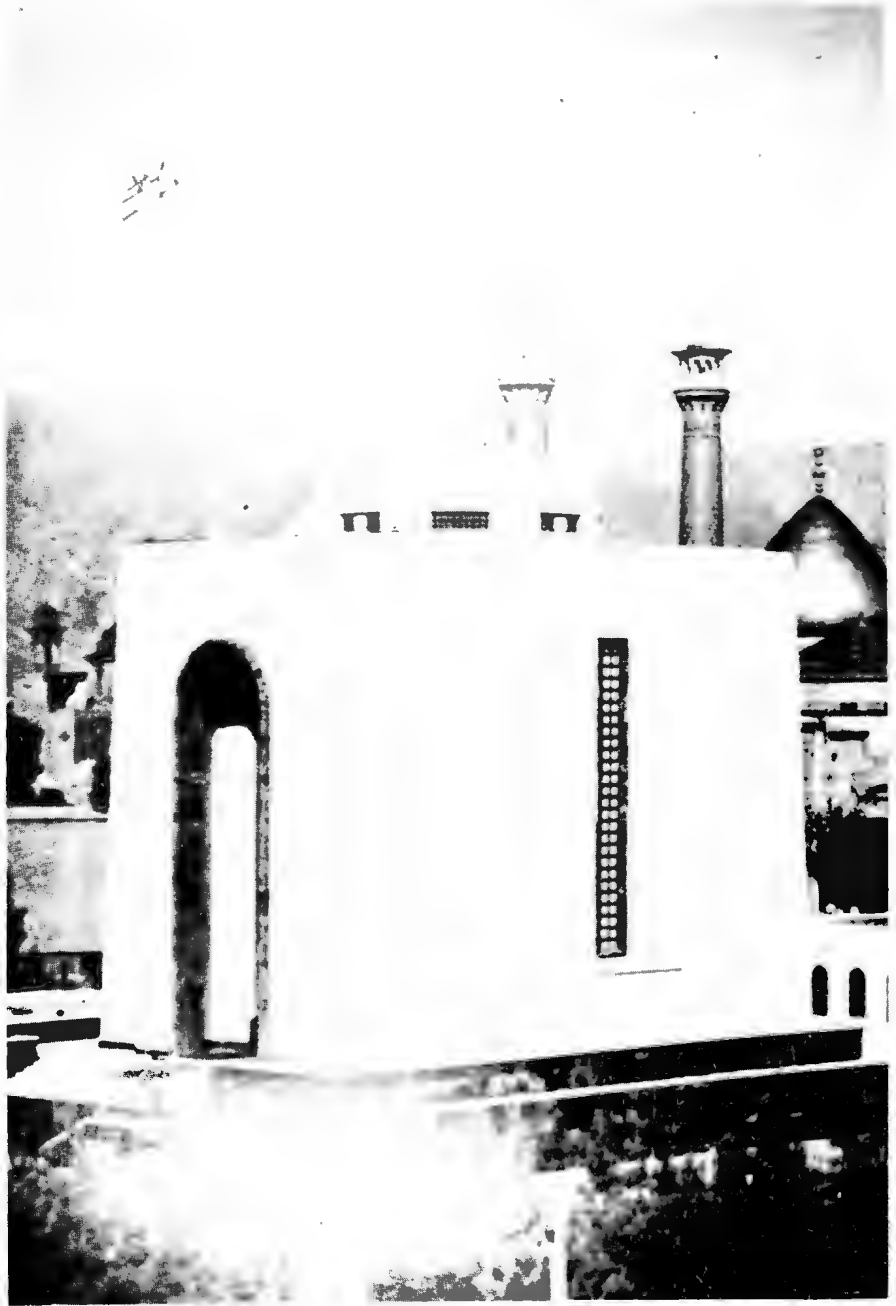




عکس جالب و زیبایی از رضاشاه کبیر به اتفاق والاحضرت ولایتعهددر یکی از بازدیدهای رسمی



هنگام بازدید از تخت جمشید



مقبره پرشکوه سردار بزرگ ایران



عکسی از دوران کودکی اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر



مراسم آیین نمازگذاری بر جنازه بانی ایران نوین



سردار بزرگ ایران پس از شانه زده سلطنت و با بوجد آوردن نظم نوین در ایران ، پس از یک دوری کوتاه  
دور از وطن ، با عشق سرشار بوطن و همه علائقی که در راه ترقی و تعالی کشوری که خود پرچمدار آن بود  
ابد رو د حیات گفتند



تجلیل رسمی از جنازه سردار بزرگ ایران

یوسه شروش و مطالعات فنی  
۱۳۶۵  
شماره ۵۶۴۵



مراسم تجلیل رسمی از جنازه اعلیحضرت فقید در بندر شاهیپور





لحظه‌یی پس از یک بازدید از آسایشگاه



جنازه‌ا علیحضرت فقید بوسیله هواپیما بتهران آورده شد



مراجعت ولیعهد از اروپا



(حضرت اشرف سردار سیه وزیر جنگ و فرمانده کل قواہ)

بازدید از چهل ستون در سال ۱۳۰۳





بازدید از یزد سال ۱۳۱۶

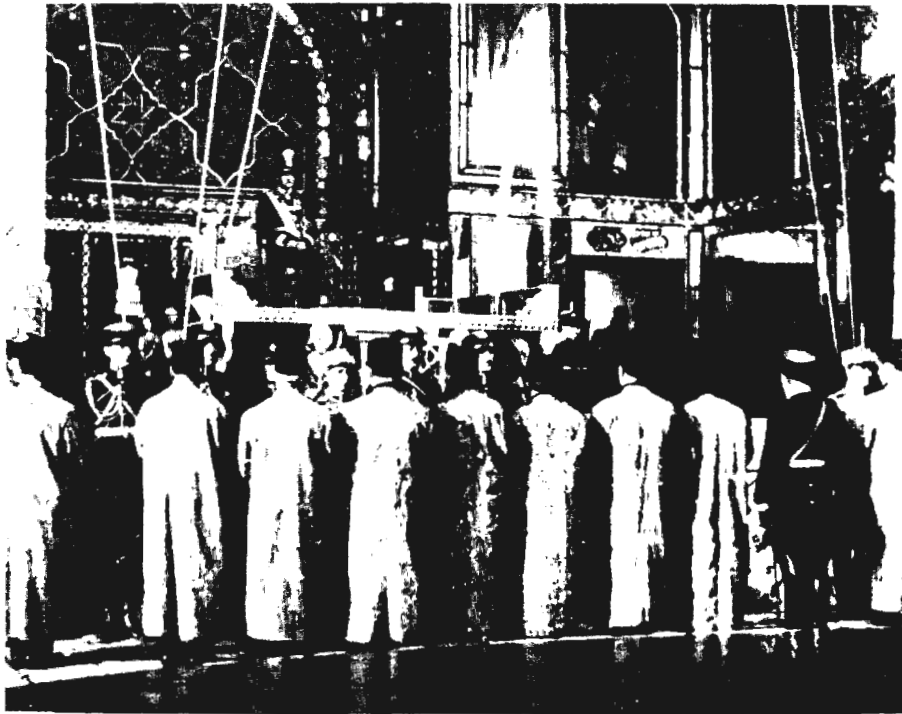


بازدید از نمایشگاه خشکبار در قزوین مهرماه ۱۳۱۶



عکسی از مجلس مؤسسان سال ۱۳۰۴





مراسم سلام پس از تاجگذاری - ولیعهد نیز در مراسم حضور دارند



افتتاح دخانیات مه‌رماه ۱۳۱۶

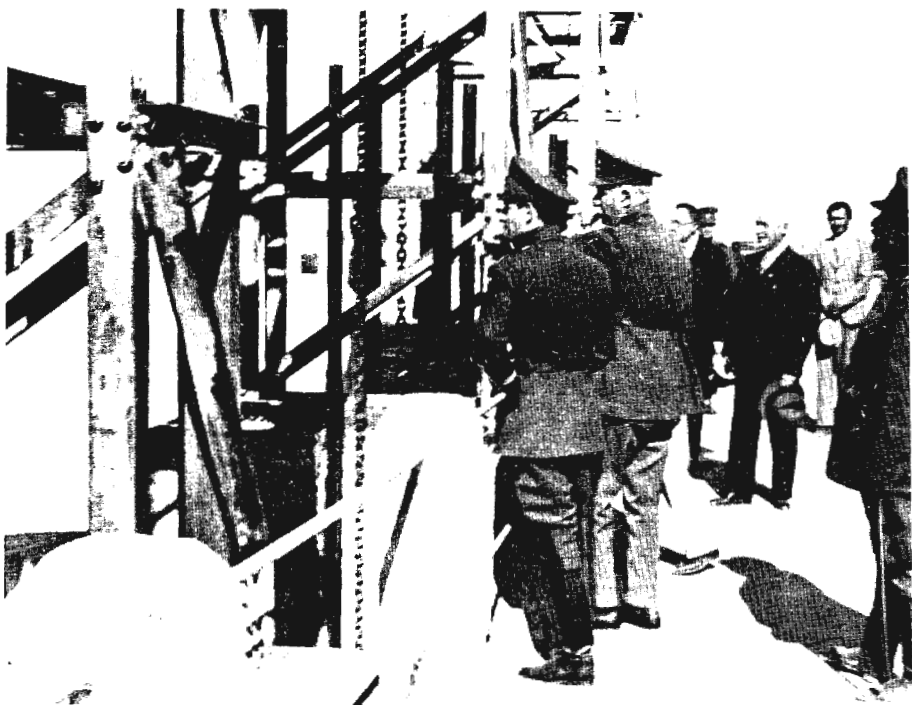


سوم اسفند ۱۳۱۷ در میدان جلالیه

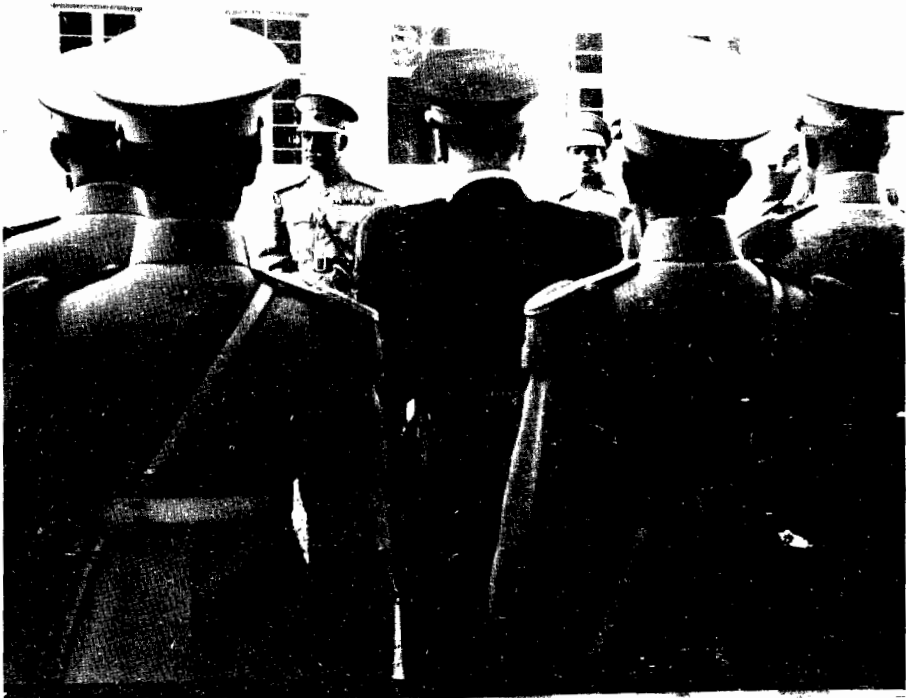


هزاره فردوسی طوسی سال ۱۳۱۲





افتتاح یکی از سدهای اهواز سال ۱۳۱۷



در دانشگاه جنک - سال ۱۳۱۹



افتتاح تونل کندوان





در یک روز سلام



تشییع جنازه بانای ایران نوین



عکس دیگری از لحظه باشکوه و خیره‌کننده پس از مراسم ازدواج



هنگام سفر امریکا ، شخصیت اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر مورد توجه  
رئیس جمهور وقت امریکا جان .اف .کندی قرار گرفت



تصویری از یک لحظه باشکوه ، پیوند دوقلب



در تعطیلات تابستانی



علیا حضرت شهبانو نیز به پیش‌آهنگی و هدفهای آر، صمیمانه عشق می‌ورزند



اعلیٰ حضرت توجہ خاصی بہ مطبوعات دارند





تصویر بالا مربوط به سفر اعلیحضرت به اصفهان است که شوکت صدری ( پدرمولف )

را مورد تفقد خاص خود قرار داده اند



تصویری از اعلیحضرتین



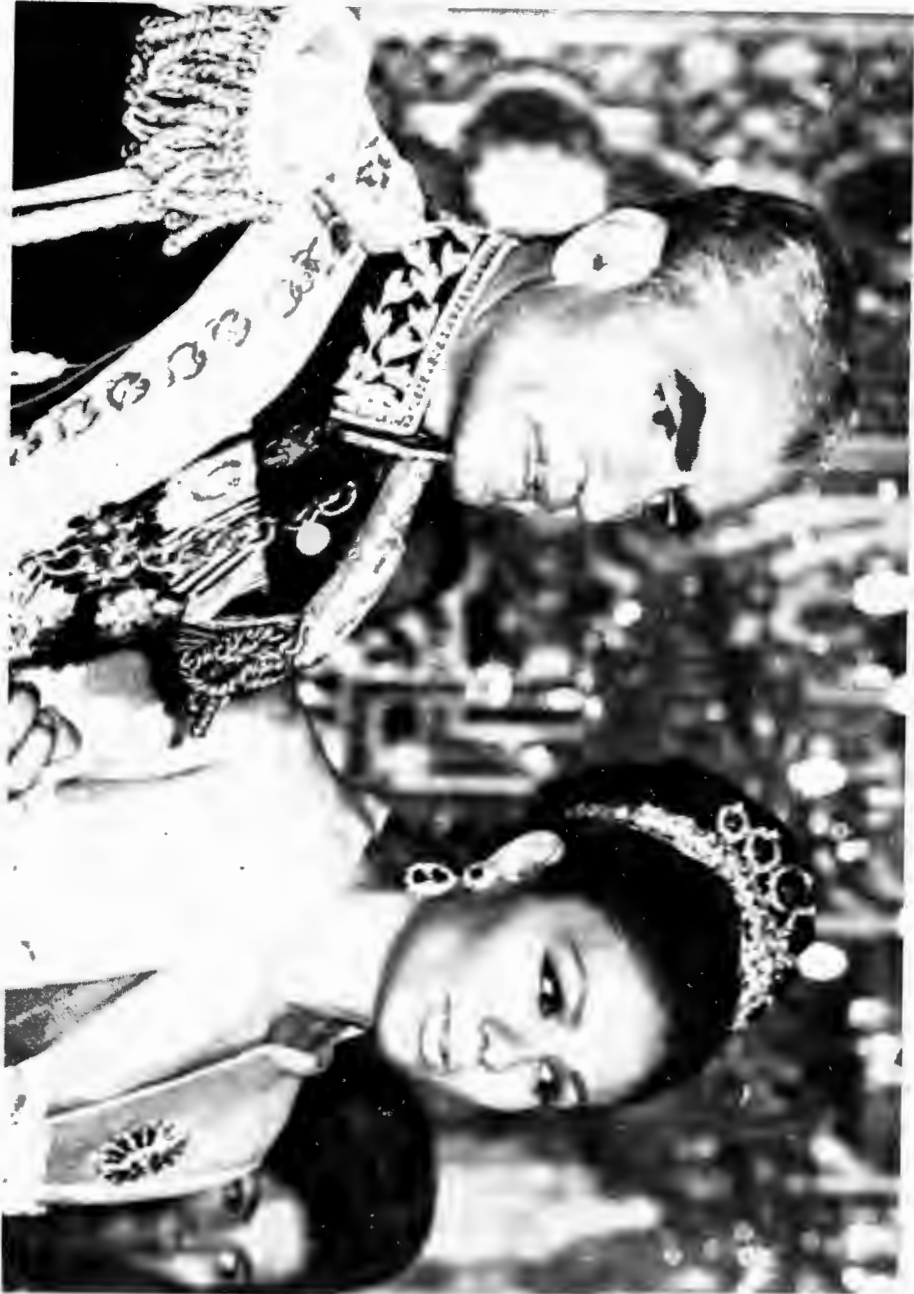
تصویری از علیاحضرت شهبانو فرح



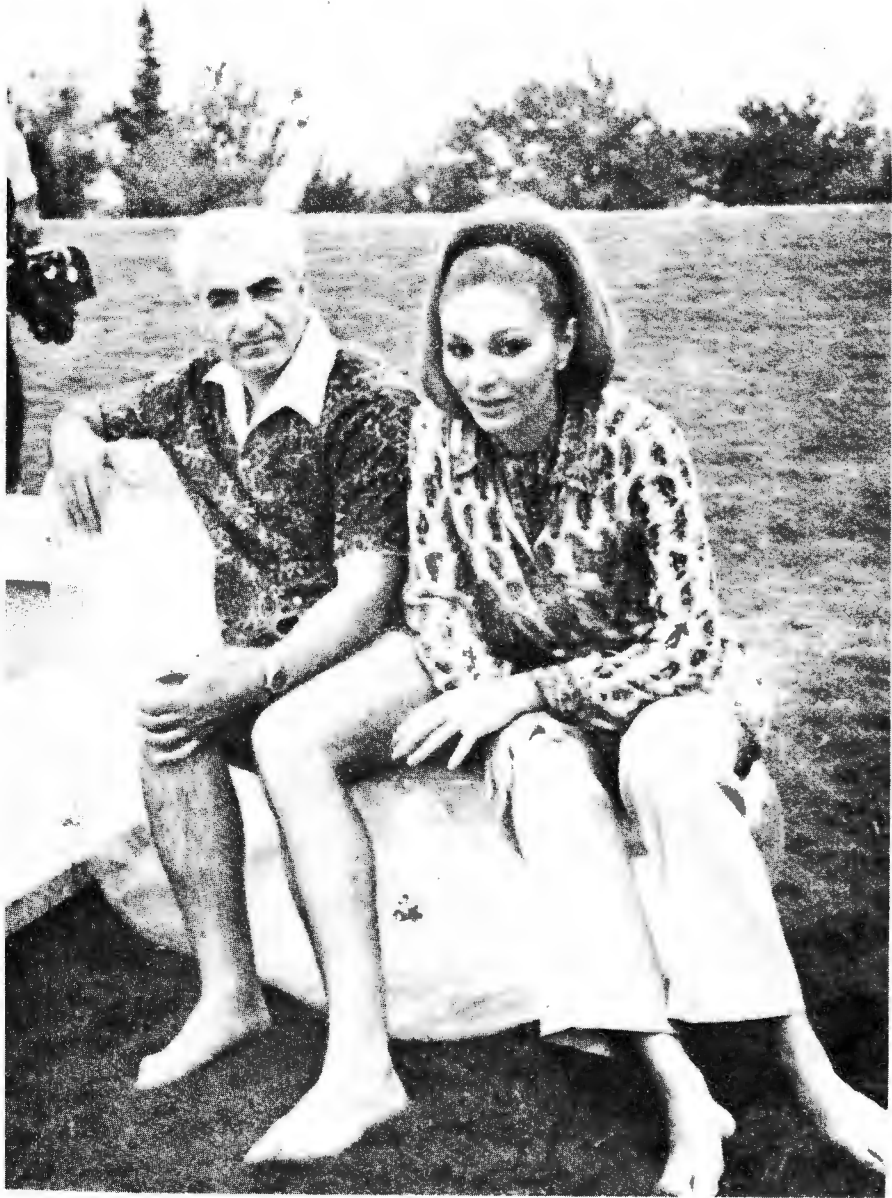
نمایشگاههای عکس سردار بزرگ ایران همیشه شکوه و عظمت را در دل بینندگان زنده می‌کند ،  
درعکس بالا گروهی از شخصیت‌های کشوری از آخرین نمایشگاه عکس سردار بزرگ ایران بازدید  
می‌کنند



تصویر دیگری او مراسم پس از ازدواج اعلیحضرتین



تصویری از اعلیحضرتین در یکی از مراسم رسمی



تصویری از اعلیحضرتین در نوشهر



تصویری از شاهنشاه آریامهر هنگام زیارت خانه خدا





تصویری از شاهنشاه آریامهر پس از سوء قصد به ذات مبارک در ۱۵ بهمن



اعلیٰ حضرتین پس از مراسم ازدواج



والاحضرت ولايتعهد درمراسم تاجگذاری شرکت می کنند



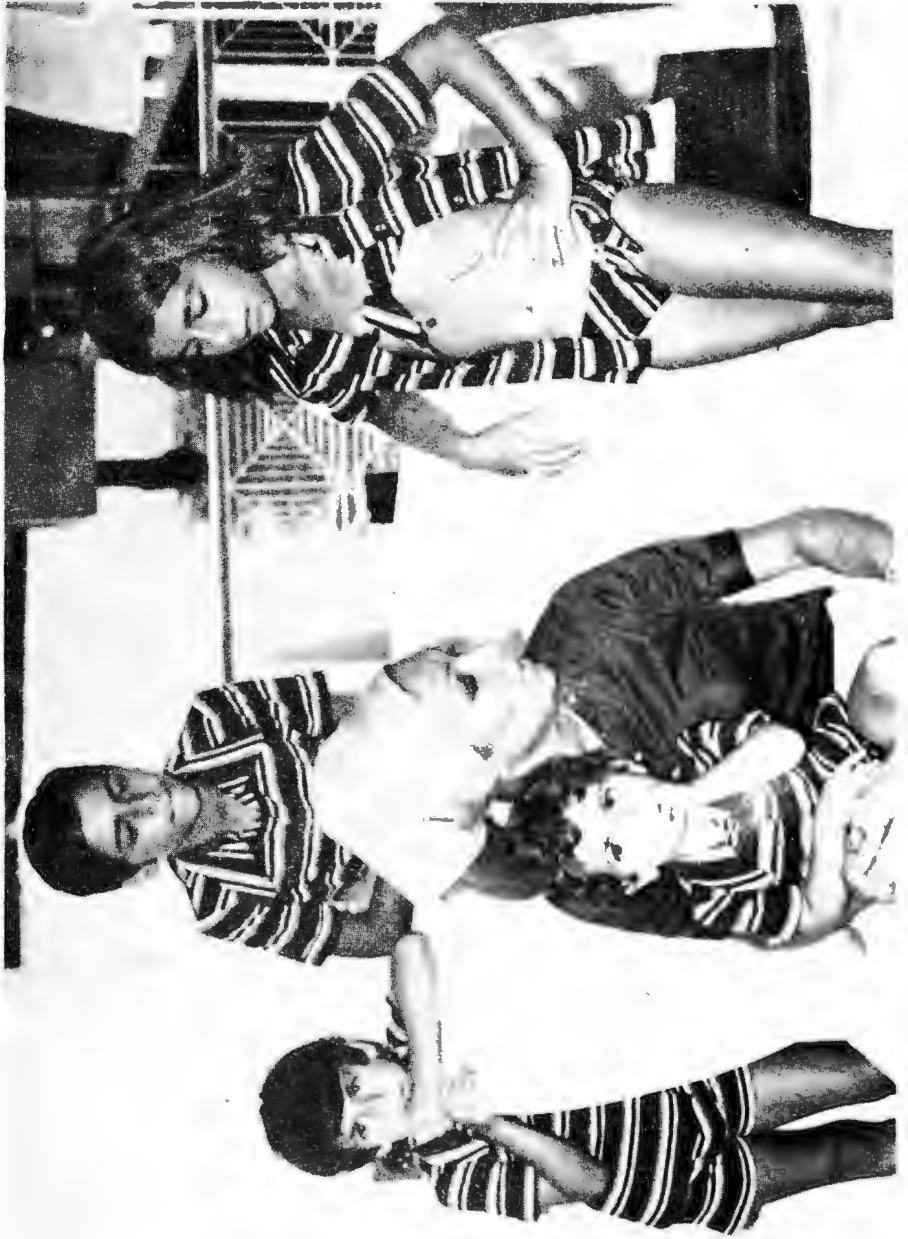
عکسی از خاندان جلیل سلطنت



والاحفرت ولابتمعهد درلباس فرماندهی واحدهای مرزی پاکستان



تصویری از والاحضرت ولایتعهد در پشت میز کارتحصیلی خود



اعضای خاندان جلیل سلطنت در تعطیلات تابستانی

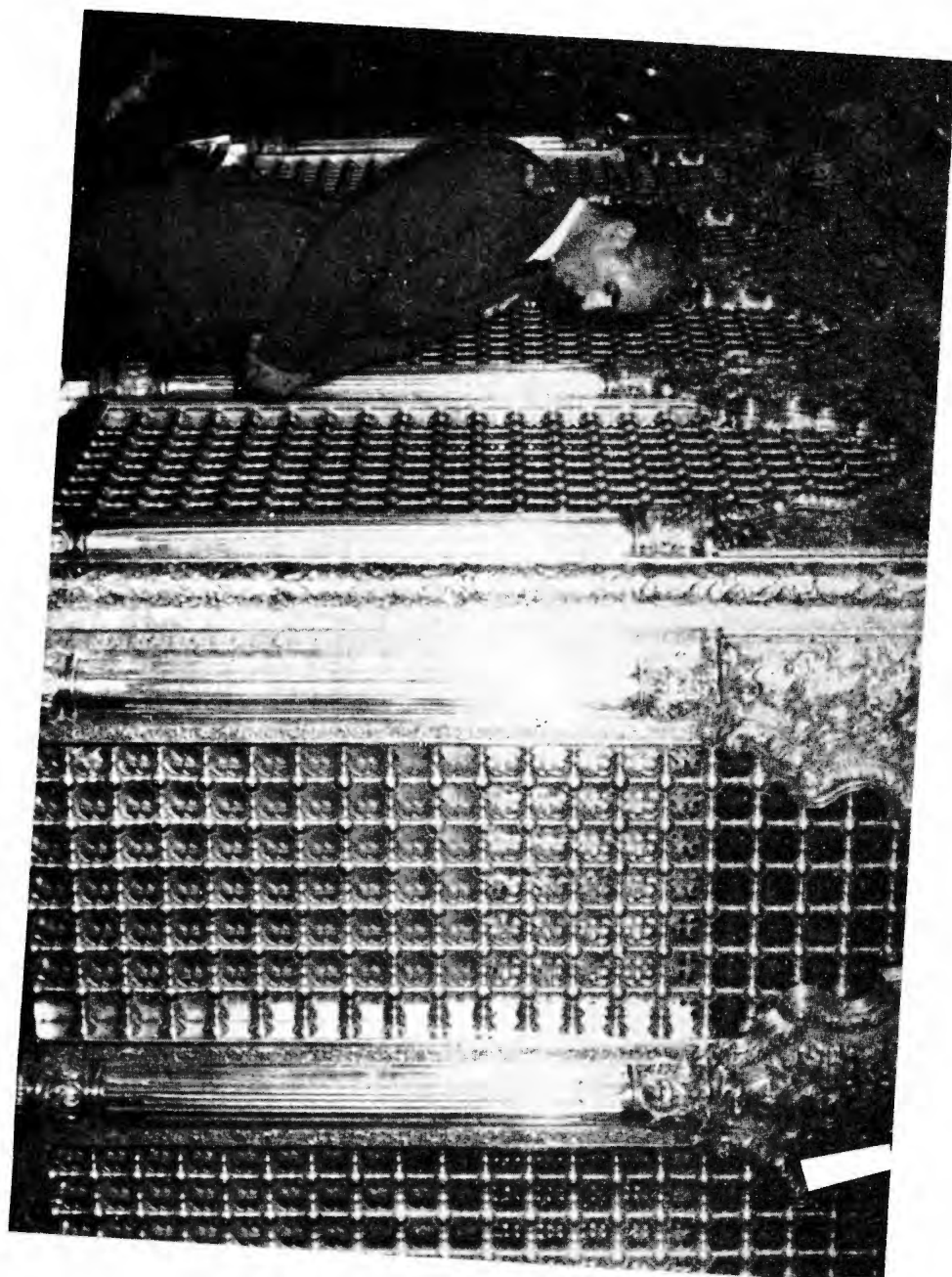


تصویری از والاحضرت علیرضا





درکنار سفره هفت سین



اعلیحضرت اعتقاد و ایمان خاصی به امام هشتم (ع) دارند ، هر سال در مواقع مقتضی  
به زیارت مرقد مطهر امام رضا (ع) میروند



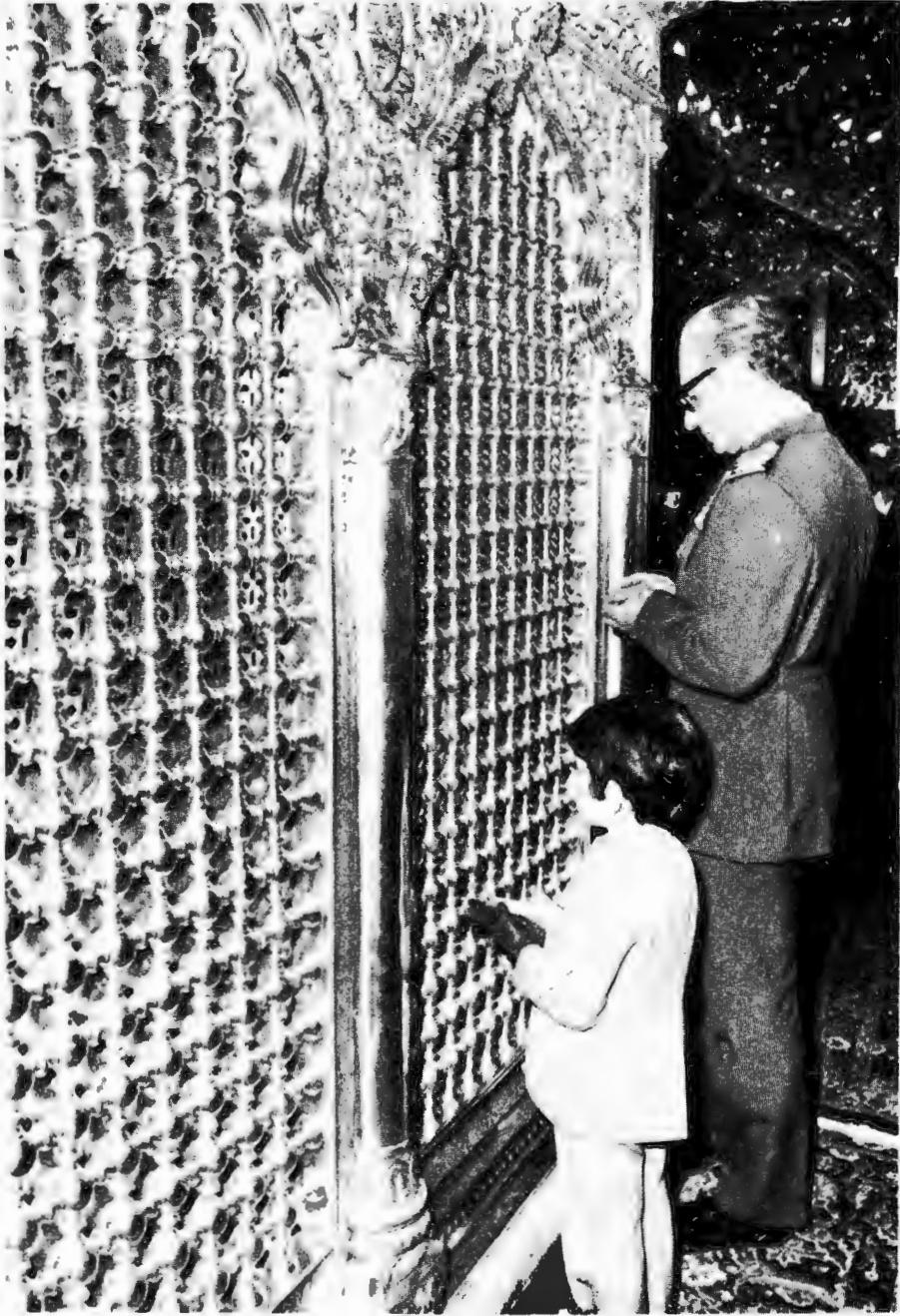
علیاحضرت شهبانو فرح باتفاق بانو فریده دیبا دریکی از مراسم خیریه



یکی از آخرین تصاویر والاحضرت همایون ولایتعهد



والاحضرت همايون ولايتعهد و والاحضرت فرحناز



علاقه شدید مذهبی را اعلیحضرت همایون نیز در فرزندانشان به ارث نهاده‌اند





عکسی از اعلیحضرتین





تصویری از اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و والاحضرت ولایتعهد دریکی از مراسم رسمی



پس از ترک بیمارستان و حادثه ۱۵ بهمن، اعلیحضرت باروچیہ مصمم تری فعالیت خود  
را آغاز فرمودند

... و آنروز که آشوب شروع شد.

در سپیده دم سومین شهریورماه ۱۳۲۰ دفترسرنوشت مملکت کهن سال ایران برهم خورد. روز دوشنبه بود "بولارد" وزیر مختار انگلیس به‌مراه (اسمیرنوف) سفیر وقت شوروی بخانه علی منصور (منصورالملک) نخست وزیر ایران رفتند و متفقا اعلام داشتند که در همان ساعت قوای مسلح شوروی و انگلیس از مرزهای جنوب و شمال ایران گذشته و کشور را مورد تهاجم خود قرار داده‌اند.

آنگاه نمایندگان سیاسی دول مزبور یادداشت مشترکی تسلیم نخست‌وزیر وقت ایران کردند. در این یادداشت اشاره شده بود چون جمع کثیری ایتالیائی و آلمانی و همچنین بسیاری از افراد بیگانه هم پیمان این دو کشور در ایران وجود دارند که موجب بروز خطر برای دول متفق هستند آنان ناچاراً "برای حفظ منافع خود باجبار ارتش خویش را وارد ایران ساخته‌اند. منصور در همان لحظه عازم دربار گردید و تقاضای شرفیابی نمود و به‌مراه آقای "جواد عامری" در کاخ سعدآباد موضوع تهاجم قوای بیگانه را بعرض اعلیحضرت فقید رسانید.

پیش از آن ایران کشور بیطرفی بود و سعی میشد که این بیطرفی به نحوه کامل حفظ گردد اما متفقین بیطرفی ایران را بسببانه ناچیز وجود کارشناسان آلمانی و ایتالیائی در ایران درهم شکسته بودند. درحالیکه زود معلوم گردید که آنان ایران را تنها راه رسانیدن

کمک برای ادامه مقاومت روسیه در مقابل حملات شدید آلمانیها انتخاب نموده و بهمین علت این کشور را اشغال کرده‌اند چون (ولادی وستک) و سایر بنادر شوروی درخاوردور تحت مراقبت شدید نیروی دریائی ژاپن قرار داشت و راه دریائی بندر (مورمانسک) در اقیانوس منجمد شمالی که روسها وسیله آن کمک ناچیزی دریافت می‌داشتند بسیار خطرناک بود و نیز رسانیدن کمک از راه دریای مدیترانه و تنگه "داردانل" عملاً غیر ممکن بنظر می‌رسید و تنها ایران بود که می‌توانست نظر متفقین را تأمین نماید و بهمین جهت هم ایران از شمال و جنوب موردتهاجم قوای بیگانه قرار گرفت . . . . . بدون تردید می‌توان گفت که حادثه سوم شهریور و ماجرای اشغال ایران اگرچه خاطره‌ای تلخ و تذکار آن موجب ملال خاطر است اما در عین حال درس بزرگی در تاریخ مملکت بشمار می‌آید که روزگار بملت ما آموخته است . در سپیده دم سومین روز شهریور معلوم شد که هنوز قانون جنگل یعنی تسلط قوی برضعیف مافوق قاعده و قانون دیگری است و اگر ملتی باالتکاء به سیاست صلحجویانه و نیات مسالمت آمیز خود منتظر باشد حریم امنیت وی از جانب دیگران محفوظ بماند اشتباه کرده است، چه قدرتهای بزرگ عموماً "منافع خود را اهم از هر قانون و پیمانی مهمتر می‌شمارند . در آن ایام متفقین آلمان نازی را متهم می‌کردند که بیبانه‌های مختلف پیمان‌های بین المللی را زیر پا گذارده حدود کشورها را زیر پا می‌گذارد و طومار استقلال آنها را مانند ورق پاره‌ای بهم می‌پیچند، اما خودشان با کشور ما همان معامله‌ای را کردند که آلمان نازی با ممالک اروپای می‌کرد و اگر خدای ایران استعانت نمی‌کرد و ملت ایران مقاومت و سرسختی بخرج نمیداد و تدابیر شاه جوان ما مانع نمیشد امروز از استقلال ایران نشانه‌ای هم باقی نمانده بود . متفقین نه تنها به عبور دادن اسلحه و مهمات خویش از طریق مملکت ما قانع نشدند، بلکه بمحض آنکه قوای آنها در ایران مستقر شد شروع بمداخله در مسائل داخلی ایران نیز کردند، آذوقه و ارزاق ما را مصادره کرده، اختیار بسیاری از مراکز حساس و سازمانهای داخلی را بدست گرفتند و برای دستگیری و تبعید اشخاص بدولت فشار آوردند و جهت تأمین مخارج ریالی خود تقاضای انتشار اسکناس نمودند و چون در اغلب مواردی که تمایلات ایشان با منافع ایران مغایر بود شاه جوان مملکت مقاومت و مخالفت می‌کرد حتی درصدد تضعیف موقعیت شاه برآمدند که همبستگی مردم و شاه این نقشه را خنثی کرد . باری کشوری که تا یکروز قبل قرین امنیت و آسایش بود و با کار خستگی ناپذیر عقب ماندگیهای دوران گذشته را ترمیم و جبران میکرد از نو دچار آشفتنگی و هرج

و مرج و بحرانهای سیاسی و اقتصادی گشت. قحطی و بیماری باین سرزمین روی آورد اجناس جیره بندی شد، آشوبگران و فتنه جویان و چماقلوها از هرگونه سر برداشتند و در هر نقطه آتشی برافروختند و انسان وقتی بخاطر می آورد که سفینه مملکت، چگونه از آن دریای طوفانی بساحل آرامش و نجات رسید براستی متحیر میماند، اما همانطور که اشاره رفت حادثه سومین روز شهریور ۱۳۲۰، درس بزرگی بود و بما آموخت برای زنده ماندن باید قوی بود، باید مستعد بود، باید مصمم بود و جز به نیروی ملی به چیزی نباید اتکاء و اعتماد کرد و این درسی بود که بعدها مورد استفاده فراوان قرار گرفت.

بمرور حوادث تاریخ باز می گردیم تا ببینیم پس از سوم شهریور چه شد؟ دو روز پس از اشغال ایران نخست وزیر وقت استعفا کرد و بنا بدعوت اعلیحضرت فقید مرحوم محمد علی فروغی "ذکاءالملک" مامور تشکیل کابینه گردید. و در همین روز بارتش ایران فرمان متارکه صادر گردید ولی با این حال جنگ چند روزی در سراسر کشور ادامه یافت و افراد ارتش در گوشه و کنار با بیگانگان می جنگیدند و از کشتن و کشته شدن ابا نداشتند.

مرحوم فروغی اولین کابینه خود را پس از جنگ بشرح زیر تشکیل داده بود:

نخست وزیر محمد علی فروغی - وزیر دادگستری مجید آهی - وزیر پیشه و هنر علی اصفیر حکمت وزیر امور خارجه علی اصفیر سهیلی - وزیر بهداری اسماعیل مرآت - وزیر راه دکتر محمد سجادی وزیر بازرگانی و اقتصاد ملی عباسقلی گلشائیان - وزیر جنگ سرلشکر احمد نخجوان - وزیر کشور امان الله جهانبانی - وزیر کشاورزی علی اکبر حکیمی - وزیر دارائی دکتر حسن مشرف نفیسی - وزیر پست و تلگراف حمید سیاح وزیر فرهنگ دکتر عیسی صدیق. روز هیجدهم شهریور دولت در مجلس حضوریافت و یادداشت متبادله میان روس و انگلیس و دولت جدید ایران خوانده شد و با قبول درخواست های متفقین آنها نیز استقلال و حاکمیت سیاسی دولت ایران را به رسمیت شناختند در آن زمان دول روس و انگلیس قوای خود را در فاصله ای دور از تهران متمرکز ساخته و هرروز بهانه جوئی کرده و تهدید میکردند که این قوا وارد حومه مرکز خواهد شد و سرانجام کار این تهدیدات بدانجا کشانده شد که اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر صلاح مملکت را در استعفای خویش دیدند و روز بیست و پنجم شهریور ماه ۱۳۲۰ متن استعفا نامه معظم اله در مجلس شورای

ملی وسیله آقای فروغی بشرح زیر خوانده شد :

"نظر باینکه همه قوای خود را در این چند سال مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده ام ،  
حس میکنم اینک وقت آن رسیده است که یک قوه و بنیه جوانتری بکارهای کشور که مراقبت  
دائم لازم دارد بپردازد و اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد . بنابراین سلطنت  
را بولیعهد و جانشین خود تفویض کرده ام و از کار کناره نموام و از امروز که شهریور ۱۳۲۰  
است عموم ملت از کشوری و لشگری ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید بسلطنت بشناسند  
و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت بمن میکردند نسبت بایشان منظور دارند " و بدین ترتیب  
بود که اداره کشور بدست اعلیحضرت جوان ایران که بسن بیست و دو سالگی وارد شده بودند  
سپرده شد و در ساعت چهارونیم بعد از ظهر روز چهارشنبه بیست و ششم شهریورماه ۱۳۲۰  
ایشان در پشت تریبون مجلس شورای ملی قرار گرفته و قسم نامه خویش را بشرح زیر ایراد فرمودند :

" من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام الله مجید و بر آنچه نزد خداوند محترم  
است قسم یاد می کنم که تمام هم خود را مصروف استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق  
ملت محفوظ و محسوس بدارم .

قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم  
و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال ، خداوند  
قادر عزشانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری بجز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران  
نداشته باشم . "

اشغال ناگهانی ایران ، استعفاى شاه ، پراکنده شدن قشون و سایر عوارض تهاجم ناگهانی  
بایران آنچنان کابوسی در مملکت بوجود آورده بود که کسی بفردای خود امیدى نداشت و  
برنامه های عمرانی و اصلاحی که حاصل بیست سال تلاش مداوم بود ناگهان متوقف ماند .  
مراکز حساس کشور تحت نفوذ بیگانگان قرار گرفت ، قحطی همه جا را فرا گرفته ، مدرسه ها  
تعطیل شده و سربازها از سربازخانه ها مرخص و در گوشه و کنار پراکنده شدند بی آنکه حتی برای  
یکروز خود جیره یا مواجبی داشته باشند . در این هنگام اعلیحضرت فقید با مشتى خاک  
که از اقصی نقطه وطن خویش در بر گرفته بودند ایران را ترک کردند و روز سی ام شهریورماه  
آقای مجید آهی وزیردادگستری کابینه مرحوم فروغی متن مصالحه نامه ایشان و سپس فرمان

شاهنشاه را در مجلس قرائت کردند. مفاد فرمان این بود که چون منظور اصلی اعلیحضرت شاه سابق از واگذاری اموالشان این بود که بمصارف خیریه برسد کلیه مستغلات و املاک و کارخانه‌هاییکه بایشان واگذار گردیده عیناً برای پیشرفت و ترقی صنایع و کشاورزی با اختیار دولت گذارده میشود.

در این روز مرحوم فروغی کابینه خود را به مجلس معرفی نمود و برنامه دولت بشرح زیر انتشار یافت " برنامه دولت همان است که اصول آن در ضمن نطق اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در مجلس شورای ملی اشعار شده است و نقیص از قرار زیر میباشد :

- ۱- در سیاست خارجی دولت مصمم است با رعایت کامل مصالح کشور همکاری نزدیک با دولت‌هایی که منافع ایران با منافع آنها ارتباط دارد داشته باشد.
- ۲- اصلاح و رفع نواقص قوانین دادگستری برای تکمیل امنیت قضائی و نیز تجدیدنظر در قوانین دیگری که با مقتضیات امروز وفق نمی‌دهد.
- ۳- تجدیدنظر در سازمان قوای تأمینیه کشور.
- ۴- اصلاحات در امور اقتصادی و مالی کشور از قبیل تعدیل مالیات‌ها بمنظور تخفیف تحمیل مالیاتی.
- تجدیدنظر در بودجه کشور برای جلوگیری از هزینه‌هایی که با مقتضیات کنونی کشور وفق نمی‌دهد- افزایش حقوق خدمتگزاران دولت از کشوری‌لشگری- تجدیدنظر در مقررات بازرگانی - الغای انحصارهای غیرفردی و اهتمام در پائین آوردن هزینه‌های عمومی زندگی.
- ۵- توجه مخصوص به پیشرفت کار کشاورزی و بهبود زندگی کشاورزان - توسعه امور آبیاری منع تدریجی کشت و استعمال تریاک - تجدیدنظر در قوانین عمران و اجرای برنامه کشاورزی.
- ۶- ترفی و تکمیل صنایع بقدر امکان با تمایل باینکه کارخانه‌ها بدست افراد و شرکت‌های غیردولتی اداره میشود و اهتمام در بهبودی زندگی کارگران.
- ۷- تکمیل راه‌ها و راه‌آهن در حدود استطاعت کشور.
- ۸- اصلاح قانون سازمان کشور با رعایت احتیاجات و توجه باینکه اهالی در اداره امور محلی خود بیشتر شرکت داشته باشند.
- ۹- تکمیل و ترقی تأسیسات فرهنگی و اهتمام در اصلاح اخلاق عمومی.

۵- توسعه سازمان بهداری و توجه مخصوص به بهداشت عمومی .

اولین اقدام دولت چنین شد که ایران رسماً "وارد جنگ شده و در صف متفقین قرار گرفت و بموجب پیمان سه جانبه‌ای که میان دولتین ایران و روسیه و انگلستان منعقد گردید ایران قبول نمود که تسهیلات لازم را جهت حمل و نقل مهمات و عبور قوای متفقین فراهم آورده و متفقین نیز در مقابل وعده دادند که بعد از پایان جنگ ایران را تخلیه نموده و خسارت وارده به این کشور را تحت مطالعه قرار دهند .

بتاریخ سیزدهم آذرماه دولت باردیگر بشرح زیر ترمیم یافت

نخست وزیر محمد علی فروغی - وزیر فرهنگ سید محمد تدین - وزیر بهداری باقر کاظمی  
وزیر دادگستری مجید آهی - وزیر امور خارجه علی سهیلی - وزیر کشور سپهبد امیر احمدی  
وزیر پیشه و هنر و بازرگانی عباسقلی گلشائیان - وزیر جنگ سرلشکر احمد نخجوان -  
وزیر راه سرلشکر جهانبانی - وزیر کشاورزی علی اکبر حکیمی - وزیر دارائی دکتر مشرف نفیسی  
وزیر پست و تلگراف حمید سیاح این دولت باردیگر در تاریخ یازدهم اسفند ۱۳۲۵ پس از  
استعفا مجدداً مأمور تشکیل کابینه گردید و اعضای کابینه بشرح زیر معرفی شدند .

نخست وزیر محمد علی فروغی - وزیر جنگ محمد علی فروغی - وزیر پست و تلگراف  
حسنعلی کمال هدایت - وزیر کشور باقر کاظمی - وزیر کشاورزی و خواربار و اقتصاد مجید آهی  
وزیر بهداری علی اصغر حکمت - وزیر امور خارجه علی سهیلی - وزیر دادگستری عباسقلی  
گلشائیان - وزیر راه امان‌اله جهانبانی - وزیر فرهنگ مصطفی عدل - وزیر دارائی یداله  
عضدی - وزیر پیشه و هنر و بازرگانی عبدالحسین هژیر .

برنامه دولت از این قرار بود .

هرچند بطوریکه در جلسه سابق مجلس شورای ملی مذاکره شد قانوناً و عادتاً مانعی  
نداشت که برنامه هیئت دولت که دوماه پیش در مجلس شورای ملی تصویب شده است عیناً  
از طرف هیئت دولت لاحق اختیار شود ولیکن نظر بتمایلی که از طرف آقایان نمایندگان  
اظهار شد که برنامه دولت حالیه در مجلس موضوع مباحثه شود اینک هیئت دولت برنامه  
سابق را با اندکی تصرف و اضافات تقدیم مجلس شورای ملی مینماید که مطرح مذاکره قرار دهند  
و نظر خود را در آن باب اظهار فرمایند .

### متن برنامه

۱- در سیاست خارجی دولت بارعایت کامل مصالح کشور مقتضی میدانند با دولت‌های



- که منافع ایران با منافع آنها ارتباط تام دارد همکاری نزدیک داشته باشد .
- ۲- اصلاح و رفع نقص‌های قوانین دادگستری برای تکمیل امنیت قضائی و نیز تجدید نظر در قوانین دیگری که با مقتضیات امروز وفق نمیدهد .
  - ۳- تجدید نظر در سازمان قوای تأمینیه و تکمیل وسایل امنیت .
  - ۴- اهتمام مخصوص در تأمین خواروبار لازم برای کشور .
  - ۵- تجدید نظر در قوانین استخدام کارمندان دولت .
  - ۶- اصلاحات در امور اقتصادی و مالی کشور از قبیل تعدیل مالیاتها برای تخفیف تحمیلات مالیاتی و جلوگیری از هزینه‌هایی که مقتضای اوضاع کنونی کشور نیست - در موقع تهیه بودجه سال آینده تجدید نظر در مقررات بازرگانی و الغاء انحصارهای غیرضروری که تاکنون ملغی نشده است و اهتمام در پائین آوردن هزینه زندگی عمومی .
  - ۷- توجه مخصوص به پیشرفت کار کشاورزی و بهبود زندگی کشاورزان و توسعه امور آبیاری - منع تدریجی کشت و استعمال تریاک - تجدید نظر در قوانین عمران و اجرای برنامه کشاورزی .
  - ۸- ترقی و تکمیل صنایع بقدر امکان با تمایل به اینکه کارخانه‌ها بدست افراد و شرکت‌های غیردولتی اداره شود و اهتمام در بهبود زندگی کارگران .
  - ۹- تکمیل راهها و راه‌آهن در حدود استطاعت کشور .
  - ۱۰- اصلاح قانون تقسیمات کشوری و توجه باینکه اهالی در اداره امور محلی خود بیشتر شرکت داشته باشند .
  - ۱۱- تکمیل و ترقی تأسیسات فرهنگی و اهتمام در اصلاح اخلاق عمومی .
  - ۱۲- توسعه سازمان بهداری و توجه مخصوص به بهداشت عمومی .
- اما عمر این دولت بیش از یک هفته دوام نیافت و پس از آن علی سهیلی مأمور تشکیل کابینه گردید و در تاریخ هیجدهم اسفندماه ۱۳۲۰ بشرح زیر این کابینه به مجلس شورای ملی معرفی شدند .
- نخست وزیر علی سهیلی - وزیر کشور علی سهیلی - وزیر دادگستری مجید آهی - رئیس بهداری علی اصغر حکمت - وزیر دارایی محمود بدر - وزیر جنگ سرلشکر جهانبانی - وزیر فرهنگ مصطفی عدل - وزیر راه ویدالله عضدی - وزیر پیشه و هنر و بازرگانی عبدالحسین هزیر - وزیر کشاورزی احمد حسین عدل - وزیر پست و تلگراف فضل الله بهرامی .

### تغییرات

در جلسه ۲ تیر ماه ۱۳۲۱ مجلس شورای ملی محمد ساعد بسمت وزیر امور خارجه معرفی شد و در جلسه ۱۶ تیرماه نیز مهدی فرخ بسمت وزیر کشور معرفی گردید برنامه کابینه دولت سهیلی بشرح زیر بود:

برنامه دولت که از لحاظ مقتضیات و احتیاجات کشور بشرح مواد زیر تنظیم گردیده است تقدیم به مجلس شورای ملی میشود که مورد دقت قرار داده نظر خود را نسبت به آن اظهار فرمایند.

۱- در سیاست خارجی با رعایت کامل مصالح کشور اجرای قرار دادهای جاری و مخصوصا همکاری نزدیک با دولتهائی که منافع ایران با منافع آنها ارتباط کامل دارد.  
۲- اصلاح و رفع نقصهای قوانین دادگستری برای تکمیل امنیت قضائی و نیز تجدید نظر در قوانین دیگری که با مقتضیات امروز وفق نمی دهد.

۳- اصلاح و تقویت سازمان ارتش و قوای تامینه کشور.

۴- اهتمام مخصوص در تامین خواروبار لازم برای کشور.

۵- اصلاحات در امور اقتصادی و مالی کشور و جرح و تعدیل مالیاتها و جلوگیری از هزینههای غیر ضروری و توازن بودجه کشور و تجدید نظر در مقررات بازرگانی.

۶- توجه مخصوص به پیشرفت کار کشاورزی و بهبود زندگی کشاورزان و توسعه امور آبیاری - منع تدریجی کشت و استعمال تریاک - تجدید نظر در قوانین عمران و اجرای برنامه کشاورزی.

۷- مراقبت کامل در بهبود صنایع کشور با تمایل به اینکه کارخانهها با سرمایه های غیر دولتی اداره شود و هم چنین اهتمام در بهبود زندگی کارگران.

۸- اصلاح قانون تقسیمات کشوری و توجه باینکه اهالی در اداره امور محلی خود بیشتر شرکت داشته باشد.

۹- تکمیل و ترقی تاسیسات فرهنگی و اهتمام در اصلاح اخلاق عمومی.

۱۰- توسعه سازمان بهداری و توجه مخصوص به بهداشت عمومی.

۱۱- در مورد سیاست خارجی اولین اقدامی که در سال ۱۳۲۱ انجام گرفت قطع رابطه

سیاسی با ژاپن بود و آقای نجم سفیر کبیر وقت دولت شاهنشاهی در ژاپن بایران احضار گردید و بدین ترتیب سیاست خارجی ایران رفته رفته رنگ روشن تری بخود میگرفت و برهبری پادشاه جوان، دولت ایران میکوشید مملکت را از حالت یک کشور اشغال شده خارج کند و بعنوان یک دولت متفق دوشادوش کشورهای که با رژیم آلمان نازی می جنگیدند قرار دهد. اما در همین حال قحطی و تیفوس مملکت را به سختی تهدید میکرد و با آغاز سال ۱۳۲۱ تیفوس، مرض کشنده‌ای که از جبهه جنگ بایران انتقال یافته بود در سایه فقر بسرعت شایع میگشت و انبارهای غله ایران نیز در اختیار متفقین قرار گرفته و مازاد آن برای سیر کردن مردم تکافو نمی نمود و کار بجائی رسید که بنگاههای خیریه از طریق اطعام مساکین و گرسنگان به مبارزه با گرسنگی پرداختند و از آن بعد صف‌های طولی که برای گرفتن آذوقه بسته میشد در سراسر شهرهای ایران جلب نظر مینمود. کمبود نان - نفت - قند و شکر و سایر مایحتاج عمومی اندک اندک به جیره بندی عمومی منتهی گردید. در این سال هزینه زندگی نسبت به سال ۱۳۱۵ در تهران ۶ درصد افزایش یافته و ناامنی و تشنج نیز بلای دیگری بود که در سایه آشفتگی های سیاسی و اقتصادی به مملکت روی آورده و چنین بنظر می رسید که متفقین هم از تجدید دوران هرج و مرج ناراضی نیستند و می خواهند با استفاده از این حربه شاه جوان و دولت مرکزی ایران را تحت فشار خود قرار دهند.

در سایه این تشنجات و اغتشاش بود که دولت سهیلی ناچار با استعفا گردید و در روز پنجشنبه هشتم امرداد ماه استعفای خود را تقدیم مجلس نمود و چون کسی مامور تشکیل کابینه نشده بودوی قبول نمود که تا چند روزی اداره دولت را با همکاری معاونین وزارتخانه‌ها برعهده داشته باشد تا تصمیم مقتضی وسیله مجلس بعمل آید.

در همانروز مجلس شورایی ملی تشکیل جلسه خصوصی داد و در این جلسه همه اتفاق حاصل کردند که از آقای حسین پیرنیا - مؤتمن الملک - تقاضای تشکیل کابینه شود. نمایندگان مجلس باوی ملاقات نمودند و او در مقابل اصرار آنان اظهار داشت من توانائی قبول و انجام کار را ندارم - مجلس باریگر تشکیل جلسه داد و در این جلسه بود که به زمامداری احمد قوام - قوام السلطنه - اظهار تمایل بعمل آمد و در روز شنبه سیزدهم امرداد ماه ۱۳۲۱ بود که فرمان نخست وزیری نامبرده انتشار یافت.

جناب آقای احمد قوام نخست وزیر

در این موقع که حفظ انتظامات و اصلاح امور کشور جالب دقت و توجه مخصوص ما است و لازم بود یکی از رجال کار آزموده و مجرب که بحسن کفایت موصوف و مشهور باشد برای تصدی مقام نخست وزیری منتخب و مامور گردد نظر بکمال اطمینان و اعتمادی که بمراتب دولت خواهی و شایستگی و کاردانی آنجناب داریم بموجب این دستخط شما را باین سمت منصوب و برقرار نموده و مقرر میداریم هیئت وزیران رامعین و بحضور ما معرفی کرده و بطوریکه منظور نظر است از حسن انجام این خدمت بر مراتب اعتماد ما بیفزائید .

۱۲ مرداد ۱۳۲۱ - محمد رضا پهلوی

روز یک شنبه هیجدهم مرداد ماه ۱۳۲۱ بود که قوام اعضای کابینه خود را بشرح زیر

معرفی نمود :

نخست وزیر احمد قوام - وزیر مشاور صادق صادق - وزیر بهداری دکتر اسماعیل مرزبان - وزیر مشاور ابراهیم حکیمی - وزیر دادگستری علیرضا قره گزلو - وزیر دارائی حسن تقی زاده - وزیر کشور باقر کاظمی - وزیر پست و تلگراف حمید سیاح - وزیر راه یداله عضدی - وزیر بازرگانی و پیشه و هنر عبدالحسین هژیر - وزیر کشاورزی امیر حسین عدل - وزیر امور خارجه محمد ساعد - وزیر فرهنگ دکتر علی اکبر سیاسی - وزیر جنگ بعدا انتخاب میشود و تصدی وزارت دارائی نیز تا بازگشت آقای دکتر تقی زاده با نخست وزیر خواهد بود .

تغییراتی که بعدا " در این کابینه صورت گرفت بشرح زیر است .

در جلسه اول شهریور ۱۳۲۱ مجلس شورای ملی باقر کاظمی بسمت وزیر دارائی و جواد عامری بسمت وزیر کشور معرفی شدند در جلسه ۲ مهر ۱۳۲۱ مجلس شورای ملی سید مهدی فرخ بسمت وزیر خواروبار و احمد قوام ( نخست وزیر ) بسمت وزیر جنگ معرفی شدند در جلسه ۲ دیماه ۱۳۲۱ مجلس شورای ملی سپهبد امیر احمدی بسمت وزیر جنگ معرفی گردید .

در جلسه اول بهمن ماه ۱۳۲۱ مجلس شورای ملی فضل اله بهرامی بسمت وزیر کشور - جواد عامری بسمت وزیر دادگستری - محسن رئیس بسمت وزیر پست و تلگراف - معتمدی بسمت وزیر راه و انتظام بسمت وزیر بهداری معرفی شدند و در جلسه ۶ بهمن ۱۳۲۱ مجلس شورای ملی الیهار صالح بسمت وزیر دارائی معرفی شد .

قوام السلطنه برنامه دولت خود را با این عنوان تقدیم مجلس کرد :

آقایان محترم! در این موقع که بر حسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مامور تشکیل دولت شده‌ام لزوماً باطلاع آقایان میرسانم که همیشه عمل بر این جاری شده است که هر دولت در حین تشکیل خود از نظری که درباره اصول ومبانی اداره کشور دارد وسبک و روشی که بمنظور اجرای اصول مزبور مفید می‌شمارد برنامه‌ای ترتیب دهد و به مجلس شورای ایملی عرضه نماید و تصویب آن بمنزله رای اعتماد مجلس بدولت تلقی شود. این نکته نیز مسلم است که مفاد برنامه در هر بار ناگزیر باید با مقتضای زمان وفق دهد و امور مبتلایه روز را شامل باشد تا در ضمن تصویب آن معلوم شود که مجلس و دولت متفقاً کدامیک از مسائل سیاسی اساسی را از لحاظ اهمیت و فوریت در درجه اول قرار داده و حل و فیصله آنها را شایسته عاجل و مقدم بر سایر امور دانسته اند و در نتیجه این تشخیص همه کس بدانند که وظیفه دولت چیست و تکلیف مردم چه باید باشد؟

با این وصف در این موقع که وضع کشور ما در نتیجه حوادث عظیم و خطیر دنیا دچار آشفتگی گردیده نظر دولت من بر این است که عجالتاً از تنظیم برنامه‌ای که متن مواد عدیده در مسائل مختلفه باشد صرف نظر کنم و ورود در این مباحث را بموقعی که از وظایف واجب خود فراغت حاصل کرده باشد موکول سازد زیرا که با الفعل آنچه که حیات و آسایش خاطر مردم بسته به آنست و در صدر عموم اصلاحات و اقتصادی و دارائی کشور قرار گرفته توسعه امنیت و تامین ارزاق عمومی است و دولت بر خود فرض میدانده که برای انجام این دو مقصود و رفع مشکلات و عوائق آنها نهایت مراقبت و کمال جهد را بکار برد و تمام وسائل قانونی را که در اختیار خود دارد و بدون فوت وقت بکار اندازد و از هیچ اقدامی فروگذار نکند تا وقتیکه ریشه اغتشاش بر آید و کیفر عصیان در خاطر ها نقش بندد و خیال طغیان از سر اشرار بدر رود و در بلاد و دهات و طرق و شوارع امنیت کاملاً مستقر شود و مردم بحفظ حقوق خود اطمینان پیدا کنند و در برابر اجحاف و تخطی هر متجاوز بی‌حق گذاری دستگاه قضائی کشور مستحظهر و بقدرت دولت امیدوار شوند و جان و مال و آبرو حقوق اشخاص در سراسر مملکت از تعرض مصون باشد. در باب ارزاق تلاش دولت مصروف آن خواهد بود که آذوقه اهالی تامین شود و برای حصول این منظور دولت با کمال مراقبت محصول سال جاری را جمع آوری خواهد کرد و باین ترتیب یقین دارد که موجودی خواربار کشور با کمکی که از خود مردم انتظار می‌رود و اقداماتی که برای جلوگیری از صدور آن بعمل خواهد آمد به ضمیمه آنچه متفقین ما وعده داده اند بما بفروشند و تاکنون بتحویل مقداری از آن شروع

کرده‌اند و از این راه موجبات خاطر جمعی دولت را فراهم نموده‌اند کفای اهالی را خواهد داد و البته بنا بهمین مقدمات دولت برای تامین این منظور تحویل آنچه را که متفقین وعده کرده‌اند مصر را تقاضا و تعقیب خواهد نمود .

اما کسانی که اجناس مورد احتیاج مردم بالخصوص خواروبار و دارو را احتکار کرده‌یا موضوع داد و ستد غیر مجاز قرار میدهند باید بدانند که دولت منع احتکار و اختیاراتی را که برای تامین آذوقه مردم بموجب قانون دارد بموقع اجرا خواهد گذارد و در مورد کسانی که تشبث باین گونه عملیات خلاف مروت و انسانیت راروا داشته‌اند رحم و شفقت را مداخله نخواهد داد . ضمناً از لحاظ اهمیتی که دولت برای امور اقتصادی و امر خواروبار قائل است در نظر دارد وزارت مستقلی برای این منظور تأسیس نماید لیکن اقدام در این باب و معرفی وزیرمسئول آن موکول به آن خواهد بود که لایحه آن تقدیم و بتصویب رسد . در اینجا ذکر این نکته را بموقع میدانم که عزم دولت بر این است که جوانان دانشمندکشور را بیش از پیش در انجام خدمات دولتی شرکت دهد تا در ضمن آن این حکومت دیرین که حسن خاتمت امور بهمکاری تدبیر مردمان مجرب با بازوی جوانان مهذب و با معرفت بسته است بکار رفته باشد و هم این طبقه از جوانان بتدریج بجزیه کافی اندوخته ذخیره آتی کشور بشود .

در سیاست خارجی اساس مناسبات با دولتین شوروی و انگلستان پیمان اتحاد پست که چندی پیش بامضاء رسیده و باب جدیدی در روابط ما با این دو همسایه باز کرده‌است دولت ایران هم چنانکه تاکنون عمل کرده است من بعد نیز مقررات پیمان را باکمال حسن نیت و صمیمیت اجرا خواهد کرد و با امتنان از وعده مساعدت و مراقتی که متفقین ما باقتضای همان پیمان در رفع مشکلات ما داده‌اند امیدوار است که این حسن تفاهم روز بروز کاملتر شود و ثمره آن در هر رشته بیشتر و بهتر عاید طرفین گردد . روابط ما با دولت آمریکا همیشه بر اساس دوستی استوار بوده و حسن نیتی که آن دولت مخصوصاً در این اوقات اخیر نسبت بدولت ایران ابراز داشته موجب تحکیم مناسبات و دادیه شده و من بعد نیز دولت ایران در تشیید آن مناسبات اهتمام خواهد داشت . دولت برای حفظ روابط حسنه با سایر دول متحابه نیز همواره کوشش خواهد نمود و مخصوصاً در مورد همسایگان روابط ایران با ترکیه به حسن مناسبات همجواری مؤکد خواهد بود و باافغانستان و عراق مناسبات دوستی و یک جهتی دوام خواهد یافت و در تحکیم تشیید روابط حسنه با مصر سعی بلیغ بکار

خواهد رفت. بنا بتوضیحاتی که گذشت دولت برنامه خود را در سه ماده زیر خلاصه و تقاضای رای اعتماد مینماید.

- ۱- در سیاست خارجی رعایت کامل مصالح کشور و اجرای پیمان و قرارداد های جاری و خصوصا همکاری نزدیک با دولتهائی که منافع ایران با منافع آنها ارتباط کامل دارد.
- ۲- بسط و توسعه امنیت در سراسر کشور.
- ۳- تامین خواروبار و دارو بجهت عموم اهالی.

در روز پنجشنبه بیست و دوم امردادماه ۱۳۲۱ مجلس شورایملی تشکیل جلسه داد و از یکصد و شانزده نفر عده حاضر هفت نفر رای ممتنع و بقیه موافق دولت رای دادند. درسال ۱۳۲۱ که دومین سال سلطنت بشمار میرفت اهتمام شاهنشاه بیشتر مصروف حمایت از نیروی ناتوان مردم بود. مردمی که جنگ - قحطی - فقر - مرض و ناامنی رفق برایشان گذاشته بود از همین روی مهرماه ۱۳۲۱ - لایحه تامین وزارتخانه خواروبار تقدیم مجلس گردید و سید مهدی فرخ بسمت تصدی این وزارتخانه جدید التاسیس منصوب گردید و از آن نظر که قحطی همه جا را تهدید میکرد مراسم جشن تولد شاهنشاه در سال ۱۳۲۱ بنا بامر معظم اله موقوف ماند و اعتبار آن بمصرف دستگیری فقرا رسید در این هنگام وضع نان در کشور بشدت خراب شده بود تا جائیکه دولت ناچار گردید لایحه ای برای مصرف پانصد میلیون ریال جهت تهیه خواروبار تقدیم مجلس کند.

در این زمان کار مداخله نمایندگان انگلیس و روسیه در امور داخلی ایران بالا گرفته و حکومت تهران سخت تحت فشار بود و اغلب در روابط با متفقین اصطکاکهای زیادی پیش میآمد شاهنشاه در باره چنین هنگامه ای در کتاب ماموریت برای وطنم چنین نوشته اند:

" برای روشن شدن این قضیه ذکر یک واقعه بعنوان مثال کافی است. صرفنظر از تورم پولی که در آن زمان ایجاد شده بود متفقین اعلام داشتند که مبالغ هنگفتی اسکناس رایج ایران برای رفع احتیاجات و پرداخت هزینه نیروی آنها در ایران باید انتشار یابد و چون این تقاضا مخالف با قوانین جاریه کشور بود متفقین او قوام نخست وزیر وقت خواستند بدون در نظر گرفتن موازین قانونی با هر وسیله ای که هست این تقاضا را انجام دهد و چون در پاسخ گفته بود که چنین امری غیرممکن است بر وی فشار آوردند که قانون جدیدی از مجلس شورایملی بگذرانند. او در جواب اظهار داشته بود که احتمال نمی رود مجلس

شورایملى با چنین قانونى موافقت نماید . "

اما پس از این بود که زمزمه مخالفت با دولت بلند شد تا جائیکه یکی از نمایندگان مجلس استعفا نمود و در روز هفدهم آذرماه نیز مردم دست باغتشاش گذارده و شروع به تظاهرات دامنه داری نمودند تا جائیکه به مجلس حمله نمود و خرابیهایی زیادی به بار آمد و در تهران حکومت نظامی اعلام گردید و مرحوم سیهبدا میراحمدی از طرف دولت بفرماندار نظامی تهران منصوب شد و در همان روز تمام روزنامه‌ها اعم از موافق و مخالف توقیف گردید و مدت پانزده روز نیز مجلس شورای ملی برای تعمیرات تعطیل بود و اولین جلسه علنی مجلس در روز ۲۹ آذر ماه تشکیل یافت .

البته در اینجا نیز باید یادى از اغتشاش در سایر نقاط کشور کرد از آن نظر که متفقین کوپنهای جیره بندی غذای عشایر را یکجا به روسای عشایر میدادند، آنها اغلب کوپن‌ها را فروخته و ثروتی که از این راه بدست می‌آوردند صرف عملیات مسلحانه خویش می‌ساختند و منطقه آذربایجان و قسمتی از کردستان مرکز شرارت و تهاجم بود. اشرار کرد روستاها را غارت کرده و رضاییه را تحت محاصره قرار داده بودند و برای فرونشاندن این آتش که هر روز دامنه آن وسعت میگرفت شاهنشاه شخصا دست با اقدام زدند و با اعزام دسته‌هایی از افسران و سربازان باین غائله خاتمه دادند و وقتی اوضاع آذربایجان و کردستان بحال عادی برگشت و امنیت در آن نقاط مستقرگشت شاهنشاه شخصا برای التیام صدمات و خسارات وارد. یک میلیون ریال به اهالی کمک کردند. برای ساختمان یک دبیرستان و اتمام بیمارستان شهرداری فزویین نیز دو میلیون ریال عنایت فرمودند و دستور دادند که کلیه مخارج تامین آب خوراکی بوشهر از کیسه فتوت ایشان پرداخت شود و ضمن توجه و گسترش و توسعه دانشگاه دستور دادند که دانشکده علوم معقول و منقول که در سال ۱۳۱۸ تعطیل شده بود از نو افتتاح و شروع بکار کند. اوقات شاهنشاه در این سال تاریک و شوم غالباً "میان مردم می‌گذشت و ایشان شخصا" بدیدار مردم شتافته و هر جا مشکلی میدیدند برای رفع آن اهتمام می‌فرمودند. غرش توپهای جنگ در سراسر سال ۱۳۲۱ نیز از جبهه اروپا بگوش می‌رسید و عوارض آن جنگ خانمانسوز بالمره دامنگیر ملت و کشور ایران بود و در این سال دولت ایالات متحده نیز تدریجاً "عده‌ای قشون بالوازم و ساز و برگ بایران وارد کرده تادر اجرای برنامه کمک به متفقین و مبارزه با آلمان نازی تعهدات خود را از راه تقویت ارتش سرخ انجام دهند و با استفاده از راههای ایران اسلحه



و مهمات بشوروی انتقال دهد .

متفقین بهر صورت می‌خواستند قدرت شاه را در ایران تضعیف کنند اما هر چه میکوشیدند کمتر موفق می‌شدند در باره آن سالهای پر آشوب شاهنشاه در کتاب ماموریت برای وطن چنین اشاره می‌کنند :

" در طول مدت اشغال کشور ایران یک دم از غم و اندوه آسوده نبودم و چه شبهائی را که تا صبح از شدت نگرانی بیدار بودم من اصولاً و عملاً" با عمل متفقین در اشغال ایران مخالف بودم و به نظر من بدون جهت به استقلال و حق حاکمیت مالطمزده بودند به هر طرف چشم می‌انداختم مردم کشور ایران را گرفتار بدبختی و مشقتی که شمره روش سیاسی و اقتصادی متفقین بود می‌دیدم و روح من از آزمندی بعضی از ثروتمندان ایرانی که پشت پا به منافع کشور ایران و رفاه مردم این سامان زده بودند بیشتر از هر چیز رنج می‌برد .

اوضاع هر روز که می‌گذشت آشفته تر می‌شد و دولت وقت کمتر می‌توانست بر هرج و مرج پیروز شود این خود بهانه‌ی بود که تا دولت از هرسو مورد حمله قرار گیرد . " متعاقب این مذاکرات روزی سفیر کبیر انگلیس به حضور من آمد و اظهار داشت که وی از جانب دولت متبوعه خود و از جانب دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت امریکا باید اظهار کند که قوام مورد اعتماد آنهاست ولی با مجلس فعلی قادر به انجام کاری نیست . آنگاه تقاضای انحلال مجلس را از من نمود . این پیشنهاد عجیبی بود که نمایندهٔ یک دولت بیگانه به من می‌کرد . به وی گفتم که این من و ملت ایران هستیم که باید به دولت اظهار اعتماد کنیم نه شما و هر چند که با هم دوست و متحد هستیم ولی تنها من و ملت ایران می‌توانیم نسبت به انحلال مجلس تصمیم اتخاذ کنیم و من اجازه نخواهم داد که بیگانگان در چنین امری به ما دستور بدهند و پیش نهاد مزبور را قویاً رد کردم " .

اما مخالفت دولت قوام با سیاستهای خارجی باعث ایجاد جبهه‌های مخالف دیگری هم شد . سرانجام روز بیست و چهارم بهمن ۱۳۲۱ نخست وزیر وقت استعفای خود را تقدیم حضور اعلیحضرت هایبونی نموده و این استعفا مورد قبول واقع گشت و یکروز بعد مجلس رای تمایل به نخست وزیری مجدد آقای علی سهیلی داد و اعلیحضرت نامبرده را مامور تشکیل دولت نمودند و در روز بیست و هشتم بهمن ماه ۱۳۲۱ کابینه سهیلی بمجلس

معرفی و برنامه دولت خود را تقدیم داشت " نخست وزیر علی سهیلی - وزیر کشور علی سهیلی - وزیر مشاور محمد تدین - وزیر مشاور حسین سمیعی - وزیر بهداری امان اله اردلان - وزیر دادگستری علی اصغر حکمت - وزیر بازرگانی پیشه و هنر محمود بدر - وزیر فرهنگ دکتر علی اکبر سیاسی - وزیر جنگ سپهبد امیراحمدی وزیر راه عبدالحسین هژیو - وزیر امور خارجه محمد ساعد - وزیر پست و تلگراف نصراله انتظام وزیر دارایی اللهیار صالح . "

### تغییرات

در جلسه ۱۳ اسفند ۱۳۲۱ مجلس شورای ملی سید محمد تدین بسمت وزیر خواروبار معرفی شد .

در جلسه ۲۷ اسفند ۱۳۲۱ مجلس شورای ملی احد اعتبار بسمت وزیر کشاورزی معرفی گردید .

در جلسه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۲ مجلس شورای ملی مرتضی قلی بیات بسمت وزیر دارایی معرفی شد .

در جلسه ۱۹ تیرماه ۱۳۲۲ مجلس شورای ملی حسین سمیعی بسمت وزیر کشور و خلیل فهیمی بسمت وزیر مشاور معرفی گردیدند .

در جلسه ۲۳ تیرماه ۱۳۲۲ مجلس شورای ملی سید محمد تدین بسمت وزیر مشاور معرفی گردید .

در جلسه ۱۲ مردادماه ۱۳۲۲ مجلس شورای ملی محسن صدر بسمت وزیر دادگستری معرفی گردید .

علی سهیلی برنامه دولت خود را به این شرح تقدیم مجلس کرد

برنامه دولت که بر حسب وظیفه باید بعرض و تصویب شورای ملی برسد بسیار مختصر است زیرا که اوضاع و احوال عمومی بطوری روشن و احتیاجات و مشکلات بقدری معلوم است که حاجت بشرح و تفصیل نیست . احوال و وظایف هر دولت وطن خواه همان است که همواره در ضمن برنامه دولت ها در طول مدت دوره تقنینه حاضر تقدیم مجلس شورای ملی شده است و مخصوصا برنامه دولت سابق اینجانب که ۱۸ اسفند ۱۳۲۰ داشت و بتصویب رسید شامل

موادی است که اکنون نیز ضرورت تعقیب همان مواد را ایجاب مینماید. جنگ جهانگیر حوائجی برای مملکت ما پیش آورده که از یکسال قبل اصول تغییر در آن حاصل نشده است و اقدام در رفع مشکلاتی که در نتیجه آن حوادث بروز کرده اکنون نیز اساس عمل دولت است و مخصوصاً "اوضاع خواروبار و مضیقه‌ای که از حیث امور معاش تمام افراد کشور را مبتلا ساخته است مستلزم توجه و اقدام فوری میباشد.

بنابراین دولت برنامه خود را در این چهار ماده خلاصه و تقدیم مینماید:

- ۱- اقدام سریع برای تامین مواد غذایی که آنها مورد حاجت و نیاز عامه است و ایجاد وسایل موثر برای انتظام امر خواروبار در سال آینده.
- ۲- مجاهده در تنزل دادن هزینه زندگانی و مبارزه با غلاء و گرانی اجناس و اهتمام در تثبیت قیمت‌ها.
- ۳- اهتمام در اصلاحات لازم نسبت به مسائل اساسی مانند پیشرفت امور کشاورزی و بهداری و فرهنگ و رفع نواقص قوانین دادگستری و هم چنین سعی در بهبود و زندگانی مستخدمین دولت و کارگران و کشاورزان و تامین رفاهیت آنان با وضع قوانین و مقررات لازم.
- ۴- تحکیم مناسبات صمیمانه با دول دوست و همسایگان و مخصوصاً همکاری نزدیک با متفق ایران دولت متحده آمریکا شمالی و تضمین منافع طرفین با رعایت کامل مصالح کشور.

یعین دارد در این موقع که اوضاع اقتصادی و معاش اهل مملکت دچار کمال مضیقه و نهایت شدت است با توجه خاص نمایندگان محترم تمام اهالی کشور نیز با دولت کمک و مساعدت خاصی مبذول خواهند نمود تا اجرای برنامه فوق عملی شود و نیز اطمینان دارد که متفقین ما که روابط مستقیم و منافع مشترکشان با دولت ایران روز بروز افزون میگردد برای رفع مشکلات اقتصادی و امر خواروبار همواره مساعدت سریع موثری خواهند نمود.

برنامه دولت سهیلی با ۸۹ رای موافق از ۹۱ نفر عده حاضر در مجلس شورای ملی

بتصویب رسید.

شاه جوان ایران از هر لحظه‌ای برای امید دادن به مردم استفاده میکردند چنانچه در پیام نوروزی خویش به ملت ایران چنین گفتند :

" مطمئن باشید که ایرانی باقوت عقیده راسخ و افتخارات دیرین خود را حفظ و نگاهداری کرده و بر آن خواهد افزود . شما باید غیرت و روح ایرانیت و اسلامیت خود را این ایام ابتلاء و مصائب نگاهداری نمائید و نشان بدهید که ایران نمیتواند مملکتی بی‌اهمیت و حقیر باشد و در مواقع مشکلات که ملل استعداد و قابلیت ذاتی خود را ظاهر و لیاقت و حیات و زندگانی خود را ثابت می‌کنند ما باید با روح قوی و جسم نیرومند زندگی کنیم و در پرتویگانگی بسعدت و سلامت برسیم "

این گفتار بسبب دلگرمی و نیروی مردم بود ولی با این حال حوادث بیشماری در انتظار مردم بود .

تیفوس در تهران و شهرستانها بیداد میکرد و به فقیر و غنی ایفا نمی‌نمود و درروز یازدهم فروردین ماه ۱۳۲۲ دولت با تقدیم لایحه‌ای تقاضای پنج میلیون ریال اعتبار برای جلوگیری از مرض تیفوس و تیفوئید نموده و این لایحه چهارروز بعد بتصویب مجلس شورایملی رسید و در همین هنگام بود که دکتر میلیسپودر وزارت دارایی به تغییر و تحول مشغول بوده و سر و صدای زیادی در اطرافش بپا شده تا جائیکه لایحه اختیارات وی در هشت ماده بشرح زیر در جلسه ۱۵۵ سیزدهم اردیبهشت بتصویب مجلس رسید .

#### قانون اختیارات دکتر میلیسپو در مورد تنزل و تثبیت بهای اجناس

ماده اول - به آقای دکتر میلیسپو رئیس کل دارایی فعلی اختیار داده میشود امر تحصیل اجناس غیر خواروبار و کلیه مواد خام و مصنوعات و دارو و صادر کردن اجناس و حمل و نقل و انبار نمودن و توزیع آن و هم چنین مال الاجاره مستغلات و دستمزد کلیه کارها و خدمات عمومی را تحت اداره خویش قرار دهد .

تبصره ۱ - ترتیب و تعدیل مال الاجاره مستغلات با مقرراتی که از طرف وزارت دادگستری و رئیس کل دارایی تنظیم خواهد شد بعمل خواهد آمد .

تبصره ۲ - نسبت باجناس وارداتی و صادراتی، نوع اجناس که باید تحت اختیار درآید قبلاً آگهی خواهد شد .

تبصره ۳ - در مورد آن قسمت از مواد خواروبار که به تشخیص وزارت خواروبار و رئیس کل دارایی لازم شود مشمول این قانون واقع گردد پیشنهاد وزارت خواروبارورئیس کل دارایی با تصویب هیئت وزیران تحت اختیار رئیس کل دارایی گذارده خواهد شد .  
ماده دوم - رئیس کل دارایی مجاز است برای اجرای وظایف مذکور در ماده اول از کلیه اختیاراتی که بموجب قوانین مصوبه ۲۴ خرداد ۱۳۲۱ و ۳۰ مهرماه ۱۳۲۱ و قانون منع احتکار مصوبه ۲۷ اسفند ۱۳۲۰ و قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مورخه ۱۶ اسفند ۱۳۰۹ و قانون انحصار تجارت مصوبه ۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ بدولت داده شده است استفاده نماید .

ماده سوم - در اجرای اختیارات نامبرده رئیس کل دارایی می تواند کوپن منتشر کند . مغازه فروش کالا دایر کند و هر اقدام دیگر که مفید و لازم بداند برای فراهم آوردن وسایل تنزیل تثبیت بهای اجناس و توزیع عادلانه آن بعمل آورد .

ماده چهارم - برای هزینه اجرای این قانون در سال ۱۳۲۲ مبلغ پنج میلیون ریال بوزارت دارایی اعتبار داده میشود و برای سرمایه خرید کالاها نیز بوزارت اجازه داده می شود در صورت لزوم تا یکصد میلیون ریال از بانک ملی وام دریافت داشته و بطریق تنخواه گردان استفاده نماید .

ماده پنجم - بر رئیس کل دارایی اختیار داده می شود که نه نفر از اتباع مالک متحده آمریکا را بسمت معاونت خود در وزارت دارایی و بخصوص برای اجرای این قانون انتخاب نماید و شرایط استخدام آنها را بوسیله وزیر دارایی برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید .

ماده ششم - آئین نامه که برای اجرای این قانون لازم شمرده شود رئیس کل دارایی تنظیم و بموقع اجرا خواهد گذاشت .

ماده هفتم - کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداریها و بنگاههای دولتی بهیچوجه حق ندارند در امور خرید و فروش بعنوان تجارت و دلالتی کالا تیکه تحت نظارت دولت است و هم چنین مواد خواروبار بمنظور کسب اضافه بر احتیاج شخصی به نفع خود مداخله نمایند . در صورت تخلف از خدمت منفصل و برطبق مقررات قانون مجازات خواهند شد .

ماده هشتم - این قانون تا ششماه بعد از جنگ کنونی بقوت خود باقی خواهد بود مگر این که از طرف مجلس شورایملی ملغی شود . این قانون که مشتمل هشت ماده است در جلسه سیزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ بتصویب مجلس شورایملی رسید .

رئیس مجلس شورایملی - حسن اسفندیاری

آخرین قانون پرجنجالی که در مجلس سیزدهم به تصویب رسید قانون تعلیمات اجباری بود که در هنگام خود سرو صدای زیادی بپا کرد .

در روز سیزدهم اردیبهشت ۱۳۲۲ بود که علی سهیلی نخست وزیر وقت ایران طی یک مصاحبه مطبوعاتی که مستقیماً از رادیو پخش گردید اعلام داشت که پس از پانزده سال انتخابات آزادانه در سراسر کشور انجام خواهد شد . وی در این جلسه مطبوعاتی گفت " من باین نتیجه رسیده ام که باید انتخابات کاملاً آزاد باشد تا ملت بحق مسلم و قانونی خود برسد و مردم از حق خود استفاده کنند و دولت دو موضوع رادرا انتخابات در نظر دارد یکی برقراری آرامش و امنیت کامل و دیگری جلوگیری و ممانعت از دسیسه بازی اشخاص . "

گفتار نخست وزیر سبب دلگرمی بسیاری از مردم شد و در این هنگام که قحطی و گرانی به اعلی درجه خود رسیده بود و بمردم بی نهایت سخت میگذشت دولت شوروی بیست و پنج هزار تن گندم بدولت ایران هدیه کرد و این اقدام مزبور اثر بسیار خوبی در روحیه مردم زجر کشیده ایران بجای باقی گذاشت و مخصوصاً روزنامه ها در این مورد تبلیغات فراوانی مینمودند .

اتفاقات دیگری نیز در کشور بوقوع می پیوست یکی امر اغتشاش در گرگان و مازندران وسیله ایادی حزب توده بود .

و دیگری ایجاد جبهه آزادی بود که پس از تشکیل حزب مردم این جبهه نیز فعالیت خود را آغاز کرد . ایجاد این جبهه را در اولین دفعه پانزده نفر از مدیران روزنامه های پایتخت نمودند که سه نفر از این مدیران از کمونیست های جدی دو آتش طرفدار روسها بودند . این سه نفر عبارت بودند از اصغر پیشه‌وری معروف که فاجعه آذربایجان بدست او ایجاد گردید و دکتر رادمنش و سوم ایرج اسکندری - ضمناً " در جنوب کشور اغتشاشاتی وسیله قشقائی ها ایجاد شده بود و در همین هنگام بود که ایران در جرگه دولتهای متخاصم قرار گرفت و بدولت آلمان اعلان جنگ داد . نخست وزیر وقت ایران در جلسه روز پنجم

هفدهم شهریور ماه مجلس شورای ملی چنین اظهار داشت بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است دولت شاهنشاهی در آغاز جنگ کنونی بیطرفی خود را بدول متخاصم اعلام و در حفظ شرایط آن نهایت مراقبت را معمول میداشت ولی در پیش آمدهائی که منتهی بوقایع شهریور ماه ۱۳۲۰ گردید پیمانی بین دولت ایران از یکطرف و دولتین انگلیس و شوروی از طرف دیگر منعقد شد و از آن پس این قرارداد بنای سیاست خارجی نسبت به متخاصمین قرار گرفت .

باین جهت رویه دولت شاهنشاهی در مقابل دول محور روشن اعلام و انتظار میرفت دول محور بادر نظر گرفتن وضع خاص ایران و تعهداتی که این کشور در مقابل متفقین دارد مبادرت باقدام و عملیاتی ننماید و در نتیجه موجب انحراف دولت ایران از تعقیب رویه ای که در پیمان سه گانه اتخاذ نموده گردد . لیکن وقایعی که اخیراً بروز کرد و شواهد و مدارکی که در دست است من جمله تحریک جمعی از عشایر بر علیه دولت که منجر به وقایع اسف آوری گردید و هم چنین اعزام افراد مخصوص بوسیله هواپیما بمنظور تخریب راه آهن و قطع وسائط ارتباطیه و تشکیل سازمانهای جاسوسی و سایر اقداماتی که خاطر نمایندگان محترم از چگونگی آنها آگاه میباشند آشکار ساخت که عمال آلمانی بر خلاف انتظار دست به فعالیت های وخیمی در ایران زده سعی کرده اند با ایجاد اختلاف و تفرقه میان مردم این کشور آتش فتنه و انقلاب داخلی را بر پا ساخته و موجبات سلب آسایش عامه و اختلال امنیت مملکت را فراهم کنند . دولت ایران این قبیل عملیات نامشروع دولت آلمان را در داخل ایران خصمانه تلقی کرده و تحریکات و وسائلی را هم که بمنظور ایجاد فتنه و آشوب در سراسر کشور بعمل آمده است مخاطره آمیز تشخیص و برای حفظ مصالح عالیله کشور خود حقا " موظف میباشد اقداماتی در خاتمه دادن باین وضعیت و اوضاع ناگوار که مورد انزجار قاطبه ملت ایران است بعمل آورد . بنا بر این دولت با مذاقه در جمیع جهات امر و تشخیص منافع مملکت در حال و استقبال خود را ناگزیر دید که بفرمان اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی حالت مخاضمه را بین ایران و آلمان اعلام دارد و در همین حال الحاق خود را با اعلامیه مشترک ملل متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ اعلام میدارد و فرمان اعلان جنگ امروز ساعت نه و سی و چهار دقیقه بصره همایونی رسیده که متن آن قرائت میشود :

## با تأییدات خداوند متعال

ما

پهلوی شاهنشاه ایران

بنا به پیشنهاد دولت بر طبق اصل پنجاه و یکم قانون اساسی از تاریخ هفدهم شهریور ماه ۱۳۲۲ حالت جنگ را بین کشور خودمان و آلمان مقرر و اعلام میداریم .

۱۷ شهریورماه ۱۳۲۲ محمدرضا پهلوی

روز بعد اعلامیه دولت بشرح زیر انتشار یافت .

### اعلامیه دولت درباره وظایف مردم در قبال اعلان جنگ ایران به آلمان

در این موقع که بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ، دولت ایران بمناسبت عملیات خصمانه و مضرت آمیز عمال آلمان . داخل در جنگ با آن دولت شده و مجلس شورای ملی هم با رای اعتماد رویه سیاست دولت را تأیید نموده است و باید با تمام قوای مادی و معنوی در پیشرفت مقصود مشترک با متفقین تشریک مساعی بعمل آورد موبرای هرگونه عملیات دفاعی و وسائل جلوگیری از تحریکات و انتشارات مضر مجهز و مهیا باشد مقررات زیر را اعلام میدارد .

۱- از این تاریخ مقررات و قوانین کیفری زمان جنگ در کلیه کشور اعلان و بموقع اجرا گذاشته میشود و بر عهده ارتش است که جزئیات و موارد منظوره در قانون دادرسی و کیفر ارتش را بالاخصاص در مورد حفظ امنیت خطوط ، موصلات از قبیل راهها و راه آهن و خطوط تلگرافی و تلفن بعموم اهالی کشور اعلام و دستورات مقتضی بدادستانها و محاکم نظامی صادر نمایند .

۲- نظر باینکه پیشرفت مقصود دولت ایران با مرام متفقین یکسان میباشد و با اینکه به حسن نیت و پشتیبانی کامل ایرانیان نسبت به حفظ شئون و مصالح کشور اطمینان حاصل است و همیشه در مواقع سخت از هیچگونه فداکاری خودداری ننموده اند محض مزید تذکر بکلیه طبقات اهالی خاطر نشان میشود که هر نوع موافقت و معاضدت با عمال خصم را در



حکم خیانت به منافع عالیه میهن بدانند و آگاه باشند که متخلفین طبق مقررات زمان جنگ تعقیب و مجازات خواهند شد .

۳ - هرگونه تحریک یا عمل به تعطیل و خرابکاری یا اختلال در راه آهن و راههای شوسه و کلیه خطوط و مخابراتی و کارخانجات دولتی و ملی ، معادن و سایر منابع اقتصادی و امثال آن طبق قوانین تعقیب و مرتکب مشمول کیفرهای مقرر خواهد گردید .

۴ - نظر باینکه حفظ وحدت ملی و جلوگیری از هرگونه تشتت در بین طبقات شرط اول موفقیت در منظور است و مخصوصاً " جراید و ناطقین این وظیفه راعهده دار میباشند بنابراین اخطار می شود که حمل اکاذیب و مخالفت با سیاست خارجی ایران و اهانت به مقامات رسمی ایران و مقامات خارجی که با دولت شاهنشاهی متفق و یاروابط دوستانه دارند و نیز هر عملی که باعث تولید نفاق و بالنتیجه مخل نظم عمومی گردد اکیدا " ممنوع و متخلفین طبق مقررات قانون تعقیب و مجازات خواهند شد .

۵ - کلیه کارمندان دولت مکلفند که با عمال وزارت جنگ و کشور که مامور اجرای این مقررات هستند تشریک مساعی نمایند .

" نخست وزیر - علی سهیلی "

روز سه شنبه اول آذرماه دوره سیزدهم قانونگزاری به پایان رسید و در روز نهم آذر ماه بود که اعلامیه سران سه دولت بزرگ بشرح زیر در ایران نشر یافت .

" رئیس جمهوری آمریکا - نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی و نخست وزیر ممالک متحده انگلستان پس از مشورت بین خود با نخست وزیر ایران مایلند موافقت سه دولت را راجع بمناسبات خود با ایران اعلام دارند .

دولتهای کشورهای متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان کمکهای را که ایران در تعقیب جنگ بر علیه دشمن مشترک و مخصوصاً " تسهیل وسائل حمل و نقل مهمات از ممالک ماوراء بحار با اتحاد جماهیر شوروی بعمل آورده تصدیق دارند .

سه دولت نامبرده تصدیق دارند که این جنگ مشکلات اقتصادی خاصی برای ایران فراهم آورده و موافقت دارند که با در نظر گرفتن احتیاجات سنگین که عملیات جنگی جهانی بر آنها تحمیل میکند و کمی وسایل حمل و نقل در دنیا و هم چنین کمی مواد خام و سایر حوائج کشوری کمکهای اقتصادی خود را تا حد امکان بدولت ایران ادامه بدهند .

راجع بدوره بعد از جنگ دول کشورهای متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک

متحده انگلستان با دولت ایران موافقت دارند که هر نوع مسائل اقتصادی که در پایان مخاصمات ایران با آن مواجه باشد از طرف کنفرانسها یا مجامع بین المللی که برای مطالعه مسائل اقتصادی بین المللی تشکیل و یا ایجاد شود با مسائل اقتصادی سایر ملل متحد مورد توجه کامل قرار گیرد .

دولتهای کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با دولت اتفاق نظر دارند و بمشارکت ایران با سایر ملل صلح دوست در برقراری صلح بین المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ بر طبق اصول منشور آتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت استظهار دارند " .

امضاء : وینستون چرچیل - ژ. و. استالین - فرانکلین د. روزولت

چهار روز پس از انتشار این اعلامیه بود که وسیله نخست وزیر وقت اعلام گشت پایتخت کشور شاهنشاهی مرکز تجمع سران سه دولت بزرگ متفق قرار گرفته و آنان مذاکراتی پیرامون جنگ در تهران نموده اند .

در این روز بنا بدعوت مرحوم سهیلی اجتماعی از سران لشکر - شخصیت های برجسته داخلی و خارجی و نمایندگان مطبوعات در تالار کاخ وزارت امور خارجه بوجود آمده و نخست وزیر طی بیاناتی از اسرار کنفرانس مهمی که یک هفته قبل از آن در تهران تشکیل شده بود پرده برداشت . چندی پیش از این کنفرانس وزرای خارجه دول متفق در مسکو منعقد گشته بود و ایدن وزیر خارجه انگلستان و کردل هول وزیر خارجه امریکا برای شرکت در این کنفرانس از راه تهران رفتند و هر کدام چند روزی در تهران اقامت کردند .

در کنفرانس وزرای خارجه متفقین مقدمات یک کنفرانس عالی از زمامداران سه کشور فراهم شده بود و همه میدانستند که تشکیل این کنفرانس اهمیت زیادی در سرنوشت و اوضاع جهان خواهد داشت ، اما از محل انعقاد کنفرانس کسی باخبر نبود تا روزیکه نخست وزیر ایران فاش نمود پیشوایان سه کشور متفق تهران را برای انعقاد کنفرانس مهم خود در نظر گرفته و چند روز در پایتخت مهمان بودند . سهیلی گفت .

" صبح روز دهم آذرماه روسای کشورهای متفق ما و همراهمان آنها با هواپیما به مقصد کشورهای خود عزیمت نمودند . دولت ایران خوشوقت است که محل وقوع این کنفرانس تاریخی نصیب کشور ما و در تهران بعمل آمد و با نهایت مسرت را دارد که توافق نظر سه دولت بزرگ در منویات خود بمنظور میل به پیروزی و برقراری صلح جهانی در اینجا حاصل

گردیده است .

و باز خوشوقت است که منافع عالیه ایران را متفقین ما همواره منظور نظر داشته و مساعدتها و زحمات ما مورد تصدیق روسای منظم سه دولت بزرگ قرار گرفته است . دولت آتیه خوشی را برای سعادت ملت ایران نوید می دهد و امیدواری کامل دارد که این ملت از زحمات خود نتایج ذیقیمت و حیاتبخشی بگیرد .

اجتماع سه پیشوای بزرگ در تهران و صدور اعلامیه راجع بایران در کلیه طبقات ایرانیان اثر فوق العاده نیکی بخشید و مندرجات اعلامیه این سران در هر مجلسی و محفلی مورد گفتگو بود . و در کشورهای خارج نیز تصمیمات متخذه در این کنفرانس با استقبال گرم روبرو شد .

در موقع حرکت بریزیدنت روزولت ریاست جمهوری آمریکا طی نامه ای جهت شاهنشاه

نوشتند :

" نمی توانم تشریح کنم که تا چه اندازه این همه براز دوستی حقیقی از طرف اعلیحضرت مایه مسرت قلبی من شده است عزیزم از ایران آمیخته بتاسف خواهد بود که نتوانستم بیش از این با اعلیحضرت آشنائی پیدا کنم و کشور و ملت شما را از نزدیک ببینم

سالهاست که مردم آمریکا از نیات و احساسات دوستی ملت ایران آگاه میباشند . مهمان نوازی اعلیحضرت همایونی بنام ایرانیان این احساسات را برای سالهای متعددی در خاطر ملت امریکا زنده و جاویدان نگاه خواهد داشت .

ایران در قلوب آمریکائیها همیشه محبوبیت داشته و امروز که در جنگ کنونی مقام برادری احراز نموده ایم این محبوبیت تشبید و تحکیم گردیده است .

ما از سهمی که ایران در این کار زار مشترک دارد مستحضر می باشیم و امیدوارم که پس از برقراری صلح روح همکاری کنونی بدون عایق و مانع در عملیات ایام صلح نیز بین دو ملت ادامه داشته باشد .

موقع را غنیمت شمرده تشکرات خود را از ابراز مودت و مهمان نوازهائی که از طرف اعلیحضرت نصیب من شده است و اظهار و بزرگترین سعادت را برای اعلیحضرت و اهالی این سرزمین باستانی مسئلت دارم .

خیلی امیدوارم که مسافرتی بواشنگتن فرموده و از این محبت ما را مسرور فرمائید .

هم چنین وینستون چرچیل نخست وزیر وقت انگلستان ضمن نامه گرم و صمیمانه‌ای چنین نوشتند :

" همیشه خاطره روزهای درخشانی را که در کشور اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی بسر برده‌ام در نظر داشته و رجاء واثق دارم که این روزهای درخشان در شکست سریع دشمن مشترک خودمان و طلوع دوره صلح و سعادت گیتی عامل موثر خواهد بود . "

بی شک نمی توان از کنفرانس تهران چنین سرسری گذشت زیرا این کنفرانس نقش بسیار مهمی در سرنوشت جنگ دوم جهانی داشت و بسیاری از مورخین قید کرده اند که کنفرانس تهران راه گشای صلح در جنگ دوم جهانی بوده است ، آنچه در این کنفرانس جلب توجه کرد شناساندن شخصیت شاه جوان بمران کشورهای خارجی بود و آنان سخت تحت تاثیر دانایی بیش از حد و وسعت معلومات فوق العاده رهبر جوان ایران قرار گرفتند .

" رامش سنگوی " نویسنده هندی در کتاب مشهور خود " آریامهر شاهنشاه ایران " روپداد کنفرانس تهران را این چنین تعبیر کرده است که بهتر است تمامی این فصل را از نظر این روزنامه نگار برجسته هندی بخوانید :

شاهنشاه از نزدیک جریان جنگ را بررسی می کردند ولی تمام هم ایشان مصروف رفع مشکلات فراوانی بود که سیاستهای انگلیس و روسیه به وجود آورده و نتیجه آن هرج و مرج روز افزون سیاست داخلی و اقتصادی ایران بود .

معظم له که تحصیلات و کارآموزی عالی نظامی داشتند وقایعی را که در چهار جبهه اصلی جنگ روسیه ، شمال افریقا ، ایتالیا ، و حوزه اقیانوس آرام رخ می داد تجزیه و تحلیل می کردند . هر روز ساعتها با مشاورین نظامی خود از روی نقشه این مناطق ، درباره اقدامات عاقلانه یا اشتباهات طرفین جنگ به بحث و مشورت می پرداختند .

در تابستان سال ۱۳۲۲ شاهنشاه دیگر شکی نداشتند که پایان جنگ نزدیک است . هیتلر از فتح کوچکی که در جبهه شرق نصیبش شده بود ، فریب خورده بود و به طرز خطرناکی در قمار جنگ ، سراسیمه سقوط را طی می کرد . او مثل هر قماربازی که شکست را نزدیک می بیند و مبلغ شرط بندی را بیشتر می کند ، بیشتر تن به مخاطره می داد و مسلم است که به همان نسبت پی در پی شکست می خورد . بیش از سه چهارم نیروها در دام

حمله متقابل اتحاد شوروی گیر افتاده بودند . شاهنشاه می دانستند که اگر چه متفقین با گشودن جبهه دوم موافقت کرده اند ، ولی دورنمای آن را چندان روشن نمی دیدند . اما پس از بررسی وضع نیرو های متخاصم به این نتیجه رسیده بودند که موقعیت طرفین هیچگونه ابهامی ندارد و نتیجه جنگ دیگر تاریک نیست . پایان دوران برتری جویی آلمان نازی را به خوبی می شد حدس زد . ماشین جنگی نیرومند و جدیدی که به وسیله استالین به پیش رانده می شد ، به روسها اطمینان بخشیده بود و حیثیت بین المللی آن کشور را روز بروز افزایش می داد . استالین با توجه به پیشرفتهای نظامی ارتش سرخ مطمئن بود که بزودی پیشنهادهایی درباره تقسیم کشورها و قرار داد های بعد از جنگ به او تسلیم خواهد شد .

رهبران کشورهای غربی در راه مسکو و یا در مراجعت از شوروی چند روزی در تهران می گذراندند . شاهنشاه چه از طریق گفتگوی مستقیم با آنان و چه از راه مذاکراتی که نخست وزیر یا وزیر امور خارجه به دستور ایشان با این اشخاص برگزار می کرد ، اطلاعات گرانبهایی جمع آوری می کردند . اما بعضی از اطلاعات محرمانه ای که از این طریق جمع آوری شده بود ، اندوه ایشان را فزونی داد . متفقین زمان جنگ که پیروزی را نزدیک و در دسترس خود می دیدند به فکر منافع آتی خود افتاد و باز بیهای متداول سیاسی خود را شروع کرده بودند و هر کدام از آنها مشغول تمرین سیاستهای مختلفی بودند که منافع آتی منطقه ای آنان را بهتر تامین می کرد . متفقین در نتیجه نزدیکی پیروزی نظامی درخشان خود بر نیرو های نازی ، چنان تصور می کردند که نوعی حقوق خدایی به ایشان تفویض شده است تا بتوانند درباره سرنوشت تمام جهان تصمیم بگیرند .

در پاییز سال ۱۳۲۲ شاهنشاه متوجه هیجان و کدورتی شدند که بر روابط انگلیس ، امریکا و روسیه حکمفرما شده بود . تیرگی روابط نتیجه اقدام استالین بود که صلح فوری اما ناگواری را به آلمان پیشنهاد می کرد . چرچیل و روزولت در عقیده خود پا فشاری می کردند و " فلج کردن " کامل نیرویی را که در طول عمر یک نسل دوبار باعث به راه انداختن جنگ جهانی شده بود ، بهترین راه حل می دانستند . مفهوم تجزیه رایش سوم کم کم در دیپلوماسی مرکب دول متفق ریشه می گرفت و نتیجه آن بود که ملاقات بین چرچیل ، روزولت و استالین قریب الوقوع به نظر می رسید .

سفرای ایران در لندن و واشنگتن به شاهنشاه گزارش داده بودند که استالین موافقت

کرده است با چرچیل و روزولت ملاقات و طرح کلی مسائل بعد از جنگ را تعیین نماید . مولوتف وزیر خارجه اتحاد شوروی از طرف استالین عقاید او را به انگلیس و امریکا اطلاع داده و گفته بود که اروپای بعد از جنگ باید به مناطق نفوذ قوای فاتح تقسیم بندی شود . استالین حتی مالکی را که می بایست در حوزه نفوذ شوروی قرار گیرند ، از پیش تعیین کرده بود . پس از انقلاب روسیه ، دنیای غرب از مالک ضد کمونیست کمر بند اطمینانی به دور اتحاد شوروی کشیده بود که از نظر استالین تمهیدی برای محاصره این کشور بود . هیتلر هجوم قوای خود را از یکی از مالکی که در کمر بند اطمینان قرار داشت شروع کرده بود و برای استالین ثابت شده بود که تمامی طرح محاصره چیزی جز تهدیدی ناموه تر علیه روسیه نیست . اکنون او مصمم بود که همین نقشه را در مورد متفقین غیر کمونیست خود برگرداند و تقاضا کند مالکی که در مرزهای جنوب غربی روسیه قرار دارند ، جزو مناطق نفوذ این کشور محسوب گردند . با آنکه ادعای استالین تمام مالک بالکان را در خود می گرفت ، متفقین غربی پیشنهاد او را رد نکردند . شاهنشاه می دانستند چون نیروهای نظامی استالین در جنگ رشادت زیادی از خود بروز داده و با دادن تلفات بسیار زیاد پیروز شده اند ، متفقین در موقعیتی نیستند که خواسته های او را نادیده انگارند . از سوی دیگر ، چرچیل " ضد نقشه " ای در مورد مناطق نفوذ امریکا ، انگلیس ، و روسیه طرح کرده بود . در بهار سال ۱۳۲۲ امید چندانی به پذیرش این طرح از طرف روزولت نمی رفت .

اگر چه گفتگوی کنفرانس وزرای خارجه متفقین که در اکتبر ۱۹۴۴ م . (مهر ۱۳۲۲) در مسکو منعقد شد به موضوع کشورهای اروپایی که در مرزهای جنوبی روسیه قرار دارند ، محدود شد ، ولی شاهنشاه با اطلاعاتی که کسب کرده بودند احتمال می دادند که پیشنهاد روسیه ممکن است برای ایران زیان بخش و خطرناک باشد . زیرا اصول " صیانت اتحاد جماهیر شوروی از هر حمله احتمالی در آینده از سوی جنوب " را با آسانی می شد به مرزهای جنوبی روسیه در آسیا گسترش داد . اگر چنین اتفاقی رخ می داد ، ناگزیر یکبار دیگر ایران تقسیم می شد . متفقین که از باده پیروزی سرمست شده بودند ، ممکن بود با آسانی از استقلال ایران که بطور فرضی طی قرارداد سه جانبه آن را تضمین کرده بودند ، صرف نظر نموده ، موافقت کنند که یا تمام ایران در منطقه نفوذ شوروی قرار گیرد و یا به چند پاره جداگانه تقسیم شود . برای شاهنشاه طبیعی بود که به یاد بیاورند قبلا چنین واقعه ای

رخ داده و در آینده نیز ممکن است رخ دهد. از این جهت وظیفه‌ای که برعهده داشتند آن بود که به هر قیمت شده، از وقوع چنان مصیبتی جلوگیری نمایند.

هفتم آذر ۱۳۲۲، هنگامی که روزولت، چرچیل، و استالین میهمان تهران بودند، شاهنشاه فرصتی یافتند تا شخصیت خود و ایران را در مسیر جریان سیاست بین‌المللی قرار دهند. وزرای خارجه متفقین از نوزدهم تا سی و یکم اکتبر در مسکو مذاکره کرده و بر روی بیانیه الحاقی درباره حدود آینده دول متفق موافقت کرده بودند. شاهنشاه موفق شدند آنتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلیس را وادار سازند تا به شناسایی سهم ایران در پیروزی متفقین اعتراف کند. ایدن، به مسکو می‌رفت، در برابر عموم اظهار داشت که:

"تمام مردم انگلستان مدیون کمکهای ذیقیمت ایران هستند که بخاطر دسترسی به هدف مشترک ایثار شده است. کنفرانس وزرای امور خارجه در مسکو راه را برای کنفرانس سران دول متفق آماده ساخت و با موافقت شاهنشاه و دولت ایران قرارداد کنفرانس در تهران تشکیل شود.

محل وسیع سفارت شوروی در تهران مرکز دیپلوماسی دول غالب و کانون توجه جهان مضطرب شد. "سفارت انگلیس و باغش در کنار سفارت شوروی قرار دارد. سفارت شوروی نیز از طرف سربازان شوروی که تعدادشان از سربازان انگلیسی و هندی بیشتر بود محافظت می‌شد و هر دو سفارتخانه به این ترتیب به صورت یک موضع نظامی درآمده بود. سفارت امریکا که در ۱۵۰۰ متری سفارت روس و انگلیس قرار داشت به وسیله سربازان امریکایی محافظت می‌شد و این بعد مسافت روزولت و یا من و استالین را مجبور می‌ساخت که برای ملاقات با یکدیگر این مسافت را هرروز در کوچه‌ها بپیماییم.

"در این احوال، مولوتف که ۲۴ ساعت قبل از ما رسیده بود، تعریف می‌کرد که سرویس جاسوسی شوروی توطئه‌ای را برای کشتن یک یا هرسه نفر ما کشف کرده است و این نکته که مامجور بودیم هرروز دوبار کوچه‌های تنگ تهران را بپیماییم او را سخت مضطرب ساخته بود. مولوتف می‌گفت اگر چنین واقعه‌ای رخ دهد و به یکی از سران دول سوء قصد شود نتیجه آن وحشتناک خواهد بود.

"البته این مطالب انکارناپذیر بود لذا وقتی مولوتف به رئیس جمهور پیشنهاد کرد

که در سفارت شوروی که دویا سه مرتبه از سفارت انگلیس بزرگتر است منزل کند، من پیشنهاد او را نائید کردم. اطراف سفارت روس پارک بزرگی بود که به وسیله سربازان و پلیسهای شوروی محافظت می شد.

"عاقبت موفق شدیم این پیشنهاد را به رئیس جمهور بقیولانیم و وی به معیت اطرافیان نزدیک خود و آشپز فیلیپینی اش که با کشتی همراه او آمده بود به سفارت شوروی رفت. به این ترتیب، تمام جلسات محرمانه کنفرانس در سفارت کبرای شوروی در تهران تشکیل شد.

در تابستان سال ۱۹۴۲ (۱۳۲۱) اولین بار وینستون چرچیل را که برای ملاقات با استالین از طریق ایران عازم مسکو بود ملاقات کردم. وی دو روز در تهران اقامت گزید و طی ضیافت ناهاری که برای او ترتیب داده بودم مذاکرات جالبی بین او و من پیش آمد. به نظرم یکی از مسائل مورد بحث مسأله ورود نیروی متفقین به قاره اروپا و در هم شکستن قوای هیتلری بود. من به چرچیل پیشنهاد کردم که متفقین باید اول به ایتالیا حمله کنند و پس از آنکه وضع خود را در آنجا تثبیت نمودند از طریق بالکان به حمله عظیم خود مبادرت ورزند. در حالیکه چرچیل به پیشنهاد من گوش فرا داد و در باب آن فکرمی کرد متوجه شدم که چشمانش برقی زد. در آن موقع درباره پیشنهاد من اظهار نظری نکرد ولی نقشه بعدی وی درباره تسخیر اروپا از طریق "شکم نرم" یعنی ایتالیا، چندان هم از پیشنهاد من دور نبود. البته توافق نظریات سوق الجیشی ما دو نفر بر سبیل اتفاق بود ولی اگر نقشه مزبور عملی می شد محققا "سرنوشت ملل کشورهای مرکزی اروپا طوری دیگری ثبت تاریخ می گردید.

کنفرانس تهران از هفتم تا دهم آذر سال ۱۳۲۲ طول کشید. در طول این مدت شاهنشاه با سران دول سه گانه تشکیل دهنده کنفرانس ملاقات و مذاکره کردند. روزولت به علت ضعف مزاج قادر نبود که از محل خود خارج شود و این مسأله وضع عجیبی را پیش آورده بود بدین کیفیت که من برای ملاقات او به سفارت کبرای شوروی رفتم و حال آنکه استالین شخصا به ملاقات من آمد (....) استالین مخصوصا در هنگام ملاقات با من مؤدب و قاعده دان بود و ظاهرا "می خواست خاطره خوشی از خود در ذهن من باقی بگذارد.

با آنکه ایران رسماً در کنفرانس سران شرکت نداشت ولی شاهنشاه آزادانه موقعیتهای



بین الطلی را با سران کشورهای سه گانه در میان می‌گذاشتند و به قصد آنکه منظور اصلی میهمانانشان را تا آنجا که به تعهدات آنها طی پیمان سه جانبه مربوط می‌شد بسنجند با ایشان بحث می‌کردند. تردید معظم له هنگامی که متوجه شدند هنوز بین آنها موافقتنامه آشکاری در باب منطقه نفوذ شوروی در کشورهای بالکان منعقد نشده، افزایش یافت. گرچه ضمن مذاکرات شاهنشاه و سران سه کشور مستقیماً "هیچگونه اشاره‌ای به مقاصد شوروی در باب ایران و عکس العمل احتمالی آمریکا و انگلیس به میان نیامد، ولی سران سه کشور مقصود اصلی شاهنشاه را دریافتند. طی این مذاکرات، همواره تأکید شاهنشاه بر آن بود که موقعیت ایران را در چهارچوب سازمان ملل آینده که رهبران ائتلاف ضدفاشیست درباره آن حرف می‌زدند، مشخص نمایند.

چرچیل، روزولت، و استالین بسیار مؤدب و خوشحال بودند. مثلاً استالین که می‌خواست نظر تاجدار جوان ایران را به سوی خود جلب کند، با توجه به خطر آلمان پیشنهاد اهدای یک هنگ تانک ت ۳۴ و یک گروه هواپیمای جنگنده نمود. استالین این پیشنهاد را هنگامی تقدیم داشت که شاهنشاه ضمن سخن، کمبود نومید کننده تجهیزات جنگی مدرن را در ایران مطرح نمودند. ولی این پیشنهاد به جایی نرسید زیرا استالین شرایط دشواری برای آن در نظر گرفته بود.

از آنجا که از حیث مهمات جدید جنگی سخت در مضیقه بودیم، نزدیک بود پیشنهاد او را قبول کنم ولی چند هفته بعد که از جزئیات اطلاع حاصل شد معلوم گردید که آن هدیه متضمن شرایط دشواری هم هست، بدین کیفیت که افسران و درجه داران روسی باید با این هدیه به ایران بیایند و محل نگاهداری تانکها باید فقط در قزوین و هواپیماهای جنگنده در مشهد باشد و تا پایان دوره آموزشی که مدت آن معلوم و مشخص نشده بود تانکها و هواپیماها باید در تحت فرماندهی مستقیم ستاد روسیه در مسکو باشند... البته نه تنها هدیه استالین را با این شرایط نمی‌توانستم قبول کنم بلکه اگر چنین پیشنهادی از طرف کشور دیگری هم می‌شد آن را رد می‌کردم. از اینرو از پذیرفتن هدایای مزبور با اظهار سپاسگزاری معذرت خواستم.

روزولت خیلی مهربان و دلجو بود و طی مذاکرات مختلف خود با شاهنشاه اظهار داشت که پس از اتمام دوره ریاست جمهوری‌اش مایل است به عنوان متخصص احیای جنگلها به ایران بیاید. شاهنشاه از صمیمت و ملامتی که روزولت از خود نشان داد، او را مردی

فوق العاده شناختند که هر چه را که منظور نظرش بود بسادگی هر چه تمامتر اظهار می داشت . روزولت در نظر من یک نفر باختری ممتاز و برجسته آمد که بنا به سنت دیرین دانشمندان، شیفته و فریفته ایران و فرهنگ این سرزمین بود . با وجود آنکه با سیاست خارجی روزولت در بعضی جهات کاملاً مخالف بودم، وی را از جهات دیگری به چشم تحسین و تکریم نگاه می کردم و بسیار متأسفم که مرگ ناگهانی مجال عملی ساختن آرزویی که برای ما مغتنم بود به وی نداد .

شاهنشاه در حالی که از وضع موجود کشور کاملاً مطلع بودند، به عنوان اولین تجربه در سیاست بین المللی پیچ و خمهای سیاسی را پیمودند و در نیل به مقصود موفق شدند، زیرا رهبران سه کشور متفق بشدت سرگرم گفتگو درباره زمان و مکان گشودن جبهه دوم، متارکه جنگ با آلمان، مرزهای آتی لهستان، و سرنوشت کشورهای بالکان و بودند . و تحت چنان شرایط دشواری مهارت فوق العاده ای لازم بود تا سنگ بنای تعهداتی که به آزادی و استقلال و ترقی ایران منجر می شد، گذارده شود .

همینکه کنفرانس تهران به پایان خود نزدیک شد، شاهنشاه به وزیر خارجه خویش، ساعد دستور فرمودند تا یادداشتی غیر رسمی تهیه و از طریق وزرای امور خارجه دول متفق به سران سه کشور تسلیم کند . ساعد یادداشت را تهیه کرد و به حضور اعلیحضرت شاهنشاه تقدیم داشت . شاهنشاه ضمن تأکید مفاد یادداشت آن را با دقت تمام خلاصه کردند . تنها سه مطلب اساسی که مورد نیاز ایران بود، تحت سه عنوان در یادداشت باقی ماند . شاهنشاه می خواستند اولاً، این سه نفر که داور مطلق و مختار در تعیین سرنوشت ملتها هستند، کوششهایی را که ایران در حصول پیروزی قریب الوقوع آنان انجام داده است، و نیز سختی و مشقتی که ملت ایران در نتیجه جنگ و همکاری با متفقین تحمل کرده، به خاطر بیاورند، ثانیاً "تضمینهای مکرر کتبی و شفاهی متفقین در مورد احترام به استقلال و حق حاکمیت ایران، نه تنها دوباره تأکید بلکه تقویت گردد؛ ثالثاً، به رهبران میهمان تهران، و مؤکداً، اصولی را که بنا به پیمان سه جانبه تعهد کرده بودند، و طبق مواد آن پیمان بایستی اداره مملکت را به حکومت قانونی ایران برمی گردانند، یادآوری شود . شاهنشاه به وزیر خارجه دستور دادند تا یادداشت را با اظهار امیدواری به اینکه رهبران دول سه گانه مواردی را که خاطر نشان شده و مورد موافقت قرار گرفته است طی بیانیهای عمومی تأیید نمایند، خاتمه دهد . روز ۲۹ نوامبر (۸ آذر) که دومین روز کنفرانس

تهران بود، یادداشت فوق به وزرای خارجه سه دولت متفق تسلیم شد. شاهنشاه به نخست وزیر خود علی سهیلی و وزیر خارجه اش دستور داده بودند تا با اعضای عالیرتبه سه دولت شرکت کننده در کنفرانس در تماس نزدیک باشند. سهیلی و ساعدچندین بار با مولوتف، ایدن، و ژنرال هورلی، نماینده مخصوص روزولت در تهران، ملاقات و مذاکره کردند. گفتگو و مشورت آنها در اطراف مطالبی متمرکز بود که شاهنشاه با روزولت، چرچیل، و استالین در میان نهاده بودند و به وضوح در یادداشت غیررسمی وزیر امور خارجه ذکر شده بود. مساعی خستگی ناپذیر شاهنشاه منجر به آن شده که از سوی میهمانان ایران اعلامیه‌ای به دلخواه ایران صادر و تعهدات ایشان یک بار دیگر تأیید گردد. این اعلامیه پس از پایان جنگ و مخصوصاً در دوران تلخ ستیزه‌جویی استالین در مورد آذربایجان، به صورت تکیه‌گاه سیاست ایران در آمد.

اعلامیه تهران که روز اول دسامبر صادر شد، از نظر وقایعی که بعداً رخ داد آنقدر مهم است که باید بعضی از قسمتهای اساسی آن در اینجا ذکر شود:

دولتهای کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان کمکهایی را که ایران در پیشرفت جنگ بر علیه دشمن مشترک و مخصوصاً در قسمت تسهیل و وسایل حمل و نقل مهمات از ممالک ماوراء بحار به اتحاد جماهیر شوروی بعمل آورده تصدیق دارند. سه دولت نامبرده تصدیق دارند که جنگ برای ایران دشواریهای مخصوص اقتصادی ایجاد کرده است و موافقت کردند که هرگونه مساعدت اقتصادی که امکان داشته باشد برای دولت ایران فراهم کنند. . . . دولتهای کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک منحه انگلستان با دولت ایران در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با سایر ملل طرفدار صلح در استقرار صلح بین‌المللی و امنیت و رفاه پس از جنگ طبق منشور آتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است استظهار دارند.

هرکس این عبارات امید بخش رامی خواند و نزدیک شدن زمان پیروزی متفقین رامی دید، یقین حاصل می‌کرد که دوره سختی وطن من در شرف پایان است. ولی حوادث گذشته، نسبت به آنچه پس از آن وقوع یافت، قابل اهمیت نبود. . . .

یکبار دیگر سران کشورهای متفق قول شرف دادند که استقلال ایران را محترم بشمارند و نیروهای خود را از ایران خارج کنند. البته شاهنشاه مطلع بودند که این اعلامیه چیزی

جز بیانیهای سیاسی نیست ولی در آن شرایط راه دیگری برای اخذ تضمین از متفقین در مورد احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال ایران، وجود نداشت. به هر حال، چنین به نظر می‌رسید که کنفرانس تهران نزدیکی بیشتری بین متفقین ایجاد کرده‌است. اما صورت مذاکرات محرمانه<sup>۱</sup> کنفرانس در دسترس نبود و غیراز گروه کوچک سیاستمداران دول متفق تنها افرادی که در بعضی از جلسات محرمانه شرکت کرده بودند از جریانات پشت پرده و مخالفت‌هایی که سرانجام تبدیل به مصالحه و سازش شد، اطلاع داشتند. در آن ایام حتی شرکت کنندگان در کنفرانس نیز بسختی می‌توانستند باور کنند که روزی محیط گرم و صمیمانه‌ای که در کنفرانس برقرار بود پس از تسلیم آلمان جای خود را به جنگ سرد بسپارد.

شاهنشاه از جمع موقعیتها و شرایطی که پیش آمده بود، ناظر رقابت و کشمکشهای نمایندگان "سه ابر قدرت" بودند و این موضوع برای جوان هوشمندی که چند هفته قبل از آن بیست و پنجمین سالگرد تولدش را برگزار کرده بود، تجربه‌ای عالی و توأم با پاداش بود. شاهنشاه از زمانی که بی‌برده بودند کنفرانس در تهران منعقد می‌شود، چند اصل مهم را برگزیده و مورد توجه قرار داده بودند و در پایان کنفرانس به تمام مقاصد عالی خود دست یافتند. زیرا، گرچه کنفرانس ممالک بالکان و لهستان را متأثر کرد ولی حداقل نتیجه از نظر شاهنشاه آن بود که مملکت معظم له در بازیهای سیاسی، که این کنفرانس اولین مرحله<sup>۲</sup> آن بود، بازنده نمی‌شد.

شاهنشاه معمار اصلی استراتژی ایران در تهران بودند. همانطور که حوادث بعدی ثابت کرد، لاقلاً یکی از متفقین طرحهای دیگری غیر از آنچه اعلام و تعهد کرده بود برای ایران در نظر داشت. اگر شاهنشاه عقب می‌نشستند یا اشتباهات سیاسی از ایشان سر می‌زد، اعلامیه<sup>۳</sup> کنفرانس تهران آن قالبی را به خود می‌گرفت که استالین می‌خواست و در انجام آن پافشاری می‌کرد. در آن صورت، در فاصله‌ای کمتر از سه سال، یعنی زمانی که شاهنشاه در مقابل توسعه طلبی استالین ایستادگی کردند، وضع دیگری پیش می‌آمد. فهم زیرکانه<sup>۴</sup> سیاسی، در زمستان ۱۳۲۲ ایشان را متقاعد ساخت که استالین نه می‌تواند ادعاهای خود را علیه ایران از پیش ببرد و نه می‌تواند از زیر بار تعهداتی که طی پیمان سه دولت متفق بر عهده گرفته است، شانه خالی کند. همین عقیده<sup>۵</sup> محکم ایشان بود که اساس پیشنهادشان را تشکیل داد و متفقین را وادار ساخت تا طی اعلامیه<sup>۶</sup> اول دسامبر (۲۸ آذر) تعهداتی را

که به گردن گرفته‌اند، مجدداً تأیید کنند.

شاهنشاه دلایل کافی در دست داشتند تا معتقد شوند که "دورهٔ سختی وطن من در شرف پایان است." چنین به نظر می‌رسید که جنگ آلمان را خسته کرده است و قدرت اصلی نیروهای نازی درهم شکسته است. همزمان با شکست هیتلر در نبرد کورسک، موسولینی سقوط کرده بود و ایتالیا به زانو در آمده بود رؤسای سه کشور نیز بسیار خوشبین بودند و طی اعلامیهٔ تهران یادآور شدند که:

"ما با تصمیم و امید به طهران وارد شده و اینک در حالی که حقیقتاً در روح و قصد رفیق یکدیگریم اینجا را ترک می‌گوییم". اما هنوز مشکلات و معضلات ایران پایان نیافته بود و کشمکش جدیدی قریب الوقوع بود و "حوادث گذشته نسبت به آنچه پس از آن وقوع یافت قابل اهمیت نبود."

پس از پایان کنفرانس سران دول در تهران بود که مجلس چهاردهم افتتاح یافت در این روز شاهنشاه طی نطقی به نمایندگان مجلس چنین خطاب فرمودند:

"برای حلول پیروزی شرط مهم و اساسی وجود همکاری موثر و سودمند بین مجلس شورایملی و دولت میباشد تا در نتیجه هم آهنگی و وحدت نظر سعادت کشور تا مین و دولت نیز در اجرای برنامه خود توفیق و کامیابی حاصل نماید و مخصوصاً این نکته را نصب العین قرار میدهیم که این دوره نسبت به دوره سیزدهم مسئولیت سنگین و وظایف مهمتری برعهده دارد ممکن است و بلکه امیدواری کامل داریم که انعقاد صلح با دوره چهاردهم مقارن باشد. بنابراین مطمئن هستیم که اعضاء مجلس سعی خواهند نمود تا با تفاق و همکاری دولت و مجلس و آسایش و سعادت کشور را همواره تقویت خواهیم نمود.

"با استعانت از خداوند متعال توفیق نمایندگان ملت را در انجام وظایف مهمی که برعهده دارند مسئلت مینمائیم."

اما مجلس چهاردهم نمی‌خواست در طریق چنین خواست مقدس و صوابی گام بردارد و این مجلس عرصه جنجالها و کشمکشهای سیاسی بود چنانچه شاهنشاه در خاطراتشان می‌نویسند:

" مجلس شورای ملی بمرکز مبادله اتهامات ناروا تبدیل شده و برنامه منظمی نداشت . بلکه قوه مقننه در قوای مجریه و قوه قضائیه مداخله و از جریان قانون جلوگیری میکرد . روحیه کارمندان نیز به آخرین درجه ضعف رسیده بود . در آن موقع حیات سیاسی ما چنان دچار هرج و مرج شده بود که اگر از روش دمکراسی اصلا مایوس میشدم جای تعجب نبود . ولی خوشبختانه عقاید سیاسی من چنان مستحکم شده بود که اوضاع و پیش آمدهای تهدید کننده نمی توانست مرا به ترک اصولی که بزرگان جهان مانند جفرسون آن را پذیرفته بودند و من نیز تصمیم بحفظ آن ها بادم وادار سازد . "

اولین تشنجی که در مجلس چهاردهم صورت گرفت در مورد تصویب اعتبار نامه ها بود . در این دوره هفت تن از وکلای حزب توده توانسته بودند به مجلس راه پیدا کنند و مخصوصاً "این عده از نقطه شمال که تحت نفوذ روسها بود توانسته بودند وارد مجلس شوند و از طرفی دستجات گوناگون با عقاید مختلف در میان وکلا دیده میشد و از همان ابتدا انتظار میرفت که مجلس عرصه تسویه حسابهای خصوصی و سیاسی واقع گردد خاصه آنکه متفقین هنوز در ایران بودند و هرکدام از دستهای حمایت میکردند .

اولین کشمکش هنگام طرح اعتبار نامه سید ضیاءالدین طباطبائی در مجلس پیش آمد که وسیله دکنتر مصدق مورد حمله قرار گرفت و چندین جلسه علنی مجلس باین مباحثه طول کشید و سرانجام اعتبار نامه او با ۵۷ رای تصویب گردید

۲۷ رای مخالف داده شده بود و بسیاری نیز رای ممتنع داده بودند . سید پس از اینکه پیروزی بدست آورد بسوی دکنتر مصدق رفت و او را بوسید .

در آن روز جلوی مجلس شورای ملی تظاهرات زیادی برقرار شده بود و بسیاری برعلیه سید ضیاء تظاهر مینمودند .

تا جائیکه اتومبیل او را سنگبازان کردند و با اینکه او میل داشت بمیان مردم برود و باصرار رئیس مجلس ناچار شد از درد دیگر خارج شود در آن حال که زیر لب زمزمه می کرد " جدم امام حسین ترس بمن یاد نداده و من باید از درب بزرگ بمیان جمعیت برم . "

اما سرانجام وی آرام به منزل رفت و تظاهرات نیز خاموش گردید . با همه این بحث ها از نمایندگان توده های تنها اعتبارنامه سید جعفر پیشه‌وری مدیر روزنامه "آزیر" که از تبری وکیل شده بود از طرف مجلس چهاردهم مردود شناخته شد و باقی اعتبارنامه ها با جنجالهای فراوان به تصویب رسید .

از همان تاریخ پیدا بود که ظرف دو سال آینده مجلس محل برخورد سیاست های مختلف پیدا بود چنانچه در سه ماهه ابتدای مجلس دوبار دولت استیضاح شد و از طرف آقای سید مهدی فرخ اعلام جرمی علیه مرحوم سهیلی نخست وزیر و مرحوم تدین وزیر کشور با اتهام سوء استفاده در انتخابات دوره چهاردهم به مجلس تقدیم گشت که مجلس در مورد اعلام جرم مزبور سهیلی را میرا و تدین را متهم شناخت و پرونده اتهام دادگستری احاله گردید .

با پایان سال ۱۳۲۲ دولت سهیلی جای خود را به ساعد داد و وی در هفتمین روز فروردین ماه دولت خود را به مجلس بشرح زیر معرفی نمود :

نخست وزیر محمد ساعد - وزیر بازرگانی پیشه و هنر امان اله اردلان - وزیر مشاور مرتضی قلی بیات - وزیر پست و تلگراف ابوالقاسم فروهر - وزیر راه حمید سیاح - وزیر کشور عبدالحسین هژیر - وزیر جنگ ابراهیم زند - وزیر بهداری دکتر قاسم غنی - وزیر دادگستری اسداله مقانی - وزیر فرهنگ علی ریاضی - وزیر دارایی محمود نریمان - وزیر کشاورزی محمود فاتح - وزیر مشاور مصطفی عدل - و آقای محمد نخعی نیز بسمت معاون امور پارلمانی نخست وزیری منصوب گردیدند .

اولین برخورد نمایندگان مجلس و دولت ساعد در جلسه ۱۵ فروردین بوجود آمد و اعتراضاتی به وزرا شد تا جائیکه دولت ساعد ناچار گردید که کابینه خود را بشرح زیر ترمیم کند .

نخست وزیر محمد ساعد - وزیر امور خارجه محمد ساعد - وزیر پیشه و هنر امان اله اردلان - وزیر دارایی ابوالقاسم فروهر - وزیر راه حمید سیاح - وزیر کشور عبدالحسین هژیر - وزیر جنگ ابراهیم زند و وزیر فرهنگ دکتر قاسم غنی - وزیر دادگستری اسداله مقانی - وزیر کشاورزی ناصر اعتمادی - وزیر بهداری دکتر سعید مالک - وزیر مشاور مرتضی قلی بیات - وزیر مشاور مصطفی عدل .

متن برنامه کابینه ساعد بدین شرح بود :

" الف : در سیاست خارجی

همکاری کامل با متحدین خود بر اساس رعایت حقوق و منافع متقابل و تحکیم روابط

با دولتهای دوست و همسایه .

ب : در سیاست داخلی

- ۱ - استقرار امنیت عمومی و قضائی بوسیله تامین اجرای کامل قانون در تمام شئون کشور و جهد در اینکه قانون در سراسر کشور اجرا شود تا عموم افراد کشور از عدالت واقعی برخوردار و آسایش عمومی برقرار شود .
  - ۲ - تهیه وسایل تامین خواروبار و حوائج ضروری مردم و سعی در تعدیل قیمت ها .
  - ۳ - تامین حداقل مایحتاج زندگانی برای افراد کارگر و برزگر از حیث غذا و لباس و مسکن و بهداشت و تعلیمات مربوط به مشاغل هر یک از طبقات مذکور .
  - ۴ - تجدید نظر در قانون تقسیمات کشور و شهرداریها و اصلاح تشکیلات اداری مملکت با توجه باینکه اهالی در اداره امور محلی خود بیشتر شرکت داشته باشد .
  - ۵ - تنظیم برنامه های چندساله در امور مربوط بکشاورزی و صنعتی و بازرگانی و بهداشت و فرهنگ و تقدیم آن به مجلس شورایی ملی .
  - ۶ - تجدید نظر در وضع مامورین دولت و تامین زندگانی آبرومند خدمت گزاران صدیق و درست کار و تعقیب و مجازات آنهایکه از مقام خود بر ضرر دولت و ملت سوء استفاده می نمایند .
  - ۷ - استفاده کامل از جوانان تحصیل کرده . که شایستگی و علمی و عملی و اخلاقی آنها در اموری که بر عهده داشتند به امتحان رسیده است .
- این برنامه بشرح بالا در جلسه بیست و هفتم فروردین ماه یکهزار و سیصد و بیست و سه مطرح و نسبت بکابینه آقای ساعد با اکثریت ۶۴ رای از ۸۵ نفر عده حاضر مجلس شورایی ملی رای اعتماد داده شد .



## غائله آذربایجان، یک نقطه عطف

در این زمان دیگر بارقه امید در دلها جستن میکرد چون پیروزی از هر طرف بامتفقین بود و طرح حمله بزرگ متفقین در اواخر خرداد ۱۳۲۳ بمورد اجرا گذارده شد و دهها هزار سرباز انگلیسی و آمریکائی تحت حمایت بزرگترین قدرت دریائی و هوائی تاریخ، از طریق نورماندی باروپا وارد شدند و ارتش آلمانرا غافلگیر کردند.

اما در این هنگام که سایر کشورها بفکر روزگار صلح و بهره برداری از پیروزی بودند بدبختانه کشور ما دستخوش تشنجات و کشمکشها و بحرانهای سیاسی قرار داشت. در نقطه کردستان پاره‌ای عشایر به تحریک خارجی سر به تجانس بلند کرده بودند و در آذربایجان پاره‌ای تحریکات دیده میشد.

در مرکز نیز جریانات پارلمان همه کارها را فلج کرده بود. از جمله مسائلی که آن ایام مورد بحث و توجه قرار داشت قضیه اختیارات دکتر میلیسیو رئیس کل دارایی و همکاران امریکائی وی بود میلیسیو که برای دومین بار بخدمت دولت ایران فراخوانده شده بود ابتدا ماموریت داشت مالیه ایران را سروصورت دهد اما بتدریج اختیارات وی توسعه یافت و حل و فصل امور اقتصادی و تامین خواربار و نان و غیره ضمیمه وظایف او شد.

مبارزه بر سر مستشاران مالی امریکائی در مجلس چهاردهم هر روز شدیدتر و پیوسته تر می شد و هر قدر زمان جلو میرفت بر تجمع عده مخالفان افزوده میگشت و تجمع آنان محکمتر می شد و یکی از مظاهر این مبارزه رخنه‌ای بود که سرمایه داران بزرگ خواستند در قانون مالیات بردرآمد که دکتر میلیسیو رئیس مستشاران امریکائی از مجلس سیزدهم گذارده بود وارد سازند.

توضیح آنکه صاحبان کارخانجات داخلی که منافع بسیار کلان در ایام جنگ می بردند برای طفره از پرداخت مالیات زمان جنگ دوکار عمده کردند یکی اینکه مصنوعات خود را با سود مختصر مثلاً "صدی ۲۲ شرکت‌های فرعی که از وابستگان خویش بود میفروختند در صورتیکه در عمل به سود صدی صدهم قانع نبودند.

و دیگر آنکه چون بر حسب ضرورت اوضاع این سرمایه داران گاهی اعاناتی بفقرایا انجمنهای خیریه می دادند و یا خرج انتخابات خود میکردند در صد در آمدند این پرداختها را بحساب مالیاتی خود بگذارند.

در این هنگام - روز چهاردهم مرداد ماه ۱۳۲۳ - اعلامیه دربار شاهنشاهی در مورد فوت رهبر بزرگ ایران رضاشاه فقید بشرح زیر انتشار یافت و ملت ایران را غرق در سوک و

ماتم نمود .

" دربار شاهنشاهی بانهایت تأسف باستحضار عموم میرساند که طبق خبر واصله از " ژوهانسبورگ اعلیحضرت رضاشاه پهلوی مدتی قبل از طلوع آفتاب روز چهارشنبه "چهارم امردادماه بعلت مرض قلبی بدرود زندگانی گفتند : بدین جهت دربار "شاهنشاهی از تاریخ فوت تا سماه عزادار خواهد بود که چهل روز آن عزای کامل " میباشد .

وزیر دربار شاهنشاهی - حسین علاء "

با اینکه فوت پدر برای شاه جوان ما ضربه سختی بود اما باین حال معظم اله از حال مردم غافل نبودند و ایشان از عواقب تشنجات سیاسی بیمناک و بنتایج سوء آن متوجه بودند در فرصت های مختلف نمایندگان مجلس و اعضای دولت و سایر طبقات را بموقعیت خطیر کشور توجه میدادند .

در همین زمان - ۱۵ شهریورماه - دولت ساعدترمیم یافت و سومین کابینه ساعد بشرح زیر به مجلس معرفی گشت :

نخست وزیر محمد ساعد - وزیر امور خارجه محمد ساعد - وزیر دادگستری اللهیار صالح وزیر پست و تلگراف یوسف مشار - وزیر کشور محمد سروری - وزیر پیشه و هنر و بازرگانی دکتر محمد نخعی - وزیر فرهنگ باقر کاظمی - وزیر راه محمود نریمان - وزیر دارایی علی اصغر زرین کفش - وزیر جنگ سر لشکر فیروز - کفیل وزارت بهداری دکتر منوچهر اقبال - وزیر مشاور خلیل فهیمی .

### تغییرات

در جلسه ۲۰ مهرماه ۱۳۲۳ مجلس شورایی ملی سرتیپ عبدالله هدایت بکفالت وزارت جنگ معرفی شد .

### متن برنامه دولت ساعد

۱- استقرار امنیت عمومی بوسیله اجرای اصل حاکمیت قانون در سرتا سر کشور و استقلال و جلوگیری قطعی از کلیه عوامل و عناصر که مخل امنیت و نظم باشند .

۲- کوشش برای تثبیت قیمت‌ها و ارزانی هزینه‌های زندگی عمومی و مبارزه شدید با احتکار و علل دیگر گرانی .

۳- شروع با اجرای قانون تعلیمات اجباری و تجدیدنظر در برنامه‌های تحصیلی .

۴- شروع با ایجاد وسایل تجدید کشت تریاک در کشور .

۵- تقدیم لایحه اصلاح قانون انتخابات به مجلس شورای ملی .

اما با این حال دولت سوم ساعد گرفتار کشمکش نمایندگان و ماجرای میلیس بود که قضیه نفت بآن افزوده گردید .

در مهرماه ۱۳۲۳ کافتارزاده معاون کمپس امور خارجه شوروی در راس هیاتی بتهران آمد و بزودی معلوم شد که قصد این هیئت مذاکره با دولت ایران برای کسب امتیاز نفت شمال (خوشتاریا) است ولی بعد از آنکه پیشنهادات (کافتارزاده) بوسیله سفارت شوروی تسلیم دولت ایران شد که دولت آنرا به مجلس تسلیم کرد . باید وقایع این دوره از تاریخ ایران را واقع بینانه بررسی کرد زیرا آنچه پس از این وقایع بر ایران گذشت ماجراهائی بود که از قبل تدارک گردیده شده بود . یکی از مورخین جهانی درباره این سالهای پر آشوب که منجر به غائله آذربایجان شد و این غائله یک نقطه عطف در تاریخ ایران بشمار می‌آید چنین می‌نویسد :

پس از استعفای سهیلی در روز ۲۵ اسفند ، شاهنشاه وزیر امور خارجه دولت قبلی ، ساعد را به نخست‌وزیری منصوب فرمودند . ده روز بعد ، کابینه ساعد که در آن خود او وزارت خارجه را نیز بعهده داشت ، سوگند یاد کرد .

کابینه او که فقط هفت ماه بر سر کار بود با مخالفت دائمی توده‌ایها روبرو بود . در آن ایام ، توده‌ایها دیگر به عنوان جبهه متشکل تظاهر نمی‌کردند بلکه با وضوح هر چه تمامتر اصول کمونیستی را ظاهر می‌ساختند . یکی از هدفهای توده‌ایها مخالفت با وجود دولتها ، از طریق ایجاد آشوب و بلوا بود و از دوران ساعد به بعد هرگز سیاست خود را مبنی بر برانداختن کابینه‌ای که در جهت مقاصد آنها نبود ، ترک نکردند . حزب توده به نمایندگان خود دستور داده بود تا مجلس را از داخل خنثی و متلاشی کنند و کارشکنی (اوبستروکسیون) نمایندگان توده‌ای دورنمای انجام وظیفه ملایم و متین و فعالیت پارلمانی را ویران و عمر چند کابینه را کوتاه کرد .

شاهنشاه ناظر سیاست هر ج و مرج طلب و آشوبگرانه حزب توده بودند و ملاحظه می‌کردند

که بلوای حزب با پیشرفت و پیروزیهای اتحاد شوروی نسبت مستقیم دارد. حمله ارتش شوروی از روز چهاردهم فوریه (۲۵ بهمن) شروع شده بود و به فاصله چند روز پس از درهم کوبیدن استحکامات نیرومند آلمان، بسرعت پیشرفت کرده بود. محاصره سه ساله لنینگراد برطرف شده و ارتش شوروی در جبهه ولکوف قوای نازی را در ناحیه نووگراد شکست داده بود. . . . روز ۲۱ ژوئن (۱۳ خرداد) قوای تهاجمی روسیه یکه تاز سراسر جبهه جنگ بود.

از آن به بعد که قوای روسیه در خارج از مرزهای شوروی نفوذ می کرد و پیش می رفت، استالین مصمم شد تا با استفاده از پیروزیهای نظامی خود، به پیشبرد مقاصد سیاسی اش بپردازد. اولین نشان سیاست توسعه طلبی استالین پیشنهادهایی بود که در برابر دولت ایران قرارداد؛ او، سرگئی کافتاززاده را، که معاون کمیساریای خارجی شوروی بود، با پیشنهادی به ایران فرستاد و در نظر داشت تا امتیاز استخراج و بهره برداری از نفت سراسر ناحیه شمال ایران را کسب کند. مسکو در نظر داشت که چهل و نه درصد عایدی از حوزه جدید نفتی را به ایران بدهد و پنجاه و یک درصد از آن را خود مالک شود. ایران از مقاصد شوروی بخوبی آگاه بود و می دانست که شوروی می خواهد در شمال ایران امپراتوری نفتی جدیدی برای خود ایجاد کند که با امپراتوری نفتی انگلیس در جنوب کشور رقابت داشته باشد. طرح روسها تازه نبود و چنین پیشنهادی که یکبار در زمان حکومت تزاری عقیم مانده بود اینک مجدداً از طرف استالین تجدید می شد. کافتاززاده شخصی گستاخ و بی پروا بود و نشان داد که دولت شوروی با تمام قوای نظامی و سیاسی که در دسترس داشت، از پیشنهاد خود و کسب امتیاز نفت شمال ایران پشتیبانی می کرد.

شاهنشاه از رویه ای که استالین برای تقدیم پیشنهاد خود در پیش گرفته بود، آزرده و ازلحن مستبدانه مواد تجارتي آن مبهوت شدند. استالین اشتباه عمیقی مرتکب شده و با ایران همچون کشوری مستعمره رفتار کرده بود. همینکه معلوم شد دولت شاهنشاهی در برابر پیشنهاد شوروی مقاومت کرده است، حزب توده جریان را به خیابانهای تهران کشانید و اولین تظاهراتی که به عنوان پشتیبانی از اعطای امتیاز نفت به روسها برآه انداخت، روز پنجم آبان ماه ۱۳۲۳ صورت گرفت. در آن روز، مردم تهران از اینکه تظاهر کنندگان را همراه کامیونهای پراز سربازان روس می دیدند، متعجب شدند. استالین مردی نبود که در پاسخ تقاضاهایش هرگز جواب منفی بپذیرد. از سوی دیگر، حزب توده که احتیاج داشت وسیله ای بیابد تا ناسیونالیستهای ایرانی را قانع کند، تظاهرات خود را بر این پایه بنا نهاد که انگلیس و

شوروی باید نفوذی همانند در ایران داشته باشند و چون امپراتوری نفت انگلیس در جنوب کشور مستقر است، وجود عقده<sup>۶</sup> مشابه روسی در شمال کشور نه تنها عاقلانه بلکه الزام آور است. و این بزرگترین اشتباه سیاسی بود که حزب توده مرتکب شد. دستگاه رهبری حزب توده از برآورد و سنجش تغییرات اساسی که جنگ و مخصوصاً "سیاست محکم شاهنشاه در حیات سیاسی کشور پدید آورده بود، عاجز مانده و شکست خورده بود. در سالهای قبل ممکن بود تعادل و برابر نفوذ روسیه و انگلیس برای ایرانیهای سرشناس مفهومی داشته باشد ولی در سال ۱۳۲۳ چنین شعاری چیزی جز اشتباهی تاریخی نبود. در آن زمان افکار مردم ایران را تصویری عالیتر به خود مشغول کرده بود، تصور ایرانی که در آن نفوذ هیچ اجنبی تحمل نمی شد. حزب توده کوشید که مجادله<sup>۷</sup> اخذ امتیاز نفت شمال را در مجلس مطرح کند و با هیاهو آن را پیش ببرد ولی اغلب نمایندگان به پشتیبانی شاهنشاه برخاستند و حتی آنها بی هم که از شرکت نفت انگلیس و ایران الهام می گرفتند، با اعطای امتیاز نفت به روسها مخالفت کردند.

همزمان با فشاری که مقامات شوروی و حزب توده به ایران وارد می کردند، روز پانزدهم اوت ۱۹۴۵ م. ( ۲۴ مرداد ۱۳۲۴ ) جنگ با شکست آلمان و محاصره<sup>۸</sup> ژاپن پایان یافت. شاهنشاه فوراً مواد قرارداد سه جانبه را که طی آن متفقین می بایست هر چه زود تر قوای خود را از ایران خارج کنند، به آنها یادآور شدند. سر بازان متفقین می بایست حداکثر تا ۲۶ بهمن ۱۳۲۴ از ایران خارج شوند، و "نیز طبق قراردادهای دیگری که درباره<sup>۹</sup> پرداختهای ارزی و امور مالی بین ایران و متفقین بسته شده بود، دول مزبور مکلف بودند که در برابر دریافت ریال برای تأمین هزینه های خود در ایران و احتساب خسارات وارده بر راه آهن و وسایل نقلیه و راهها و امثال آن در دوران جنگ و توقف ارتش آن دولتها در ایران، به ایران طلا بدهند." ایران به تعهداتی که در دوران جنگ به گردن گرفته بود، کاملاً عمل کرده بود و اینک نوبت متفقین فرارسیده بود و می بایست شرافت قول خود را بنمایانند.

روز ۲۵ مرداد ۱۳۲۴، شاهنشاه ضمن پیام رادیویی پایان جنگ را به ملت خود نوید دادند. در همان ضمن به دستور معظم له طرحهایی برای صیانت استقلال کشور و برآوردن تعهدات متفقین تهیه شد. پیام رادیویی شاهنشاه چند نکته را برای ملت ایران و متفقین روشن ساخت: "همه می دانیم که از جنگ به دنیا چه صدمات و جراحات بزرگی وارد شده و جبران آن مستلزم چقدر کوشش و مجاهدت خواهد بود. حالا که این آتش جهان سوز خاموش

شده و ما به هدف اصلی خود که برقراری صلح و آرامش است نایل گردیده ایم، با کمال خوشوقتی در این جشن شرکت می‌کنیم و به تمام ملل، مخصوصاً "متفقین بزرگ پنجگانه، تبریک می‌گوییم و به ملت ایران که در این نبرد عظیم شریک بود و پیروزمند و سربلند شده است خوشبختی و سعادت را بشارت می‌دهیم."

ایران به سهم خود نهایت کوشش و فداکاری را در راه حصول پیروزی متفقین تحمل کرده بود.

متفقین تقریباً "جمعا" پنج میلیون ونیم تن کالا و مهمات جنگی به روسیه فرستادند و این محمولات مساوی نصف مجموع محمولات جنگی امریکا و کانادا بود. از کالاهای ارسالی به شوروی نیمی از طریق راه آهن سرتاسری ایران حمل گردید و بقیه بتدریج و به وسیله کامیون از طریق راه‌های شوسه به روسیه رسید. نکته جالب آن بود که هر چند نیروهای انگلیس و روس و امریکا خود تعداد زیادی کامیونهای ارتشی در اختیار داشتند باز کامیونهای متعلق به ایران که عده آنها به ۴۰۰۰ کامیون بالغ و تحت مراقبت عده محدودی از مأمورین کشوری انگلیس کار می‌کردند، بیشتر از کامیونهای سه دولت متحد ذخیره جنگی حمل نمودند.

شاهنشاه با آنکه از فکر ایران خارج نمی‌شدند، از سوی دیگر به مأمورین المللی و مسائل سیاسی ماوراء مرزهای ایران نیز توجه داشتند. روز ۳۱ مرداد ۱۳۲۴، یعنی ششروز پس از پایان جنگ، معظم له در نطقی اظهار داشتند:

کشور ایران مفتخر است از اینکه در حدود وسایل خود برای موفقیت متفقین بزرگ خویش و عموم ملل متحد همکاری نموده است. مایقین داریم جان و مالی که بیدریغ در این راه ایثار شده، و در تحت لوای سازمان ملل متحد، صلح پایداری را برقرار و احترام تمام ملل را از بزرگ تا کوچک و قوی و ضعیف تأمین خواهد نمود.

به این ترتیب شاهنشاه ایران از تأسیس سازمان ملل متحد استقبال نمودند. معظم له اطمینان داشتند که اگر سازمان ملل متحد بتواند تأثیر وجودی خود را اثبات کند، ملل کوچک جهان دیگر دچار تجربه‌ای که ایران گذرانده بود، نخواهند شد. شاهنشاه با تعیین خصوصیات سازمان ملل به وسیله دولت‌های بزرگ موافق بودند و یک ماه پس از پایان جنگ ضمن مصاحبه با نماینده خبرگزاری انگلیسی رویترا اظهار داشتند:

وجود سازمان ملل متفق یکی از علل اعتماد به آینده است و اکنون نگاهداری صلح جهانی و

همه چیز بطور کلی مربوط به این است که کشورهای بزرگ متفق دوستانه باهم زندگی کرده به جلوگیری از یک خونریزی تازه ایمان و اعتقاد داشته باشند .

به این ترتیب شاهنشاه ایران که در آن زمان بیست و شش ساله بودند ، نسبت به امکان پیدایش اختلاف میان متفقین ، اعلام خطر کردند . اعلام خطر معظم له مقرون به حقیقت شد و متأسفانه مملکت ایران و بطور کلی قاره آسیا میدان بازیهای جدید سیاسی و اختلافات نوظهور متفقین گردید . تا روز ۲۶ بهمن ۱۳۲۴ ، نیروهای انگلیس و آمریکا از ایران خارج شدند ولی اتحاد شوروی از پیروی از متفقین زمان جنگ سرباز زد . استالین رد امتیاز نفت شمال را بهانه " اتخاذ روش خصمانه " از طرف دولت ایران نسبت به دولت خود قرار داده بود . این اولین اشاره عمومی و قرینه‌ای از اختلاف قریب الوقوع بین ممالک ضد فاشیست بود که در دوران جنگ مصلحتاً " باهم متحد شده بودند .

کوشش استالین در ادامه اشغال نواحی شمال ایران بطور کامل از طرف حزب توده پشتیبانی می شد . در اواخر جنگ ، مقامات ارتش اشغالی شوروی چنان ناحیه شمالی ایران را تحت کنترل نظامی خود داشتند که گویی مملکتی جداگانه بود . آنها در آذربایجان ، گیلان و مازندران برای درهم شکستن حکومت مرکزی ، از هر وسیله‌ای که ممکن بود استفاده می کردند . در نتیجه اقدامات آنها و ضعف نشان دادن حکومت مرکزی باعث قدرت روز افزون حزب توده شده بود که اکنون زیر چتر حمایت و سرپرستی سیاسی و نظامی اتحاد جماهیر شوروی فعالیت می کرد . در خراسان چند تن افسر فریب خورده ارتش سر به نافرمانی برداشتند و مقدمات یک شورش نظامی را علیه دولت قانونی ایران فراهم ساختند ولی خوشبختانه غائله آنها با شکست مواجه شد .

همانطوریکه اشاره کردیم پیشنهاد کافتارزاده توسط نخست وزیر به مجلس تسلیم شد و مجلس نیز مصمم گردید که تا پایان جنگ دوم جهانی راجع به نفت با هیچ دولت خارجی مذاکره‌ای بعمل نیاید و این تصمیم سبب رنجش روسها گردید تا جائیکه ارتش سرخ در شمال دست بانجام مانورهای گوناگونی زد و توده‌ایها هم از فرصت استفاده کرده تظاهرات و میتینگهای فراوانی ایجاد کردند و شروع به تضعیف و تهدید دولت ایران نمودند و مقارن با همین ایام بود که محمدرشید نیز در کردستان سربشورش برداشت و دست به قیام مسلحانه زد و پس از اینکه قوای دولتی به آن سوا اعزام گردید آنان ، عشایر مسلح مریوان و بانه را آتش زده ، غارت نموده و بسوی عراق گریختند .

اما همه این ماجراها ثمری جز ضعیف کردن دولت مرکزی نداشت و سرانجام دولت ساعد استعفا کرد و با وجود آنکه در آن زمان عده زیادی کاندیدای نخست وزیری بودند اما مجلس دنبال کسی می گشت که بلکه بتواند آرا مشر را در مملکت برقرار کند و به همین نسبت به زمامداری دکتر مصدق ابراز تمایل شد .

اما او قبول ریاست وزرائی را مشروط بدین شرط کرد که در صورت استعفا و یا سقوط کابینه مجدداً به مجلس برگردد و چون این مساله مغایر با قانون اساسی بود موضوع نخست وزیری وی منتفی گردید .

و مرحوم سهام السلطان بیات مامور تشکیل دولت گردید و وی در تاریخ چهارم آذرماه دولت خود را بدین شرح به مجلس معرفی نمود .

نخست وزیر - مرتضی قلی بیات - وزیر بازرگانی و پیشه و هنر کمال هدایت - وزیر دارایی امان الله اردلان - وزیر فرهنگ دکتر صدیق - وزیر دادگستری منصور السلطنه عدل - وزیر راه نصرالله انتظام - وزیر بهداشت سعید مالک - وزیر کشور محمد سروری - وزیر خارجه محسن رئیس وزیر جنگ ابراهیم زند - وزیر پست و تلگراف نادر آراسته - وزیران مشاور خلیل فهیمی و دکتر علی اکبر سیاسی .

### تغییرات

در جلسه ۱۶ آذرماه ۱۳۲۳ نصرالله انتظام بسمت وزارت امور خارجه معرفی شد .

### برنامه دولت مرتضی قلی بیات چنین به مجلس تسلیم شد

- ۱- تشبید روابط دوستی با دول متحابه و تعقیب همکاری کامل با متفقین ایران طبق پیمان سه گانه و اعلامیه ملل متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲
- ۲- توجه کامل به حفظ امنیت در کشور بوسیله مراقبت در اجرای قوانین و تقویت قوای تامینه

۳- سعی در بهبود زندگی مادی و معنوی عامه مردم بوسیله پائین آوردن هزینه زندگی و تهیه و اجرای نقشه چندساله برای بهداشت عمومی و فراهم کردن موجبات اصلاح مدارس و اجرای قانون آموزش و پرورش اجباری و هم چنین گذراندن قانون کار بمنظور تکمیل آسایش و رفاه کارگران .



۴- تجدید نظر در قانون انتخابات و تهیه لوایح بمنظور اصلاح و تثبیت سازمان وزارت خانه‌ها و ادارات دولتی و اقدام در ترفیه حال کامندان دولت و تقویت حس و وظیفه‌شناسی و انضباط کامل بوسیله اجرای اصل پاداش و بازخواست .

۵- تهیه مقدمات تبدیل تدریجی وضع فعلی بوضع عادی بعد از جنگ بوسیله طرح نقشه‌های اقتصاد کشاورزی برای اصلاح امور آبیاری و سدسازی و بهبود حال کشاورزان و هم چنین تهیه کار برای کسانی که ممکن است بیکار شوند .

در اینجا باید اشاره بدو واقعه حکومت مرحوم بیات نمود .

اولین حادثه الغا قانون اختیارات اقتصادی دکتر میلیسو می باشد .

همانگونه که قبلاً اشاره شد هر قدر زمان از اختیارات مستشاران مالی امریکائی می گذشت هم بر عده مخالفین و ناراضیان آنان افزوده میشد و هم مخالفین بر شدت تعقیب خود می افزودند . غیر از دکتر مصدق نمایندگانی که در دوره چهاردهم مخالفت با مستشاران مالی امریکائی را هدف آمال خود قرارداد داده بودند عبارت بودند از آقایان - دکتر عبده - ابولقاسم امینی امیر تیمور کلالی - اردلان - لنکرانی - مهندس فریور - رحیمیان - دکتر اعتبار و مظفرزاده اینگونه مخالفین پیوسته در فراکسیون توده تقاضا داشتند که آنها مخالفت با آمریکائیها را فقط به آنان واگذارند و فراکسیون توده هم که می دیدند یکی از مقاصد سیاسی شوروی بدست سرمایه داران یا نمایندگان آنها اجرا میشود ضرورتی ندید علناً برای اینکار در مجلس مبارزه نماید . این حقیقت امر را دکتر کشاورز لیدر فراکسیون حزب توده در جلسه هفتم آذرماه ۱۳۲۳ در مجلس شوراییلی بایان عبارات روشن ساخت .

... همانطوریکه در جلسات مجلس شوراییلی کرارا "مذاکره شد و وجود مستشاران آمریکائی و مستخدمین امریکائی برای اداره امور مالی بنظر حتمی اکثریت مجلس شوراییلی هم از قراری که می بینیم مفید بنظر نمی رسد (درست دقت کنید) برای اینکه حس میکنم که اکثریت مجلس شوراییلی می خواهد این تصمیم را اتخاذ کند و فهمیده است که وجود مستشاران امریکائی مخصوصاً اختیارات نامحدودی که به دکتر میلیسو داده شده موافق مصالح مملکت ایران نیست ."

با این ترتیب اکثریت عظیمی در مجلس از ملاکین و تجار و اتباع فراکسیون توده بر ضد مستشاران آمریکائی تشکیل گردید و این اکثریت به اتفاق دولت بیات پس از چهار جلسه مذاکره و بحث سرانجام در جلسه ۱۸ دی ماه ۱۳۲۳ پس از زور آزمائی شدید و سختی که با

دکتر شفق و فرهودی بر سرمستشاران مالی آمریکائی کرداختیارات مستشاران مزبور را باکثرت ۶۴ رای از ۹۵ رای حاضر لغو نمود و بدین ترتیب بماجرای بزرگی در دوره چهاردهم خاتمه داده شد.

امادومین واقعه مربوط به نفت و تقدیم لایحه تحریم دادن امتیاز به بیگانگان در مجلس شورای ملی و موضوع پیشنهادی کافتارزاده بوده که در فصل قبل به آن اشاره شد و از آخرین حوادث سال ۱۳۲۳ میتوان تظاهرات دانشجویان را در جلوی مجلس شورای ملی نامبرد. در اواخر سال ۱۳۲۳ بود که دکتر مصدق از مجلس قهر کرد و عده‌ای برای بازگرداندن وی به مجلس به منزل ایشان رفتند و او را به مجلس آوردند اما از مانیکه می خواستند باحالت اجتماع به مجلس وارد گردند مامورین انتظامی با آنان تصادم نموده و زدو خورد خونینی روی داد که طی آن چندتیر شلیک شد و عده‌ای زخمی گردیدند و فردای آن روز بازار تعطیل گردید و فرماندار نظامی تهران از کار برکنارگشت و از طرف مجلس کمیسیونی برای تحقیق پیرامون حادثه مجلس تشکیل گردید.

در این بلوا و آشوب بود که سال ۱۳۲۳ بی پایان رسید و باز هم ایام پر آشوب دیگری آغاز شد. اما تنها یک مرجع وجود داشت که کوشش مینمود تا کشتی سرنوشت این ملت کهنسال را بسلامت بساحل مقصود برساند و این مرجع همانا رهبر عالیقدر ما بودند چنانچه در پیام نوروزی خود در شب اول فروردین ماه ۱۳۲۴ چنین فرمودند:

"امسال در واقع حائز اهمیت فراوانی است زیرا که اتمام جنگ ملل را از تنگنای حوائج نبرد رهائی خواهد بخشید و منازع اقتصادی پیش خواهد آمد.

در این مرحله است که اقوام جهان به نسبت رشد و لیاقت خود میتوانند حقوق خویش را حفظ کنند و بمزایای جدید نائل گردند.

پس نه تنها عقل انسانی بلکه غرائز حیوانی نیز ایجاب می کند که در چنین مواقعی هر گروهی است از اختلافات داخلی برداشته و در کمال یگانگی مراقب آینده باشند و با نشان دادن عقل سلیم و اتفاق تام شایستگی خود را برای کسب هر حقی ابراز نمایند. تاریخ پرافتخار و بی انقطاع ما نشان می دهد که ملت ایران در طول مدت عمر دراز خود با بسیاری از ادوار بحرانی و خطیر مواجه شده و در هر مورد سمندروار از میان خاکستر مصائب و شدائد روزگار زنده و جوان و نیرومند بیرون آمده است.

## سیم ستم ستمت بر دل

از این رو من نهایت امیدواری را دارم همانطور که در هر خانواده با رسیدن سال نو چیزهای کهنه را از خود دور می‌کنند دستجات مختلف نیز گردوغبار اختلاف را از دل بزدانید . چون در کشوری که دارای حکومت ملی است مردم خیرخواه مانعی برای اجرای نیات حسنه خود نخواهند داشت . نظریه مصالح عالییه ملت فعلا از هر کشمکش که موجد اختلاف باشد احتراز کرده متوجه باشند که تمامیت و استقلال و رفاه عمومی کشور بالاتراز هر نظر خصوصی و مرام محدودی است . تنها ضامن سعادت شما اتحاد و اتفاق است . این ندای بود که می‌خواست مردم را بسوی پیشرفت متفقین جلب کند اما تشنجات مجلس نمی‌گذاشت ملت توجهی بواقعات جهان پیدا کند .

شاه میکوشید دستجات سیاسی را که بسر و کول هم می‌زدند متوجه سازد ایران تنها در سایه اتفاق و وحدت کلمه میتواند بحقوق ملی خویش نایل شود اما هر روز نغمه‌ای تازه ساز میشد و بحرانی نوپیش می‌آمد دولتها در حال تزلزل بودند و مجلس هر روز از دیگر روز متشنج تر میشد . در سایه همین بلوا و آشوب بود که دول خارجی که منافعی در ایران داشتند بفکر نفوذ خویش افتادند و بانقویت احزاب مختلف - عشایر و سایر دستجات آشوبگر و بلواطلب و تحریک مردم ساده دل اوضاعی بوجود آورده بودند که عاقبت هم محصول آنرا درو کردند و ایران را در آستانه سقوط و تجزیه قرار دادند .

دولت سهام السلطنه بیات که بدنبال مدتها گفتگو و کشاکش با ابراز تمایل مجلس روی کار آمده بوده بعد از چندین ماه توجه پیدا کرد که قادر بادامه کار نیست و در اوایل فروردین ماه ۱۳۳۴ بود که با استیضاح سیدضیاءالدین طباطبائی روبروگشت و با اینکه سیدضیا استیضاح خود را قبل از قرائت از مجلس پس گرفت با این حال بیات السلطنه این موضوع را بهانه قرار داد و از مجلس رای اعتماد خواست و از ۹۲ نفر عده حاضر در جلسه فقط چهل و پنج تن رای موافق بادامه حکومت بیات دادند و او نیز صبح روز بعد بحضور ملوکانه شرفیاب گردید و استعفاى خود را تقدیم داشت .

با کناره گیری بیات از حکومت یکبار دیگر جنجالها و کشاکش های پارلمانی شروع شد و باز هم برای مدتی دیگر وقت مملکت بیهوده هدر شد و سرانجام اکثریت نمایندگان مجلس به حکومت مرحوم ابراهیم حکیمی ( حکیم الملک ) ابراز تمایل نمودند و او ماورتشکیل دولت گردید .

کابینه حکیمی در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۴ بشرح زیر به مجلس معرفی گردید .

نخست وزیر ابراهیم حکیمی - وزیرکشور ابراهیم حکیمی - وزیربهداری دکتراسماعیل مرزبان - وزیرکشاورزی نصرالله خلعتبری (اعتلاءالملک) - وزیرداری عبدالحسین هزیر وزیر جنگ ابراهیم زند - وزیرراه نادرآراسته - وزیرامورخارجه انوشیروان سپهبدی - وزیر بازرگانی پیشه و هنر ابوالقاسم نجم - وزیر فرهنگ غلامحسین رهنما - وزیر دادگستری الهیار صالح .

آقای حکیمی در موقع معرفی وزراء و تقدیم برنامه به مجلس شورایملی مقدمه ای ذکر کرده اند که از نظر اهمیت موضوع عینا درج میشود .

آقایان محترم

بنابتمایلی که از طرف مجلس شورایملی اظهار شده بود اعلیحضرت همایونی اینجانب رامامورتشکیل دولت فرمودند و حسب الامراینجانب دولت راتشکیل داده بحضور همایونی معرفی نموده و اینک نیز با امتنان از حسن نظری که نمایندگان محترم در این خصوص نسبت به بنده ابراز داشته اند برای معرفی دولت به مجلس شورایملی شرف حضور یافته و مقدمتا" برنامه دولت را به عرض مجلس میرسانم .

برخاطر نمایندگان محترم مکشوف است که اینجانب از مدتی قبل بکلی از مشاغل دولتی کناره گرفته بودم و شخصا "هیچگاه درصدد قبول مقامی نبودم و حتی در جریان مکالمات و مذاکرات دو هفته نمایندگان محترم نیز که بی مقدمه منجر باظهار تمایل مجلس شورایملی نسبت به اینجانب گردید بهیچوجه دخیل نبودم با این وصف بدیهی است که تصمیم مجلس را نسبت بخود بی نهایت گرانبها دانسته و به همین جهت بر خود فرض دیدم که باوجود مشکلات از قبول خدمت استنکاف نکنم و آنچه در قوه دارم برای حسن اجرای منویات مجلس شورایملی در راه خدمت به مملکت بکار بیرم .

نکته دیگری که از این اظهار تمایل مجلس شورایملی دستگیر اینجانب شد این بود که نمایندگان محترم در موقع اتخاذ این تصمیم در خاطر خود داشته اند که اینجانب در تمام عمر آسایش و رفاه ملت و استقلال کامل مملکت و قوام و قدرت دولت را همواره موقوف باستقرار کامل اصول مشروطیت و حکومت ملی دانسته ام و همیشه در این راه عملا قدم برداشته ام و در هیچ دوره ای از ادوار از این اصل اساسی منحرف نشده ام و بنابراین مسلم است که در این دوره نیز که نمایندگان محترم می خواهند اصول مشروطیت همه در جای خود پایدار گردد سعی در پیروی از رویه دیرینه و جبهه همت اینجانب خواهد بود و باین

جهت امیدوارم که همکاری صمیمانه‌ای که نمایندگان محترم در این زمینه با دولت خواهند فرمود گردش دستگاه حکومت را بر محوری قرار دهد که در سایه استقرار اصول حکومت مشروطه مصالح عالیه مملکت را از هر جهت تامین کند و در این زمینه برای نمایندگان محترم و سایر عقلای قوم جای هیچگونه نگرانی باقی نماند و از این بابت هر گونه اختلاف نظری که پیشروان افکار و علاقمندان با اصول در طرز اداره امور کشور دارند مرتفع شود زیرا که به اعتقاد اینجانب عموم ملت در این اصل اتفاق دارند که صیانت استقلال تام ایران و سایر مصالح عالیه مملکت باید بوسیله اجرای واقعی اصول مشروطیت تامین شود با این وصف اگر در اذهان و افکار اختلافی در طرز اداره امور مملکت وجود داشته باشد منشاء آن غالباً "اختلاف رویه در طریقه اجرای اصول مزبور است نه اختلاف عقیده در خود آن اصول .

اما از آنجا که مخصوصاً در این ایام حتی اینگونه اختلاف نظرهایم غالباً موجب ضعف دولت میشود و سکنه بارکان مملکت وارد می‌آورد جای آن دارد که بالفعل تا وقتی که مصالح اساسی مملکت را از بیم هرگونه گزند و آسیب فراغت دهد هادیان افکار از هرگونه اختلاف نظر چشم بپوشند و صمیمانه دست یگانگی بهم بدهند و از اقداماتی که دولت برای تامین آن مقصود اصلی میکند بقوت تمام پشتیبانی نمایند تا توجه بغرور بیش از حد لازم نباشد و در نتیجه مجلس و دولت از جهدی که شبانه روز باید در راه حفظ و تقویت اصول بکنند باز نمانند و بحث دراموری که از لحاظ اهمیت در درجه دوم و سوم قرار داده و بموقعی که مجلس و دولت را از حل و تسویه مسائل درجه اول مملکت فراغت نصیب شده موکول گردد .

بنابراین برای مقدمات تصمیم این جانب از بد و قبول این خدمت این شد که برای اجرای کامل اصول مشروطیت دولت در حین انجام وظایفی که بموجب قانون اساسی بر عهده دارد به ترتیبی عمل کند که مسئولیت تام و تمام کلیه آنها را بعهده خود داشته باشد تا مجلس شورای ملی هم بتواند حقوقی را که بموجب قانون اساسی برای نظارت کامل در عملیات قوه مجریه بر عهده دارد عمل کند .

حاجت به توضیح ندارد که اجرای دقیق قوانین مصوب مجلس شورای ملی وظیفه اساسی دولت خواهد بود و مجلس هر جا که انحرافی از آنها دید دولت را متذکر خواهد نمود و علاوه بر این مسلم است که اینجانب در هر امری که متضمن مصالح عالیه مملکت باشد نه تنها

بدون نظر مجلس قدمی برنخواهد داشت بلکه بدون تقویت کامل مجلس شورایی بحسن خاتمه اقداماتی که در این زمینه خواهم کرد نمی توانم امیدوار باشم .

هرگاه نمایندگان محترم باتصویب برنامه دولت این رویه عملی را قبول فرمایند اعتقاد اینجانب براین است که بسیاری از مشکلات مملکت که حل آن بعزم و همت مجلس و دولت بسته است آسان خواهد شد علی الخصوص که در این چندروز جنگ اروپا خاتمه یافته و پایان آن خاتمه یک قسمت از مشکلاتی را که در مملکت ماملود جنگ بوده است بشارت میدهد .

پیمانی که متجاوز از سه سال قبل دولت ایران با متحدین معظم خود دولت شوروی و دولت انگلستان بست برعهده هر یک از سه دولت تعهداتی گذاشت .

از روز امضای پیمان دولت ایران تعهدات خود را کاملا انجام داد و آنچه در قوه ملت و مملکت ایران بود تمام و کمال برای غلبه بر دشمن بکار انداخت . بطوریکه خود متحدین مانیز همواره باین حقیقت واقف بودند و بکرات آنرا یادآوری و تصدیق نمودند .

با این وصف اکنون که ستاره صلح در افق طالع شده است و بنا باثاری که طبیعتا " بر آن مرتب مییابد من بعد بسیاری از آنچه در ایران در طول مدت جنگ متحدین ما به آن حاجت داشتند و موافقت دولت ایران در آن باب بموجب مقررات پیمان سه گانه معلوم شده بود . علی الاصول دیگر طرف احتیاج ایشان نخواهد بود و علیهذا دولت ایران با توجه کامل بمقررات پیمان سه گانه که مراعات آن همیشه اوقات نصب العین مانوده و هست امید وانتظاری که در این موقع دارد اینست که هرچه زودتر بجلب موافقت کامل متحدین معظم خود در باب ترتیب سهل وساده ای که بر آن اساس مناسبات عادی ایام صلح جانشین مقررات پیمان سه گانه بشود توفیق حاصل کند و بنا باصل مساعدت و همکاری صمیمانه ای که فیما بین ایران بادول شوروی انگلستان و آمریکا برقرار است و شالوده آن مخصوصا در ظرف سنوات اخیر استحکام یافته است باتوافق دول مزبور ترتیبی بدهد که در تمامی شئون مملکت اوضاع عمومی به مقتضیات استقلال کامل دولت ایران بحال عادی برگردد و مصائب و تلفات و خسارات و ضررهائی که در نتیجه حوادث جنگ با ایران توجه کرده است برطبق آنچه حق و عدالت حکم میکند و در مورد نظایر آن در روابط بین المللی مرعی شده باشد جبران پذیرد و حسن مناسبات ایران با عموم ممالک دوست و مخصوصا " با سه دولت فوق الذکر بر اساس احترام متقابل بسط و توسعه یابد و روابط اقتصادی و معاملات تجارتنی ما با ایشان در پرتو اصولی که ضامن منافع و مصالح هر دو طرف باشد رو بافزایش و رونق برود و باین

وسيله در امر معيشت مردم و گذران يوميه افراد ملت نيز كه مخصوصاً در نتيجه جنگ سخت به مضيقه افتاده است گشايش و آسايشي فراهم شود .

البته دولت به نيت انجام اين مقاصد بدون فوت وقت در اين ابواب با متحدين خود وارد مذاكره خواهد شد و بدون ذره‌اي ترديد يقين دارد كه در اين اقدام مجري تصميم قطعي و عزم ثابت عموم نمايندگان مجلس شوراي ملي و كليۀ افراد مردم مملكت مي باشد و باستظهار حسن نظري كه همواره متحدين عظيم الشان ما در باره فداكارپه‌اي ملت ايران در راه معاضدت با ايشان ابراز نموده اند دولت اميدواري كامل دارد كه متحدين ما امروز كه بفتح و فيروزي نائل آمده اند اين تقاضاها و انتظارات ملت ايران را بسمع رضا شنيده و بحسن قبول تلقي خواهند نمود بديهي است كه دولت در ضمن مذاكراتي كه در باب مناسبات اقتصادي و تجارتي مملكت با متحدين خود بعمل خواهد آورد وضع اداره امور اقتصادي و مالي مملكت را نيز مورد مطالعه قرار خواهد داد تا كم و كيف آنرا با توجه به وضعي كه بمناسبت خاتمه جنگ اروپا پيش خواهد آمد بسنجد و اقداماتي را كه باقتضاي اوضاع فعلي مملكت و به منظور تعديل بودجه و تجديد نظر در مالياتها و تهيه كار و بهبودي فلاح و صناعت و وضع مستخدمين دولت و بهبودي وضع كارگران و كشاورزان و نظاير آن ضروري شمرده شود معين نمايد و البته در ضمن اموري كه همواره توجه خاص دولت مصروف آن خواهد شد استقرار امنيت و اصلاح و تكميل قواي تا مينه مملكت است كه مخصوصاً " در اين اوقات حائز كمال اهميت مي باشد . شايد تكرر اين مطلب زائد نباشد كه امروز در نتيجه وقايعي كه از چگونگي آن نمايندگان محترم خود بخوبي آگاه هستند حتي يك رشته از امور مملكت را هم نتوان نامبرد كه محتاج باصلاحات نباشد و ناچار دولت در ضمن برخورد به هريك از آنها آنچه در حيطه امكان باشد براي بهبودي كيفيت آن بذل جهد خواهد نمود لکن از آنجا كه امور مزبور همه در عرض يكديگر نيستند بلكه بعضي مقدم بر بعض ديگر شمرده ميشوند و از طرف ديگر توجه جامع و كامل نسبت بهمه آنها در آن واحد با اوضاع فعلي مقدور نيست بالفعل دولت بالخاصه مسايل ذيل را شايد دقت و توجه و مراقبت و تصميم عاجل ميداند :

متن برنامه

۱- حفظ و تحکیم مناسبات حسنه بین کشور ایران و کشورهای دوست و متفق همیشه هدف اصلی دولت ایران بوده و دولت این جانب نیز از وظایف مهمه و اولیه خود میداند که تمام مساعی خود را برای تشیید و تائید آن بکار برد مساعی این دولت برای رسیدن به مقصود صمیمانه و صادقانه و نسبت بهریک از متفقین بزرگ مایکسان و صرفاً "بر اساس استقلال کامل سیاسی و اقتصادی ایران و احترام متقابل و برطبق مقررات پیمان سه گانه و منشور آتلانتیک و اعلامیه تهران انجام خواهد گرفت .

۲- مطالعه فوری در امور اقتصادی برای استقرار اصول و تشکیلاتی که متناسب با اوضاع اقتصادی فعلی مملکت باشد .

۳- تجدید نظر در مالیاتها و تعدیل بودجه

۴- اصلاح و تکمیل قوای تامینیه برای استقرار امنیت کامل در کشور

۵- اجرای طرحهایی که متضمن اصلاحات فلاحتی و صنعتی و تهیه کار برای بیکاران باشد .

۶- بهبودی وضع کارگران و کشاورزان بر طبق قوانین مخصوصی که از مجلس شورای ملی

خواهد گذاشت .

۷- تجدید نظر در قانون استخدام دولتی .

اما طرح برنامه دولت در مجلس سبب پیدایش کشاکش فراوانی شد و مدت درازی پس از معرفی افراد کابینه دولت به مجلس بحث پیرامون برنامه دولت ادامه یافت . سرانجام کار بجائی رسید که دولت به تنک آمد و در روز سیزدهم خرداد ماه نسبت ببرنامج دولت رای اعتماد گرفته شد و از ۹۵ نفر عده حاضر در مجلس فقط بیست و پنج تن رای موافق دادند و در نتیجه دولت حکیمی سقوط کرد و مرحوم محسن صدر ( صدرالاشراف ) مامور تشکیل دولت جدید شد و در تاریخ بیست و سوم خرداد ماه ۱۳۲۴ کابینه دولت بشرح زیر به مجلس معرفی گردید .

نخست وزیر محسن صدر - وزیر کشور محسن صدر - وزیر دادگستری حسنعلی کمال هدایت - وزیر دارائی محمود بدر - وزیر بازرگانی و پیشه و هنر عباسقلی گلشائیان - وزیر جنگ ابراهیم زند - وزیر بهداری دکتر سعید مالک - وزیر کشاورزی دکتر محمد نخعی -



وزیر راه نادر آراسته - وزیر امور خارجه انوشیروان سپهبدی - وزیر فرهنگ غلامحسین رهنما  
در این کابینه آقا احمد فریدونی کفالت وزارت کشور را احراز کرد .

### متن برنامه دولت محسن صدر این چنین در اختیار مجلس قرار گرفت :

- ۱- حفظ و تحکیم مناسبات حسنه بین کشور ایران و کشورهای دوست متفق و سایر دولتهای دوست همیشه هدف اصلی دولت ایران بوده و دولت اینجانب نیز از وظایف مهم و اولیه خود میدانند که تمام مساعی خود را برای تشدید و تأیید آن بکاربرد - رویه دولت اینجانب برای رسیدن به این مقصود صمیمانه و صادقانه است و نسبت بهر یک از متفقین بزرگ ما یکسان و صرفاً " بر اساس استقلال کامل سیاسی و اقتصادی ایران و احترام متقابل طبق مقررات پیمان سه گانه و منشور آتلانتیک و اعلامیه تهران انجام خواهد گرفت .
- ۲- مطالعه در امور اقتصادی بمنظور اتخاذ و استقرار اصول و تشکیلاتی که متناسب با مقتضیات و مصالح کشور و رفاه عامه باشد .
- ۳- تجدید نظر در قانون مالیات بردرآمد و بعضی از مالیاتهای دیگر و تأمین توازن بودجه .
- ۴- استقرار کامل امنیت در تمام شئون کشور بوسیله اجرای قطعی قوانین و اصلاح و تقویت سازمانهای مسئول .
- ۵- تهیه کار برای بیکاران بوسیله شرکتهای خصوصی و فراهم ساختن وسیله استفاده از سرمایه های کوچک و اقدام بکارهای عام المنفعه مانند امتداد راههای آهن و اسفالت نمودن شاهراهها و آبیاری .
- ۶- بهبود وضع کارگران و کشاورزان بر طبق قوانین مخصوصی که از مجلس شورای ملی خواهد گذاشت .
- ۷- بهبود وضع کارمندان دولت و تجدید نظر در قوانین استخدامی .
- ۸- اجرای سازمان جدید وزارت بهداری پس از تصویب کمیسیون بهداری مجلس شورای ملی و تنظیم برنامه چند ساله برای اصلاح بهداشت کشور
- ۹- تعقیب مطالعه و اصلاح برنامه های تحصیلی - تسریع در اجرای قانون تعلیمات اجباری و اقدام در تاسیس دانشسراها در نقاط مختلف کشور .
- ۱۰- تجدید نظر در قانون انتخابات

۱۱- تهیه برنامه چندساله برای توسعه و ترقی کشاورزی و صنعتی در همه نفاط کشور و تقدیم لوایح مربوط به مجلس شورایملی  
اما عمر حکومت دولت صدر بیش از پنج ماه طول نکشید و این دوران حکومت از بحرانی ترین ادوار سیاسی و پارلمانی کشور پس از مشروطیت بشمار می آید :

در حالیکه دولت تصدی امر را بر عهده داشت نمایندگان حزب بوده و اقلیت برهبری دکتر مصدق با تشکیل ( اوبسترکسیون ) مجلس و دولت را در بن بست قرار داده بودند و هنگام اعلام رای جلسه را ترک میکردند و مجلس را از رسمیت می انداختند و برنامه دولت هنوز تصویب نشده بود تا سرانجام این برنامه پس از طرح در جلسات متعدد مجلس در جلسه پنجم مهرماه ۱۳۲۴ نسبت بکابینه آقای صدر با کثرت ۷۰ رای از ۱۱۴ نفر عده حاضر در مجلس شورایملی رای اعتماد داده شد ولی دولت بیست و پنج روز بعد از اخذ رای اعتماد بعلت عدم توانائی استعفای خود را تقدیم ملوکانه داشت و پس از آن بار دیگر مرحوم ابراهیم حکیمی ( حکیم الملک ) مامور تشکیل دولت شد و او نیز در تاریخ دوازدهم آبان ماه ۱۳۲۴ کابینه خود را بشرح زیر به مجلس معرفی نمود .

نخست وزیر ابراهیم حکیمی- وزیر بازرگانی و پیشه و هنر ابراهیم حکیمی- وزیر دادگستری امان اللهار دلان- وزیر کشاورزی احمد حسین عدل- وزیر جنگ سرلشکر ریاضی- وزیر بهداری دکتر سعید مالک- وزیر راه سرلشکر محمد حسین فیروز- وزیر کشور خلیل فهیمی- وزیر دارایی عبدالحسین هژیر- وزیر پست و تلگراف محمد نریمان- وزیر فرهنگ غلامحسین رهنما- وزیر امور خارجه ابوالقاسم نجم- وزیران مشاور الهیار صالح و حسنعلی کمال هدایت .

### تغییرات

در جلسه چهارم دیماه ۱۳۲۴ مجلس شورایملی الهیار صالح بسمت وزیر کشور و در همان جلسه نیز هاشم صهبا بسمت وزیر پیشه و هنر معرفی شدند .

### متن برنامه کابینه ابراهیم حکیمی بدین شرح در مجلس قرائت گردید :

۱- در سیاست خارجی دولت ایران همواره از صمیم قلب آرزو مند است که دوستی و و داد صادقانه ایران با دولتهای متفق دولت و متحد ما روزافزون باشد و در این راه دولت ایران هر چه بتواند خواهد کرد تا علائق مودت از هر جهت محکم شود . دولت اینجانب همه گونه مساعی بکار خواهد برد که مناسبات و روابط حسنه فیما بین از هر گونه شائبه مصون و محفوظ باشد و هم چنین مراقبت خواهد نمود تا تعهداتی که دولت ایران طبق منشور ملل متحده نموده است اجرا گردد .

۲- برای تامین امنیت کامل در سراسر کشور قوای تامینه مملکت باید اصلاح و تکمیل شود و وسایل و لوازم و خصوصیات آن به تناسب حوائج مملکت و عواید عمومی دولت و تجهیزات جدید تعیین گردد .

۳- تعدیل بودجه و تجدیدنظر در مالیاتها و مطالعه فوری در امور اقتصادی برای استقرار اصول و تشکیلاتی که متناسب با اوضاع اقتصادی فعلی مملکت باشد و گذران مردم را آسان کند در صدر اصلاحاتی جادارد که دولت آنها را از اهم وظایف خود می شمارد و در این زمینه اصلاح و تصفیه ادارات و تجدیدنظر در قانون استخدام دولتی و تقدیم لوابیحی که متضمن اصلاحات صنعتی و فلاحتی و ایجاد سد و آبیاری و تهیه کار برای بیکاران و بهبودی حال کارگرو بزرگتر باشد مورد توجه دقیق و اقدام جدی دولت خواهد بود و مخصوصاً "مساعی دولت مصروف اتخاذ تصمیمات و تهیه لوابیح جامع الاطرحی خواهد شد که از نتیجه اجرای آنها بزرگتر خود صاحب آب و زمین باشد و خرده مالکی در مملکت پیش از پیش رواج یابد و در هر نقطه که لازم باشد در معاملات و مناسبات زارع و مالک تجدیدنظر بعمل آید و وسایل اجرای قانون تعلیمات اجباری فراهم شود .

۴- اجرای سازمان جدید وزارت بهداری پس از تصویب کمیسیون مجلس شورای ملی و تنظیم برنامه چند ساله برای اصلاح بهداشت کشور .

۵- تجدیدنظر در قانون تشکیلات مملکتی و تصریح وظایف استانداران و فرمانداران و سایر مامورین وزارت کشور .

۶- یک وظیفه مهم دیگر که دولت این جانب بر عهده خود میداند شروع انتخابات

دوره پانزدهم تقیننه است . در موقعی که اخیراً " مجلس شورایی مقرر نموده است و انجام آن در اسرع اوقات و بنحویکه کاملاً " آزاد و برطبق موازین مشروطیت از هرگونه مداخله و نفوذ و اقدامات قانون مصون باشد .

ضمناً " دولت اهتمام خواهد کرد که در قانون انتخابات فعلی مجلس شورایی قبل از انقضاء دوره چهاردهم تقیننه تجدیدنظر بعمل آید .

۷- توسعه و تکمیل خطوط راه آهن و اسفالت نمودن راههای شوسه نیز مورد عمل قرار خواهد گرفت .

در اینجانب باید از ذکر وقایع جهانی چشم پوشی بعمل آید . سال ۱۳۲۴ را میتوان سال جنگ جهانی دانست .

از آغاز این سال بود که متفقین به پیروزیهای درخشانی نایل آمدند و خیلی زود توانستند کار جنگ را فیصله دهند و تنهانیروئی که در مقابل آنان هنوز سرسختانه مبارزه میکرد ژاپون بود که در بیستم امرداد ماه بوسیله ریختن بمب اتمی بروی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی ژاپون ناچار به تسلیم شد و با پایان جنگ در خاور دور ، دومین جنگ بین الملل در سراسر جهان خاتمه یافت و این امید در دل مردم جهان زنده شد که باریگر صلح و آشتی جانشین قهر دیرین خواهد گشت و مخصوصاً " مردم ایران انتظار داشتند که نیروهای متفقین کشور ما را تخلیه کرده تا ما بتوانیم سروصورتی بوضع آشفته و نابسامان خود دهیم . . . اما پیدایش غائله های آذربایجان و کردستان سبب شد که این ظن در مردم زنده شود که متفقین خیال تخلیه ایران را ندارند گرچه در اس موعود قوای انگلستان و آمریکا ایران را ترک کردند اما با این حال روسها به هیچ قدرت حاضر به ترک این نقطه نبودند .

در ماه مرداد ۱۳۲۴ عمال حزب توده چندین دستگاه از عمارت دولتی تبریز را اشغال کردند و نیروی شوروی سربازان ایرانی را در سربازخانهها زندانی کردند و وقتی شاه ایران به ارتش فرمان پیشروی بسوی آذربایجان صادر کرد ارتش سرخ از قزوین و چهارصد کیلومتری تبریز نیروی ایران را متوقف ساخت و مانع حرکت آنها بسوی تبریز شد در آبان ماه خطه آذربایجان اعلام استقلال کرد و برای خود مجلس مقننه ای ترتیب داد و شخصی بنام سید جعفر پیشهوری که اعتبار نامهاش از مجلس چهاردهم رد شده بود سمت نخست وزیر دولت خود مختار جمهوری آذربایجان برگزیده شد و او به کمک عمال خود و ارتش سرخ توانست حکومت وحشت و ترور در آذربایجان تشکیل دهد .

از این روزها بعد است که دقایق دهشت باری بر تاریخ ایران سایه می‌آفکند و هر لحظه انتظار آن بود که این کشور دچار تجزیه گردد و اثری از استقلالش برجای نماند و در این جاست که ما رهبری دلسوزانه و خردمندانه شاهنشاه عالیقدر خود را در صفحات تاریخ بیشتر می‌بینیم و این اذعان بوجود می‌آید که اگر این دقت و دلسوزی نبود امروز اثری از استقلال کشور کهن سال ایران برجای باقی نمی‌ماند .  
 بعمرور تاریخ برمی‌گردیم :

شاهنشاه بدولت حکیمی امر فرمودند تا شکایتی پیرامون حوادث داخلی ایران وسیله دولت و ملت تقدیم شورای امنست سازمان ملل نماید. نمایندگان حزب توده که بخوبی از حقیقت امر آگاه بودند میکوشیدند تا دولت را از کارساقط نمایند و این شکایت تقدیم سازمان نگردد اما "حکیمی" باین سادگیها نمیشد و هرروز که میگذشت برمقاومتش افزوده میگردید و هیاتی را بریاست مرحوم سهیلی برای طرح شکایت ایران به لندن فرستاد و این هیات یا کمک تقی زاده وزیر مختار ایران در انگلستان توانست شکایت ایران را تسلیم سازمان ملل نماید و درحقیقت این اولین شکایتی بود که به سازمان ملل تقدیم شد و درست در همان روز که اطلاع رسید شورای امنست شکایت ایران را در دستور خود قرار داده است مرحوم حکیمی استعفای دولت خود را تقدیم داشت و بدین ترتیب وی بزرگترین وظیفه خود را بپایان رسانید و حال نوبت دیگری بود تا هدف دولت او را دنبال نماید.

بنابهمای مجلس مرحوم احمد قوام "قوام السلطنه" روز هفتم بهمن مامور تشکیل دولت گردید و در همان حال که شکایت ایران پیرامون وقایع آذربایجان و کردستان در شورای امنست مطرح بود او دولت خود را تشکیل داد و در روز بیست و پنجم بهمن ماه کابینه خود را بشرح زیر به مجلس معرفی کرد.

نخست وزیر احمد قوام — وزیر کشور احمد قوام — وزیر خارجه احمد قوام — وزیر دارایی مرتضی قلی بیات — وزیر راه سر لشکر فیروز — وزیر دادگستری انوشیروان سپهبدی — وزیر پیشه و هنر علی سپهر — وزیر بهداشتی دکنتر منوچهر اقبال — وزیر پست و تلگراف سهام الدین غفاری — وزیر فرهنگ ملک الشعراى بهار — کفیل وزارت کشاورزی شمس الدین امیر علائی دولت قوام چهار بار دیگر نیز پیاپی تشکیل شد که در زیر اعضای کابینه این دولتها آورده شده اند.

دولت دوم احمد قوام — تاریخ تشکیل ۱۰ مرداد ۱۳۲۵

نخست وزیر احمد قوام — وزیر کشور احمد قوام — وزیر امور خارجه احمد قوام — وزیر

دارایی عبدالحسین هژیر - وزیر راه سرلشکر محمدحسین فیروز - وزیر کار و تبلیغات مظفر فیروز - وزیر کشاورزی شمس الدین امیر علائی - وزیر بهداری دکتر مرتضی یزدی - وزیر فرهنگ دکتر فریدون کشاورز - وزیر بازرگانی و پیشه و هنر ایرج اسکندری - وزیر دادگستری الهیار صالح وزیر پست و تلگراف دکتر منوچهر اقبال - وزیر مشاور انوشیروان سپهبدی .

#### دولت سوم احمد قوام تاریخ تشکیل ۲۷ مهرماه ۱۳۲۵

نخست وزیر احمد قوام - وزیر کشور احمد قوام - وزیر خارجه احمد قوام - وزیر جنگ مرحوم سپهبد امیر احمدی - وزیر دارایی عبدالحسین هژیر - وزیر بازرگانی و پیشه و هنر حمید سیاح - وزیر بهداری دکتر منوچهر اقبال - وزیر کشاورزی شمس الدین امیر علائی - وزیر فرهنگ دکتر سید علی شایگان - وزیر پست و تلگراف اعزاز نیکبئی - وزیر دادگستری موسوی زاده وزیر کار و تبلیغات محمدولی فرمانفرمائیان - وزیر راه ابوالحسن صادقی .

#### دولت چهارم احمد قوام - تاریخ تشکیل ۲۸ خرداد ۱۳۲۶

نخست وزیر احمد قوام - وزیر جنگ سپهبد امیر احمدی - وزیر مشاور علی اصغر حکمت وزیر دادگستری منصور السلطنه عدل - وزیر دارایی عبدالحسین هژیر - وزیر کشاورزی احمد حسین عدل - وزیر امور خارجه انوشیروان سپهبدی - وزیر بهداری دکتر منوچهر اقبال وزیر فرهنگ دکتر صدیق اعلم - وزیر اقتصاد ملی ابوالحسن صادقی - وزیر راه غلامحسین فروهر - وزیر کشور سرلشکر فرج اله آق اولی - وزیر مشاور سید علی اکبر موسوی زادم - وزیر مشاور محمد علی همایون جاه - وزیر پست و تلگراف سید علی نصر - وزیر کار و تبلیغات سلمان اسدی .

#### دولت پنجم احمد قوام تاریخ تشکیل ۱۹ شهریور ۱۳۲۶

نخست وزیر احمد قوام - وزیر کشور احمد قوام - وزیر امور خارجه موسی نوری اسفندیاری وزیر فرهنگ دکتر عیسی صدیق - وزیر اقتصاد ملی دکتر سجادی - وزیر بهداری دکتر منوچهر اقبال - وزیر راه غلامحسین فروهر - وزیر جنگ محمود جم - وزیر دارایی عبدالحسین هژیر وزیر کشاورزی احمد حسین عدل - وزیر پست و تلگراف جواد بوشهری - وزراء مشاور علی اصغر حکمت و منصور السلطنه عدل .

**متن برنامه دولت قوام که بیشتر مشهور به مواد ده گانه است این چنین به مجلس تقدیم شد:**

۱- در روابط خارجی دوستی و اصل احترام کامل متقابل با تمام دول مخصوصاً با دول معظم مراعات گردیده و در تشیید روابط حسنه و حسن تفاهم کامل با اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر و ممالک متحدہ آمریکا با توجه باصل مذکور سعی و کوشش لازم شده و خواهد شد این مطلب را باید متذکرشوم که اینجانب از بدو زمامداری خود سعی بوده ام از هرگونه مداخله خارجی در امور داخلی مملکت جلوگیری شود و این تذکر را رسماً بنمایندگان دول داده ام و در اجرای آن نهایت مراقبت را داشته و خواهد داشت و حاجت به توضیح نیست دولت ایران عضو صدیق سازمان ملل متفق میباشد و برای عضویت خود وظایفی که از این لحاظ به عهده دارد اهمیت فراوانی قائل است .

۲- سیاست اقتصادی کشور برپایه اصلی و اساسی قانون انحصار تجارت خارجی و حمایت از صنایع داخلی قرار گرفته و بجای وزارت پیشه و هنر لایحه سازمان وزارت اقتصاد ملی تهیه شده و طرحهای لازم بمنظور تنزل هزینه زندگی هر چه زودتر برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد . تعرفه های گمرکی که بر اثر حضور قوای خارجی یک قسمت مهم آن موقوف الاجرامانده بود اکنون به مرحله عمل و اجرا درآمده است ولی اصلاحات زیادی در این قوانین مورد ضرورت میباشد که با رعایت مقتضیات مملکت در مقررات آن تجدید نظر بعمل خواهد آمد و لوایح آن به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد گردید .

۳- طرح قانون کار که فصل جدیدی در زندگی اجتماعی ما آغاز کرده برای تقویت به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد و یقین است با اهمیتی که مسائل مربوط بکارگر و کار در دنیای کنونی دارد و در ایران این مسئله مورد توجه و اهمیت خاص میباشد مجلس شورای ملی دقت لازم رانسبت به آن مبذول خواهد داشت و طبقه کارگرا از حمایت قانونی خود برخوردار خواهد کرد .

۴- برای بهبود زندگانی زارعین و کشاورزان که اکثریت تمام مردم زحمتکش این مملکت را تشکیل میدهند پانزده درصد اضافه از سهم مالک برای این طبقه اختصاص داده شد و یقین است از لحاظ تبدیل سیاست اجتماعی مجلس شورای ملی این توده های عظیم زحمتکش را مورد توجه و حمایت مخصوص قرار دارد . و نه تنها طرح قانونی پانزده درصد را بقسمی که در نقاط مختلفه کشور مقتضی می داند تصویب خواهد کرد بلکه امتیازات بیشتری در حق آنها



منظور خواهد داشت .

۵- گزارش برنامه هفت ساله اقتصادی کشور و لوایح آن که متضمن تجدیدنظر در سازمان اداری و اجتماعی کشور میباشد و سرفصل سعادت ایران محسوب میشود بزودی تقدیم مجلس شورای ملی خواهد شد .

۶- در زمینه اصلاحات اداری و تقلیل مستخدمین که یکی از بفرنج‌ترین مسائل مملکتی شده است مطالعات کافی بعمل آمده است .

بمناسبت نبودن کارهای تولیدی مخصوصاً در سنوات اخیر بر تعداد مستخدمین دولت افزوده شده است و بر اثر این تهاجم که تنها راه معیشت خود را در استخدام دولت تشخیص داده‌اند نه تنها حسن انتظام اداری بهرج و مرج شده است بلکه قسمت کلی عواید دولت و بودجه مملکت بمصرف حقوق و مقرری رسیده و محل اعتبار کافی برای مصارف تولیدی و ضروری مملکتی در بودجه باقی نمانده است .

برای رفع این مشکل و جلوگیری از اتلاف بودجه کشور و اعاده نظم اداری لایحه قانون استخدام جدید با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع تهیه و تقدیم خواهد شد باید در نظر داشت که امکان هرگونه تجدیدنظر در استخدام مامورین دولت بمنظور تقلیل آنها جز در سایه اجرای برنامه هفت ساله و پیدا کردن کارهای مولد ثروت میسر خواهد بود و در صورت ایجاد کار مولد نه تنها طبعاً مردم بکارهای آزاد خواهد پرداخت بلکه وسیله موثری برای جلوگیری از فساد اخلاق و ارتشاء و اختلاس و دزدی بوجود خواهد آمد .

۷- اصلاح قانون شهرداریها با در نظر گرفتن شرایط کنونی مملکت و بمنظور شرکت دادن مردم و مسئولیت‌های اجتماعی و استقلال شهرداریها و اداره شهرها بوسیله منتخبین خود مردم و انجمنهای شهری چنانکه در تمام ممالک مترقی دنیا معمول است به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد و تصور می‌رود اهمیت خاص چنین تصمیمی مورد تصدیق آقایان نمایندگان و تمام افراد ملت ایران میباشد .

امر لوله‌کشی شهر تهران از مقام آرزو بمرحله اجرا درآمده و تا سه سال دیگر تهران دارای آب تصفیه شده خواهد بود و تدریجاً در سایر شهرهای بزرگ ایران نیز نقشه لوله‌کشی اجرا خواهد شد .

۸- موضوع مسکن مورد توجه خاص دولت قرار گرفته و چون آنرا یکی از مسائل اساسی زندگانی مردم میدانند و تاء شیر آن در هزینه زندگانی غیر قابل انکار است دولت با ایجاد

چهار صد خانه کوچک و ارزان قیمت اولین قدم را برای تامین مسکن مردم شهر تهران برداشته و امیدواری کامل حاصل است که بکمک مجلس شورای ایملی در تکمیل آن در تهران و سایر شهرهای ایران بوسیله بانک رهنی و موسسات دیگر منازل ارزان قیمت ساخته و در دسترس مردم گذاشته شود و موضوع مهم مسکن سرو صورتی در ایران پیدا کند .

۹- لازم بتذکر نیست که قوانین موجود ایران در شئون مختلف زندگی قضائی و اجتماعی و اقتصادی و دارای نواقص فراوان بوده و احتیاج کامل بتجدید نظر دارد و حتی وضع قوانین جدیدی نیز در شئون مذکور مورد لزوم و ضرورت میباشد و چون باید لوایح قوانین مذکور پس از مطالعات کافی انشاء و تنقیح شده و به مجلس شورای ایملی تقدیم گردد لذا طرح قانونی شورای دولتی باین منظور و برای تشکیل محکمه عالی اداری بزودی تقدیم مجلس شورای ایملی خواهد شد .

۱۰- نظر باینکه انجمن های ایالتی و ولایتی در تمام شهرستانها باشد تشکیل شود در قانون سابق تجدید نظر شده و قانون جدیدی طبق مقتضیات روز و احتیاجات فعلی بمجلس تقدیم خواهد شد .

تصور می رود محتاج بتوضیح نیست که در صورت پشتیبانی مجلس شورای ایملی و تهیه موجبات اجرای برنامه های دقیق اصلاحی و اقتصادی میتوان اطمینان داشت که طبیعتاً "یک زندگانی نوین از هر حیث برای ملت ایران پدید آید" و مجلس پانزدهم این افتخار را خواهد داشت که پایه های ایران جدید را بر اساس استقلال اقتصادی قرار داده است .

چون این جانب خود را موظف میدانم ترا زمانه دوره زمانداری خود را در مدت نوزده ماه اخیر با اطلاع ملت ایران برسانم تقاضا دارم هر چه زودتر تکلیف دولت را تعیین فرمایند تا دولت بتواند گزارشات مفصل خود را راجع بمسائل مهم کشور و لوایح قانونی مذکور در مواد برنامه تقدیم مجلس شورای ایملی نماید .

همانطور که هنگام معرفی دولت خود در تاریخ هشتم بهمن ماه ۱۳۲۴ تذکر داده ام ملت ایران از حرف خسته شده و عمل می خواهد و تا کید می کند که در این مدت باین اصل وفادار بوده و تقاضای ملت ایران را در مسائل مهم برآورده ام و توأم بابرقراری وضع عادی و امنیت در کشور و رفع مشکلات پیچیده سیاست خارجی و قضایی داخلی و اهتمام کافی در حفظ حاکمیت ایران برنامه های علمی و عملی بمنظور تامین سعادت و ترقی آینده مملکت تهیه دیده و امیدوارم که با پشتیبانی صمیمانه مجلس شورای ایملی نقشه های مزبور بموقع اجرا و عمل در آید .

۵- قوام پس از تشکیل اولین دولت خود در راس هیاتی جهت مذاکره با روسها عازم مسکو گردید

گردید و در ضمن مذاکراتی که در مسکو انجام گرفت قول و قرارهایی گذاشته شد .  
 قوام وعده داد که به مجلس شورای ملی ایران توصیه کند که با تشکیل شرکت مختلط نفت  
 روس و ایران که پنجاه و یک درصد از سهام متعلق به روسها باشد برای کشف و بهره برداری از منابع  
 نفت شمال موافقت کند و سه نفر از اعضای حزب توده را در کابینه خود شرکت دهد و حکومت انقلابی  
 آذربایجان را برسمیت شناخته و شکایت ایران را علیه روسها پس بگیرد .

انتشار این اخبار در بازگشت نخست وزیر وقت سبب پیدایش نارضایتی فوق العاد مردم شد  
 تا جاییکه مردم میگفتند قوام بخاطر حفظ املاک خود در شمال ایران را بر روسها فروخته است .  
 شاه جوان ما نیز با خارج ساختن شکایت ایران از دستور شورای امنیت مخالف بود و در همین  
 هنگام حسین علاء بخلاف دستور نخست وزیر وقت ایران تصمیم گرفت که شکایت ایران را در سازمان  
 ملل مطرح کند و در روز پنجم فروردین ماه ۱۳۲۵ بود که اعلام شد علیرغم همه تحریکات و وسیله‌هایی  
 که صورت گرفته شکایت ایران در شورای امنیت مطرح گردیده است و در اولین جلسه مجدداً این شورا اگر و میگو  
 با بیانی شیوا شکایت ایران را بر عرض اعضای شورا رسانید و پنج روز بعد در جلسه مجدد این شورا اگر و میگو  
 نماینده شوروی در میان بهت و حیرت حاضرین اعلام داشت که ارتش سرخ مشروط بر اینکه اتفاقی  
 برایش روی ندهد ظرف پنج الی شش هفته ایران را تخلیه خواهد کرد . در همان ایام بود که هیأتی  
 بریاست پیشه‌وری برای مذاکره با دولت وقت ایران به تهران آمدند و در تهران اقامت  
 کردند و چون از مذاکرات خود نتیجه نگرفتند به تبریز بازگشتند .

روز نوزدهم اردیبهشت ماه بود که روسها بوعده خود وفا کردند و ارتش سرخ ایران را تخلیه  
 کرد اما با این حال فرقه دمکرات زمام امور آذربایجان را در دست داشت . در این هنگام بود که  
 قوام السلطنه بفرق ایجاد حزب دمکرات افتاد و در مرداد ماه ۱۳۲۵ حزب دمکرات را برهبری شخص  
 خویش تشکیل داد .

و در همان حال کابینه خود را ترمیم نمود و سه وزیر توده‌ای را در این کابینه شرکت داد و این  
 سه تن عبارت بودند از دکتر یزدی وزیر بهداشتی ایرج اسکندری وزیر بازرگانی و پیشه و هنر و دکتر  
 کشاورز وزیر فرهنگ که این سه تن در کابینه دوم قوام شرکت داشتند .

پیرامون سیاست قوام خیلی حرفها وجود دارد که بهترین نظریه مرسوم برهبر عالیقدر ما  
 میباشند که در خاطرات خود میفرمایند در این هنگام قوام رویه عجیب و غریبی در پیش گرفت .  
 وی که ظاهراً تحت نفوذ روسها قرار گرفته بود روزی بمن پیشنهاد کرد که یاد در کلیه امور شخصاً  
 تصمیم بگیرم و یا او را در اداره امور آزاد بگذارم و البته نظرش همان شق دوم بود . ولی مردم

از سیاست ملایم و رویه مسالمت آمیزی در برابر کمونیست هاچندان راضی نبودند و کم کم طوایف جنوب ایران سر به طغیان بلند کرده طرد و زاری توده ای را از کابینه خواستار شدند .

قوام در نظر داشت افسران خیانتکار را که از ارتش ایران فرار کرده و به پیشه‌وری پیوسته بودند مجددا بخدمت گماشته و حتی سایر افرادی که از جانب پیشه وری به اخذ درجه افسری نایل شده بودند در خدمت ارتش ایران وارد کند وی روی پای من افتاده استدعا نمود که بدین امر موافقت کنم ولی من باو خاطر نشان کردم که ترجیح میدهم دستم قطع شود و چنین کاری را امضا نکنم . قوام در کمال ساده لوحی تصور میکرد که میتوان با اخذ این رویه مسالمت آمیز هم مقام خود وهم تمامیت ایران را حفظ نماید . نظر بجهت فوق قوام را احظار نموده و دستور دادم کابینه خود را منحل نموده و کابینه جدیدی بدون شرکت اعضاء حزب توده تشکیل دهد و در همان وقت فرمان انتخابات جدید را صادر نمودم . فرمان برای تجدید انتخابات تمام کشور صادر شده بود و بطور وضوح استان آذربایجان را نیز شامل میشد و بدیهی است که طبق دلخواه حکومت خود مختار آذربایجان نبود . . همانطور که اشاره شد سیاست تاءبید شده ملی نبود و مخصوصا " شرکت وزاری توده ای در کابینه دوم وی بسبب بوجود آمدن اغتشاشات فراوانی شد تا جائیکه در فارس عشایر جنوب سر بشورش برداشته و در مذاکراتی که با سران ایل قشقائی بعمل آمد معلوم شد آنان تقاضا دارند که دو وزیر مشاور از جانب عشایر فارس در کابینه شرکت داده شود و نیز در استان فارس انجمن ایالتی و ولایتی تشکیل گردد . رد این تقاضا سبب شد که غائله فارس شدت گیرد و وعده ای از سربازان و افسران شهید شوند ولی در روز بیست و پنجم مهرماه اعلام شد که " نهضت سعادت " فارس درهم پاشیده شده و ناصر خان قشقائی حاضر به صلح گردیده است و در همین روز بود که احمد قوام ناچار بنا باوامر شاهنشاه دولت دوم خود را منحل کرده و سومین دولت خویش را تشکیل دهد .

باثبات آرامش در فارس حال نوبت به آذربایجان رسیده بود . آزادی آذربایجان و واقعه در این منطقه یک مسئله بزرگ در زندگی سیاسی ایران است . زیرا رهبران ایران نشان داد که با مقاومت و سرسختی می توان ملیت و قومیت کشور را حفظ کرد . این چنین است که آسان از واقعه آذربایجان نمیتوان گذشت و این واقعه را باید از دیدگاه دیگری بررسی کرد و بیشتر در این باره عذر نموده زیرا در لابلای این رویداد است که چهره ملی و دوست

داشتنی رهبر خردمند ما متجلی میشود .

شاهنشاه در سالهای بعد ، به عنوان اولین قدم برای آزادی آذربایجان ، چنین نوشتند :

فرمان برای تجدید انتخابات تمام کشور صادر شده بود و بطور واضح استان آذربایجان رانیز شامل می گشت و بدیهی است که طبق دلخواه حکومت خود مختار آذربایجان نبود .

مفهوم دستور شاهنشاه به دولت برای تهیه مقدمات انتخابات عمومی نه تنها پایان دوران تجزیه طلبی و تندبادی بود که خواب و خیال عشایر جنوب و غرب را در هم پیچید و به اربابان خارجی آنان هشدار داد ، بلکه بالاتر از همه موید اراده راسخ شاهنشاه مبنی بر زدودن افسانه " جمهوری خود مختار داخلی " آذربایجان و کردستان بود .

تجزیه طلبان آذربایجان به وحشت افتادند . حزب توده تشخیص داد که پایان عمر " جمهوری خود مختار داخلی " شمال شروع زوال قدرت و نفوذ آن حزب خواهد بود . اولین واکنش از رادیو تبریز به گوش رسید . این رادیو اعلام کرد که در آذربایجان و کردستان انتخاباتی صورت نخواهد گرفت . فرمان شاهانه بمجرد صدور از طرف رژیم جعفر پیشه وری رد شده بود . رژیم او اعلام کرد که به ارتش شاهنشاهی ایران اجازه ورود به آذربایجان را نخواهد داد و اگر این ارتش به استان آذربایجان " هجوم " برد ، نه تنها با مقاومت نیروهای مسلح مواجه خواهد شد بلکه شکست خواهد خورد و نیروهای فرقه دموکرات به سوی تهران و سایر شهرستانهای مرکزی و شمالی پیشروی خواهند کرد و انقلابیون با یک قیام عمومی ایران را " آزاد " خواهند ساخت . " همان اوقات رادیو فرقه دموکرات در تبریز ضمن رجزخوانیهای خود جمله معروف " مرگ هست ولی برگشت نیست " را از زبان پیشه وری تکرار می نمود . اما سران مغرور و خودباخته فرقه از این نکته غافل بودند که استالین و یارانش به مقتضای سیاست روز دیگر از فرقه سازان و متجاسرین حکومت دست نشانده خود پشتیبانی جدی نخواهند کرد .

شاهنشاه با ارزیابی سیاست استالین به این نتیجه رسیده بودند که چون وی امید به حصول موفقیت و اخذ امتیازاتی دارد که در عهدنامه قوام - سادچیکف قید شده است ، مستقیماً در قضایای آذربایجان دخالت خواهد کرد و مجبور خواهد بود بین دولت

قانونی ایران و تجزیه طلبان یکی را انتخاب کند . اگر بخواهد رژیم تجزیه طلبان را حفظ کند ، نخواهد توانست منتظر اجرای قرارداد باشد زیرا هرگونه دخالت نظامی شوروی در ایران منجر به بروز عکس العمل شدید ضد شوروی خواهد شد . اما اگر آنان را قربانی کند ، خواهد توانست به اخذ امتیاز نفت شمال کشور امیدوار باشد .

در این موقع روسها در محظور عجیبی قرار گرفته بودند . زیرا هم می خواستند از حکومت دست نشانده خود پشتیبانی کنند وهم بدین امید که نفت شمال ایران را به چنگ آورند با تهران روابط حسنه داشته باشند .

از سوی دیگر قرارداد نفتی که قوام با اصول آن موافقت کرده بود تا وقتی به تصویب مجلس شورای ملی نمی رسید ، قابل اجرا نبود . مفهوم ضمنی فرمان شاهنشاه این بود که بدون حضور نمایندگان مجلس از دو استانی که تجزیه طلبان در آنجا قدم کرده بودند ، مجلس شورای ملی تشکیل نمی شد . در این شرایط استالین اگر تصویب قرارداد نفت را می خواست چاره ای جز تنها گذاشتن تجزیه طلبان نداشت .

شاهنشاه به عنوان وسیله آزمایش مقامات شوروی دستور فرمودند تا قوای ارتش شاهنشاهی در قزوین متمرکز گردد . ایالت خمسه واقع در فاصله قزوین و آذربایجان به وسیله نیروهای رژیم پیشه وری اشغال شده بود و به دستور شاهنشاه ارتش ایران مأمور شده بود تا این بخش را از وجود تجزیه طلبان بزدايد . نیروهای ارتش وارد زنجان شدند و ضمن آنکه افراد فرقه دموکرات با عجله به طرف میانه عقب نشینی و فرار می کردند ، مردم خمسه ورود نیروهای ارتش شاهنشاهی را خوشامد می گفتند . این موفقیت صحت نظریه صائب شاهنشاه را به ثبوت رسانید و معلوم داشت که نفوذ سیاسی تجزیه طلبان روبه خاموشی می رود . از سوی دیگر ، این جریان حزب توده را نیز نومید ساخت . حزب که دستش از همه جاکوتاه شده بود نومیدانه به تکاپو افتاد و شورشهایی در مازندران سامان داد . حکومت مرکزی ایران نیز در مقابل با بازداشت چندتن از رهبران آنها واکنش نشان داد . از این لحظه به بعد ، قوام السلطنه نیز متوجه شد که توده ایها با او میانه چندان ندارند و خود او نیز هدف اتهامات حزب است . قوای پلیس طی حمله به دفاتر حزب توده به مدارکی دسترسی پیدا کردند که نشان می داد حزب طرحهایی برای سقوط نهایی قوام تهیه کرده است . در سایه کشف این مدارک ، نخست وزیر به فکر دفاع از خود افتاد . از این رو بیشتر از گذشته دوستان توده اش را تحت فشار قرارداد . حزب توده فعالیت " زیرزمینی "

## سیم سمن سمنست بردها

خود را شروع کرد و مظفر فیروز کنار گذاشته شد و با سمت سفیر ایران به مومسکوشد. سرانجام قوام متوجه راءى صائب شاهنشاه شده بود .

شاهنشاه به ارتش شاهنشاهی دستور دادند که به سوی آذربایجان پیشروی کند و شورشیان را یکبار و برای همیشه نابود سازد . حکومت قوام السلطنه طی اعلامیه ای در تاریخ ۱۲ آذر اعلان کرد که به پیروی از فرمان شاهانه مبنی برانجام انتخابات عمومی ، ارتش شاهنشاهی ماموریت دارد که تمام نواحی کشور را که در آنجا انتخابات صورت می گیرد ، واز جمله آذربایجان را اشغال کند . رژیم پیشه وری این اعلامیه را دلیل واضح عهدشکنی و مغایر اصول قراردادی دانست که چندی قبل از آن تاریخ یادولت مرکزی منعقد کرده بود . تنها پاسخ متقابل شاهنشاه صدور فرمان تشکیل شورای جنگ بود که در کاخ سلطنتی منعقد گردید . شاهنشاه مایل بودند که پیشروی به سوی آذربایجان بدون فوت وقت انجام گیرد ولی بعضی از اعضای کابینه ، از آنجا که هنوز هم از دخالت نظامی شوروی بیمناک بودند ، تاءخیر را جایز می دانستند . ولی شاهنشاه برای حفظ تمامیت ارضی ایران ، ماموریت با نتایج مداخله احتمالی شوروی بودند . در چنین موقعیتی که تصمیم پذیرش پیشروی به سوی آذربایجان و کردستان به محله قطعی رسیده بود ،

سفیرکبیر شوروی در تهران تقاضای شرفیابی فوری نمود و من به او یار دادم . هنگامی که باریافت نسبت به اعزام نیروی نظامی به آذربایجان بالحن تهدید آمیزی اعتراض نمود و اظهار داشت که ما با این عمل صلح جهان را به خطر انداخته ایم و به نام دولت متبوعه خود از من که شاهنشاه و فرمانده کل نیروهای ایران بودم تقاضا داشت نیروی خود را فراهوانم . من به او گفتم مساله برعکس است و اوضاعی که تا حال در آذربایجان حکمفرما بوده صلح جهان را به خطر انداخته است . آنگاه از قبول تقاضای او امتناع کردم و تلگرافی را که همان ساعت از طرف استاندار حکومت پوشالی آذربایجان رسیده و حاضر بودن شورشیان را برای تسلیم بلا شرط اطلاع می داد به او ارائه دادم . سفیرکبیر که دیگر نمی توانست مطلبی عنوان کند و مبهور گشته بود ، اجازه مرخصی خواست .

شاهنشاه آگاه بودند که سفیرکبیر شوروی از " موضع قدرت " حرف نمی زند . استالین طی موافقتنامه قوام - سادچیکف واقعه آذربایجان را امر داخلی دانسته و دولت اتحاد جماهیر شوروی اظهار امیدواری کرده بود که ترتیب مسالمت آمیزی برای اجزای اصلاحات

بنابه قوانین موجود و با روح خیرخواهی نسبت به اهالی آذربایجان داده شود . رژیم پوشالی پیشه وری با تمام سر و صداهایی که به راه انداخته بود ، بسیار ضعیف بود . سفیرکبیر شوروی نیز این موضوع را بخوبی می دانست . " شاهنشاه خودفرماندهی نیروی اعزامی به آذربایجان را برعهده گرفته بودند ، شخصا "باهواپیما برفراز استحکامات متجاسرین و شورشیان پرواز کردند و از میزان نیروی آنان آگاه شدند . مردم غیور و آزاده تبری و رضائیه که به وسایل مقتضی از حرکت نیروی ارتش و پرواز هواپیمای شاهنشاه برفراز آذربایجان مطلع شده بودند به پا خاستند و با شور و هیجانی که نموداری از حسن و وطن پرستی و شاهدوستی مردم دلیر آن استان بود بر فرقه سازان و دستگاه پوشالی حکومت خود مختار پیشه وری تاختند .

استاندار آذربایجان که قبلا با دموکراتها همکاری کرده بود ، بمجرد آنکه احساسات مردم و شعارهایی را که به روی دیوارها نوشته بودند دید ، تلگرافی به حضور شاهنشاه مخابره کرد و " تسلیم بدون قید و شرط " قوای شورشی را به عرض رسانید . به این ترتیب روشن شد که احتمال دخالت نظامی شوروی در آذربایجان منتفی است . به فرمان شاهنشاه ، قوای ارتش ایران در سه ستون متوجه آذربایجان شد . ستون اصلی از طریق زنجان و میانه و دو ستون دیگر از راه بیجار ، شاهین دژ ، مراغه ، سفز و مهاباد پیشروی کردند . روز ۱۷ آذر رژیم پیشه وری رسماً " غیرقانونی اعلام شد و شاهنشاه برای تخمین نیروی شورشیان برفراز مواضع آنان پرواز کردند . روز ۱۹ آذر ستون اصلی قوای ارتش شاهنشاهی از رود قزل اوزن ، که پل آن را شورشیان منفجر کرده بودند ، عبور کرد و در برخوردی کوتاه مدت در قافلانکوه شورشیان را شکست داد و وارد شهر میانه شد . روز ۳۰ آذر ، قوایی که از طریق بیجار پیش می رفتند ، شاهین دژ را آزاد کردند .

بمجرد آنکه خبر پیشروی مظفرانه ارتش شاهنشاهی در آذربایجان منتشر شد ، مردم قیام کردند و وطن پرستان آذربایجان مرکز فرماندهی فرقه دموکرات را مورد حمله قرار دادند . از سوی دیگر ، افراد فرقه که خبر قیام مردم را شنیده بودند ، از میانه به سوی تبریز عقب نشینی کرده و اینک بین قوای ارتش شاهنشاهی و غیرنظامیان مسلح تبریز گیر شده بودند . در همین ضمن ، قیام مشابهی نیز در رضائیه و آذربایجان شرقی رخ داد . تبریزیها به رژیم پیشه وری و رژیم شمابهی که به وسیله حاجی بابا شیخ در کردستان به راه افتاد بود ، اطمینان داده بودند که در صورت درگیری آنان با ارتش شاهنشاهی ایران



## نیم ستم سلطنت برداشته

از شکست‌شان جلوگیری خواهند کرد. اما هیچ کدام از کمک‌هایی که وعده داده بودند، صورت عمل بخود نگرفت. سیاست شوروی یک بار دیگر چهره پراگماتیسم و خصوصیت عبرت‌آموزی خود را نشان داد و استالین عروسک‌هایی را که در آذربایجان و کردستان علم کرده بود، به حال خود گذاشت. به این ترتیب، شورشیان شکست خورده نابود شدند و فقط پنج‌هزار نفر از آنان توانستند پناهگاهی در روسیه و عراق بیابند و چند صد نفر از آنان را غیرنظامیان مسلح اسیر کردند. شاهنشاه بعدها در این مورد نوشتند:

مردم آزادیخواه تبریز و رضایه که در تاریخ کشور در آزادیخواهی مشهورند در امر برانداختن حکومت پوشالی آذربایجان در حقیقت پیشقدم بودند. مردم این دوشهر بسیاری از سربازان کمونیستی را از بین بردند و اگر نیروی نظامی ایران مانع نمی‌شد به زندانها ریخته و کمونیست‌هایی را که در زندان بودند، معدوم می‌ساختند. در همین موقع نیز نیروی ارتش ایران با کمک افراد طوایف کرد و ساکنین محلی کردستان حکومت پوشالی کردستان را نیز برانداخت. حکومت محلی کردستان به وسیله ستون اعزامی که از طریق شاهین دژ پیشروی کرده و به نیروهای اعزامی در سقر پیوسته بود، شکست خورد. این دو ستون اعزامی قوای نامرتب فرقه کومله را درهم شکستند. روز ۲۱ آذر افراد ارتش شاهنشاهی ایران وارد تبریز و رضایه شدند و مردم این دو شهر که از مدتها قبل در انتظار لحظه آزادی روزشماری می‌کردند، به آنها خوشامد گفتند. در این روز، عمر کوتاه دولت خودمختار و روزگار فرمانروایی فرقه دمکرات پایان یافت. " سران فراموشکار فرقه که شعار فریبنده مرگ‌هست ولی بازگشت نیست را از یاد برده و پیش از ورود واحدهای ارتش با بار و بنه راه مرزهای شوروی را درپیش گرفته بودند، در ماوراء ارس به کمیسرهای سیاسی و نظامی ارتش سرخ پیوستند تا مزد خیانت به وطن را از استالین و بارانش بگیرند. "

قوام السلطنه هنوز بر مسند صدرات تکیه زده بود. ادامه حکومت قوام تائید غلطی در ارزشیابی مورخین غربی داشت بطوری که یکی از ناظرین ایرانی این دوره چنین نوشت: " در ممالک خارجی چنین تصور میشود که قوام ناجی استقلال

ایران بوده و لیاقت و قدرت و تیزهوشی سیاسی او این مملکت را نجات داده است . در صورتی که نجات ایران فقط و فقط مدیون اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی و ارتش وفاداری است که معظم له هدایت و رهبری می فرمایند . تنها تصمیم شجاعانه شاهنشاه بود که ارتش شاهنشاه بود که ارتش را به سوی آذربایجان گسیل داشت و استانی را که مردمانش در زمره قهرمانان وفادار به ایران بودند ، به وطن بازگردانید . "

شکست متجاسیرین و تجزیه طلبان آذربایجان و کردستان از جهات عدیده ای به اضمحلال " جمهوری شوروی گیلان " و انهدام قوای میرزا کوچک خان شباهت داشت . در هر دو مورد خطری که ایران را تهدید می کرد به وسیله شاهنشاهان پهلوی منتفی شده بود ، در هر دو مورد متجاسیرین و تجزیه طلبان از اتحاد جماهیر شوروی الهام می گرفتند ، و در هر دو مورد اگر مردم استانهای شمالی از " آزادی قلابی " که به آنها تحمیل شده بود باعث شد تا به پشتیبانی از حکومت مرکزی علیه " آزادکنندگان قلابی " خود قیام کنند .

باتمام اینها ، در آذر ۱۳۲۵ ، مسأله ای که تجزیه طلبان استانهای شمالی به وجود آورده بودند از نظر کمی وضع دیگری داشت . مبارزه ای که به رهبری شاهنشاه پیروز شد ، بخشی از مبارزه ای تاریخی بود که در آسیا نضج گرفته بود . در سال ۱۳۲۵ ، آسیا پس از دو قرن تحت الحمایگی و رکود داخلی و خارجی قیامهای متعدد هند ، برمه ، سیلان ، و کشور نوخاسته پاکستان هموار ساخت و آنان را به صورت ممالکی دارای حق حاکمیت در آورد . آخرین تلاشهای سیستم استعماری فرانسه که طالب حقوقی در آسیای غربی بود ، باشکست مواجه شد . در ممالک دیگر آسیایی نیز مرحله نهایی جنگهای استقلال طلبی نزدیک شد . احساس جدید سرنوشت آسیایی کم کم در رهبری آسیایی مؤثر افتاد .

شاهنشاه ایران با مقاومت موفقیت آمیز خویش در برابر تملیلات توسعه طلبی استالین سهم مؤثری در آزاد کردن آسیا انجام دادند . در حقیقت معظم له سدهای روانی و سیاسی گذشته را که مبنی بر پذیرفتن بی چون و چرای برتری دولتهای قوی بود ، درهم شکستند و بطور مؤثری نشان دادند که استالین با آنکه قوی بود نتوانست در ایران تاخت و تاز کند و تحکم نماید .

شکست شوروی در ایران اثرات وسیعی بدنبال داشت و برای اولین بار نه تنها دنیای غرب را بازشت ترین نظرات توسعه طلبی استالین آشنا کرد بلکه آنطور که بعدها نیکیتا

خروشچف اقرار کرد، مخالفین استالین نیز از تمایلات او مطلع شدند. از سوی دیگر خیلی از رهبران آسیایی نیز از این واقعه درس لازم را فراگرفتند اما نتیجه‌ای که برتراز همه قرارداد است احساس اطمینان جدیدی بود که نصیب ناسیونالیسم ایران شد.

اهمیت وقایع مزبور بقدری آشکار است که ملت ایران روزی را که مصادف با ختم این غائله عظیم است به نام روز آذربایجان عید ملی اعلام نموده و از سال ۱۳۲۵ به این طرف همه ساله در آن روز به یاد نجات آذربایجان و اعاده حق حاکمیت ما بر آن خطه جشن می‌گیرد و به عقیده من نه تنها ایرانیان باید پیوسته به یاد این روز باشند بلکه تمام ملل آزاد جهان نیز بایستی این واقعه تاریخی را به خاطر سپرده و فراموش ننمایند. پس از نبرد آذربایجان احساسات ناسیونالیسم مردم ایران بواقع به جنبش و هیجان درآمد و تمام افراد و طبقات مردم از آن واقعه درس عبرت گرفتند و به هروسپله و درهرمقام و مکانی که بودند، مراتب وفاداری خود را نسبت به من اظهار داشتند:

" احساسات پرشکوه مردم پایتخت هنگام بازگشت شاهنشاه به تهران از دیدار آذربایجان نشانه بارزی از بستگی و پیوستگی مردم به رژیم شاهنشاهی و اعتقاد راسخ ملت ایران به شخص شاهنشاه و دلیل برای این نکته بود که ملت ایران شاهنشاه خود را مظهر وحدت ملی و تمامیت و استقلال میهن خویش می‌داند."

استقبال پرشور مردم پایتخت شاهنشاه را قانع نکرد زیرا معظم له می‌دانستند که در ابتدای راهی طولانی قرار دارند. راهی که به سعادت ملت ایران منتهی می‌شود. شاهنشاه از این موقعیت برای تجدید عهدی که با ملت خود داشتند، سود جستند و فرمودند:

این احساسات پرشور و محبت آمیزی که از مردم می‌بینم مرا بیش از پیش تویق به خدمتگزاری می‌کند. من هر قدر خودخواه باشم خوب تشخیص می‌دهم که قدرت سلطنت منکی بر قدرت ملی است و پایه های تخت و اورنگ پادشاهی بر قلوب مردم استوار است.

شاهنشاه سخنرانی خود را با جمله ای خاتمه دادند که بعدها به صورت شعار سیاست آتیه

معظم له درآمد : " سلطنت بر مردمی فقیر افتخار ندارد . "

بسیاری از مورخین را عقیده چنین است که واقعه آذربایجان و عبارتی دیگر غائله آذربایجان یک واقعه معمولی و ساده است که در زندگی هر کشوری وجود دارد اما اکنون با گذشت زمان می توان قضاوت کرد که سرسختی رهبر جوان ایران نشانه دوران دیشی و درایت معظم اله بشمار می آید . شاه جوان ایران با تجربه مردان شصت ساله در ماجرای آذربایجان اقدام کرده بود او از تاریخ پندها آموخته بود و دستها برایش رو بود و چهره های سیاست های خارجی را خوب شناخته بود ، رهبر جوان ایران در آن هنگام با درایت و دوران دیشی و سرسختی مبارزه کرده بود آن چنانکه همه بازی ها و همه سیاست بازی ها رنگ باخت و روشنایی سپیده دم به منطقه آذربایجان دمید و این نقطه جزء لاینفک ایران درآمد و از همان زمان رهبر ایران دورنمای آینده کشور را ترسیم فرمودند و راه سعادت را به ملت خویش نشان دادند .

### نخست وزیر را ترور کردند

پس از ختم غائله آذربایجان حال نوبت مجازات مخالفین رسیده بود و در اوایل فروردین ماه ۱۳۲۶ قاضی محمد رئیس جمهوری حکومت خود مختار کردستان - صدر قاضی برادر وی و سیف قاضی وزیر جنگ کردهای دمکرات در سربازخانه شهر مهاباد اعدام شدند و به مکافات عمل خود رسیدند اما با این حال هنوز هم فتنه هائی در سراسر ایران وجود داشت و مخصوصا ایل بارزانی دست از تمرد برنداشته بود .

نیروهای ارتش برای سرکوبی این ایل اعزام گردید و ملامصطفی بارزانی مجبور به فرار از ایران گشته و بعراق پناه برد .

در خرداد ماه ۱۳۲۶ پس از لغو حکومت نظامی قوام چهارمین دولت خود را تشکیل داد و در هفدهم تیر ماه باردیگر اعلام حکومت نظامی گردید و اعلامیه ای بشرح زیر از طرف نخست وزیر وقت انتشار یافت .

متأسفانه بوسیله اشخاص مفسده جوکانونهای فسادى تشکیل داده شده وعده ای از مغرضین وعوامل فتنه وفساد اوراقى بنام روزنامه منتشر میکنند که بر مشوب ساختن اذهان وافکار افزوده وحتى بوسایل بسیار خطرناک نیز متشبت شده از درج هرگونه مقالات مغرضانه وتحريك آمیز مخالف واقع فرو گذار ننموده اند بقسمی که انتشار اینگونه اوراق قطعاً "در اختلال امنیت وحسن جریان امور مملکت موثر واقع گردیده است ، نظر باینکه چندین روز

فرصت داده شد که از تعقیب اغراض و انتشار مقالات تحریک آمیز و فساد انگیز خودداری شود و این انتظار که با کمال حسن نیت مترصد آن بودم بوقوع می پیوست ناچار طبق تصویبنامه هیئت دولت دستور داده شد از تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۲۶ مقررات حکومت نظامی را در تهران و حومه بموقع اجرا بگذارند - نخست وزیر . احمد قوام .

یک هفته پس از اعلام حکومت نظامی ۲۵ تیرماه مجلس شورای ملی دوره پانزدهم افتتاح یافت و اکثریت نمایندگان را اعضای حزب دمکرات قوام السلطنه تشکیل میداد و امید آن بود که قوام با پشتیبانی عموم نمایندگان که از دوستان و یارانش بودند باز هم بر سرکار بماند و چشمها از این نظر بسوی مجلس دوخته شده بود و مردم نگران بودند که در مورد قرارداد قوام سادچیکف چه تصمیم خواهد گرفت .

پس از اینکه مجلس آماده کار کردن شد دولت استعفا کرد و قوام باردیگر مأمور تشکیل دولت شد و او پنجمین کابینه خود را با ترمیم مختصری معرفی نمود و برنامه ده گانه خود را تقدیم مجلس داشت . پس از معرفی دولت به مجلس مساله نفت باردیگر در مجلس مطرح شد و این مساله با سروصدای زیاد نمایندگان روبرو شد .

سرانجام در جلسه بیست و نهم مهرماه ۱۳۲۶ که میتوان آنرا تاریخی ترین جلسه علنی مجلس شورای ملی شمرد پس از اینکه نخست وزیر وقت گزارش مفصلی پیرامون علائق دوستی ایران و شوروی داد طرح پیشنهادی نمایندگان مجلس را در مورد موافقتنامه نفت قرائت و مطرح نمودند ولی از ۱۰۴ نفر عده حاضر در جلسه ۱۰۲ نفر به آن رای مخالف دادند و بدین ترتیب قرارداد قوام - سادچیکف کان لم یکن تلقی شد .

در این جلسه دادن هرگونه امتیازی به خارجیان ممنوع گردید و از این لحظه ببعد روابط تهران و مسکو رو به تیره گی گذاشت و سفیر دولت شوروی در همان روز یادداشت اعتراض آمیزی تسلیم نخست وزیر وقت کرد که در همان ایام جواب آن وسیله سفیر کبیر ایران در مسکو در اختیار مسئولین کرملین گذارده شد .

پس از اینکه قرارداد توام - سادچیکف از مجلس رد شد رابطه نخست وزیر و نمایندگان مجلس رو به تیره گی گذاشت تا اینکه نخست وزیر وقت در روز نهم آذرماه با ایراد بیانیه ای در رادیو کدورت خود را از مجلس علنی کرد .

چهار روز پس از این واقعه بود که کلیه وزرا استعفا نمودند و چون قوام استعفاي آنان

را قبول نکرد آنان استعفای خود را تقدیم پیشگاه شاهنشاه داشتند و اعلام کردند که بیانیه قوام بدون نظر آنها منتشر شده و در همین وقت اکثریت نمایندگان مجلس " بعبارت ۶۶ نفر " نیز با امضای ورقه ای عدم اعتماد خود را بکابینه قوام اعلام داشتند اما نخست وزیر از استعفا استنکاف مینمود و این بر بحران مملکت میافزود و نیز نمایندگان اقلیت با وجود آوردن اوبسترکسیون جلسات مجلس را از اکثریت انداخته بودند در همین هنگام رئیس مجلس ولیدر اکثریت اعلام نمود چنانچه نخست وزیر به مجلس نیاید نمایندگان اقدام مقتضی بعمل خواهند آورد . در مقابل این تقاضا نخست وزیر اعلام داشت که شش روز به او مهلت داده شود اما با مهلت یکروزه او موافقت بعمل آمد و روز هیجدهم آذرماه وی به تنهایی در مجلس حضور یافت و نطق مشهوری را در پشت تربیون مجلس بیان کرد و از مجلس تقاضای رای اعتماد نمود و چون در این جلسه دولت نتوانست اکثریت بدست آورد قوام به تنهایی بسوی خانه حرکت کرد . در همانروز پس از سقوط دولت قوام در جلسه علنی مجلس نسبت بحکومت سردار فاخر حکمت و دکتر محمد مصدق ابراز تمایل بعمل آمد و طی رای حضوری سردار فاخر با ۷۲ رای حائز اکثریت شد و پس از آن فرمان ملوکانه صادر گشت اما دو روز بعد سردار فاخر از قبول حکومت عذرخواست و ترجیح داد که در مقام ریاست مجلس باقی بماند و پس از مشورت فراوان با ردیگر مرحوم حکیمی "حکیم الملک" حائز اکثریت گردید و او در ششمین روز دیماه کابینه خود را بشرح زیر به مجلس معرفی نمود :

نخست وزیر ابراهیم حکیمی - وزیر اقتصادی دکتر محمد سجادی - وزیر راه علی معتمدی - وزیر فرهنگ دکتر علی اکبر سیاسی - وزیر بهداشتی دکتر سعید مالک - وزیر دارائی ابوالقاسم نجم - وزیر جنگ سپهبد یزدان پناه - وزیر کشور سرلشکر فرج اله آقا اولی - وزیر پست و تلگراف محمد علی وارسته

### تغییرات

در جلسه ۱۵ بهمن ۱۳۲۶ مجلس شورایی ملی امان اله اردلان بسمت وزیر راه - بافر کاظمی بسمت وزیر امور خارجه - بافر شاهرودی بسمت وزیر کشاورزی و در جلسه ۲۰ اسفند

۱۳۲۶ مجلس شورایی علی سهیلی بسمت وزیر مشاور - سپهبد امیراحمدی بسمت وزیر کشور - عبدالحسین هژیر بسمت وزیر مشاور - و موسی نوری اسفندیاری بسمت وزیر امور خارجه معرفی شدند .

### متن مواد برنامه کابینه دولت حکیمی چنین بود :

- ۱- فراهم کردن تدریجی موجبات آسایش طبقات زحمتکش و تعدیل زندگی ملت مخصوصاً " بوسیله سبک کردن بارتحملات ضعفا
- ۲- حذف اعتباراتی که برای مخارج تجملی و غیر ضروری در بودجه منظور شده است
- ۳- توجه مخصوص با اعتبارات و مخارجی که برای آبادی کشور و سلامت و فرهنگ و آسایش عامه لازم است و نفع آن مخصوصاً عاید طبقات ضعیف میشود و زندگی آنها را بهتر میکند .
- ۴- سعی در اجراء و رعایت دقیق قوانین برای ایجاد اعتماد و اطمینان در مردم و توسعه فعالیت آنان در مبارزه با فساد .
- ۵- مراقبت در سهل و ساده کردن قوانین دادگستری بمنظور تسریع قطع و فصل دعاوی و احقاق حق مردم .
- ۶- جلوگیری از سوء استفاده‌هایی که از قانون انحصار تجارت بضرر عامه بعمل می‌آید .
- ۷- اصلاح تدریجی وزارتخانه‌ها و آموزشگاهها و موسسات اجرای قانون تعلیمات اجباری .
- ۸- اصلاح و تقویت قوای تأمینیه بتناسب احتیاجات کشور .
- ۹- تقدیم لوائیحی به مجلس شورایی بمنظور اینکه مردم هر محل در امور محل خود از قبیل کارهای فرهنگی بهداشتی و بلدی و غیره بیش از پیش مداخله نمایند .
- ۱۰- سیاست خارجی دولت همواره سعی کامل در تشبید و تحکیم روابط حسنه و علائق مودت و رعایت کامل احترام متقابل با دول دوست مخصوصاً " با ملل همسایه و توسعه ارتباط اقتصادی با آنها و فاداری و علاقمندی کامل بسازمان ملل متهد مییابد و نهایت کوشش بعمل خواهد آمد که علائق صمیمانه بین ما و دولت‌های بزرگ که با شرکت خود مان شالوده این سازمان را نهاده اند محکمتر گردد .



اماروی کارآمدن دولت حکیمی خوشایند روسها نبود زیرا آنان خوب در خاطر داشتند که طرح شکایت ایران در سازمان ملل در دولت حکیمی صورت گرفته است و از این روی هر روز که میگذشت روابط ایران و شوروی تیره تر میشد و یادداشت‌های اعتراض آمیزی میان دو دولت رد و بدل میگردید و یادداشت‌های متین و صحیح دولت ایران سبب میشد که روسها در مقابل مدتی سکوت کنند. کابینه حکیمی که از دو هفته بعد از شروع بکار با تحریکات و مخالفت‌هایی از طرف دستجات پارلمانی روبرو شده بود.

دولت پس از دوبار استیضاح و کسب اکثریت در مجلس شورای ملی اوایل خردادماه دچار تزلزل گشت و دلایل این تزلزل بشرح زیر است.

۱- ترس از تعقیب و مجازات قوام السلطنه بوسیله دولت حکیمی که مورد نگرانی جمعی از وکلا بود.

۲- وجود نجم‌الملک در راس وزارت دارایی در حالیکه عده‌ای از وکلا با مخالفت و خصومت داشتند.

۳- عدم همکاری اعضای دولت و پیدایش ناهماهنگی میان اعضای کابینه.

گرچه شخص حکیمی مورد اعتماد نمایندگان بود اما با این حال علل فوق سبب میشد که دولت او را در تزلزل نگه دارد و سرانجام روز هجدهم خردادماه ۱۳۲۷ وی تقاضای رای اعتماد کرد و از یکصد تن عده حاضر فقط ۳۸ نفر رای موافق دادند که چهاررای مخالف بود و ۵۸ رای ممتنع داده شده بود و بدین ترتیب کابینه وی سقوط کرد و پس از مدتی کشمکش مرحوم عبدالحسین هژیر مامور تشکیل دولت گردید.

با انتخاب وی بریاست وزرایی عده‌ای برهبری آیت‌الله کاشانی دست بتظاهرات زده و در روز ۲۷ خرداد که او برای معرفی اعضای کابینه خود به مجلس رفته بود عده بسیاری زیادی مغازه‌ها را تعطیل کرده و در بهارستان اجتماع نموده و دست بتظاهرات زده بودند.

در این روز در میان غوغای خارج مجلس که سرانجام به تعطیل جلسه علنی منجر گشت مرحوم هژیر اعضای کابینه و برنامه دولت خویش را بشرح زیر معرفی نمود.

نخست وزیر عبدالحسین هژیر - وزیر جنگ سپهدامیراحمدی - وزیر کشور خلیل فهیمی - وزیر دارایی امان‌الله اردلان - وزیر امور خارجه نوری اسفندیاری - وزیر پست و تلگراف نادر آراسته - وزیر فرهنگ دکتر منوچهر اقبال - وزیر کشاورزی جواد بوشهری

وزیربهداری دکتر عباس ادهم - وزیردادگستری محمدعلی نظام مافی - وزیراقتصادملی دکترفخرالدین شادمان وزراء مشاور جمال امامی ومصطفی عدل .

### تغییرات

درجلسه اول مهرماه ۱۳۲۷ مجلس شورايملى معرفى زیر از طرف نخست وزیر بعمل آمد . وزیرکشور عبدالحسین هژیر - وزیردادگستری عباسقلی گلشائیان - وزیر دارایی محمدعلی وارسته - وزیراقتصادملی آقاخان اشرفی - وزیرکشاورزی دکتر شادمان .

### متن برنامه کابینه عبدالحسین هژیر

سیاست خارجی دولت کماکان متابعت صریح و صمیمانه از منشور ملل متحد و حفظ وتحکیم مناسبات دوستانه باعموم دول است . دولت حاضر قویا معتقد است که تخلف از مقررات منشور ملل و بی اعتنائی به اصول تساوی حقوق ملل وعدم رعایت حق وعدالت در مناسبات بین المللی عالم بشریت را بیدبختی های تازه سوق خواهد داد . ما امید کامل داریم که روابط ایران با همسایگان براساس احترام متقابل حقوق طرفین توسعه وتحکیم یابد و بنا براین حفظ حقوق تام وتمام مملکت وخواست کامل مرزها و صیانت وحدت و تمامیت ایران درهریک از اطراف وحوالی کشور بارعایت قراردادهای و عهد جاریه وجهه همت دولت خواهد بود .

در سیاست داخلی موضوع تامین امنیت وانتظامات داخلی و تثبیت قدرت دولت وتصمیم بجلوگیری از آنچه محل آسایش عامه است و بسط حکومت قانون در تمام شئون مملکت وتعدیل اوضاعی که بنحوی از انحاء ممکن است در سلامت امر معاش عامه مردم خللی وارد نماید بزرگترین وظیفه ایست که این دولت برعهده خودمی شناسد وعزم دارد که فی الفور دست بیک رشته اصلاحات اجتماعی بزند و زندگی عامه را تعدیل نماید و امیدواراست که برای انجام این منظور و منجمله برای قانون کار و بیمه اجتماعی و تعمیم خورده مالکی وغیره باکمال سرعت لوایح لازمه را تقدیم مجلس شورايملى بنماید . بدیهی است عموم مسائلی که با مقاصد مذکور در فوق ارتباط دارد بحدی بهم پیچیده

ودامنه دار است که همه آنها را از حالا نمی توان پیش بینی کرد .  
لیکن از آنجا که تمام این مطالب باید به مرور حل و اصلاح شود دولت نیز برنامه عمل خود را متدرجا تنظیم خواهد نمود تا بموقع اجرا گذارد و در این زمینه آنچه بالفعل منظور نظراست و امیدواری کامل داریم که در ظرف سه تا شش ماه انجام بگیرد از این قرار است :

- ۱- طرح نقشه‌ای که بر آن اساس قیمت اجناس ضروری عامه مردم با عوایدی که تحصیل میکنند متناسب باشد .
- ۲- تجدید نظر در وضع اداری و مملکت و تهیه لوایح قانونی لازم بمنظور اینکه اهالی هر محل در اداره امور محلی خود بیش از آنچه فعلا معمول است دخیل باشند .
- ۳- تقویت نیروهای تأمین مملکت و متناسب ساختن نیروی هوایی با احتیاجات کشور .
- ۴- طرح اصولی که دعاوی دولت بر افراد و یاد عاوی افراد بر دولت بر طبق قوانین مصوب سریعا " فیصله یابد .
- ۵- تفکیک مالیاتها و عواید مملکتی از عوارض محلی و عوایدی که باید منحصر " بمصرف احتیاجات همان محل برسد .
- ۶- فراهم آوردن موجباتی که بشکایات مردم از دوایر دولتی در اسرع اوقات جواب قطعی و نهائی داده شود .
- ۷- طرح تبدیل کشت تریاک به محصولات دیگر و همچنین طرح نقشه‌ای که بموجب آن هرچه زودتر مصرف مسکرات در سراسر کشور برافتد .
- ۸- طرح نقشه‌ای که بموجب آن دولت بتواند اولابحساب دخل و خرج مستخدمین خود رسیدگی کند ، ثانيا " مستخدم دولت مجاز نباشد در آن واحده هیچ شغل دیگری اشتغال ورزد و ثالثا " نتواند به عمل انتفاعی از قبیل اجاره داری و مقاطعه کاری و امثال آن مشغول شود .
- ۹- تقلیل دستگاه وزارتخانه ها بر طبق نقشه ای که هیچ یک از مستخدمین دولت بی شغل و حقوق نمانند و ضمانت تعیین حقوق مستخدمین تا میزانی که کفاف حداقل حوائج آنها را بدهد .

۱۰- حذف قیود و شرایطی که بی جهت راه داد و ستد و معاملات مردم را بسته است و مصالح عالیه کشور بقای آنها را ایجاب نمی نماید .

۱۱- اجرای برنامه هفت ساله پس از تصویب قانون آن .

۱۲- اجرای کلیه قوانین بالاخص قانون ۳۹ مهرماه ۱۳۲۶ .

همانگونه اشاره شد درروز ۲۷ خرداد که اعضای کابینه به مجلس معرفی میشدند تظاهرات شدیدی بر علیه نخست وزیر برپا شد تا جائیکه جلسه علنی تعطیل شد و روز بعد آیت اله کاشانی طرفداران خود را بسکوت دعوت کرد و درروز سی ام خرداد ماه مرحوم هژیر توانست کابینه خود را بحضور ملوکانه معرفی نماید .

در روز بیست و هفتم تیرماه ۱۳۲۷ بود که شاهنشاه بنا بدعوت اعلیحضرت ژرژ ششم پادشاه انگلیس عازم لندن شدند و این اولین سفر ملوکانه بود و این سفر در تحکیم روابط ایران با غرب نقش بزرگی داشت .

روز پانزدهم آبان ماه بود که بدنبال استیضاح آقای عبدالقدیر آزاد در مجلس از دولت وقت و گرفتن ۶۷ رای اعتماد از مجلس نخست وزیر استعفاى دولت را به پیگاه همایونی تقدیم داشت و باین ترتیب پس از پنج ماه زمامداری هژیر از تصدی امور کناره گیری جست و محمد ساعد مامور تشکیل دولت شد و او درروز ۲۵ آبان کابینه خود را بدین شرح به مجلس معرفی نمود :

نخست وزیر محمد ساعد - وزیر کشور محمد ساعد - وزیر دادگستری محسن صدر  
وزیر بهداری امیراعلم - وزیر امور خارجه علی اصفرحکمت - وزیر جنگ سپهبد امیراحمدی  
وزیر فرهنگ دکتر محمد سجادی - وزیر دارایی عباسقلی گلشائیان - وزیر پست و تلگراف  
نادر آراسته - وزیر اقتصاد ملی آقاخان اشرفی - وزیر کشاورزی دکتر احمد مقبل - وزراء  
مشاور جمال امامی و دکتر هادی طاهری .

### تغییرات

در جلسه ۲۸ آذر ۱۳۲۷ مجلس شورایی معرفی زیر بعمل آمد :

دکتر محمد سجادی بسمت وزیر راه - دکتر منوچهر اقبال بسمت وزیر بهداشت و وزیر بهداری - دکتر زنگنه بسمت وزیر فرهنگ - در جلسه ۲۱ بهمن ۱۳۲۷ مجلس شورای ملی مصطفی عدل بسمت وزیر مشاور و در جلسه یک شنبه ۲۲ اسفند ماه ۱۳۲۷ معرفی زیر از طرف نخست وزیر بعمل آمد :

فہیم الملک وزیر مشاور - دکتر محمد سجادی وزیر دادگستری - نادر آراسته وزیر راه دکتر ادهم وزیر بهداری - دکتر منوچهر اقبال وزیر کشور و آخرین تغییری کہ در این دولت صورت گرفت در جلسه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۸ بود کہ آقای محمد سیاح بسمت وزیر راه معرفی شد .

#### متن برنامه دولت محمد ساعد

- ۱- حفظ و تحکیم روابط دوستانه با کلیه کشورها مخصوصا همسایگان بر اساس احترام متقابل با متابعت از منشور ملل متحد .
- ۲- اجرای کامل قوانین و حفظ امنیت عمومی و بسط عدالت اجتماعی و قضائی .
- ۳- اجرای برنامه هفت ساله پس از تصویب مجلس شورای ملی .
- ۴- فراهم آوردن وسایل عمومی از حیث احتیاجات اولیه مانند خواروبار و برق و لوله کشی آب شهرها و سایر مواد زندگی بقیمت ارزان و تسهیل و تشویق صادرات و توسعه بهداشت و فرهنگ برای عموم .
- ۵- سعی در بهبود زندگی کارگران و کشاورزان .
- ۶- تعقیب اقدامات دولتهای گذشته بمنظور استیفاء حقوق ملت ایران از شرکت نفت جنوب .
- ۷- اقدام برای استرداد اراضی ایران کہ بودن هیچگونه قرارداد و معاہدہ مورد مداخلہ دیگران واقع شدہ است .
- ۸- تهیه موجبات استقلال شہرداریہا در مرحلہ جلوگیری از تمرکز فوق العادہ امور اقتصادی و اداری در مرکز .
- ۹- تنظیم بودجہ مملکتی ۱۳۲۸ بر اساس تعدیل و توازن با توجہ باین نکتہ قسمت

عمده از درآمد کشور صرف کارهای تولیدی و عمرانی گردد .  
 ۱۰- تقدیم لوایح قانونی برای سازمان وزارت خانه ها بر اساس لایحه استخدام  
 که تقدیم خواهد شد .

بزرگترین واقعه‌ای که در زمان تصدی آقای ساعد اتفاق افتاد جریان سوء قصد به  
 رهبر عالیقدر ما میباشد که در روز پانزدهم بهمن ماه ۱۳۲۷ هنگام تشریف فرمائی شاهانه  
 برای شرکت در جشن سالانه دانشگاه صورت گرفت و شاهنشاه در مورد این واقعه در کتاب  
 " ماموریت برای وطنم " چنین مینویسند :

" در آنروز لباس نظامی برتن داشتم و هنگامیکه از اتومبیل پیاده شده و در شرف  
 ورود بدانسکده حقوق و محل انعقاد جشن بودم ناگهان صدای شلیک گلوله بگوش رسید  
 و تیرهایی بجانب من شلیک شد .

با اینکه بظاهر عجیب جلوه میکند ولی سه گلوله بکلاه نظامی من اصابت کرد و آسیبی  
 بسر من وارد نیاورد ولی گلوله چهارم از سمت راست گونه وارد و از لب بالائی وزیرینی  
 من خارج گردید .

شخصی که نسبت بمن سوء قصد کرد ، و بعنوان عکاس به آن محل راه یافته بود دو  
 متر بیشتر بامن فاصله نداشت و لوله طپانچه خود را بسینه من قراول رفته بود . من و او  
 هر دو در روبروی هم قرار گرفته بودیم و کسی نزدیک مانید که بین ما حائل باشد و از اینرو  
 میدانستم هیچ مانعی برای اینکه تیرش به هدف برسد در پیش نداشت .

عکس العملی که در آن لحظه فراموش ناشدنی از خود نشان دادم هنوز در خاطر  
 باقی است . فکر کردم که خود را بروی او بیاندازم ولی فوراً متوجه شدم که اگر بطرف  
 او جستن کنم نشانه گیری او را آسان خواهم کرد و اگر فرار کنم از پشت سر هدف قرار خواهم  
 گرفت ، ناچار فوراً شروع بیک حرکات مارپیچی کردم تا مطابق یک تاکتیک نظامی طرف  
 را در هدف گیری گمراه کنم ضارب مجدداً " گلوله دیگری شلیک کرد که شانه مرا زخمی کرد  
 و آخرین گلوله در لوله طپانچه او گیر کرد و خارج نشد و من احساس کردم که دیگر خطری  
 متوجه من نیست و زنده ام .

ضارب با غضب بسیار اسلحه را بزمین زد و خواست فرار کند ولی از طرف افسران و  
 اطرافیان من محاصره شد و متأسفانه به قتل رسید و محرکین اصلی او درست معلوم نشدند ،

بعدا " معلوم شد که وی بابعضی از متعصبین دینی رابطه داشته و درعین حال نشانه‌هایی از تماس او با حزب منحل شده بدست آمد، نکته جالب اینکه مشعوقه اودختر باغبان سفارت انگلیس در تهران بود .  
شاهنشاه در دنباله ماجرا چنین می‌افزایند :

" خوان از زخم‌های من مانند فواره می‌جست ولی بخاطر دارم که در همان حال میل داشتم به انجام مراسم آنروز بپردازم لکن مستلزمین من مانع شدند و مرا به بیمارستان بردند و در آنجا ببستن زخم‌هایم پرداختند ، چندی بعد لباس نظامی آغشته بخون من در باشگاه افسران تهران بمعرض نمایش گذارده شد و هنوز کسانی که باشگاه می‌روند آنرا پیش چشم خود خواهند دید . .

ضارب ناصر میرفخرایی نامداشت و بعنوان خبرنگار عکاس توانسته بود بجمع مستقبلیین راه پیدا کند و در همان روز به تیر سرهنگ صفاری رئیس شهربانی وقت از پای درآمده بود .  
روز شنبه شانزدهم بهمن ماه بود که از طرف دولت اعلام حکومت نظامی گردید و عبور و مرور از ساعت ده بعد قدغن و اجتماعات ممنوع گردید و در روزیک شنبه شاهنشاه در پیامی که از رادیو پخش شد خطاب بملت خود چنین گفتند :

" اینگونه حوادث خللی باستحکام عقیده وثبات من در راه خدمت بوطن نمی‌رساند ، بلکه برای حفظ مملکت و تامین رفاه و آسایش مردم از ایثار جان نیز دریغ نخواهم نمود . "  
مدارکی که بعدا " بدست دولت افتاد نشان میداد که ضارب عضو حزب توده بوده و روز شنبه شانزدهم بهمن اعلامیه دولت بشرح زیر وسیله آقای دکتر اقبال در مجلس شورای ملی خوانده شد .

" از چند سال باینطرف در داخل کشور عناصر مفسده جوئی با اسم حزب توده ایران دورهم جمع شده و یکعده مردم ساده لوح را با کلمات فریبنده اغفال و هر روز ایجاد اغتشاش و هرج و مرج نموده و در صدد واژگون کردن بنیان و اساس کشور بودند و از هیچگونه آزار و قتل و غارت درمازندران گیلان و آذربایجان فروگذار نکرده و حتی موقعی هم در صدد تجزیه قسمتی از کشور برآمدند .

گزارشهای رسیده حاکی است که اینک صرفنظر از اغفال مردمان ساده و ترویج مرام

اشتراکی در بین نوباوگان و دانشجویان زمینه انقلاب را در کشور فراهم میسازند .  
 بنابراین دولت برای حفظ تمامیت و استقلال کشور و جلوگیری از هرگونه مفسده  
 و آشوب حزب مزبور را منافی استقلال کشور تشخیص و دستور میدهد سازمان حزب مزبور  
 در تمام کشور مسخر و افراد خائنی که مدارک لازم بر علیه آنها موجود است طبق مقررات  
 قوانین مربوط تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات شوند .  
 نخست وزیر - محمد ساعد .

و بدین ترتیب دولت باردیگر توانست تسلط بر اوضاع را بدست آورده و نظم و سکون  
 جانشین جنجال پیشین گردد .

در اسفندماه ۱۳۲۷ بود که نخست وزیر نامه‌ای به پیشگاه ملوکانه نوشته و طی آن  
 تقاضای تکمیل و تجدیدنظر در بعضی از مواد قانون اساسی شده بود ، این نامه در روز یازدهم  
 اسفند در مجلس شورای ملی قرائت و مورد تائید اکثریت نمایندگان واقع شد .  
 مواد زیر موضوع تشکیل مجلس موسسان دوم بود .

۱- تجدید نظر و تکمیل اصل چهارم و ششم قانون اساسی .  
 ۲- تنظیم و تصویب اصل جدیدی بمنظور تعیین طرحی برای تجدید نظر در بعضی  
 اصول قانون اساسی و متمم آن .

۳- تجدید نظر در اصل ۴۴ قانون اساسی در صورتیکه تا موقع تشکیل مجلس موسسان  
 نظامنامه " مجلس سنا " از تصویب مجلس شورای ملی نگذشته باشد ، اصل ۴۴ میگوید  
 " نظامنامه های مجلس سنا باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد . "

و متعاقب این عریضه بود که فرمان تشکیل مجلس موسسان شرف صدور یافت و از  
 روز چهاردهم فروردین ۱۳۲۷ انتخابات مجلس موسسان آغاز گردید .

روز اول اردیبهشت شاهنشاه برای افتتاح این مجلس با کالسکه بکاخ دادگستری  
 تشریف فرما گشتند و با بیان خطابه‌ای این مجلس را افتتاح کردند و پس از آن مجلس  
 مزبور بریاست آقای سید محمد صادق طباطبائی شروع بکار کرد و اصولی را که در  
 دستور مجلس قرار داشت مورد تنقیح و تصویب و تجدید نظر قرار داد و عصر روز  
 چهارشنبه بیست و یکم اردیبهشت بود که نمایندگان مجلس موسسان بحضور ملوکانه  
 باریافته و شاهنشاه طی بیاناتی خطاب بنمایندگان چنین فرمودند :



این اصول برای تحکیم مشروطیت است و کاری که آقایان در این چندروزه انجام دادند برای ثبات مشروطیت بود و مشروطیت ما را که بوضع فلاکت باری دچار شده بود نجات دادند چون اگر این وضع ادامه می یافت دو صورت پیدا میشد .

یا اصول اعمال زور و قدرت در این مملکت مستقر می گردید که خود این اصول موجب ابتلائات عدیده ای میشد و عکس العمل آن هرج و مرج و بی نظمی بود ، یا خدای نخواستہ دچار انقلابات نهضت هائی می شدیم که در این دنیا و دور این زمان به نفع این مملکت تمام نمیشد . بعد از تشکیل مجلس موسسان بود که دولت ساعد مورد حمله اقلیت مجلس قرار گرفت و آقایان ملکی - دکتر بقائی - عبدالقدیر آزاد و حائری زاده مرتباً "دولت را مورد استیضاح قرار می دادند و این افراد در انتخابات دوره شانزدهم نیز همکاری خود را ادامه داده و بنیان گذار نهضتی بنام (جبهه ملی) شدند .

یکی از دلایلی که دولت ساعد را با مخالفت مجلس روبرو ساخت طرح مساله نفت بود که پس از مذاکرات فراوانی که میان دولت ایران و نمایندگان شرکت نفت ایران و انگلیس صورت گرفت دولت در روز ۲۸ تیرماه لایحه ای در یازده ماده الحاقی بمجلس شورای ملی تقدیم کرد و طرح این لایحه که بعنوان قرارداد الحاقی گس - گلشائیان موسوم شده بود سروصدای زیادی بها کرد و با اینکه عمر مجلس روز ششم مردادماه به پایان رسید با این حال این لایحه بلا تکلیف باقی ماند و از این لحظه بیعد دولت سرگرم انتخابات مجلسین شد طبق قانون انتخابات سنا که بتصویب مجلس شورای ملی رسیده بود انتخابات دوره اول مجلس سنا بطور دو درجه ای در سراسر کشور آغاز شد و برای اولین بار در این انتخابات حق رای مختص با سوادان بود .

در تهران پس از آنکه هفتاد و پنج نفر از واجدین شرایط در انتخابات درجه اول از طرف مردم تهران انتخاب شدند مراسم انتخاب پانزده نفر نمایندگان سنا از تهران در عمارت فرمانداری تهران انجام شد و پس از مشاجراتی که در آن جلسه میان حائزین اکثریت و طرفداران آقای دکتر مصدق روی داد پانزده نفر نمایندگان تهران بشرح زیر برای مخفی از میان منتخبین درجه اول انتخاب گشتند .

آقایان نصرت الملک هدایت - دکتر احمد متین دفتری - دکتر سعید مالک (لقمان الملک) - عبدالحسین نیکپور - یمین اسفندیاری - ابراهیم حکیمی - سید حسن تقی زاده محمد سروری - جواد بوته شهری - ابراهیم خواجه نوری - نجم الملک - عباس مسعودی -

### تغییرات

دکتر صدیق اعلم - حسین نقوی - دکتر ملک زاده .

در این حال انتخابات دوره شانزدهم در سراسر کشور با تشنج ادامه داشت و در حالیکه صندوقهای آرا در تالار فرهنگستان مدرسه عالی سپهسالار قرار داشت بمناسبت تصادف با ایام تاسوعا و عاشورا مراسم سوگواری در شبستان مسجد سپهسالار قرائت آرا تعطیل شد و روز سیزدهم آبان هژیروزیر دربار در مسجد سپهسالار ترور شد .

مرحوم هژیر در حالیکه از طرف دربار شاهنشاهی در مراسم سوگواری شرکت کرده بود و طاقه شال میان دستجات توزیع میکرد مورد سوء قصد قرار گرفت و به بیمارستان انتقال یافت . ضارب سید حسن امامی قبلاً نیز با اتهام شرکت در قتل مرحوم احمد کسروی تحت تعقیب قرار گرفته مدتی در توقیف بسر برده بود وی در میان ازدحام جمعیت تیری بشکم هژیر خالی کرد که منجر بخونریزی شدید داخلی شد و مضروب بیست و چهار ساعت بعد در بیمارستان درگذشت .

پس از بازجویی مفصل از ضارب سی و یک نفر با اتهام همکاری با قاتل بازداشت شدند و بدنبال این ترور بود که جریان انتخابات تهران متوقف گشت و در نتیجه تجدیدنظر در قرائت آرا چندتن از نامزدهای انتخاباتی جبهه ملی توانستند به مجلس راه پیدا کنند . روز بیستم بهمن ماه ۱۳۲۸ دوره شانزدهم مجلس شورایی ملی و دوره اول سنا در عمارت بهارستان از طرف اعلیحضرت همایونی گشایش یافت و با اعلام آمادگی مجلسین برای شروع بکار در تاریخ بیست و هفتم اسفند آقای ساعدنخست وزیر بحضور ملوکانه شرفیاب و استعفای دولت را اعلام داشت و پس از این استعفا بود که آقای علی منصور - منصورالملک بفرمان اعلیحضرت مامور تشکیل کابینه گردید و او کابینه خود را بشرح زیر تعیین و در روز چهاردهم فروردین ۱۳۲۹ همراه با برنامه دولت خویش بمجلس معرفی نمود .

نخست وزیر علی منصور - وزیر امور خارجه حسین علاء - وزیر فرهنگ مسعودکیهان وزیر جنگ سپهبد یزدان پناه - وزیر کشور ابراهیم زند - وزیر کار دکتر محمد نخعی - وزیر راه دکتر منوچهر اقبال - وزیر بهداری محمد علی وارستم - وزیر پست و تلگراف سید - جلال الدین تهرانی - وزیر کشاورزی اسداله علم - وزیر دادگستری علی هیئت - وزیر اقتصاد ملی دکتر علی امینی .

در جلسه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۹ مجلس شورایی امان اله اردلان بسمت وزیر کشور و علی وارسته بسمت وزیر دارایی معرفی شدند .

در جلسه ۲۳ خرداد ۱۳۲۹ مجلس شورایی صادق وثیقی بسمت وزیر اقتصاد ملی معرفی گردید .

در جلسه اول تیرماه ۱۳۲۹ مجلس شورایی دکتر محمد علی سجادی بسمت وزیر دارایی معرفی شد .

### متن برنامه دولت علی منصور (منصور الملک)

۱- سازمان اداری کشور بر طبق قوانین و مقرراتی که لوایح آن تهیه و پیشنهاد خواهد شد به ترتیبی خواهد بود که قسمتی از امور مردم که جنبه اقتصادی و محلی دارد در شهرستانها و استانها بوسیله دوائر محلی با تصویب انجمن های منتخب اهالی و با مراقبت و نظارت استانداران و فرمانداران اداره شود .

۲- سازمانهای کشور اعم از اداری و قضائی باید به قدر احتیاجات ضروری باشند زائد بر آن جریان کارها با مختصر کردن و ساده کردن قوانین و حذف آئین نامه ها و مقررات غیر لازم سهل و سریع شود ، همانطور که مامورین فاسد و خطاکار باید کیفر ببینند و دفع شوند متصدیانی هم که بتناسب مسئولیت مقام خود کار انجام ندهند یا اینکه در جریان امور دولت یا مردم موجبات اشکال و تاخیر فراهم نمایند مورد مواخذه و تعقیب خواهند شد .

۳- رعایت مسئولیت وزیران که باید وسایل لازمه ایفا وظایف را دارا باشند ، وزارت دارایی باید اعتبارات مصوب بودجه را به اختیار آنها بگذارد .

نظارت مامورین وزارت دارایی در مصرف وجوه بطریقی اجرا خواهد شد که باعث دخالت و تولید اشکال در اجرای وظایف وزارتخانه هان شود ، موافق این ترتیب وزارتخانه ها مسئولیت عمل بودجه خود را بعهده خواهند داشت و حساب آنها بدیوان محاسبات تسلیم خواهند نمود قوانین و مقررات موجوده محاسباتی و مالی جهت تطبیق با این اصول مورد تجدیدنظر خواهد شد .

۴- تقویت و تکمیل قوای تأمینیه کشور .

۵- تقویت سازمان برنامه هفت ساله و تسهیل و تسریع وسائل اجرای آن که باعث ترقی بنیه اقتصادی کشور و بالا رفتن سطح زندگانی عموم خواهد بود .

- ۶- ترویج خرده مالکی بوسیله ایجاد شرکتهای تعاونی و تاسیسات کشاورزی و آبیاری و اعطای اعتبارات با شرایط سهل بکشاورزان .
- ۷- تجدید نظر در قوانین مالیاتی بر اساس عدالت اجتماعی که بنحوی که تعدیل و تخفیف مالیات و عوارضی را که بطبقات ضعیف تحمیل میشود تامین نماید .
- ۸- اقدامات فوری در توسعه کارهای راهسازی و عملیات ساختمانی راه آهن و سایر ساختمانها بمنظور اشتغال کارگران و رفع بحران بیکاری .
- ۹- تهیه و تسهیل وسائل کمک مالی بموسسات صنعتی و فراهم ساختن موجبات حفظ و حمایت آنها با رعایت رفاه مصرف کنندگان .
- ۱۰- مبارزه با تبلیغات تخریبی و هرگونه انتشاراتی که تحریک یاس و بدبینی در مردم میکند .

روز هفدهم اردیبهشت ۱۳۲۹ بود که جنازه اعلیحضرت رضاشاه مفقیده که تا این زمان در مصربا منت بود پس از طواف بدور کعبه با هوازرسید و طی باشکوهترین مراسم در مجاورت زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه السلام بخاک سپرده شد .

دیگر از وقایع مهم این سال را میتوان ترور احمد دهقان را نام برد که در عصر روز ششم خرداد سال ۱۳۲۹ وی که نماینده مجلس شورای ملی و مدیر مجله تهرانمصور بود در دفتر کار خود واقع در عمارت گراند هتل لاله زار مورد سوء قصد قرار گرفت و بضرر گلوله از پای درآمد ، مرگ وی که از روزنامه نویسان با سابقه بشمار میرفت و از نمایندگان با قدرت مجلس بود محیط سیاسی کشور را تیره تر ساخت و قاتل که حسن جعفری نام داشت دستگیر و بعداً " باعدام محکوم گردید .

دولت منصور که ابتدای بکار میکوشید در خصوص مساله نفت سکوت اختیار کند و بهانه‌های برای تشنجات بدست نمایندگان مجلس ندهد سرانجام روز بیست و سوم خرداد ماه ناچار گردید از مجلس تقاضا کند قرار داد گس - گلشائیان در دستور مذاکرات پارلمان قرار گیرد و همانطور که پیش بینی میشد طرح این مساله سبب پیدایش جنجال فراوانی شد و میان نمایندگان اقلیت و اکثریت سخنان تنیدی رد و بدل گشت تا آنکه روز سیام خرداد عده‌ای از نمایندگان مجلس پیشنهاد کردند که از هر شعبه ۳ نفر انتخاب شوند و کمیسیون مخصوصی برای رسیدگی به لایحه نفت تشکیل گردد .

دکتر مصدق از طرف اقلیت با این پیشنهاد مخالفت کرد ولی پیشنهاد مزبور به تصویب

رسید و قرار شد کمیسیون خاص نفت تشکیل گردد و پس از تشکیل کمیسیون خود دکتر مصدق بریاست آن انتخاب گردید .

متعاقب مذاکرات شدید الحنی که پیرامون مساله نفت در مجلس صورت گرفت روز پنجم تیرماه بطور ناگهانی آقای منصور استعفای دولت خود را بحضور شاهنشاه تقدیم داشت و پس از قبول استعفا بسمت سفیر کبیر ایران در رم معین و منصوب شد . بلافاصله از همانروز فرمان شاهانه مبنی بر نخست وزیری سپهبد رزم آرا صادر شد .

مرحوم سپهبد رزم آرا در نظر داشت افراد کابینه خود را از میان رجال صالح و پاکدامن و وطن پرست برگزیند و از اینروی در انتخاب آنان توجه فراوانی از خود نشان داد و سرانجام در روز شش تیرماه اعضای کابینه خویش و متن برنامه دولت خود را معرفی نمود .

نخست وزیر سپهبد رزم آرا - وزیر کشور سپهبد رزم آرا - وزیر دارایی دکتر تقی نصر کفیل وزارت امور خارجه محمود صلاحی - وزیر دادگستری محمد علی بوذری - وزیر جنگ سر لشکر عبدالله هدایت وزیر اقتصاد ملی دکتر مرتضی آزموه - وزیر فرهنگ دکتر شمس الدین جزایری - وزیر کشاورزی مهندس ابراهیم مهدوی - وزیر بهداری دکتر جهان شاه صالح - وزیر کار دکتر محمد نخعی .

### تغییرات

در جلسه ۱۹ شهریور ۱۳۲۹ مجلس شورایی ملی معرفی زیر از طرف نخست وزیر بعمل آمد . وزیر خارجه محسن رئیس - وزیر کار غلامحسین فروهر - وزیر راه مهندس جعفر شریف امامی - وزیر پست و تلگراف مهندس قاسم اشراقی .

در جلسه ۲۷ آبان ماه ۱۳۲۹ مجلس شورایی ملی غلامحسن فروهر بسمت وزیر دارایی و دکتر عبدالله دفتری بسمت وزیر اقتصاد ملی معرفی شدند .

در جلسه ۲ آذر ۱۳۲۹ مجلس شورایی ملی امان اله اردلان بسمت وزیر کشور و اسداله علم بسمت وزیر کار معرفی شدند .

در جلسه ۱۲ بهمن ۱۳۲۹ مجلس شورایی ملی خلیل فهیمی بسمت وزیر مشاور معرفی شد .

در جلسه ۱۷ بهمن ۱۳۲۹ مجلس شورایی ملی دکتر عبدالمجید زنگنه بسمت وزیر فرهنگ معرفی شد .

## متن برنامه دولت سپهبد حاجعلی رزم آرا

- ۱- تغییر در طرز کارهای اداری کشور و واگذاری کارهای عمومی محلی بدست مردم از طریق تشکیل انجمن های محلی درده- بخش - شهرستان و استان و تغییر وضع زندگانی مردم ده نشین و ایلات بزندگی مترقی .
  - ۲- بهبود در وضع اقتصادی کشور و اجرای برنامه هفتساله با کمک سازمانهای محلی و تهیه کار برای بیکاران و عمران و آبادی بتناسب موقعیت هر محل و سعی در تعدیل بودجه کشور و تقلیل هزینه عمومی
  - ۳- تهیه و تقدیم لوایح قانونی بمنظور تجدید نظر در مقررات و قوانینی که با مقتضیات کنونی کشور و احتیاجات مردم وفق نمی دهد و تامین استقلال قضائی .
  - ۴- پائین آوردن هزینه زندگی و بالا بردن سطح زندگی عمومی و ایجاد عدالت اجتماعی .
  - ۵- توجه کامل بوضع فرهنگ و بهداشت و جلب همکاری مردم برای تعمیم آن از طریق انجمن های محلی .
- در سیاست خارجی رویه دولت حفظ مناسبات حسنه با کلیه کشورها بر اساس احترام متقابل و رعایت منشور ملل متفق میباشد .
- بجرات میتوان گفت که تنها کابینه ای که در متشنج ترین جلسات مجلس در زمان مشروطیت بنمایندگان مجلس معرفی شده دولت مرحوم سپهبد رزم آرا میباشد در جلسه ای که در تمام دوران مشروطیت نظیر آن یافت نمیشود دولت رزم آرا به مجلس معرفی گردید .
- نمایندگان اقلیت می کوشیدند آرامش اوضاع را درهم بریزند و با کوبیدن مشت بروی پیشخوان صندلیهای خود سروصدا ایجاد میکردند و موافقین نیز به آنان جواب میدادند .
- در این جلسه دکتر مصدق علنا " شروع به حمله به شخص نخست وزیر نمود و کوشید تا او را نسبت بجریانات سیاسی روز متهم کند و دیگر یاران او نیز از رهبر اقلیت تبعیت میکردند و دیگران هر چه میکوشیدند نمی توانستند نظم را در مجلس برقرار سازند .
- در تمام این مدت نخست وزیر خونسردی خود را حفظ کرده بود و میکوشید تا بتواند جریان معرفی کابینه خود را برگزار کند .
- صفحات تاریخ در این مورد میتواند شاهد بسیار خوبی برای خصیصه ممتاز رزم آرا باشد . او بسیار ساکت و آرام ایستاده بود . و هم آنچه که دیگران می گفتند گوش میداد . اعضای کابینه بسیار ناراحت بودند تا جائیکه تنی چند از آنان جلسه علنی مجلس را ترک کردند و باز مجددا " برگشتند اما رزم آرا در جای خود نشسته و منتظر بود تا برنامه کار

## نیم ستم سلطنت بردها

دولت خود را بیان نماید. ناراحتی نخست وزیر وقت تنها از وضع درهم جلسه علنی نبود بلکه در خارج از مجلس نیز تظاهراتی برضد دولت در جریان بود.

عده‌ای در میدان بهارستان جمع شده و فریاد زنده باد و مرده باد از هر سوی بلند بود و کاربدخالت پلیس نیز کشیده بود و آنان نیز ناچاراً میکوشیدند تا مردم را متفرق سازند و در این بلوا عده بسیار زیادی نیز توفیق شدند ولی با این حال سروصدا ساعتها در میدان بهارستان ادامه داشت و در داخل مجلس نیز رئیس دولت منتظر بود تا کابینه خود را معرفی کند. سرانجام با ترک جلسه علنی مجلس وسیله چندین نفر از نمایندگان جلسه اندکی آرام شد و نخست وزیر در پشت تربیون قرار گرفت و اعضای دولت را معرفی نمود و آنگاه برنامه کار را خود بشرحی که در بالا گذشت بیان کرده بخلاف آنچه که پیش بینی میشد و عده‌ای انتظار نداشتند دولت موفق بکسب رای اعتماد گردید و بدین ترتیب آشوب ترین جلسه علنی مجلس شورایی در دوره شانزدهم به پایان رسید و رزم آرا با قدرت هرچه تمامتر مشغول کار شد. اقلیت مجلس شانزدهم بشدت با ادامه کار رزم آراء مخالف بوده و در تمام مدتی که او مصدر کار بود کار این مجلس مانند دوره چهاردهم در اثر مانورهای اقلیت فلج شده و جلسات علنی مجلس به جلسات نزاع و تصفییه حسابهای شخصی رسیده بود. با این حال رزم آرا بدون توجه باین مسائل میکوشید تا وظایف خود را بنحو احسن انجام دهد در همین اوان - روز پانزدهم مهرماه کنفرانس اقتصادی تهران با شرکت کلیه نمایندگان کشورهای اسلامی در سالون کاخ دادگستری تشکیل یافت این کنفرانس او نخستین اجلاس مهمی بود که در تهران تشکیل می یافت و سفیر کبیر عربستان سعودی آقای حمزه غرث با قرائت آیه ای از کلام الله مجید آغاز کار کنفرانس را اعلام داشت و پس از اخذ رای که در همان جلسه بعمل آمد نخست وزیر ایران با اکثریت آرا بریاست جلسه برگزیده شد و این واقعه کمک زیادی به تثبیت دولت وقت کرد. از آن پس دولت رزم آرا با قدرت می کوشید مشکلات را حل کند اندک اندک نقش سیاست خارجی ایران بنحو قابل ملاحظه‌ای روشن شد و زمینه برای همکاریهای بیشتر با کشورهای خارجی بیشتر گشته بود روز بیست و هفتم مهرماه ۱۳۲۹ طرح فنی همکاری استفاده از اصل چهارم ترومن بمبلغ پانصد هزار دلار برای مدت یکسال میان نخست وزیر وقت ایران و آقای هانری گریدمن سفیر کبیر آمریکا در ایران بامضاء رسید و قریب دو هفته پس از آن روز سیزدهم آبان ماه موافقت نامه ای بازرگانی میان ایران و شوروی نیز بامضاء رسید اما با

این حال هنوز سرنوشت نفت معلوم نبود و کمیسیون نفت شب و روز مشغول مطالعه لایحه لایحه الحاقی گس - گلشائیان تلاش میکرد هر چه زودتر سرنوشت نفت جنوب تعیین گردد و با این حال دولت رزم آرا میکوشید تا بتواند اوضاع داخلی را سامان بخشد و از این روی جلسات مجلس باردیگر متشنج شد و با طرح مساله نفت مجدداً "موافقین و مخالفین درکنار یکدیگر صف کشیدند و سرانجام در چهارمین روز آذرماه ۱۳۲۹ پس از چندین جلسه طولانی در یک جلسه علنی مجلس اعلام شد که قرارداد گس - گلشائیان منافع ایران را از نفت جنوب استیفا نمی‌کند و بدین ترتیب این لایحه بر جنجالی بوسیله مجلس ایران رد شد .

رد شدن لایحه مزبور بوسیله نمایندگان مجلس سبب شد که اقلیت نمایندگان بار دیگر مخالفت خود را با دولت از سر بگیرد و در همان جلسه یکی از نمایندگان مجلس دولت را استیضاح نمود .

استیضاح این نماینده دولت را بر آن داشت تا از مجلس رای اعتماد بخواهد و بنا بتقاضای دولت روز پنجم آذرماه مجلس جلسه فوق العاده تشکیل داد تا بدین موضوع رسیدگی شود و اوضاع بصورتی پیش آمده بود که کسی نمی‌دانست چه خواهد داشت و شایعات گوناگونی که بوجود آمده همه از رفتن دولت حکایت میکرد و بسیاری از ناظران سیاسی عقیده داشتند که دولت بزودی خواهد رفت و کس دیگری جای رزم آرا را خواهد گرفت . وقتی جلسه علنی مجلس تشکیل شد نمایندگان اقلیت بموفقیت خود فوق العاده ایمان داشتند ولی پس از اخذ رای اعتماد بود که همه باتعجب دریافتند مجلس شورای ملی با ۹۱ رای موافق دولت را تشبیه کرده است .

در این جلسه نخست وزیر مطالب مفصلی پیرامون سیاست دولت خود و خدماتی که انجام گرفته و برنامه‌هایی که در دست اجرا میباشد بیان کرد و همین بیانات مفصل و کامل بود که نمایندگان را بیشتر موافق برنامه دولت ساخت .

در این هنگام وقوع فرار عده ای از زندانیان حزب منحل شده از زندان قصر که بسیاری از جریانات روز را تحت‌الشعاع خود قرارداد سبب شد که به حیثیت دولت لطمه شدیدی وارد آید و نمایندگان اقلیت با طرح این موضوع حملات خود را بر علیه دولت باردیگر از سر بگیرند و از این مساله استفاده تبلیغاتی فراوانی بنمایند .

اما دولت رزم آراتوجهی باین حملات نداشت و بطور جداگانه مشغول مذاکره با



نمایندگان نفتی دنیا بود و در نظر داشت که قرارداد جدیدی برای نفت منعقد نماید در این حال کمیسیون مخصوص نفت نیز ۳ پیشنهاد مختلف را تحت رسیدگی قرارداد داده بود که این سه پیشنهاد عبارت بود از .

۱- ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور .

۲- استفاده از عواید نفت بطور پنجاه درصد .

۳- لغو قرار داد ۱۹۲۳ .

اوضاع کشور آمادگی کامل برای پذیرفتن ملی شدن صنعت نفت را داشت ، در سومین روز اسفندماه ۱۳۲۹ پیشنهاد ملی شدن این صنعت در جلسه علنی مجلس شورای ملی مطرح گردید و از دولت وقت خواسته شد تا نظر خود را نسبت باین پیشنهاد اعلام دارد . اما زمان آهسته حوادث دیگری بود و واقعه ناگوارتری را برای ملت ایران ارمغان میداشت شرح این واقعه چنین است .

سپهبد رزم آرا نخست وزیر وقت در روز شانزدهم اسفندماه باتفاق ۲ تن از وزرای کابینه خود برای شرکت در مجلس ترحیم مرحوم آیت الله فیض به مسجد شاه رفت و هنگامیکه از صحن مسجد عبور میکرد در کنار حوض بزرگ مسجد سه گلوله بطرف وی شلیک شد که در نتیجه آنها درگذشت ، گلوله اول از پشت سر وارد مغز شده و از پیشانی خارج گردید ، گلوله دوم به ریه اصابت کرده و از سوی دیگر خارج شده و گلوله سوم نیز استخوان ترقوه را شکست .

پس از زمین خوردن نخست وزیر بر اثر اصابت نخستین گلوله نظم مسجد بهم خورد و ضارب بهمراهی دوستانش فرار کرد اما مامورین انتظامی او را دستگیر و به کلانتری اعزام کردند ، در کلانتری ضارب خود را عبدالله موحد رستگار معرفی کرد اما پس از کمی بازجویی و تحقیقات معلوم شد که نامش خلیل طهماسبی و شغلش نجاری میباشد .

جنازه بی جان نخست وزیر بلافاصله به بیمارستان سینا انتقال یافت اما در همان دم پزشکان اعلام کردند که وی با اصابت همان گلوله اول جان سپرده است .

رزم آرا هنگام مرگ ۵۰ سال داشت و رو به پیرمردگی هشت ماه و یازده روز زمامدار ایران بود و طی این مدت اقداماتی اصلاحی برای مردم و کشور خویش بعمل آورد که انجام این خدمات از خاطر کسی نخواهد رفت ، همانروز اعلامیه‌ای بشرح زیر از طرف دولت انتشار یافت .

" در ساعت ده و چهل دقیقه صبح چهارشنبه شانزده اسفند موقعیکه جناب آقای رزم آرا نخست وزیر برای حضور در مجلس ترحیم مرحوم آیت الله فیض میرفتند در صحن مسجد مورد حمله یک نفر واقع و مقتول گردید و بلافاصله قاتل دستگیر شد .

باظهار تأسف از چنین ضایعه مؤلمه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی امر و مقرر فرمودند هیئت دولت تحت سرپرستی اینجانب خلیل فهیمی کماکان بانهایت مراقبت عموم کشور را اداره کند و برای استحضار عامه اعلام میشود که استانداران و فرمانداران و کلیه ماموران دولت اعم از لشکری و کشوری باید بانهایت قدرت انجام وظیفه نمایند . "

در همان ساعاتی که نخست وزیر ایران مورد اصابت گلوله قرار گرفت کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی جلسه داشت و در همان لحظاتی که اعلام شده بود نخست وزیر ایران به قتل رسیده پیشنهاد در باره ملی شدن این صنعت گردید و بلافاصله تصویب شد .

این پیشنهاد طی گزارشی از طرف کمیسیون نفت به مجلس مراجعه گشت و روز ۲۴ اسفند گزارش مزبور نیز از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و قرار گردید تا آئین نامه ای جهت ملی کردن این صنعت از طرف کمیسیون خاص تهیه و به مجلس پیشنهاد گردد اما در آخرین ماه سال ۱۳۲۹ باز هم آشوب و جنجال در انتظار مردم ایران بود و در روز ۲۸ اسفند بود که اعلام شد دکتر عبدالمجید زنگنه وزیر فرهنگ کابینه مرحوم رزم آرا مورد سوء قصد قرار گرفته است .

جریان از این قرار بود هنگامیکه وزیر فرهنگ که ضمناً " استاد دانشکده حقوق هم بود وارد دانشگاه شده و بسوی دانشکده حقوق میرفت وسیله جوان دانشجویی بنام نصرت‌اله قمی مورد هدف گلوله قرار گرفت و از پای درآمد و بلافاصله به بیمارستان انتقال یافت و ضارب نیز وسیله مامورین انتظامی دستگیر شد و بازجویی از او شروع گردید .

و دولت با صدور اعلامیه ای از مردم خواست تا آرامش را حفظ کنند و نگذارند دیگران با استفاده از این بلواها بنفع خود بهره برداری نمایند .

سالهای آشوب چگونه بود ؟

در آخرین روز سال ۱۳۲۹ بود که مرحوم حسین علاء مأمور تشکیل دولت گردید و او در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۳۰ کابینه خود را بشرح زیر تشکیل داد .  
 نخست وزیر حسین علاء - وزیر دارایی محمد علی وارسته - وزیر دادگستری شمس الدین امیرعلائی - وزیر مشاور علی دشتی - وزیر فرهنگ حبیب اله آموزگار - وزیر کشاورزی ضیاء الملک فرمند .

توضیح - سایر وزارتخانه ها توسط معاونین اداره شد و در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۳۰  
 اعضاء دولت بشرح زیر معرفی شدند .

نخست وزیر حسین علاء - وزیر دارایی محمد علی وارسته - وزیر دادگستری شمس الدین امیرعلائی - وزیر مشاور علی دشتی - وزیر جنگ سپهبد نقدی - وزیر کشور سرلشکر زاهدی  
 وزیر فرهنگ حبیب اله آموزگار - وزیر امور خارجه عبدالله انتظام - وزیر راه سرلشکر ارفع  
 وزیر کشاورزی ضیاء الملک فرمند - وزیر پست و تلگراف مهندس احمدزنگنه - کفیل وزارت  
 بهداری دکتر عباس نفیسی - کفیل وزارت کار مهندس حبیب نفیسی - کفیل وزارت اقتصاد  
 ملی دکتر جمشید مفخم .

### تغییرات

در جلسه سه شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۳۵ مجلس شورای ملی دکتر عباس نفیسی بسمت وزیر بهداری معرفی شد .

### متن برنامه دولت حسین علاء

- ۱- از بین بردن این روح تمرد و عصبانی که نسبت بقوانین و مقررات و انتظامات پیدا شده و امنیت و آسایش را تهدید میکند .
- ۲- توجه فوری بدستگاه قضائی کشور بمنظور تامین استقلال قضات و استقرار امنیت قضائی و جلوگیری از اعمال نفوذ .
- ۳- سعی و اهتمام در ایجاد توازن و تعادل حقیقی بودجه و جلوگیری از هرگونه اسراف و تبذیر در مصارف وجوه عمومی و تجدید نظر در قانون استخدام کشور و اصلاح مقررات مالیاتی براساس عدالت اجتماعی بنحوی که حتی الامکان فشار مالیاتهای غیر مستقیم برطبقات ضعیف و مصرف کننده کاهش یافته و مشمولین مالیاتهای مستقیم نیز متناسب در آمد واقعی و میزان استفاده آنها از سازمانهای دولتی در پرداخت هزینه عمومی کشور شرکت نمایند .
- ۴- بکار انداختن و تقویت قوه تولید کشور در قسمت استخراج معادن و مخصوصا "در کشاورزی و صنایع کشاورزی که طبعاً" مستلزم اصلاح اوضاع معاشی اکثریت مردم و ازدیاد رفاه و آسایش عمومی است .
- ترویج خرده مالکین بوسیله ایجاد شرکتهای تعاونی و تاسیسات کشاورزی و آبیاری و اعطای اعتبارات با شرایط سهل بکشاورزان .
- ۵- اصلاح و توسعه تعلیمات عمومی و اجراء قانون تعلیمات اجباری و تعمیم بهداشت عمومی و ارتباطات کشور .
- ۶- سیاست خارجی دولت روشن است ، علاوه برمسالمت و دوستی باتمام همسایگان و سایر ملل براساس احترام متقابل علاقه مخصوص داریم بمنشور ملل متحد و تقویت این سازمان بزرگ جهانی که شعار آن احترام بازادی و استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ملل



دنیا و تأیید دموکراسی و حقوق ملل کوچک است .

باید حقوقمان را از این سازمان استیفا نمائیم ووظایفمان را نسبت به آن دقیقاً انجام دهیم ، بدیهی است اهتمام خواهیم کردلوایح مفیدی ازقبیل اصلاح قانون انتخابات واستقلال شهرداریها که سابقاً " تقدیم شده بتصویب مجلس برسد .

اگر راجع به نفت در مواد برنامه اشاره نشده برای این است که مجلس شورایملی وسنا در این باب تصمیماتی اتخاذ فرموده اند وبدیهی است دولت بادر نظرگرفتن تمام جهات وجوانب آن وباطلع شدن ازتصمیمات ومطالعات آتیه کمیسیون نفت روشی اختیار خواهد کرد که مصالح ایران بحداکثر در آن مراعات شده باشد .

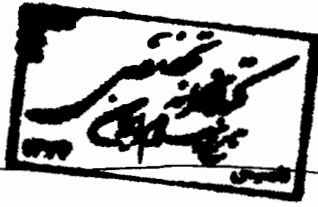
در خاتمه به آقایان اطمینان میدهم که این دولت با نهایت علاقه وایمان و از خود گذشتگی آنی در انجام وظایف سنگین خود غفلت نخواهد کرد .

امید است با دوام وثبات بتوان مصالح کشور را محفوظ داشت ، در عین حال ما دلبستگی بکرسی وزارت نداریم . چون منظورمان جز خدمت صادقانه بکشور و شاهنشاه معظم چیز دیگری نیست .

یقین داریم ایران در موقع بسیار مشکلی مضایقه نخواهد کرد . با دوام وثبات و حسن تفاهم یقیناً " قدمهای مفیدی در انتظام و عمران وترقی کشورمان برداشته میشود و در رفاه حال توده مردم کامیاب خواهیم شد .

باتشکیل دولت علاء بلافاصله مدت دو ماه درتهران وحومه حکومت نظامی اعلام شد ودر محیط تیره ولغزنده ای که متعاقب ترورهای پی درپی بوجود آمده بود آقای علاء کوشید که بامشکلات دست وپنجه نرم کند وبرخلاف آنچه تصورمیرفت این دولت پس از دو ماه ناچار به کناره گیری شد و دراین موقع دکتر مصدق که از ابتدای دوره چهاردهم همواره ک قدم باکرسی نخست وزیری فاصله داشت بیش ازهرزمان مورد توجه قرارگرفت زیرا امکان نداشت که هیچ دولتی بدون جلب موافقت جبهه ملی بیش از چند روز دوام کند .

چه در جریان انتخابات هنگامیکه چند تن از اعضای جبهه ملی در زندان بسر میبردند بطور آشکار وپنهانی باعضی از مقامات آمریکائی ارتباط داشتند تا جائیکه برای آنها سیگار وشیرینی وشکلات بزندان فرستاده میشد . این روابط ازطرفی وجلب پشتیبانی طبقات مردم ازطرف دیگروضع خارجی وداخلی "جبهه ملی" را چنان استحکام بخشیده



بود که عنان اختیار مجلس نیز بالمره در دست شش نفر وکیل جبهه ملی قرار داشت .  
 باین جهت هنگامیکه استعفای دولت علاء از طرف رئیس مجلس شورایی ملی در جلسه  
 خصوصی اعلام گردید و تمایل نمایندگان نسبت به زمامدار آینده استفسار شد آقای جمال  
 امامی پیشنهاد کرد این مسئولیت به شخص دکتر مصدق سپرده شود تا شاید مشکلاتی که  
 ایجاد شده بود بدست خود وی فیصله پیدا کند .  
 اکثریت مجلس نیز این پیشنهاد را پذیرفت و روز هفتم اردیبهشت تمایل مجلس  
 بحضور ملوکانه اعلام و روز هشتم اردیبهشت فرمان نخست وزیری بنام وی صادر گردید .  
 شاهنشاه در خاطرات خود از عوامل و مسائلی که منجر بروی کار آمدن دکتر مصدق  
 شد چنین بحث می کند :

من بجای سپهبد رزم آرا حسین علاء را که از سیاستمداران مورد احترام و دارای  
 سابقه طولانی بود به نخست وزیری برگزیدم .  
 حسین علاء طرفدار راه حل مسالمت آمیزی بود که بتوان در عین ملی شدن صنعت  
 نفت تاسیسات و استخراج و بهره برداری با کمک متخصصین خارجی اداره شود و کار ادامه  
 یابد ولی افراطیون با چنین فراری موافق نبودند و وعده های آشوبگر به مناطق نفتی جنوب  
 اعزام شدند که در میان کارگران تشنج و هیجان ایجاد کنند و حزب توده نیز که در عین  
 غیرقانونی بودن باز تشکیل شده بود با این آشوبگران دست یاری کرد .  
 در نتیجه چند نفر از مردم و سه نفر از اتباع انگلیس بقتل رسیدند و شرکت نفت  
 عملیات خود را قطع کرد و پرداخت کلیه وجوهیکه ازین ممر بدولت ایران میرسید متوقف  
 گردید ، مصدق بمردم وعده داده بود که دوره فراوانی و رفاه فرا می رسد و هزینه آن از  
 درآمد نفت که قانوناً " حق ملت ایران است تامین خواهد شد .  
 با چنین وعده ها مصدق وجهه خاصی پیدا کرد و علاء که بیش از دو ماه از زمامداری  
 او نگذشته بود کناره گرفت و من مصدق را بنخست وزیری منصوب نمودم .  
 در آن هنگام کسی نبود که بتواند در برابر وی ایستاده و با او برای احراز این مقام  
 رقابت نماید ، اکنون دیگر فرصت بزرگ برای مصدق فرار سیده بود و مدتی در حدود دو  
 سال در پیش داشت و میتوانست ازین فرصت بحد کفایت استفاده کند و از حمایت و پشتیبانی  
 من با آنکه یک چنین حمایتی برای من ملال انگیز بود برخوردار باشد .

### دولت دكتر مصدق

دكتر مصدق در دوازدهمین روز اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ کابینه خود را بشرح زیر بمجلس شورای ملی معرفی نمود .

نخست وزیر دكتر محمد مصدق - وزیر بهداری حكیم الدوله ادهم - وزیر پست و تلگراف یوسف مشار - وزیر امور خارجه باقر کاظمی - وزیر راه جواد بوشهری - وزیر دارایی محمد علی وارسته وزیر دادگستری علی هیئت - وزیر کشاورزی ضیاء الملک فرمند - وزیر جنگ سپهبد نقدی - وزیر کشور سر لشکر فضل اله زاهدی - وزیر کار امیر تیمور کلالی - وزیر فرهنگ دكتر کریم سنجایی .

### تغییرات

در جلسه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی شمس الدین امیر علائی بسمت وزیر اقتصاد ملی معرفی شد . در جلسه ۱۳ مرداد ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی شمس الدین امیر علائی بسمت وزیر کشور معرفی شد .

در ۱۱ مهر ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی معرفی زیر بعمل آمد .

باقر کاظمی به کفالت نخست وزیری در غیاب نخست وزیر - دكتر حسن ادهم وزیر مشاور - محمود نریمان وزیر دارایی - دكتر محمد ملکی وزیر بهداری .

در جلسه دهم آذر ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی وزراء جدید بشرح زیر معرفی شدند .

شمس الدین امیر علائی وزیر دادگستری - سپهبد یزدان پناه وزیر جنگ - دكتر علی امینی وزیر اقتصاد ملی - امیر تیمور کلالی وزیر کشور .

در جلسه ۵ دیماه ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی دكتر محمود حسایی بسمت وزیر فرهنگ دكتر غلامحسین صدیقی بسمت وزارت پست و تلگراف - علی اصغر فروزان بسمت کفالت وزارت دارائی و مهندس خلیل طالقائی بسمت وزیر کشاورزی معرفی شدند .

متن برنامه دولت دکتر محمد مصدق

۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورخه نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ و تخصیص عواید حاصله از آن بتقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی .

۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها .

البته نظریات اصلاحی دولت منحصر باین دو ماده نیست و عجلالتا " از ذکر جزئیات صرف نظر و در موقع خود لوایح ضروری را برای اصلاحات لازم تقدیم خواهد نمود و بسیار ممنون و خوشوقت خواهد شد که نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و سنا راهنمائیها و هدایت های لازم بدولت برای اصلاحات بفرمایند .

اساس سیاست خارجی دولت هم مبتنی بر منشور ملل متحد و تقویت این سازمان بین المللی و دوستی با کلیه دول و احترام متقابل نسبت بهمه ملل میباشد .

دولت دکتر مصدق هنگامی مصدر امور کار شد که آئیننامه ۹ ماده ای مربوط با اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و خلع ید از شرکت سابق نفت از تصویب مجلسین گذشته بود و دولت ناچار بود عملیات مربوط با اجرای این ۹ ماده را آغاز کند .

اما پیش از شروع این کار بود که کارگران جنوب دست باعثشاش زده و اعتصاب نمودند و کار زدو خورد بانبروی انتظامی بالا گرفت و برخوردهائی با اتباع خارجی روی داد و دولت در قسمتی از مناطق جنوب مقررات حکومت نظامی اعلام فکرد .

در همین خلال رزمناوهای جنگی انگلیس بعنوان حفظ جان و مال اتباع خود از پایگاه عدن به خلیج فارس وارد شدند .

شاهنشاه یادآور میشوند :

" در آن هنگام دولت انگلیس اعلام داشت که نیروی چتر باز خود را بقبرس روانه خواهد کرد و شهرت یافت که این نیرو برای اعزام بایران آماده میشود .

... مناه انگلیس بناء مه ته س د ، مقابا آنادان لنگ انداخته و شام به ده که قسمت



دیگری از نیروهای دریائی انگلیس بسوی آبهای ایران بحرکت درآمده است ، سفیر انگلیس را احضار کردم و باو خاطر نشان ساختم که اگر دولت انگلستان قصد تجاوز بحق حاکمیت ایران داشته باشد من شخصا " در راس نیروی ایران قرار گرفته و در برابر هر تجاوزی ایستادگی خواهم نمود . شایعات مزبور بعلت این اظهار صریح من یا بعقل دیگری صورت عمل پیدا نکرد . "

در خرداد ماه هیئتی بنام هیئت مدیره موقت که اعضای آن از طرف دولت و مجلسین انتخاب شده بود از تهران بخوزستان رفت و مراسم خلع ید از شرکت سابق نفت انجام شد . دفاتر شرکت نفت در تهران نیز زیر نظر مامورین دادگستری و شهربانی فرار گرفت و پیرامون سیاست نفتی دکتر مصدق شاهنشاه در خصوص اخطار صریح سفیر انگلیس چنین اظهار عقیده میفرمایند :

" مصدق نیز میتواندست برای بدست آوردن راه حل مثبت در مسئله نفت چنین رویه صریح و محکمی را در پیش گیرد ولی ابتکار عمل را بشرکت نفت گذاشته ، تمام وقت خود را صرف مبارزه ناشیانه باشرکت سابق نمود ونسبت بتاثیری که اقدامات او بحال کشور داشت بی اعتنا ماند وتاروزی که از مقام نخست وزیری معزول گردید بیکقدم بحل مسئله نزدیکتر از روز نخست نشده بود . شورای امنیت سازمان ملل متحد وبانک بین المللی ودادگاه بین المللی و پرزیدنت ترومن وبعد از آن پرزیدنت آیزنهاور و چندین موسسه جهانی ومامورین وابسته به آنها سعی کردند که در رفع اختلافات موجود راه حلی پیدا کنند ولی نتیجه نبخشید زیرا مصدق که هم کاملا در دست مشاورین خود و هم مقهور افکار لجوجانه خویش واقع شده و رویه منفی پیش گرفته بود امکان هرگونه توافق را از بین برده وبجای آنکه وقت خود را باصلاحات وعمران کشور مصرف کند به پرخاشجوئی می گذرانید . مصدق در سیاست خود نسبت بدولت انگلیس وشرکت سابق نفت مرتکب دو اشتباه عظیم گردید :

یکی اینکه اعتقاد داشت دنیا بدون نفت ایران قادر بادامه حیات اقتصادی وصنعتی خود نیست وبهمین مناسبت استدلال میکرد که بزودی شرکت سابق وسایر حامیان آن در مقابل وی بزانو درآمده وتسلیم خواهد شد ولم، وقتی تولید نفت در ایران متوقف شد

شد سایر کشورهای نفت خیز بمنظور جبران این کسر میزان تولید خود را بالاتر بردند . اشتباه دیگر مصدق آن بود که تصور میکرد نفت ایران را میتواند بدون کمک و استعانت خارجیان بیازار جهان عرضه نماید . در حالیکه آن زمان ایران حتی یک کشتی نفتکش نبود و سازمان فروش بین المللی نفت نیز نداشت .

در مردادماه ۱۳۳۰ بود که دولت انگلیس ملی شدن صنعت نفت را در ایران رسماً قبول نمود و مهرداد مخصوص سلطنتی انگلستان ( استوکس ) به ایران اعزام گردید تا با مقامات دولتی پیرامون نفت مذاکره نموده و پیشنهاد جدیدی در مورد نفت بنماید . اما چون این پیشنهادات برخلاف اصول ملی شدن نفت بود مذاکرات ( استوکس ) با شکست روبرو شد .

پس از این شکست بود که دولت انگلیس و شرکت سابق نفت هر دو جداگانه بر علیه ایران به دادگاه بین المللی لاهه عرضحال دادند و باستناد قرارداد ۱۹۳۳ از دیوان بین المللی لاهه تقاضای حکمیت کردند اما دولت ایران با حکمیت موافقت نکرد و در نتیجه قضیه به شورای امنیت سازمان ملل مراجعه گردید .

با رجوع قضیه به شورای امنیت نخست وزیر وقت ایران به همراه هیئتی مسافرت نمود و شخصاً " در جلسات شورای امنیت حضور یافت .

سرانجام شورای امنیت پس از مذاکرات فراوان در مهرماه ۱۳۳۰ اعلام کرد که قضیه تا اعلام رای دادگاه بین المللی در باره صلاحیت یا عدم صلاحیت خود مسکوت بماند . بازگشت نخست وزیر با ایران مصادف با اعتصابات دستجات گوناگون بود و هر روز که میگذشت در گوشه و کنار مملکت سروصدائی بر می خاست و سیل ناراضیاتی از هرسو بلند بود تا جائیکه بسیاری از مدبران جراید در مجلس متخصن شدند و وعده های از نمایندگان مخالف دولت نیز تحصن اختیار کردند .

در همین هنگام - دیماه ۱۳۳۰ - بود که دولت ایران طی یادداشتی از دولت انگلیس خواست که تا آخر دیماه کلیه کنسولگریهای انگلیسی در ایران بسته شود و این واقعه نیز بر تیرگی روابط ایران با دول اروپائی افزود .

در بیست و پنجمین روز بهمن ماه ۱۳۳۰ بود که دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز هنگام ایراد خطابه بر سر مزار ( محمد مسعود ) در ظهیرالدوله مورد سوء قصد قرار گرفت . ضارب یکی از اعضای فرقه فدائیان اسلام بود بنام محمد مهدی عبدخدائی .

پس از محاکمه‌ای که از ضارب بعمل آمد بعلت صغر سن او به سه سال زندان محدود گردید .

در تمام این مراحل شاهنشاه ایران میکوشیدند تا با سیاست سالم کشور را به سوی ترقی پیش ببرند و در همه حال نگران سرنوشت مردم کشور بودند و تلاش مینمودند تا مردم بتوانند زندگی راحتی در پیش گیرند .

با فرا رسیدن آخرین روزهای سال ۱۳۳۰ عمر مجلس شانزدهم نیز به پایان میرسید و اقلیت برهبری ( جمال امامی ) به مخالفت خود با دولت افزوده بود و تظاهرات دامنه داری هر روز بر علیه دولت صورت میگرفت و کار بجائی رسید که روزی قرار بود رئیس دولت بمجلس آمده و برای نمایندگان نطق کند .

بآن صورت که جلسه علنی تشکیل شده و نمایندگان مجلس در انتظار ورود نخست وزیر بودند شنیده شد که دکتر مصدق در مقابل مجلس نطق میکند .

و کلا ابتدا این شایعه را باور نمیکردند ولی هنگامیکه از تالار جلسه علنی خارج شدند مشاهده کردند که نخست وزیر در میدان بهارستان روی چهار پایه‌ای قرار گرفته و میگوید "آنجا مجلس نیست اینجا مجلس است ."

و این اولین گامی بود که نخست وزیر وقت در مقابل مخالفین خود برمیداشت . با آغاز سال ۱۳۳۱ انتخابات دوره هفدهم در سراسر کشور شروع شد . اما از همان آغاز کار معلوم بود که مصدق میکوشد انتخابات را بنفع خود و دولت خویش انجام دهد و در روز هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ بود که مجلس رسماً "وسیله اعلیحضرت همایونی افتتاح گردید .

در این مجلس قریب یک سوم کرسیهای نمایندگی خالی بود و این کرسیها مربوط به حوزه‌هایی بود که دولت شروع به انتخابات را در آنجا صلاح ندیده و یا انتخابات را در جریان عمل توقیف و متوقف نموده بود .

پس از افتتاح مجلس بود که اعلیحضرت برای افتتاح لوله‌کشی شیراز آرامگاه سعدی عازم استان فارس گردیدند و در این سفر کوشیدند تا مردم شیراز را به آینده خوشبین نمایند .

درین ایام دیوان دآوری بین المللی ( لاهه ) که در این اوقات شکایت دولت انگلستان و شرکت سابق نفت را مورد شور قرار داده بود تشکیل گردید .



وزیر پست و تلگراف مهندس سیف‌اله معظمی - وزیر راه مهندس داود رجبی - وزیر اقتصاد ملی دکتر علی اکبر اخوی - وزیر فرهنگ دکتر مهدی آذر - کفیل وزارت بهداری دکتر صبار فرمانفرماییان .

در جلسه ۲۷ مهر ماه ۱۳۳۱ مجلس شورای ملی دکتر حسین فاطمی بسمت وزیر امور خارجه معرفی شد .

در جلسه ۱۹ بهمن ۱۳۳۱ مجلس شورای ملی مهندس داود رجبی بسمت وزیر مشاور و مهندس حق شناس به وزارت راه معرفی شدند .

#### متن برنامه دولت دکتر محمد مصدق :

سیاست خارجی دولت مبتنی بر منشور ملل متحد و تقویت این سازمان بین‌المللی و دوستی با کلیه دول و احترام متقابل نسبت به همه ملل میباشد و در سیاست داخلی نظر با وضاع و احوال فعلی اصلاحاتی در امور کشور ضرورت دارد که مواد آنرا بشرح ذیل تقدیم داشته و درخواست تصویب آنرا دارد .

۱ - اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها .  
 ۲ - اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه بوسیله تقلیل در مخارج و برقراری مالیاتهای مستقیم و در صورت لزوم مالیاتهای غیر مستقیم .  
 ۳ - اصلاح امور اقتصادی بوسیله افزایش تولید و ایجاد کار و اصلاح قوانین پولی و بانکی .

۴ - بهره برداری از معادن نفت کشور .  
 ۵ - اصلاح سازمانهای اداری و قوانین کشور و قضائی .  
 ۶ - ایجاد شورای محلی در دهات بمنظور اصلاحات اجتماعی و تامین مخارج این اصلاحات بوسیله وضع عوارض .  
 ۷ - اصلاح قوانین دادگستری .  
 ۸ - اصلاح قانون مطبوعات .

۹ - اصلاحات امور فرهنگی و بهداشتی و وسایل ارتباطی .  
در مورد وقایع تیرماه ۱۳۳۱ شاهنشاه در خاطرات خود چنین اشاره میکند :

" در ابتدای تابستان ۱۳۳۱ مصدق اعلام نمود که تا اختیارات فوق العاده نگیرد قادر بانجام وظیفه نخواهد بود چون از مخالفت مجلس و مردم نسبت به سیاست خود بیمناک بود درخواست کرد که بوی اختیار داده شود که تا مدت شش ماه بدون مراجعه به مجلس شورایی کار کند و همچنین درخواست نمود که وزارت جنگ نیز بوی واگذار شود و امیدوار بود که بدینوسیله قدرتی را که قانون بعنوان فرمانده کل نیروهای ایران به من داده است خنثی کند .

از پذیرفتن تقاضاهای وی امتناع کردم زیرا قطع داشتم که اثر این اختیار آنست که کمونیستها بیشتر در امور رخنه یابند و وقایع آینده ثابت گردد که نظرم صحیح بوده است مصدق روز ۲۵ تیر از نخست وزیری استعفا کرد و من برخلاف نظر باطنی خود احمد قوام را که در گذشته اغل مقام نخست وزیری بود به نخست وزیری برگزیدم زیرا بزعم عده‌ای قادر بود در برابر دست چپی‌ها سخت مقاومت نماید .

باروی کارآمدن قوام السلطنه اعضای حزب توده بلافاصله به طرفداران مصدق پیوسته و دست به تظاهرات و آشوب زدند و نظم و قانون مختل گشت و دولت قوام در برابر عناصر اخلاک‌افراطی ناتوان ماند .

ضمناً " نطقی که قوام در رادیو کرد و در آن مخالفت خود را با احساسات شدیدی که مردم در مسئله ملی شدن نفت داشتند اظهار نمود اوضاع را وخیمتر ساخت .

قوام بعلت کبر سن بسیار ناتوان و بیمار شده و غالباً " در جریان مذاکرات مهم سیاسی بخواب میرفت و هر چند حقیقتاً " در حل مسائل باعمال قدرت معتقد بود ولی من وجدانا نمیتوانستم اجازه اتخاذ چنین رویه‌ای را بشخص ناتوانی مانند او بدهم .

ناچار پس از چهار روز نخست وزیری بصلاحدید من از نخست وزیری استعفا داد و این نکته واضح گردید که در آنروز کسی قادر بمقاومت در مقابل مصدق نیست .

روز ۳۰ تیر بمنظور جلوگیری از جنگ داخلی اجباراً " شرایط مصدق را پذیرفته و وی را مجدداً " بنخست وزیری منصوب نمودم .

دکتر مصدق با گرفتن اختیارات بیشتر باریگر مصدر کار شد و وزارت جنگ را نیز به نام دفاع ملی نامیده و خود عهده دار اداره امور ارتش ایران شده بود و وکلای جبهه ملی نیز طرحی برای مصادره اموال قوام که از روزسی ام تیرماه در اکتفا بسر میبرد تقدیم مجلس کردند و بدنبال این طرح نیز پیشنهاد آزادی خلیل طهماسبی قاتل رزم آرا تقدیم مجلس شد که هر دو طرح تصویب گردید و بمجلس سنا فرستاده شد که در آنجا مورد مخالفت قرار گرفت.

اما با این حال خلیل طهماسبی با تجلیل فراوان از زندان آزاد گشت و در مردادماه نیز بدنبال این رعبی که بوجود آمده بود دکتر مصدق برای استفاده بیشتر لایحه اختیارات را بشرح زیر تقدیم مجلس نمود.

( به آقای دکتر مصدق نخست وزیر اختیار داده میشود از تاریخ تصویب این قانون تا مدت ششماه لوایحی که برای اجرای برنامه دولت ضروری میباشد تهیه نموده، پس از آزمایش تقدیم مجلسین نماید و تا موقعیکه تکلیف آنها معین نشده لازم الاجرا میباشد. )  
تقدیم لایحه اختیارات در مجلس سبب شد که نخستین بار میان اعضای جبهه ملی شکاف ایجاد گردد تا جائیکه نمایندگان طراز اول جبهه ملی مانند آقایان دکتر بقائی - آیتاله کاشانی - حسین مکی و چندتن دیگر پس از طرح لایحه بوسیله دکتر فاطمی معاون نخست وزیر در مجلس جلسه علنی رابعنوان اعتراض ترک نمودند و از این زمان ببعد چنان اختلافی میان آنان بروز کرد که تا دم مرگ نیز فیصله نیافت و دوستان دیرین تاپای مرگ با یکدیگر مبارزه نمودند.

پس از اینکه لایحه مزبور از مجلس شورای ملی گذشت و تقدیم سنا شد نمایندگان سنا نیز باین لایحه روی خوش نشان ندادند.

این مساله سبب شد که برای یکسره شدن کار سنا در جلسه ۲۹ مهرماه طرحی طی سه فوریت از طرف نمایندگان جبهه ملی در مجلس شورای ملی مطرح گردد و حاکمی از اینکه مجلس شورای ملی باستناد اصل پنجم قانون اساسی نظر میدهد.

دوره مجلس سنا نیز باید مطابق دوره مجلس شورای ملی دو سال باشد و چون اکنون دو سال و هشت ماه از شروع دوره سنا گذشته مجلس سنا منحل شده تلقی میگردد.

پس از آنکه طرح مزبور به تصویب رسید فردای آنروز به گارد مجلس دستور داده شد از ورود سناتورها بعمارت بهارستان که جلسات مجلس سنا نیز در همانجا برگزار میشد جلوگیری

بعمل آید . و چند تن از سناتورها که در آن روز به مجلس رفته بودند بطرز زنده‌ای از ورودشان جلوگیری شد .

و نیز همانروز دکتر فاطمی سخنگوی دولت و معاون نخست وزیر اعلام داشت که از نظر دولت مجلس سنا منحلہ تلقی میگردد .

اما همانروز بنا بدعوت آقای تقی زاده رئیس مجلس سنا ۳۹ تن از سناتورها که در تهران حضور داشتند در منزل آقای نظام مافی گردآمده و باتفاق آراء عمل مجلس شورا یملی را مفایر قانون اساسی شناختند و سپس قطعنامه‌ای صادر کردند که مجلس شورا یملی بتنهائی حق تفسیر قانون اساسی را بمیل خود ندارد .

عین قطعنامه مزبور برای استحضار عامه منتشر و بوسیله دفتر مخصوص بحضور شاهنشاه تقدیم میگردد .

در همین ایام نخست از طرف ترومن و چرچیل و چندی بعد از طرف آیزنهاور و چرچیل یادداشت‌هایی برای دولت ایران ارسال گردید که شاهنشاه در کتاب ماموریت برای وطنم از این موضوع بشرح زیر یاد میکنند .

( دولت آمریکا از درهم ریختگی اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران بسیار نگران و بیمناک گردیده بهمین جهت روز هشتم شهریور پریزیدنت ترومن رئیس جمهور آمریکا و چرچیل نخست وزیر انگلستان یادداشت مشترکی که شامل راه حل جدیدی برای رفع اختلافات نفت بود برای مصدق ارسال داشتند ولی مصدق پیشنهادهای آنها را نپذیرفت و روزی ام مهر با دولت انگلیس قطع رابطه سیاسی نمود .

در تمام این مدت تاسیسات معظم نفت آبادان که هنوز از بزرگترین پالایشگاه‌های جهانست کاملاً عاطل و باطل و بلا استفاده مانده و هیچگونه درآمدی برای ایران نداشت و مصدق کوشش کرد که بشرکت‌های کوچک خارجی که حاضر بودند خود را بخطر دعاوی شرکت سابق نفت و تصرف مالی که از نظر شرکت غصبی بود بپندارد نفت بفروشد ولی جمع کل این فروشها از عایدی یکروز ما در دوران فعالیت گذشته پالایشگاه کمتر بود .

درین جریان پریزیدنت آیزنهاور بریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد و باتفاق مستر چرچیل پیشنهادهای مشترک دیگری بمنظور حل اختلافات و بکار انداختن مجدد صنعت نفت و تأمین درآمد ایران بدولت تسلیم داشت ولی مصدق این پیشنهادهای را نیز مانند پیشنهادهای گذشته رد کرد و متعاقب این وقایع پیروزبهای منفی دیگری برای مصدق پیش



آمد .

مجلس شورایی ملی با رضایت من و اکثریت آراء اختیارات مصدق را تمدید نمود ، علت رضایت من آن بود که میخواستم هرگونه مجال برای اجرای سیاست مثبتی در امر رفت بوی داده شده باشد .

ولی متاسفانه مصدق اختیارات مزبور را پیش از پیش برای پیشرفت مقاصد شخصی خود مساعد یافته باختناق مطبوعات و توقیف مدیران جراید پرداخت و چون بعضی نمایندگان مجلس شہامت بخرج داد ، و با وی مخالفت کرده بودند بتضعیف قدرت مجلس اقدام نمود و دستور داد طرفداران او جلسات را با عدم حضور خود از رسمیت ببندازند و بوسیله افراد او باش طرفدار خود بارعاب نمایندگان مخالف مبادرت نموده و آنها را در منازل خود یا در معابر عمومی مورد تهدید قرار داد .

شخصی که پیوسته از خطر تنزل ارزش پول مردم را بر حذر مینمود خود چنین امری مبادرت کرد و معادل میلیاردها ریال اسکناس بدون افزایش پشتوانه طلا و یا ارز خارجی انتشار داد و فرماندهان نیروهای انتظامی و واحدهای ارتشی را از یاران وفادار خود انتخاب نمود و بکمونیستهای حزب توده اجازه داد و آنها را تشویق نمود که در ارتش نفوذ کنند . " دکتر مصدق خودسرانه بکارهای خویش ادامه میداد و میکوشید تا مردم را براهی که میرود بکشد اما اولین بار در نهمین روز اسفند ماه ۱۳۳۱ بود که پرده از مقاصد پنهانی او برداشته شد زیرا در این روز بود که اعلام شد شاهنشاه قصد دارنند از مملکت خارج شوند . اعلام این خبر سبب نگرانی مردم گشت و تدریجا " جمعیت انبوهی در جلوی خانه ۱۵۹ منزل آقای دکتر مصدق و خیابان گرد آمده و مردم منتظر بودند که از طرف نخست وزیر برای ممانعت از این سفر اقدامی بعمل آید و لیکن چون جواب مساعدی به تقاضای مردم داده نشد حوالی بعد از ظهر جمعیت با تعرض بخانه نخست وزیر حمله نمود و چون پلیس شروع به تیراندازی کرد مردم بسوی کاخ همایونی هجوم بردند و باشعارهای " ما شاه خود را میخواهیم " در اطراف کاخ گرد آمدند و جمعیت خواستار ملاقات با شاه خود بود ، شاهنشاه در این مورد مینویسند :

" با همه این احوال مصدق جز با فراهم ساختن وسائلی برای برانداختن شاه مملکت

نیز باین لایحه روی خوش نشان ندادند .

با آنکه من جان او را نجات داده بودم و در آغاز کار از مساعدت و حمایت من بر خوردار بود این نکته برای من واضح بود که از همان روزی که بمقام نخست وزیر رسید منظور من بر انداختن سلسله من است .

روز نهم اسفند ، مصدق بمن توصیه کرد که موقتا از کشور خارج شوم ، برای اینکه وی را در اجرای سیاستی که پیش گرفته بود آزادی عمل به دهم و تا حدی از حیل و دسایس وی دور باشم با این پیشنهاد موافقت کردم .

مصدق پیشنهاد کرد که نقشه این مسافرت مخفی بماند و اظهار داشت بغاطمی وزیر خارجه وقت دستور خواهد داد شخصا گذرنامه و سایر اسناد مسافرت من وهمسر و همراهان را صادر کند .

اما این راز برملا گردید و تظاهرات وفاداری بشاه که از طرف جمعیت عظیم کشور بعمل آمد بقدری صمیمانه و اقناع کننده بود که اجبارا " از تصمیم خود در ترک وطن عدول کردم ، در این موقع حزب توده باصلاح اندیشی مسلم جمعی از پیروان مصدق بدون درنگ جبهه واحدی علیه سلطنت تشکیل داد .

ولی این عمل مردم رشید ایران را در حمایت از من و پشتیبانی از مقام سلطنت که من مظهر آن بودم متحد و متفق ساخت . "

پس از آنکه نخست وزیر اطلاع یافت که مردم مانع از مسافرت شاه خود گفته اند دست بمانور دیگری زد و با لباس خواب به مجلس رفت و کوشید با ایجاد صحنه ای موقعیت خود را مستحکم گرداند که این مانور بوسیله مخالفین خنثی گردید و از این روی دولت اقدام به توقیف های دسته جمعی نمود و جمعی از رجال و از جمله جمال امامی " که حکومت دکتر مصدق وسیله خود او پیشنهاد شده بود " غلامحسین فروهر - سپهبد شاه بختی - سرلشکر معینی - عمید نوری - سرتیپ گیلان شاه - سرگرد خسروانی و جمعی دیگر که عده آنها بالغ ۱۷۰ نفر میشد را بزندان انداخت .

اما توقیف های مکرر و جنجالهای روزنامه های موافق دولت نمی توانست دولت را تشبیهت کند و مخالفین دولت چه در مجلس چه در خارج برنامه مساعدی در پیش گرفته و سخت می کوشیدند تا بتوانند پیروز شوند .

سرانجام حادثه ای که دولت برای تشبیهت موفقیت خود انتظار آنرا داشت روی داد .

روز اول اردیبهشت ماه ناگهان اعلام شد که سرتیپ افشار طوس رئیس شهربانی دولت دکتور مصدق ناپدید شده است بنا باظهار راننده اتومبیل شماره یک شهربانی شب گذشته افشار طوس در مقابل خیابان خانقاه از اتومبیل پیاده شده و گفته بود در کلانتری ۲ منتظر تلفن وی باشد . و پس از آن دیگر هیچ خبری از افشار طوس در دست نبود . چون کانون بازنشستگان لشگری ، در خیابان خانقاه قرار داشت ابتدا این کانون مورد سوءظن قرار گرفت و پس از آنکه کلیه خیابانهای اطراف بسته شد و بازرسی خانه ها و موسسات واقع در خیابان مزبور و بازجویی از ساکنان خیابان آغاز گشت یکی از خانه های خیابان خانقاه به تصرف پلیس درآمد و اهل خانه عموماً بازداشت شدند و علاوه بر آنها عده زیادی نیز که در مظان سوءظن قرار داشتند جلب و توقیف گشتند ، تا آنکه روز شانزدهم اردیبهشت جسد افشار طوس در نزدیکی غار " تلو " واقع در لشگرک کشف شد . مامورین تحقیق عقیده داشتند که افشار طوس را ابتدا در خانه مزبور بیهوش کرده سپس بوسیله اتومبیل و اسب به " تلو " انتقال داده اند و در آنجا او را چند روز زنده نگه داشته اند . اما از بیم فاش شدن موضوع عاقبت ناچار از کشتن و دفن وی شدند .

همانوقت اعلام شد که این قتل قسمتی از یک نقشه وسیع برای تضعیف دولت بوده است و مخالفین دولت قصد داشته اند بار بودن چند تن از اشخاص موثر ، حکومت را متزلزل کنند اما هرچه بود همین موضوع وسیله موثری برای تقویت دولت شد . زیرا تبلیغات وسیعی بدنال این حادثه برای تهییج احساسات عامه آغاز شد و پرونده مزبور وسیله ای شد برای اینکه دولت هر کس را مایل است بنام متهم در قتل افشار طوس بازداشت کند حتی دامنه کار به مجلس کشانیده شد و دکتور بقائی را که یکی از مخالفین موثر دولت در مجلس بود بشرکت در توطئه متهم کردند و لایحه ای برای سلب مصونیت دکتور بقائی بمجلس تقدیم شد .

در همین زمان دولت تصمیم داشت بار دیگر عده ای از رجال منجمله سرلشگرزاهدی را که از مخالفین سر سخت دولت شمرده میشد بازداشت نماید که سرلشگرزاهدی در مجلس تحصن اختیار کرده و مقارن همین ایام مبارزات پارلمانی علیه دولت به منتهی درجه شدت خود رسیده بود و در حالیکه طرفداران دولت شدیداً برای مقابله با اقلیت اقدام و اهتمام میگردند ، نمایندگان اقلیت دولت را بستوه آورده بودند چون در حقیقت ، مجلس شورایی ملی آخرین سنگری بود که در مقابل دولت مقاومت میکرد و سنگرهای دیگر مخالفین را دولت

بوسیله بازداشت‌های بیپای تسخیر کرده بود .

با وجود آنکه هنگام تجدید انتخابات هیئت رئیسه ، طرفداران دولت موفق شدند موفقیت کاندیدای خود آقای دکتر معظمی را در مقابل مرحوم آیت اله کاشانی تأمین کنند و بدین ترتیب زمام امور مجلس نیز عملاً باختیار دولت قرار گرفته بود . مع هذا دولت نمیتوانست وجود مجلس را تحمل کند و در صدد آن بود که بنحوی مجلس شورایی ملی را منحل و یا فلج کند .

برای انجام این مقصود ، دکتر مصدق بنمایندگان فشار آورد که دستجمعی از وکالت استعفا کنند و هر چند این موضوع ابتدا برای نمایندگان اکثریت و حتی طرفداران دولت نیز عجیب و غیر منتظره بود مع هذا در شرایط وقت چاره‌ای جز موافقت ندیدند و تدریجاً وکلای اکثریت استعفای خود را از نمایندگی تقدیم داشتند تا آنکه مجلس عملاً از میان رفت و با انحلال مجلس واقعه بیست و هشتم امرداد ماه پیش آمد .

آغاز دوران عصر رستاخیز



### بیست و هشتم مرداد روز رستاخیز

" در سال ۱۳۲۲ وقتی عده کثیری از بهاران دکتر مصدق از اطرافش پراکنده میشدند وی بی در پی لاف میزد که آمریکا طرفدار رژیم اوست .

ضمناً " به آمریکائیهها اخطار میکرد که اگر باو بیش از پیش کمک نکنند احتمال دارد که ایران بدامان کمونیزم بیفتد ولی در ضمن نسبت به عملیات حزب توده سیاست مسامحه در پیش گرفته و اجازه میداد که آنان روز بروز بر قدرت خویش بیفزایند .

بنظر من آمریکائیهها از این رویه ضدونقیض کاملاً آگاه بودند ولی طبعاً احساس میکردند که خود ملت ایران باید مسائل سیاسی کشور خویش را حل کند چنانکه ما نیز همین رویه را عاقبت پیش گرفتیم .

مصدق در اواخر حکومت خود نیروی زرهی و سایر افرادی را که مامور حراست منزل وی بودند تقویت کرد ولی در عوض تانک های مامور حراست کاخ بیلاقی سعد آباد را که محل اقامت من ملکه ثریا بود تقلیل داد .

در اثر این عمل من و همسر من بکاخ خود در رامسر رفتیم ، در ۲۲ مرداد ماه سال ۱۳۲۲ احکام انفصال مصدق را از نخست وزیری و انتصاب سرلشکر زاهدی را بجای وی امضاء کردم و ماموریت خیلی دقیقی ابلاغ احکام را به سرهنگ نعمت اله نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی محول نمودم .

پس از آنکه سرهنگ نصیری از رامسر بکاخ سعد آباد رسید ابتدا عازم ابلاغ فرمان من  
بسرلشگر زاهدی گردید .

زاهدی در آن موقع در نزدیکیهای تهران بود ولی جز چندتن از دوستان نزدیکش  
کسی از محل اقامت وی که هر روز آنرا عوض میکرد اطلاعی نداشتند ، سرهنگ نصیری با  
کمک و راهنمایی واسطه های مختلف بسرلشگر زاهدی دسترسی یافته و فرمان مرابوی ابلاغ  
نمود و او نیز فوراً "آمادگی خود را بقبول این ماموریت اعلام داشت .

اکنون موقع آن بود که فرمان عزل بمصدق ابلاغ شود ، در حدود ساعت یازده شب  
۲۵ مرداد سرهنگ نصیری باتفاق دوتن از افسران خود از کاخ سعدآباد بسوی منزل مصدق  
حرکت کردند ، در نزدیکی منزل مصدق متوجه شدند که اطراف خانه را تانکهای سنگین  
و سربازان گرفته اند و بآنهادستور داده شده است که بهیچکس مخصوصاً افراد گارد شاهنشاهی  
اجازه ورود ندهند .

سرهنگ نصیری و دو افسر دیگر باین دستور واقعی ننهادند و با کمال خونسردی از  
مقابل دهانه توپهای تانک گذشته خود را بجلو در ورودی خانه مصدق رسانیدند .

سرهنگ نصیری بوسیله یکی از افسران مامور خانه مصدق تقاضای ملاقات مصدق را  
کرد ولی این تقاضا پذیرفته نشد ناچار از یکی از افسران مصدق که تاحدی مورد اعتمادش  
بود قول گرفت که فرمان را بمصدق ابلاغ و رسید آنرا گرفته و بوی برساند و مدت یکساعت  
و نیم بانتظار بازگشت افسر توقف کرد که بعد معلوم شد علت این همه تاخیر مذاکرات تلفنی  
مصدق با مشاوران و همکارانش بوده است .

بالاخره رسیدی را که مصدق بخط خود نوشته بود بسرهنگ داد اما قبل از اینکه وی  
از منزل خارج شود باو اطلاع دادند که بامر سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش مصدق باید  
او را فوراً "بستاد ببرند ."

انچه خواندید قسمتی بود درباره قیام ملی بیست و هشتم امرداد ماه که از کتاب ماموریت  
برای وطنم نقل گشته است .

بجرات میتوان گفت که قیام ملی بیست و هشتم امرداد ماه بتیره گیهای دفتر سرنوشت  
کشور ایران پایان داد و بارقه امید در دلها درخشیدن گرفت و سرنوشت کشور ما براهی  
معلوم شده کشانده شد و آرامش و سکون جای آنهمه رعب و جنجال را گرفت :

روز بیست و پنجم امرداد ماه بود که اعلام گشت شاهنشاه به همراه ملکه ایران رابعزم



بغداد و رم ترک کرده اند .

روز بیست و پنجم امرداد پس از آنکه خبر عزیمت شاهنشاه بتهران رسید از طرف دولت قصرهای سلطنتی مهر و موم و گارد شاهنشاهی خلع سلاح شد . همانروز عصر میتینگ بزرگی در میدان بهارستان تشکیل شد که در آن میتینگ طرفداران دکتر مصدق و کارگردانان حزب توده ، علنا هتاکی نسبت بمقام سلطنت را آغاز کردند و روزهای بعد در حالیکه تهران غرق در اضطراب و نگرانی بود . عکسهای شاهنشاه را در ادارات پائین آوردند و مجسمه‌های شاهنشاه و اعلیحضرت فقید را در میدانهای شهر بوضع زنده‌ای سرنگون ساختند .

نام خیابانهای تهران عوض شد و حوادث تاثرانگیزی روی داد که سرانجام منجر بقیام بیست و هشتم امرداد گشت و این قیام که از عصر بیست و هفتم امرداد رفته رفته نصح گرفته بود ، عصر بیست و هشتم امرداد بهدف رسید و علیرغم مقاومت شدید قوای مسلح محافظ منزل دکتر مصدق و قتل عام عده‌ای از تظاهرکنندگان نتیجه مثبت بخشید . عصر روز بیست و هشتم مرداد تهران به یکپارچه شورش علیه دولت تبدیل شد و پس از تصرف اداره رادیو توسط طرفدارای سلطنت ، فرمان عزل دکتر مصدق و نصب سرلشگر زاهدی از فرستنده رادیو اعلام گشت و عاقبت نیز دولت مصدق سقوط کرد و اعضای دولت و مشاورین دکتر مصدق متواری گشتند .

از غروب بیست و هشتم امرداد سرلشگر زاهدی در مقر ریاست شهرداری حضور یافت و زمام امور را بدست گرفت و طی اخبار هیجان انگیزی که از رادیو پخش میشد بازداشت دکتر مصدق و عده ای از وزراء مشاورین وی نیز اعلام گشت . بلافاصله از طرف دولت تلگرافی به رم مخابره و از اعلیحضرت همایونی تقاضا شد که بوطن معاودت فرمایند و دو روز بعد شاهنشاه در میان استقبال پر شوری بتهران وارد شدند .

در باره قیام بیست و هشتم مرداد و ۵ روز بحرانی حرف‌های بسیاری وجود دارد ، ما به نقل خاطرات اردشیر زاهدی که خود در این روزها ماجرا آفرین بوده‌است می‌پردازیم که تصویر کاملی از این قیام را این خاطرات مصور میدارد .

" آقای اردشیر زاهدی پیرامون صدور فرمان نخست وزیری پدرش تیمسار زاهدی از طرف شاهنشاه آریامهر آغاز کرده مینویسد :

فکر میکنم برای آغاز مطلب بهتر است از هنگامیکه فرمان نخست وزیری پدرم باو ابلاغ شد شروع کنیم . قطعا استحضار دارید که تقریبا از اوایل مردادماه پدرم ومن مورد تعقیب مامورین دکتر مصدق بودیم و در حال اختفا بسر میبردیم ، حتی برای یافتن ما جایزه تعیین شده بود و بناچار هر روز در گوشه وکناری وقت خود را میگذرانیدیم . آخرین محلی که ما برای اقامت پدرم در نظر گرفته بودیم باغ آقای مصطفی مقدم در اختیاریه سلطنت آباد بود که از چند طرف بجاده های مختلف اطراف شمیران راه داشت و تلفن آن وسیله ارتباط با خارج و کسب اخبار و جریاناتی بود که در شهر میگذشت و مرتبا بما گزارش میشد .

فرمان نخست وزیری پدرم در همین محل باو ابلاغ گردید . بر خلاف آنچه که در گذشته شایع بود فرمان مزبور در رامسر صادر نشد ، بلکه این فرمان و همچنین فرمان عزل آقای دکتر مصدق از نخست وزیری در کاخ سلطنتی کلاردشت بتوشیح اعلیحضرت همایونی رسیده بود و مامور ابلاغ هر دو فرمان هم سرکار سرهنگ نصیری یعنی تیمسار سرتیپ نصیری فعلی فرمانده گارد سلطنتی بود که در آن زمان نیز همین سمت را داشتند در همین محل باو ابلاغ گردید .

فرامین صبح روز ۲۲ مردادماه صادر شده بود و آقای سرهنگ نصیری بلافاصله برای ابلاغ آنها بطرف تهران حرکت کرده و مقارن ساعت ده و نیم پایازده شب بود که با لباس شخصی وارد باغ آقای مقدم شد و یکسر بطرف اطاق پدرم رفت و فرمان نخست وزیری را بایشان تسلیم داشت .

پدرم صورت سرهنگ نصیری را بوسید و از وی تشکر کرد . بعد چند نفری که آن موقع شب در آن محل جمع بودیم و شاید تعدادمان از چهار یا پنج نفر تجاوز نمی کرد باطاق ایشان رفتیم و پس از مطلع شدن از علت ورود سرهنگ نصیری ، آقای مقدم به پدرم تبریک گفت و بعد همه روی پدرم و سرهنگ نصیری را بوسیدیم و با اینکه ساعت قریب به ۱۲ شب بود ، بدستور پدرم همه باتفاق باطاق دیگری که صورت دفترکار ایشان را داشت رفتیم . در آنجا نیز آقای سرهنگ نصیری اوامر شفاهی اعلیحضرت همایونی را به پدرم ابلاغ کرد و متذکر شد که شاهنشاه تاکید فرموده اند سعی کنید هر چه زودتر بر اوضاع پریشان و در هم ریخته مملکت مسلط شوید و مخصوصا مراقبیت کنید بجان دکتر مصدق لطمه و آسیبی وارد نیاید . البته این سفارش و تاکید اعلیحضرت از آن نظر بود که در آن ایام دکتر مصدق

بهیچوجه از منزل خود خارج نمیشد و حتی از رفت و آمد در حیاط و محوطه منزلش خودداری میکرد و بارها اظهار داشته بود که جان من در مخاطره است .

بهر حال آنشب تقریباً تا سه ساعت بعد از نیمه شب به بحث و مذاکره درباره برنامه روز بعد پرداختیم . بعد بدستور پدرم من بوسیله تلفن بعد از ای از نزدیکان و آشنایان اطلاع دادم که ساعت ۷ صبح بباغ آقای مقدم یعنی محل اقامت ما بیایند .

### برای اجرای قوانین

از ساعت ۶ و نیم روز شنبه ۲۴ مردادماه تدریجاً کسانی که در آن ایام با ما همکاری و همفکری داشتند بباغ آقای مقدم وارد شدند تا آنجائی که بیاد دارم تیمسار سرتیپ کیلان‌شاه ( سرلشکر فعلی ) ، تیمسار سرلشکر باتمانقلیج ، سرهنگ فرزندگان ( سرتیپ فرزندگان فعلی و وزیر پست و تلگراف سابق ) تیمسار سرتیپ تقی زاده ، آقایان حائری زاده عبدالرحمن فرامرزی و عده‌ای از افسران بازنشسته و یکی دو نفر دیگر از نمایندگان مجلس شورای ایملی تا قبل از ساعت ۸ صبح در باغ آقای مقدم اجتماع کردند . البته آقایان پرویز یار افشار و سایر خویشاوندان نزدیک ما که در همه حال با ما بودند و زحمات فوق العاده‌ای متحمل گشتند و آقای مصطفی مقدم صاحب خانه نیز در آنجا حضور داشتند .

درست ساعت ۸ و ربع بود که پدرم طی چند کلمه ای صدور فرمان نخست وزیری خودش را بحاضرین اطلاع داد و همه اظهار خوشوقتی کردند و پدرم گفت آنچه در وهله اول بایستی انجام شود ابلاغ فرمان عزل دکتر مصدق است و منظور من از تشکیل این جلسه نخست اعلام فرمان شاهنشاه و بعد تعیین نحوه ابلاغ فرمان بدکتر مصدق میباشد و چون اوضاع و احوال فعلی نشان میدهد که احتمال دارد دکتر مصدق از اجرای فرمان سرپیچی کند ، بایستی رویه‌ای اتخاذ نمود که بدون فوت وقت و ایجاد آشوب و بلوا از طرف آنها ، فرامین شاهنشاه بمرحله اجرا در آید . مذاکرات این جلسه چندین ساعت بطول انجامید و من چون مرتباً با خارج و کسان خودمان در تماس بودم و مجبور بودم که از اطاق خارج شوم ، از آنچه در این جلسه گذشت اطلاع کاملی ندارم و همینقدر میدانم که نتیجه این مذاکرات آن شد که فرمان عزل مصدق مقارن ساعت ۱۱ و نیم شب ، بوسیله سرکار سرهنگ نصیری بخودش در منزل ابلاغ گردد . اتخاذ این تصمیم از آن لحاظ بود که معمولاً روزهای

شنبه جلسه هیئت دولت در منزل دکتر مصدق تشکیل ما گردید و چون تابستان و هوا گرم بود ، اعضای هیئت دولت تقریباً از ساعت ۸ بعد از ظهر ببعد در منزل مصدق اجتماع می کردند و مذاکرات و گفتگوی آنها لااقل دو سه ساعتی بطول میانجامید و منظور ما این بود که هنگام ختم جلسه هیئت دولت و زمانیکه تمام وزراء ۶ و مصدق در منزل او حضور دارند ، فرمان عزل بوی ابلاغ شود تا وزراء او هم که در برابر قانون و شاهنشاه مسئول می باشند از جریان امر مستحضر گردید .

### قرارگاه جدید

اینجا آقای اردشیر زاهدی چگونگی تغییر محل را که با اطلاع ما موران رسیده بود ذکر کرد . و شرح میدهد که تیمسار زاهدی به منزل کاشانیان انتقال یافت و در آنجا جلسه ای با مشاوران خود از جمله با تمانقلیچ ، کیلانشاه ، فرزنانگان ، مقدم ، یار افشار ، کی نژاد و عده دیگر تشکیل داد . جریان جلسه را آقای زاهدی اینطور شرح میدهد :

در این جلسه طولانی که مذاکرات آن قریب به پنج ساعت طول کشید شالوده کارهای حساس و اساسی و تسلط بر امور ضروری ریخته شد و چون طبق تصمیم جلسه صبح مقارن ساعت ۱۱ شب آقای سرهنگ نصیری که گویا در محل گارد سلطنتی و باغشاه بسر میبرد برای ابلاغ فرمان شاهنشاه بمنزل دکتر مصدق حرکت میکرد ، قرار شد نیم ساعت بعد تیمسار سرلشگر با تمانقلیچ که از طرف پدرم برای ریاست ستاد ارتش در نظر گرفته شده بود عازم ستاد و تحویل گرفتن امور این مرکز حساس شود و سرهنگ فرزنانگان نیز که در همین جلسه بکفالت وزارت پست و تلگراف منصوب شده بود با چند نفر از نظامیان حاضر در جلسه برای در دست گرفتن امور بیسیم پهلوی و فرستنده رادیو تهران به آن محل برود . آقایان رضا کی نژاد و صادق نراقی بملاقات سرتیپ دفتری که گفتگوار ریاست شهربانی او بود بروند و آقایان پرویز یار افشار و مهندس شاهرخ شاهی نیز مامور نخست وزیری شدند .

سرهنگ خواجه نوری و سرهنگ نوابی هم قرار شد تیپ زرهی مرکزی یعنی تنها پادگان مجهزی را که در تهران وجود داشت تحت نظر بگیرند . بسایرین نیز هر یک نفر را بفراخور حال و آشنائی بکارهائی که داشتند ماموریتی واگذار گردید و از طرف پدرم برای تمام آنها

در همان شب احکامی صادر شد . خلاصه پس از تعیین وظایف همه ، چنین تصمیم گرفته شد که برای ساعت ۱۲ یانیم بعداز نصف شب پدرم و تیمسار سرلشکر گیلان شاه‌ومن از منزل آقای کاشانیان بطرف باشگاه افسران که برای مقر نخست وزیری بطور موقت در نظر گرفته شده بود حرکت کنیم . انتخاب این محل از آن لحاظ بود که پدرم چندین سال در زمان اعلیحضرت فقید رئیس باشگاه افسران بود و باین مکان آشنائی کامل داشت و علاقه ای در خود نسبت به آن احساس میکرد ، ضمناً باشگاه افسران بستادارنش و شهربانی نزدیک بود و اقامت در آنجا وسیله‌ای برای تسلط بر امور انتظامی بنظر میرسید .

#### نصیری حرکت کرد

ساعت ، به یازده شب نزدیک می شد و همه مادر فکر سرهنگ نصیری بودیم و از طرفی از محل او هم اطلاعی نداشتیم .

قرار قبلی ما این بود که هنگام حرکت برای انجام ماموریت خود ، بوسیله یکی از رابطین که از محل اجتماع ما مطلع بود جریان راتلفنی اطلاع دهد . همه در همان اطاق بزرگ طبقه اول منزل آقای کاشانیان جمع بودیم و چشم به تلفنی دوخته بودیم که در گوشه اطاق روی میز قرار داشت . پدرم با سرتیپ گیلان‌شاه صحبت میکرد و همه لحظه به لحظه بساعت‌های خود نگاه می‌کردند . تقریباً سکوت ناراحت کننده‌ای حکمفرما بود . شاید سه یا چهار دقیقه از ساعت یازده گذشته بود که تلفن زنگ زد . پدرم که در کنار میز تلفن نشسته بود گوشی را برداشت و به آرامی چند کلمه‌ای آن هم بطور مبهم با طرف صحبت کرد و گوشی را بجای خود گذاشت و گفت : " نصیری حرکت کرد " بعد از این تلفن کوتاه و مختصر ، حال التهاب و ناراحتی خاصی بر همه ما عارض شد ، بطوریکه حتی حوصله سیگار کشیدن و چای خوردن هم نداشتیم ، تنها پدرم بود که خیلی آرام و خونسرد به نظر میرسید و سعی میکرد با یک یک ما صحبت کند و با خنده و شوخی روحیه ما را تقویت نماید . قریب نیمساعت بهمین منوال گذشت و طبق قراری که داشتیم سرلشکر با تمانقلیچ که لباس نظامی بر تن داشت برای حرکت بسمت ستاد ارتش آماده شد . پدرم در محوطه حیاط با ایشان و آقای مصطفی مقدم صحبت کرد و دستوراتی داد .

چند دقیقه بعد اتومبیل حامل آنها در حالیکه آقای مقدم پشت‌رل نشسته بود و سرلشکر

باتمانقلیچ کنار دست از قرار داشت از جاده پهلوی بطرف شهر سرازیر شد. قرار بود بعد از این دو نفر، آقای سرهنگ فرزنانگان برای انجام ماموریتی که قبلا به آن اشاره شد حرکت کند ولی پدرم گفت :

در این مورد عجله نداریم، چه ممکن است عمل ما را تعبیر به کودتا کنند و حال آنکه ما چنین قصدی نداریم و منظور ما اینست که اگر دکتر مصدق از اجرای فرمان اعلیحضرت سرپیچی کرد، برای تسلیم او اقدامات شدیدتری مجری گردد و بهتر است شما با ما بشهر یعنی باشگاه افسران بیائید و بعد بکار خود مشغول شوید " بهمین جهت ماموریت آقایان یارافشار و شاهرخشاهی و سرهنگ خواجه نوری و سرهنگ نوایی هم تقریبا منتفی گردید، ولی قرار شد که این عده برای اطلاع یافتن از عکس العملی که مامورین انتظامی مصدق نشان خواهند داد بشهر بروند و بهمین ترتیب نیز عمل شد و تقریبا ساعت ۱۲ شب این چهار نفر رهسپار شهر شدند، بخصوص آقای یارافشار ماموریت داشت که اگر از منزل مصدق خبری بدست آورد ما را در جریان امر بگذارد.

### چرا برگشتم ؟

ساعت نیم بعد از نصف شب را نشان میداد و ماهنوز هیچ خبری از نتیجه کار دوستان خود مخصوصا سرهنگ نصیری نداشتیم و احساس نگرانی و نشویش خاطری در خود می کردیم. در این موقع پدرم که در حیاط قدم میزد باطاقی که ما در آن جمع بودیم آمد و گفت :

" بهتر است ما هم بشهر برویم، چون قاعدتا نصیری و باتمانقلیچ می بایستی تا بحال کار خودشان را انجام داده باشند. " سرتیپ گیلانشاه نظر پدرم را تأیید کرد و چهار نفر یعنی پدرم و سرتیپ گیلانشاه و سرهنگ فرزنانگان و من عازم شهر شدیم و چند نفر از دوستان که هنوز در آن محل بودند قرار شد منتظر خیر تلفنی باشند.

تیمسار گیلانشاه و راننده جلو نشستند، پدرم و فرزنانگان و من در عقب اتومبیل قرار گرفتیم و به سمت شهر حرکت کردیم. چون در آن موقع حکومت نظامی برقرار بود در جاده پهلوی آمد و شدی دیده نمیشد و خیابان بکلی خلوت بود. بهمین جهت اتومبیل ما به

سرعت بطرف شهر سرازیر شد . در بین راه هیچگونه گفتگویی بین ما چهار نفر صورت نگرفت و همه ساکت و آرام چشم بجلو دوخته و به طرف باشگاه افسران در حکت بودیم . قدری پائین تر از آبشار پهلوی ، نور چراغهای اتومبیلی که بسرعت از جاده پهلوی در جهت مخالف ما پیش می آمد نظر ما را جلب کرد . پدرم به راننده دستور داد از سرعت اتومبیل بکاهد . اتومبیلی که از روبرو می آمد وقتی به ما نزدیکتر شد ، خاطر م نیست سرتیپ گیلان شاه یا پدرم زودتر از سایرین آنرا شناختند و معلوم شد اتومبیل آقای مقدم است که سرلشکر باتمانقلیچ را بستاد برده بود . وقتی اتومبیل بسرعت از کنار ما گذشت ، ما کاملاً سرلشکر باتمانقلیچ و مقدم را دیدیم و شناختیم ولی آنها ابدامتوجه ما نشدند . همه متعجب شدیم . پدرم بی اختیار گفت :

" چه شد ؟ چرا برگشتند . . . ؟ حالا با این سرعت کجا میروند ؟ " سرتیپ گیلان شاه گفت :

" تصور میکنم موفق نشده باشند " . پدرم فوری به راننده دستور داد دور بزنند ما را به آنها برساند . اتومبیل ما با سرعت سرسام آوری بدنبال آنها براه افتاد و قدری بالاتر از سه راه ونک با علامت چراغ اتومبیل و نورافکن دستی به آنها آشنائی دادیم و اتومبیل مقدم کنار جاده متوقف شد و لحظه ای بعد ما هم در کنار آنها قرار گرفتیم . با اینکه هوا تاریک بود ، ولی در همان روشنائی مختصر شب ، آثاریاس و ناامیدی را درقیافه باتمانقلیچ و مقدم خواندیم . پدرم جریان را جویا شد ، باتمانقلیچ گفت :

" متأسفانه منظور ما حاصل نشد ، چون ستاد را قرای انتظامی مصدق محاصره کردند و وقتی ما بچهار راه وزارت جنگ رسیدیم ، سربازها اطراف عمارت ستاد حلقه زده بودند و تمام اطاقها روشن بود و سرتیپ ریاحی در اطاق رئیس ستاد مشغول کار بود و بطوریکه تحقیق کردم تقریباً برای من محرز شد ، سرهنگ نصیری هم دستگیر شده و هم اکنون در ستاد توقیف است " باتمانقلیچ این جملات را سریع ولی با صدائی ملایم اظهار داشت و در صورت پدرم خیره شد . فکر میکنم تجسم وضع ما در آن موقع زائد باشد . همینقدر میگویم که دهان همه ما بسته بود و مثل اینکه با چشم و حرکات آن بایکدیگر صحبت می کردیم

و هریک در قیافه دیگران خیره شده بودیم .

قرار شد سرتیپ گیلان‌شاه به شهر برود و تحقیقات بیشتری بکند که آیا واقعا اطلاعاتی که سرلشگر باتمانقلیچ و مقدم کسب کرده اند صحیح است یا خیر و اگر آنچه گفته میشد مقرون به حقیقت است زودتر مراجعت کنند و ضمنا به سایر دوستان و همکاران اطلاع دهد که در محل اقامت ما جمع شوند تا یک تصمیم کلی با مشورت و همفکری یکدیگر اتخاذ شود .

سرتیپ گیلان‌شاه بدون تأمل بطرف شهر حرکت کرد و تقریبا یکساعت بعد مراجعت نمود و آنچه را که سرلشگر باتمانقلیچ و آقای مقدم گفته بودند تأیید کرد و افزود که دکتر مصدق پس از دریافت فرمان از نصیری ، مدتی او را معطل نگاه میدارد و در این وقت با سرتیپ ریاحی که در منزلش بوده تلفنی تماس می‌گیرد و دستور می‌دهد که فوری بستاند برود و کادر انتظامی را وادار بمراقبت شدید نماید و به افراد گارد محافظ منزلش نیز دستور میدهد نصیری را توقیف نموده و درستاد تحویل ریاحی بدهد . با این اطلاعاتیکه گیلان‌شاه ظرف مدت کوتاهی کسب کرده بود برای ما محرز شد که دکتر مصدق حاضر به اطاعت فرمان شاهنشاه نیست و با اقدام امشب خود عملا کودتا کرده است و جان تمام مادر مخاطره می‌باشد . شاید نیمساعتی از ورود تیمسار گیلان‌شاه نگذشته بود که عده‌ای دیگر از نزدیکان و دوستان ما بمنزل سرهنگ فرزندگان وارد شدند

#### تصمیمات مهم

پدرم پشت میز کوچکی که وسط اطاق قرار داشت نشست و گفت :

" چون وقت کافی نداریم ، بهتر است برنامه کار خود را زودتر مطرح کنیم و تصمیم خود را بگیریم و قبل از روشن شدن هوا ، از این محل خارج شویم " عده‌ای نشسته و جمعی ایستاده شروع بصحبت کردند که من در اینجا از نقل مذاکرات صرفنظر میکنم و فقط بذکر تصمیمی که در این جلسه تاریخی گرفته شد میپردازم .

اولین تصمیمی که بنا به پیشنهاد پدرم باتیمسار گیلان‌شاه - چون درست بخاطرندارم از کدام یک بود - گرفته شد این بود که از فرمان نخست وزیری پدرم بمقدار زیادی عکس گرفته شود و برای تمام ادارت روزنامه‌ها و مجلات و موسسات دولتی فرستاده شود و این



وظیفه به من محول گردید . تصمیم دیگری که در این جلسه گرفته شد ، این بود که پدرم به اتفاق آقای مقدم بیباغ خانم مشیرالسلطنه فاطمی که در شمیران که از دوستان دیرین خانواده ما هستند و نقطه امنی بنظر میرسید بروند ، چون این باغ علاوه بر تلفن که وسیله ارتباطی باشهر و سایر نقاط بود ، از دو طرف بدو خیابان فرعی شمیران راه داشت . تیمسار گیلان شاه نیز قرار شد هدایت و رهبری دوستان ما را در شهر بعهده گیر دکه البته خود وظیفه مشکل و شاقی بود سرهنگ فرزندگان ما مورتماس با دستگاههای انتظامی شد و آقا یار افشار ، کی نژاد نراقی و ابوالقاسم زاهدی بسمت رابط بین پدرم و کسانی که ما موریتهای عهده دار شدند تعیین گردیدند .

#### مصاحبه با خبرنگاران

فردای آن روز از صبح زود ما منتظر خبر رادیو بودیم ، چون گوینده رادیو از آغاز برنامه صبح هر پنج دقیقه یکبار شنوندگان را دعوت میکرد که با علامیه مهم دولت در ساعت ۷ صبح توجه کنند . برای ما روشن بود که علامیه دولت دربار واقعه دیشب خواهد بود ، منتهی میخواستیم بدانیم جریان را چگونه عنوان می کنند . آیا اشاره ای بفرمان شاهنشاه و عدم اطاعت از آن خواهند کرد یا جرات اظهار چنین مطلبی را ندارند .

بالاخره ساعت ۷ فرا رسید و اعلامیه دولت در رادیو خوانده شد . ولی ابا اشاره ای بفرمان نکردند و جریان را بعنوان یک کودتای نظامی در رادیو عنوان نمودند و جز این هم انتظار دیگری از آنها نمیرفت . بدینجهت ما بلافاصله مشغول کار شدیم و برنامه خودمان را دنبال کردیم .

قرار بر این شد که شاهرخشاهی و ابوالقاسم زاهدی با مراجعه به یک عکاسخانه مورد اطمینان ، عکس فرمان را بتعداد لازم تهیه کنند . من عین فرمان را به مهندس شاهرخشاهی دادم و او مقارن ساعت هشت و نیم صبح باتفاق مهندس ابوالقاسم زاهدی برای انجام ما موریت خود از منزل خارج شدند و من منتظر نتیجه اقدامات آنها بودم . نزدیک ساعت ده بمن اطلاع دادند که عکسها برای پازده و نیم تا ظهر حاضر است .

جریان تهیه عکسها را از فرمان همایونی با اطلاع پدرم رساندم و بنا به پیشنهاد ایشان قرار شد با خبرنگاران جراید داخلی و مخبرین خارجی ترتیب مصاحبه ای داده شود

و حقیقت امر یعنی صدور فرمان خست وزیری بنام پدرم بوسیله آنها با اطلاع مردن ایران و کشورهای خارجی برسد . در اطراف این پیشنهاد مذاکره مختصری شد و چون در آن موقع دسترسی به تمام خبرنگاران داخلی نداشتیم و از یکطرف وضع آنها از لحاظ ارتباط با دار و دسته دکتر مصدق برای ما روشن نبود و از طرف دیگر حالت وحشت و ارعابی که یکه تازان آنروزها در دستگاه مطبوعات بوجود آورده بودند نشان میداد که بطور قطع از انتشار این مصاحبه در روزنامه‌ها جلوگیری خواهد کرد ، بدین جهت تصمیم گرفتیم فقط با مخبرین خارجی آنها در نقطه دور افتاده‌ای مصاحبه بشود . روی این نظر پدرم مطالبی را انشاء کرد و درست بخاطر ندارم آقای یارافشار یا تیمسار گیلانشاه یادداشت کردند و با اصطلاح متن مصاحبه خیلی کوتاه و مختصر تهیه شد .

پدرم میل داشت شخصا این مصاحبه را با خبرنگاران بعمل آورد ، ولی باز خروج ایشان را مصلحت ندانستیم . قرار شد نمایندگی از طرف پدرم با مخبرین خارجی مصاحبه کنم و فرمان اعلیحضرت همایونی را به آنها ارائه دهم و اگر در این جریان هم گرفتار شدم باز پدرم که سنگر اصلی و اداره کننده اقدامات ماست محفوظ خواهد بود .

برای مصاحبه تپه های " ولنجک " را که یک نقطه دور افتاده ایست و از بالای خیابان زعفرانیه شمیران بطرف مغرب و دامنه کوه میپیچد تعیین کردیم . قرار شد بمنظور تماس گرفتن با خبرنگاران خارجی ، من و آقای یارافشار بشهر بیاییم . پدرم هم با این نظر موافقت کردند .

ما عازم شهر شدیم و در بین راه مشورت می کردیم که بچه وسیله و از چه محلی با مخبرین خارجی تماس بگیریم ؟ چون میدانستم که غالباً در پارک هتل جمعند و بخصوص دفتر کار مخبرین آسوشیتدپرس که هنگام تحصیل در آمریکا با او همکلاس بودم آشنائی و اعتماد بیشتری داشتم . بنظرم رسید که از محل مطمئنی به پارک هتل تلفن کنیم و قرار مصاحبه را بگذاریم .

بهترین محل برای انجام این مذاکره تلفنی را در مطب دکتر سعید حکمت (نماینده فعلی مجلس شورای ملی ) که از دوستان صدیق و وفادار ما بود تشخیص دادم . بهمین جهت مستقیماً بمطب ایشان که الان درست بخاطر من نیست در خیابان فروردین یا یکی از خیابانهای مقابل دانشگاه قرار داشت ، رفتیم .

دکتر پس از اطلاع از جریان امر با خسروئی ذاتی خویش بانظر ما موافقت کرد و شخصا

نمره تلفن پارک هتل را گرفت . خوشبختانه خبرنگار آسوشیتدپرس در آنجا بود و من موفق شدم با او صحبت کنم . ابتدا بزبان انگلیسی خودم را معرفی کردم و گفتم درباره حوادث ۲۴ ساعت اخیر و علل آن میخواهم اطلاعات جالب و مهمی در اختیار شما بگذارم و اگر مایل باشید میتوانید بسایر همکاران خود اطلاع دهید و محلی را تعیین کنید که بایکدیگر ملاقات کنیم . خبرنگار مزبور با کمال اشتیاق پیشنهاد مرا پذیرفت و قرار ما این شد که او و سایر همکارانش برای نیم ساعت بعد از ظهر در چهارراه یوسف آباد منتظر فرستاده ما باشند . شماره و مشخصات اتومبیل آقای یارافشار را باو دادم و گفتم که این اتومبیل چند قدم بالاتر از ایستگاه اتوبوس چهارراه یوسف آباد منتظر شما خواهد بود تا بمحل اقامت من راهنماییتان کند .

تهیه های ولنچک را برای مصاحبه در نظر گرفتیم . بطوری که قبلا اشاره کردم من با خبرنگار آسوشیتدپرس آشنائی قبلی داشتم و در آنجا با دو نفر دیگری که یکی خبرنگار یونایتدپرس و دیگری مخبر خبرگزاری دیگری بود آشنا شدم . . نخست از اینکه دعوت ما را پذیرفته و به آن محل آمده بودند تشکر کردم و بعد متن مصاحبه پدرم را بزبان انگلیسی برای آنها ترجمه کردم و عکس فرمان شاهنشاه را در مورد انتصاب نخست وزیری پدرم به آنها ارائه دادم . الان عین عبارات مصاحبه بخاطرم نیست ولی مضمون آن این بوده که مملکت ما با سیستم حکومت مشروطه سلطنتی اداره میشود و مطابق قانون اساسی کشور و رژیم فعلی ما چون ما حق عزل و نصب نخست وزیران با شخص پادشاه است ، بخصوص که در حال حاضر پارلمان ما یعنی مجلسین سنا و شورایم ملی بدست دکتر مصدق عملا منحل شده و اعلیحضرت پادشاه ما باستناد قانون اساسی و استفاده از اختیارات قانونی خودشان فرمان عزل دکتر مصدق را از نخست وزیری و انتصاب پدرم سرلشکر فضل المزاهدی از تاریخ ابلاغ فرمان یعنی روز شنبه ۲۴ مردادماه سال ۱۳۲۲ نخست وزیر قانونی این کشور میباشد و آقای دکتر مصدق بعلت سرپیچی از فرمان شاهنشاه از تاریخ مذکور فاقد سمت و در برابر قانون با اعمالی که فعلا انجام می دهد متمرّد و یاغی است و روبه کنونی او را میتوان کودتا و قیام علیه قانون اساسی و رژیم مملکت دانست ، چون بنا بر فرمان مبارک همایونی ، نخست وزیر حقیقی پدرم میباشد و دلیل آن همین فرمانی است که عکس آن ارائه میشود . البته این مضمون مصاحبه آن روز بود و شاید با اصل یادداشتی که تهیه شده بود قدری مغایر باشد ، ولی مفاد و مضمون همین بود . خبرنگاران با ولع و اشتیاق فراوان چشم بدهان من دوخته

بودند و نکته جالب آنکه هر یک بتصور اینکه من توضیحات مفصلی خواهم داشت ماشین تحریری با خود همراه آورده و روی زمین نشسته بودند و آنچه من بزبان انگلیسی میگفتم با نهایت عجله ماشین میکردند . صحبت من که تمام شد طبق معمول خبرنگاران مراسموال پیچ کردند . اینجا کجاست ؟ پدر شما را میتوان ملاقات کرد ؟ فرمان چگونه به پدر شما ابلاغ شد ؟ چه نقشه‌ای برای آینده دارید ؟ و قس علیهذا . . . که واقعا در آن گیرودار مرا کلافه کرده بود بالاخره به آنها گفتم :

" آنچه در اینجا باطلاع آقایان رسید از طرف من نبود که حالا بتوانم به سئوالات شما جواب بدهم ، بلکه من واسطه گزارش این اخبار بودم و مصاحبه ایکه به نظر آقایان رسید از طرف سرلشگر زاهدی پدرم میباشد که بجهاتی از حضور در این محل خودداری کردند و بدینجهت خودم را صالح برای پاسخ دادن بسئوالات شما نمیدانم . "

### جلسه تاریخی

بدنبال این مصاحبه یک جلسه تاریخی در منزل آقای سیف افشار تشکیل شد مذاکرات این جلسه تاریخی شش ساعت تمام بطول انجامید و این اجتماع از نظر تصمیماتی که اتخاذ شد مهمترین جلسات ما در آن ایام بود و در عین حال نشانه‌ای از تصمیم و اراده پدرم و وفاداری و صمیمیت و همکاری به شائبه شرکت کنندگان در آن بود . در ابتدای جلسه مدت کوتاهی درباره وقایع و حوادث روز و میتینگ میدان بهارستان و فعالیت توده‌ایها صحبت شد و هرکس در این زمینه اطلاعی داشت بیان کرد و بعد پدرم رشته سخن را به دست گرفت و چنین گفت :

" فکر میکنم همه آقایان از وقایعی که از نیمه شب گذشته تا بحال رخ داده مسبوق باشند و درین فاصله کوتاه احتیاجی به بازگو کردن آنها نیست . شاید مشیت الهی هم همین بود که این حوادث پیش آید و ما ، در مرحله خطرناک‌تر و یا بعقیده من در بوته آزمایش قرار گیریم تا کسانیکه بسوگند خود وفا دار مانده‌اند و در اجرای فرمان شاهنشاه و خدمت بمملکت آماده فداکاری و جانبازی هستند مشخص کردند . آنچه مسلم است ماچند نفری

که الان در اینجا گرد آمده ایم و عده ای که در خارج با ما همکاری صمیمانه دارند بقسم خود پای بند بوده و حاضر برای ادای وظیفه در برابر شاه و مملکت هستند . از مجاهدت و فداکاری یک یک شما از شب گذشته تا بحال اطلاع دارم و الحق وظایفی را که بعهد داشتید با رشادت انجام داده اید .

دیشب پس از توقیف نصیری ، در منزل فرزنانگان که عده بیشتری جمع بودیم گفتم که تا آنجائیکه قدرت دارم پیش میروم و تا آخرین قطره خونم برای اجرای امر رئیس مملکت و نجات وطنم از این خیمه شب بازی ایستادگی خواهم کرد و اگر در این راه هم جان دادم ، لااقل نزد کسان و اعقابم سر بلند و مفتخر خواهم بود و الان احساس می کنم که شما میل دارید با نهایت جوانمردی در این راه با من همکاری کنید و در واقع فرقی میان روحیه و افکار من با شما چند نفر نیست . بنابراین ما نبایستی بنشینیم و یا تمام سعی ما این باشد که خود را از چنگال مامورین مصدق دور نگهداریم و سرنوشت مملکت را بدست قضا و قدر بسپاریم . باید با یک روحیه قوی و مصمم فکر کرد ، نقشه کشید و از خود گذشتگی نشان داد تا بمقصد نایل آمد و بتوان ادعا کرد که بفراخور حال خود خدمتی انجام داده ایم . من امروز که اعلامیه مصدق را از رادیو شنیدم ، و بعد از عربده کشی های ناطقین میتینگ بعد از ظهر میدان بهارستان اطلاع پیدا کردم بیشتر به آینده خود و نقشه ای که در پیش دارم امیدوار شدم . میدانید چرا ؟ برای اینکه این جماعت با تمام قدرت و تسلطی که بخیال خودشان بر تشکیلات مملکتی دارند ، شهادت این را نداشتند که بمردم بگویند ما از فرمان شاه سرپیچی کردیم . خلاصه تمام داد و فریاد آنها این بود که علیه ما کودتا شده و ما عاملین را دستگیر و چنین و چنان کردیم .

من از مصدق السلطنه هر کاری را انتظار داشتم بجز اینکه یک حقیقت مسلم و محرزی را که خواه نا خواه فاش خواهد شد بمردم طور دیگری جلوه دهد .

#### فعالیت در شهرستانها

در این یادداشتها آقای اردشیر زاهدی چگونه عزیمت خود را به اصفهان و ملاقات با معاون لشکر و همچنین عزیمت چند تن از نزدیکان سپهبد زاهدی را به ماوریت استانها به تفصیل شرح داده و سپس وقایع ۲۶ و ۲۷ مرداد را در تهران بیان کرده است . در زیر

وقایع روز ۲۸ مرداد را از زبان ایشان میشنویید :

### روزی طولانی

صبح روز ۲۸ مرداد ساعت ۵ یا ۵ و نیم صبح بود که من از منزل دکتری پیرنیا به طرف شهر حرکت کردم . شب گذشته خواب بچشم نیامده بود حقیقت امر اینکه نگران پدرم بودم . وقتی بمنزل آقای سیف افشار وارد شدم ، پدرم در اطاق ناهارخوری مشغول صرف صبحانه بودند ، تا چشمشان به من افتاد گفتند :

" اردشیر ، سحر خیز شده ای ! فکر نمی کردم باین زودی بیائی صبحانه خورده ای یا نه ؟ گفتم : " دیشب تمام فکرم متوجه شما بود و اصلا نتوانستم بخوابم و صبح وقتی که از منزل دکتر خارج شدم ، غیر از خود او تمام اهل منزل در خواب بودند . آمدم صبحانه را با هم بخوریم " قیافه پدرم خیلی خسته بنظر میرسید . معلوم بود که شب را خوابیده اند . در حالیکه فنجان چای را جلوی من می گذاشتند گفتند :

— دیشب بعد از آنکه تورفتی ، برای رفع تنهائی و سرگرمی (!) مدتی بوسیله تلفن با بعضی از دوستان برای اطلاع وضع مصدق السلطنه و همکارانش و اینکه چه نقشه و برنامه ای در پیش دارند تماس گرفتم . چون اعتقادم اینستکه ما نباید از کار آنها و وضعی که دارند و یا نقشه ای که طرح ریزی کرده اند بی اطلاع باشیم . دیشب تا موقعی که ما در این جمع بودیم وزرای مصدق هم در منزل او جلسه داشته اند و عده ای از همکاران مجلسی آنها هم در این جلسه حاضر بوده اند . آنچه شنیدم خود آنها خیلی نگران اوضاع هستند و تازه فهمیده اند که مسافرت اعلیحضرت بخارج از کشور شکست بزرگی برای آنها میباشد و دیشب تمام گفتگو و بحث آنها درباره همین امر بوده است . موضوع فرمان شاهنشاه هم کاملاً آفتابی شده و بعضی از وزراء مصدق که تا دیروز از صدور این فرمان بی اطلاع بودند از جریان مطلع شده و با توجه به مسئولیتی که در برابر شاه و مجلس دارند زرمه مخالفت هائی نسبت بوضع حاضر شروع کرده اند .

## سرکشی به وضع شهر

در همین اثناء سرتیپ گیلانشاه وارد شد پدرم آنچه را که بمن گفته بودند برای او نیز بازگو کردند گیلانشاه از مجالسی که شب گذشته در چند محل از نقاط مختلف شهر تشکیل شده و مذاکراتیکه علیه اوضاع حاضر صورت گرفته بود اطلاعاتی داشت که برای پدرم توضیح داد و اضافه کرد که با چند نفر از افسران بازنشسته نیز تماس گرفته و گویا عده‌ای از آنها قصد دارند امروز در شهر نظاهراتی نمایند ضمناً وضع شهربانی و افسران پلیس هم چندان بنفع حکومت مصدق نیست و جمعی از افسران شهربانی امروز اصلاً سر پستهای خود حاضر نخواهند شد در این میان آقای یار افشار از خارج بوسیله تلفن اطلاع داد که اگر اشکالی در بین نیست برای گزارش ما موریت خودش به ملاقات پدرم بیاید چون مخاطره‌ای نبود قرار شد یار افشار زودتر خودش را بما برساند چند دقیقه بعد آقای یار افشار جمع ما پیوست و گفت که در ظرف دیشب و صبح زود امروز توانسته است با آقایان حائری‌زاده عبدالرحمن فرامزی ، پورسرتیپ و گویا یکی دو نفر دیگر از آقایان نمایندگان غیر مستعفی آن زمان مجلس ملاقات و یا تلفنی مذاکره کند و آنها را از جریان امر بگذارد .

آقایان نراقی و کی‌نژاد و ابوالقاسم زاهدی هم هر یک مذاکره کند و آنها در جریان بنوبه خود در این مدت با عده‌ای تماس گرفته و مذاکره نموده اند و امروز جمعی از تجار و اصناف قصد دست کشیدن از کار و اجتماع در منزل حضرت آیت اله بهبهانی و کسب تکلیف از ایشانرا در قبال وضع کنونی دارند توضیحات آقای یار افشار مشروح بود و آنچه در اینجا ذکر شد خلاصه ای از آنست که هنوز بخاطر من مانده است .

صحبت یا رافشار که تمام شد پدرم گفتند : " از مجموع اطلاعاتی که صبح تا بحال بدست آمده معلوم میشود که امروز وضع شهر صورت دیگری خواهد داشت و شاید اصولاً وضع ما و نقشه ایکه در پیش داریم تغییر کند ، بدینجهت من تصمیم دارم خودم تا یک ساعت دیگر در شهر گردش بکنم و بعد بلافاصله دور هم جمع میشویم تا اگر تغییری در برنامه کار ما لازم باشد با اطلاع و نظر یکدیگر انجام دهیم . " آنگاه به گیلانشاه و یار افشار گفتند :

" شما هم در شهر چرخ بزنید و زودتر با سایر دوستان تماس بگیرید . " ۱۰۸۰ ، ۱۰۸۱

بگوئید من و اردشیر برای یکساعت تا یکساعت و نیم دیگر در منزل تقی سهرابی هستیم تا مذاکره کنیم " سرتیپ گیلان شاه و یارانش با ما مذاکراتی کردند و رفتند و پدرم یک پیراهن فرمی کرم رنگ نظیر پیراهنی که افسران در تابستان میپوشند منتهی بدون درجه و کراوات و یقه باز و یک شلوار تابستانی افسری پوشید و آستینها را بالا زد و عینک دودی بزرگی بچشم گذاشت و آماده خروج از منزل شد پرسیدم : " لباس شما همین خواهد بود . ؟ " پدرم گفتند : مگه چه عیب دارد ؟ " گفتم : هیچ فقط ده پانزده سال جوانتر شده اید اجازه بدهید منم بهمین صورت دربیایم " گفتند آشکالی ندارد منم کتم را کندم و کراواتم را باز کردم و آستینها را بالا زدم و براه افتادیم .

#### حرکت دستجات در جنوب شهر

آقای تقی سهرابی را که از اقوام و نزدیکان ما میباشند قبلا معرفی کرده ام . ما با همان اتومبیلی که من صبح از حصارک با آن بشهر آمده بودم بطرف منزل آقای سهرابی براه افتادیم من پشت رل بودم و پدرم پهلوئی دست من نشسته بودند برای رسیدن بمنزل آقای سهرابی از چند خیابان گذشتیم ولی چیزی که حاکی از تغییر وضع باشند ندیدیم ، فقط بیشتر مغازه ها بسته و یا نیمه باز بود .

وقتی وارد منزل آقای سهرابی شدیم پدرم از ورود بعمارت و سالن پذیرائی خودداری کرد و بطرف گاراژ منزل ایشان رفت سهرابی که یارانش قبل از ورود ما را به او اطلاع داده بود بسرعت خودش را به پدرم رساند که ایشان را باناق پذیرائی ببرد اما پدرم گفت :

" حالا وقت پذیرائی نیست و از طرفی آمدن ما به آن طرف حیاط جز جلب نظر همسایگان و نوکر و کلفت اثر دیگری ندارد ما در همین گاراژ هستیم و اصلا زودتر با اتومبیل شما میخواهیم برای گردش بشهر برویم ، اینرا هم ناگفته نگذاریم که گاراژ منزل آقای سهرابی محوطه نسبتا وسیع و تمیزی است که صورت یک حیاط سرپوشیده و محفوظ را دارد پدرم افزود " چون اردشیر با اتومبیلی که فعلا در اختیار دارد خیلی در شهر رفت و آمد کرده و ممکن است اتومبیل او را شناخته باشند خواستم با اتومبیل شما در شهر بگردیم . "

اتومبیل آقای سهرابی یک " بیوک " دو رنگ بود و زیبایی خاصی داشت و بطور



قطع در آنروزها بعید بنظر می‌آمد که چنین اتومبیلی در اختیار ما باشد قبل از آنکه با اتومبیل ایشان حرکت کنیم پدرم به آقای سهرابی گفت: "سایر رفا برای یکساعت دیگر اینجا جمع خواهند شد اگر ما قدری تاخیر کردیم، بگوئید باشند که حتما همدیگر ببینیم" در همین لحظه برادر شاهرخشاهی خودش را بتاخت بما رسانید و اطلاع داد که عده‌ای از جنوب شهر و بازار بطور دسته جمعی بطرف منزل دکتر مصدق براه افتاده اند و علیه او و بنفع تمام سلطنت شعارهایی میدهند و لحظه به لحظه بر تعداد آنها افزوده میشود من و پدرم با اتومبیل سهرابی بلافاصله بطرف بازار حرکت کردیم و در خیابان ناصر خسرو قدری پائین تر از وزارت دارائی باین دسته برخوردیم جمعیتی بود در حدود سیصد یا چهارصد نفر که نشان میداد از کسبه و اصناف بازار و طبقه غیر کارمند دولت میباشند یکی دونفر سخنران ورزیده در میان آنها بود که با حرارت فوق‌العاده‌ای نطق میکردند و مردم را علیه اقدامات عمال مصدق تهییج می‌کردند و مرتباً شعارهایی بر ضد بیگانگان و بطرف داری از مقام سلطنت داده میشد.

ما فوری خود را بشمال شهر و خیابانهای شاهرضا و تخت جمشید رساندیم در این قسمت شهر دسته‌متشکل و مجتمعی دیده نمیشد ولی تمام مغازه‌ها بسته بود و مردم دسته‌دسته بطرف خیابانهای مرکزی شهر و محل عبور و مرور دستجات در حرکت بودند. در خیابان تخت جمشید پدرم گفت بطرف منزل مصدق برویم و تمام ماورین در آنجا جمعند گفتم آنجا خالی از خطر نیست پدرم که گوئی روحیه و نیروی دیگری پیدا کرده بود گفت: "از خطر و وحشت دیگر گذشته و من الان هیچ احساس ناراحتی نمیکنم و میل دارم قوایی را که اطراف منزل مصدق جمع است ببینم".

از خیابانهای پهلوی مستقیماً پائین آمدیم در سه راه شاه و دهانه خیابان کاخ قریب یک گروهان سرباز مسلح صف آرائی کرده بودند در چهار راه حشمت الدوله سر درسنگی نیز عده زیادی سرباز و چند تا تانک مقابل کلانتری یک ایستاده بود پدرم اصراری داشت که از مقابل دانشکده افسری وارد خیابان کاخ شویم و بطرف بالا برویم، ولی من که عبور از این محل را صد مخاطره‌انگیز میدانستم بهر کیفیتی بود ایشان را از این فکر منصرف کردم بخصوص که در دهانه خیابان کاخ، مقابل در دانشکده افسری دو تانک سنگین ایستاده و عبور و مرور از این ناحیه را قطع کرده بود.

شاید چند دقیقه‌ای بساعت یازده مانده بود که بمنزل آقای تقی سهرابی مراجعت

کردیم .

وقتی وارد منزل شدیم همه دوستان و همکاران آن زمان ما در آنجا جمع بودند و انتظار ما را داشتند بحیاط منزل که وارد شدیم پدرم مجددا بطرف کاراژ رفت و به آقای سهرابی گفت : " اسباب زحمت اهل منزل نشوید و چند کلمه‌ای باهم صحبت داریم والا رفع زحمت خواهیم کرد .

### نقشه رهبری قیام کنندگان

نوری چند صدلی آوردند و در همان محوطه کاراژ گذاشتند پدرم و چند نفر نشستند و عده ای هم سرپا ایستادند پدرم گفت :

بنظر من نقشه و برنامه کار ما از این به بعد تغییر خواهد کرد با وضعی که پیش آمده موضوع مسافرت بکرمانشاه منتفی است و در حال حاضر وظیفه ما راهنمایی و هدایت و حمایت قیام کنندگان است الان دستجات مختلفی در گوشه و کنار شهر برآه افتاده اند و هر دقیقه‌ای که بگذرد بر تعداد این دستجات افزوده خواهد شد . ولی آنطوریکه من ضمن گردش مختصر خود در شهر دیدم هیچیک نقشه و برنامه و راهنمایی ندارند ما بایستی این قدرت و نیروی ملی را رهبری و هدایت کنیم وحشت از دستگیری و توقیف برای هیچیک از ما حتی خود من دیگر موردی ندارد در وضع حاضر عمال و مامورین مصدق بیش از همه وحشت زده هستند تا امروز آنها در تعقیب ما بودند ولی از این ساعت آنها از ما خواهند گریخت و در صدد مخفی شدن بر خواهند آمد بنابراین ما میتوانیم آزادانه در این اجتماعات شرکت کنیم و قیام مردم را برای رسیدن به هدف و مقصود رهبری نمائیم من یقین دارم که تا چند دقیقه دیگر مامورین نظامی مصدق السلطنه این مردم بی اسلحه و بی پناه را بگوله خواهند بست اولین نقش رهبری ما بایستی این باشد که حتی الامکان از کشت و کشتار مردم جلوگیری کنیم و در عین حال آنها را تشویق و تهییج نمائیم تا دلسرد و مایوس نشوند و نهضت خود را دنبال کنند .

سه هدف اصلی

چون چند دقیقه ای از ظهر گذشته بود و قرار ملاقات با سایر دوستان داشتیم ، به طرف منزل آقای نراقی براه افتادیم . از نیمساعت بعد از ظهر دوستان ما که در گوشه و کنار شهر پراکنده بودند تدریجا در منزل آقای نراقی جمع شدند و هر یک درباره اقدامات خود و وضع شهر و نتیجه تظاهرات قیام کنندگان توضیحاتی دادند و معلوم شد تا آن ساعت جمعیتی که از جنوب شهر و سمت بازار بطرف میدان بهارستان در حرکت بوده اند در خیابان اکباتان و میدان بهارستان محل اداره روزنامه باختر امروز و شورش راکه ارگان رسمی دولت مصدق بود ویران کرده و آتش زده اند و قصد دارند بسایر محله های نظیر آن حمله کنند . دستجات دیگر نیز فعلا بتظاهر و ابراز مخالفت با حکومت وقت در خیابانها مشغول گردش میباشند و عده ای میخواهند با ادارات دولتی و وزارت خانه ها حمله نمایند . توضیحات دوستان ما درباره تظاهرات مختلف مفصل بود که اولاتمام آنرا الان بخاطر ندارم ، ثانيا ذکر تفصیل آن در اینجا بنظر من زائد میباشد چون غالب خوانندگان بیاد دارند . آخرین نفری که بجمع ما پیوست مهندس ابوالقاسم زاهدی بود که از حوالی خانه دکتر مصدق آمده بود . وی اظهار داشت در آنجا مواجهه مردم با مامورین انتظامی صورت و خیمی به خود گرفته چون مامورین محافظ منزل مصدق هرگونه تظاهری را از طرف مردم با گلوله جواب می دهند و بهمین جهت تا بحال عده ای کشته شده اند .

توضیحات همکاران ما که تمام شد ، پدرم در حالیکه سرپا ایستاده بود و همه دور او حلقه زده بودند گفت : " ما بایستی سعی کنیم از پراکندگی قیام کنندگان و اجتماعات آنها در نقاط مختلف شهر جلوگیری کنیم . تصرف ادارات دولتی و وزارت خانه ها بنظر من چندان ضرورت و نتیجه ای ندارد بنظر من ما بایستی سه محل را هدف قرار دهیم و سعی کنیم هر چه زودتر بتصرف ما در آوریم :

اول ایستگاه فرستنده رادیو . بعد اداره شهرداری کل و سپس ستاد ارتش اگر این سه نقطه تا بعد از ظهر امروز تصرف شود پیروزی ما قطعی است و حاجتی به تصرف سایر نقاط نداریم و تکلیف خانه مصدق را خود مردم روشن خواهند کرد ، منتهی نهایت سعی و کوشش بایستی بعمل آید که در آنجا از کشت و کشتار جلوگیری شود .

ولی این گفته ها را هم لازم میدانم تذکر دهم که این سه محل بایستی لااقل تا عصر امروز یعنی قبل از تاریک شدن هوا بتصرف ما درآید . مجددا تصریح میکنم که اگر شب شود و ما تا اوایل شب نتوانیم این سه محل را در اختیار خود بگیریم و مردم بخانه های خود برگردند ، یقین بدانید که عمال مصدق و مامورین نظامی او امشب مردم را تا صبح بگوله خواهند بست و عده زیادی را خواهند کشت ، بدینجهت بایستی ما هرچه سعی و کوشش و فعالیت داریم تا عصر امروز بکار ببریم و این سه محل را تصرف کنیم . منم در همین حوالی محلی برای خودم انتخاب خواهم کرد تا قبل از هر جا بایستگاه رادیو برسم . "

اظهارات پدرم را همه تأیید کردند و درباره اقامتگاه ایشان پس از مختصر مشورتی قرار شد در اوایل جاده شمیران که نزدیکترین محل بایستگاه رادیو تهران میباشد محلی برای ایشان در نظر بگیریم و پس از تبادل نظریکه بعمل آمد از یکی عمارتهائی که جنب رستوران " لوکولوس " ( شهرزاد ) قرار دارد در نظر گرفته شد .

من به اتفاق پدرم و تیمسار گیلانشاه با اتومبیل آقای یارافشار بعمارت پشت رستوران لوکولوس رفتیم . در آنجا پدرم دستوراتی بمن و گیلانشاه داد و تاکید کرد ارتباط خودمان را با ایشان قطع نکنیم و قرار شد من به حوالی منزل دکتر مصدق و گیلانشاه بطرف عمارت شهربانی برویم .

#### سوی فرستنده رادیو

ساعت نزدیک بیک یا یک و نیم بعد از ظهر بود که من و گیلانشاه از پدرم جدا شدیم تا برای انجام ماموریت خود حرکت کنیم . وقتی به خیابان شاهرضا حوالی دروازه دولت رسیدیم ، اولین دسته قیام کنندگان را که جمعیت کثیری را تشکیل میدادند بطرف بیسیم و ایستگاه رادیو در حرکت دیدیم . من مقابل پمپ بنزین دروازه دولت از سرتیپ گیلانشاه خداحافظی کردم و بطرف مقصد خودم که خیابان کاخ و منزل مصدق بود رهسپار شدم . وضع شهر بکلی منقلب بنظر میرسید . مردم لحظه ای آرام و قرار نداشتند . گاه و بیگاه از گوشه و کنار صدای شلیک تیر و انفجار نارنجک نیز شنیده میشد و در بعضی نقاط زد و خورد هائی در میگرفت .

مامورین نظامی مصدق بکلی مرعوب شده بودند و برتری و تسلط قیام کنندگان بر آنها

کاملاً نمایان بود . وقتی بسه راه شاه رسیدم با صحنه عجیبی روبرو شدم قیام کنندگان که در میان آنها از هر طبقه و دسته‌ای دیده میشد با سرسختی بی نظیری دست خالی و بدون سلاح بطرف ما مورین هجوم میبردند و محافظین خیابان کاخ و مصدق نیز بتدریج با کلوله و حتی شلیک توپ تانک آنها از پای در میاورند . در ابتدای خیابان حشمت الدوله وانتهای خیابان کاخ نیز نظیر همین صحنه های فجیع بچشم میخورد . در اینجا بایستی اذعان کنم که از تشریح کامل اوضاع آنروز و بیان جانبازی و فداکاری مردم عاجزم و اگر بخواهم به شرح جزئیات و تمام مشاهدات خود بپردازم محتاج مجال و فرصت بیشتری هستم و توضیح کامل وقایع آنروز شاید خود کتابی بشود و از طرفی اکثر خوانندگان محترم از آن مستحضر میباشند و از طرف دیگر خود من ناظر بر تمام صحنه‌های آن نبودم و قطعاً اطلاعاتم در این زمینه محدود است و قادر بادای حق مطلب نیستم .

بنابراین اجازه میخواهم فقط بذکر اقدامات خود مان و دنبال کردن مطالبی که پیش از این پیش کشیده ام بپردازم .

باری ، من ساعت سه بعد از ظهر بود که از حوالی منزل مصدق و سه راه شاه به محل اقامت پدرم بازگشتم . عده‌ای از دوستان که ما موریت خود را انجام داده بودند در آنجا جمع بودند و گفتگو از این بود که برنامه رادیو از ظهر ببعد قطع شده است و جمعیتی که در مقابل ایستگاه فرستنده رادیو گرد آمده بحدیست که عبور و مرور از جاده شمیران بکلی قطع شده است و اگر الان بطرف مرکز فرستنده بیسیم حرکت کنیم تصرف آنجا قطعی است . همه ما دستخوش هیجان و انقلاب روحی عجیبی شده بودیم و یقین داشتیم که اگر پدرم بمیان جمعیت برود و آنها نخست وزیر منتخب پادشاه را در میان خود ببینند وسیله‌ای برای پیشرفت کارمان خواهد بود بدینجهت بطور دسته جمعی از اقامتگاه پدرم خارج شدیم و در حالیکه همه اطراف او را گرفته بودیم و شعارهایی داده میشد و آواز جاده شمیران شدیم . در این موقع یک تانک که راننده آن گروهبانی بود از خیابان تخت جمشید وارد خیابان شمیران شد و بمقابل ما که رسید راننده و سرباز ما مور تیراندازی مسلسل آن از تانک خارج شدند و در حالیکه فریاد زنده باد شهنشاه مرگ بر دشمنان وطن میکشیدند بطرف ما آمدند و گفتند ما در اختیار شما هستیم . جای درنگ نبود . پدرم بداخل تانک یعنی جایگاه مخصوص فرمانده آن که دریچه‌ای بخارج دارد رفت و راننده آن پشت فرمان قرار گرفت و خود من بروی بدنه آن سوار شدم عده‌ای هم اطراف ما قرار گرفتند و بدین ترتیب بطرف

اداره بیسیم حرکت کردیم . هنوز چند قدمی بجلونرفته بودیم که جمعیت انبوهی بدنبال تانک حامل پدرم بحرکت درآمدند و حتی عده‌ای از جوانان پرشور و وطن پرست سوار این تانک شدند و مرتبا بطرفداری از مقام سلطنت و نخست وزیر قانونی خود شعارهایی میدادند . قریب صد متری که از تشرت آباد گذشتیم یک اتومبیل بیوک آبی رنگ در مقابل ما نمایان گشت . وقتی که جلو آمد معلوم شد که متعلق به آقای سید محمد علی شوشتری نماینده وقت مجلس شورای ملی میباشد نمودنم خود اتومبیل ایستاد و یا عده‌ای جلوی او را گرفتند بهر حال اتومبیل در کنار تانک توقف کرد و پدرم از تانک خارج شد و در حالیکه آقایان سرتیپ گیلانشاه و یارافشار اطراف او را گرفته بودند سوار اتومبیل آقاری شوشتری شد . من پهلوی دست راننده نشستم و سرهنگ خلعتبری افسر شهربانی ( سرتیپ فعلی ) نیز همراه ما بود و بلافاصله بطرف فرستنده رادیو حرکت کردیم .

#### در پشت نرده‌های ایستگاه رادیو تهران

هنوز سه چهار کیلومتر به ایستگاه فرستنده رادیو تهران مانده بود که انبوه جمعیت در جاده شمیران مانع حرکت اتومبیل ما شدند . من که بکلی کنترل و اختیار اعصاب خودم را از دست داده بودم و میدیدم که جای درنگ و تامل نیست . بلافاصله اسلحه کمری سرهنگ خلعتبری را از او گرفتم و از اتومبیل پیاده شدم و در حالیکه اسلحه برهنه در دست داشتم بطرف جمعیت روی بردم تا راهی برای عبور اتومبیل باز کنم . تشریح حال و وضع من در آن لحظه شاید مشکل و از طرفی زائد باشد ولی همینقدر می توانم بگویم که در آن موقع بکلی از خود بیخود شده بودم و آنچه الان بیاد دارم اینست که مرتبا فریاد میزدم ؛ " مردم راه بدهید سرلشگر زاهدی نخست وزیر قانونی و نماینده شاه میاید . راه را باز کنید و اجازه بدهید بایستگاه رادیو برود تا با ملت صحبت کند " داد و فریاد من توجه مردم را جلب کرد و فوری راه باریکی مقابل اتومبیل باز شد و اتومبیل حامل پدرم در حالیکه اسلحه بدست پیاده جلوی او میدویدم و مرتبا فریاد میکشیدم بحرکت درآمد . این منظره احساسات مردم را کاملا تحریک کرده بود . چون از هر طرف شعارهای زنده باد شاهنشاه و پیروز باد سرلشگر زاهدی جاده شمیران را بلرزه درآورده بود و همه با قدم دو بدنبال اتومبیل پدرم بطرف استودیو رادیو تهران هجوم می آوردند . ما قریب دوسه کیلومتر را بهمین طریق طی کردیم تا بمقابل در بزرگ آهنی فرستنده رادیو تهران رسیدیم . از داخل محوطه و پشت نرده‌های آهنی

عده‌ای سرباز و پیاده صف‌آرایی کرده بودند از ورود مردم بداخل ایستگاه جلوگیری میکردند و تا آن لحظه چند نفری را زخمی کرده بودند. در مقابل در ورودی ایستگاه همانطور فریاد زنان خود را بکنار نرده‌های آهنی رساندم و فریاد زدم: "در را باز کنید. کنار بروید، سرلشکر زاهدی نماینده شاه و نخست‌وزیر میخواهد وارد شود، در همین موقع پدرم از اتومبیل پیاده شد و در حالیکه گیلان‌شاه و سرهنگ خلعتبری و عده‌ای دیگر در دو طرف او قرار گرفته بودند بطرف در محوطه ایستگاه پیشرفت ناگهان یکی دو افسر که تصور میکنم درجه آنها ستوان دوم یا ستوان یکم بود و فرماندهی عده‌ای از سربازان محافظ بیسیم را بعهده داشتند از داخل محوطه ایستگاه فریاد زدند: "زنده باد شاهنشاه، زنده باد سرلشکر زاهدی" و بلافاصله بطرف در ورودی دویدند و سربازان را بکنار زدند و در را بروی بروی ما گشودند. ولی این نکته را بایستی تذکر بدهم که عده‌ای از جمعیت و قیام کنندگان از نرده‌های آهنی بالا رفته و خود را بیشت در ورودی فرستنده بیسیم رسانده بودند و اگر آن دو افسر این عمل را نمیکردند خود مردم در را بروی ما میگشودند بهر حال در ایستگاه فرستنده رادیو تهران باز شد و من بعجله و پدرم و سایر همراهان بدنبال من وسیل جمعیت در عقب سر آنها وارد محوطه ایستگاه شدیم. در همین موقع عده‌ای از کارکنان رادیو و مهندسين آن از ترس و وحشت عمارت رادیو تهران را ترک کرده بودند و یکنفر از مامورین فنی رادیو تهران نیز که نام او را نمیرم قبل از خروج از رادیو بدستور عمال مصدق دستگاه فرستنده را از کار انداخته بود.

#### برای تصرف شهربانی

وقتی ما وارد عمارت فرستنده رادیو شدیم، از کارمندان و کارکنان رادیو کسی دیده نمیشد. کنترل جمعیت و ممانعت از ورود آنها بداخل عمارت برای ما مشکل بود، یعنی اصولاً توجیهی باین امر نداشتیم، چون تمام حواس من و سایر همراهان متوجه پدرم بود که در آن میان صدمه‌ای نبیند در یک چشم برهم زدن تمام عمارت ایستگاه رادیو تهران و اطاقها و کریدورهای آن مملو از جمعیت شده بود. مدتی طول کشید تا از طبقه اول عمارت بطبقه دوم رفتیم.

وقتی ما براهنمائی چند نفر از مامورین باستودیوی رادیو رسیدیم در آن بسته بود، نمی‌دانم بچه وسیله‌ای در آنرا باز کردند و پدرم و گیلان‌شاه و من و چند نفر دیگر داخل

آن شدیم . استودیو و اطاق مجاور آن که دستگاه‌های تنظیم کننده صدا در آن قرار داشت گنجایش زیادی نداشت ، مع الوصف در این اطاق عده زیادی اجتماع کرده بودند و چند نفری که اطلاعات فنی داشتند برای بکار انداختن دستگاه فرستنده تلاش میکردند . شاید بیش از ربع ساعت یا بیست دقیقه طول نکشید که دستگاه فرستنده بکار افتاد و پدرم اولین نطق رادیویی خود را خطاب به ملت ایران ایراد نمود که عین آن در روزنامه‌های همان موقع چاپ شده است . پدرم طی این نطق کوتاه و مختصر ، فرمان شاهنشاه و نخست‌وزیری خودش را اعلام نمود و مردم را به اتحاد و اتفاق و همکاری با خود شور و عایت نظم و آرامش دعوت کرد و مخصوصاً "بمردم ولایت متذکر شد که از هر حیث حفظ نظم و امنیت را بکنند . بعد از پدرم چند نفر دیگر نیز درباره سقوط حکومت مصدق و غیرقانونی بودن اعمال او و بدست گرفتن امور کشور بفرمان شاهنشاه از طرف پدرم مطالبی اظهار داشتند و پس از پایان سخنرانیها قرار شد بقصد تصرف اداره شهربانی کل کشور بطرف شهر حرکت کردیم . پدرم و سایر همراهان از اطاق فرستنده خارج شدیم ، ولی ازدحام مردم در عمارت رادیو بقدری بود که مدتی طول کشید تا توانستیم خود را بجاده شمیران برسانیم . اتومبیلها همه در دو سه کیلومتری پائین عمارت بیسیم متوقف کرده بودند و اجتماع مردم مانع از جلو آمدن آنها بود و چون طی این مسافت بدون وسیله نقلیه سریع موجب اتلاف وقت بود ، قرار شد با یکی از تانکهاییکه در اطراف اداره بیسیم متوقف بود بطرف شهر حرکت کنیم ولی در همین هنگام اتومبیل (احتشام الدوله) از طرف شمیران بمقابل اداره رادیو رسید و پدرم و گیلانشاه و من و یکی دونفر دیگر را سوار کرد و عازم شهر شدیم .

جاده شمیران و خیابانهای شهر بعلت ازدحام فوق العاده مردم بکندی طی شد . ما پس از گذشتن از خیابان شاهرضا و میدان فردوسی که مملو از جمعیت بود ، وارد خیابان فردوسی گشتیم و از میان انبوه جمعیت بهر طریقی بود گذشتیم و خود را بخوابان شیت رساندیم ولی اتومبیل ما تا اول باغ ملی یعنی ، خیابان شمالی وزارت خارجه نتوانست جلوتر بیاید ، چون اجتماع مردم مقابل اداره شهربانی و خیابان باغ ملی بحدی بود که عبور اتومبیل بهیچوجه ممکن نمیشد . ناچار پدرم و گیلانشاه و من از اتومبیل پیاده شدیم و بطرف عمارت شهربانی براه افتادیم .

#### تصرف ستاد

من سمت راست پدرم و سرتیپ گیلانشاه سمت چپ ایشان حرکت میکردیم . وقتی



جمعیت متوجه ورود ما شد. سکوت عجیبی تمام آن منطقه را فراگرفت همه چشمها بامادوخته شده بود. نمیدانم ورود غیرمنتظره ما آنها را دچار حیرت کرده بود. یا عامل دیگری باعث این آرامش و سکون گشته بود. بهر حال هرچه بود سکوت وحشت آور و هولناکی بود، من جدا روحیه خود را باخته بودم، چون اگر کوچکترین تهاجمی از طرف مردم نسبت ب ما میشد، کارمان تمام بود، راه گریز از همه طرف برویمان بسته شده بود. چند قدمی که جلو رفتیم من از شدت ناراحتی و اضطراب بازوی پدرم را گرفتم. بی اختیار گفتم: " صبر کنید. وضع خطرناک است. ممکن است ما را دستگیر و نابود کنند." ولی ناگهان پدرم چنان فریادی کشید و بازوی خود را از دست من خارج کرد که در تمام عمرم چنین حالتی از ایشان ندیده بودم. با تغییر من گفتند: " ساکت باش اردشیر، همراه من بیا، بی جهت وسوسه و ترس به خود راه نده تو که اینقدر بزدل نبودی،" ناچار همراه ایشان براه افتادم گیلان شاه آهسته گفت: " از این حرفها گذشته، بایستی کاملا مراقب بود." ما در میان همان سکوت رعب آوری که حتی صدای پایمان شنیده میشد بطرف عمارت شهربانی پیش میرفتیم و مردم بی اختیار برای ما کوچه باز میکردند. وقتی به مقابل پله های عمارت شهربانی رسیدیم، عده زیادی پاسبان بالای پله ها و ایوان سنگی عمارت شهربانی در حالیکه تمام آنها لوله های بیست تیرهای خودکار خود را به طرف ما گرفته بودند دیده میشدند. در آنجا وحشت و اضطراب من چند برابر شد، یعنی مرگ را کاملا بچشم میدیدم، چون یقین داشتم یک تظاهر کوچک علیه ما و یا یک فرمان فلان افسر پلیس سبب خواهد شد گلوله های این سلاحها بدن ما را مشبک کند ولی پدرم با یک روحیه قوی و مصمم ماند کسی که در میان سبزه و گل قدم برمیدارد پیش میرفت و خواه ناخواه بدنبال او به استقبال مرگ می شتافتیم از پیچ پله های عمارت شهربانی که گذشتیم، پدرم از میان سکوت عمیق مردم ناگهان خطاب با افراد مسلح پلیس و مامورین فرمانداری نظامی فریاد زد: " همکاران من شما اینجا هستید و شاه ما در میان مانع است." من نمیدانم این جمله چه تاثیری در روحیه مامورین پلیس و جمعیت انبوهی که مقابل اداره شهربانی گرد آمده بودند کرد که ناگهان غلغله برپا شد.

مامورین پلیس یکباره تمام اسلحه خود را بزمین گذاشتند و در همین میان یک افسر شهربانی که متاسفانه اکنون نام او را به خاطر ندارم جلو دوید و فریاد زد: " زنده باد شاهنشاه زند باد سر لشکرزاهدی،" فریاد هلهله و شادی مردم از هرسو بلند شد. مامورین پلیس و افسران شهربانی پدرم را روی دوش بلند کردند و داخل عمارت شدند و تا مقابل

اتاق رئیس شهربانی اورا با همان وضع روی دوش بردند . پدرم در حالیکه دو نفر آستین های پیراهن او را بالا میزدند پشت میز رئیس شهربانی نشست و اولین دستوری که بعنوان نخست وزیر کتبا صادر نمود . فرمان آزادی زندانیان سیاسی بود . بلافاصله یاران و دوستان مادر آن اطاق اجتماع کردند و پدرم بیدرنگ برای حفظ نظم و برقراری آرامش شهر دستوراتی صادر نمود و ضمناً من و یارافشار و گیلانشاه مامور تصرف ستاد ارتش و آزادی زندانیانی شدیم که در خلال آن چند روز بازداشت و در ستاد توقیف شده بودند . ما بدون معطلی بطرف مقصد حرکت کردیم . تصرف ستاد خیلی سریع و بدون مقاومت مامورین صورت گرفت . من اولین کسی بودم که وارد اطاق رئیس ستاد شدم و در همان موقع سرتیپ ریاحی از پله های دیگر عمارت ستاد خارج شد که پس از مدت کوتاهی بازداشت گردید . بازداشت شدگان در عمارت ستاد فوری آزاد شدند و نیم ساعت بعد از تصرف ستاد ارتش ، تیمسار سرلشکر با تمناقلیچ که خود یکی از بازداشت شدگان بود بدستور پدرم در پشت میز ریاست ستاد ارتش نشست . در همین هنگام کشت و کشتار مقابل منزل مصدق بمنتهی درجه رسیده بود و تا آن موقع جمع کثیری از جوانان وطنپرست و جان باز مادر خون خود غلطیده بودند و کف جویهای خیابان مقابل منزل دکتر مصدق از خون پاک میهن پرستان پر شده بود . تیمسار سرتیپ فولادوند (سرلشکر فعلی) از طرف پدرم ماموریت داشت که با مصدق و همکاران او که قصد تسلیم شدن نداشتند تماس بگیرد و آنها را وادار به اطاعت و جلوگیری از کشت و کشتار بنماید . ولی فعالیت صادقانه او بی نتیجه ماند ، یعنی مصدق و یارانش حاضر بتسلیم و دستور قطع تیراندازی نبودند تا سرانجام مقارن ساعت ۷ بعد از ظهر خبر رسید که خانه مصدق بتصرف مردم درآمده و او و یارانش به منازل اطراف گریخته اند . پدرم بلافاصله حکومت نظامی را از ساعت ۸ در شهر اعلام نمود و مقارن ساعت ۹ بعد از ظهر اطلاع یافتیم که مصدق و عده ای از همکارانش در یکی از خانه های اطراف منزلش مخفی شده اند و بوسیله آقای مهندس شریف امامی اطاعت و تسلیم خود را اطلاع داده اند و قرار شد شب رادر همان منزل بسر برند و صبح روز بعد مامورین برای منتقل ساختن آنها بعمارت باشگاه افسران بمحل اختفای آنان بروند . . . . .

روز بیست و نهم امرداد سرلشکر زاهدی کابینه خود را بشرح زیر تشکیل داد .  
 نخست وزیر سرلشکر زاهدی - وزیر جنگ سرلشکر عبداله هدایت - وزیر دارایی دکتر  
 علی امینی - وزیر دادگستری جمال الدین اخوی - وزیر فرهنگ دکتر محمد مهران ( قبول

نکرد) کفیل وزارت فرهنگ رضا جعفری - کفیل وزارت پست و تلگراف سرتیب عباس فرزنانگان  
وزیر راه مهندس غلامعلی میکه - وزیر اقتصاد ملی دکتر علی اصغر پورهمايون - وزیر اقتصاد ملی  
دکتر سید فخرالدین شادمان - وزیر کشاورزی احمد حسین عدل - وزیر بهداری دکتر  
جهانشاه صالح - وزیر کار ابوالقاسم پناهی - وزیر مشاور علی اصغر حکمت تا تاریخ ۳۲/۶/۲۵  
وزیر مشاور امیر حسین ایلخان ظفر بختیار تا تاریخ ۳۲/۶/۳۰ دکتر محمد سجادی تا تاریخ  
۰۳۲/۹/۲۸

### تغییرات

در تاریخ ۲۳ دیماه ۱۳۳۲ سرلشگر عباس گرزن بوزارت راه منصوب شد .  
در تاریخ ۲۸ فروردین ۳۳ دکتر مسعود ملکی بوزارت کار منصوب گردید .

### کابینه دوم سپهبد فضل‌اله زاهدی - تاریخ تشکیل ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۳

نخست وزیر سپهبد زاهدی - وزیر امور خارجه عبدالله انتظام - وزیر جنگ سرلشگر  
عبداله هدایت - وزیر دارایی دکتر علی امینی - وزیر پست و تلگراف سرتیب عباس فرزنانگان -  
وزیر دادگستری جمال‌الدین اخوی - وزیر فرهنگ رضا جعفری - وزیر راه سرلشگر عباس گرزن -  
وزیر اقتصاد ملی دکتر فخرالدین شادمان - وزیر کشاورزی احمد حسین عدل - وزیر بهداری  
دکتر جهانشاه صالح - وزیر کار دکتر مسعود ملکی - وزراء مشاور امیر حسین ایلخان ظفر  
بختیار - محمد حسین جهانبانی تا تاریخ ۳۳/۲/۱ محمد نمازی تا تاریخ ۳۳/۸/۳۰ و  
جمال‌الدین اخوی تا تاریخ ۰۳۳/۹/۱۴

### تغییرات

در تاریخ ۱۴ آذرماه ۱۳۳۳ دکتر سید فخرالدین شادمان بوزارت دادگستری منصوب  
شد و جمال‌الدین اخوی وزیر مشاور گردید .

متن برنامه دولت سپهبد زاهدی

- ۱ - سیاست خارجی دولت مبتنی بر احترام و دوستی متقابل با تمام همسایگان و ملل آزاد جهان و علاقمندی مخصوص بمنشور سازمان ملل متحد و تقویت این سازمان که شعار آن آزادی و استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ملل دنیاست میباشد.
  - ۲ - سعی در تحکیم و بسط اصول عدل اجتماعی بقسمی که هیچ یک از افراد ملت ایران محتاج و محروم و هیچ نوع استعدادی ضایع نماند.
  - ۳ - حفظ امنیت موجود با قدرت قانون و از بین بردن روح تمرد و عصیان که نسبت بقوانین و مقررات و نظامات پیدا شده بود و امنیت و آسایش ملت را تهدید میکرد و مبارزه با هرگونه فساد که در دستگاههای دولتی میباشد.
  - ۴ - تقویت و افزایش قدرت قوای تامینه کشور بحدی که با احتیاجات و حفظ استقلال کشور شاهنشاهی تطبیق نماید.
  - ۵ - تجدید نظر در قوانین مالیاتی و تطبیق آن با احتیاجات روز و بخصوص رعایت عدالت بطوریکه تحصیل مالیات به تناسب قدرت پرداخت مودیان باشد - اصلاح امور مالی کشور از راه تقلیل کسر بودجه و تامین موازنه آن بوسیله نظارت شدید در هزینههای عادی و فوق العاده اعم از آنچه در بودجه عمومی کشور منظور یا خارج از بودجه باشد و مراقبت کامل در وصول درآمدها.
  - ۶ - تخصیص عواید حاصله از نفت برای تقویت بنیه اقتصادی مملکت و توسعه دستگاههای دولتی و عمرانی که متضمن رفاه و آسایش عمومی است.
  - ۷ - رفع نقائص دستگاههای قضائی و تامین وسایل گرم برای تسریع در رسیدگی به دعاوی و تظلمات مردم ببحوی که امنیت کامل قضائی ایجاد و حکمفرما گردد.
  - ۸ - توسعه وسائل ارتباطی کشور با ازدیاد وسایل تلگراف باسیم و بی سیم و رفع نیازمندیهای تلفنی در پایتخت و شهرستانها.
  - ۹ - ترمیم و توسعه راههای موجود کشور و تعمیر و تکمیل راه آهن ایران.
- اولین اقدام حکومت دکتر زاهدی محاکمه دکتر مصدق و یاران وی بود.
- در آبانماه سال ۱۳۳۲ دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی در دادگاه بدوی مخصوص رسیدگی بوقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد محاکمه شدند.

هنگام بازداشت دکتر مصدق در تهران شاهنشاه که هنوز در رم اقامت داشتند طی تلگرافی دستور فرمودند که برای محافظت از جان ایشان مراقبت مخصوص مبذول شود و بهمین جهت آقای دکتر مصدق بیکی از اطاقهای باشگاه افسران که در آنزمان مقر هیئت دولت بود انتقال یافت.

در جریان محاکمه دکتر مصدق نیز با وجود آنکه دادستان ارتش در کیفرخواست خود تقاضای اعدام کرده بود قبل از آنکه هیئت دادرسان وارد شور شوند، دستخطی از طرف اعلیحضرت همایونی بدادگاه رسید که طی آن شاهنشاه اشاره فرموده بودند با توجه به خدمات دکتر مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت که با حمایت معظم له انجام شده بود، از حق خصوصی خود در مورد اتهام ایشان گذشت میکنند و با استناد بهمین دستخط دادگاه دکتر مصدق را سه سال و سرتیپ ریاحی را بدو سال حبس محکوم کرد.

اما اقدام بعدی این حکومت مبارزه با اخلاکگران و حزب توده بود.

روز اول ماه آبان بود که نخستین شبکه حزب توده که مجهز بانواع ماشینهای چاپ بود در سه راه شکوفه کشف شد.

درین شبکه همچنین مقدار زیادی وسایل تخریبی و مواد منفجره و سلاحهای گوناگون بدست آمد.

### انحلال و تشکیل مجلسین

در آنزمان اعلیحضرت همایونی فرمانی دایر بانحلال مجلسین و شروع انتخابات صادر فرمودند.

پس از اعاده اوضاع بحال عادی، مجلس سنا که مدتی در حال تعطیل بود فعالیت خود را از سر گرفته بود و چون با استعفای اکثریت نمایندگان مجلس شورایی عملی از میان رفته بود سنا بکنهائی کار میکرد.

برای آنکه مجلسین از نو تجدید حیات نمایند و ارکان متزلزل مشروطیت تثبیت شود شاهنشاه برای نخستین بار از حق انحلال مجلسین استفاده فرموده فرمان بانحلال دومجلس دادند و انتخابات دوره هیجدهم از طرف دولت سپهبد زاهدی انجام شد و تا پایان سال ۱۳۳۲ اکثریت نمایندگان از تهران و شهرستانها انتخاب شدند و مجلسین آماده افتتاح

گشت .

هیجدهمین دوره مجلس شورایی ملی و دومین دوره سنا با نطق ملوکانه بدین شرح در آغاز سال ۱۳۳۳ افتتاح شد .

" موجب کمال خوشوقتی است که علیرغم حوادث ناگوار و فترتی که واقع شد نتوانستیم همواره در حفظ قانون اساسی پایداری کنیم و بیاری پروردگار و همت و مردانگی ملت ایران نسبت بسوگندی که برای نگاهبانی اساس مشروطیت یاد کرده ایم وفادار بمانیم . باوجود مشکلاتی که در کار جهان و در امور کشور مشهود است ما بآینده درخشان ایران عزیز امیدواری‌های بسیار داریم زیرا برهان قاطع بقای هرملتی اراده آن ملت بحفظ استقلال و آزادی خویش است .

برما روشن است که امروز ملت ایران بهموارکردن راه ترقی و تعالی و دریافت فرصتهای از دست رفته عزم راسخ دارد ، انتظار داریم که در آینده نزدیک نیات ما صورت تحقق یافته خانواده‌ها همگی صاحب خانه و علاقه باشند و سطح زندگی عمومی بحد معمولی ممالک ثروتمند برسد . "

با افتتاح مجلسین بار دیگر حکومت پارلمانی ایران شکل طبیعی خود را بازیافت اگرچه نخستین جلسات مجلس هیجدهم هنگام بحث درباره اوضاع گذشته تاحدی متشنج بنظر میرسد لکن بخوبی پیدا بود که با حصول آرامش عمومی در کشور ، پس از بیست و دو سال پارلمان ایران نیز روی آرامش بخود می بیند و امکان آن حاصل شده است که دولتها بتوانند با همکاری مجلس و فارغ از دسته‌بندی‌ها و مانورهای پارلمانی بکار اصلاحات کشوری بپردازند . یکی از مهمترین مسائلی که مجلسین در مقابل داشتند اتخاذ تصمیم درباره حل مسأله امتیاز قضیه نفت و تجدید فعالیت سازمان صنایع نفت جنوب در کادر ملی شدن نفت بود .

### مسئله نفت

از همینرو دولت از ابتدای سال ۱۳۳۳ فعالیت برای حل مسئله نفت را آغاز کرد . با حضور نمایندگان دولت ایران و نمایندگان چند کمپانی بزرگ بین‌المللی که حاضرگشته بودند برای اکتشاف و استخراج نفت در ایران با همکاری یکدیگر کنسرسیومی تشکیل دهند

مذاکره پیرامون مسئله نفت از روز ۲۵ فروردین در کاخ ابیض آغاز شد. این مذاکرات سپس در باغ الهیه دنبال شد و مدت شش ماه طول کشید تا طرفین نسبت به عقد قراردادی که بنام روسای دو هیئت یعنی نمایندگان دولت ایران و نمایندگان کنسرسیوم به قرارداد (امینی - پیچ) موسوم شد توافق حاصل کردند. هنگام تقدیم این قرارداد نخست وزیر وقت "سپهبد زاهدی" و وزیر دارائی "دکتر امینی متفقا" در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی اظهار داشتند که این قرارداد یک قرارداد ایده‌آل نیست اما در شرایط کنونی و با توجه بسایر قراردادهای نفتی امکان ندارد که قراردادی با شرایط بهتر تنظیم شود.

هنگام طرح قرارداد نفت مذاکرات مبسوطی در موافقت و مخالفت چه در مجلس شورای ملی و چه در سنا صورت گرفت و سرانجام با تصویب قرارداد مزبور، پس از سه سال دستگامه‌های راكد نفت فعالیت خود را باز یافتند و خاموشی خوزستان برطرف گردید. دکتر امینی رئیس هیئت نمایندگی ایران و "هوارد پیچ" رئیس هیئت نمایندگی کنسرسیوم متفقا" به آبادان رفتند و شیری را که بوسیله هیئت خلع ید بسته شده بود بسوی مخازن کشتی‌ها نفتکش گشودند و صدور نفت ایران ببازارهای جهان آغاز گشت. باید توجه داشت که در فاصله تعطیل مخازن نفتی ایران و آغاز کار شرکت‌های نفتی جهان بسوی کشورهای دیگر صادر کننده نفت روی آوردند و از جمله کویت ناگهان میزان استخراجش بالا رفت و مقام اول را در صادرات نفت خاورمیانه پیدا کرد. کشور عراق نیز میزان استخراجش بیش از دو برابر افزایش یافت و در حقیقت شرکت‌های بزرگ نفت آنچه از ایران خریداری میکردند از کشورهای دیگر تامین نمودند و وقتی صدور نفت ایران آغاز شد میزان استخراج و بهره‌برداری از مقدار خیلی کم شروع گردید که هنوز هم صادرات نفت ایرا با مقایسه با دیگران مقام اول را باز نیافته است.

### کنگره بوعلی

در اردیبهشت ماه سال ۳۳ کنگره هزاره بوعلی سینا فیلسوف و دانشمند بزرگ ایرانی با تشریفات خاصی برگزار شد.

عده کثیری از خاورشناسان و دانشمندان جهان که برای شرکت درین کنگره با ایران دعوت شده بودند در همدان حضور یافتند و آرامگاه مجلل و هتل بزرگ بوعلی بوسیله شاهنشاه

گشایش یافت .

در مراسم گشایش آرامگاه بوعلی شاهنشاه چنین گفتند :

" این مرد بزرگ که او را از روی حقیقت باید سرآمد حکماء و اطباء شریف و یکی از فیلسوفان و پزشکان جهان دانست از کسانیست که در راه پیشرفت انسانیت بجانب مراحل کمال عقلی و علمی سهم بزرگی دارد .

سپس کنگره بوعلی افتتاح شد و دانشمندانی که در کنگره هزاره فردوسی در سال ۱۳۳۳ این دومین کنگره بزرگی بود که برای تجلیل از یک شخصیت بزرگ ایرانی تشکیل میشد . در مراجعت از همدان سرتیپ محمد حسین جهانیانی کفیل وزارت کشور طی حادثه ناسف آوری بدرود زندگی گفت .

وی که شخصا " اتومبیل خود را میراند در نیمه راه همدان - تهران با کامیونی تصادف کرد و آنا " درگذشت .

دیگر از مهمترین وقایع حکومت سپهبد زاهدی کشف سازمان نظامی حزب توده را میتوان در سال ۱۳۳۳ نامبرد .

در امرداد ماه بدنبال دستگیری سروان عباسی و تفتیش چمدانی که وی با خود حمل میگردد مقامات انتظامی بوجود یک شبکه مهم نظامی در ارتش پی بردند و متعاقب تحقیقاتی که صورت گرفت اعلام شد که این سازمان وسیع به رهبری خسرو روزبه و تحت سرپرستی سرهنگ مبشر و سرهنگ سیامک برای ایجاد نارضایتی در میان افسران ارتش و کسب اطلاعات مهم نظامی برای ارسال بخارج و خنثی کردن اقدامات نظامی علیه سازمانهای حزب توده نقشه های وسیعی را تعقیب میکرده است . شاهنشاه در خاطرات خود مینویسند

" تحقیقات عمیق دیگری نیز از طرف ما مورین بعمل آمد که در طی آن تحقیقات چندین انبار اسلحه و مهمات که افراد حزب محرمانه برای پیشرفت هدف نهائی خود تدارک کرده بودند کشف گردید .

خبرنگاران خارجی و داخلی عکس این مهمات و تفصیل این کشفیات را منتشر کردند و مردم ایران و جهان را بجزئیات این توطئه ها آگاه ساختند و ضمناً " اطلاعات دامنه دارتری از طرز عمل افراد حزب توده برای منحرف کردن سیر طبیعی ناسیونالیزم ملی ایران و هدایت آن بسوی آمال و هدفهای خود و اربابان بیگانه آنها کسب کردیم .



حسین فاطمی وزیر امور خارجه مصدق که متواری شده بود با کمک افراد حزب توده هفت ماه خود را در گوشه و کنار مخفی کرد تا بالاخره دستگیر گردید .

عده‌ای از افسران و افراد حزب توده که بعضی از آنها در شکنجه و قتل افراد مخالف دست داشتند اعدام و یا زندانی گردیدند و بسیاری از آنها نیز که از کرده خود نادم شده و صمیمانه آمادگی خود را برای وفاداری مجدد بوطن و سلطنت مشروطه اعلام کردند از طرف من مورد عفو قرار گرفتند .

ضمن محاکمه ، مدارک جالبی در باره سوگندی که حزب توده افسران نظامی را بادای آن ملزم میساخت بدست آمد . این افسران باید سوگند یاد میکردند که با شاه مملکت و دول غربی مخالف و با اتحاد شوروی دوست باشند . "

در محاکمه افسران پیمان نظامی حزب توده معلوم شد که آنها قصد داشته‌اند افراد خود را در مقامات و سازمانهای حساس ارتش و حتی گارد شاهنشاهی گمارده طبق نقشه دقیقی در موعد معین دست بکودتا و انقلاب بزنند ، در نتیجه نخستین دسته افسران مزبور روز ۲۷ مهرماه در میدان تیر پادگان قصر تیرباران شدند ، این عده عبارت بودند از :  
سرهنگ سیامک - سرهنگ میسر - سرهنگ عزیز نمینی - سرگرد عطارد - سرگرد وزیربان - سروان مدنی - سروان شفا - سروان واعظ قائمی - سروان افروخته و غیرنظامی کیوان .

دسته دوم افسران مرکب از محمد جلالی - سرهنگ امیر افشاریکشلو - سرهنگ کاظم جمشیدی - سرگرد جعفر وکیلی - ستوان محمدباقر واله نیز بامداد روز ۲۷ آبان تیرباران گشتند .

از آن پس با تحقیقاتی که شبانه روز ادامه داشت تدریجا " شبکه های تسلیحات و چاپخانه‌های مخفی حزب توده از طرف مامورین انتظامی کشف شد .

نخستین شبکه که عبارت بود از انبار مهمات حزب در آبان ماه ۳۳ کشف شد ، درین انبار صدها تفنگ و نارنجک و بطریهای حاوی مواد منفجره بدست آمد .

سپس در یک محوطه مخفی زیر یک عمارت تازه‌ساز واقع در داودیه چاپخانه مخفی حزب ، بدست مامورین افتاد .

تنها راه این چاپخانه که مجهز بانواع ماشینهای چاپ و دستگاههای حروف‌چینی بود ، در پلکانی زیر سنگ مستراح عمارت مزبور قرار داشت که هیچکس در ابتدای امر متوجه

آن نمیشد این پلکان باریک بزیرزمین وسیعی راه مییافت که دستگاه کامل چاپخانه در آن زیرزمین قرار داشت .

بعد از آن چاپخانه روزنامه رزم ارگان سازمان جوانان حزب توده و سازمان توزیع نشریات حزب و بالاخره در دیماه سازمان جوانان کشف شد و ۶۸ نفر از اداره کنندگان سازمان مزبور دستگیر شدند .

انبار دیگری از مهمات و اسلحه در بهمن ماه بدست مامورین رکن دوم ستاد ارتش افتاد ، این انبار درون دیوارهای منزلی نزدیک قلعهک پنهان شده بود و تنها دوازده هزار نارنجک از شکم آن دیوار کشف شد .

با کشف سازمان نظامی حزب توده و پرده برداشتن از اسرار توطئه‌های این حزب بار دیگر روابط ایران و شوروی بتیره‌گی گرائید و درتیرماه دولت شوروی تذکاریه‌ای به دولت ایران داد مبنی بر اینکه ایران قصد دارد بدستجات نظامی ضد شوروی ملحق شود .

دولت ایران بتذکاریه مزبور چنین جواب داد که برای حفظ امنیت کشور حق دارد هر تدبیری را لازم میدانند اتخاذ کند .

اما این پاسخ دولت شوروی را قانع نکرد و حملات رادیوئی مسکو که مدتی موقوف شده بود از سرگرفته شد . در این هنگام (مالنکف) نخست وزیر اتحاد شوروی بود .

سوء قصد بی نتیجه

در آغاز سال ۱۳۳۴ دولت سپهبد زاهدی که پس از قیام ملی بیست و هشتم  
امرداد ماه مصدر کار بود استعفا کرد و مرحوم حسین علاء مامور تشکیل کابینه گردید  
و او نیز کابینه خود را بشرح زیر تشکیل داد .

دولت حسین علاء تاریخ تشکیل ۱۷ فروردین ۱۳۳۴

نخست وزیر حسین علاء - وزیر خارجه عبدالله انتظام - وزیر جنگ سپهبد عبدالله  
هدایت - وزیر کشور اسداله علم - وزیر دارائی دکتر علی امینی - وزیر فرهنگ محمود  
مهران - وزیر دادگستری جمال اخوی - وزیر پست و تلگراف مهندس امیر قاسم اشراقی  
وزیر راه سرلشکر ولی انصاری - وزیر اقتصاد ملی ابراهیم کاشانی - وزیر کشاورزی مهندس  
خلیل طالقانی - وزیر بهداری دکتر جهانشاه صالح - وزیر کار دکتر محسن نصر - وزیر  
صنایع و معادن دکتر علیقلی اردلان .

تغییرات

- در تاریخ ۳ دیماه ۱۳۳۴ دکتر علیقلی اردلان بسمت وزیر امور خارجه منصوب شد .
- در تاریخ ۲۹ امرداد ماه ۱۳۳۴ سرلشکر احمد وثوق بوزارت جنگ منصوب شد .
- در تاریخ اول خرداد ماه ۱۳۳۴ علی اصغر فروزان بکفالت وزارت دارائی منصوب شد .

در تاریخ ۲۹ مرداد ماه ۱۳۳۴ سرلشکر احمد وثوق بوزارت جنگ منصوب شد .  
 در تاریخ اول خرداد ماه ۱۳۳۴ علی اصغر فروزان بکفالت وزارت دارائی منصوب شد .  
 در تاریخ ۲۹ مرداد ماه ۱۳۳۴ دکتر محمد سجادی بوزارت دارائی منصوب شد .  
 در تاریخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۳۴ غلامحسین فروهر بسمت وزیر دارائی منصوب شد .  
 در تاریخ اول خرداد ماه ۱۳۳۴ دکتر علی امینی بوزارت دادگستری منصوب شد .  
 در تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۳۵ مهندس رضا گنجهای بوزارت صنایع و معادن  
 منصوب شد .

#### دولت دوم حسین علاء : تاریخ تشکیل ۱۳ خرداد ۱۳۳۵

نخست وزیر حسین علاء - وزیر خارجه دکتر علیقلی اردلان - وزیر جنگ سرلشکر احمد  
 وثوق وزیر کشور اسداله علم - وزیر دارائی غلامحسین فروهر - وزیر دادگستری عباسقلی  
 گلشائیان - وزیر فرهنگ محمود مهران - وزیر پست و تلگراف مهندس امیر قاسم اشراقی  
 وزیر راه سرلشکرولی انصاری - وزیر اقتصاد ملی ابراهیم کاشانی - وزیر کشاورزی محمود  
 ناصری - وزیر بهداری دکتر جهانشاه صالح - وزیر کار دکتر محسن نصر - وزیر صنایع و  
 معادن مهندس رضا گنجهای ، وزراء مشاور : محمد نمازی - مهندس خلیل طالقانسی و  
 دکتر احمد مقبل - نایب نخست وزیر عبدالله انتظام .

#### برنامه دولت آقای حسین علاء

- ۱ - اهتمام لازم برای تعدیل بودجه از راه دقت در وصول درآمدها و احتراز از  
 مخارج زائد .
- ۲ - مراقبت در امنیت و آرامش در سراسر کشور و تقویت قوای دفاعیه و تأمینیه  
 متناسب باشئون و وسعت کشور .
- ۳ - اصلاح تشکیلات دادگستری بوسیله تجدید نظر در قوانین آن و اصلاح سایر  
 سازمانهای دولتی بمنظور حذف دستگاههای زاید و ایجاد هم آهنگی بیشتری بین آنها  
 و تعیین وظائف هر یک .

- ۴ - تجدید نظر در قانون استخدام کشوری و وضع فعلی کارمندان دولت با رعایت اصل طبقه‌بندی مشاغل و تقویت مستخدمین لایق و فعال و تنبیه شدید مستخدمین خاطی
- ۵ - حذف کلیه مقررات و نظامات زاید که با زندگی عامه متناسب نبوده و موجب تعویق در پیشرفت امور است .
- ۶ - اقدامات برای اصلاح مقررات مربوط به بازرگانی خارجی و تعرفه گمرکی و وضع مقررات جدید بمنظور حمایت مصنوعات داخلی و تشویق ابتکارات فردی و تعیین حدود آن برای حفظ منافع مصرف کننده .
- ۷ - تهیه مسکن برای مردم بالاخص مستخدمین دولت از راه کمک بتشکیل شرکتهای تعاونی - ساختمانی - دسته جمعی بوسیله تقویت بانک رهنی و ساختمانی و موسسات مشابه آن و تجدید نظر در مقررات مربوط به اجاره مستغلات و سکنی .
- ۸ - از دیاد تولید با تمام وسائل ممکنه منجمله تقویت بانکهای کشاورزی و صنعتی و معدنی مخصوصاً "اکتشاف و استخراج منابع نفتی جدید و اقدام در جلب سرمایه‌های خارجی دانشگاه و نظائر آن .
- ۹ - توجه به آبادی و عمران شهرستانها و امور فرهنگی و بهداشت آنها بطوریکه حتی الامکان افراد ملت بیک نسبت از خدمات دولتی در ترفیه حال و تامین سعادت آنها بهره‌مند گردد با رعایت جلوگیری از تمرکز کارها در مرکز و حتی المقدور واگذاری کارهای مردم در ولایات بخودشان .
- سیاست خارجی دولت اینجانب مانند پیش مبتنی بر منشور ملل متحد و مسالمت و دوستی با کلیه دول بر اساس احترام متقابل و تقویت پیمان بغداد بمنظور تحکیم صلح جهانی است .
- امید کامل دارد که آقایان نمایندگان محترم اینجانب و همکارانم را در اجراء وظایفی که بعهده میگیریم کمک و تقویت فرمایند .
- از مهمترین وقایع دولت مرحوم حسین علاء میتوان تشکیل پیمان بغداد را نامبرد . روز چهاردهم مهر ماه ۱۳۳۴ هنگام گشایش ششمین دوره اجلاس سنا علیحضرت همایونی خطاب به سناتورها چنین گفتند :
- " گذشته از شواهد تاریخ همه بخاطر دارید که بیطرفی و نیات صلحجویانه ملت ایران در دو جنگ جهانی اخیر بهیچوجه از تجاوز بحدود و پایمال کردن حقوق اینکشور

مانع نگردید و همچون حریق‌هایی که برخانه‌ای بگذرد .  
 آثار شوم آن نه تنها هنوز در سرتاسر مملکت هویداست ، بلکه خرابی‌های مادی و معنوی که از این دو آتش سوزی دامنگیر ما شده سالیان دراز مرمت نخواهد شد .  
 این تجربه که برای اهل عالم بقیمت قربانیهای بیشمار و ویرانیهای بی‌حساب بدست آمد مورد توجه خاص بنیانگذاران سازمان ملل متحد واقع گشته و برای جلوگیری از تجدید حوادث شوم و خونین تجویز کرده‌اند که کشورها بمنظور دفاع از استقلال و مرزهای خود بصورت منطقه‌ای باهم متحد شوند و نیروی واحدی تشکیل دهند .  
 دولت می‌بایستی با در نظر گرفتن حقایق آنچه لازمه تدابیر و اقدام است برای تهیه دفاع از حدود و حقوق کشور بعمل آورد و حسن‌ظن بیجا را در امری چنین خطرناک دخالت ندهد .

متعاقب این بیانات روز نوزدهم مهرماه الحاق ایران به پیمان منطقه ای بغداد - آنکارا که در اسفندماه سال ۳۳ مابین دو کشور عراق و ترکیه منعقد شده بود اعلام گشت . بلافاصله پس از اعلام الحاق ایران به پیمان بغداد بار دیگر ابرهای تیره در افق روابط سیاسی ایران و شوروی پدیدار گشت و دولت شوروی یادداشت اعتراضی تسلیم کاردار سفارت ایران در بغداد کرد و خاطر نشان ساخت که (الحاق ایران به بلوک نظامی با قراردادهایی که ایران با شوروی دارد مغایر است .

دولت ایران در جواب این یادداشت خاطر نشان ساخت که عمل ایران در حدود مقررات منشور سازمان ملل متحد بوده و اعتراض شوروی وارد نمیباشد .  
 برای شرکت در کنفرانس پیمان بغداد اعلام شد که آقای علاء نخست وزیر در راس هیاتی روز بیست و ششم آبانماه بکشور عراق عزیمت خواهد کرد .

اما روز بیست و پنجم آبان ، هنگامیکه علاء برای شرکت در مجلس ترحیم سید مصطفی کاشانی فرزند آیت الله کاشانی بمسجد شاه میرفت در مدخل شبستان مورد سوء قصد قرار گرفت .

ضارب که مظفر علی ذوالقدر نام داشت در میان جمعیت ناگهان تیری بطرف آقای علاء شلیک کرد و چون تیر بخطا رفت ، با پاشنه اسلحه ضربت محکمی بر سر نخست وزیر وارد ساخت ، لکن بلافاصله بوسیله مردم و مامورین انتظامی دستگیر شد . تیر دوم

ضارب در لوله اسلحه گیر کرده بود .

در بازجویی های مقدماتی معلوم شد که ضارب نخست وزیر از تروریست های معروف فدائیان اسلام است و بدستور این فرقه قصد داشته با ترور آقای علاء و ایجاد رعب ، موضوع الحاق ایران را به پیمان بغداد منتفی سازد .

با آنکه درین جریان ضربه سختی بسر آقای علاء وارد آمده و پیشانی ایشانرا زخمی ساخته بود ، علاء بعد از پانسمان فردای همانروز از طریق خوزستان ببغداد رفت و در کنفرانس پیمان منطقه ای شرکت کرد .

کنفرانس بغداد ساعت ده و نیم صبح ۲۹ آبان با حضور نخست وزیران انگلستان ترکیه پاکستان و عراق افتتاح شد .

بازرسی از ضارب نخست وزیر در دادرسی ارتش آغاز شد و او ، نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام را بعنوان محرک خود معرفی کرد .

بدنبال تحقیقات از مظفر علی ذوالقدر روز اول آذرماه نواب صفوی باتفاق دو تن از یارانش بازداشت شدند و سپس رسیدگی بیرونده ترورهائی که در چندسال اخیر بوسیله این جمعیت صورت گرفته بود از جمله پرونده قتل رزم آرا آغاز گشت که در نتیجه جمعی از اعضای جمعیت مذکور و خلیل طهماسبی قاتل سپهبد رزم آرا توقیف شدند .

ماموران انتظامی ، عبدالحسین واحدی مرد شماره ۲ فدائیان اسلام و معاون نواب صفوی را در اهواز دستگیر کرده بتهران اعزام داشتند اما حوالی کرج واحدی در صدد فرار برآمد و با شلیک مامورین بزندگی وی خاتمه داده شد .

در خلال این احوال ، طرحی در مجلسین بتصویب رسید که بموجب آن عفوخلیل طهماسبی نیز مخالف قانون اساسی تشخیص داده شد .

ضمن رسیدگی بیرونده قتل سپهبد رزم آرا عده زیادی از زعما و افراد جبهه ملی ببازرسی احضار و بعضی از آنها بازداشت شدند . در میان بازداشت شدگان آیت الله کاشانی ، دکتر بقائی ، علی زهری و محمود نریمان دیده میشدند . ایشان مدتسی در توقیف بسر میبردند و سپس آزاد شدند .

هیئت پارلمانی ایران در مسکو .

روز بیست و هفتم آذر ۳۴ یک هیئت پارلمانی که از طرف وروشیلف صدر هیئت

رئیس اتحاد جماهیر شوروی به مسکو دعوت شده بود بوسیله اتوبوس عازم روسیه گشت. این هیئت بریاست آقای ساعدباقران شوروی ملاقاتها و مذاکراتی بعمل آورد و معلوم شد که روسها متقاعد شده اند رویه منفی و تبلیغات خشن آنها بر ضد ایران، در تصمیم این کشور برای تدارکات دفاعی خود تاثیری ندارد.

پس از خاتمه تحقیقات از اعضای جمعیت فدائیان اسلام، رهبران این جمعیت در دادگاه نظامی محاکمه شدند و بموجب احکام دادگاههای بدوی و تجدید نظر نظامی نواب صفوی و خلیل طهماسبی و مظفر علی ذوالقدر، در دیماه سال ۳۴ تیرباران گشتند روز بیست و پنجم بهمن، شاهنشاه و ملکه برای دیدار رسمی عازم هندوستان شدند هنگام عزیمت بهند، شاهنشاه پیامی برای ملت ایران فرستادند و طی آن اظهار فرمودند:

" امیدوارم درین مسافرت علائق وزمینهای که بین دو کشور باستانی ایران و هندوستان موجود است بیش از پیش تقویت گردد. ما میتوانیم کارهای بزرگی را در آنجا مشاهده کنیم و همچنین پیشرفتهای و نقشه‌هایی را که در مملکت خود داریم بدوستان خویش اطلاع دهیم."

در هند تجلیل شایسته‌ای از شاهنشاه ایران بعمل آمد و پس از آن، بدعوت دولت پاکستان شاهنشاه از آن کشور نیز دیدن فرمودند و بعد از سه هفته روز هفدهم اسفند بکشور بازگشتند.

در اسفند ماه سال ۳۴ دولت ایران اعلام کرد که "آنا تولی ایوانویچ - کوزنتسف" هنگام تماس با یکی از درجه داران ارتش بازداشت شده است کوزنتسف معاون وابسته نظامی شوروی در ایران که متهم بجاسوسی شده بود چون از مصونیت سیاسی برخوردار بود بوزارت خارجه تحویل گردید و وزارت امور خارجه از مقامات دولت شوروی تقاضای احضار او را کرد.

با آغاز سال ۱۳۳۵ عمر دوره هیجدهم قانونگزاری به آخر رسید و روز ۲۶ فروردین آخرین جلسه مجلس شورای ملی تشکیل شد.

انتخابات دوره نوزدهم که در این زمان مقدمات آن فراهم شده بود بلافاصله آغاز شد و روز دهم خرداد ۱۳۳۵ شاهنشاه دوره نوزدهم تقنینیه را گشودند و در مراسم افتتاح دوره نوزدهم شاهنشاه فرمودند:



دوره هیجدهم پس از رفع خطری عظیم که استقلال کشور ما را تهدید می کرد بوجود آمد و با وضع قوانین ملی مانند قانون قرارداد نفت و تقسیم خالصحات و الحاق به پیمان بغداد و منع کشت خشخاش و سازمان برنامه رضایت خاطر ما را فراهم آورد. اینک از شما انتظار داریم که بنوبه خود در سیر تکامل قدم های بزرگتری بردارید و قوانینی بوجود بیاورید که در تکمیل قوانین موجوده از هر جهت ضامن رفاه و آسایش هم میهنان ما باشد تا بتوانیم وسائل توفیق کشور را در میدان مسابقه جهانی بهتر و شایسته تر از این تدارک نمائیم ...

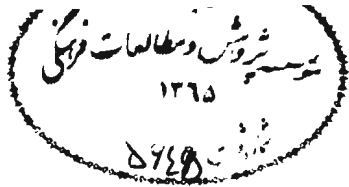
در سال ۱۳۳۵ روابط خارجی ایران با مسافرت های شاهنشاه بخارج و مسافرت شاهنشاه به ترکیه روز چهارم تیرو مسافرت به عربستان سعودی در بیست و یکم اسفند، همچنین سفر رئیس جمهوری پاکستان " حضرت اسکندر میرزا " و رئیس جمهوری لبنان " حضرت کامیل شمعون " به تهران و حضرت نخست وزیر عراق، وزیر دفاع انگلیس، معاون وزارت خارجه آمریکا، نخست وزیر ترکیه " عدنان مندرس " نخست وزیر پاکستان " محمد علی چودری " برای شرکت در دومین اجلاس شورای پیمان بغداد در تهران بود.

سفر شاهنشاه و ملکه بکشور اتحاد شوروی که از سال گذشته معوق مانده بود روز چهارم تیرماه سال ۱۳۳۵ رسماً آغاز شد.

در این سفر آقایان ابراهیم کاشانی وزیر بازرگانی، محمد ساعد سناتور، محسن قره گزلو رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی، سپهد جهانبانی سناتور، دکتر حمید آهی نماینده مجلس شورای ملی، ابولفتح آتابای، مهندس اردشیر زاهدی، پروفیسور یحیی عدل، بانو علم، بانو یزدان پناه، بانو هایده قره گزلو، تیمسار سپهد یزدان پناه سرلشکر دکتر ایادی، سرتیپ نصیری، سرهنگ خاشمی و چند تن از نمایندگان مطبوعات ملازم رکاب شاهنشاه بودند.

در باره این سفر مهم شاهنشاه ضمن خاطرات خود می نویسند:

در مسافرت شوروی از ما پذیرائی شایانی بعمل آوردند و فرصتی برای دیدار بسیار از نقاط آنکشور بدست آمد و مجانی پیدا شد که با خروشچف و سایر همقطاران وی از قبیل وروشیلف بولگانین میکوپان سیلف مذاکراتی بی پرده و صریح بعمل آید. روسها مدعی بودند که سیاستشان بر اساس همزیستی، مسالمت آمیز و عدم مداخله



در امور سایر کشورهاست و می‌پرسیدند با این وصف بچه علت ما به پیمان بغداد ملحق شده‌ایم؟ من در جواب گفتم که علت آنرا باید با مطالعه روابط بین کشورهای ایران و روسیه پیدا کنند و به میزبانان خود یادآور شدم که روسها در طی چند قرن همواره سعی و کوشش داشته‌اند که از راه ایران بطرف جنوب ایران پیشروی نمایند.

خروشچف و سایر همقطاران وی خود را مسئول تجاوزات گذشته ندانستند و گفتند که این وقایع پیش از زمان زمامداری آنها به وقوع پیوسته است.

خروشچف اعتراف کرد که کشور وی اشتباهاتی کرده ولی اظهار داشت که ملت ایران باید بحسن نیت او و سایر اولیای امور کشور روسیه که در آن محل حضور داشتند اعتماد داشته باشد. من به خروشچف اطمینان دادم که احساسات دوستانه ما ایرانیان نسبت بوی و مردم روسیه بسیار زیاد است ولی خاطر نشان ساختم که اگر بشر از تجربیات گذشته درس عبرت نگیرد نمونه کامل سفاهت اوست خروشچف می‌خواست بداند چگونه ممکن است دولت ایران عضویت پیمان بغداد را که انگلیسها نیز عضو آن هستند قبول نموده در صورتیکه انگلیسها نیز در جنگ دوم جهانی در تجاوز بکشور ایران مقصر بودند و پیشنهاد تجاوز هم از طرف آنها شده بود.

در پاسخ گفتم انگلیسها اقلا در سر موقع بوعده خود وفا نمودند و کشور ایران را تخلیه نمودند ولی روسها از این عمل نیز امتناع کردند.

خروشچف بالاخره تصدیق کرد که ایران قصد تجاوزی بکشور روسیه ندارد ولی اظهار داشت که دولت معظمی ممکن است ما را بر خلاف میل خود وادار سازد که کشور خود را برای حمله بروسیه در اختیار آنان بگذاریم و اظهار نظر کرد شاید ما برای انجام همین منظور اجباراً "باین پیمان ملحق شده‌ایم".

من با کمال تاکید پاسخ دادم که ما به پیمان بغداد بصرف اراده خود و بعنوان شریک متساوی الحقوق ملحق شده‌ایم و هیچکس ما را مجبور بالحاق نکرده و اگر چنین فشاری بما وارد شده بود در مقابل آن مقاومت می‌کردیم.

و اضافه کردم که ما هرگز اجازه نخواهیم داد که کشور ما برای اجرای مقاصد تجاوزکارانه بر خلاف روسیه شوروی مورد استفاده قرار گیرد و به خروشچف قول سر بازی دادم تا موقعی که من بر تخت سلطنت ایران هستم کشور من بهیچوجه با تقاضای تجاوزکارانه بر خلاف روسیه شوروی موافقت نخواهد کرد و شریک در چنین عملی نخواهد شد.

خروشچف و همکاران وی با کمال گشادگی خاطر گفتند که باظهارات من اعتماد کامل دارند و طبق پیشنهاد آنها اعلامیه مشترکی که حکایت می‌کرد مذاکرات در محیط دوستانه صورت گرفته و هر دو طرف مصمند مناسبات فیما بین را تحکیم نمایند صادر نمودیم ، "

\* \* \*

روز بیست و ششم خرداد ماه آقای علاء که بمناسبت تشکیل مجلس مستعفی و مجدداً " مامور تشکیل کابینه شده بود وزرای خود را معرفی کرد و در کابینه جدید دو وزیر تازه وارد شده بود گلشائیان وزیر دادگستری ، ناصری وزیر کشاورزی .

برای اصلاح عدلیه ، گلشائیان تقاضای اختیارات کرد و بدنبال تقدیم لایحه اختیارات بمجلس بحث دامنه‌داری شروع شد که سرانجام با شرفیابی اعضای کمیسیونهای دادگستری مجلسین بحضور شاهنشاه و مذاکرات مفصل لایحه اختیارات با اصلاحاتی تصویب گردید .

از جمله کارهای پیر سروصدائی که در وزارت دادگستری گلشائیان صورت گرفت تنظیم لایحه‌ای بود که بازار معاملات زمین را کساد کرد .

چه در آن ایام معاملات زمین و مسئله زمین‌خواری بحدی رواج یافته بود که قسمت عمده سرمایه مردم از کارهای دیگر خارج شده و در بورس زمین بکار افتاده بود . در سال شانزدهم سلطنت فعالیت نه‌ای عمرانی و اصلاحی که در سایه امنیست و آرامش از سرنو آغاز شده بود رفته رفته در سراسر مملکت توسعه پیدا کرد .

سازمان برنامه با اقدامات وسیعی در زمینه سدسازی و سایر فعالیت‌های عمرانی که مستلزم سرمایه‌گذاری سنگین بود دست زد فعالیت مهندسی و کارشناسان ایرانی که در حوزه نفت قم ( منطقه البرز ) برای اکتشاف و استخراج نفت کوشش می‌کردند .

پس از چندین سال بنتیجه رسید و روز سوم شهریور نفت خام با شدت کم نظیری از قعر چاه شماره ۵ به آسمان فواره زد و دریائی از نفت بیابانهای اطراف را پوشانید بطوریکه روز پنجم شهریور دولت در منطقه البرز مقررات حکومت نظامی اعلام کرد و بمنظور جلوگیری از آتش سوزی و اقدامات احتیاطی کارشناس معروف آمریکائی موسوم به ( کین لی ) با دستیاران خود بایران دعوت شد و با زحمات زیاد چاه سرکش مهار گشت . بطوریکه تخمین زده شد تا روز هفتم شهریور دویست هزار بشکه نفت بارزش سه

میلیون تومان از چاه شماره پنج فوران زده و در بیابان ریخته بود .  
 متعاقب سفر شاهنشاه بشوروی لاورنتیف سفیر آنکشور در ایران تغییر کرد و بجای  
 وی آقای (پکوف) عهده دار سفارت شوروی شد .

با این تحولات که از شروع فصل تازه ای در روابط دو کشور حکایت داشت و مقدمه  
 همکاریهای فنی و اقتصادی از جمله عقد قرارداد ترانزیتی و بهره برداری از آب رودخانه  
 های مرزی و مبادله هیاتهای پارلمانی و ورزشی و بازرگانی بین ایران و شوروی فراهم  
 گشت .

ساختمان راهروی زیرزمینی میدان سپه بپایان رسید و روز بیست و پنجم تیر رفت و  
 آمد ازین راهرو آغاز گشت .

سرشماری عمومی در سراسر کشور از صبح دهم آبان آغاز شد و سی هزار مامور  
 سرشماری از طرف اداره آمار عمومی بانجام یک سرشماری عمومی در تهران و شهرستانها  
 اقدام کردند .

ریل گذاری راه آهن تهران - مشهد روز هفدهم دیماه بپایان رسید و اعلام شد که  
 ایستگاه راه آهن مشهد روز پانزدهم فروردین ماه از طرف شاهنشاه گشایش خواهد یافت .  
 نمایشگاه اتم برای صلح که با همکاری دولت آمریکا ایجاد شده بود روز پانزدهم  
 اسفند بوسیله شاهنشاه افتتاح شد و بطوریکه رئیس دانشگاه اعلام نمود برای خرید  
 واهدای یک (راکتور اتمی) دولت آمریکا ۳۵۰ هزار دلار بدانشگاه تهران هدیه کرده است .  
 روز پانزدهم فروردین ماه که آقای علاء استعفای حکومت خویش را تقدیم شاهنشاه  
 داشت و رهبر ما نیز دکتر منوچهر اقبال را که از رجال با شخصیت و محبوب وقت بود  
 مامور تشکیل دولت نمودند و او نیز کابینه خود را بشرح زیر تشکیل داد .

کابینه دکتر منوچهر اقبال تاریخ تشکیل ۱۵ فروردین ۱۳۳۶

نخست وزیر دکتر منوچهر اقبال - وزیر امور خارجه علیقلی اردلان - وزیر کشور  
 دکتر فتح اله جلالی - وزیر فرهنگ دکتر محمود مهران - وزیر بهداری دکتر عبدالمحسین  
 راجی - وزیر دارائی علی اصغر ناصر - وزیر انحصارات و گمرکات سرتیپ علی اکبر زرغام  
 وزیر جنگ سرلشکر احمد وثوق - وزیر راه سرلشکر ولی انصاری - وزیر کشاورزی سرتیپ

حسن اخوی - وزیر صنایع و معادن مهندس جعفر شریف امامی - وزیر پست و تلگراف  
 مهندس امیر قاسم اشراقی - وزیر بازرگانی مصطفی تجدد - وزیر کار آقاخان بختیسار  
 کفیل وزارت دادگستری محمد مجلسی - وزراء مشاور مهندس خلیل طالقانی و دکتر  
 نصرت اله کاسمی .

### تغییرات

دروزارت امور خارجه : از بیستم اردیبهشت ۱۳۳۷ آقای علی اصغر حکمت بجای آقای  
 دکتر علیقلی اردلان .

از تاریخ بیست و دوم خرداد ۱۳۳۸ دکتر جلال عبده بجای علی اصغر حکمت .  
 از تاریخ یازدهم امرداد ۱۳۳۸ عباس آرام بجای دکتر جلال عبده .  
 در وزارت کشور : از تاریخ نوزدهم شهریور ۱۳۳۷ سرلشکر نادر باتمانقلیچ بجای دکتر  
 فتح الله جلالی

از تاریخ بیست و دوم خرداد ۱۳۳۹ رحمت اتابکی بجای سرلشکر باتمانقلیچ .  
 دروزارت دارائی : از تاریخ چهاردهم آذر ۱۳۳۸ سرلشکر علی اکبر ضرغام بجای علی  
 اصغر ناصر .

در وزارت بازرگانی : از تاریخ شانزدهم آذر ۱۳۳۸ عباسقلی نیساری بجای مصطفی  
 تجدد . از تاریخ بیست و دوم خرداد ۱۳۳۸ دکتر عبدالحسین اعتبار و از تاریخ دهم  
 بهمن ۱۳۳۸ حسنعلی منصور بوزارت بازرگانی منصوب شدند .

در وزارت کشاورزی : در تاریخ چهارم آبان ۱۳۳۸ دکتر جمشید آموزگار بجای سرتیپ  
 حسن اخوی بوزارت انتخاب شد .

در وزارت بهداری : از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۳۸ دکتر محمد حسین ادیب .  
 در وزارت کار : در تاریخ هشتم شهریور ۳۷ دکتر جمشید آموزگار بوزارت کار انتخاب شد  
 از تاریخ چهارم آبان ۱۳۳۸ حسنعلی منصور و از تاریخ دهم بهمن ۱۳۳۸ مهندس  
 عبدالرضا انصاری به ترتیب مقام وزارت کار را داشته اند .

در وزارت گمرکات و انحصارات : از تاریخ بیست و سوم آذر ۱۳۳۸ موسی خطاطان بکفالت  
 و از تاریخ ششم بهمن ۱۳۳۸ بوزارت انتخاب شد .

برنامه دولت دکتر اقبال که در مجلس سنا بوسیله خود نخست وزیر قرائت شد .

اکنون که بر حسب فرمان مطاع ملوکانه دولت جدید تشکیل شده است لازم میدانند باستحضار نمایندگان محترم برسانند که دولت جناب آقای علاء‌به‌پیروی از نیات خیرخواهانه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و پشتیبانی نمایندگان محترم مجلسین در مدت تصدی خود اقدامات مثبتی انجام داده که تعقیب آنها مورد علاقه و جزو برنامه دولت فعلی نیز قرار دارد .

سیاست خارجی ایران در دولت سابق با روش تازه‌ای که با رهبری ذات اقدس ملوکانه اتخاذ شده بر همه معلوم و روشن است .

دولت اینجانب نیز در تعقیب آن سیاست در توسعه و تحکیم روابط حسنیه و مودت آمیز با کلیه کشورهای جهان بر اساس احترام متقابل حقوق یکدیگر کوشا خواهد بود و بمنشور سازمان ملل احترام کامل میگذارد و اجرای تصمیمات و قطعنامه‌های آنرا ضروری دانسته و در تشدید مبانی آن سعی وافر مبذول میدارد .

برای تقویت و تحکیم پیمان بغداد نهایت مجاهدت را نموده و ایجاد وسایلی همکاری بین دول اسلامی را لازم میدانند .

هر اقدامی را که در تحکیم و تامین صلح بین‌المللی و مخصوصاً " امنیت خاورمیانه و تضمین سعادت عمومی موثر و مفید تشخیص بدهد تایید مینماید و آنچه را که — برخلاف این منظور بداند طرد میکند و اساساً در راهی که پیش گرفته اصول متین آزادی و انسانیت و بشر دوستی هادی و راهنمای آن میباشد .

در سیاست داخلی برنامه دولت اینجانب کار است و کار یعنی اجرای سریع برنامه های خصوصی و کمک بفعالیتهای تولیدی و عمرانی اشخاص از طریق تقویت بانکهای کشاورزی و صنعتی و ساختمانی و رهنی و جلب سرمایه و کمک های فنی خارجی و همچنین اصلاح سازمان ادارات بمنظور حسن جریان و تسریع کارهای مردم و ادامه اقداماتی که در منع کشت خشکاش و استعمال تریاک تاکنون بعمل آمده و سعی در باسواد کردن مردم و توسعه ارتباطات کشور و تسریع در امر تقسیم املاک خالصه و استفاده از منابع سرشار زیرزمینی کشور بخصوص نفت .

امیدوار هستیم که در ظل عنایات و توجهات ملوکانه و پشتیبانی نمایندگان محترم مجلسین دولت در انجام وظایف محوله توفیق کامل حاصل نماید .  
اولین واقعه کابینه دکتر اقبال حدوث زلزله را میتوان نامبرد .

صبح یازدهم تیرماه زلزله بسیار شدید و بی سابقه‌ای در سراسر مناطق شمالی کشور روی داد که تلفات و ضایعات فراوان ببار آورد و بخصوص که در کوهپایه های لاریجان و فیروزکوه آسیب زیاد رسانید .

به مناسبت وقوع این زلزله که تنها در یک ناحیه ۴۰۰ نفر مقتول و سه هزار نفر مفقود و ده هزار نفر مجروح داشت و دهها دهکده را با خاک یکسان ساخته بود درکشور عزای عمومی اعلام شد .

این واقعه اسفناک باعث شد که شاهنشاه معالجه خود را در اروپا نیمه تمام گذارده بکشور مراجعت کنند و بلافاصله پس از ورود بکشور طی بیاناتی چنین فرمودند :  
 " پیشامد اسفناک وقوع زلزله در شمال مایه کمال تاسف ماست ولی نه تنها نباید این پیشامدها اراده ما را در راه پیشرفت میهن عزیز سست کند ، بلکه باید مارامصم تر سازد وجدی تر پیش برویم .

این حادثه ناگوار ما را بیش از پیش وادار به خدمتگزاری میکند . جدیت بسیار نمائیم تا بتوانیم آلام و مصائب وارده را تاحدی جبران کنیم .  
 من هم انشالله تا بتوانم سعی میکنم که هر چه در قدرت دارم بکار بندم برای آنکه از بدبختی و آلام مردم آسیب دیده کاسته شود . "

پس از آن شاهنشاه شخصا " عازم سرکشی بنقاط زلزله زده شدند و بعد از بازدید از زیرآب و پل سفید و بابل و چند نقطه دیگر بوسیله اسب به سنگ چال محل اصلی زلزله تشریف فرما شدند و با وجود بدی راه یکایک نقاط آسیب دیده را از نزدیک ملاحظه فرمودند و با اتومبیل و اسب و قاطر از نقاط زلزله زده لاریجان دیدن فرمودند و دو میلیون و نیم ریال شخصا " برای ساختن خانه در نقاط آسیب دیده مرحمت فرمودند .

اما هنوز آلام ناشیه از زلزله شمال تسکین نیافته بود که در آذرماه زلزله شدید دیگری منطقه غرب ایران را ویران ساخت و بخصوص در نواحی کردستان عده زیادی کشته شدند دهات با خاک یکسان شد و مردم خانه و خانمان خود را از دست دادند .  
 در این مورد نیز از طرف شاهنشاه و مردم برای دفع آلام زلزله زدگان اقدام و اهتمام شد و شاهنشاه از نقاط زلزله زده دیدن فرمودند .

طبق تصمیم مجلس موسسان دوم که تشکیل مجلس واحدی را از نمایندگان دو مجلس برای یکبار مقرر داشته بود .

در ساعت پنج و سه ربع بعد از ظهر روز یکشنبه بیست و نهم اردیبهشت کنگره ای مرکب از نمایندگان مجلسین سنا و شورا بریاست آقای صدر رئیس مجلس سنا در تالار عمارت بهارستان تشکیل شد .

این کنگره اصول چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم قانون اساسی را مورد تجدید نظر قرار داد و بموجب مصوبات کنگره عده نمایندگان مجلس شوراییلی از ۱۳۶ نفر بدویست نفر و دوره نمایندگی از دوسال بچهار سال افزایش یافت .

\* \* \*

شب شانزدهم تیرماه ماموریتی که چندین ماه برای یافتن سروان سابق ارتش خسرو روزبه رئیس سازمان نظامی حزب توده کوشش می کردند موفق به یافتن وی گشتند . هنگام دستگیری روزبه بین او و مامورین تیراندازی شد و در نتیجه هم روزبه و هم یکی از مامورین مجروح شدند ، روزبه روز ۱۶ تیر تحت عمل جراحی قرار گرفت و سپس در محکمه نظامی محکوم به اعدام و تیر باران شد .

دولت اقبال می کوشید تا آرامش را بر کشور حکمفرما ساخته و اقدامات اصلاحی دنبال شود و در این مورد اولین قدم مثبت بستن قرارداد نفت بر اساس ۲۵ - ۷۵ بود که چنین قراردادی برای اولین بار در دنیا منعقد شده است .

بدنبال عقد قرارداد نفت با کمپانی ایتالیائی ( آجیپ مینزاریا ) بر اساس ۲۵ - ۷۵ در فروردین ماه سال ۱۳۳۷ نیز قرارداد دیگری بر همین اساس با شرکت ( پان آمریکن پترولیم ) و سپس قراردادی با یک شرکت کانادائی با مضاء رسید . این هر سه قرارداد که از حیث اساس یکسان بود ، در منطقه فلات قاره یا نفت کف خلیج بمرحله اجرا گذارده شد .

انعقاد قراردادهای مزبور برای ایران یک موفقیت بزرگ شناخته میشد زیرا این قراردادها فصل تازه ای در تاریخ قراردادهای نفت میگذرد و بسایر کشورهای صادرکننده نفت فرصت میداد تا برای کسب امتیازات بیشتری با کمپانیهای نفتی وارد مذاکره شوند . ایران باینهم اکتفا نکرد بنا بر شاهنشاه برای احقاق حق کشورهای نفت خیز در ضد ایجاد اتحادیه ای از اینکشورها برآمد تا صاحبان نفت بتوانند بطور دستجمعی



از منافع خود در قبال اتحادیه‌های قدرتمند نفتی دفاع کنند و این اتحادیه بسازمان (اوپک) موسوم گشت .

طبق قراردادهای جدید نفت ۷۵ درصد از کل منافع حاصله به ایران می‌رسد و ۲۵ درصد بشرکت‌های عامل اکتشاف و استخراج و تصفیه .  
 باین معنی که شرکت ملی نفت ایران در منافع حاصله از نفت با طرف قرارداد متساویا سهیم می‌باشند و آن مبلغی است که هنوز مالیات و عوارض از آن کسر نشده است و چون دولت ایران از کل منافع شرکتهای طرف قرارداد پنجاه درصد مالیات می‌گیرد اینستکه در واقع ۲۵ درصد دیگر از مجموع منافع نیز بخزانة ایران وارد میشود .

### بنیاد پهلوی

در آغاز هجدهمین سال سلطنت شاهنشاه فرمانی دائر بتشکیل ( بنیاد پهلوی) صادر فرمودند . در فرمان شاهنشاه قید شده است :  
 " وظایف و هدفهای این بنیاد خیریه کمک‌بهداشت عمومی و توسعه فرهنگ و مراقبت نسبت بامور اجتماعی و تهدیب اخلاق عمومی و کمک بمستمندان خواهد بود . "  
 تمام مهمانخانه‌های ملکی و شخصی و موروثی که تا اینزمان بوسیله اداره املاک سلطنتی اداره میشد طبق فرمان شاهنشاه به بنیاد پهلوی واگذار شد تا درآمد آن وقف مصارف خیریه بشود .

\* \* \*

ورود دریا سالار رادفورد و جرج ماک گی بنهران جهت مذاکره پیرامون عقد قرارداد تدافعی دوجانبه و مسئله کمک‌های نظامی آمریکا بایران بود .  
 همچنانکه اسمیرونوف و هیات او نیز برای مذاکراتی در زمینه همکاریهای بیشتر ایران و شوروی بایران آمده بودند .

در باره این حادثه سیاسی سال شاهنشاه چنین مینگارند .  
 " پس از کودتای کشور عراق که در سال ۱۳۳۷ پیش‌آمد اعضای پیمان بغداد تشکیل جلسه دادند و از دولت آمریکا مصرا " تقاضا کردند که در پیمان مزبور شرکت نماید .

با آنکه دولت امریکا عضویت اکثر کمیته‌های پیمان مزبور را دارا بود ولی از الحاق پیمان بغداد فعلا " خودداری کرد و در عوض پیشنهاد نمود که پیمان‌های دفاعی دوجانبه با کشورهای - ترکیه و پاکستان و ایران منعقد سازد .

بموجب آن امریکا متعهد گردید که اگر یکی از کشورهای نامبرده مورد حمله نیروهای کمونیزم بین‌المللی قرار گیرد بکمک آنها اقدام کند .

ما نیز با دوستان ترک و پاکستانی خود مصمم شدیم قرارداد پیشنهاد شده با آمریکا را قبول و امضاء کنیم هنگامیکه روسها ازین موضوع استحضار یافتند یادداشتی حاکی از اعتراض سخت برای ما فرستادند .

برخلاف سنن و رسوم دیپلماسی قبل از آنکه اعتراض خود را رسماً تسلیم کنند در رادیوها پخش کردند و نیز بسفیر خود در تهران دستور دادند که مفاد اعتراض مزبور را شخصا " بنمایندگان مجلسین ایران برساند .

در آنموقع ما با کمال صداقت بروسها گفتیم که عمل آنها خطر این را دارد که اشتباهات گذشته که منجر به تیره‌گی روابط طرفین شده بود تکرار شود و با آنها خاطر نشان ساختیم که با این نیروی مسلح شگرف و عظیمی که در اختیار دارند هر اس‌انها از سازمانهای کوچک دفاعی ما دور از عقل سلیم است و صلاح و نفع طرفین در آنست که همان سیاست دوستی ووداد قبلی بین دو کشور ادامه داشته باشد .

اقدام دیگری که روسها برای جلوگیری ما از امضاء قرارداد دوجانبه بعمل آوردند این بود که واسطه‌هایی برانگیخته و بوسیله آنها وعده عقد قرارداد طویل‌المدت عدم تجاوز و کمکهای هنگفت اقتصادی دادند .

در عین حال قرارداد دوجانبه بشکلی که اول پیشنهاد شد آن مفهومی را که میخواستیم داشته باشد نداشت و فاقد ضمانت‌های لازم بود و میزان مهمات جنگی که برای کشور ایران میرسید نیز کافی نبود و چون خود را ازین حیث کله‌مند میدانستیم بخود اجازه دادیم که در باره عقد قرارداد عدم تجاوز با روسها وارد مذاکره شویم .

روسها در اینموقع مرتکب خطبی شدند و مدت دوهفته در اعزام نمایندگان خود تاخیر نمودند و در خلال آن مدت شرایط مندرج در پیش نویس قرارداد دو جانبه بنحوی که موجب رضایت ما بود تغییر یافت .

وقتی نمایندگان روسها رسیدند اشتباه دیگری مرتکب شدند بدین کیفیت که برای

آغاز مذاکرات تقاضا کردند از پیمان بغداد خارج شویم و هر چند وقتی مقاومت سخت ما را در برابر آن تقاضا دیدند منصرف شدند ولی اصرار داشتند که از امضاء قرارداد دو جانبه خودداری کنیم .

در اینجا متوجه شدیم که روسها در قبال عقد قرارداد عدم تجاوز در نظر دارند ما را از متفقین خود جدا سازند و نه تنها اصرار داشتند که ما از عقد قرارداد با آمریکا بپرهیزیم بلکه پیش نویس قراردادی که برای عدم تجاوز پیشنهاد میکردند حاوی موادی بود که مناسبات ما را با دوستانمان بسیار ضعیف می ساخت .

مذاکرات عقد قرارداد روسها با ما بعمل فوق به نتیجه ای نرسید و نمایندگان آنها بدون اطلاع از ایران خارج شدند .

و حملات تبلیغاتی روسها متعاقب این قضیه از سر گرفته شد و در ایران نیز صف متحدی علیه این تبلیغات بوجود آمد که اعجاب و تحسین جهانیان را برانگیخت .

### مسافرت های دولت

در سال هیجدهم سلطنت بنا به امر شاهنشاه هیات دولت مسافرت های رابطی در دستجمعی در داخل مملکت آغاز نمود و در استانهای فارس ، کردستان ، آذربایجان خوزستان و اصفهان وزرا فرصت یافتند از نزدیک با مشکلات و حوایج مردم آشنا شده جهت تسهیل در کار مردم ولایات مستقیما اقدام کنند ، این سفرها در سالهای بعد نیز همچنان ادامه یافت و نتایج سودمندی ببار آورد .

طی سال اخیر در پاره ای شهرستانها بکمک سازمان برنامه مقدمات لوله کشی فراهم آمد و تاسیسات تازه ای بسازمان آب تهران که در سال ۱۳۳۴ از طرف شاهنشاه گشایش یافته بود و بوسیله آقای مهندس غلامعلی میکده اداره میشد افزوده گشت .

در بهمن ماه همین سال لایحه ای از طرف دولت جهت تجدیدنظر در تشکیلات سازمان برنامه و انتقال اختیارات سازمان برنامه بر رئیس دولت تقدیم مجلسین شد که موجب استعفا و کناره گیری آقای ابتهاج مدیرعامل سازمان برنامه گشت .

در اردیبهشت ماه سال ۳۸ نخستین جلسه مطبوعاتی شاهنشاه برگزار شد . این از شرفیابی های ماهانه روزنامه نگاران بحضور شاهنشاه بود . در نخستین جلسه مطبوعاتی

شاهنشاه پیرامون مسئله تثبیت قیمت ها و مبارزه با گرانفروشی بتفصیل سخن گفتند و اشاره فرمودند :

" موضوع تثبیت قیمتها ، موضوع غامضی است که در بعضی ممالک از آن نتیجه گرفتهاند و در بعضی ممالک نتیجه معکوس داشته است . میگویند بمحض اینکه قیمتی برای جنس تعیین میشود عده‌ای شروع به احتکار و کم فروشی و گرانفروشی میکنند . اقدام اساسی و کار عاقلانه اینست که در این مملکت تولید را بالا ببریم و برای تولید بیشتر باید کشاورزان را تشویق نمود . . . "

علاوه بر روزنامه‌نگاران ، نمایندگان مجلس سنا و شورا نیز هر ماه یکبار بطور دستجمعی حضور شاهنشاه شرفیاب میشدند .

درین ایام ، بعلت حملات شدید تبلیغاتی و رادیویی روسها علیه ایران که از هنگام عقد قرارداد دوجانبه میان ایران و آمریکا آغاز شده بود ، در سراسر کشور موجی از احساسات ملی بچشم میخورد و مردم ایران ، با تظاهرات یکپارچه نشان میدادند که اجازه نخواهند داد هیچ کشور خارجی ولو هر قدر قدرتمند باشد بحریم ملی این کشور تجاوز کند . این یکپارچگی و هماهنگی مردم ایران احساس احترام و اعجاب جهانیان را برانگیخت و سرانجام سبب شد که پس از چندین ماه ، روسها به تبلیغات منفی خود خاتمه داده با همسایه جنوبی خود از در آشتی درآیند .

در اردیبهشت ماه ، طبق اعلام قبلی شاهنشاه ایران برای یک بازدید رسمی از کشورهای انگلستان دانمارک و هلند تهران را ترک گفتند .

در هر سه کشور اروپائی شاهنشاه ایران ، مورد استقبال گرم و پر شکوه قرار گرفتند و با سربازان و زمامداران سه کشور مذاکراتی بعمل آوردند .

بنا بدعوت دولت پاکستان شاهنشاه و ملکه در بهمن ماه نیز بطور رسمی از کشور پاکستان دیدن فرمودند .

### تقسیم املاک

در سال نوزدهم سلطنت ، تقسیم املاک سلطنتی از طرف شاهنشاه همچنان ادامه یافت . روز دوم مرداد ماه کشاورزان در شمال اسناد مالکیت خود را از شاهنشاه دریافت

داشتند و نکته جالب این بود که در میان این روستائیان برای نخستین بار عده‌ای از زنان روستای که آب و ملک کشته بودند بحضور شاهنشاه رسیدند و اسناد خود را دریافت نمودند .

و نیز روز هفدهم بهمن اسناد مالکیت ۴۲۱۲ هکتار از املاک شمال در کاخ مرمر توسط شاهنشاه میان ۱۶۰۷ کشاورز توزیع شد .

### دوشیزه فرح در زندگانی شاهنشاه وارد میشود . .

در آبانماه سال ۳۸ رسماً از طرف دربار شاهنشاهی اعلام شد که اعلیحضرت همایونی دوشیزه فرح دیبا را بنامزدی برگزیده‌اند .  
در خاطرات خود ، شاهنشاه مینگارند :

" . . . روزی دخترم شاهدخت شهناز با چشمانی که بیش از معمول فروغ شادی در آن میدرخشید نزد من آمد و اظهار داشت که وی و شوهرش با دوشیزه جوانی بنام فرح دیبا آشنا شده‌اند که بنظر آنها برای احراز مقام ملکه ایران از هر حیث شایستگی دارد . . . من طبعاً میخواستم از سوابق خانوادگی و تربیت و میزان تحصیلات و شخصیت این دوشیزه جوان اطلاعاتی داشته باشم معلوم شد که پدر وی از یک خانواده مشهور قدیمی تبریز و مادرش از یک خانواده محترم روحانی گیلان است . . . یگانه فرزند خانواده ، ملکه فرح در سال ۱۳۱۷ متولد شده و با پسر دایی خود که همسن او بود در یک خانه پرورش یافت و این دو کودک مانند خواهر و برادری باهم بزرگ شدند . . . دوشیزه فرح بدواً " بمدرسه ایتالیاییها در تهران گذاشته شد و تا سن دهسالگی در آنجا بتحصیل مشغول بود چندی بعد مادرش او را بمدرسه دخترانه دیگری بنام ژاندارک سپرد و تا سن شانزده سالگی در آن مدرسه بتحصیل پرداخت درین دبیرستان دوشیزه فرح ورزش علاقه خاصی پیدا کرده و چهار سال بازی بسکتبال و سایر ورزشهای دستجمعی مشغول بود و مدت دو سال سر دسته بازیکنان بسکتبال دبیرستان بود و این دسته در مسابقات بین شهرستانها نیز موفقیت زیادی کسب کرد اما قسمت عمده اوقات دوشیزه فرح در دبیرستان بغرا گرفتن هنرهای زیبا میگذشت و بنا بتشویق یکی از آموزگارانیش برشته نقاشی مخصوصاً آب و رنگ توجه مخصوص پیدا کرد . کم کم استعداد هنسری وی

آشکار گردید و در اثر مساعدتهای آموزگاران دوشیزه خجول صاحب شخصیت ووقار ممتاز گردید و باتشریک مساعی در امور مربوط به آزمایشگاههای دبیرستان و گردشهای دستجمعی روش شرکت در اجتماعات را فرا گرفت و در اثر انضباط مخصوص دبیرستان ، در سنکوار و قابل اعتماد و وقت شناس بار آمد .

دوشیزه فرح دوره متوسطه را در دبیرستان رازی بیپایان رسانید هرچند در ابتدا میل وی بتحصیل در رشته میکرب شناسی یا پزشکی بود ولی در نتیجه تشویقات بتحصیل رشته معماری مصمم گردید و بمدرسه مخصوص معماری پاریس داخل شد و مدت دو سال بفرار گرفتن این رشته همت گماشت . . . . دوشیزه فرح برای گذراندن تعطیلات تابستانی خود در سال ۱۳۳۸ بتهران آمد و در این موقع داماد و دخترم باوی آشنا شده و برای صرف شام ازو دعوتی بعمل آوردند . . . بار دیگر که از دوشیزه فرح دعوت بعمل آمد دخترم ترتیبی فراهم ساخت که من نیز در آن میهمانی شرکت کنم وسیلهای بدست آمد که بتوانم با یکدیگر گفتگو کنیم .

یکهفته بعد ازین ضیافت باو پیشنهاد ازدواج کردم . . . "

اقداماتی که انجام شد . . .

از جمله اقدامات عمرانی و اصلاحی که در ششماهه اول سال ۱۳۳۸ صورت گرفت افتتاح خط انتقال برق از آبادان به اهواز ، امضاء موافقتنامه بازرگانی ایران وچکاسلواکی گشایش ساختمانهای جدید و زایشگاه نوبنیاد بنگاه حمایت مادران در باغ فردوس تهران امضای قرارداد مربوط به دریافت ۷۲ میلیون دلار وام راهسازی بین ایران و بانک بین المللی توسعه و عمران افتتاح کنگره فرهنگیان کشور برای تجدید نظر در برنامه دبیرستانها ، افتتاح کارخانه سیمان درود با ۶۰۰ تن محصول روزانه بود .

بجرات میتوان گفت پس از شهریور ۱۳۲۰ دولت دکتر اقبال تنها کابینه موفقسی بود که توانست برنامههای اصلاحی و عمرانی را پیایی اجرا کرده و در وضع زندگی مردم تغییرات مفیدی بدهد و بسیاری از کارهای عام المنفعه در این دولت صورت گرفت .

در اوایل سال ۳۹ علاوه بر تبلیغات رادیویی روسها که همچنان ادامه داشت دستگاه تبلیغاتی حکومت عراق نیز علیه ایران بکار افتاد زیرا در اواخر سال ۳۸

## نیم ستم ستمت بردها

عبدالکریم قاسم رئیس جمهوری وقت عراق نسبت بقسمتی از اراضی ایران ادعاهائی کرده بود که احساسات عمومی مردم ایران را برانگیخت و متعاقب آن رادیوها و سازمانهای تبلیغاتی در کشور شروع بنشر مطالبی علیه یکدیگر نمودند .

در مرداد ماه سال ۳۹ با مبادله پیامهائی بین خروشچف نخست وزیر اتحاد شوروی و نخست وزیر ایران مجدداً " مابین دو کشور ایران و شوروی تفاهم برقرار شد و دولت شوروی از نخست وزیر ایران برای سفر بمسکو دعوت کرد که این مسافرت بفروردینماه بسال بعد موکول گشت ،

همچنین در خرداد ماه همانسال بین مقامات دولت ایران و عراق مذاکراتی آغاز شد که بمبهد روابط دو کشور منتهی گشته و مناسبات ایران و عراق بحال عادی بازگشت .

و هشت ماه کار و تصویب ۸۷۰ لایحه عمرش باآخر رسید .

در همان ایام مبارزات انتخاباتی بشدت ادامه داشت و سه دسته شاخص درین مبارزات شرکت داشتند که عبارت بودند از :

حزب ملیون برهبری دکتر اقبال نخست وزیر ، حزب مردم برهبری آقای علم

و منفردین .

انتخابات دوره بیستم قانونگزاری باین سبب که جنبه حزبی داشت مورد توجه محافل مختلف بود و مردم با هیجان آماده شرکت در مبارزات انتخاباتی گشته بودند ؛ در جریان انتخابات از طرف رهبران دو حزب و همچنین زعمای منفردین نطقهای تندی ایراد میشد و حتی در پاره‌ای شهرستانها مبارزات انتخاباتی بسختی زدوخوردهای سخت و خونین انجامید تا سرانجام در اواخر مردادماه اخذ آراء در تهران تمام و قرائت آراء شروع شد جمع آرائی که درین انتخابات اخذ شد ۹۸۵۰۰ رای بود .

در جریان قرائت آراء نارضایتی مردم از جریان انتخابات چه در تهران وجهه در شهرستانها شدیداً بالا گرفت تا آنجا که مردم بشاهنشاه ملتجی شدند و معظم له در مصاحبه ماهانه خود با مدیران جراید هنگامیکه بحث انتخابات بمیان آمد صریحاً " فرمودند :

" از جریان انتخابات راضی نیستم "

بدنبال مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه دسته دسته روسا و اعضای انجمنهای فرعی نظارات استعفا کردند و دولت نیز در قبال این جریان ناچار با استعفا شد .  
پس از استعفای دولت اقبال، شاهنشاه فرمان نخست وزیری بنام آقای مهندس شریف امامی صادر فرمودند و سپس طی پیامی برای آن عده از نمایندگان که انتخاب شده بودند خاطر نشان کردند :

" مصلحت اینست که نمایندگان بطور دستجمعی استعفا کنند تا مجال آن داده شود که انتخابات جدید با نهایت بیطرفی و بی نظری در کشور انجام گردد ."  
باین ترتیب نمایندگانی که تا آن تاریخ انتخاب گشته بودند یکی بعد از دیگری استعفا کردند و انتخابات باطل شد .

دولت مهندس جعفر شریف امامی تاریخ تشکیل ۹ شهریور ۱۳۳۹

نخست وزیر مهندس شریف امامی - نایب نخست وزیر وزیر مشاور و سرپرست وزارت بازرگانی دکتر محمد سجادی - وزیر بهداری دکتر جهان شاه صالح - وزیر فرهنگ محمود مهران - وزیر راه سرلشگرولی انصاری - وزیر دارائی سرتیپ علی اکبر ضرغام - وزیر دادگستری دکتر محمد علی هدایتی - وزیر پست و تلگراف دکتر عبدالحسین اعتبار - وزیر کشور سپهبد علوی مقدم - وزیر صنایع و معادن دکتر ظاهر ضیائی - وزیر کار دکتر احمد علی بهرامی - وزیر گمرکات و انحصارات محمد رضی ویشکائی - وزیر خارجه یداله عضدی که ۱۲/۵/۳۹ معرفی شد - وزیر بازرگانی دکتر علی اصغر پورهمايون که ۱۳/۷/۳۹ معرفی شد وزیر کشاورزی ابراهیم مهدوی که ۲۱/۶/۳۹ معرفی شط - وزیر مشاور و قائم مقام نخست وزیر در سازمان برنامه مهندس خسرو هدایت - وزیر مشاور اشرف احمدی .



### تغییرات

- در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۳۹ دکتر عیسی صدیق بسمت وزیر فرهنگ معرفی شد .
- در تاریخ ۱۳ مهر ماه ۱۳۳۹ مهندس ابوالحسن بهنیا بوزارت راه معرفی شد .
- در تاریخ اول اسفند ماه ۱۳۳۹ احمد آرامش بعنوان وزیر مشاور و قائم مقام نخست وزیر در سازمان برنامه معرفی شد .

### دولت مهندس جعفر شریف امامی تاریخ تشکیل ۲۰ اسفند ۱۳۳۹

نخست وزیر مهندس شریف امامی - نایب نخست وزیر و وزیر مشاور و سرپرست اقتصادی دکتر محمد سجادی - وزیر بهداری دکتر جواد آشتیانی - وزیر جنگ سپهبد تقوی - وزیر پست و تلگراف دکتر عبدالحسین اعتبار - وزیر کشور سپهبد صادق عزیزی - وزیر صنایع و معادن دکتر طاهر ضیائی - وزیر کار دکتر احمد علی بهرامی - وزیر گمرکات و انحصارات محمد رضی ویشکائی - وزیر کشاورزی مهندس ابراهیم مهدوی - وزیر امور خارجه قدس نخعی وزیر بازرگانی دکتر علی اصغر پورهمايون - وزیر مشاور اشرف احمدی - وزیر مشاور و قائم مقام نخست وزیر در سازمان برنامه احمد آرامش .

انتخاباتی که موجب نارضایتی رهبر ما شد

### برنامه دولت مهندس جعفر شریف امامی

- ۱- ایجاد همکاری و هم آهنگی بین دستگاههای مختلف اقتصادی و اتخاذ سیاست صحیح بازرگانی و اقتصادی که هدف آن صرفاً "تامین مصالح عمومی کشور و مردم باشد .
- ۲- اقدام در تشکیل انجمنهای شهر و واگذاری کار مردم ب مردم .
- ۳- تعقیب برنامههای توسعه صنعتی و حمایت صنایع داخلی و جلب سرمایه و کمکهای فنی خارجی و همچنین مراقبت در اجرای برنامههای عمرانی کشور .
- ۴- توجه مخصوص با مورکشاورزی و دامپروری و آبیاری و کوشش درازدییاد تولیدات و عمران دهات و تشویق و کمک بمؤسسات و اشخاصی که در این خصوص اقدام می کنند .
- ۵- توسعه فرهنگ و فراهم نمودن وسایل کار دانشگاهها و ایجاد مدارس حرفهای .
- ۶- فراهم نمودن وسایل کار وزارت بهداری بمنظور توسعه بهداشت و ادامه مبارزه با کشت خشخاش و اجرای شدید قوانین مبارزه با قاچاق ادویه مخدره .
- ۷- اصلاح و توسعه راهها و راه آهن و توجه مخصوص در ایجاد راههای فرعی دهات .
- ۸- اصلاح و توسعه وسایل مخابرات .
- ۹- تقویت قوه قضائیه بمنظور تامین عدالت فردی و اجتماعی و هم چنین رفع نواقص قوای انتظامی .

- ۱۰ - فراهم نمودن وسایل رفاه مردم بالاخص از طریق ازدیاد تولیدات صنعتی و کشاورزی و تهیه مسکن و تثبیت قیمت‌ها .
- ۱۱ - مراقبت تام در اجرای صحیح قانون کار و بیمه‌های اجتماعی و اتخاذ تدابیری که موجب رفاه طبقه کارگر گردد .
- ۱۲ - اهتمام لازم برای وصول مالیات حقه دولت و اجرای قوانین مربوطه و سعی در ازدیاد در آمد و صرفه جوئی کامل در هزینه های عمومی کشور بنحوی که موجبات تعادل بودجه و سلامت وضع مالی کشور تامین شود .
- ۱۳ - ادامه مبارزه بانادرستی و طردکارمندان منحرفه و تعقیب جدی آنها و مراقبت تام در اجرای قانون رسیدگی بدارائی کارمندان و قانون منع مداخله وزراء و کارمندان دولت در معاملات دولتی .
- ۱۴ - تثبیت وضع اقتصادی کشور و اتخاذ تدابیر لازم بدین منظور .

### سیاست خارجی

برنامه دولت در سیاست خارجی پیروی از منشور سازمان ملل متحد و اقداماتی که در راه صلح جهانی انجام میگیرد و همچنین پیروی از سیاست ملی دیگران در حفظ و استقلال و تمامیت ارضی کشور و احترام بکلید تعهدات سیاسی .

### متن برنامه دوم مهندس شریف امامی

اکنون که برای دومین بار بفرمان مطاع مبارک ملوکانه مامور تشکیل دولت شده‌ام از خداوند قادر متعال مسئلت می‌نمایم که در انجام این وظیفه خطیر و سنگین توفیق کامل حاصل نموده و در این مکان مقدس و در محضر نمایندگان محترم اطمینان میدهم که تمام ساعی و تجارب و توانائی وهم خود را در راه خیر و صلاح و سعادت و رفاه مردم و تامین منافع ملی و مملکتی بکار برده و با ایمانی راسخ و عقیده‌ای ثابت در رفع مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی موجود مجاهدت تام بعمل آورم .

بدیهی است وصول باین هدفها جز با عنایات کردگار توانا و توجهات مخصوص

شاهنشاه بزرگوار و پشتیبانی و همکاری نمایندگان محترم مقدور و میسر نخواهد بود . امیدوارم با نیت پاک و قصد خدمت و اتحاد و یگانگی ما را لیاقت آن باشد که با

این نعمتهای بیکران خداداد که در این سرزمین موجود است بتوانیم با سعی و کوشش خود رفاه و آسایش مردم این کشور را بیشتر فراهم نموده و مملکت را آبادتر و افراد آنرا خوشبخت‌تر و سعادتمندتر بنمائیم و بخوبی از عهده مسئولیت بزرگی که در مقابل نسلهای بعد و تاریخ داریم و برآئیم .

### متن مواد برنامه

#### الف سیاست داخلی :

۱ - تعقیب برنامه تثبیت اقتصادی که اصول آن بدین شرح است :

الف - موازنه جمع و خرج مملکت و سعی در افزایش در آمد از طریق وصول صحیح مالیاتها و حذف هزینه‌های زائد و بیهوده و صرفه جوئی کامل در هزینه‌های عمومی کشور بنحوی که موجبات تعادل بودجه و سلامت وضع مالی کشور تامین گردد .

ب - اقدام به تکثیر تولیدات اعم از صنعتی یا کشاورزی از طریق ترغیب افراد به سرمایه‌گذاری در امور تولیدی و تاسیس شرکتهای تعاونی و افزایش سطح کشت مزروع و استفاده بیشتر از زمینهای زیرکشت بطوریکه با اجراء برنامه صحیح مکانیزه کردن زراعت و استفاده از کود شیمیائی اصلاح بذر و احداث تعداد کثیری چاههای عمیق بتوان در مدت کوتاهی تولید را به نسبت قابل توجهی افزایش داد .

ج - تامین موازنه پرداختهای ارزی که در حقیقت راهنمای واقعی جریان امور اقتصادی و تجاری کشور است .

د - مراقبت در تقسیم صحیح اعتبارات بانکها و تخصیص قسمت عمده آنها بکارهای تولیدی اعم از صنعتی یا کشاورزی بطوریکه توسعه اعتبارات در آینده همگام با بسط اقتصادی کشور باشد .

ه - توجه خاص با افزایش حجم صادرات کشور و استخراج معادن و تکثیر تولیدات دام برای تحصیل مقدار ارز بیشتر .

و - از بدهی دولت به بانک ملی ایران در سال ۱۳۴۰ تا میزان دوهزاروپانصد میلیون ریال کسر و باعتباراتی که در کارهای تولیدی مصرف میشود تخصیص داده خواهد شد .

ز - برای اینکه از تقلیل هزینه‌های عمرانی اجتناب شود دولت مصمم است مبلغ

هفتصد و پنجاه میلیون ریال در سال ۱۳۴۱ و چهارصد و پنجاه میلیون ریال در نیمه اول سال ۱۳۴۱ سازمان برنامه کمک نماید .

چنانکه در سال جاری هم هفتصد و پنجاه میلیون ریال کمک شده است سازمان برنامه نیز هشتصد میلیون ریال در سال ۱۳۴۰ و پانصد میلیون ریال در نیمه اول سال ۱۳۴۱ از قروض خود را بیانک ملی پرداخت خواهد نمود .

ح - با تبعیت از اصل آزادی واردات و مبادلات ارزی برای بعضی از اقلام کالاها که تجملی و غیر ضروری بشمار میروند مقررات متناسب و محدود بتنهائی ایجاد و برای یک طبقه از کالاها بمنظور حمایت از مصنوعات مشابه در داخل کشور سودبازرگانی تعیین میشود و برای پرداختهای ارضی غیر بازرگانی صرفه جوئیهای لازم ادامه خواهد داشت .

۲ - ادامه برنامه توسعه صنعت و حمایت از صنایع داخلی موجود - کمک و اقدام بایجاد صنایع جدید - تسهیل در سرمایه گذاری و استفاده از کمکهای فنی خارجی و مراقبت در اجرای برنامه های عمرانی کشور .

۳ - حفظ و نگهداری راهها و پلها و موجود و ایجاد راههای مورد احتیاج از نظر تجارتي و عمرانی بطوریکه مناطق حاصلخیز کشور بمرکز دهستانها مرتبط شده و حداکثر بهره برداری از زمینهای متمر مملکت امکان پذیر گردد .

۴ - ایجاد همکاری و هم آهنگی بین دستگاههای مختلف اقتصادی اعم از بازرگانی و کشاورزی و صنایع و دستگاههای مواصلات و ارتباطات .

۵ - تهیه طرح برنامه پنج ساله که هدف اصلی آن افزایش درآمد ملی و توزیع عادلانه آن بین مردم و بالاخص ترقی سطح زندگانی ساکنین روستاها و بخشها بوده تا از مهاجرت از دهات و هجوم بشهرستانها بطریق عملی جلوگیری شود .

۶ - توسعه فرهنگ و فراهم نمودن وسائل کار دانشگاهها و تاسیس مدارس حرفه ای برای تهیه نیروی انسانی یعنی افراد آزموده از نظر فنی چه در رشته صنعت و چه در امور کشاورزی بطوریکه برای جمعی از جوانان کشور کار مفید تولیدی تهیه گردد .

۷ - اقدام در تشکیل انجمن های شهر در شهرهایی که در حال حاضر فاقد انجمن میباشند و همچنین اصلاح و تکمیل قانون فعلی انجمن های شهروا اهتمام در واگذاری تدریجی امور مردم ب مردم بالاخص در قسمت بهداری و تعلیمات ابتدائی .

۸ - تقویت قوه قضائیه بمنظور بسط امنیت فردی واجتماعی و تسریع در امور دادرسی

و همچنین رفع نواقص قوای انتظامی .

۹ - مراقبت تام در اجرای صحیح قانون کار و بیمه‌های اجتماعی و اتخاذ تدابیر لازم برای تامین بیشتر رفاه طبقه کارگر .

۱۰ - تقدیم لایحه قانون اصلاح قانون انتخابات بمنظور رفع نواقص موجود در قانون فعلی .

۱۱ - تقدیم قانون استخدام کشوری بمنظور رفع تبعیضات حقوقی و روشن کردن وضع کلیه مستخدمین و رعایت اصول در استخدام دولت .

### سیاست خارجی

برنامه دولت در سیاست خارجی پیروی از منشور ملل متحد و پشتیبانی از اقداماتی است که برای تحکیم اصول آن منشور و تامین صلح بکار میرود و با توجه باین اصل کلیه تعهدات و قراردادهای موجود خود را محترم دانسته و نسبت به پیمانهای تسدافعی که براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد منعقد نموده وفادار خواهد ماند .

هدف دیگری که در سیاست خارجی مقصود دولت میباشد مجاهدت برای توسعه و تحکیم بیشتر مناسبات دوستانه و حسن همجواری و ایجاد حسن تفاهم با کلیه همسایگان است و برای انجام این منظور هر فرصتی که دست دهد مغتنم خواهد شمرد .

در قسمت روابط با همسایگان لازم است باستحضار برسانم که با دولت ترکیه و دولت پاکستان که مناسبات دوستانه و عمیق و ناگسستنی داریم و از متحدین با ارزش ما هستند روابط ما روی اصول محکم و پا برجائی مستقر بوده و با هر دولت حسن تفاهم و یگانگی و اعتماد کامل موجود میباشد .

با همسایه دیگر ما افغانستان علائق دیرین و فراوان و ریشه‌داری همواره موجب آن بوده است که خواستار روابط نزدیک و برادرانه باشیم و آرزو مندیم که مناسبات بین طرفین روز بروز توسعه بیشتری یابد و تنها مشکلی که هنوز بین ایران و افغانستان معوق مانده از روی انصاف و عدالت و بطور مرضی الطرفین خاتمه پیدا نماید .

سال گذشته در اسفندماه سردار محمد صدراعظم افغانستان بتهران مسافرت نمودند و اینجانب بعنوان بازدید در آذرماه سال جاری بکابل عزیمت نمودم و از این سفر و دیدار رجال افغانی و موافقت‌هایی که در آنجا بعمل آمد نهایت خوشوقتی حاصل است .

اینگونه مسافرتها کمک بسزائی در ایجاد حسن تفاهم و صمیمیت داشته و لازم است برای استحکام آن کوشش های لازم بعمل آید البته در پرتو محیط و داد و حسن تفاهم میتوان امیدوار بحل هرگونه مشکلی گردید .

بادولت و ملت همکیش و برادر عراق طالب مناسبات حسنه و صمیمانه بوده و سعادت و ترقی برادران عراقی خود را همواره آرزومندیم .

مناسفانه مورد اختلافی بین ایران و عراق از سالها پیش باقی مانده که بیم آن میرفت هرآن موجب تیره گی روابط گردد .

ولی خوشبختانه در نتیجه حسن نیت طرفین اخیراً توافق حاصل شده که کلیه اختلافات دیرین از طریق مذاکره بین دوهیئت ایرانی و عراقی حل و فصل شود و این پیشرفت موجب کمال خوشبختی است .

راجع به مسایه بزرگ ایران یعنی اتحاد جماهیر شوروی علاقمند هستیم که روابط دوستانه و حسن همجواری که متکی با اصول احترام متقابل باشد بوجود آید .

اگر مدت کوتاهی در اثر سوء تفاهمات در مناسبات بین ایران و شوروی تیره گی حاصل شده بود خوشبختانه اینک قرائن و علائمی که از بهبود آن حکایت دارد پدیدار گشته است بطوریکه استحضار دارند قرار است اینجانب بمنظور تبلیغ حسن نیت در راس هیئتی رهسپار مسکو شوم و امیدوارم در تعقیب این سفر محیط دوستانه و پر از اعتماد جایگزین سوء تفاهمات گذشته بشود .

با دولت کشورهای متحد آمریکا روابط ما بسیار نزدیک و صمیمانه است و ملت ایران کمکهای معنوی و مادی آمریکا را فراموش ننموده و سیاست آن دولت را که بمنظور تقویت میانی صلح و تامین آزادی میباشد با دیده تحسین مینگرد .

روابط ما با دولت انگلستان که متحد ایران میباشد بر اساس احترام متقابل و تشریک مساعی استوار و کاملاً دوستانه است و نمونه بارز آن مسافرت علیاحضرت ملکه انگلستان بایران و استقبال و پذیرائی بسیار و گرم ملت و دولت ایران از معظم لها میباشد .

بدیهی است دولت سعی خواهد نمود که با کلیه ممالک بالاخص دول همکیش روابط دوستانه خود را بسط داده و آنرا مستحکم سازد .

پس از ابطال انتخابات در احزاب مردم و ملیون نیز تحولاتی صورت گرفت و اعلم دبیر کل حزب مردم و دکتر کاسمی دبیر کل حزب ملیون از مقام خود کناره گرفتند .  
 بار دیگر در اوایل دیماه حزب ملیون و حزب مردم هر کدام کاندیداهای خود را معرفی کردند و جمعی از منفردین نیز گرد هم آمده شروع بفعالیت کردند .  
 عاقبت در روز چهارشنبه چهاردهم دیماه دستور انتخابات از طرف وزارت کشور صادر و انتخابات زمستانی آغاز شد .  
 نزدیک ۱۸۰ نماینده از تهران و ولایات انتخاب گشتند و مجلس شورایی ملی روز سه شنبه دوم اسفندماه سال ۳۹ از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گشایش یافت .  
 اولین جلسه رسمی مجلس بیستم بلافاصله بریاست سنی آقای جمال اخوی نماینده اول تهران تشکیل شد و مجلس شروع بکار کرد .

## تعطیل دانشگاه

روز شنبه پانزدهم بهمن بعلت تظاهراتی که در دانشگاه و دانشسرای عالی همزمان با انجام انتخابات تهران صورت گرفت بنا بر تصمیم شورای دانشگاه ، دانشسرای عالی و دانشگاه تهران تعطیل شد و اعلامیه زیر از طرف دانشگاه انتشار یافت .  
 "چون عده ای از دانشجویان با وجود اعلامیه رئیس دانشگاه و تذکرات روسای دانشکده ها دانشجویان را با اعتصاب واداشته و باینکه استادان درس کلاس حاضر بودند مانع تدریس شده و کلاسها را تعطیل کرده اند .  
 با این عمل رعایت احترام استادان خود را که باین روش معترض می باشند ننموده و با وجود نصیحتی که بانان شده ، شب دانشگاه را ترک نکرده اند و ضمنا چون طبق اخبار واصله فردا عده ای آشوبگر در لباس دانشجو قصد اخلاخل و حتی حوادث نامطلوب و تاسف آوری را در دانشگاه دارند .  
 لذا بمنظور حفظ دانشجویان و حرمت دانشگاه تصمیم گرفته شد تا آگهی ثانوی دروس دانشگاه تعطیل باشد ."

## ایران دارای ولیعهد شد

مهمترین واقعه سال بیستم ولادت والا حضرت رضا پهلوی ولیعهد ایران در نهم آبان



۱۳۳۹ بود .

در آخرین روز سال ۱۳۳۸ رسماً اعلام شده بود که علیاحضرت شهبانو منتظر فرزندى هستند و مردم در تمام این مدت با اشتیاق انتظار آنرا می‌کشیدند که خداوند ولیعهدی بشاهنشاه و کشور ایران عنایت فرماید .

دعای مردم باجابت رسید و ساعت یازده و پنجاه دقیقه صبح روز دوشنبه نهم آبانماه در اطاق شماره ۲۴۶ زایشگاه حمایت مادران شهبانوی ایران پسری بدنیا آوردند . با اعلام این خبر سرتاسر کشور غرق در شادی و سرور گشت و مردم ایران که آرزوی دیرینه خود را تحقق یافته میدیدند با آذین بستن خیابانها و برپا داشتن طاق نصرت و مراسم جشن و سرور در شادمانی شاهنشاه و شهبانوی خود شریک شدند .

جشنهایی که بمناسبت ولادت با سعادت ولیعهد ایران برپا شده بود سه روز تمام ادامه یافت و هنگامیکه شاهنشاه و شهبانو باتفاق ولیعهد ایران از زایشگاه جنوب شهر بسوی قصر سلطنتی تشریف فرما میشدند مسیر ایشان غرق در گل بود .

روز چهارشنبه چهاردهم آبان نوزاد سلطنتی رسماً بنام والاحضرت همایون رضا پهلوی نامیده شد و در روز هفتم تولد نوزاد فرمانی دائر بر ولایتعهدی والاحضرت رضا از طرف شاهنشاه صادر گشت .

\* \* \*

تایک هفته قبل از آغاز سال ۱۳۴۰ مجلس بیستم که بتازگی گشایش یافته بود سرگرم امورداخلی خود و بحث و جدل پیرامون اعتبارنامهها بود و از همان ابتدای کار پیدا بود که مجلس نیز دستخوش اختلافات و تضادها و کشمکشهای شدید خواهد بود .

نطقهای تندى که از طرف جناحین مجلس در ابتدای سال ۴۰ شروع شد این پیش بینی را تایید کرد .

مع الوصف دولت مهندس شریف امامی که بنا بسنن پارلمانی پس از اعلام آمادگی مجلس مستعفی و مجدداً مامور ادامه کار شده بود توانست از مجلس رای اعتماد بگیرد و سپس بودجه کل کشور از طرف دولت بمجلس تقدیم گشت .

با تقدیم لایحه بودجه بمجلس شورایملى زمزهایی که تا آنزمان از طرف فرهنگیان درباره ترمیم حقوق ایشان بگوش میرسید یکباره علنی شد و معلمین مصر از دولت درخواست ترمیم حقوق خود را نمودند .

از طرفی در کمیسیون بودجه یکنوع صف آرائی در مقابل اقلام بودجه به چشم میخورد و وکلای مجلس بیستم که علیرغم تعرضات مخالفین نسبت بحریان انتخابات زمستانی در صدد کسب وجهه بودند میکوشیدند در همان ابتدای امر از هر فرصتی جهت ایجاد و جاهت برای مجلس استفاده کنند که آنکه در کمیسیون بودجه بهمین منظور شرکت معاملات خارجی حذف شد و بودجه ساختمان مجلس تقلیل یافت .

معافیت گمرکی تلویزیون ملغی گردید و در جلسه علنی مجلس نیز یک تبصره انقلابی ببودجه اضافه و حداکثر حقوق کارکنان دولت دوهزار پانصد تومان تعیین شد .

با طرح بودجه از یکطرف در جلسات علنی مجلس شورایی فرصت مناسبی برای ایراد نطق‌های آتشین بدست وکلا افتاد و از طرف دیگر فرهنگیان بر پافشاری خود برای مسئله ترمیم حقوق افزودند و رفته رفته تظاهراتی از قبیل سکوت در کلاس و اجتماع در وزارت فرهنگ دست زدند .

دولت میکوشید که این مسئله را از طریق مسالمت حل کند ، لکن مجلس عملاً بدولت همکاری نمیکرد و با وجود آنکه روز بیست و چهارم فروردین در کمیسیون بودجه بدولت اجازه داده شد برای هر نقطه‌ای که لازم بدانند از طریق اخذ شهریه برای ترمیم حقوق دبیران و آموزگاران اقدام کند ، مع هذا این اقدام نیز معلمین را متقاعد نکرد و رفته رفته زمینه اعتصاب عمومی معلمین فراهم گشت .

برای تامین نظر فرهنگیان دولت به آخرین تدبیر متوسل شد و روز دهم اردیبهشت ماه لایحه جداگانه‌ای جهت ترمیم حقوق دبیران و آموزگاران بمجلس تقدیم داشت ، اما چون این لایحه نیز جواب‌گوی درخواستهای معلمین نبود سرانجام روز سه‌شنبه دوازدهم اردیبهشت در تهران و شهرستانها اعتصاب عمومی معلمین آغاز شد .

در تهران جمعیت انبوهی از فرهنگیان در میدان بهارستان مقابل مجلس شورایی اجتماع کردند و متأسفانه ضمن تصادمی یک معلم بنام دکتر خانعلی کشته شد و دو معلم و یک دانش‌آموز نیز مجروح شدند .

حادثه اخیر بحریانات روز رنگ دیگری داد ، فردای آنروز در حالیکه دانش‌آموزان نیز بعنوان همدردی به معلمین خود پیوسته بودند بعنوان تشییع دکتر خانعلی ، تظاهرات حادی صورت گرفت و بالاخره این تظاهرات منجر بسقوط دولت شد .

متعاقب تیراندازی در مقابل مجلس و قتل یک معلم جمعی از وکلای مجلس شدیداً دولت مهندس شریف امامی را مورد اعتراض قرار دادند و دوتن از نمایندگان منفرد، دولت را در انیمورد استیضاح کردند.

رئیس دولت با حالتی برآشفته پشت تریبون رفت و تاکید کرد که دولت بهیچوجه دستور تیراندازی بسوی جمعیت را نداده است.

سپس نخست وزیر و همکاران وی با تعرض جلسه علنی را ترک گفتند و بدنبال جلسات کوتاهی استعفای هیات دولت اعلام شد.

و بدنبال استعفای آقای شریف امامی - دکتر علی امینی مامور تشکیل دولت گردید و او کابینه خود را تشکیل داد.

در اینحال مجلس نیز روزهای متشنجی را میگذرانید و بحث پیرامون حوادث روز با شدت و هیجان ادامه داشت.

روز پانزدهم اردیبهشت آقای دکتر علی امینی فرمان نخست وزیری خود را از شاهنشاه دریافت داشت و با آنکه وی بلافاصله در اجتماع معلمین حضوریافت و وعده داد که دولت جدید تقاضاهای ایشان را مورد توجه قرار خواهد داد اعتصاب همچنان ادامه داشت تا آنکه روز بیست و سوم اردیبهشت نخست وزیر تصمیم گرفت آقای درخشش را بعنوان وزیر فرهنگ در کابینه وارد کند و بر اثر مذاکراتی که با فرهنگیان بعمل آمد اعتصاب شکسته شد.

### دولت دکتر علی امینی : تاریخ تشکیل ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۰

نخست وزیر دکتر علی امینی - وزیر مشاور و سرپرست امور اقتصادی دکتر علی اصغر پورهمايون وزیر جنگ سپهبد علی اصغر نقدی - وزیر خارجه قدس نخعی - وزیر کشور سپهبد صادق عزیزی - وزیر دارائی و سرپرست وزارت گمرکات و انحصارات عبدالحسین بهنیا - وزیر پست و تلگراف مهندس هوشنگ سمیعی - وزیر کار عطاءاله خسروانی - وزیر صنایع و معادن مهندس غلامعلی فریور وزیر دادگستری نورالدین الموتی - وزیر راه مهندس جمال گنجی - وزیر بهداری دکتر عبدالحسین طبا که قبول نکرد و از تاریخ ۱۳/۳/۱۳۴۰ دکتر ابراهیم ریاحی معرفی شد - وزیر کشاورزی دکتر حسین ارسنجانی - وزیر بازرگانی جهانگیر آموزگار که از تاریخ ۳/۴/۴۰ معرفی شد - وزیر مشاور هادی اشتری - وزیر مشاور ناصر ذوالفقاری که از تاریخ ۲۱/۴/۴۰ معرفی شد.

### تغییرات

در تاریخ ۴۰/۱۰/۲ مهندس غلامعلی فریور وزیر صنایع و معادن استعفا کرد و بجای او مهندس تقی سرلک مشغول کار شد .

### برنامه دولت آقای دکتر علی امینی در سیاست داخلی

- ۱- انجام اقداماتی بمنظور پائین آوردن قیمتها و سعی در تقلیل هزینه زندگی .
- ۲- تقویت قوه قضائیه و تعقیب سوءاستفاده کنندگان از اموال عمومی باشد وجوه .
- ۳- اقدام باصلاحات ارضی و تجدید مالکیت‌های بزرگ و تقسیم اراضی دولتی میان کشاورزان توأم با تاسیس و توسعه شرکت های تعاونی روستائی و تامین اعتبارات تادیه وامهای ضروری بکشاورزان .
- ۴- ایجاد و توسعه صنایعی که مستقیماً با کشاورزی بستگی دارد و حمایت از صنایع ملی .
- ۵- تامین حداقل معیشت کارمندان مخصوصاً فرهنگیان که مسئولیت تربیت نسل آینده را به عهده دارند .
- ۶- تحکیم مبانی ایمانی و تربیتی از دبستان تا دانشگاه و بالا بردن سطح معلومات در مدارس و تعمیم اجباری و توسعه آموزشگاه‌های حرفه‌ای .
- ۷- ایجاد نظم و تشبیت سازمان وزارت دارائی و نظارت در خرج بمنظور تقلیل و بکار بردن وجوه عمومی در مصارف مقرر با اطمینان از نتیجه آن .
- اصلاح وضع وصول از طریق ساده کردن مقررات و تقلیل اصطکاک بین مودیان و مامورین و سعی در وصول مالیات واقعی .
- ۸- حفظ موازنه ارزی و تعدیل واردات و توسعه و تشویق صادرات و تمرکز وهم آهنکی دستگاههای اقتصادی .
- ۹- تامین بهداشت عمومی و نظارت دقیق در حسن جریان امور بیمارستانها .
- ۱۰- رعایت صرفه‌جویی کامل در مخارج موسسات واردات و شرکت‌های دولتی .
- ۱۱- تعمیم بیمه‌های اجتماعی کارگران و تامین حداقل دستمزد آنان .
- ۱۲- جلوگیری از تمرکز امور در مرکز با استفاده از قانون اختیارات استانداران و انجمن های شهر و انجمن های دهات .
- ۱۳- تصفیه ادارات دولتی از عناصر ناصالح .

۱۴ - اقدامات لازم برای بهبود وسایل ارتباطی و طرق مواصلاتی کشور .

### در سیاست خارجی

۱۵ - پیروی از منشور ملل متحد و پشتیبانی از اقداماتی است که برای تحکیم اصول آن منشور و تامین صلح بکار میرود .

با توجه باین اصل دولت کلیه تعهدات و قراردادهای خود را محترم دانسته و در تحکیم و تشدید و بسط مناسبات دوستانه با کشورها بخصوص ممالک همسایه براساس اصول احترام متقابل و حسن همجواری و حسن تفاهم که همواره اساس سیاست خارجی ایران بوده است مجاهدت خواهد نمود و برای انجام این منظور از هر فرصتی که پیش آید استفاده خواهد شد .

اولین اقدامی که دکتر امینی انجام داد انحلال مجلس بیستم بود که یکروز بعد از عمر حکومت دکتر امینی اعلام گردید .

مجلس بیستم مجموعاً پنجاه و نه روز عمر کرده بود و لایحه بودجه اولین و آخرین لایحه‌ای بود که این مجلس تصویب کرد و بسنا فرستاد ، لیکن پیش از آنکه لایحه برای اظهار نظر نهائی از مجلس سنا عودت داده شود ، هر دو مجلس منحل شدند .

نخست وزیر جدید ، روز بیست و یکم اردیبهشت طی یک نطق رادبوعی برنامه دولت خود را شرح داد و ضمن این نطق متذکر گردید که افراد ملت باید کمر بندهای خود را سفت کنند . اجرای اصلاحات ارضی در مکانیزه کردن کشاورزی و تاسیس موسسات بهداشتی و بوجود آوردن امکاناتی برای تعلیم کشاورزی ، تاسیس و استقرار موسسات مالی در روستاها و تشویق روستائیان به ایجاد شرکتهای تعاونی و بالاخره واگذار کردن امور هرده بخود روستائیان از رئوس برنامه دولت اعلام شد .

با روی کار آمدن دولت جدید ، پاره‌ای دستجات سیاسی که تا اینزمان فعالیت علنی نداشتند ، آشکارا شروع بفعالیت کردند و دانشگاه که پس از ۶۶ روز تعطیل در چهاردهم فروردین ماه از نو دائر شده بود ، خصوصاً محیط فعالیت‌های سیاسی قرار گرفت . بطوریکه هرروز ببهانه‌ای دانشگاه متشنج و کلاسها گاهی دائر و گاهی تعطیل بود . وعده‌ای از استادان جرأت حضور در دانشگاه نداشتند و عده‌ای دیگر در محیط دانشگاه مورد اهانت قرار گرفتند تا بالاخره در اول بهمن ماه حادثه معروف دانشگاه بوقوع پیوست و دستجاتی که دانشگاه

را مساعدترین محیط جهت تامین مقاصد خود میدانستند غائله‌ای در محوطه دانشگاه ایجاد کردند و این غائله سبب شد دانشگاه نیز مانند مجلسین برای مدتی نامعلوم تعطیل شود و زحمات یکساله دانشجویان عاطل و باطل گردد.

حادثه اول بهمن، بیهانه همدردی با سه تن دانش‌آموز اخراجی دارالفنون ایجاد گشت و طی زد و خوردی که بین تظاهرکنندگان و قوای انتظامی روی داد خسارات عمده‌ای بتاسیسات دانشگاه وارد شد و دولت در اعلامیه‌ای خاطر نشان ساخت که این حادثه بتحریرک ملاکین و متنفذین ایجاد شده است و متعاقب آن عده‌ای توقیف شدند.

دولت دکتر امینی که شعار مبارزه با فساد را یکی از مواد اصلی برنامه خود اعلام داشته بود طی سال ۱۳۴۰ عده‌ای از سرشناسان را بعنوان گوناگون بازداشت کرد.

روز بیست و چهارم اردیبهشت، یعنی یک هفته بعد از تشکیل دولت اعلام شد شب گذشته چهارتن از امرای ارتش که دارای مناصبی بوده‌اند بعلت سوءاستفاده از مقام و حیف و میل اموال دولتی بازداشت شده‌اند. این چهارتن عبارت بودند از: سپهبد حاجعلی کیا رئیس سابق اداره دوم ستاد بزرگ ارتش داران - سپهبد مهدیقلی علوی مقدم وزیر سابق کشور - سر لشکر علی اکبر ضرغام وزیر سابق گمرکات - سرتیپ روح‌الله نویسی رئیس شیلات.

اما لازمست یادآوری نمود که پس از محاکمه مفصلی که بپاگردید و دفاع پرسروصدائی که سپهبد کیا انجام داد و از مکتب میهن پرستی خود سخن راند وی تبرئه شد.

روز ۲۸ خرداد، سپهبد آزموده رئیس سابق دادرسی علیه دولت دکتر امینی بعنوان مخالفت و ضدیت علیه حکومت ملی اعلام جرم کرد. لکن باستناد مطالبی که سپهبد آزموده در ورقه اعلام جرم ذکر کرد، بود، خود او بعنوان اهانت بمقام سلطنت در روز ۲۹ خرداد بازداشت شد. روز هفتم تیر، آقای احمد آرامش وزیر مشاور کابینه مهندس شریف امامی بخاطر مصاحبه‌ای که در باره سیاست خارجی کشور بعمل آورده بود بازداشت شد.

روز بیستم آبان، قرار بازداشت آقای ابوالحسن ابتهاج مدیر عامل سابق سازمان برنامه از طرف بازپرس دیوانکیفر صادر گشت.

روز بیست و چهارم همان ماه نیز آقای فتح‌الله فرود شهردار سابق تهران توقیف گردید.

دکتر امینی که از ابتدا امر به دوستی با آمریکاییها تظاهر میکرد کوشش زیادی بکار میبرد تا توجه آمریکاییها را به برنامه‌های اصلاحی خود جلب کند و از کمک مادی آنها

برخوردار شود. لکن این تلاش تا روز آخر عمر دولت به نتیجه نرسید. در حالیکه روابط ایران و شوروی در تمام این مدت آمیخته بکدورت بود. محاکمه پر سرصدای سپهبد کیا، که بعنوان سرفصل محاکمات بزرگ قلمدار شده بود روز سیام اردیبهشت در تالار بزرگ محکمه جنائی آغاز شد و روز پنجم تیرماه محکمه‌رای خود را دائر به دوسال حبس درمورد سپهبد کیا صادر کرد ولی دادگاه بعدی او را تبرئه کرد.

از طرفی سپهبد علوی مقدم و سرلشکر ضرغام و سپس آقای ابتهاج نیز بعد از چند ماه بازداشت بتدریج از زندان آزاد شدند. لکن روز ۲۳ فروردین رئیس دادرسی ارتش اعلام کرد که بدنبال اوامرشاهنشاه جهت مبارزه بافساد گارد ارتش سرلشکر دفتری رئیس سابق تسلیحات و سرلشکر خزاعی رئیس سابق اردنانس و چند تن دیگر از اعضای اداره مزبور بعنوان سوءاستفاده در خریدهای ارتش بازداشت شده‌اند.

روز دوشنبه نهم مهرماه رای دادگاه ویژه نظامی درباره متهمین اخیر صادر شد و سرلشکر خزاعی به پنجسال حبس مجرد و استرداد خسارات مالی دولت، سرهنگ شش‌پره و سرهنگ نیاکیان هرکدام به پنجسال مجرد و دوسرهنگ و یک سروان دیگر هر یک به شش ماه حبس محکوم شدند.

همچنین روز پنجم آذرماه ارتشبد هدایت رئیس سابق ستاد بزرگ ارتشداران باتهام سوءاستفاده بازداشت گردید.

وقتی دولت امینی از افزایش کمک‌های آمریکا و دریافت وام جدید از آنکشور مایوس شد. دکتر امینی در صد برابر آمد برای جلب کمک سایر دول غربی نسبت بطرحهای عمرانی برنامه سوم اهتمام کند و از اینرو به اروپا سفر کرد و مذاکراتی با مکملان آدنائر و ژنرال دوگل بعمل آورد اما از این مذاکرات نیز نتیجه‌ای بدست نیامد.

در ماههای سوم و چهارم سال، مشکل کسر بودجه و بحران اقتصادی در راس سایر مسائل و مشکلات داخلی بطور جدی در مقابل دولت عرض وجود میکرد و با آنکه در جلسات متعدد و طولانی بودجه کل کشور از طرف هیئت دولت مورد شور و مطالعه قرار گرفت سرانجام شب ۲۴ تیرماه، در ضیافتی که از طرف تربیت بدنی به افتخار قهرمانان برپا شده بود نخست وزیر بالصراحه اظهار داشت. "چنانکه کار بودجه درست نشود استعفا میکنم." این قول روز بیست ششم تیر ماه بفعل پیوست و دکتر امینی از کار کناره گرفت، در

حالیکه بهنگام استعفا از فرط تاثر دولتی را که در ظاهر و باطن بدان اتکاء داشت مورد حمله قرار داد و گله کرد که بوی کمک نشده است .

### روابط ایران و شوروی

بهرتقدیر دکتر امینی کنار رفت و روز بیست و هشتم تیرماه آقای اسداله‌اعلم مامور تشکیل کابینه گشت ، دکتر امینی یکسال و دوماه زمامداری کرد .  
روز چهارشنبه سوم مهرماه درجشن ملی سفارت لهستان آقای اعلم مدتی با پکوف سفیر شوروی بمذاکره پرداخت و این مذاکرات بمنزله طلّیعه ایجاد حسن تفاهم مابین دو کشور تلقی شد .

روزپنجشنبه هیجدهم امرداد موافقتنامه بازرگانی ایران و شوروی بامضاء رسید و بالاخره دربیست و چهارم شهریورماه یادداشتهای متبادله بین ایران و شوروی انتشاریافت ، بموجب این یادداشتهای که فصل تازه‌ای در مناسبات دوستانه ایران و شوروی گشود .  
دولت ایران اطمینان داده بود که اجازه احداث پایگاه موشکی درایران بهیچ‌کشوری داده نخواهد شد ، دولت شوروی نیز متقابلاً ازنیات صلحخواهانه شاهنشاه و دولت ایران سپاسگزاری کرد .

### کنگره عظیم کشاورزی

روز سه شنبه هیجدهم دیماه نخستین کنگره عظیم دهقانان ایران با شرکت ۳۵۰۰ تن از نمایندگان شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی روستائی سراسرکشوردرتالار محمدرضاشاه پهلوی تشکیل شد .

در این کنگره عظیم نمایندگان دهقانان با لباسهای محلی شرکت کرده بودند و یک بانوی روستائی بنام ماه سلطان نیز از زارعین کرد بود در کنگره شرکت داشت .  
در نخستین جلسه کنگره دهقان ۹۳ ساله‌ای بریاست انتخاب شد و روز چهارشنبه نوزدهم دیماه شاهنشاه درکنگره بزرگ دهقانان حضوریافته طی یک جلسه پرشور و هیجان انگیز نطق تاریخی خود را ایراد فرمودند .

ضمن این بیانات که میتوان آن را نقطه عطف معاصر ایران شمرد ، شاهنشاه منشور ششگانه خود را بشرح زیر اعلام داشتند :



- ۱ - الغاء رژیم ارباب - رعیتی و تصویب قانون اصلاحات ارضی و ملحقات آن .
  - ۲ - لایحه قانون ملی شدن جنگلها در سراسر کشور .
  - ۳ - لایحه قانونی فروش سهام کارخانجات دولتی بعنوان پشتوانه اصلاحات ارضی .
  - ۴ - لایحه قانون سهام کردن کارگران در سود کارخانجات .
  - ۵ - لایحه قانونی تشکیل سپاه دانش .
- روز یکشنبه بیست و سوم دیماه اعلام شد که روز ششم بهمن لوایح ششگانه شاهنشاه بمعرض مراجعه به آراء عمومی گذارده خواهد شد .
- شب پیش از آن شاهنشاه در سلطنت آباد که محل اقامت دهقانان بود حضور یافته با آنها شام خوردند و از یامداد روز شنبه ششم بهمن ، مراجعه به آراء عمومی و شهرستانها آغاز شد و تا شامگاه ادامه یافت .
- صبح آنروز بر اثر مراجعات مکرر بانوان ، دولت موافقت خود را با شرکت زنان در امر مراجعه به آراء عمومی اعلام داشت لکن رای آنها بحساب نیامد در نتیجه مراجعه به آراء عمومی منشور ششگانه شاهنشاه با ۵/۵۹۸/۷۱۱ رای موافق در مقابل ۴۱۱۵ مخالف بتصویب ملت ایران رسید بانوان ۳۷۱/۱۷۹ رای بصندوقهای مخصوص خود ریخته بودند .
- روز یکشنبه چهاردهم بهمن ماه فرمان شاهنشاه درباره اجرای لوایح ششگانه انتشار یافت و باینترتیب فصل نوینی در تاریخ معاصر ایران گشوده شد .
- بدون تردید بیان تاریخ چند ساله اخیر ضرورتی ندارد زیرا همه مردم از آنچه در این چند سال گذشته بخوبی با خبر هستند و میدانند که انقلاب سفید شاه و مردم چه دگرگونی و تحول عمیقی در زندگانی ایرانیان بوجود آورده است . اما از آن نظر که این کتاب تاریخی است در باره وقایع بیست و پنج ساله ذکر چندین مورد ضروریست .
- وقایع چند ساله را مجملا در چند سطر زیر میتوان خلاصه کرد .
- ۱ - دولت آقای اعلم تا روز هفدهم اسفندماه ۱۳۴۲ مصدر کار بود و انتخابات دوره بیست و یکم پس از اصلاح در این دولت انجام گرفت و برای اولین بار بوسیله این انتخابات قیافه های تازه ای بمجلس راه پیدا کردند .
  - ۲ - در روز ۱۷ اسفند ۱۳۴۲ مرحوم حسنعلی منصور نماینده مجلس و رهبر " کانون مترقی " که بعداً به حزب ایران نوین تبدیل یافت مامور تشکیل دولت شد . در این دولت چند وزارتخانه جدید نیز بوجود آمد مانند وزارت آب و برق - وزارت مسکن و وزارت

فرهنگ و هنر .

۳- در روز اول بهمن ۱۳۴۳ منصور مورد سوء قصد قرار گرفت و در روز ششم بهمن "امیرعباس هویدا" مامور تشکیل دولت شد و او را نیز با همان کابینه دولت مرحوم حسنعلی منصور مصدر گردید و در حال حاضر زمام امور را در دست دارد .  
در مورد دولتهای هویدا و شخص هویدا این اشارات را داریم :

بیش از ۱۶ سال و دوماه نداشت که دیپلم متوسطه خود را از مدرسه فرانسویان بیروت دریافت کرد ، هشت سال بعد - ۱۳۲۲ - در وزارت امور خارجه ایران استخدام شد و اولین ابلاغ خود را با این مضمون دریافت داشت :

آقای امیر عباس هویدا

از تاریخ ۱۳۲۲/۶/۱۲ با سمت کارمندی در دفتر وزارتی منصوب میشوید .

هویدا نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران ، روز بیست و نهم بهمن ماه ۱۲۹۷ در تهران متولد شد و همراه پدرش حبیباله هویدا ( عین الملک ) به بیروت عزیمت کرد .

امیرعباس - تعلیمات ابتدائی و متوسطه را در لبنان ( جزو محصلین خوب و با استعداد بود ) بپایان رساند و زیر نظر پدر - با اصول تمدن غرب آشنا شد .

هویدا ضمن انجام خدمات ، دولتی در سالهای بعد - موفق شد تا از دانشگاه آزاد " بروکسل " اخذ لیسانس علوم سیاسی ، نایل شود .

هویدا در طول پانزده سال خدمت در کادر سیاسی وزارت امور خارجه " یک دور تسبیح " در مشاغل گوناگون انجام وظیفه کرده است .

پاریس - اشتونگارت - نیویورک - سازمان ملل و آنکارا از جمله شهرهای بزرگ است که هویدا با عناوین کنسولی و کمیساری و دبیری و رایزنی در طول خدمات دیپلماسی خود ، سرگرم کار بوده است .

امیرعباس هویدا در سال ۱۳۳۷ از وزارت امور خارجه به شرکت ملی نفت ایران منتقل شد . اولین پست او سرپرستی سازمان امور اداری این شرکت بود که پس از چند ماه ، به عضویت هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران درآمد .

هویدا در اسفند ماه سال ۴۲ در کابینه حسنعلی منصور بسمت وزیر دارائی تعیین گشت. حدود یکسال بعد (هفتم بهمن ۱۳۴۳) امیر عباس هویدا به نخست وزیری ایران منصوب و اولین کابینه خود را تشکیل داد.

هویدا اهل مطالعه و سرشار از ذوق و بینش گسترده ایست. به زبان های عربی، انگلیسی، فرانسه و تاحدی آلمانی تسلط دارد.

در سال ۱۳۴۵ با خانم لیلا امامی ازدواج کرد و حدود پنج سال بعد، براساس رای دادگاه حمایت خانواده از همسرش جدا شد.

گل ارکیده و عصا و پیپ و سوار شدن در اتومبیل های ساخت ایران، از مشخصات ظاهری هویدا است.

نخست وزیر با استعداد ایران، از هوش و سرعت انتقال کم نظیری برخوردار است و میگوید: "همیشه سه دقیقه زودتر از اطرافیانش فکر میکند."

#### اولین کابینه هویدا

هویدا از روز هفتم بهمن ۱۳۴۳ شروع بکارکرد و کابینه خود را روز ۱۱ بهمن ۱۳۴۳ به دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی معرفی کرد. در کابینه اول هویدا - وزیر دارائی معرفی نشد و خودسرپرستی آنرا تا معرفی وزیر جدید به عهده گرفت. وزرائی که در اولین کابینه هویدا عضویت داشتند عبارت بودند از:

دکتر باقر عاملی "دادگستری"، عباس فرام "خارجہ"، دکتر جواد صدر "کشور"، سپهبد اسداله صنیعی "جنگ"، مهرداد پهلبد "فرهنگ و هنر"، دکتر هادی هدایتی "آموزش و پرورش"، مهندس حسن شالچیان "راه"، دکتر جمشید آموزگار "بهداری"، فتح‌اله‌ستوده "پست و تلگراف و تلفن"، دکتر عالیخانی "اقتصاد"، سپهبدریاحی "کشاورزی"، عطاءالله خسروانی "کار"، سرلشکر حسن پاکروان "اطلاعات"، دکتر هوشنگ نهاوندی "آبادانی و مسکن"، مهندس منصور روحانی "آب و برق"، دکتر منوچهر گودرزی "مشاور و مدیر کل امور استخدامی"، دکتر ناصر یگانه "مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیر"، دکتر محمود کشفیان، دکتر محمد نصیری، دکتر عبدالعلی جهانشاهی "مشاور"، دکتر قاسم رضائی معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان جلب سیاحان، دکتر غلامرضانیکپی "معاون نخست وزیر"، سپهبد نعمت‌الله نصیری "معاون نخست وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و

امنیت کشور".

### هویدای متزلزل

هویدا از روز هفتم بهمن ۱۳۴۲ آغاز بکار کرد. در شروع بکار تصور میشد که دوره حکومت هویدا سه تا ۴ ماه بیشتر طول نخواهد کشید و بعد از عید نوروز ۱۳۴۴ جای خود را به دیگری خواهد داد. ولی هرچه زمان گذشت حکومت هویدا ثبات بیشتری پیدا کرد و تشبیت کابینه او بجائی رسید که در دوران مشروطیت ایران رکورد مدت نخست وزیری را شکست.

### تغییرات در سال ۱۳۴۴

در ۱۴ اردیبهشت ۴۴ برای اولین بار کابینه هویدا ترمیم شد بدین ترتیب که دکتر منوچهر شاهقلی بجای دکتر جمشید آموزگار بعنوان وزیر بهداری و دکتر جمشید آموزگار بجای خود نخست وزیر که عهده دار وزارت دارائی بود بعنوان وزیر دارائی - به مجلس معرفی شد.

### تغییرات کابینه در سال ۱۳۴۵

سال ۱۳۴۵ نیز چهار وزیر کابینه به مجلس معرفی شد. مهندس عبدالرضا انصاری در ۲۳ تیر بعنوان وزیر کشور بجای دکتر صدر - هوشنگ انصاری بجای سرلشکر حسن پاکروان بعنوان وزیر اطلاعات و دکتر غلامرضا نیکبئی بعنوان وزیر مشاور معرفی شدند. در ۲۹ دی ماه نیز مهندس اردشیر زاهدی بجای عباس آرام بوزارت خارجه معرفی شد.

### تغییرات کابینه در سال ۴۶

جواد منصور در چهارم خرداد ۴۶ بجای هوشنگ انصاری بعنوان وزیر اطلاعات معرفی شد - دکتر عبدالمجید مجیدی نیز بعنوان معاون نخست وزیر و رئیس دفتر بودجه معرفی شد.

### مجلس ۲۲ و کابینه دوم هویدا

هویدانا کون برای ترمیم کابینه خود دست به استعفاء نزده است و هر بار که تصمیم به ترمیم گرفته چند وزیر را از کابینه خارج و چند وزیر را وارد کابینه کرده است. فقط یک بار در مهر ۱۳۴۶ استعفاء داد آنهم طبق یک سنت معمول بود.

کابینه دوم هویدا باین شرح به مجلس معرفی گردید:

دکتر جواد صدر "دادگستری" مهندس اردشیر زاهدی "خارجہ" سپہبد صنیعی "جنگ" دکتر جمشید آموزگار "دارائی" مہر داد پهلبد "فرہنگ و ہنر" دکتر ہادی ہدایتی "آموزش و پرورش" دکتر مجید رہنما "علوم و آموزش عالی" شالچیان "راہ" دکتر شاہقلی "بہداری" ستودہ "پست و تلگراف و تلفن" عالیخانی "اقتصاد" دکتر حسن زاهدی "کشاورزی" دکتر مجیدی "تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی" مهندس ناصر گل سرخی "منابع طبیعی" دکتر ولیان "اصلاحات ارضی و تعاون روستائی" خسروانی "کار" جواد منصور "اطلاعات" نہاوندی "آبادانی و مسکن" روحانی "آب و برق" گودرزی "مشاور و مدیر کل امور استخدائی" دکتر نصیری و دکتر کشفیان "مشاور" ناصر یگانہ "وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیر" دکتر غلامرضا نیک پی "وزیر مشاور و معاون اجرائی نخست وزیر" دکتر حسین کاظم زادہ "معاون نخست وزیر و رئیس دفتر مرکزی بودجہ" سپہبد نعمت اللہ نصیری "معاون نخست وزیر و رئیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور" دکتر قاسم رضائی "معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان جلب سیاحان" وزیر کشور نیز معرفی نشد .

#### تغییرات کابینہ در سال ۴۷

ہویدا بعد از مہرمہ ۱۳۴۶ تا آبان ۱۳۴۷ با اعضای ہیئت دولت خود کہ بہ مجلس معرفی کردہ بود - کار میکرد تا اینکہ از سال ۴۷ بعد از تغییراتی باین شرح در کابینہ خود داد : دکتر ہادی ہدایتی در ۲۲ آبان ۴۷ بسمت وزیر مشاور - دکتر غلامرضا نیک پی بسمت وزیر آبادانی و مسکن و خانم دکتر فرخ رو پارسای بسمت وزیر آموزش و پرورش . در سوم آذر ۴۷ مهندس صفی اصفیا بسمت وزیر مشاور و نایب نخست وزیر در امور عمرانی و اقتصادی - دکتر مجیدی بسمت وزیر کار و امور اجتماعی - منوچہر پرتو بسمت وزیر دادگستری - عطاء اللہ خسروانی بسمت وزیر کشور - دکتر منوچہر گودرزی بسمت وزیر تولیدات کشاورزی - دکتر حسین کاظم زادہ بسمت وزیر مشاور و دبیر کل استخدائی ، معرفی شدند .

در ۱۳ بہمن ۴۷ نیز دکتر علی ہزارہ بسمت معاون نخست وزیر و رئیس دفتر بودجہ بہ مجلس شورای ملی معرفی شد .

#### تغییرات کابینہ در سال ۱۳۴۸

در ۲۳ شہریور ۴۸ ہوشنگ انصاری بعنوان وزیر اقتصاد دکتر حسن زاهدی بعنوان وزیر کشور - دکتر محمد یگانہ بعنوان وزیر آبادانی و مسکن - دکتر ایرج وحیدی بعنوان

وزیر کشاورزی به مجلس معرفی شدند ۳ وزیر از کابینه خارج شدند: عالیخانی - خسروانی - دکتر نهبانندی.

#### تغییرات در سال ۱۳۴۹

در هفتم تیر ۱۳۴۹ دکتر کورس آموزگار بسمت وزیر آبادانی و مسکن معرفی شد. در سیزدهم دیماه سپهبد اسداله صنّعی وزیر جنگ بسمت وزیر تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی - دکتر منوچهر گودرزی بسمت وزیر مشاور و مسئول هم آهنگ کردن طرح مربوط به حمل و نقل و ارتشید رضا عظیمی بسمت وزیر جنگ معرفی شدند. در ۲۵ بهمن ۴۹ دکتر حسین کاظم زاده عنوان وزیر علوم و آموزش عالی را بدست آورد و به مجلس شورای ملی معرفی گردید.

#### تغییرات در سال ۵۰

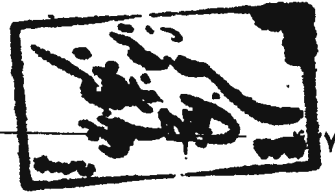
دکتر ولیان در ۱۴ فروردین ۱۳۵۰ بسمت وزیر تعاون و امور روستاها و در ۲۹ فروردین همین سال دکتر محمد سام بسمت وزیر اطلاعات بحضور شاهنشاه آریامهر معرفی گردید. مجلس بیست و سوم (کابینه سوم هویدا) در ۲۸ شهریور ۱۳۵۰ - هویدا کابینه خود را باین شرح به مجلس معرفی کرد:

آموزگار "دارائی"، خلعت بری "خارجه" پهلید "فرهنگ و هنر" شالچیان "راه" کشفیان "مشاور و دبیرکل سازمان اموراداری و استخدامی" هدایتی "مشاور و معاون اجرایی نخست وزیر"، روحانی "سرپرست وزارت کشاورزی و وزارت منابع طبیعی"، ستوده "پست و تلگراف"، شاهقلی "بهداری" صفی اصفیا "مشاور و نایب نخست وزیر در امور اقتصادی و عمرانی"، مجیدی "کار و امورا اجتماعی"، ولیان "تعاون و امور روستاها و سرپرست وزارت تولیدات کشاورزی" خانم پارسا "آموزش و پرورش" حسین کاظم زاده "آموزش عالی"، وحیدی "آب و برق"، کورس آموزگار "آبادانی و مسکن"، ارتشید عظیمی "جنگ" محمد سام "کشور"، قوام صدردی "مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیر"، منوچهر کلّالی "مشاور"، صادق احمدی "دادگستری" حمید رهنما "اطلاعات".

تنها در ۵ بهمن ۱۳۵۰ - علی هزاره بسمت معاون نخست وزیر و رئیس دفتر بودجه به مجلس معرفی شد.

#### تغییرات در سال ۵۱

نیم ستم سلطنت بردها



کابینه هویدا طی سال ۱۳۵۱ تنها دو تغییر داشت و آن معرفی مهندس امیر قاسم هینینی بجای مجیدی بسمت وزیر کار و امور اجتماعی و معرفی دکتر مجیدی بسمت وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه بوده است .

### تغییرات سال ۵۲

در سال ۱۳۵۲ نیز دو وزیر جدید به کابینه راه یافتند و آن مهندس جواد شهرستانی بود که در یکم آبان بسمت وزیر راه و پرفسور انوشیروان پویان بسمت وزیر بهداری معرفی گردید .

### بیشترین تغییر در سال ۵۴

کابینه هویدا در سال ۱۳۵۳ تغییرات وسیعی داشت و ۱۳ وزیر جایجا شدند . بدین ترتیب که در دهم اردیبهشت اینسال وزرای جدید باین شرح معرفی شدند :

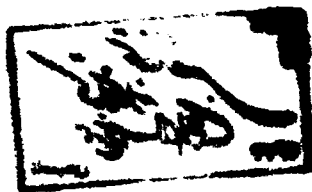
دکتر جمشید آموزگار بسمت وزیر کشور و سرپرست سازمان امور اداری و استخدامی کشور - هوشنگ انصاری بسمت وزیر امور اقتصادی و دارائی - ایرج وحیدی بسمت وزیر نیرو - دکتر غلامرضا کیانیور بسمت وزیر اطلاعات و جهانگردی - رضا صدقیانی بسمت وزیر تعاون و امور روستاها - فرخ نجم آبادی بسمت وزیر صنایع و معادن - احمد هوشنگ شریفی بسمت وزیر آموزش و پرورش - عبدالحسین سمیعی بسمت وزیر علوم و آموزش عالی - کریم هتمدی بسمت وزیر پست و تلگراف و تلفن - فریدون مهدوی بسمت وزیر بازرگانی - همایون جابری انصاری بسمت وزیر مسکن و شهرسازی - دکتر شجاع الدین شیخ الاسلام زاده به سمت وزیر راه اجتماعی و نیز دکتر عزت الهی زدان پناه بسمت وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیر معرفی شدند .

کتابخانه  
موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی

کتابخانه  
موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی  
۱۳۶۵  
شماره ثبت ۵۶۴۵





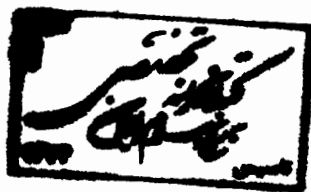


### درباره مؤلف :

"منوچهر شوکت صدری" از چهره‌های آشنای شهر اصفهان است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در نصف جهان بپایان رسانده و هنوز جوان بود که فعالیت‌های اجتماعی خود را آغاز کرد. او معتقد است که اجتماع به نیروی جوان و فکر جوان نیاز دارد و از پیروان مومن و معتقد به اصول انقلاب شاه و مردم است. خود را یکی از سربازان ناچیز این انقلاب قلمداد می‌کند و از افتخاراتش آنست که بهنگام قیام ملی ۲۸ مرداد، در اصفهان شرکت داشته است. خودش می‌گوید: من در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که در خون و رگ آنها، عشق بوطن و عشق به خاندان سلطنت عجین شده است. فرزندانم را نیز چنین تربیت کرده‌ام و چنین اندیشه‌یی، از پدران ما به من و خانواده‌ام ارث رسیده است.

گرچه پنجاه سال سلطنت بر دلها، اولین اثر تحقیقی "منوچهر شوکت صدری" بشمار می‌آید. با اینحال او دارای تالیفات دیگری هم هست که بیش از هر چیز این تالیفات در مسائل تاریخی است.

دیروز و امروز نام یکی از نوشته‌های او است که مربوط به مقایسه پادشاهان و رجال قاجار با اعمال ناشی از انسان دوستی دودمان پهلوی و رجال دوران این عصر درخشان است. دیگر از آثار او "کتاب انسانیت" است که در این کتاب اندیشه‌ها و کردار خیرخواهانه رهبر خردمند ما و خاندان جلیل سلطنت گردآوری شده است. سومین اثر او به بررسی درباره "عصر دوران انقلاب" اختصاص دارد و در این کتاب فلسفه مارکسیسم و مقایسه آن با انقلاب سفید ایران مورد موشکافی قرار گرفته است. "سازمان انتشارات مستند" بزودی این آثار را در سال آینده بمناسبت جشن‌های بزرگداشت پنجاه سال سلطنت خاندان پهلوی منتشر می‌کند.



انتشارات مستند منتشر می کند:

# کارنامه هویدا

يك اثر تحقیقی و جالب از:

منوچهر شوکت صدری

گزارش کاملی از کوشش‌های دولت هویدا ، همراه با معرفی

و بیوگرافی اعضای کابینه‌های مختلف حکومت ۱۲ ساله هویدا

که مجموعه کاملی از تاریخ چند سال اخیر می باشد .